



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

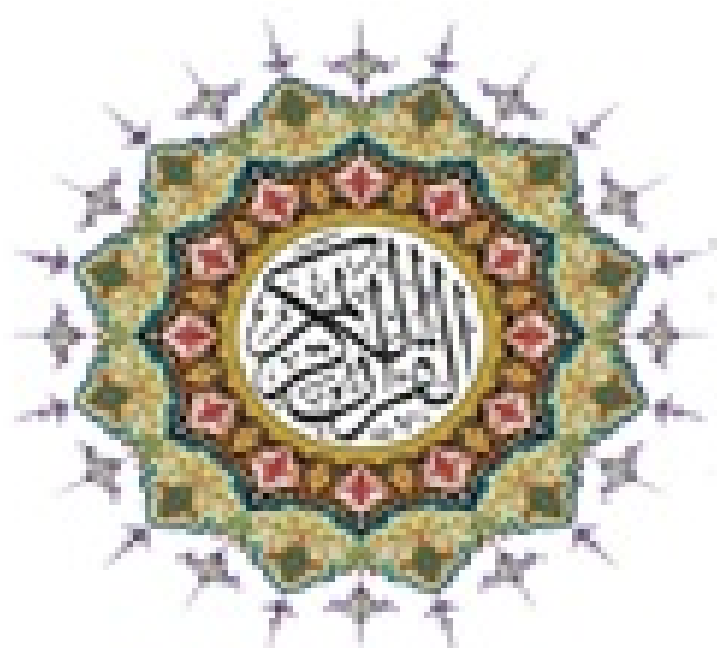
گامی



عمران  
علیه السلام

www. **Ghaemiyeh** .com  
www. **Ghaemiyeh** .org  
www. **Ghaemiyeh** .net  
www. **Ghaemiyeh** .ir

# علم مفاهیم شناسی در قرآن



جلد ۹۳

رسول ملکیان اصفهانی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

# علم مفاهيم شناسي در قرآن سري جديد جلد 93

نويسنده:

رسول ملكيان اصفهاني

ناشر چاپي:

مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

## فهرست

۵	فهرست
۴۹	علم مفاهیم شناسی در قرآن سری جدید جلد ۹۳
۴۹	مشخصات کتاب
۴۹	۱- مرگ
۴۹	۱- مرگ
۵۵	۲- آثار ترس از مرگ
۵۵	۳- آثار تعقل در مرگ
۵۷	۴- آثار تفکر در مرگ
۵۷	۵- آثار ذکر استمرار مرگ
۵۷	۶- آثار ذکر مرگ
۶۱	۷- آثار سکرات مرگ
۶۳	۸- آثار علم به مرگ
۶۳	۹- آثار مرگ
۷۰	۱۰- آثار مرگ انبیا
۷۱	۱۱- آثار مرگ با غفلت
۷۱	۱۲- آثار مرگ با کفر
۷۳	۱۳- آثار مرگ بی توبه
۷۳	۱۴- آثار مرگ ظالمان
۷۳	۱۵- آثار مرگ فرزندان
۷۵	۱۶- آثار مرگ فرعونیان
۷۵	۱۷- آثار مرگ کافران
۷۵	۱۸- آثار مرگ گمراهان
۷۶	۱۹- آثار مرگ محمد(صلی الله علیه و آله)
۷۷	۲۰- آثار مرگ مشرکان

- ۷۷ ..... ۲۱- آثار مواجهه با مرگ
- ۷۷ ..... ۲۲- آرزوی مرگ
- ۸۳ ..... ۲۳- آرزوی مرگ برای دشمنان دین
- ۸۳ ..... ۲۴- آرزوی مرگ جهنمیان
- ۸۳ ..... ۲۵- آرزوی مرگ محمد(صلی الله علیه و آله)
- ۸۵ ..... ۲۶- آرزوی مرگ مؤمنان
- ۸۵ ..... ۲۷- احساس خطر مرگ
- ۸۷ ..... ۲۸- ارزش مرگ مهاجران
- ۸۷ ..... ۲۹- استمرار مرگ
- ۸۷ ..... ۳۰- استمهال هنگام مرگ
- ۸۸ ..... ۳۱- اقرار به تعدد مرگ
- ۸۹ ..... ۳۲- اقرار به مرگ
- ۸۹ ..... ۳۳- الوهیت و مرگ
- ۸۹ ..... ۳۴- امتحان با مرگ
- ۹۱ ..... ۳۵- امتحان با مرگ فرزند
- ۹۱ ..... ۳۶- امکان تعجیل در مرگ
- ۹۱ ..... ۳۷- امکانات مادی هنگام مرگ
- ۹۱ ..... ۳۸- امنیت هنگام مرگ
- ۹۳ ..... ۳۹- انتظار مرگ محمد(صلی الله علیه و آله)
- ۹۳ ..... ۴۰- انذار از مرگ
- ۹۳ ..... ۴۱- انسان پس از مرگ
- ۹۷ ..... ۴۲- انسان ها پس از مرگ
- ۹۹ ..... ۴۳- انفاق قبل از مرگ
- ۹۹ ..... ۴۴- اولیاء الله و مرگ
- ۹۹ ..... ۴۵- اهمیت مرگ
- ۹۹ ..... ۴۶- اهمیت وقت مرگ

- ۴۷- ایمان هنگام مرگ ..... ۱۰۱
- ۴۸- بدن پس از مرگ ..... ۱۰۱
- ۴۹- بهشتیان و مرگ ..... ۱۰۱
- ۵۰- بی تأثیری استمهال هنگام مرگ ..... ۱۰۳
- ۵۱- بی تأثیری فرار از مرگ ..... ۱۰۳
- ۵۲- بیهوشی هنگام مرگ ..... ۱۰۳
- ۵۳- تجدید مرگ کافران ..... ۱۰۳
- ۵۴- تداوم مرگ ..... ۱۰۴
- ۵۵- ترس از مرگ ..... ۱۰۵
- ۵۶- ترس یهود از مرگ ..... ۱۰۹
- ۵۷- ترسناکی مرگ ..... ۱۰۹
- ۵۸- تشبیه به مرگ ..... ۱۰۹
- ۵۹- تشبیه مرگ ..... ۱۱۱
- ۶۰- تعداد مرگ ..... ۱۱۱
- ۶۱- تعداد مرگ انسان ..... ۱۱۱
- ۶۲- تعدد ملائکه مرگ ..... ۱۱۳
- ۶۳- تعقل در مرگ ..... ۱۱۳
- ۶۴- تعیین مرگ ..... ۱۱۴
- ۶۵- تغییر کیفیت مرگ ..... ۱۱۵
- ۶۶- تفاوت مرگ انسان ها ..... ۱۱۵
- ۶۷- تقدیر مرگ ..... ۱۱۵
- ۶۸- تکامل پس از مرگ ..... ۱۱۹
- ۶۹- توبه پس از مرگ ..... ۱۱۹
- ۷۰- توبه قبل از مرگ ..... ۱۲۱
- ۷۱- توبه هنگام مرگ ..... ۱۲۱
- ۷۲- جایگاه مرگ ..... ۱۲۱

- ۱۲۳ ----- ۷۳- جواز آرزوی مرگ
- ۱۲۳ ----- ۷۴- جهنمیان و مرگ
- ۱۲۳ ----- ۷۵- حتمیت مرگ
- ۱۳۴ ----- ۷۶- حتمیت مرگ امت ها
- ۱۳۵ ----- ۷۷- حتمیت مرگ انسان
- ۱۳۵ ----- ۷۸- حتمیت مرگ انسان ها
- ۱۳۵ ----- ۷۹- حتمیت مرگ کافران
- ۱۳۷ ----- ۸۰- حتمیت مرگ مشرکان
- ۱۳۷ ----- ۸۱- حرکت به سوی مرگ
- ۱۳۷ ----- ۸۲- حقانیت مرگ
- ۱۳۷ ----- ۸۳- حقیقت مرگ
- ۱۵۲ ----- ۸۴- حیات پس از مرگ
- ۱۵۵ ----- ۸۵- خالق مرگ
- ۱۵۵ ----- ۸۶- خدا و مرگ
- ۱۵۵ ----- ۸۷- خطر مرگ یعقوب(ع)
- ۱۵۵ ----- ۸۸- درجات پس از مرگ
- ۱۵۷ ----- ۸۹- درخواست مرگ
- ۱۵۷ ----- ۹۰- دعوت به درخواست مرگ
- ۱۵۷ ----- ۹۱- دلایل تقدیر مرگ
- ۱۵۹ ----- ۹۲- ذکر مرگ
- ۱۵۹ ----- ۹۳- رؤیت ملائکه مرگ
- ۱۶۱ ----- ۹۴- زمینه استمرار مرگ
- ۱۶۱ ----- ۹۵- زمینه تعجیل در مرگ
- ۱۶۱ ----- ۹۶- زمینه غفلت از مرگ
- ۱۶۱ ----- ۹۷- زمینه فراموشی مرگ
- ۱۶۳ ----- ۹۸- زمینه مرگ با کفر



- ۹۹-زمینه مرگ دشمنان ..... ۱۶۳
- ۱۰۰-زمینه مرگ یعقوب(ع) ..... ۱۶۳
- ۱۰۱-زمینه نجات از سختی مرگ ..... ۱۶۵
- ۱۰۲-زندگی پس از مرگ ..... ۱۶۵
- ۱۰۳-سختی مرگ ..... ۱۶۵
- ۱۰۴-سختی مرگ سست ایمانان ..... ۱۶۷
- ۱۰۵-سختی مرگ ظالمان ..... ۱۶۷
- ۱۰۶-سختی مرگ فرزند ..... ۱۶۷
- ۱۰۷-سختی مرگ منافقان ..... ۱۶۹
- ۱۰۸-سختی مرگ همسر ..... ۱۶۹
- ۱۰۹-سلامتی هنگام مرگ ..... ۱۶۹
- ۱۱۰-سلطه ملانکه مرگ ..... ۱۶۹
- ۱۱۱-شدت اندوه هنگام مرگ ..... ۱۷۱
- ۱۱۲-شگفتی مرگ مشرکان ..... ۱۷۱
- ۱۱۳-ظهور حقایق پس از مرگ ..... ۱۷۱
- ۱۱۴-ظهور حقایق هنگام مرگ ..... ۱۷۳
- ۱۱۵-عالم پس از مرگ ..... ۱۷۳
- ۱۱۶-عبرت از مرگ ..... ۱۷۳
- ۱۱۷-عبرت از مرگ ظالمان ..... ۱۷۵
- ۱۱۸-عذاب هنگام مرگ ..... ۱۷۵
- ۱۱۹-عقیده به حیات پس از مرگ ..... ۱۷۵
- ۱۲۰-علاقه به مرگ ..... ۱۷۵
- ۱۲۱-عمومیت مرگ ..... ۱۷۷
- ۱۲۲-عوامل تأخیر مرگ ..... ۱۷۹
- ۱۲۳-عوامل ترس از مرگ ..... ۱۷۹
- ۱۲۴-عوامل مرگ ..... ۱۷۹

- ۱۲۵- عوامل مؤثر در مرگ ..... ۱۸۲
- ۱۲۶- عوامل نجات از مرگ ..... ۱۸۳
- ۱۲۷- غافلان از مرگ ..... ۱۸۳
- ۱۲۸- غفلت از مرگ ..... ۱۸۳
- ۱۲۹- فاصله مرگ با قیامت ..... ۱۸۵
- ۱۳۰- فاصله مرگ تا قیامت ..... ۱۸۷
- ۱۳۱- فرار از مرگ ..... ۱۸۷
- ۱۳۲- فرار منافقان مدینه از مرگ ..... ۱۸۹
- ۱۳۳- فرار یهود از مرگ ..... ۱۸۹
- ۱۳۴- فرعون هنگام مرگ ..... ۱۹۱
- ۱۳۵- فلسفه فرار از مرگ ..... ۱۹۱
- ۱۳۶- فلسفه مرگ ..... ۱۹۱
- ۱۳۷- قانونمندی مرگ ..... ۱۹۳
- ۱۳۸- کافران پس از مرگ ..... ۱۹۵
- ۱۳۹- کافران و مرگ ..... ۱۹۵
- ۱۴۰- کافران هنگام مرگ ..... ۱۹۵
- ۱۴۱- کیفر با مرگ ..... ۱۹۷
- ۱۴۲- کیفیت مرگ ..... ۱۹۷
- ۱۴۳- گناهکاران هنگام مرگ ..... ۱۹۹
- ۱۴۴- متقین پس از مرگ ..... ۱۹۹
- ۱۴۵- مربی ملائکه مرگ ..... ۱۹۹
- ۱۴۶- مرگ ابلیس ..... ۱۹۹
- ۱۴۷- مرگ از آیات خدا ..... ۲۰۱
- ۱۴۸- مرگ اصحاب کهف ..... ۲۰۲
- ۱۴۹- مرگ امت ها ..... ۲۰۳
- ۱۵۰- مرگ انبیا ..... ۲۰۴

- ۱۵۱- مرگ انسان ..... ۲۰۷
- ۱۵۲- مرگ انسان ها ..... ۲۱۱
- ۱۵۳- مرگ اولیاء الله ..... ۲۱۷
- ۱۵۴- مرگ با شکنجه ..... ۲۱۷
- ۱۵۵- مرگ با فسق ..... ۲۱۷
- ۱۵۶- مرگ با کفر ..... ۲۱۹
- ۱۵۷- مرگ بی تقوایان ..... ۲۲۱
- ۱۵۸- مرگ پاکان ..... ۲۲۱
- ۱۵۹- مرگ پیش از موعد ..... ۲۲۱
- ۱۶۰- مرگ تدریجی انسان ها ..... ۲۲۱
- ۱۶۱- مرگ جامعه کافر ..... ۲۲۳
- ۱۶۲- مرگ جن ..... ۲۲۳
- ۱۶۳- مرگ جوامع ..... ۲۲۳
- ۱۶۴- مرگ جهنمیان ..... ۲۲۵
- ۱۶۵- مرگ خائنان ..... ۲۲۵
- ۱۶۶- مرگ در آخرت ..... ۲۲۵
- ۱۶۷- مرگ در جهنم ..... ۲۲۷
- ۱۶۸- مرگ در حج ..... ۲۲۷
- ۱۶۹- مرگ در زمین ..... ۲۲۹
- ۱۷۰- مرگ در عالم برزخ ..... ۲۲۹
- ۱۷۱- مرگ در هجرت ..... ۲۲۹
- ۱۷۲- مرگ رهبران شرک ..... ۲۳۱
- ۱۷۳- مرگ رهبران کفر ..... ۲۳۱
- ۱۷۴- مرگ زمین ..... ۲۳۱
- ۱۷۵- مرگ زودرس ..... ۲۳۳
- ۱۷۶- مرگ سلیمان(ع) ..... ۲۳۳

- ۱۷۷- مرگ ظالمان ..... ۲۳۵
- ۱۷۸- مرگ عزرائیل ..... ۲۳۵
- ۱۷۹- مرگ عزیز(ع) ..... ۲۳۵
- ۱۸۰- مرگ عصیانگران ..... ۲۳۷
- ۱۸۱- مرگ عمران ..... ۲۳۷
- ۱۸۲- مرگ عیسی(ع) ..... ۲۳۷
- ۱۸۳- مرگ فرزند ایوب(ع) ..... ۲۳۹
- ۱۸۴- مرگ فرعون ..... ۲۴۱
- ۱۸۵- مرگ قبل از پیری ..... ۲۴۱
- ۱۸۶- مرگ کافران ..... ۲۴۱
- ۱۸۷- مرگ کافران در غزوه بدر ..... ۲۴۵
- ۱۸۸- مرگ گریزی یهود ..... ۲۴۶
- ۱۸۹- مرگ گمراهان ..... ۲۴۷
- ۱۹۰- مرگ گناهکاران ..... ۲۴۷
- ۱۹۱- مرگ محمد(صلی الله علیه و آله) ..... ۲۴۹
- ۱۹۲- مرگ مریم(س) ..... ۲۴۹
- ۱۹۳- مرگ مستضعفان ..... ۲۵۰
- ۱۹۴- مرگ مشرکان ..... ۲۵۱
- ۱۹۵- مرگ معروضان از خدا ..... ۲۵۱
- ۱۹۶- مرگ مکذبان آیات خدا ..... ۲۵۳
- ۱۹۷- مرگ ملانکه ..... ۲۵۳
- ۱۹۸- مرگ منافقان ..... ۲۵۳
- ۱۹۹- مرگ موجودات ..... ۲۵۵
- ۲۰۰- مرگ موجودات آسمان ..... ۲۵۷
- ۲۰۱- مرگ مؤمنان ..... ۲۵۷
- ۲۰۲- مرگ مهاجران صدراسلام ..... ۲۵۹

- ۲۵۹ ..... ۲۰۳- مرگ همسر ایوب(ع)
- ۲۵۹ ..... ۲۰۴- مرگ یحیی(ع)
- ۲۶۱ ..... ۲۰۵- مرگ یوسف(ع)
- ۲۶۱ ..... ۲۰۶- مستحقان مرگ
- ۲۶۱ ..... ۲۰۷- مشرکان و مرگ
- ۲۶۳ ..... ۲۰۸- مصونیت از مرگ
- ۲۶۳ ..... ۲۰۹- مصیبت مرگ
- ۲۶۵ ..... ۲۱۰- معبودان باطل و مرگ
- ۲۶۵ ..... ۲۱۱- مکان مرگ
- ۲۶۵ ..... ۲۱۲- مکان مرگ شیطان
- ۲۶۵ ..... ۲۱۳- ملائکه مرگ
- ۲۷۱ ..... ۲۱۴- ملائکه و مرگ کافران
- ۲۷۱ ..... ۲۱۵- ملائکه و مرگ و مؤمنان
- ۲۷۱ ..... ۲۱۶- ممانعت از مرگ
- ۲۷۱ ..... ۲۱۷- منافقان مدینه و خطر مرگ
- ۲۷۳ ..... ۲۱۸- منافقان و مرگ
- ۲۷۳ ..... ۲۱۹- منافقان هنگام مرگ
- ۲۷۳ ..... ۲۲۰- منشأ مرگ
- ۲۹۱ ..... ۲۲۱- منشأ مرگ ابلیس
- ۲۹۱ ..... ۲۲۲- منشأ مرگ انسان
- ۲۹۱ ..... ۲۲۳- منشأ مرگ موجودات
- ۲۹۳ ..... ۲۲۴- منشأ نجات از مرگ
- ۲۹۳ ..... ۲۲۵- موقعیت اجتماعی هنگام مرگ
- ۲۹۳ ..... ۲۲۶- مؤمنان و مرگ
- ۲۹۵ ..... ۲۲۷- مؤمنان هنگام مرگ
- ۲۹۵ ..... ۲۲۸- نزدیکی مرگ

- ۲۲۹- نزدیکی ملانکه مرگ به محتضر ..... ۲۹۵
- ۲۳۰- نشانه های مرگ ..... ۲۹۷
- ۲۳۱- نعمت مرگ ..... ۲۹۷
- ۲۳۲- نقش مرگ ..... ۲۹۹
- ۲۳۳- نوح(ع) هنگام مرگ ..... ۳۰۳
- ۲۳۴- وقت مرگ ..... ۳۰۴
- ۲۳۵- ویژگیهای مرگ سلیمان(ع) ..... ۳۰۵
- ۲۳۶- ویژگیهای مرگ عیسی(ع) ..... ۳۰۵
- ۲۳۷- هدفداری مرگ ..... ۳۰۵
- ۲۳۸- یقین به حقایق پس از مرگ ..... ۳۰۷
- ۲۳۹- یهود و آرزوی مرگ ..... ۳۰۷
- ۲۴۰- یهود و مرگ ..... ۳۰۷
- ۲- مروارید ..... ۳۰۸
- ۱- تشبیه به مروارید ..... ۳۰۸
- ۲- تشبیه به مروارید پراکنده ..... ۳۰۸
- ۳- تشبیه به مروارید پنهان ..... ۳۰۸
- ۴- زیبایی مروارید ها ..... ۳۰۹
- ۵- عوامل پیدایش مروارید ها ..... ۳۰۹
- ۶- فواید مروارید ..... ۳۰۹
- ۷- منشأ پیدایش مروارید ها ..... ۳۰۹
- ۳- مریم (س) ..... ۳۱۲
- ۱- مریم (س) ..... ۳۱۲
- ۲- عیسی ابن مریم ..... ۳۱۶
- ۳- آب آشامیدن مریم(س) ..... ۳۱۶
- ۴- آثار بارداری مریم(س) ..... ۳۱۶
- ۵- آثار تلاش مریم(س) ..... ۳۱۷

- ۳۱۸ ..... ۶- آثار درد زایمان مریم(س)
- ۳۱۸ ..... ۷- آثار عفت مریم(س)
- ۳۱۸ ..... ۸- آثار فرزندیاری مریم(س)
- ۳۱۹ ..... ۹- آرزوی مریم(س)
- ۳۲۰ ..... ۱۰- آسایش دنیوی مریم(س)
- ۳۲۰ ..... ۱۱- احترام مریم(س)
- ۳۲۲ ..... ۱۲- اختفای بارداری مریم(س)
- ۳۲۲ ..... ۱۳- اختلاف مردم دوران مریم(س)
- ۳۲۲ ..... ۱۴- ادب مریم(س)
- ۳۲۲ ..... ۱۵- استعاضه مریم(س)
- ۳۲۴ ..... ۱۶- اشاره مریم(س)
- ۳۲۴ ..... ۱۷- اشتهار مریم(س)
- ۳۲۴ ..... ۱۸- اطاعت مریم(س)
- ۳۲۶ ..... ۱۹- اعتراض مریم(س)
- ۳۲۶ ..... ۲۰- اعجاز بارداری مریم(س)
- ۳۲۶ ..... ۲۱- الوهیت مریم(س)
- ۳۲۸ ..... ۲۲- امکانات مادی مریم(س)
- ۳۲۹ ..... ۲۳- اندوه مریم(س)
- ۳۳۰ ..... ۲۴- ایمان مریم(س)
- ۳۳۰ ..... ۲۵- بارداری مریم(س)
- ۳۳۲ ..... ۲۶- باروری نخل قصه مریم(س)
- ۳۳۴ ..... ۲۷- بازگشت مریم(س)
- ۳۳۴ ..... ۲۸- برادر مریم(س)
- ۳۳۴ ..... ۲۹- برگزیدگی مریم(س)
- ۳۳۸ ..... ۳۰- بشارت به مریم(س)
- ۳۴۰ ..... ۳۱- بشر بودن مریم(س)

- ۳۴۰ - ..... - ۳۲ - بشربودن مریم(س)
- ۳۴۲ - ..... - ۳۳ - بکارت مریم(س)
- ۳۴۲ - ..... - ۳۴ - بی آبی در زایمان مریم(س)
- ۳۴۲ - ..... - ۳۵ - بینش مریم(س)
- ۳۴۲ - ..... - ۳۶ - پاکی مریم(س)
- ۳۴۴ - ..... - ۳۷ - پدر مریم(س)
- ۳۴۴ - ..... - ۳۸ - پرسش از فرزندی مریم(س)
- ۳۴۴ - ..... - ۳۹ - پناهگاه مریم(س)
- ۳۴۸ - ..... - ۴۰ - تأمین آب مریم(س)
- ۳۴۸ - ..... - ۴۱ - تأمین طعام مریم(س)
- ۳۴۸ - ..... - ۴۲ - تازگی خرمای قصه مریم(س)
- ۳۵۰ - ..... - ۴۳ - تبیین قصه مریم(س)
- ۳۵۰ - ..... - ۴۴ - ترس مریم(س)
- ۳۵۰ - ..... - ۴۵ - تعجب مریم(س)
- ۳۵۲ - ..... - ۴۶ - تقرب مریم(س)
- ۳۵۲ - ..... - ۴۷ - تقوای مریم(س)
- ۳۵۲ - ..... - ۴۸ - تکاندن نخل قصه مریم(س)
- ۳۵۴ - ..... - ۴۹ - تکریم مریم(س)
- ۳۵۴ - ..... - ۵۰ - تنزیه مریم(س)
- ۳۵۵ - ..... - ۵۱ - تنهایی مریم(س)
- ۳۵۶ - ..... - ۵۲ - توصیه به مریم(س)
- ۳۵۷ - ..... - ۵۳ - تولد مریم(س)
- ۳۵۸ - ..... - ۵۴ - تهمت به مریم(س)
- ۳۶۰ - ..... - ۵۵ - تهمت زنا به مریم(س)
- ۳۶۲ - ..... - ۵۶ - ثمردهی نخل قصه مریم(س)
- ۳۶۲ - ..... - ۵۷ - جهت عبادتگاه مریم(س)



- ۵۸- حُسن پیشینه مریم(س) ..... ۳۶۲
- ۵۹- حُسن پیشینه والدین مریم(س) ..... ۳۶۴
- ۶۰- حیات مریم(س) ..... ۳۶۴
- ۶۱- خداپرستی مریم(س) ..... ۳۶۴
- ۶۲- خرما خوردن مریم(س) ..... ۳۶۶
- ۶۳- خشکی نخل قصه مریم(س) ..... ۳۶۶
- ۶۴- خضوع مریم(س) ..... ۳۶۶
- ۶۵- خواسته های مریم(س) ..... ۳۶۶
- ۶۶- خویشاوندان مریم(س) کنار مسجدالاقصی ..... ۳۶۸
- ۶۷- دعای مریم(س) ..... ۳۶۸
- ۶۸- دفاع از مریم(س) ..... ۳۶۸
- ۶۹- دلایل تنزیه مریم(س) ..... ۳۷۰
- ۷۰- دلایل عفت مریم(س) ..... ۳۷۰
- ۷۱- دلداری به مریم(س) ..... ۳۷۰
- ۷۲- دینداری مریم(س) ..... ۳۷۰
- ۷۳- رد نبوت مریم(س) ..... ۳۷۲
- ۷۴- رزق مریم(س) ..... ۳۷۲
- ۷۵- رفع نگرانی مریم(س) ..... ۳۷۳
- ۷۶- رکوع مریم(س) ..... ۳۷۴
- ۷۷- روحیات مریم(س) ..... ۳۷۴
- ۷۸- روزه سکوت مریم(س) ..... ۳۷۴
- ۷۹- روش برخورد مریم(س) ..... ۳۷۶
- ۸۰- زایمان مریم(س) ..... ۳۷۶
- ۸۱- زمان بارداری مریم(س) ..... ۳۷۸
- ۸۲- زمینه بارداری مریم(س) ..... ۳۷۸
- ۸۳- زمینه چشم روشنی مریم(س) ..... ۳۸۰

- ۳۸۰ ..... ۸۴- زمینه سرور مریم(س)
- ۳۸۰ ..... ۸۵- زمینه مریم(س) پرستی
- ۳۸۲ ..... ۸۶- سجده مریم(س)
- ۳۸۲ ..... ۸۷- سخن مریم(س)
- ۳۸۲ ..... ۸۸- سرزنش مریم(س)
- ۳۸۴ ..... ۸۹- سلامتی مریم(س)
- ۳۸۴ ..... ۹۰- شخصیت مریم(س)
- ۳۸۴ ..... ۹۱- شخصیت مریم(س) در یهود
- ۳۸۴ ..... ۹۲- شخصیت نیاکان مریم(س) در یهود
- ۳۸۶ ..... ۹۳- صداقت مریم(س)
- ۳۸۶ ..... ۹۴- ضعف مریم(س)
- ۳۸۷ ..... ۹۵- طعام مریم(س)
- ۳۸۸ ..... ۹۶- عبادت مریم(س)
- ۳۸۸ ..... ۹۷- عبادتگاه مریم(س)
- ۳۸۸ ..... ۹۸- عبرت از قصه مریم(س)
- ۳۹۰ ..... ۹۹- عزلت‌گزینی مریم(س)
- ۳۹۱ ..... ۱۰۰- عصمت مریم(س)
- ۳۹۲ ..... ۱۰۱- عظمت مریم(س)
- ۳۹۲ ..... ۱۰۲- عفت مریم(س)
- ۳۹۶ ..... ۱۰۳- عفت والدین مریم(س)
- ۳۹۷ ..... ۱۰۴- عقیده مریم(س)
- ۳۹۸ ..... ۱۰۵- عمل مریم(س)
- ۳۹۸ ..... ۱۰۶- عواطف مریم(س)
- ۳۹۸ ..... ۱۰۷- عوامل اطمینان مریم(س)
- ۳۹۸ ..... ۱۰۸- عوامل تکامل مریم(س)
- ۴۰۰ ..... ۱۰۹- عوامل رفع نگرانی مریم(س)

- ۴۰۰ ..... ۱۱۰- عوامل عزلت گزینی مریم(س)
- ۴۰۰ ..... ۱۱۱- عوامل نگرانی مریم(س)
- ۴۰۲ ..... ۱۱۲- عیسی(ع) فرزند مریم(س)
- ۴۰۴ ..... ۱۱۳- فراموشی مریم(س)
- ۴۰۴ ..... ۱۱۴- فرزند مریم(س)
- ۴۱۰ ..... ۱۱۵- فضایل مریم(س)
- ۴۱۵ ..... ۱۱۶- فلسفه آرزوی مریم(س)
- ۴۱۶ ..... ۱۱۷- قدرت مریم(س)
- ۴۱۶ ..... ۱۱۸- قصه مریم(س)
- ۴۳۶ ..... ۱۱۹- کرامات مریم(س)
- ۴۳۶ ..... ۱۲۰- کرامت مریم(س)
- ۴۳۸ ..... ۱۲۱- کفالت مریم(س)
- ۴۴۰ ..... ۱۲۲- کیفیت بارداری مریم(س)
- ۴۴۰ ..... ۱۲۳- گریه مریم(س)
- ۴۴۰ ..... ۱۲۴- گواهان عفت مریم(س)
- ۴۴۱ ..... ۱۲۵- گواهی بر عفت مریم(س)
- ۴۴۲ ..... ۱۲۶- مادر مریم(س)
- ۴۴۲ ..... ۱۲۷- محافظت از مریم(س)
- ۴۴۴ ..... ۱۲۸- مدافع مریم(س)
- ۴۴۴ ..... ۱۲۹- مدت بارداری مریم(س)
- ۴۴۴ ..... ۱۳۰- مدح مریم(س)
- ۴۴۴ ..... ۱۳۱- مرگ مریم(س)
- ۴۴۶ ..... ۱۳۲- مریم(س) از آیات خدا
- ۴۴۶ ..... ۱۳۳- مریم(س) از صالحان
- ۴۴۶ ..... ۱۳۴- مریم(س) در قیامت
- ۴۴۸ ..... ۱۳۵- مریم(س) در مسیحیان

- ۱۳۶- مریم(س) کنار مسجدالاقصی ----- ۴۴۸
- ۱۳۷- مریم(س) و عیسی(ع) ----- ۴۴۸
- ۱۳۸- مریم(س) هنگام استماع آیات خدا ----- ۴۴۸
- ۱۳۹- مسکن خویشاوندان مریم(س) ----- ۴۵۰
- ۱۴۰- مسکن مریم(س) ----- ۴۵۰
- ۱۴۱- مسؤولیت مریم(س) ----- ۴۵۰
- ۱۴۲- معبودیت مریم(س) ----- ۴۵۲
- ۱۴۳- معجزه مریم(س) ----- ۴۵۲
- ۱۴۴- معلم مریم(س) ----- ۴۵۲
- ۱۴۵- مقام مریم(س) ----- ۴۵۲
- ۱۴۶- مقامات مریم(س) ----- ۴۶۰
- ۱۴۷- مکان استقرار مریم(س) ----- ۴۶۱
- ۱۴۸- مکان زایمان مریم(س) ----- ۴۶۲
- ۱۴۹- منشأ بارداری مریم(س) ----- ۴۶۳
- ۱۵۰- موقعیت اجتماعی مریم(س) ----- ۴۶۴
- ۱۵۱- موقعیت پناهگاه مریم(س) ----- ۴۶۴
- ۱۵۲- ناامنی تهمت زندگان به مریم(س) ----- ۴۶۴
- ۱۵۳- نامگذاری مریم(س) ----- ۴۶۶
- ۱۵۴- نخل قصه مریم(س) ----- ۴۶۶
- ۱۵۵- نذر در دوران مریم(س) ----- ۴۶۶
- ۱۵۶- نذر مادر مریم(س) ----- ۴۶۷
- ۱۵۷- نذر مریم(س) ----- ۴۶۸
- ۱۵۸- نزول جبرئیل بر مریم(س) ----- ۴۶۹
- ۱۵۹- نعمتهای مریم(س) ----- ۴۷۰
- ۱۶۰- نفخ روح در مریم(س) ----- ۴۷۲
- ۱۶۱- نفی الوهیت مریم(س) ----- ۴۷۴

- ۱۶۲- نقش مریم(س)----- ۴۷۴
- ۱۶۳- نقل مکان مریم(س)----- ۴۷۴
- ۱۶۴- نگرانی مریم(س)----- ۴۷۶
- ۱۶۵- نماز مریم(س)----- ۴۷۸
- ۱۶۶- نهر آب قصه مریم(س)----- ۴۷۸
- ۱۶۷- نیازهای مریم(س)----- ۴۷۸
- ۱۶۸- نیاکان مریم(س)----- ۴۸۰
- ۱۶۹- وحی به مریم(س)----- ۴۸۰
- ۱۷۰- وقت بازگشت مریم(س)----- ۴۸۱
- ۱۷۱- ویژگیهای بارداری مریم(س)----- ۴۸۲
- ۱۷۲- ویژگیهای زایمان مریم(س)----- ۴۸۲
- ۱۷۳- ویژگیهای نخل قصه مریم(س)----- ۴۸۲
- ۱۷۴- هدایت مریم(س)----- ۴۸۴
- ۱۷۵- یقین مریم(س)----- ۴۸۵
- ۴- مزد----- ۴۸۷
- ۱- انبیا و مزد تبلیغ----- ۴۸۷
- ۲- انبیا و مزد رسالت----- ۴۸۷
- ۳- اهمیت مزد کار----- ۴۸۸
- ۴- پرداخت مزد کارگر----- ۴۸۸
- ۵- درخواست مزد تبلیغ----- ۴۸۸
- ۶- درخواست مزد در تبلیغ----- ۴۸۸
- ۷- عدالت در مزد----- ۴۹۰
- ۸- مبلغان و مزد تبلیغ----- ۴۹۰
- ۹- مزد آب دهی موسی(ع)----- ۴۹۰
- ۱۰- مزد بازسازی دیوار قصه خضر(ع)----- ۴۹۲
- ۱۱- مزد تبلیغ----- ۴۹۲

- ۱۲- مزد تبلیغ انبیا ..... ۴۹۲
- ۱۳- مزد تبلیغ قرآن ..... ۴۹۴
- ۱۴- مزد تبلیغ محمد(صلی الله علیه و آله) ..... ۴۹۴
- ۱۵- مزد دایه ..... ۴۹۴
- ۱۶- مزد رسالت شعیب(ع) ..... ۴۹۶
- ۱۷- مزد رسالت صالح(ع) ..... ۴۹۶
- ۱۸- مزد رسالت لوط(ع) ..... ۴۹۶
- ۱۹- مزد رسالت محمد(صلی الله علیه و آله) ..... ۴۹۶
- ۲۰- مزد رسالت نوح(ع) ..... ۵۰۰
- ۲۱- مزد رسالت هود(ع) ..... ۵۰۲
- ۲۲- مزد رضاع ..... ۵۰۲
- ۲۳- مزد عمل تبرعی ..... ۵۰۲
- ۲۴- مزد کار ..... ۵۰۴
- ۲۵- مزد کار در دوران موسی(ع) ..... ۵۰۴
- ۲۶- مصلحان و مزد تبلیغ ..... ۵۰۴
- ۲۷- هود(ع) و مزد تبلیغ ..... ۵۰۴
- ۲۸- هود(ع) و مزد رسالت ..... ۵۰۶
- ۵- مس ..... ۵۰۷
- ۱- ترکیب آهن و مس ..... ۵۰۷
- ۲- تشبیه به مس مذاب ..... ۵۰۷
- ۳- ذوب مس ..... ۵۰۷
- ۴- ذوب مس در دوران سلیمان(ع) ..... ۵۰۸
- ۵- شرایط مس قرآن ..... ۵۰۸
- ۶- فواید مس ..... ۵۱۰
- ۷- ویژگیهای مس ..... ۵۱۰
- ۶- مسابقه ..... ۵۱۱

- ۱- احکام مسابقه ..... ۵۱۱
- ۲- جایزه در مسابقه ..... ۵۱۱
- ۳- مسابقه برای بهشت ..... ۵۱۲
- ۴- مسابقه برای خوشگذرانی اخروی ..... ۵۱۲
- ۵- مسابقه برای شرابخواری اخروی ..... ۵۱۲
- ۶- مسابقه در دین یعقوب(ع) ..... ۵۱۲
- ۷- مسابقه در عمل خیر ..... ۵۱۴
- ۸- مسابقه در گناه ..... ۵۱۴
- ۷- مساحقه ..... ۵۱۵
- ۱- احکام مساحقه ..... ۵۱۵
- ۲- سرزنش مساحقه ..... ۵۱۵
- ۳- کیفر مساحقه ..... ۵۱۶
- ۴- مساحقه در اصحاب رس ..... ۵۱۶
- ۸- مسافر ..... ۵۱۸
- ۱- احکام مسافر ..... ۵۱۸
- ۲- احکام نماز مسافر ..... ۵۱۹
- ۳- روزه مسافر ..... ۵۲۱
- ۴- نماز مسافر ..... ۵۲۳
- ۵- پذیرایی از مسافران ..... ۵۲۵
- ۶- غرق مسافران کشتی ..... ۵۲۵
- ۷- مسافران کشتی قصه خضر(ع) ..... ۵۲۵
- ۸- مقدار تهجد مسافران ..... ۵۲۵
- ۹- منشأ غرق مسافران کشتی ..... ۵۲۷
- ۱۰- وعده به مسافران به حدیبیه ..... ۵۲۷
- ۱۱- آثار خطر مسافرت دریایی ..... ۵۲۷
- ۱۲- آثار مسافرت ..... ۵۲۹

- ۱۳- آثار مسافرت به حدیبیه ..... ۵۲۹
- ۱۴- آداب مسافرت ..... ۵۲۹
- ۱۵- آسایش در مسافرت ..... ۵۳۱
- ۱۶- احساس خطر متخلفان از مسافرت به حدیبیه ..... ۵۳۱
- ۱۷- ارزش مسافرت ..... ۵۳۱
- ۱۸- ارزش مسافرت با علما ..... ۵۳۱
- ۱۹- اقرار متخلفان از مسافرت به حدیبیه ..... ۵۳۳
- ۲۰- انگیزه متخلفان از مسافرت به حدیبیه ..... ۵۳۳
- ۲۱- اولین مسافرت برادران یوسف ..... ۵۳۳
- ۲۲- اهداف مسافرت موسی(ع) ..... ۵۳۵
- ۲۳- اهداف مسافرت یوشع(ع) ..... ۵۳۵
- ۲۴- اهمیت مسافرت ..... ۵۳۵
- ۲۵- برادران یوسف و مسافرت بنیامین ..... ۵۳۷
- ۲۶- برادران یوسف و مسافرت به مصر ..... ۵۳۹
- ۲۷- بشارت به متخلفان از مسافرت به حدیبیه ..... ۵۴۱
- ۲۸- بهانه جویی متخلفان از مسافرت به حدیبیه ..... ۵۴۱
- ۲۹- بی ایمانی متخلفان از مسافرت به حدیبیه ..... ۵۴۱
- ۳۰- بی شخصیتی متخلفان از مسافرت به حدیبیه ..... ۵۴۳
- ۳۱- بینش متخلفان از مسافرت به حدیبیه ..... ۵۴۳
- ۳۲- پاداش مسافرت به حدیبیه ..... ۵۴۳
- ۳۳- پشیمانی متخلفان از مسافرت به حدیبیه ..... ۵۴۳
- ۳۴- تحریفگری متخلفان از مسافرت به حدیبیه ..... ۵۴۵
- ۳۵- تحلیل غلط متخلفان از مسافرت به حدیبیه ..... ۵۴۵
- ۳۶- ترس متخلفان از مسافرت به حدیبیه ..... ۵۴۵
- ۳۷- تلاش متخلفان از مسافرت به حدیبیه ..... ۵۴۷
- ۳۸- توبه متخلفان از مسافرت به حدیبیه ..... ۵۴۷



- ۳۹- توجیه گری متخلفان از مسافرت به حدیبیه ..... ۵۴۷
- ۴۰- تهدید متخلفان از مسافرت به حدیبیه ..... ۵۴۸
- ۴۱- تهمتهای متخلفان از مسافرت به حدیبیه ..... ۵۴۹
- ۴۲- حتمیت مسافرت موسی(ع) ..... ۵۴۹
- ۴۳- خطر مسافرت به حدیبیه ..... ۵۴۹
- ۴۴- خطر مسافرت دریایی ..... ۵۵۱
- ۴۵- خواسته های متخلفان از مسافرت به حدیبیه ..... ۵۵۱
- ۴۶- درخواست دوری منزلگاههای مسافرت ..... ۵۵۳
- ۴۷- دعوت از متخلفان مسافرت به حدیبیه ..... ۵۵۳
- ۴۸- دعوت به مسافرت مکه ..... ۵۵۳
- ۴۹- دلایل مسافرت برادران یوسف ..... ۵۵۳
- ۵۰- دنیاطلبی متخلفان از مسافرت به حدیبیه ..... ۵۵۵
- ۵۱- دومین مسافرت برادران یوسف ..... ۵۵۶
- ۵۲- دومین مسافرت برادران یوسف به مصر ..... ۵۵۷
- ۵۳- دومین مسافرت ذوالقرنین ..... ۵۵۷
- ۵۴- رازهای متخلفان از مسافرت به حدیبیه ..... ۵۵۹
- ۵۵- رد پیشنهاد متخلفان از مسافرت به حدیبیه ..... ۵۵۹
- ۵۶- رضایت به مسافرت بنیامین ..... ۵۵۹
- ۵۷- رفاه در مسافرت ..... ۵۵۹
- ۵۸- زمینه مسافرت محمد(صلی الله علیه و آله) به حدیبیه ..... ۵۶۱
- ۵۹- زمینه مسافرت محمد(صلی الله علیه و آله) به مکه ..... ۵۶۱
- ۶۰- سرگرمی متخلفان از مسافرت به حدیبیه ..... ۵۶۱
- ۶۱- سطحی نگری متخلفان از مسافرت به حدیبیه ..... ۵۶۱
- ۶۲- سومین مسافرت برادران یوسف به مصر ..... ۵۶۳
- ۶۳- سومین مسافرت ذوالقرنین ..... ۵۶۴
- ۶۴- عذرخواهی متخلفان از مسافرت به حدیبیه ..... ۵۶۵

- ۶۵- علایق خانوادگی متخلفان از مسافرت به حدیبیه ..... ۵۶۶
- ۶۶- علایق متخلفان از مسافرت به حدیبیه ..... ۵۶۷
- ۶۷- عوامل تخلف متخلفان از مسافرت به حدیبیه ..... ۵۶۷
- ۶۸- غفلت متخلفان از مسافرت به حدیبیه ..... ۵۶۷
- ۶۹- فرجام مسافرت به حدیبیه ..... ۵۶۷
- ۷۰- فلسفه مسافرت برادران یوسف ..... ۵۶۹
- ۷۱- مال دوستی متخلفان از مسافرت به حدیبیه ..... ۵۶۹
- ۷۲- متخلفان از مسافرت به حدیبیه ..... ۵۶۹
- ۷۳- متخلفان از مسافرت به حدیبیه و جهاد ..... ۵۷۱
- ۷۴- متخلفان از مسافرت به حدیبیه و غزوه خیبر ..... ۵۷۱
- ۷۵- محدوده اولین مسافرت ذوالقرنین ..... ۵۷۲
- ۷۶- محدوده مسافرت ذوالقرنین ..... ۵۷۳
- ۷۷- محرومیت متخلفان از مسافرت به حدیبیه ..... ۵۷۳
- ۷۸- مسافرت با شتر ..... ۵۷۳
- ۷۹- مسافرت با کشتی ..... ۵۷۵
- ۸۰- مسافرت بنیامین به مصر ..... ۵۷۵
- ۸۱- مسافرت خانواده موسی(ع) ..... ۵۷۷
- ۸۲- مسافرت خضر(ع) ..... ۵۷۷
- ۸۳- مسافرت در ماه رمضان ..... ۵۷۹
- ۸۴- مسافرت دریایی ..... ۵۷۹
- ۸۵- مسافرت دریایی در صدراسلام ..... ۵۷۹
- ۸۶- مسافرت ذوالقرنین ..... ۵۸۱
- ۸۷- مسافرت ذوالقرنین به مشرق ..... ۵۸۱
- ۸۸- مسافرت ذوالقرنین به مغرب ..... ۵۸۲
- ۸۹- مسافرت زمینی ..... ۵۸۳
- ۹۰- مسافرت شبانه خانواده موسی(ع) ..... ۵۸۴

- ۵۸۵ ..... ۹۱- مسافرت شبانه موسی(ع) .....
- ۵۸۵ ..... ۹۲- مسافرت عزیز(ع) .....
- ۵۸۵ ..... ۹۳- مسافرت فرزندان موسی(ع) .....
- ۵۸۷ ..... ۹۴- مسافرت قوم سبأ .....
- ۵۸۷ ..... ۹۵- مسافرت محمد(صلی الله علیه و آله) به حدیبیه .....
- ۵۸۷ ..... ۹۶- مسافرت محمد(صلی الله علیه و آله) به مکه .....
- ۵۸۹ ..... ۹۷- مسافرت موسی(ع) .....
- ۵۹۱ ..... ۹۸- مسافرت موسی(ع) با خضر(ع) .....
- ۵۹۱ ..... ۹۹- مسافرت موسی(ع) به مجمع البحرین .....
- ۵۹۱ ..... ۱۰۰- مسافرت مؤمنان به مکه .....
- ۵۹۳ ..... ۱۰۱- مسافرت همسر موسی(ع) .....
- ۵۹۳ ..... ۱۰۲- مسافرت یوشع(ع) .....
- ۵۹۵ ..... ۱۰۳- مشکلات مسافرت موسی(ع) .....
- ۵۹۵ ..... ۱۰۴- نزدیکی منزلگاههای مسافرت .....
- ۵۹۵ ..... ۱۰۵- نگرانی متخلفان از مسافرت به حدیبیه .....
- ۵۹۵ ..... ۱۰۶- یعقوب(ع) و مسافرت بنیامین .....
- ۵۹۸ ..... ۱۰۷- یوسف(ع) و مسافرت بنیامین .....
- ۶۰۰ ..... ۹- مساکین .....
- ۶۰۰ ..... ۱- آثار انفاق به مساکین .....
- ۶۰۰ ..... ۲- آثار بی اعتنائی به مساکین .....
- ۶۰۰ ..... ۳- آثار ترک اطعام به مساکین .....
- ۶۰۱ ..... ۴- آثار ترک اطعام مساکین .....
- ۶۰۱ ..... ۵- آثار ترک انفاق به مساکین .....
- ۶۰۱ ..... ۶- آثار محروم ساختن مساکین .....
- ۶۰۳ ..... ۷- احترام مساکین .....
- ۶۰۳ ..... ۸- احسان به مساکین .....

- ۹- ادای حقوق مساکین ..... ۶۰۵
- ۱۰- ارزش اطعام به مساکین ..... ۶۰۵
- ۱۱- استثناء سهم مساکین ..... ۶۰۵
- ۱۲- اطعام به مساکین ..... ۶۰۵
- ۱۳- اطعام مساکین ..... ۶۰۹
- ۱۴- امتحان با مساکین ..... ۶۱۱
- ۱۵- انفاق به مساکین ..... ۶۱۱
- ۱۶- اولویت اطعام مساکین ..... ۶۱۳
- ۱۷- اهمیت اطعام مساکین ..... ۶۱۳
- ۱۸- اهمیت تأمین مساکین ..... ۶۱۴
- ۱۹- اهمیت حمایت از مساکین ..... ۶۱۵
- ۲۰- برخورد با مساکین ..... ۶۱۵
- ۲۱- بنی اسرائیل و مساکین ..... ۶۱۷
- ۲۲- بی اعتنایی به مساکین ..... ۶۱۷
- ۲۳- پاداش اطعام به مساکین ..... ۶۱۷
- ۲۴- پوشاک مساکین ..... ۶۱۷
- ۲۵- تأمین مساکین ..... ۶۱۹
- ۲۶- تأمین معاش مساکین ..... ۶۲۱
- ۲۷- تبلیغ امداد به مساکین ..... ۶۲۱
- ۲۸- ترک استثناء سهم مساکین ..... ۶۲۱
- ۲۹- ترک اطعام مساکین ..... ۶۲۱
- ۳۰- ترک انفاق به مساکین ..... ۶۲۳
- ۳۱- ترک تشویق به اطعام مساکین ..... ۶۲۳
- ۳۲- تشویق به احسان مساکین ..... ۶۲۵
- ۳۳- تشویق به تأمین مساکین ..... ۶۲۵
- ۳۴- تشویق به رعایت حقوق مساکین ..... ۶۲۵

- ۳۵- تضييع حقوق مساكين ..... ۶۲۵
- ۳۶- توصيه به تأمين مساكين ..... ۶۲۷
- ۳۷- حسن معاشرت با مساكين ..... ۶۲۷
- ۳۸- حقوق مساكين ..... ۶۲۷
- ۳۹- حمايت از مساكين ..... ۶۲۹
- ۴۰- روش برخورد با مساكين ..... ۶۲۹
- ۴۱- زمينه امداد به مساكين ..... ۶۲۹
- ۴۲- زمينه بي اعتنايي به مساكين ..... ۶۳۱
- ۴۳- سرزنش غفلت از مساكين ..... ۶۳۱
- ۴۴- سهم مساكين از صدقات ..... ۶۳۱
- ۴۵- صدقه به مساكين ..... ۶۳۱
- ۴۶- عذرخواهي از مساكين ..... ۶۳۳
- ۴۷- عفو مساكين گناهكار ..... ۶۳۳
- ۴۸- غفلت از مساكين ..... ۶۳۳
- ۴۹- فرجام اخروي معرضان از مساكين ..... ۶۳۳
- ۵۰- فضاي اخروي حاميان مساكين ..... ۶۳۵
- ۵۱- فضيلت تأمين مساكين ..... ۶۳۵
- ۵۲- فء به مساكين ..... ۶۳۵
- ۵۳- كيفر اخروي اعراض از تأمين مساكين ..... ۶۳۷
- ۵۴- لباس مساكين ..... ۶۳۷
- ۵۵- مالكيت مساكين ..... ۶۳۸
- ۵۶- محافظت از اموال مساكين ..... ۶۳۹
- ۵۷- محروميت مساكين ..... ۶۳۹
- ۵۸- محمد(صلى الله عليه و آله) و مساكين ..... ۶۳۹
- ۵۹- مراد از مساكين ..... ۶۳۹
- ۶۰- مراد از مسكين ..... ۶۴۱

- ۶۴۱- مردم مقارن بعثت و اطعام مساکین ----- ۶۴۱
- ۶۴۲- مردم مقارن بعثت و مساکین ----- ۶۴۲
- ۶۴۳- مرفهان و مساکین ----- ۶۴۳
- ۶۴۳- مساکین و اصحاب الجنه ----- ۶۴۳
- ۶۴۳- مسؤولیت اطعام مساکین ----- ۶۴۳
- ۶۴۵- معرضان از مساکین در قیامت ----- ۶۴۵
- ۶۴۵- ممانعت از ورود مساکین ----- ۶۴۵
- ۶۴۵- ممنوعیت ترک انفاق به مساکین ----- ۶۴۵
- ۶۴۵- موانع امداد به مساکین ----- ۶۴۵
- ۶۴۷- مهربانی با مساکین ----- ۶۴۷
- ۶۴۷- ناظر بی اعتنایی به مساکین ----- ۶۴۷
- ۶۴۷- وجوب اطعام به مساکین ----- ۶۴۷
- ۱۰- مستبدان ----- ۶۵۰
- ۱- روش برخورد مستبدان ----- ۶۵۰
- ۲- رهبری مستبدان ----- ۶۵۰
- ۳- سرور مستبدان ----- ۶۵۰
- ۴- عوامل تواضع مستبدان ----- ۶۵۱
- ۵- مستبدان در آخرت ----- ۶۵۱
- ۱۱- مستضعفان ----- ۶۵۲
- ۱- مستضعفان ----- ۶۵۲
- ۲- استمداد مستضعفان ----- ۶۵۲
- ۳- اشراف قوم نوح و مستضعفان ----- ۶۵۲
- ۴- اعتراض مستضعفان ----- ۶۵۳
- ۵- افشاگری اخروی مستضعفان ----- ۶۵۳
- ۶- اقرار اخروی مستضعفان ----- ۶۵۳
- ۷- امیدواری مستضعفان ----- ۶۵۳

- ۸- اهمیت حمایت از مستضعفان ..... ۶۵۵
- ۹- ایمان مستضعفان قوم نمود ..... ۶۵۵
- ۱۰- بینش مستضعفان ..... ۶۵۵
- ۱۱- پشیمانی اخروی مستضعفان ..... ۶۵۷
- ۱۲- جهاد مستضعفان ..... ۶۵۷
- ۱۳- حاکمیت مستضعفان ..... ۶۵۸
- ۱۴- حامی مستضعفان ..... ۶۵۹
- ۱۵- حتمیت عذاب مستضعفان ..... ۶۵۹
- ۱۶- حفظ شخصیت مستضعفان ..... ۶۶۱
- ۱۷- حق پذیری مستضعفان قوم نوح ..... ۶۶۱
- ۱۸- حقوق مستضعفان ..... ۶۶۱
- ۱۹- حمایت از مستضعفان ..... ۶۶۲
- ۲۰- دعای مستضعفان ..... ۶۶۳
- ۲۱- دعای مستضعفان مکه ..... ۶۶۳
- ۲۲- ذکر فرجام مستضعفان ..... ۶۶۳
- ۲۳- رد اعتراض مستضعفان ..... ۶۶۵
- ۲۴- سرزنش مستضعفان ..... ۶۶۵
- ۲۵- شرایط پیروزی مستضعفان ..... ۶۶۵
- ۲۶- صبر مستضعفان ..... ۶۶۵
- ۲۷- طرد مستضعفان ..... ۶۶۷
- ۲۸- ظلم مستضعفان ..... ۶۶۷
- ۲۹- عدالت در حقوق مستضعفان ..... ۶۶۷
- ۳۰- عذاب اخروی مستضعفان ..... ۶۶۷
- ۳۱- عذاب مستضعفان ..... ۶۶۹
- ۳۲- عذرخواهی مستضعفان ..... ۶۶۹
- ۳۳- عزت اخروی مستضعفان ..... ۶۶۹

- ۳۴- عوامل شرک مستضعفان ..... ۶۶۹
- ۳۵- عوامل کفر مستضعفان ..... ۶۷۱
- ۳۶- عوامل گمراهی مستضعفان ..... ۶۷۱
- ۳۷- کیفر اخروی مستضعفان ..... ۶۷۳
- ۳۸- کیفر مستضعفان ..... ۶۷۳
- ۳۹- لجاجت مستضعفان ..... ۶۷۳
- ۴۰- مراد از مستضعفان ..... ۶۷۳
- ۴۱- مرگ مستضعفان ..... ۶۷۵
- ۴۲- مستضعفان حقیقی ..... ۶۷۵
- ۴۳- مستضعفان در جهنم ..... ۶۷۵
- ۴۴- مستضعفان در حکومت فرعون ..... ۶۷۷
- ۴۵- مستضعفان در قیامت ..... ۶۷۷
- ۴۶- مستضعفان فکری ..... ۶۷۹
- ۴۷- مستضعفان قوم ثمود ..... ۶۸۰
- ۴۸- مستضعفان قوم نوح و نوح(ع) ..... ۶۸۱
- ۴۹- مستضعفان کافر قوم ثمود ..... ۶۸۱
- ۵۰- مستضعفان مظلوم ..... ۶۸۱
- ۵۱- مستضعفان مؤمن قوم ثمود ..... ۶۸۳
- ۵۲- مستضعفان و ملائکه ..... ۶۸۳
- ۵۳- مستضعفان هنگام عذاب ..... ۶۸۴
- ۵۴- ملائکه و مستضعفان ..... ۶۸۵
- ۵۵- منشأ حاکمیت مستضعفان ..... ۶۸۵
- ۵۶- موانع ایمان مستضعفان ..... ۶۸۵
- ۵۷- مؤاخذه اخروی مستضعفان ..... ۶۸۷
- ۵۸- نجات مستضعفان ..... ۶۸۷
- ۵۹- نیکی به مستضعفان ..... ۶۸۸



- ۶۸۹ - ..... ۶۰- هدایت مستضعفان
- ۶۹۰ - ..... ۱۲- مستعدان
- ۶۹۰ - ..... ۱- اهمیت تنبه مستعدان
- ۶۹۰ - ..... ۲- اهمیت هدایت مستعدان
- ۶۹۰ - ..... ۳- مراقبت از مستعدان
- ۶۹۱ - ..... ۴- مستعدان ایمان
- ۶۹۲ - ..... ۱۳- مستکبران
- ۶۹۲ - ..... ۱- مستکبران
- ۶۹۲ - ..... ۲- آثار پیروی از مستکبران
- ۶۹۳ - ..... ۳- آثار حکومت مستکبران
- ۶۹۳ - ..... ۴- آثار مستکبران
- ۶۹۳ - ..... ۵- آثار مکر مستکبران
- ۶۹۳ - ..... ۶- ابرار عذاب مستکبران
- ۶۹۵ - ..... ۷- اتمام حجت به مستکبران
- ۶۹۵ - ..... ۸- ادعاهای مستکبران
- ۶۹۵ - ..... ۹- استمداد از مستکبران
- ۶۹۵ - ..... ۱۰- اصحاب اعراف و مستکبران
- ۶۹۷ - ..... ۱۱- اضلال مستکبران
- ۶۹۷ - ..... ۱۲- اظهار عجز مستکبران
- ۶۹۷ - ..... ۱۳- اعتراض به مستکبران
- ۶۹۹ - ..... ۱۴- افشاگری علیه مستکبران
- ۶۹۹ - ..... ۱۵- اقرار اخروی مستکبران
- ۶۹۹ - ..... ۱۶- اقرار مستکبران
- ۶۹۹ - ..... ۱۷- اندوه مستکبران
- ۷۰۱ - ..... ۱۸- بی پناهی مستکبران
- ۷۰۱ - ..... ۱۹- بی تأثیری مکر مستکبران

- ۲۰- بینش مستکبران ..... ۷۰۱
- ۲۱- پشیمانی اخروی مستکبران ..... ۷۰۱
- ۲۲- پیروی از مستکبران ..... ۷۰۳
- ۲۳- تأثیر ناپذیری مستکبران ..... ۷۰۳
- ۲۴- تحیر مستکبران ..... ۷۰۴
- ۲۵- تهدید مستکبران ..... ۷۰۵
- ۲۶- حتمیت عذاب مستکبران ..... ۷۰۵
- ۲۷- حشر مستکبران ..... ۷۰۵
- ۲۸- حق ستیزی مستکبران ..... ۷۰۷
- ۲۹- حق طلبان و مستکبران ..... ۷۰۷
- ۳۰- حق ناپذیری مستکبران ..... ۷۰۷
- ۳۱- خواسته های مستکبران ..... ۷۰۷
- ۳۲- دشمنی مستکبران ..... ۷۰۹
- ۳۳- ذکر فرجام مستکبران ..... ۷۰۹
- ۳۴- ذلت اخروی مستکبران ..... ۷۰۹
- ۳۵- ذلت مستکبران ..... ۷۱۰
- ۳۶- روش برخورد مستکبران ..... ۷۱۱
- ۳۷- زمینه بهانه جویی مستکبران ..... ۷۱۲
- ۳۸- زمینه سوءاستفاده مستکبران ..... ۷۱۳
- ۳۹- سرزنشهای مستکبران ..... ۷۱۳
- ۴۰- سطحی نگری مستکبران ..... ۷۱۳
- ۴۱- شرایط پیروزی بر مستکبران ..... ۷۱۴
- ۴۲- شک مستکبران ..... ۷۱۵
- ۴۳- شکست توطئه مستکبران ..... ۷۱۵
- ۴۴- صفات مستکبران ..... ۷۱۵
- ۴۵- ظلم مستکبران ..... ۷۱۷

۷۱۷	۴۶- عذاب اخروی مستکبران
۷۱۹	۴۷- عذاب دنیوی مستکبران
۷۱۹	۴۸- عوامل تقلید از مستکبران
۷۱۹	۴۹- فرجام شوم مستکبران
۷۲۱	۵۰- فرجام مستکبران
۷۲۱	۵۱- قدرت نمایی مستکبران
۷۲۲	۵۲- کفر مستکبران قوم ثمود
۷۲۳	۵۳- کیفر اخروی مستکبران
۷۲۳	۵۴- کیفر مستکبران
۷۲۵	۵۵- گمراهگری مستکبران
۷۲۵	۵۶- مبارزه مستکبران
۷۲۶	۵۷- محرومیت مستکبران
۷۲۷	۵۸- مراتب مستکبران
۷۲۸	۵۹- مستکبران در جهنم
۷۲۹	۶۰- مستکبران در حکومت فرعون
۷۲۹	۶۱- مستکبران در عالم برزخ
۷۳۱	۶۲- مستکبران در قیامت
۷۳۳	۶۳- مستکبران عصیانگر
۷۳۵	۶۴- مستکبران قوم ثمود
۷۳۵	۶۵- مستکبران و قیامت
۷۳۵	۶۶- مستکبران و کافران
۷۳۷	۶۷- مستکبران هنگام عذاب
۷۳۷	۶۸- مسؤول گمراهی مستکبران
۷۳۷	۶۹- منشأ هلاکت مستکبران
۷۳۹	۷۰- مؤاخذه اخروی مستکبران
۷۳۹	۷۱- نشانه های اخروی مستکبران

۷۳۹	۷۲- نفوذ در حکومت مستکبران
۷۳۹	۷۳- نفی رهبری مستکبران
۷۴۱	۷۴- نقش مستکبران
۷۴۲	۷۵- نگرانی اخروی مستکبران
۷۴۳	۷۶- هتک آبروی مستکبران
۷۴۳	۷۷- هشدار به مستکبران
۷۴۳	۷۸- هشدار به مستکبران مکه
۷۴۴	۷۹- هلاکت مستکبران
۷۴۵	۸۰- هماهنگی مستکبران
۷۴۶	۱۴- مسجد
۷۴۶	۱- آبادانی مسجد
۷۴۶	۲- آثار تخریب مسجد
۷۴۷	۳- آثار قبله شدن مسجد الحرام
۷۴۷	۴- آثار مسجد ضرار
۷۴۷	۵- آثار ممانعت از مسجد
۷۴۹	۶- آثار ممانعت از مسجد الحرام
۷۴۹	۷- آداب زیارت مسجد الحرام
۷۴۹	۸- آداب مسجد
۷۵۰	۹- آداب مسجد الحرام
۷۵۱	۱۰- ابراهیم(ع) کنار مسجد الحرام
۷۵۱	۱۱- احترام مسجد
۷۵۲	۱۲- احترام مسجد الحرام
۷۵۲	۱۳- احکام مسجد
۷۵۷	۱۴- احکام مسجد الحرام
۷۵۹	۱۵- احکام مسجد ضرار
۷۵۹	۱۶- اسارت مانعان مسجد الحرام

- ۱۷- اسراء محمد(صلی الله علیه و آله) از مسجد الحرام ----- ۷۵۹
- ۱۸- اسراء محمد(صلی الله علیه و آله) به مسجد الاقصی ----- ۷۶۱
- ۱۹- اعتکاف در مسجد ----- ۷۶۱
- ۲۰- اعلام فلسفه وجودی مسجد ----- ۷۶۳
- ۲۱- امنیت در مسجد الحرام ----- ۷۶۳
- ۲۲- امنیت مسجد الحرام ----- ۷۶۳
- ۲۳- انگیزه بنای مسجد ضرار ----- ۷۶۵
- ۲۴- اهداف بنای مسجد قبا ----- ۷۶۵
- ۲۵- اهمیت احترام مسجد ----- ۷۶۶
- ۲۶- اهمیت بنای مسجد ----- ۷۶۷
- ۲۷- اهمیت تطهیر مسجد الحرام ----- ۷۶۷
- ۲۸- اهمیت تعمیر مسجد ----- ۷۶۷
- ۲۹- اهمیت تقویت مسجد ----- ۷۶۹
- ۳۰- اهمیت تولیت مسجد ----- ۷۶۹
- ۳۱- اهمیت محافظت از مسجد الحرام ----- ۷۶۹
- ۳۲- اهمیت مسجد الحرام ----- ۷۶۹
- ۳۳- اهمیت مسجد الحرام در صدر اسلام ----- ۷۷۲
- ۳۴- بانیان مسجد ضرار در جهنم ----- ۷۷۳
- ۳۵- بانیان مسجد قبا و رضایت خدا ----- ۷۷۳
- ۳۶- برپایی نماز در مسجد ----- ۷۷۳
- ۳۷- برکات مسجد الحرام ----- ۷۷۳
- ۳۸- پاکیزگی در مسجد الحرام ----- ۷۷۵
- ۳۹- تاریخ زیارت مسجد الحرام ----- ۷۷۵
- ۴۰- تاریخ مسجد ----- ۷۷۵
- ۴۱- تاریخ مسجد الحرام ----- ۷۷۵
- ۴۲- تجاوز به حقوق دیگران در مسجد الحرام ----- ۷۷۷

- ۴۳- تخریب مسجد ..... ۷۷۷
- ۴۴- تعمیر مسجد ..... ۷۷۷
- ۴۵- تقوا در بنای مسجد ..... ۷۷۹
- ۴۶- تقوا در بنای مسجد قبا ..... ۷۷۹
- ۴۷- تقوای بانیان مسجد قبا ..... ۷۷۹
- ۴۸- تولیت مسجد ..... ۷۸۱
- ۴۹- تولیت مسجد الحرام ..... ۷۸۱
- ۵۰- تولیت مسجد الحرام در جاهلیت ..... ۷۸۳
- ۵۱- تولیت مسجد الحرام در صدر اسلام ..... ۷۸۳
- ۵۲- جنگ در مسجد الحرام ..... ۷۸۳
- ۵۳- حرمت بنای مسجد ضرار ..... ۷۸۵
- ۵۴- حقانیت قبله بودن مسجد الحرام ..... ۷۸۵
- ۵۵- حقانیت قبله شدن مسجد الحرام ..... ۷۸۵
- ۵۶- خدا و بانیان مسجد ضرار ..... ۷۸۵
- ۵۷- خیریت مسجد الحرام ..... ۷۸۷
- ۵۸- دعا در مسجد ..... ۷۸۷
- ۵۹- ذکر در مسجد ..... ۷۸۷
- ۶۰- ذلت تخریب کنندگان مسجد ..... ۷۸۹
- ۶۱- ذلت مانعان از مسجد ..... ۷۸۹
- ۶۲- رکوع در مسجد الحرام ..... ۷۹۱
- ۶۳- زینت در مسجد ..... ۷۹۱
- ۶۴- سجده در مسجد الحرام ..... ۷۹۱
- ۶۵- سرزنش تعطیلی مسجد ..... ۷۹۱
- ۶۶- سوت در مسجد الحرام ..... ۷۹۳
- ۶۷- شرایط متولیان مسجد الحرام ..... ۷۹۳
- ۶۸- صدّ از مسجد الحرام ..... ۷۹۵

- ۶۹- طواف در مسجد الحرام ..... ۷۹۵
- ۷۰- طهارت مسجد الحرام ..... ۷۹۶
- ۷۱- ظلم بانیان مسجد ضرار ..... ۷۹۷
- ۷۲- ظلم تخریب مسجد ..... ۷۹۷
- ۷۳- عبادت در مسجد ..... ۷۹۷
- ۷۴- عبادتگاه مسجد الحرام ..... ۷۹۹
- ۷۵- عظمت مسجد الحرام ..... ۷۹۹
- ۷۶- عمومیت زیارت مسجد الحرام ..... ۷۹۹
- ۷۷- عمومیت مسجد الحرام ..... ۸۰۱
- ۷۸- عوامل ممانعت از مسجد الحرام ..... ۸۰۱
- ۷۹- غضب مسجد الحرام ..... ۸۰۱
- ۸۰- فرجام مانعان از مسجد ..... ۸۰۱
- ۸۱- فضایل بانیان مسجد قبا ..... ۸۰۲
- ۸۲- فضیلت عبادت در مسجد قبا ..... ۸۰۳
- ۸۳- فضیلت مسجد الحرام ..... ۸۰۳
- ۸۴- فضیلت مسجد قبا ..... ۸۰۳
- ۸۵- فلسفه بنای مسجد ..... ۸۰۵
- ۸۶- فلسفه تخریب مسجد ..... ۸۰۵
- ۸۷- فلسفه قبله شدن مسجد الحرام ..... ۸۰۵
- ۸۸- فلسفه مسجد سازی در غار اصحاب کهف ..... ۸۰۷
- ۸۹- فلسفه ممانعت از مسجد ..... ۸۰۷
- ۹۰- قبله بودن مسجد الحرام ..... ۸۰۷
- ۹۱- قبله شدن مسجد الحرام ..... ۸۱۰
- ۹۲- قتل در مسجد الحرام ..... ۸۱۳
- ۹۳- قتل مانعان مسجد الحرام ..... ۸۱۳
- ۹۴- قداست مسجد ..... ۸۱۳

- ۹۵- قداست مسجد الحرام ..... ۸۱۶
- ۹۶- قیاس تولیت مسجد با جهاد ..... ۸۱۷
- ۹۷- کف زدن در مسجد الحرام ..... ۸۱۷
- ۹۸- کیفر اخروی مانعان از مسجد ..... ۸۱۹
- ۹۹- کیفر مانعان از مسجد ..... ۸۱۹
- ۱۰۰- گناه تخریب مسجد ..... ۸۱۹
- ۱۰۱- گناه ممانعت از مسجد ..... ۸۱۹
- ۱۰۲- گناه ممانعت از مسجد الحرام ..... ۸۲۱
- ۱۰۳- لغو در مسجد الحرام ..... ۸۲۱
- ۱۰۴- مالک مسجد ..... ۸۲۱
- ۱۰۵- مسجد الله ..... ۸۲۳
- ۱۰۶- مانعان از مسجد ..... ۸۲۳
- ۱۰۷- متولیان مسجد الحرام ..... ۸۲۳
- ۱۰۸- محمد(صلی الله علیه و آله) و بانیان مسجد ضرار ..... ۸۲۵
- ۱۰۹- مخالفت با قبله شدن مسجد الحرام ..... ۸۲۵
- ۱۱۰- مسجد در دوران اصحاب کهف ..... ۸۲۵
- ۱۱۱- مسجد سازی بر قبور ..... ۸۲۵
- ۱۱۲- مسجد متروک ..... ۸۲۷
- ۱۱۳- مسیحیان و تخریب مسجد ..... ۸۲۷
- ۱۱۴- مشرکان و مسجد الحرام ..... ۸۲۷
- ۱۱۵- مکان مسجد ..... ۸۲۹
- ۱۱۶- ملاک آبادانی مسجد ..... ۸۲۹
- ۱۱۷- ملاک ارزش مسجد ..... ۸۲۹
- ۱۱۸- ملاک ویرانی مسجد ..... ۸۳۱
- ۱۱۹- ممانعت از عبادت خدا در مسجد الحرام ..... ۸۳۱
- ۱۲۰- ممانعت از مسجد ..... ۸۳۱



۸۳۳	۱۲۱- ممانعت از مسجد الحرام
۸۳۷	۱۲۲- ممنوعیت حق کشی در مسجد الحرام
۸۳۷	۱۲۳- ممنوعیت ممانعت از مسجد الحرام
۸۳۷	۱۲۴- ممنوعیت نماز در مسجد ضرار
۸۳۸	۱۲۵- ممنوعیت ورود مشرکان به مسجد الحرام
۸۳۹	۱۲۶- منافقان و مسجد ضرار
۸۴۰	۱۲۷- منشأ فضیلت مسجد
۸۴۱	۱۲۸- نقش مسجد
۸۴۳	۱۲۹- نماز در مسجد
۸۴۳	۱۳۰- نماز در مسجد الحرام
۸۴۳	۱۳۱- نیت در بنای مسجد
۸۴۴	۱۳۲- ورود کافران به مسجد
۸۴۵	۱۳۳- ورود مسلمانان به مسجد الحرام
۸۴۵	۱۳۴- ولایت بر مسجد الحرام
۸۴۷	۱۳۵- ویژگیهای مسجد الحرام
۸۴۷	۱۳۶- هدایت ناپذیری بانیان مسجد ضرار
۸۴۷	۱۳۷- یهود و تخریب مسجد
۸۴۸	۱۳۸- {مسجد الحرام}
۸۴۹	۱۳۹- آثار قبله شدن مسجد الحرام
۸۴۹	۱۴۰- آثار ممانعت از مسجد الحرام
۸۵۱	۱۴۱- آداب زیارت مسجد الحرام
۸۵۱	۱۴۲- آداب مسجد الحرام
۸۵۱	۱۴۳- ابراهیم(ع) کنار مسجد الحرام
۸۵۱	۱۴۴- احترام مسجد الحرام
۸۵۲	۱۴۵- احکام مسجد الحرام
۸۵۵	۱۴۶- اسارت مانعان مسجد الحرام

- ۱۴۷- اسراء محمد(صلی الله علیه و آله) از مسجد الحرام ..... ۸۵۵
- ۱۴۸- امنیت در مسجد الحرام ..... ۸۵۶
- ۱۴۹- امنیت مسجد الحرام ..... ۸۵۷
- ۱۵۰- اهمیت تطهیر مسجد الحرام ..... ۸۵۷
- ۱۵۱- اهمیت محافظت از مسجد الحرام ..... ۸۵۸
- ۱۵۲- اهمیت مسجد الحرام ..... ۸۵۹
- ۱۵۳- اهمیت مسجد الحرام در صدر اسلام ..... ۸۶۱
- ۱۵۴- برکات مسجد الحرام ..... ۸۶۱
- ۱۵۵- پاکیزگی در مسجد الحرام ..... ۸۶۱
- ۱۵۶- تاریخ زیارت مسجد الحرام ..... ۸۶۱
- ۱۵۷- تاریخ مسجد الحرام ..... ۸۶۳
- ۱۵۸- تجاوز به حقوق دیگران در مسجد الحرام ..... ۸۶۳
- ۱۵۹- تولیت مسجد الحرام ..... ۸۶۳
- ۱۶۰- تولیت مسجد الحرام در جاهلیت ..... ۸۶۵
- ۱۶۱- تولیت مسجد الحرام در صدر اسلام ..... ۸۶۵
- ۱۶۲- جنگ در مسجد الحرام ..... ۸۶۵
- ۱۶۳- حقانیت قبله بودن مسجد الحرام ..... ۸۶۷
- ۱۶۴- حقانیت قبله شدن مسجد الحرام ..... ۸۶۷
- ۱۶۵- خیریت مسجد الحرام ..... ۸۶۷
- ۱۶۶- رکوع در مسجد الحرام ..... ۸۶۹
- ۱۶۷- سجده در مسجد الحرام ..... ۸۶۹
- ۱۶۸- سوت در مسجد الحرام ..... ۸۶۹
- ۱۶۹- شرایط متولیان مسجد الحرام ..... ۸۷۱
- ۱۷۰- صدّ از مسجد الحرام ..... ۸۷۱
- ۱۷۱- طواف در مسجد الحرام ..... ۸۷۳
- ۱۷۲- طهارت مسجد الحرام ..... ۸۷۳

- ۱۷۳- عبادتگاه مسجد الحرام ..... ۸۷۳
- ۱۷۴- عظمت مسجد الحرام ..... ۸۷۳
- ۱۷۵- عمومیت زیارت مسجد الحرام ..... ۸۷۵
- ۱۷۶- عمومیت مسجد الحرام ..... ۸۷۵
- ۱۷۷- عوامل ممانعت از مسجد الحرام ..... ۸۷۵
- ۱۷۸- غضب مسجد الحرام ..... ۸۷۵
- ۱۷۹- فضیلت مسجد الحرام ..... ۸۷۷
- ۱۸۰- فلسفه قبله شدن مسجد الحرام ..... ۸۷۷
- ۱۸۱- قبله بودن مسجد الحرام ..... ۸۷۷
- ۱۸۲- قبله شدن مسجد الحرام ..... ۸۸۰
- ۱۸۳- قتل در مسجد الحرام ..... ۸۸۳
- ۱۸۴- قتل مانعان مسجد الحرام ..... ۸۸۳
- ۱۸۵- قداست مسجد الحرام ..... ۸۸۳
- ۱۸۶- کف زدن در مسجد الحرام ..... ۸۸۵
- ۱۸۷- گناه ممانعت از مسجد الحرام ..... ۸۸۵
- ۱۸۸- لغو در مسجد الحرام ..... ۸۸۷
- ۱۸۹- متولیان مسجد الحرام ..... ۸۸۷
- ۱۹۰- مخالفت با قبله شدن مسجد الحرام ..... ۸۸۷
- ۱۹۱- مشرکان و مسجد الحرام ..... ۸۸۹
- ۱۹۲- ممانعت از عبادت خدا در مسجد الحرام ..... ۸۸۹
- ۱۹۳- ممانعت از مسجد الحرام ..... ۸۹۰
- ۱۹۴- ممنوعیت حق کشی در مسجد الحرام ..... ۸۹۳
- ۱۹۵- ممنوعیت ممانعت از مسجد الحرام ..... ۸۹۳
- ۱۹۶- ممنوعیت ورود مشرکان به مسجد الحرام ..... ۸۹۵
- ۱۹۷- نماز در مسجد الحرام ..... ۸۹۵
- ۱۹۸- ورود مسلمانان به مسجد الحرام ..... ۸۹۷

- ۱۹۹- ولایت بر مسجد الحرام ..... ۸۹۷
- ۲۰۰- ویژگیهای مسجد الحرام ..... ۸۹۷
- ۲۰۱- {مسجد ضرار} ..... ۸۹۹
- ۲۰۲- آثار مسجد ضرار ..... ۸۹۹
- ۲۰۳- احکام مسجد ضرار ..... ۸۹۹
- ۲۰۴- انگیزه بنای مسجد ضرار ..... ۸۹۹
- ۲۰۵- بانیان مسجد ضرار در جهنم ..... ۹۰۱
- ۲۰۶- حرمت بنای مسجد ضرار ..... ۹۰۱
- ۲۰۷- خدا و بانیان مسجد ضرار ..... ۹۰۱
- ۲۰۸- ظلم بانیان مسجد ضرار ..... ۹۰۱
- ۲۰۹- محمد(صلی الله علیه و آله) و بانیان مسجد ضرار ..... ۹۰۳
- ۲۱۰- ممنوعیت نماز در مسجد ضرار ..... ۹۰۳
- ۲۱۱- منافقان و مسجد ضرار ..... ۹۰۳
- ۲۱۲- هدایت ناپذیری بانیان مسجد ضرار ..... ۹۰۵
- ۲۱۳- اهداف بنای مسجد قبا ..... ۹۰۵
- ۲۱۴- بانیان مسجد قبا و رضایت خدا ..... ۹۰۵
- ۲۱۵- تقوا در بنای مسجد قبا ..... ۹۰۷
- ۲۱۶- تقوای بانیان مسجد قبا ..... ۹۰۷
- ۲۱۷- فضایل بانیان مسجد قبا ..... ۹۰۷
- ۲۱۸- فضیلت عبادت در مسجد قبا ..... ۹۰۸
- ۲۱۹- فضیلت مسجد قبا ..... ۹۰۹
- ۲۲۰- {مسجد کوفه} ..... ۹۰۹
- ۲۲۱- ارزش مسجدالاقصی ..... ۹۱۱
- ۲۲۲- اهمیت مسجدالاقصی ..... ۹۱۲
- ۲۲۳- برکت مسجدالاقصی ..... ۹۱۳
- ۲۲۴- خویشاوندان مریم(س) کنار مسجدالاقصی ..... ۹۱۳

- ۲۲۵- شرق مسجدالاقصی ..... ۹۱۴
- ۲۲۶- فاتحان مسجدالاقصی ..... ۹۱۵
- ۲۲۷- فتح مسجدالاقصی ..... ۹۱۵
- ۲۲۸- مریم(س) کنار مسجدالاقصی ..... ۹۱۷
- ۲۲۹- ویژگیهای مسجدالاقصی ..... ۹۱۷
- ۲۳۰- احترام مسجد ..... ۹۱۷
- ۲۳۱- محافظت از مساجد ..... ۹۱۹
- ۱۵- مسخ ..... ۹۲۰
- ۱- آثار مسخ قلب ..... ۹۲۰
- ۲- آثار مسخ کافران ..... ۹۲۰
- ۳- استهزای مسخ شدگان ..... ۹۲۰
- ۴- امکان مسخ ..... ۹۲۱
- ۵- جایگاه مسخ شدگان ..... ۹۲۱
- ۶- گمراهی مسخ شدگان ..... ۹۲۱
- ۷- مسخ اصحاب سبت ..... ۹۲۳
- ۸- مسخ اهل ایله ..... ۹۲۳
- ۹- مسخ اهل کتاب ..... ۹۲۵
- ۱۰- مسخ بنی اسرائیل ..... ۹۲۶
- ۱۱- مسخ به خوک ..... ۹۲۷
- ۱۲- مسخ به میمون ..... ۹۲۸
- ۱۳- مسخ چشم مشرکان ..... ۹۳۱
- ۱۴- مسخ در بنی اسرائیل ..... ۹۳۳
- ۱۵- مسخ در قیامت ..... ۹۳۳
- ۱۶- مسخ شخصیت ..... ۹۳۳
- ۱۷- مسخ شدگان بنی اسرائیل ..... ۹۳۴
- ۱۸- مسخ شدگان در جهنم ..... ۹۳۵

- ۹۳۵ ..... ۱۹- مسخ عصیانگران
- ۹۳۵ ..... ۲۰- مسخ قلب
- ۹۳۵ ..... ۲۱- مسخ قلب کافران
- ۹۳۷ ..... ۲۲- مسخ کافران
- ۹۳۷ ..... ۲۳- مسخ یهود ایله
- ۹۳۹ ..... ۲۴- استهزای مسخ شدگان
- ۹۳۹ ..... ۲۵- جایگاه مسخ شدگان
- ۹۳۹ ..... ۲۶- گمراهی مسخ شدگان
- ۹۴۰ ..... ۲۷- مسخ شدگان بنی اسرائیل
- ۹۴۱ ..... ۲۸- مسخ شدگان در جهنم
- ۹۴۲ ..... ۱۶- مسرفان
- ۹۴۲ ..... ۱- مسرفان
- ۹۴۴ ..... ۲- آثار توبه مسرفان
- ۹۴۵ ..... ۳- اطاعت از مسرفان
- ۹۴۵ ..... ۴- افساد مسرفان
- ۹۴۵ ..... ۵- بی لیاقتی مسرفان
- ۹۴۵ ..... ۶- تداوم عذاب مسرفان
- ۹۴۷ ..... ۷- حق ناپذیری مسرفان
- ۹۴۷ ..... ۸- دشمنی مسرفان
- ۹۴۷ ..... ۹- زمینه پیدایش مسرفان
- ۹۴۷ ..... ۱۰- سختی زندگی مسرفان
- ۹۴۹ ..... ۱۱- شرایط آمرزش مسرفان
- ۹۴۹ ..... ۱۲- صفات مسرفان
- ۹۴۹ ..... ۱۳- عجب مسرفان
- ۹۴۹ ..... ۱۴- عذاب اخروی مسرفان
- ۹۵۱ ..... ۱۵- کوری اخروی مسرفان

- ۹۵۱ ----- ۱۶- کيفر مسرفان
- ۹۵۳ ----- ۱۷- محروميت اخروي مسرفان
- ۹۵۳ ----- ۱۸- محروميت مسرفان
- ۹۵۵ ----- ۱۹- مسرفان در جهنم
- ۹۵۵ ----- ۲۰- ممانعت از اطاعت مسرفان
- ۹۵۵ ----- ۲۱- هلاکت مسرفان
- ۹۵۶ ----- ۱۷- مسکن
- ۹۵۶ ----- ۱- آثار علاقه به مسکن
- ۹۵۶ ----- ۲- آزادی انتخاب مسکن
- ۹۵۶ ----- ۳- اهميت تأمين مسکن
- ۹۵۷ ----- ۴- اهميت تهيه مسکن
- ۹۵۷ ----- ۵- اهميت مسکن
- ۹۵۷ ----- ۶- اهميت مسکن مؤمنان
- ۹۵۷ ----- ۷- حق مسکن
- ۹۵۹ ----- ۸- دين و مسکن
- ۹۵۹ ----- ۹- سرزنيش علاقه به مسکن
- ۹۶۱ ----- ۱۰- شرايط انتخاب مسکن
- ۹۶۱ ----- ۱۱- علاقه به مسکن
- ۹۶۱ ----- ۱۲- مسکن ابراهيم(ع)
- ۹۶۲ ----- ۱۳- مسکن اخروي مهاجران
- ۹۶۳ ----- ۱۴- مسکن اصحاب ايکه
- ۹۶۳ ----- ۱۵- مسکن انسان ها
- ۹۶۳ ----- ۱۶- مسکن بني اسرائيل
- ۹۶۵ ----- ۱۷- مسکن حبيب نجار
- ۹۶۵ ----- ۱۸- مسکن خويشاوندان مريم(س)
- ۹۶۵ ----- ۱۹- مسکن در اديان

- ۹۶۷ ----- ۲۰- مسکن شیاطین
- ۹۶۷ ----- ۲۱- مسکن مرفهان اقوام پیشین
- ۹۶۷ ----- ۲۲- مسکن مریم(س)
- ۹۶۷ ----- ۲۳- مسکن مطلقه
- ۹۷۰ ----- ۲۴- موسی(ع) و مسکن بنی اسرائیل
- ۹۷۱ ----- ۲۵- نعمت مسکن
- ۹۷۳ ----- ۲۶- نیاز به مسکن
- ۹۷۳ ----- ۲۷- ویژگیهای مسکن قوم ثمود
- ۹۷۳ ----- ۲۸- هارون(ع) و مسکن بنی اسرائیل
- ۹۷۶ ----- ۱۸- مسکین
- ۹۷۶ ----- ۱- احسان به مسکین
- ۹۷۶ ----- ۲- درآمد مسکین
- ۹۷۶ ----- ۳- زن مسکین
- ۹۷۷ ----- ۴- شغل مسکین
- ۹۷۷ ----- ۵- مراد از مسکین
- ۹۷۹ ----- ۶- مرد مسکین
- ۹۷۹ ----- ۷- نشانه های مسکنت
- ۹۸۰ ----- درباره مرکز



مشخصات کتاب

نام کتاب: علم مفاهیم شناسی در قرآن سری جدید جلد 93

تحقیق و تالیف: رسول ملکیان اصفهانی - 1400 ش

ناشر دیجیتال: مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

ص: 1

1- مرگ

1- مرگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 240 - 1

1 - حقیقت انسان، با مرگ نابود نمی شود. \*

و الذین يُتوفون منکم

«توفی»، به معنای گرفتن کامل چیزی است که داده شده است؛ نه نابود کردنش.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - آل عمران - 3 - 97 - 24

24 - توجه یافتن به مرگ و قبر و قیامت و آمادگی برای آنها، فلسفه وجود حج و اختصاص آن به خداوند

و لله على الناس حج البيت

امام صادق (ع): ... و اعلم بانّ الله تعالى لم يفترض الحجّ و لم يخصّه من جميع الطاعات بالاضافه الى نفسه بقوله عزّ و جلّ «و لله على الناس حج البيت ...» ... الاّ للاستعداد و الاشارة الى الموت و القبر و البعث و القيامة ...

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - آل عمران - 3 - 144 - 1,2,3,4,8

1 - حضرت محمد (صلی الله علیه و آله)، تنها، رسول خداست و همچون دیگر پیامبران الهی، مرگ را ملاقات خواهد کرد.

و ما محمد الا رسول قد خلت من قبله الرسل افاین مات او قتل

جمله «قد خلت ..» (رسولانی پیش از او بودند و از دنیا رفتند)، کنایه از این است که محمد (صلی الله علیه و آله) نیز همانند دیگر پیامبران از دنیا خواهد رفت؛ یا با مرگ طبیعی و یا با شهادت.

ص: 1

2 - پندار باطل برخی از پیروان پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) نسبت به فناپذیری آن حضرت

و ما محمد الا رسول قد خلت من قبله الرسل افاین مات او قتل

گویا تذکر خداوند به اینکه محمد (صلی الله علیه و آله)، سمتی جز پیامبری ندارد و پیامبرانی پیش از او بودند و از دنیا رفتند، در ردّ چنین پنداری باشد.

3 - پایان پذیری پیام رسولان الهی، یا با مرگ و یا با شهادت ایشان، پندار باطل برخی از مسلمانان صدر اسلام

و ما محمد الا رسول .. افاین مات او قتل انقلبتم علی اعقابکم

4 - تزلزل روحیه برخی از پیکارگران احد، بر اثر شایعه قتل پیامبر (صلی الله علیه و آله)

و ما محمد الا رسول .. افاین مات او قتل انقلبتم علی اعقابکم

8 - خطر واپسگرایی مردم صدر اسلام از مسیر رهبری، پس از رحلت یا شهادت پیامبر (صلی الله علیه و آله)

و ما محمد الا رسول .. افاین مات او قتل انقلبتم علی اعقابکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - آل عمران - 3 - 145 - 6, 4, 3, 2, 1

1 - هیچ کس، جز به فرمان خدا نمی میرد .

و ما کان لنفس ان تموت الا باذن الله

2 - تمام انسان ها دارای عمری معین و زمان مرگشان در علم الهی، مشخص است .

و ما کان لنفس ان تموت .. کتاباً مؤجلاً

3 - مرگ انسان، سنت تغییرناپذیر الهی

و ما کان لنفس ان تموت .. کتاباً مؤجلاً

4 - نه جهاد و پایداری در راه خدا مرگ آور است و نه گریز و رویگردان از آن زندگی بخش

و ما کان لنفس ان تموت الا باذن الله کتاباً مؤجلاً

چون آیات قبل و بعد درباره جهاد و مبارزه است، این آیه اشاره دارد به نفی پندار کسانی که جنگ را عامل کشته شدن و ترک حضور در

صحنه پیکار را باعث ادامه حیات می دانستند. بنابراین، جنگ، تعیین کننده مرگ و زندگی نخواهد بود.

6- قوانین حاکم بر حیات و مرگ موجودات، برخاسته از اراده و حاکمیت خداوند

و ما کان لنفس ان تموت الا باذن الله کتاباً مؤجلاً

چون عوامل و اسبابی برای مرگ و حیات در جریان است، و این آیه مرگ را به اذن الهی می داند، بنابراین به این نتیجه می رسیم که عوامل و اسباب مرگ و حیات، در تحت اراده الهی است و به اذن او عمل می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3- آل عمران - 3 - 154 - 34

34- حوادث ایام، جنگ ها، سختی ها، مصیبت ها و مرگ، آزمایش الهی است.

لبرز الذین .. و لیتلی الله ما فی صدورکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3- آل عمران - 3 - 156 - 8

ص: 2

8 - اندیشه های جاهلانه درباره مرگ و حیات ( حاکمیت عوامل مادی بر اراده خداوند ) ، موجب حسرت کفرپیشگان ، به هنگام قیامت

لو كانوا عندنا ما ماتوا و ما قتلوا لیجعل الله ذلک حسره فی قلوبهم

برخی از مفسران برآنند که زمان حسرت مطرح شده در آیه، قیامت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - آل عمران - 3 - 157 - 1,4,8,10,12

1 - کشته شدن ( شهادت ) و مردن در راه خدا ، موجب آمرزش گناهان و بهره مندی از رحمت خداوند

و لئن قتلتم فی سبیل الله او متّم لمغفره من الله و رحمه

مناسبت حکم و موضوع (مرگ و مغفرت) اقتضا می کند که «فی سبیل الله» پس از «متّم» مقدّر باشد.

4 - شهادت در راه خدا ، دارای منزلتی والاتر از مرگ در راه او

و لئن قتلتم فی سبیل الله او متّم لمغفره من الله و رحمه

تقدّم ذکری شهادت، حاکی از تقدّم مرتبه آن است.

8 - مرگ و یا شهادت در راه خدا ، دارای ارزشی برتر از ماندن در دنیا و ثروت اندوزی

و لئن قتلتم فی سبیل الله او متّم . . . خیر ممّا یجمعون

10 - بیان مقام والای آنانکه در راه خدا می میرند و یا کشته می شوند ، نشان دهنده بطلان ارزیابی کفرپیشگان درباره حیات و مرگ

لو كانوا عندنا ما ماتوا و ما قتلوا . . . و لئن قتلتم او متّم لمغفره من الله و رح

12 - ایمان به ارزشمندی والای شهادت و مرگ در راه خدا ، رهایی بخش آدمی از وابستگی های دنیوی

و لئن قتلتم . . . لمغفره من الله و رحمه خیر ممّا یجمعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - آل عمران - 3 - 158 - 1

1 - مرگ و یا کشته شدن ، چه در راه خدا و چه در راه غیر او ، مسیری است به سوی خداوند ، نه نابودی و فنا .

و لئن مُتّم او قُتلتم لالی الله تحشرون

از اینکه قید «فی سبیل الله» ذکر نشده، به دست می آید که مراد، هر نوع مردن و کشته شدن است و مؤید این معنا تقدیم مردن بر کشته شدن است؛ به خلاف آیه قبل.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - آل عمران - 3 - 169 - 9

9 - بقای انسان، پس از مرگ

بل احیاء عند ربهم یرزقون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - آل عمران - 3 - 185 - 19

ص: 3

19 - حیات دنیا و لذت های آن ، غافل کننده انسان از رسیدن مرگ و نابودی آن لذت ها و خوشیها

كَلَّ نَفْسٌ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ . . . وَ مَا الْحَيَوَةُ الدُّنْيَا إِلَّا مَتَاعُ الْغُرُورِ

از تذکر به رسیدن مرگ، علی رغم آگاهی همگان از آن، و سپس فریبنده خواندن حیات دنیا، معلوم می شود که مصداق بارز فریبندگی دنیا، غافل نمودن انسانها از مرگ و نابودی لذتهاست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - آل عمران - 3 - 193 - 26

26 - مرگ انسان ، به مشیت و اراده الهی است .

و توفّنا مع الابرار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - آل عمران - 3 - 198 - 19

19 - مرگ مؤمن به دلیل اینکه راه رسیدنش به بهشت است ، برای او خیر می باشد .

و ما عند الله خیر للابرار

امام باقر (ع) فرمود: . . . الموت خیر للمؤمن لانّ الله يقول «و ما عند الله خیر للابرار».

---

تفسیر عیاشی، ج 1، ص 212، ح 178 ; تفسیر برهان، ج 1، ص 333، ح 11.

## 2- آثار ترس از مرگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - جمعه - 62 - 6 - 6

6 - ترس از مرگ ، نشان دروغ گویی مدعیان دوستی با خداوند

فتمنّوا الموت إن كنتم صدقین

## 3- آثار تعقل در مرگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - نجم - 53 - 55 - 2

2 - مطالعه جریان مرگ ، حیات ، نظام آفرینش و روند تحولات تاریخ ، راهگشای انسان به سوی جهان بینی الهی

فبأیّ الاء ربک تتماری

از ارتباط این آیه با آیات پیشین - به وسیله فای تفریع - مطلب بالا استفاده می شود.

ص: 4



#### 4- آثار تفکر در مرگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 28 - 3

3 - تفکر آدمی در آفرینش حیات و مرگ خویش ، وادار کننده وی به ایمان و باور به خدای یکتاست .

کیف تکفرون بالله و کنتم أموتاً فأحیکم

#### 5- آثار ذکر استمرار مرگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 82 - 5

5 - توجه به آفرینش انسان و استمرار مرگ و حیات در زمین ، زداینده هر گونه تردید و دودلی نسبت به معاد و حیات مجدد انسان

و هو الذی أنشأ لکم السمع . . . و هو الذی یحی و یمیت . . . أفلا تعقلون ... قالوا أءذا

#### 6- آثار ذکر مرگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - آل عمران - 3 - 185 - 16

16 - توجه دادن به مرگ و کیفر و پاداش اعمال در قیامت و فریبنده بودن دنیا از روش های قرآن برای هدایت انسانها

کلّ نفس ذائقة الموت . . . و ما الحیوه الدّنیاء الا متاع الغرور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - آل عمران - 3 - 186 - 7

7 - توجه به مرگ و اجر اخروی و نیز فریبندگی دنیا ، زمینه ساز پیروزی انسان در آزمایش الهی

کلّ نفس ذائقة الموت . . . لتبلونّ فی اموالکم و انفسکم

ظاهراً آیه قبل (کلّ نفس . . .) رهنمودی برای پیروز شدن مؤمنان در امتحانهای جانی و مالی است. چون بهترین راه برای از جان گذشتگی و جهاد این است که آدمی بداند چه جهاد کند و یا سستی نماید، طعم مرگ را خواهد چشید. و راه معقول برای صرفنظر کردن از اموال این است که آدمی بداند دنیا و آنچه در آن است، فریبنده و پوچ است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 78 - 2

2 - آخرت اندیشی و توجه به قطعی بودن مرگ و اندک بودن متاع دنیا، زمینه حضور در صحنه جهاد

فلما كتب عليهم القتال... قل متاع الدنيا قليل و الاخره خير... اين ما تكونوا

ص: 5

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 2 - 10

10 - توجه انسان به آفرینش و مرگ خویش، زمینه شناخت ربوبیت یگانه خداوند

بربهم يعدلون. هو الذی خلقکم من طین ثم قضی أجلا ... ثم أنتم تمترون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 185 - 9

9 - توجه به مرگ و نزدیک بودن پایان عمر، زمینه ساز پرهیز آدمی از انکار حق و معارف دین (توحید، نبوت و قیامت) است.

إن هو إلا نذیر مبین . . . و أن عسی أن یکون قد اقترب أجلهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 104 - 11

11 - یادآوری مرگ، وسیله توجه به خدا و توحید در عبادت است.

ولکن أعبد الله الذی یتوفیکم

ذکر «یتوفاکم» پس از بیان توحید در عبادت، بیانگر این نکته نیز می تواند باشد که یاد مرگ، زمینه ای برای پی بردن به توحید در عبادت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 74 - 11

11 - توجه به مرگ و هلاکت اقوام متمدن و ثروتمند تاریخ، مایه هشدار و موجب فریفته نشدن به دنیا

أیّ الفریقین . . . و کم أهلکنا قبلهم من قرن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 16 - 4

4 - توجه انسان به چگونگی خلقت خویش و مرگ و رستاخیز، زمینه ساز گرایش وی به ایمان و رو کردن به ارزش های دینی و الهی

ثُمَّ إِنَّكُمْ يَوْمَ الْقِيَمَةِ تَبْعَثُونَ

در آیات نخستین این سوره، سخن از مؤمنان راستین و صفات ارزشی آنان بود. اکنون در این آیات - که سخن از خلقت شگفت انسان و مرگ و رستاخیز او است - می‌تواند رهنمودی باشد به انسان‌ها برای گرویدن به راه مؤمنان راستین.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - محمد - 47 - 27 - 4

4- توجه به عمر محدود دنیا و گرفتاری‌های لحظه مرگ، بازدارنده انسان از گناه و انحراف

فَكَيْفَ إِذَا تَوَفَّتْهُمُ الْمَلَائِكَةُ

ص: 6

تعبیر «فکیف..» در مقام بازداشتن منافقان و منحرفان از بی ایمانی و نفاق است بدین منظور اولاً مرگ را به رخ آنان کشیده تا بدانند زندگی دنیا دیری نمی پاید. ثانیاً کیفر و عقاب را به یاد آنان آورده تا بدانند حق ستیزی، فرجامی سخت و دشوار دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - منافقون - 63 - 10 - 16

16 - ایمان و توجه به ویژگی مرگ و بعد از آن ، برانگیزاننده انسان به انفاق و انجام اعمال صالح

من قبل أن يأتي أحدكم .. و أكن من الصالحين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - ملک - 67 - 2 - 15

15 - یاد مرگ ، عاملی نیرومند در انگیزش و برانگیختن انسان ها ، به سوی کمال جویی و کردار نیک

الذی خلق الموت و الحیوه لیبلوکم ایکم أحسن عملاً

ذکر مرگ انسان ها در موضوع فلسفه خلقت آنان - که تلاش برای تکامل و بهتر شدن است - و نیز تقدیم آن بر حیات آدمیان، می تواند اشاره به نکته یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - عبس - 80 - 21 - 11، 4

4 - توجه به وابستگی مرگ انسان ها به خداوند ، مانع کفر به او است .

ما أكفره .. ثم أماته

11 - توجه به پایان زندگی و مدفون شدن انسان ها در قبر ، مانع کفرورزی به خداوند است .

ما أكفره .. فأقبه

## 7- آثار سكرات مرگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - ق - 50 - 19 - 3

3- سكرات مرگ، زداینده ابهام از چهره حقایق هستی

و جاءت سكره الموت بالحقّ

بنابراین که باء در «بالحقّ» برای تعدیه باشد، برداشت بالا به دست می آید؛ یعنی، سكرات مرگ حق را می آورد و حقایق را خواه نا خواه بر انسان آشکار می سازد.

ص: 7

## 8- آثار علم به مرگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - نوح - 71 - 4 - 10

10 - شناخت مرگ و اجل انسان ، زمینه ساز توجه به خدا و ایمان به او است .

لو کنتم تعلمون

در برداشت یاد شده، مفعول «تعلمون» - به قرینه جملات سابق - اجل انسان است و جواب شرط «لو»، ممکن است جمله ای محذوف مانند «لأمتنم و أطعتم» باشد.

## 9- آثار مرگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 94 - 8

8 - مرگ ، مرحله و گذری است برای حضور در سرای آخرت و بهره مند شدن از نعمت های آن .

إن كانت لكم الدار الآخرة .. فتمنوا الموت

از آن جا که خداوند در پاسخ ادعای یهود - مبنی بر اختصاص داشتن سرای آخرت به ایشان - فرمود: «پس تمنای مرگ کنید» معلوم می شود: انسان با مردن قدم به سرای آخرت می گذارد؛ یعنی، آدمی پس از مردن تا برپایی قیامت نیز از نعمتهای آخرت بهره مند و یا به عذابهای آن گرفتار خواهد شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 259 - 12

12 - تفاوت تلقی انسان از زمان ، در دو عالم دنیا و پس از مرگ

فاماته الله مائه عام .. قال لبثت يوماً أو بعض يوم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 159 - 4

4 - لحظه مرگ ، زمان آشکار شدن حقایق معنوی برای تمامی انسانها \*

وإن من أهل الكتب إلا ليؤمننّ به قبل موته

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 60 - 13، 12

12 - زمانی که اجل آدمی فرا برسد دیگر از خواب برانگیخته و بیدار نمی شود.

ثم یبعثکم فیہ لیقضی أجل مسمی

جمله «لیقضی» تعلیل برای «یبعثکم» است. یعنی برانگیختن آدمی از خواب برای به پایان رسیدن اجل است. مفهوم این تعلیل آن است که زمانی که اجل سرآید دیگر خداوند او را از خواب بیدار نمی کند. پس خواب مقدمه مرگ است.

ص: 8



13 - آدمیان با مرگ به سوی خداوند بازمی گردند.

لیقضى أجل مسمى ثم إليه مرجعکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 61 - 4

4 - با فرارسیدن زمان مرگ آدمی، گسیل فرشتگان محافظ و مراقب وی پایان می پذیرد.

و يرسل علیکم حفظه حتی إذا جاء أحدکم الموت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 62 - 1

1 - آدمیان پس از مرگ، به سوی خداوند (مولای حقیقی خود) بازمی گردند.

ثم ردوا إلى الله مولیهم الحق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 94 - 8, 9, 2, 5

2 - آدمی با مرگ، هر آنچه را خداوند در دنیا به او ارزانی داشته بود، رها می سازد.

و ترکتم ما خولنکم وراء ظهورکم

«تخویل» به معنای اعطا و تملیک است و مراد از «خولناکم» نعمتهایی است که خداوند در دنیا به آدمی ارزانی فرموده است.

5 - با مرگ بین آدمی و شریکان پنداری او برای خداوند جدایی خواهد افتاد.

لقد تقطع بینکم و ضل عنکم ما کنتم تزعمون

8 - با فرارسیدن مرگ، مشرکان بر پوچی پندار خویش در مورد شفاعت معبودهای خود پی خواهند برد.

و ما نری معکم شفعاء کم الذین زعتم أنهم فیکم شرکؤا . . . و ضل عنکم ما کنتم تزعمون

در لسان العرب آمده که یکی از معانی «ضل»، پنهان و غایب شد است. بنابراین معنی جمله «و ضل عنکم ...»، یعنی آنچه را شما می پنداشتید پس از مرگ شفاعت شما را خواهند کرد، غایب و پنهان گشته اند.

9 - چشمان آدمی با مرگ به روی حقایق گشوده خواهد شد.

و ضل عنکم ما کنتم تزعمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 77 - 5

5 - لحظه مرگ ، زمان ملاقات انسان با خدا و آشکار شدن حق برای اوست .

یوم یلقونه

مراد از «یوم یلقونه» می تواند مرگ باشد و همچنین می تواند قیامت باشد. برداشت فوق بر اساس احتمال اول است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 75 - 7

ص: 9

7- لحظه مرگ، سرآغاز کیفر اخروی مجرمان

لأذقنک ضعف الحیوه و ضعف الممات

برداشت فوق، از تعبیر «مات» به جای «آخرت» و «قیامت» استفاده شده است؛ یعنی، عذاب دو چندان در ایام مرگ خواهد بود چه در قیامت و چه پیش از آن.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - عنکبوت - 29 - 5 - 5

5 - لقاء الله، پس از مرگ، برای مشتاقان به آن، تحقق پیدا می کند.

من کان یرجوا لقاء الله فإنّ أجل الله لأت

«أجل» در اصل، به معنای «مدت تعیین شده برای هر چیز» است و در «مدت تعیین شده برای حیات انسان» - که از آن، به «مرگ» تعبیر می شود نیز استعمال می شود (مفردات راغب) بنابر معنای استعمالی آن، احتمال دارد مراد از «أجل الله» مرگی باشد که خداوند، برای انسان ها، مقرر کرده است. در این صورت، «فإنّ أجل الله لأت» اشعار دارد که لقاء الله، پس از مرگ، جامه عمل می پوشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - روم - 30 - 52 - 5

5 - انسان ها، با مرگ، درک و شعور خود را از دست می دهند.

إنک لاتسمع الموتی

اگرچه مراد از «الموتی» کسانی اند که از حق گریزان اند و نوعی تشبیه در آیه به کار رفته است، ولی چنین امری، نشان دهنده این حقیقت است که مرده، فاقد شعور است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - سبأ - 34 - 54 - 3، 1

1 - بین مشرکان و لذت های دنیوی شان، پس از مرگ فاصله می افتد.

و حیل بینهم و بین ما یشتهون

این که مراد از «ما یشتهون» چیست احتمال های گوناگونی وجود دارد؛ از جمله آنها لذت ها و مال و اموال دنیایی است.

3- با مرگ مشرکان ، فرصت ایمان آوردن از آنان گرفته شده و دیگر جایی برای آن نمی ماند .

ولو تری إذ فرعوا .. وقالوا ءامنا به ... و حیل بینهم و بین ما یشتهون

احتمال دارد مراد از «ما یشتهون» - به قرینه ذکر ایمان مشرکان با مشاهده عذاب و یا قیامت در آیات پیشین - علاقه به ایمان باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 42 - 4,5

4 - مرگ ، دریافت کامل حقیقت آدمی است .

اللّٰهُ يَتَوَفَّى الْأَنْفُسَ حِينَ مَوْتِهَا

ص: 10

5- جسم و روح آدمی ، دو حقیقت بوده و به هنگام مرگ از هم جدا می شوند .

اللّٰهُ يَتَوَفَّى الْأَنْفُسَ حِينَ مَوْتِهَا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 44 - 8

8- بازگشت همه انسان ها پس از مرگ تنها به سوی خدا است .

ثُمَّ إِلَيْهِ تَرْجَعُونَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - دخان - 44 - 8 - 4

4- زندگی و مرگ ، هر دو در جهت تکامل انسان و دارای روندی همسو و نه متعارض

رَبِّ السَّمَوَاتِ وَ... لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ يُحْيِي وَيُمِيت

از ارتباط «هو یحیی و یمیت» با «رَبِّ» - که قبل و بعد از آن یاد شده است - استفاده می شود که حیات و مرگ، هر دو در جهت تکامل انسان بوده و برخلاف تصور برخی مذاهب، مرگ امری شرّ نیست و خاستگاهی جز اراده خداوند حیات آفرین ندارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - مدثر - 74 - 47 - 3

3- لحظه مرگ و جهان پس از آن ، زمان کشف حقایق الهی برای بشر

حَتَّىٰ آتَيْنَا الْيَقِينِ

برداشت یاد شده، براساس این احتمال است که نام گذاری مرگ به «یقین»، ممکن است به این لحاظ باشد که پس از مرگ، حقایق بسیاری - از جمله وجود معاد و .. - برای بشر روشن و عینی خواهد شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - قیامه - 75 - 30 - 3

3- لحظه مرگ ، لحظه بروز ناتوانی کامل انسان و حاکمیت تام خداوند بر سرنوشت او

از آن جایی که قیامت روز حساب و مجازات است، سوق دادن انسان به درگاه خداوند در آن روز، می تواند نشانگر این حقیقت باشد که سرنوشت انسان ها (بهشتی یا جهنمی شدن آنان)، در آن تعیین خواهد شد.

## 10- آثار مرگ انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 133 - 5

5 - امت ها ، در خطر ارتداد پس از مرگ پیامبرانشان

ص: 11

إذ حضر يعقوب الموت إذ قال لبنيه ما تعبدون من بعدى

## 11- آثار مرگ با غفلت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 39 - 8

8- مرگ همراه با غفلت و بی ایمانی ، موجب حسرت در قیامت است .

و أنذرهم يوم الحسرة إذ قضى الأمر و هم فى غفلة و هم لا يؤمنون

ضمیر «هم» به «الظالمون» - در آیه قبل - باز می گردد و جمله «هم فى ..» حالیه است و مفاد آیه این است که در حالى فرصت دنیایی ظالمان پایان یافت که آنان غافل بودند و به معاد ایمان نمی آوردند.

## 12- آثار مرگ با کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 161 - 3، 1

1 - کفرپیشگانی که با کفر بمیرند ، به لعنت خدا گرفتار شده و مورد نفرین و لعنت فرشتگان خواهند بود .

إن الذين كفروا و ماتوا و هم كفار أولئك عليهم لعنة الله و الملائكة و الناس أجمعين

3 - فرشتگان و تمامی مردم در قیامت ، کفرپیشگانی را که در حال کفر مرده اند ، لعنت کرده و خواستار دورى رحمت الهی از آنان خواهند شد .

أولئك عليهم لعنة الله و الملائكة و الناس أجمعين

لعنت مردم به معنای: نفرین و درخواست دورى لعنت شونده از رحمت خداوند است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 162 - 1

1 - کسانی که کافر بمیرند ، برای همیشه به لعنت خدا گرفتار خواهند بود .

أولئك عليهم لعنة الله .. خلدین فیها

ظاهر این است که ضمیر «فیها» به «لعنة الله ..» (در آیه قبل) بازگردد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 39 - 8

8- مرگ همراه با غفلت و بی ایمانی ، موجب حسرت در قیامت است .

وَأَنْذَرَهُمْ يَوْمَ الْحَسْرَةِ إِذْ قُضِيَ الْأَمْرُ وَهُمْ فِي غَفْلَةٍ وَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ

ضمیر «هم» به «الظالمون» - در آیه قبل - بازمی گردد و جمله «هم فی ..» حالیه است و مفاد آیه این است که در حالی فرصت

ص: 12



دنیایی ظالمان پایان یافت که آنان غافل بودند و به معاد ایمان نمی آوردند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - محمد - 47 - 34 - 1

1- مرگ کافران مخالف راه خدا در حال کفر ، مایه محرومیت ابدی از عفو و رحمت الهی

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا و... فلن يغفر الله لهم

مرگ کافران مخالف راه خدا در حال کفر، مایه محرومیت ابدی از عفو و رحمت الهی

### 13- آثار مرگ بی توبه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 162 - 3، 2

2- کتمان کنندگان حقایق دینی ، در صورتی که بدون توبه بمیرند ، همواره مورد لعنت خدا خواهند بود .

إِنَّ الَّذِينَ يَكْتُمُونَ... أولئك عليهم لعنة الله... خلدین فیها

3- کفرپیشگانی که بدون توبه می میرند ، برای همیشه به عذاب اخروی گرفتار می شوند .

خلدین فیها لایخفف عنهم العذاب

### 14- آثار مرگ ظالمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 99 - 1

1 - لحظه مرگ ، لحظه پایان یافتن شرارت ها و حق ستیزی های کافران و ستمگران

حتّی إذا جاء أحدهم الموت قال ربّ ارجعون

«حتی» برای بیان غایت شرارت ها و ستمگری های کافران است.

### 15- آثار مرگ فرزندان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - احساس خطر مرگ برای فرزند، ضربه ای سهمگین بر مادر و مایه پریشانی خاطر وی

إن كادت لتبدي به لولا أن ربطنا على قلبها

مراد از برداشت یاد شده این است که اگر خداوند دل مادر موسی را محکم نکرده بود، وی به خاطر احساس خطری که برای

ص: 13

موسی(ع) داشت، ممکن بود از خود بی خود شده و ناله سر دهد و راز موسی(ع) را فاش سازد.

### 16- آثار مرگ فرعونیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - دخان - 44 - 29 - 3

3- مرگ خفت بار فرعونیان ، هشدارى به مستکبران و خود بزرگ بینان تاریخ

فما بکت علیهم السماء و الأرض

### 17- آثار مرگ کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 99 - 1

1 - لحظه مرگ ، لحظه پایان یافتن شرارت ها و حق ستیزی های کافران و ستمگران

حتی إذا جاء أحدهم الموت قال رب ارجعون

«حتی» برای بیان غایت شرارت ها و ستمگری های کافران است.

### 18- آثار مرگ گمراهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 75 - 18، 10

10- عذاب الهی در دنیا و یا فرارسیدن مرگ و قیامت ، پایان مهلت خداوند به گمراهان

حتی إذا رأوا ما یوعدون إِمَّا العذاب و إِمَّا الساعه

«الساعه» در اغلب موارد استعمال در قرآن، به معنای «قیامت» است؛ ولی در این آیه چون سخن از پایان مهلت است و پایان مهلت نیز همان مرگ است، مراد از «الساعه» قیامت با تمام مقدمات آن خواهد بود.

18- گمراهان ، هنگام نزول عذاب دنیوی و یا لحظه فرارسیدن مرگ ، ضعف و ناتوانی یاران خود را خواهند دید .

فسیعلمون من هو ... أضعف جنداً

## 19- آثار مرگ محمد (صلی الله علیه و آله)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 41 - 3

ص: 14

3 - پندار مشرکان عصر بعثت ، خاموش شدن فروغ دین و آیین نبوی ، با رحلت پیامبر (صلی الله علیه و آله)

فَإِنَّمَا نَذِهِنَّ بِكَ فَإِنَّمَا مِنْهُمْ مَنْتَقِمُونَ

آیه شریفه، گویا در پاسخ توهم مشرکان است که می پنداشتند با رحلت پیامبر (صلی الله علیه و آله)، تمامی مسائل خاتمه خواهد یافت.

## 20- آثار مرگ مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7- توبه - 9 - 15 - 2

2- مرگ و ذلت مشرکان متجاوز ، فرونشانی شعله های خشم در سینه های مؤمنان صدر اسلام

قتلوهم يعذبهم الله... و يذهب غيظ قلوبهم

## 21- آثار مواجهه با مرگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5- انعام - 6 - 40 - 4،7

4- بیداری فطرت توحیدی انسان به هنگام روبرو شدن با مرگ

قل أرءیتکم إن أتیکم عذاب اللّٰه أو أتیکم الساعه أغير اللّٰه تدعون

7- آشکار شدن بطلان هر گونه شرک و گرایش به غیر خدا به هنگام عذاب و مرگ و دیگر سختیها

قل أرءیتکم إن أتیکم عذاب اللّٰه أو أتیکم الساعه أغير اللّٰه تدعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5- انعام - 6 - 41 - 12

12- فراموش شدن عقاید شرک آمیز و معبودهای دروغین به هنگام رویارویی با عذاب و مرگ

قل أرءیتکم إن أتیکم عذاب اللّٰه أو أتیکم الساعه... و تنسون ما تشرکون

## 22- آرزوی مرگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9- آنان که به بهشتی بودن خویش اطمینان دارند ، از مرگ استقبال کرده و در تمنای آن هستند .

إن كانت لكم الدار الآخرة .. فتمنوا الموت

ص: 15

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 95 - 1,2

1 - یهودیان ، هرگز - به خاطر یأس از سعادت اخروی - خواهان مرگ نبوده و هیچ گاه از آن استقبال نخواهند کرد .

و لن یتمنوه أبداً

2 - گریز یهود از آرزوی مرگ ، نشانه نادرستی ادعای آنان ( بهشتی بودنشان ) است .

فتمنوا الموت إن كنتم صدقین . و لن یتمنوه أبداً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 155 - 10

10 - اندوه موسی (ع) بر هلاکت همراهانش در میقات ، موجب شکوه او به درگاه خدا و آرزوی مرگ خویش و همراهانش پیش از حضور در میعادگاه مناجات

قال رب لو شئت أهلکتهم من قبل وایی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - کهف - 18 - 49 - 11

11 - مجرمان ، هنگام مشاهده کتاب اعمال شان آرزومند مرگ خویش اند . \*

و یقولون یویلتنا مال هذا الکتب

«ویله» و «ویل» به معنای «هلاکت» است و مؤنث بودن «ویله» مفید مبالغه است. منادا قرار گرفتن «ویل» از سوی مجرمان، گویای این است که آنان، با مشاهده نامه عمل خود، راهی جز هلاک و عذاب برای خود ندیده، لذا آن را منادا قرار داده و آمدن اش را می طلبند و یا این که به قدری حال خود را وخیم می بینند که مرگ و هلاکت را، تنها راه رهایی خود از آن وضعیت می پندارند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 23 - 14, 5

5- حضرت مریم (س) به هنگام زایمان آرزو کرد : کاش قبل از باردار شدن مرده بود و به کلی از یاد ها رفته بود .

فأجاءها المخاض .. قالت یلیننی متّ قبل هذا و کنت نسیاً منسیاً

جمله «و كنت نسياً منسياً» قرینه است بر این که انگیزه مریم از آرزوی مرگ، رهایی از زخم زبان مردم بوده است، گرچه به قرینه «الأتحزنی قد جعل...» تهایی و بی آب و غذایی، نیز او را اندوهناک ساخته بود، ولی این همه، تبعات همان گریز از زخم زبان است؛ یعنی کاش پیش از حاملگی مرده بودم، که برای فرار از بیشتر مردم مجبور به تحمل این آوارگی نباشم.

14- « روی عن الصادق (ع) فی قول مریم « یالیتنی متّ قبل هذا » : لآئها لم ترفی قومها رشیداً ذا فراسه ینزهها من السوء ;

از امام صادق(ع) روایت شده که در باره قوم مریم که هنگام تولد عیسی(ع) آرزوی مرگ کرد، فرمود: این بدان جهت بود که در قوم خودش فرد فرزانه هوشمندی را نمی یافت که او را از تهمت زنا تبرئه کند.

15- « عن الصادق (ع) [ فی قصه مریم ] : إنّ زکریا و خالتها أقبلا یقضان أثرها حتی هجما علیها و قد وضعت ما فی بطنها و هی تقول : « یالیتنی متّ قبل هذا و كنت نسیاً منسیاً » ;

از امام صادق(ع) [در داستان مریم] روایت شده که زکریا و خاله مریم به جست و جوی او برآمدند تا این که به طور ناگهانی به او



برخورددند، در حالی که فرزندش (عیسی) را به دنیا آورده بود و می گفت: «یالیتنی متّ قبل هذا...».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 77 - 3,4

3 - دوزخیان ، عاجزانه در تمنای مرگ و نابودی ، برای رهایی یافتن از عذاب

کانوا هم الظلمین . و نادوا یملک لیقض علینا ربّک

4 - استقبال مجرمان از مرگ در جهنم ، نمایانگر شدت عذاب اخروی ایشان است .

و نادوا یملک لیقض علینا ربّک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - حاقه - 69 - 27 - 1

1 - کافران دوزخی در قیامت ، از زنده شدن مجدد خود به شدت ناخرسند بوده و آرزوی مرگ می کنند .

یلیتها کانت القاضیه

مرجع ضمیر «یالیتها» امری مقدر است که از سیاق آیه شریفه به دست می آید(مانند «الموته»). «قاضیه» نیز به معنای «قاطع» است. بر این اساس معنا و پیام آیه چنین می شود: ای کاش مرگ نخستین پایان بخش حیاتم می بود و دیگر بار زنده نمی شدم!

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - انشقاق - 84 - 11 - 2

2 - گرفتن نامه عمل از پشت سر در قیامت ، سرآغاز گرفتاری در موقعیتی دشوار که هر کس ، فریاد هلاکت خواهی و آرزوی مرگ سر خواهد داد .

فسوف یدعوا ثبورًا

«ثبور» به معنای هلاکت و تباهی است. (مفردات راغب)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - انشقاق - 84 - 13 - 1

1 - جهنمیان، که در آرزوی هلاکت ناله سر می دهند، روزگاری در کنار خویشاوندان خود، دنیایی شاد و زندگی خرّمی داشتند.

یدعوا ثبورًا .. إِنَّهٗ كَانَ فِي أَهْلِهِ مَسْرُورًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - انشقاق - 84 - 14 - 5

5 - اعطای نامه عمل از پشت سر، فریاد هلاکت خواهی در قیامت و گرفتاری به آتش جهنم، برخاسته از استبعاد معاد است.

وَأَمَّا مَنْ أُوتِيَ .. إِنَّهٗ ظَنَّ أَنْ لَنْ يَحُورَ

این آیه، می تواند بیانگر علت برای مطالب قبل باشد که از جمله آنها «اوتی کتابه وراء ظهره» بود.

ص: 17

## 23- آرزوی مرگ برای دشمنان دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - مسد - 111 - 1 - 7

7 - آرزوی مرگ و زیان کاری برای دشمن دین و نفرین بر او، کاری پسندیده است .

تَبَّتْ يَدَا أَبِي لَهَبٍ وَ تَبَّتْ

## 24- آرزوی مرگ جهنمیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - اعلی - 87 - 13 - 2

2 - برای اهل دوزخ، مرگ مطلوب تر از وضع موجود آنان است .

ثُمَّ لَآيْمُوتُ فِيهَا

## 25- آرزوی مرگ محمد(صلی الله علیه و آله)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 41 - 1

1 - گمراهان و مخالفان پیامبر (صلی الله علیه و آله)، در آرزوی فقدان و رحلت آن حضرت

فَإِمَّا نَذْهَبَنَّ بِكَ

آیه شریفه گویا درصدد پاسخ گویی به نکته ای مقدر است؛ یعنی، کافران و منکران در آرزوی فقدان پیامبر(صلی الله علیه و آله) بودند؛ با این گمان که با درگذشت آن حضرت، آنان قادر به پیشبرد اهداف خویش خواهند بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - طور - 52 - 30 - 3

3 - کافران، آرزومند مرگ پیامبر (صلی الله علیه و آله) یا حادثه ای ناگوار که آن حضرت را زمین گیر کرده و از دعوت باز دارد .

أَمْ يَقُولُونَ .. نَتَرَبَّصُّ بِه رِيبَ الْمُنُونِ

«تربص» (مصدر «تربص») به معنای انتظار کشیدن و «ریب» به معنای حادثه است. «منون» در معنای روزگار و مرگ بد، به کار می رود. بنابراین «ریب المنون» یا به معنای حوادث روزگار است و یا به معنای حادثه مرگ.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - ملک - 67 - 28 - 3

ص: 18

3 - کافران ، در آرزوی مرگ پیامبر (صلی الله علیه و آله) و مؤمنان و شکست اسلام به سر می بردند .

قل أرءیتم إن أهلكنی اللّٰه و من معی

مفسران (صاحب مجمع البیان، تفسیر کبیر و ..) نوشته اند: این آیه و آیات مشابه آن (مانند آیه 30 سوره «طور» و آیه 12 سوره «فتح»)، اشاره به این حقیقت تاریخی دارد که کافران و مشرکان، پیوسته در آرزوی مرگ پیامبر (صلی الله علیه و آله) و مؤمنان و در نتیجه شکست کامل اسلام، به سر می بردند.

## 26- آرزوی مرگ مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - ملک - 67 - 28 - 3

3 - کافران ، در آرزوی مرگ پیامبر (صلی الله علیه و آله) و مؤمنان و شکست اسلام به سر می بردند .

قل أرءیتم إن أهلكنی اللّٰه و من معی

مفسران (صاحب مجمع البیان، تفسیر کبیر و ..) نوشته اند: این آیه و آیات مشابه آن (مانند آیه 30 سوره «طور» و آیه 12 سوره «فتح»)، اشاره به این حقیقت تاریخی دارد که کافران و مشرکان، پیوسته در آرزوی مرگ پیامبر (صلی الله علیه و آله) و مؤمنان و در نتیجه شکست کامل اسلام، به سر می بردند.

## 27- احساس خطر مرگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 22 - 13،14،15،16،17

13 - درماندگی ، اضطراب و احساس خطر مرگ ، عرصه ظهور فطرت توحیدی انسان و روی برتافتن از شرک

و جاءهم الموج من کل مکان . . . دعوا اللّٰه مخلصین له الدین

14 - مردم هنگام درماندگی و خطر مرگ ، به درگاه خدا دعا کرده و همراه با سوگند ، قول می دهند که جزو سپاسگزاران او خواهند بود .

و ظنوا أنهم أحیط بهم دعوا اللّٰه مخلصین له الدین لئن أنجیتنا من هذه لנקونّ من ال

15 - انسان های ناسپاس ، به هنگام احساس خطر مرگ (غرق شدن و ..) با خدا پیمان مؤکد می بندند که : اگر از آن ورطه نجات یابند ، هرگز گرد گناه نگردند و به جرگه بندگان شاکر و سپاسگزارش پیوندند .

و ظنوا أنهم أحیط بهم دعوا اللّٰه . . . لئن أنجیتنا من هذه لנקونّ من الشکرین

16 - درماندگی ، اضطراب و احساس خطر مرگ ، عرصه بریده شدن امید انسان از غیر خدا

و ظنوا أنهم أحيط بهم دعوا الله مخلصين له الدين لئن أنجيتنا من هذه لنكوننّ من آل

17 - درماندگی ، اضطراب و احساس خطر مرگ ، عرصه به خاطر آمدن کرده های زشت ، اظهار ندامت و شرمساری در پیشگاه خدا و

پوزش طلبی انسان از آن خطاها و ناسپاسیها

و ظنوا أنهم أحيط بهم دعوا الله . . . لنكوننّ من الشكرين

ص: 19

## 28- ارزش مرگ مهاجران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 58 - 3

3 - مرگ مهاجران در دیار هجرت ، هم سنگ شهادت آنان در آن دیار

و الذین هاجروا... ثم قتلوا أو ماتوا... رزقاً حسناً

## 29- استمرار مرگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 80 - 3، 2

2 - حیات و مرگ ، جریان مستمر در سراسر گیتی

و هو الذی یحیی و یمیت

حذف مفعول کلمه های «یحیی» و «یمیت»، می تواند بیانگر این حقیقت باشد که: قضیه مرگ و حیات منحصر در پدیده های زمین نیست؛ بلکه حقیقتی است که در سراسر جهان آفرینش جریان دارد. گفتنی است که به کارگیری فعل مضارع (یحیی و یمیت) بیانگر استمرار این جریان عام می باشد.

3 - جریان مستمر مرگ و حیات از جلوه های توحید ، ربوبیت و تدبیر خداوند

و هو الذی یحیی و یمیت

این بخش از آیات، در مقام بیان جلوه های ربوبیت و تدبیر خداوند نسبت به جهان و انسان است در برابر این اندیشه شرک آمیز مردم صدر اسلام بود که معتقد به ربوبیت غیر خدا بودند.

## 30- استمهال هنگام مرگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - منافقون - 63 - 11 - 7

7 - خداوند ، هیچ کس را پس از فرارسیدن مرگش ، مهلت نمی دهد .

و لن یؤخر الله نفساً إذا جاء أجلها

### 31- اقرار به تعدد مرگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 20



1 - اعتراف کافران در قیامت ، به دو بار مردن و دو بار زنده شدن خود با قدرت الهی

قالوا ربّنا أمّتنا اثنتین و أحييتنا اثنتین

### 32- اقرار به مرگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 156 - 8

8 - « و سمع رجلا يقول : « إنا لله و إنا إليه راجعون » فقال (ع) إن قولنا « إنا لله » اقرار على أنفسنا بالملك و قولنا « إنا إليه راجعون » اقرار على أنفسنا بالهلك ;

[ حضرت علی (ع) شنید که شخصی کلمه استرجاع

### 33- الوهیت و مرگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 75 - 8

8 - ناسازگاری پدیده بودن ( حدوث ) و فناپذیری ، با الوهیت و خدا بودن

قالوا إنّ الله هو المسيح .. الا رسول قد خلت من قبله الرسل

فرزندى مسیح(ع) برای مریم اشاره به پدیده و حادث بودن او و بیان رحلت رسولان پیشین اشاره به فناپذیری مسیح(ع) است و هدف از یادآوری این دو صفت استدلال بر خدا نبودن مسیح(ع) می باشد. یعنی مسیح(ع) حادث است و هیچ حادثی نمی تواند خدا باشد و نیز او فناپذیر است و فناپذیر خدا نیست.

### 34- امتحان با مرگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - آل عمران - 3 - 154 - 34

34 - حوادث ایّام ، جنگ ها ، سختی ها ، مصیبت ها و مرگ ، آزمایش الهی است .

لبرز الذین ... و لیبتلی الله ما فی صدورکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - ملک - 67 - 2 - 4

4 - تقدیر مرگ و حیات ، برای آزمودن انسان ها است .

ص: 21

الذی خلق الموت و الحیوه لیبلوکم

### 35- امتحان با مرگ فرزند

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صفات - 37 - 106 - 8

8 - از دست دادن نزدیک ترین و محبوب ترین خویشان (همچون فرزند نوجوان) در راه خدا، سخت ترین محنت و بزرگ ترین آزمایش الهی

قال یبنیٰ اِتی اری فی المنام ائی اذبحک . . . انّ هذا لهو البلوا المبین

### 36- امکان تعجیل در مرگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - ابراهیم - 14 - 10 - 15

15- امکان وقوع مرگ آدمی قبل از رسیدن اجل طبیعی او

یدعوکم لیغفر لکم . . . و یؤخرکم الی أجل مسمی

اینکه خداوند فرموده است: شما را دعوت می کند تا حیاتتان را تا «اجل مسمی» تأخیر بیندازد به معنای این است که امکان فرارسیدن مرگ قبل از آن وجود دارد.

### 37- امکانات مادی هنگام مرگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 75 - 19

19- پوچی و بی اثری امکانات دنیایی، موقعیت های اجتماعی و گروه بندی ها، در هنگام نزول عذاب و یا فرارسیدن مرگ و قیامت

فسیعلمون من هو شرّ مکاناً و اضعف جنداً

### 38- امنیت هنگام مرگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 33 - 6

6- نیاز انسان به سلامت و امنیت الهی ، حتی در لحظه مرگ

ص: 22

والسالم علی . . . یوم أموت

مراد از سلامت هنگام مرگ، دور ماندن از وحشت، نومیدی، اضطراب و نظایر آن است که منکران خدا و معاد به آن گرفتار می شوند.

### 39- انتظار مرگ محمد(صلی الله علیه و آله)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 34 - 3,3

3- مشرکان ، در انتظار نابودی شریعت پیامبر (صلی الله علیه و آله) با مرگ وی بودند .

أفأین متّ فهم الخلدون

از لحن آیه استفاده می شود که مشرکان و مخالفان پیامبر اسلام(صلی الله علیه و آله) در انتظار مرگ او و یا در صدد کشتن ایشان بودند؛ چنان که در برخی از سوره های مکی قرآن به این مسأله تصریح شده است (أم یقولون شاعر نتربص به ریب المنون).

3- مشرکان ، در انتظار نابودی شریعت پیامبر (صلی الله علیه و آله) با مرگ وی بودند .

أفأین متّ فهم الخلدون

از لحن آیه استفاده می شود که مشرکان و مخالفان پیامبر اسلام(صلی الله علیه و آله) در انتظار مرگ او و یا در صدد کشتن ایشان بودند؛ چنان که در برخی از سوره های مکی قرآن به این مسأله تصریح شده است (أم یقولون شاعر نتربص به ریب المنون).

### 40- انداز از مرگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 18 - 4

4- پیامبر (صلی الله علیه و آله) ، مأمور انداز و اخطار مردم از لحظه فرا رسیدن مرگ و قریب الوقوع بودن آن برای همگان

و أندرهم یوم الأزفه

برخی از مفسران «یوم الأزفه» را روز فرا رسیدن مرگ دانسته اند؛ زیرا آنچه نزدیک به انسان و قریب الوقوع است، لحظه مرگ او است. هم چنین تعبیر «إذ القلوب لدی الحناجر...» درباره لحظه مرگ انسان ها، مناسب تر از لحظه فرا رسیدن قیامت می باشد.

### 41- انسان پس از مرگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - آدمیان پس از مرگ، به سوی خداوند (مولای حقیقی خود) بازمی گردند.

ثم ردوا إلى الله مولیهم الحق

ص: 23

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 94 - 1

1 - انسان در پی مرگ، مانند آفرینش نخستین خویش، تنها نزد خداوند حضور می یابد.

و لقد جئتمونا فردی کما خلقنکم أول مره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 14 - 5

5 - فناناپذیری گوهر وجودی انسان پس از مرگ

إِنَّا إِلَى رَبِّنَا لَمُنْقَلِبُونَ

از به کار رفتن واژه «انقلاب»، استفاده می شود که انسان با مرگ نابود نمی شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - ق - 50 - 4 - 1

1 - آگاهی خداوند، از کاستی هایی که زمین، پس از مرگ در جسم آدمیان ایجاد می کند.

قد علمنا ما تنقص الأرض منهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - نوح - 71 - 18 - 1

1 - بازگشت انسان پس از مرگ، به عناصر نخستین آفرینش خود ( خاک و ... )

والله أنبتکم من الأرض نباتاً . ثمّ یعیدکم فیها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - قیامه - 75 - 3 - 4

4 - موادّ جسمانی انسان، پس از مرگ از بین نمی رود.

ألن نجمع عظامه

برداشت یاد شده از تعبیر «نجمع» - از ماده «جمع» (گردآوردن) - استفاده می شود؛ زیرا گردآوردن در جایی صادق است که اجزایی پراکنده وجود داشته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - قیامه - 75 - 30 - 1،2

1 - انسان پس از مرگ به سوی دادگاه عدل الهی ، هدایت و سوق داده می شود .

إلی ربّک یومئذ المساق

2 - استقلال روح از بدن و بقای آن پس از مرگ

إلی ربّک یومئذ المساق

ص: 24



سوق داده شدن انسان پس از مرگ، بی تردید به جسم او نیست؛ بلکه به حقیقت دیگری به نام «روح» است. پس می توان دریافت که روح، حقیقتی مستقل از جسم است و همواره باقی خواهد بود.

## 42- انسان ها پس از مرگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 7 - 10

10- انسانها، پس از مرگ برای حضور در صحنه قیامت، زنده شده و برانگیخته خواهند شد.

و لئن قلت إنکم مبعوثون من بعد الموت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - قیامه - 75 - 13 - 4

4 - تمام نشدن پرونده اعمال انسان ها پس از مرگ

يَبْتَأُ الْإِنْسَانَ يَوْمَئِذٍ بِمَا قَدَّمَ وَأَخَّرَ

برداشت یاد شده، براساس احتمال دوم در آیه شریفه است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نازعات - 79 - 11 - 2، 1

1 - انسان در دیدگاه منکران معاد؛ پس از مرگ نابود شده و از او چیزی جز استخوان های پوسیده باقی نمی ماند.

أءذا كُتِّبَ عَظْمًا نَخْرَهُ

«نخیر»؛ یعنی، صدای بینی و «نخره» به استخوان کهنه و پوسیده ای گفته می شود که با اندک تماسی از هم بپاشد و چنانچه قدری از آن باقی باشد - به گونه ای که با وزش باد به صدا درآید - به آن «ناخر» می گویند. (لسان العرب)

2 - از هم پاشیده شدن اجزای بدن انسان پس از مرگ، مایه استبعاد معاد در دیدگاه منکران آن

أءذا كُتِّبَ عَظْمًا نَخْرَهُ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - تمام انسان ها پس از مرگ ، دوباره زنده خواهند شد .

إِنَّهٗ عَلِيٌّ رَجَعَهُ لِقَادِرٍ

آیه شریفه صرفاً در مقام بیان توانمندی خداوند نیست؛ بلکه در صدد دفع پندار منکران معاد نیز می باشد.

ص: 25

### 43- انفاق قبل از مرگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - ابراهیم - 14 - 31 - 13

13- خداوند، فراخوان مؤمنان و بندگان خالص خویش به انفاق اموال خود، قبل از فرارسیدن مرگ

قل لعبادی الذین ءامنوا... وینفقوا... من قبل أن یأتی یوم لابیع فیہ ولاخلل

### 44- اولیاء الله و مرگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - جمعه - 62 - 6 - 4

4- نترسیدن از مرگ و مشتاق لقای خدا بودن، نشان اولیا و دوستان خداوند است.

فتمنّوا الموت

### 45- اهمیت مرگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 33 - 5

5- زمان ولادت، مرگ و رستاخیز، سه مرحله حساس و سرنوشت ساز برای انسان

والسلم علی... یوم أُبعث حیّاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - نجم - 53 - 55 - 3

3- غم، شادی، مرگ، حیات و نیازمندی و غنا، هر یک ضرورت و نعمتی در نظام زندگی انسان \*

فبأیّ ءالاء ربّک تتمازی

در صورتی که تعبیر «آلاء» در مورد مطالب آیات پیشین به کار رفته باشد، مطلب یاد شده را می توان به دست آورد.

### 46- اهمیت وقت مرگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 15 - 5

5- زمان ولادت ، لحظه مرگ و روز رستاخیز ، سه مرحله حساس و سرنوشت ساز برای انسان

و سلم علیه یوم ولد و یوم یموت و یوم یبعث حیاً

ص: 26

## 47- ایمان هنگام مرگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - سبأ - 34 - 52 - 7

7 - ایمان آوردن مشرکان به هنگام مرگ ، سودی ندارد .

إذ فرعوا.. وقالوا آمنا به و أتى لهم التناوش

## 48- بدن پس از مرگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 50 - 5

5- امکان تبدیل شدن جسم انسان پس از مرگ به سنگ و آهن یا جسم سخت تر از آن \*

قل كونوا حجاره أو حديدًا

با این احتمال که «کونوا حجاره ..» تحدی نباشد؛ بلکه بیانگر فرض محتمل و ممکن باشد، برداشت فوق استفاده می شود.

## 49- بهشتیان و مرگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صافات - 37 - 59 - 4

4 - « عن أبي جعفر (ع) قال : إذا دخل أهل الجنة النار وأهل النار النار . . . يقال : خلود فلا موت أبداً . فيقول أهل الجنة : « أفما نحن بميتين . إلا موتتنا الأولى . . . » ;

از امام باقر(ع) روایت شده که فرمود: هنگامی که بهشتیان به بهشت و دوزخیان به دوزخ وارد می شوند.. .. گفته می شود: این جا جاودانگی است و هرگز مرگی نیست پس اهل بهشت می گویند: «أفما نحن بميتين...».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - دخان - 44 - 56 - 2

2- بهشتیان ، فارغ از دغدغه مرگ و از دست دادن نعمت ها

لا يذوقون فيها الموت



## 50- بی تأثیری استمهال هنگام مرگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - منافقون - 63 - 11 - 1

1 - درخواست مهلت ، هر چند اندک به هنگام فرارسیدن مرگ فایده ندارد .

فيقول لولا آخرتني إلى أجل قريب . . . ولن يؤخر الله نفسا إذا جاء أجلها

## 51- بی تأثیری فرار از مرگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - ق - 50 - 19 - 6

6- گریز آدمی از مرگ ، گریزی بیهوده و تلاشی بی نتیجه

و جاءت سكره الموت بالحق ذلك ما كنت منه تحيد

## 52- بیهوشی هنگام مرگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - ق - 50 - 19 - 1

1- مرگ ، همراه با سختی و اضطراب و مایه بیهوشی و از خود بی خودی انسان

و جاءت سكره الموت

با توجه به معنای «سكره» و کاربرد آن برای مرگ، برداشت یاد شده به دست می آید.

## 53- تجدید مرگ کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 11 - 1

1 - اعتراف کافران در قیامت ، به دو بار مردن و دو بار زنده شدن خود با قدرت الهی

قالوا ربنا أمتنا اثنتين وأحييتنا اثنتين

## 54- تداوم مرگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 28



9- حجر - 15 - 23 - 2

2- مرگ و حیات ، امری دایمی و مستمر

وإنا لنحن نحی و نمیت

آمدن جمله اسمیه «إنا لنحن نحی و نمیت» و نیز فعلهای مضارع «نحی» و «نمیت»، بیانگر استمرار است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 44 - 9

9- کاستن از جمعیت اهل زمین و مرگ امت ها و ملت ها ، سنت الهی و امری مستمر

أفلا یرون أنّا نأتی الأرض ننقصها من أطرافها

مقصود از نقص در «نقصها» کاستن اهل زمین است، نه کاستن خود زمین و فرسوده شدن آن؛ هر چند که چنین احتمالی را برخی از مفسران مطرح کرده اند. گفتنی است آمدن فعل «نأتی» و «ننقصها» به صیغه مضارع، گویای استمرار مضمون آن دو فعل است.

### 55- ترس از مرگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 100 - 11

11 - ترس از مواجهه با مرگ در مسیر هجرت ، نباید مانع اقدام به آن گردد .

و من ینخرج من بینه مهاجراً الی اللّٰه ورسوله ثم یدرکه الموت فقد وقع اجره علی اللّٰه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 243 - 1

1 - فرار هزاران تن از اقوام گذشته از دیار خویش به خاطر ترس از مرگ ، و میرانده شدن و دوباره زنده شدن آنان پس از مدّتی از سوی خداوند

الم تر الی الذّین . . . ثمّ احیاهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - میراندن و زنده کردن خداوند، جمعیتی را که به سبب ترس مرگ از دیارشان گریختند، از آیات الهی

الم تر الى الذین خرجوا... تلک آیات اللّٰه

کلمه «تلک» علاوه بر اینکه اشاره به داستان طالوت و جالوت است، می تواند اشاره به قصه سابق بر آن نیز باشد؛ یعنی قصه آنان که از مرگ گریختند و ...

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 29

11 - خداترسی ، تقویت کننده روحیه آدمی در برخورد با حادثه مرگ

لئن بسطت إلی یدک .. انی اخاف الله رب العلمین

جمله «انی اخاف الله» تعلیل است برای «ما انا بباسط ..» و می رساند که هابیل به خاطر ترس از خداوند، خطر مرگ را نادیده گرفته و از پیشدستی به کشتن قابیل خودداری کرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - احزاب - 33 - 16 - 6

6 - منافقان حاضر در غزوه احزاب ، برای نجات از مرگ و یا کشته شدن ، تصمیم به فرار از جهاد گرفتند .

إن یریدون إلاّ فرارًا .. إن فررتم من الموت أو القتل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - احزاب - 33 - 20 - 5

5 - منافقان مدینه ، به شدت از کشته شدن و آسیب دیدن ، واهمه داشتند .

وإن یأت الأحزاب یودّوا لو أنّهم بادون فی الأعراب

این که می فرماید: «دوست داشتند در بیابان باشند» کنایه از این است که نمی خواستند در مدینه باشند تا از جنگ، آسیبی به آنها برسد و یا کشته شوند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - فتح - 48 - 12 - 3

3 - ترس از مرگ ، عامل اصلی تخلّف اعراب از همراهی پیامبر (صلی الله علیه و آله) ، در سفر حدیبیه

بل ظننتم أن لن ینقلب الرسول و المؤمنون إلی أهلیم أبداً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - جمعه - 62 - 7 - 3، 1

1 - یهود، قومی هراسان از مرگ و غیر مشتاق برای لقای الهی

و لا یتمنّونه أبداً

3 - ظالمان، در هراس از مرگ و گریزان از آن

و لا یتمنّونه . . . و الله علیم بالظلمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - جمعه - 62 - 8 - 2

2 - قوم یهود، مردمی هراسان از مرگ

قل إنّ الموت الذی تقرّون منه

ص: 30

## 56- ترس یهود از مرگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 96 - 3,4

3 - روش و منش یهود ، نمایانگر حرص شدید آنان بر زندگانی دنیا و ترس از مرگ است .

و لتجدنهم أحرص الناس على حيوة

«لتجدن» مرکب از فعل تجد (می یابی)، لام قسم و نون تأکید است؛ یعنی، البته و بدون هیچ تردید می یابی که یهود حریص ترین مردمند. تأکید بر اینکه مخاطب، دلبستگی یهود را بر زندگی دنیا می یابد، گویای این معناست که عملکرد یهود نمایانگر علاقه شدید آنان به حیات دنیاست.

4 - نمایان بودن علاقه یهود به زندگی دنیا ، مانع آنان از اظهار اشتیاق به حیات اخروی و تظاهر به نهراسیدن از مرگ

و لتجدنهم أحرص الناس على حيوة

جمله «لتجدنهم...» استشهادی است برای جمله «لن يتمنوه»؛ یعنی، این حقیقت که یهود تمنای مرگ و رسیدن به آخرت را ندارند، از زندگی آنان به خوبی معلوم می شود؛ به گونه ای که حتی خود آنان نیز نمی توانند آن را انکار کنند.

## 57- ترسناکی مرگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 15 - 10

10- «عن أبي الحسن الرضا (ع) : إنّ أوحش ما يكون هذا الخلق في ثلاثة مواطن يوم يولد . . . و يوم يموت . . . و يوم يبعث . . . و قد سلم الله - عزّوجلّ - على يحيى (ع) في هذه الثلاثة المواطن و آمن روعته فقال : « و سلام عليه يوم ولد و يوم يموت و يوم يبعث حيّاً . . . » ؛

از امام رضا(ع) روایت شده است: همانا وحشتناک ترین مواقع برای این خلق در سه موضع است: روزی که متولد می شود. . . و روزی که می میرد. . . و روزی که برانگیخته می شود. . . و خداوند سلام فرستاده است بر یحیی(ع) در این سه موضع و او را از وحشت آن مواضع ایمن ساخته و فرموده: «و سلام علیه یوم ولد و یوم یموت و یوم یبعث حیّاً...».

## 58- تشبیه به مرگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - خواب ، پدیده ای شبیه به مرگ

اللّٰهُ يَتَوَفَّى الْأَنْفُسَ حِينَ مَوْتِهَا وَالَّتِي لَمْ تَمُتْ فِي مَنَامِهَا

کاربرد «توقی» در مورد خواب انسان، به مانند کاربرد آن در مورد مرگ او، ناظر به شباهت مرگ و خواب می باشد.

ص: 31

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نبا - 78 - 9 - 4

4 - خواب برای انسان ، نوعی مرگ است .

و جعلنا نومکم سباتاً

فعل «سَبَتَ» علاوه بر معنای «بی هوش شد»، به معنای «مُرد» نیز استعمال می شود (مصباح). بنابراین، احتمال می رود که «سبات» به معنای مرگ باشد.

### 59- تشبیه مرگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 21 - 11

11- مرگ و رستاخیز ، پدیده ای مانند خواب و بیداری است .

ليعلموا.. أنَّ الساعه لاريب فيها

به خواب رفتن اصحاب كهف و بیداری آنان پس از چند قرن و استشهاد قرآن به این واقعه برای بیان حقایق معاد، گواه این مدعا است که مرگ، مانند خواب، و رستاخیز قیامت، بسان بیداری از خواب است.

### 60- تعداد مرگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صافات - 37 - 59 - 1

1 - انسان ها ، تنها یک بار در زندگی دنیا با مرگ رو به رو می شوند .

إلا موتتنا الأولى

### 61- تعداد مرگ انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 11 - 2

2- انسان ، از آغاز آفرینش خود تا روز قیامت ، برخوردار از دو مرگ و دو حیات

قالوا ربنا أمتنا اثنتين وأحييتنا اثنتين

ص: 32



## 62- تعدد ملائکه مرگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - اعراف - 7 - 37 - 8

8 - کارگزاران الهی در قبض روح انسانها، فرشتگانی متعدد هستند.

إذا جاءتهم رسلنا يتوفونهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 28 - 6

6- ملائکه قبض روح انسان ها ، متعددند .

تتوفّهم الملائکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 32 - 2

2- فرشتگان قبض روح کننده انسان ها ، متعددند .

الذین تتوفّهم الملائکه

## 63- تعقل در مرگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 95 - 7

7 - تفکر در چگونگی شکافته شدن دانه ها و هسته ها و رویش گیاهان و پیدایش مرگ و حیات، زمینه راهیابی به توحید و پرهیز از شرک است.

إن الله فالحق الحب والنوی . . . ذلکم الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 80 - 10

10 - جریان مستمر حیات و مرگ و گردش نظام طبیعت ، شایان تفکر و درس آموزی

و هو الذی یحی و یمیت . . . أفلا تعقلون

#### 64- تعیین مرگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 11 - 9

ص: 33

9- زمان مرگ همه انسان ها مشخص و تحت حاکمیت قوانین معینی است .

ولو يعجل الله للناس الشر .. لقضى إليهم أجلهم

از این که کیفر دادن خدا، منجر به مرگ کافران می شود و همین، سبب شده که مجازات آنان به تأخیر بیفتد، استفاده می شود که خداوند برای پایان زندگی انسانها زمان خاصی را مقرر فرموده است؛ یعنی، آن را تحت ضابطه و قانونی قرار داده است که پس و پیش شدن در آن راه ندارد.

### 65- تغییر کیفیت مرگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - احزاب - 33 - 16 - 4

4- فرار از جبهه جهاد، ممکن است که نحوه مرگ و یا قتل را تغییر دهد، اما برای همیشه آنها را منتفی نمی سازد .

قل لن ينفعكم الفرار إن فررتم من الموت أو القتل وإذا لاتمتعون إلا قليلاً

### 66- تفاوت مرگ انسان ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - جاثیه - 45 - 21 - 7

7- زندگی و مرگ مؤمنان نیک کردار، غیرقابل قیاس با زندگی و مرگ گناه پیشگان

أم حسب الذين اجترحوا السيئات أن نجعلهم كالذين ءامنوا و عملوا الصلحت سواء محياه

### 67- تقدیر مرگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 243 - 10

10- فرار از جنگ، مانع از مرگ مقدر شده الهی، نیست .

فقال لهم الله موتوا ثم احياهم .. قاتلوا في سبيل الله

بنابراینکه داستان یادشده در این آیه، مقدمه ای برای آیه بعد باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

30 - فراز از میدان نبرد و رویارویی با سختی ها ، مانع مرگ مقدر آدمی نیست .

قل لو كنتم فى بيوتكم لبرز الذين كتب عليهم القتل الى مضاجعهم

ص: 34

33 - مرگ ، امری مقدر و فراتر از آن است که اندیشه های بشری به زمان آن راه یابد .

يقولون .. ما قتلنا ههنا قل لو كنتم في بيوتكم لبرز الذين كتب عليهم القتل الى م

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فیش

3 - آل عمران - 3 - 156 - 7،13

7 - حسرت و افسوس فراریان از میدان نبرد ، پس از دانستن این که حیات و مرگ تقدیر الهی است .

لا تكونوا .. ما ماتوا و ما قتلوا لیجعل الله ذلک حسره فی قلوبهم

بنابر اینکه «لیجعل» متعلق به محذوف باشد؛ یعنی بیان این حقیقت که مرگ و حیات تقدیر الهی است، برای این بود که متخلفان از جنگ بر کرده خویش حسرت برند. زیرا معلوم می شد که اگر در جنگ شرکت می کردند، چون مقدر نبود، کشته نمی شدند.

13 - اعتقاد به مقدر بودن مرگ ، از میان برنده هراس آدمی برای سفر و حضور در میدان نبرد ( صحنه های دشوار زندگی )

قالوا .. ما ماتوا و ما قتلوا ... و الله یحیی و یمیت

جمله «و الله یحیی و یمیت»، می تواند به منظور زدودن هراس از شرکت در پیکار ایراد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فیش

3 - آل عمران - 3 - 157 - 11

11 - ایمان به مقدر بودن مرگ و حیات ، و شناخت ارزش والای شهادت ، آسان کننده حرکت به سوی نبرد با دشمنان دین

و الله یحیی و یمیت .. و لئن قتلتم فی سبیل الله او متم لمغفره من الله و رحمه

خداوند با بیان دو نکته مؤمنان را به جهاد ترغیب می کند: 1 - مرگ و حیات به دست خداست و عوامل طبیعی تعیین کننده نیست. 2 - جان باختگان در راه خدا، آمرزیده و مشمول رحمت خاص خداوند هستند. بنابراین، مؤمنان با ایمان به این دو معنا، هرگز تردیدی برای شرکت در جهاد نخواهند داشت.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فیش

3 - آل عمران - 3 - 168 - 15،17،18

15 - انسان ، ناتوان از جلوگیری و دفع مرگ مقدر خویش

فادرؤا عن انفسکم الموت

17 - اعتقاد به مقدر بودن مرگ ، از میان برنده هراس و دلهره حضور در میدان نبرد

قالوا .. لو اطاعونا ما قتلوا قل فادرؤا عن انفسكم الموت

18 - ناتوانی منافقان از جلوگیری مرگ مقدر نشانگر باطل بودن پندار آنان در تحلیل عوامل به شهادت رسیدن پیکارگران احد

لو اطاعونا ما قتلوا قل فادرؤا عن انفسكم الموت ان كنتم صادقين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - واقعه - 56 - 60 - 2,5

2 - خداوند ، تقدیرکننده مرگ میان انسان ها

نحن قدرنا بينكم الموت

5 - مرگ ، نشانه ناتوانی خداوند از زنده نگه داشتن مردم نیست ؛ بلکه تقدیری حکیمانه است .

ص: 35

نحن قدرنا بینکم الموت و ما نحن بمسبوقین

آیه شریفه درصدد بیان این حقیقت است که وجود مرگ در میان انسان ها، نشانگر این نیست که عواملی بیرون از اراده الهی آنان را از میان می برد و خداوند با این که می خواهد که آنها را زنده نگه دارد، آن عوامل بر اراده او غلبه پیدا می کنند. خدا مغلوب چیزی واقع نمی شود؛ بلکه مرگ تقدیری حکیمانه از سوی او است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - ملک - 67 - 2 - 2

2- تقدیر مرگ و حیات برای بشر ، جلوه فرمانروایی و قدرت مطلق و بی پایان خداوند است .

بیده الملک و هو علی کل شیء قدير . الذی خلق الموت و الحیوه

برداشت یاد شده، با توجه به این نکته است که جمله «الذی خلق الموت. ..»، درصدد توضیح و تبیین آثار و جلوه های ملک و قدرت خداوند است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - قدر - 97 - 1 - 9

9 - « عن الرضا (ع) ليله القدر يقدر الله عزوجل فيها ما يكون من السنه إلى السنه من حياه أو موت أو خیر أو شرّ أو رزق فما قدره فی تلك الليله فهو من المحتوم ;

از امام رضا(ع) روایت شده است: خداوند در شب قدر، آنچه را که از این سال تا سال بعد پیش خواهد آمد مقدر می فرماید؛ از زندگی یا مرگ؛ از خوب یا بد، یا روزی. پس آنچه را خداوند در این شب مقدر فرمود، آن حتمی خواهد بود».

### 68- تکامل پس از مرگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - محمد - 47 - 5 - 3

3- شهیدان راه خدا، دارای رشد و تکامل معنوی ، حتی پس از شهادت

سپهیدهم و یصلح بالهم

در صورتی که معنای «بالهم» قلب باشد، لازمه اصلاح قلب تکامل معنوی است.

### 69- توبه پس از مرگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 161 - 4

4 - توبه و پشیمانی از گناه ، پس از مرگ پذیرفته نخواهد شد و اثری بر آن مترتب نخواهد بود .

إلا الذين تابوا... إن الذين كفروا و ماتوا و هم كفار أولئك عليهم لعنة الله

ص: 36



تقیید «کفروا» با جمله (و ماتوا و هم کفار) بیان پایان مهلت زمان پذیرش توبه است؛ یعنی، پس از مرگ پشیمانی سودبخش نیست.

## 70- توبه قبل از مرگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - حدید - 57 - 14 - 12

12 - بازگشت از مواضع منافقانه به ایمان و عمل خالصانه، پیش از فرارسیدن مرگ، مورد قبول خداوند و جبران کننده گناه دورویی و نفاق

و لکنکم فتنتم أنفسکم . . . حتی جاء أمر الله

## 71- توبه هنگام مرگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 91 - 2،7

2 - توبه فرعون در لحظه مرگ، مورد پذیرش خداوند واقع نشد .

حتى إذا أدركه الغرق قال ءامنن . . . ءالن و قد عصیت قبل

7 - عصیان و فسادانگیزی مستمر تا لحظه مرگ، مانع پذیرش توبه از سوی خداوند است .

ءالن و قد عصیت قبل و كنت من المفسدین

## 72- جایگاه مرگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - مرسلات - 77 - 26 - 1،4

1 - زمین، محل و جایگاه مناسب برای زندگی و مرگ انسان های بسیار

كفَاتًا . أحياء و أمواتًا

تنوین «أحياء و أمواتًا»، برای تعظیم است و مراد از آن تکثیر می باشد.

4 - « حَمَادُ بْنُ عَيْسَى عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) أَنَّهُ نَظَرَ إِلَى الْمَقَابِرِ ، فَقَالَ : يَا حَمَادُ هَذِهِ كِفَاتُ الْأَمْوَاتِ وَ نَظَرَ إِلَى الْبُيُوتِ فَقَالَ : هَذِهِ كِفَاتُ الْأَحْيَاءِ ثُمَّ تَلَا [ هَذِهِ الْآيَةُ ] « أَلَمْ نَجْعَلِ الْأَرْضَ كِفَاتًا . أَحْيَاءً وَ أَمْوَاتًا » ؛

حمّاد بن عیسی از امام صادق (ع) روایت کرده که آن حضرت، نگاهی به قبرستان انداخت و فرمود: ای حمّاد! این کفّاتِ مردگان است و نگاهی به خانه ها انداخت و فرمود: این کفّاتِ زنده ها است. سپس این آیه را تلاوت فرمود: «ألم نجعل الأرض کفّاتاً. أحياء و أمواتاً».

ص: 37

### 73- جواز آرزوی مرگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 23 - 9

9- تقاضای مرگ در بعضی از شرایط جایز و مطلوب است .

یلیتنی متّ قبل هذا

### 74- جهنمیان و مرگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - ابراهیم - 14 - 17 - 6

6- اهل جهنّم دچار مرگ و میر نمی شوند .

يأتية الموت من كلّ مكان و ما هو بميت

اگرچه مورد آیه کافران جبار است، اما با توجه به آیات دیگر، که عذاب جهنّم و جهنّمیان را جاودانی می داند، می توان حکم آیه را عام و شامل گرفت.

### 75- حنمیت مرگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 134 - 2

2- همه انسان ها ، حتی پیامبران بزرگ ، در دنیا باقی نمانده و به سرای دیگر خواهند رفت .

تلک أمه قد خلت

از معانی خلو (مصدر خلت) گذشتن و سپری شدن است و در اینجا کنایه از مردن می باشد. یاآوری درگذشت پیامبران صرف یک خبر نیست؛ زیرا همگان بدان آگاهند؛ بلکه هدف از آن توجه دادن مخاطبان به این حقیقت است که: اگر مرگ سراغ پیامبران آمده شما را نیز رها نخواهد کرد، از آن غافل نباشید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 141 - 2

2 - همه انسان ها حتی پیامبران بزرگ در دنیا باقی نمانده و به سرای دیگر خواهند رفت .

تلک أمه قد خلت

برای روشن شدن برداشت فوق به آیه 134 ذیل برداشت شماره 2 مراجعه شود.

ص: 38

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - آل عمران - 3 - 185 - 1,22

1 - مرگ ، سرنوشت حتمی برای همگان

كلّ نفس ذائقه الموت

22 - مردن هر صاحب روحی ، حتّی ملائکه مقربین و حاملان عرش

كلّ نفس ذائقه الموت

امام صادق (ع) در تفسیر آیه فوق فرمود: انه يموت اهل الارض حتّی لا یبقی احد ثم يموت اهل السماء حتّی لا یبقی احد الا ملك الموت و حملة العرش و جبرئیل و میکائیل . . . فیجئى ملك الموت حتّی يقوم بین یدى الله عزّ و جلّ ... فیقول (الله): انّی قد قضیت عل کلّ نفس فیها الرّوح الموت . . .

---

کافی، ج 3، ص 256، ح 25؛ نورالثقلین، ج 1، ص 419، ح 470.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 78 - 1,2,4,5

1 - مرگ ، مرحله ای اجتناب ناپذیر در سرنوشت انسان

این ما تکنونوا یدرککم الموت

2 - آخرت اندیشی و توجّه به قطعی بودن مرگ و اندک بودن متاع دنیا ، زمینه حضور در صحنه جهاد

فلما كتب عليهم القتال . . . قل متاع الدنیا قليل و الاخره خیر ... این ما تکنونوا

4 - هیچ چیز ، حتّی قصر ها و حصار های استوار و مرتفع ، نمی تواند مانع از مرگ شود .

این ما تکنونوا یدرککم الموت و لو کنتم فی بروج مشیّده

«بروج»، جمع «بُرج»، به معنای قصر (مفردات راغب) و قلعه است. (لسان العرب).

5 - هیچ چیز ، حتی زندگی در ستارگان ، جلوگیری مرگ نخواهد شد . \*

این ما تکونوا یدرکم الموت و لو کنتم فی بروج مشیدة

بنابر اینکه «بروج» در آیه به معنای کواکب، باشد چنانچه «لسان العرب» این معنا را در «و السماء ذات البروج» نقل کرده است و «لو کنتم» این معنا را تأیید می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 34 - 11

11 - مرگ ، و نابودی سرنوشت حتمی همه پدیده های جهان آفرینش

قل اللّٰه یبدؤا الخلق ثم یمیده

برداشت فوق مبتنی بر این است که: مراد از «الخلق» مطلق آفریده ها بوده باشد و جمله «فیهلکه» پس از «یبدؤا الخلق» - و به قرینه «ثم یمیده» - در تقدیر گرفته شود; یعنی: «اللّٰه یبدؤا الخلق فیهلکه ثم یمیده».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 39

5- مرگ ، سرنوشت قطعی همه موجودات عالم ( از کران تا کران هستی )

و نحن الورثون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 58 - 2

2- سرنوشت همه انسان ها ، قبل از فرارسیدن قیامت ، مرگ و میر است .

وإن من قرية إلا نحن مهلكوها قبل يوم القيمة أو معدّوها عذاباً شديداً

هلاکت و عذاب الهی، هر دو کنایه از مرگ است و بیان این حقیقت، شاید از این جهت باشد که همه انسانها قبل از قیامت می میرند منتهی صالحان با مرگ طبیعی و کافران با عذاب خواهند مرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 35 - 1

1- مرگ ، سرنوشت اجتناب ناپذیر انسان ها است .

كُلّ نفس ذائقة الموت

«نفس» دارای معانی متعددی است که از جمله آنها «حقیقت»، «عین» و «ذات» می باشد. بنابراین «كُلّ نفس ذائقة الموت»; یعنی، هر شخصی طعم مرگ را خواهید چشید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 66 - 2

2- مرگ ، سرنوشت قطعی تمامی انسان ها

ثمّ يمیتکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - عنکبوت - 29 - 57 - 5، 1

1 - مرگ ، سرنوشت حتمی همه است .

كَلِّ نَفْسِ ذَائِقَةِ الْمَوْتِ

5 - مرگ ، پایان هستی و زندگانی انسان ها نیست .

كَلِّ نَفْسِ ذَائِقَةِ الْمَوْتِ ثُمَّ إِلَيْنَا تَرْجِعُونَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - روم - 30 - 11 - 4

4 - مرگ ، سرنوشت همه انسان ها است .

اللَّهُ يَبْدُوهُ الْخَلْقَ ثُمَّ يَعِيدُهُ

ص: 40



جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - احزاب - 33 - 16 - 4,7,8

4- فرار از جبهه جهاد ، ممکن است که نحوه مرگ و یا قتل را تغییر دهد ، اما برای همیشه آنها را منتفی نمی سازد .

قل لن ینفعکم الفرار إن فررتم من الموت أو القتل وإذا لاتمتعون إلا قليلاً

7- خداوند ، به منافقان شرکت کننده در غزوه احزاب ، با بیان این که حتی در صورت فرار از جبهه جهاد ، گرفتار مرگ یا قتل ، در جای دیگر یا زمان دیگر می شوند ، هشدار داده است .

إن فررتم من الموت أو القتل وإذا لاتمتعون إلا قليلاً

8- مرگ ، امری حتمی است و از آن گریزی نیست .

إن فررتم من الموت .. وإذا لاتمتعون إلا قليلاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 30 - 1

1- مرگ ، قانونی عام و استثناپذیر در میان انسان ها ؛ حتی پیامبران الهی

إنک میّت و إنهم میّتون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 42 - 10

10- مرگ ، قضا و حکم صادره از سوی خداوند و سرنوشتی محتوم

اللّه یتوفی الأنفس حین موتها .. فیمسک الّتی قضی علیها الموت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - ق - 50 - 19 - 6,2

2- مرگ ، سرنوشت محتوم هر انسان

و جاءت سکره الموت بالحقّ

ماضی آمدن فعل «جاءت»، بیانگر تحقق حتمی سکرات مرگ است. به علاوه واژه «بالحقّ» ممکن است تأکید همین معنا باشد و تحقق حتمی را افاده کند.

6- گریز آدمی از مرگ، گریزی بیهوده و تلاشی بی نتیجه

و جاءت سکره الموت بالحقّ ذلک ما کنت منه تحید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - رحمن - 55 - 26 - 1

1 - مرگ و فنا، فرجام حتمی و نهایی همه زمینیان

کلّ من علیها فان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 41

1 - مرگ ، سرنوشتی گریزناپذیر برای انسان ها

نحن قدّرنا بینکم الموت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - مرگ ، امری قطعی و گریزناپذیر برای انسان ها

فلولا إذا بلغت الحلقوم

واژه «إذا»، در اموری به کار می رود که قطعی و محتوم باشد. بنابراین عبارت «إذا بلغت الحلقوم» می رساند که برای هر انسانی، وقتی مقرر شده که در آن وقت خواهد مرد و هیچ کس قادر نیست جلو آن را بگیرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - ناتوانی انسان برای گریز از مرگ ، نشانه آن است که او تحت قیمومت و تدبیر خداوند قرار دارد .

فلولا إن كنتم غير مدینین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - گریز ناپذیر بودن مرگ ، نشان تقدیر الهی بودن آن

نحن قدّرنا بینکم الموت ... فلولا ... ترجعونها

فعل «ترجعونها» مدخول «لولا» در «فلولا إذا بلغت الحلقوم» است و تفریع آن بر آیه «نحن قدّرنا بینکم الموت»، بیانگر مطلب بالا می باشد زیرا مفاد آن این است که اگر مرگ تقدیر الهی نبود - بلکه امری اتفاقی بود - امکان داشت از آن جلوگیری یا چاره جویی کرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - مرگ ، سرنوشتی حتمی و اجتناب ناپذیر برای انسان ها

قل إنّ الموت .. فإِنَّه ملقیکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - منافقون - 63 - 11 - 11 - 5، 3

3 - مرگ ، سرنوشت حتمی همه انسان ها

ولن يؤخّر الله نفساً إذا جاء أجلها

5 - در صورت فرارسیدن اجل هرکس ، مرگش قطعی است .

ولن يؤخّر الله نفساً إذا جاء أجلها

ص: 42

11 - « عن أبي جعفر (ع) في قول الله: « و لن يؤخر الله نفساً إذا جاء أجلها » قال: إن عند الله كتباً مرقومه يقدم منها ما يشاء و يؤخر ما يشاء فإذا كان ليله القدر أنزل الله فيها كل شيء يكون إلى ليله مثلها فذلك قوله: « و لن يؤخر الله نفساً إذا جاء أجلها » إذا أنزله و كتبه كتاب السماوات و هو الذي لا يؤخره ;

از امام باقر(ع) درباره سخن خداوند: «و لن يؤخر الله نفساً إذا جاء أجلها» روایت شده که فرمود: نزد خداوند کتاب هایی است [که حوادث آینده] در آنها نوشته شده [و آن حوادث قطعی نیست]. خداوند هر چه را از آن بخواهد، مقدم می آورد و هر چه را بخواهد تأخیر می اندازد. پس چون شب قدر فرارسد، آنچه را که تا شب قدر سال بعد باید واقع شود، نازل می کند [و حتمی می سازد] و این است سخن خدا: «و لن يؤخر الله نفساً إذا جاء أجلها»؛ یعنی، آن گاه که خداوند اجل را [در شب قدر] نازل کرد و کاتبان آسمان آن را ثبت کردند، آن همان است که به تأخیر نمی اندازد».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - مدثر - 74 - 47 - 2

2- مرگ ، حقیقتی است یقینی و غیر قابل انکار برای تمامی انسان ها .

حتی اتینا یقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - قیامه - 75 - 26 - 1

1 - کسی که سرانجامش مرگ است ، نباید دنیا را بر آخرت ترجیح دهد و خود را دل بسته آن کند .

بل تحبون العاجله . . . کلاً إذا بلغت التراقي

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - قیامه - 75 - 27 - 1

1 - مرگ ، حقیقتی گریزناپذیر و غیر قابل درمان

وقیل من راق

واژه «راق» از ماده «رقيه» (دعا و اورادی که به گمان معتقدان آن، موجب نجات از مشکلات و امراض می شود) است. به گفته مفسران «من راق» (چه کسی شفا دهنده است) کلمه یأس می باشد که گوینده، آن را از سر ناامیدی می گوید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - مرگ ، سرنوشت محتوم همه انسان ها است .

ثمّ أماته

### 76- حتمیت مرگ امت ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 43

3- هیچ امتی، پس از فرارسیده اجلس، لحظه ای پایدار نخواهد بود.

ما تسبق من أمه أجلها و ما يستخرون

### 77- حتمیت مرگ انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 15 - 1,5

1 - مرگ، سرنوشت محتوم هر انسان پس از خلقت

ثم إنكم بعد ذلك لميئون

«ذلک»، اشاره به آخرین مرحله خلقت انسان (ثم أنشأناه خلقاً آخر) است.

5- مرگ، معمایی حل نشدنی برای بشر و غیر قابل پیشگیری حتی در پرتو پیشرفت های علمی

ثم إنكم بعد ذلك لميئون

تأکیدهای آیه، ممکن است اشاره ای باشد به گریزناپذیری انسان از مرگ و برداشت فوق، نیز، بر پایه این احتمال است.

### 78- حتمیت مرگ انسان ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 58 - 4

4- ویرانی شهرها و مرگ و میر همه مردمان قبل از قیامت، امری حتمی، غیر قابل تغییر و نوشته شده در کتاب تقدیر الهی است.

كان ذلك في الكتب مسطوراً

«ال» در «الكتاب» برای معرفه و عهد است و مراد از آن، لوح محفوظ و کتاب تقدیر است.

### 79- حتمیت مرگ کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 70 - 3

3 - کافران و مشرکان ، از بازگشت به سوی خداوند مفرّی ندارند .

متع فی الدنيا ثم إلینا مرجعهم

ص: 44



## 80- حتمیت مرگ مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 70 - 3

3 - کافران و مشرکان ، از بازگشت به سوی خداوند مفرّی ندارند .

متع فی الدنيا ثم إلینا مرجعهم

## 81- حرکت به سوی مرگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - انفال - 8 - 6 - 5

5 - شرکت در جنگ بدر حرکتی آشکار به سوی مرگ در پندار گروهی از مسلمانان صدر اسلام

کأنما یساقون إلی الموت و هم ینظرون

مفعول «ینظرون» به قرینه فراز قبل، «الموت» است. یعنی «و هم ینظرون الموت». بنابراین جمله حالیه «و هم ...» حکایت از آن دارد که اطمینان برخی از مسلمانان به مرگ آفرینی جنگ بدر به گونه ای بوده که گویا مرگ را با چشم خویش مشاهده می کردند.

## 82- حقایق مرگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - ق - 50 - 19 - 4

4- پدیده مرگ در زندگی انسان ، براساس حکمت و به دور از پوچی و بیهودگی

و جاءت سکره الموت بالحقّ

مراد از «بالحقّ» می تواند این باشد که پدیده مرگ اصولاً پدیده ای است به حق و بایسته و این گونه نیست که فاقد حکمت باشد.

## 83- حقیقت مرگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 94 - 8

8- مرگ ، مرحله و گذری است برای حضور در سرای آخرت و بهره مند شدن از نعمت های آن .

إن كانت لكم الدار الآخرة .. فتمنوا الموت

از آن جا که خداوند در پاسخ ادعای یهود - مبنی بر اختصاص داشتن سرای آخرت به ایشان - فرمود: «پس تمنای مرگ کنید» معلوم می شود: انسان با مردن قدم به سرای آخرت می گذارد؛ یعنی، آدمی پس از مردن تا برپایی قیامت نیز از نعمتهای آخرت

ص: 45

بهره مند و یا به عذابهای آن گرفتار خواهد شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 234 - 3

3 - مرگ ، بازپس گرفته شدن کامل حقیقتِ انسانی ، از کالبد جسمانی است ؛ نه نابودی و فنا

و الذین یتوفون منکم

کلمه «توفی» به معنی أخذ کامل است و با در نظر گرفتن استنادش به «کم» به این معناست که شما با مرگ، به صورت کامل و هویت تمام گرفته می شوید و لازمه این معنی آن است که روح آدمی، تمام حقیقت و هویت اوست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 243 - 6

6 - مرگ ، نابودی نیست .

فقال لهم الله موتوا ثم احياهم

اگر مرگ، نابودی و نیستی باشد، صحیح نبود که بفرماید همان مردگان را زنده کردیم.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - آل عمران - 3 - 185 - 8

8 - مرگ ، نابودی انسان نیست ؛ بلکه مرحله ای است برای ورود به قیامت

كل نفس ذائقة الموت و انما توفون اجوركم يوم القيمة

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 12 - 11

11 - نابود نشدن انسان با مرگ

ليجمعنكم إلى يوم القيمة

جمله «ليجمعنكم» و تعدیه آن به «إلی»، بیانگر گردآوری مستمر آدمیان تا قیامت است و لازمه این نیز فانی نشدن آدمی پس از مرگ

است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 93 - 19

19 - روح، تمام حقیقت انسان است و مرگ با خروج آن از بدن حاصل می شود. \*

أخرجوا أنفسكم

ممکن است «أخرجوا أنفسكم» فرمان ملائکه به ظالمان برای بیرون ساختن جانهای آنان باشد. در این صورت چون «نفس» بر «روح» اطلاق شده، اصالت روح و نقش اساسی آن در وجود انسانی را بیان می نماید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 46

9- مرگ، سپردن جان به فرشتگان است، نه فنا و نابودی

إذا جاءتهم رسلنا يتوفونهم

به کارگیری «توفی»، که به معنای گرفتن کامل است، برای میراندن، و نه استفاده از کلمه هلاکت و امثال آن، برای رساندن این حقیقت است که آدمی با مردن از بین نخواهد رفت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 55 - 18

18 - مرگ، جدایی نفس از بدن است نه فانی شدن آن.

و ترهق أنفسمهم

«زهوق نفس» خروج و بیرون شدن آن از بدن است نه از بین رفتن آن.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 85 - 17

17 - مرگ، جدایی نفس از بدن است نه فانی شدن آن.

و ترهق أنفسمهم

«زهوق» خروج و بیرون شدن شیء است نه از بین رفتن آن.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 46 - 4

4 - مرگ، دریافت کامل حقیقت آدمی است.

أو نتوفینک

«توفی» به معنای أخذ و دریافت تمام و کامل شیء است (لسان العرب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5- انسان ها ، با مرگ از بین نمی روند ؛ بلکه به سوی خدا باز می گردند .

هو یحی و یمیت و إلیه ترجعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مرگ ، جدایی حقیقت آدمی از بدن و رجوع آن به خداوند است نه نیستی کامل .

ولکن أعبد الله الذی یتوفیکم

«توفی» و «استیفاء» از ماده «وفاء» به معنای دریافت کامل و بی کم و کاست چیزی است؛ مثل «توفیت المال» (همه مال را دریافت کردم). بنابراین مرگ به معنای دریافت کامل انسان است و چون بدن انسان دریافت شدنی نیست قهراً مقصود حقیقت

انسان - که عبارت از روح او است - دریافت خواهد شد و در نزد خدا جاوید خواهد ماند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 25 - 7

7- حیات انسان ها با مرگ پایان نمی پذیرد و پس از آن نیز ادامه دارد .

و اِنَّا لَنَحْنُ نَحْيُ وَ نَمِيتُ . . . و اِن رَّبِّكَ هُوَ يَحْشُرْهُمْ

از اینکه خداوند، در آیه 23 فرمود: «ما انسانها را می میرانیم» و در این آیه می فرماید: «انسانها را گرد خواهیم آورد» حاکی از تداوم حیات انسان پس از مرگ است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 28 - 7

7- انسان با مرگ ، نیست و نابود نمی شود .

تتوفّهم الملائكة

«تتوفّی» (از مصدر توفّی) به معنای گرفتن چیزی به صورت کامل است و این حکایت از آن دارد که انسان با مرگ نابود نمی شود؛ بلکه حقیقت وی اخذ و منتقل می گردد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 32 - 5

5- انسان ، با مرگ نیست و نابود نمی شود .

الذین تتوفّهم الملائكة

«تتوفّی» (از مصدر توفّی) به معنای گرفتن چیزی به صورت کامل است و این معنا حکایت از آن دارد که حقیقت انسان گرفته می شود و منتقل می گردد. فراز بعدی آیه (سلام علیکم فادخلوا الجنة) نیز مؤید برداشت فوق است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 70 - 2

2- مرگ ، دریافت کامل روح انسان از ناحیه خداوند است نه نابودی وی

و الله خلقكم ثم يتوفى - كم

«توفی» (از باب تفعل) به معنای اخذ شیء به تمام و کمال است. بدیهی است که هنگام مرگ، جسم انسان در زمین باقی می ماند و آنچه توسط خداوند دریافت می شود، حقیقتی به نام روح است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 98 - 5

5- مرگ در دیدگاه کافران ، پایان زندگی انسان است .

و قالوا أءذا كنا عظامًا ورفثًا آءنَّاءنا لمبعوثون خلقًا جدیدًا

ص: 48



جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 5 - 27

27- خداوند به هنگام مرگ آدمی ، کالبد او را تهی کرده و جان وی را تماماً دریافت می کند .

و منکم من یتوقی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 50 - 10

10 - مرگ ، بازگشت به سوی خدا در بینش یکتاپرستان

لأصلبّنکم أجمعین . قالوا لاضیر إنا إلی ربّنا منقلبون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - سجده - 32 - 11 - 8، 1

1 - به هنگام مرگ ، روح انسان ، به طور کامل ، به دست فرشته مرگ ( عزرائیل ) گرفته می شود .

قل یتوفیکم ملک الموت

8 - مرگ ، بر خلاف تصور کافران نابودی نیست ، بلکه رخدادی هدف دار و به منظور حضور انسان ها در پیشگاه پروردگار است .

وقالوا أءذا ضللنا فی الأرض . . . قل یتوفیکم ملک . . . ثمّ إلی ربّکم ترجعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 44 - 9

9 - انسان ها با مرگ از بین نمی روند ؛ بلکه دوباره زنده خواهند شد .

ثمّ إلیه ترجعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 68 - 3

3 - مرگ و رستاخیز ، حقیقتی عام و در برگیرنده تمامی موجودات شعورمند آسمان ها و زمین و نه مخصوص انسان ها

ونفخ فی الصور فصعق من فی السموت و من فی الأرض . . . ثم نفخ فیہ اُخری فاذا هم ق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 77 - 9

9 - مرگ ، دریافت کامل حقیقت آدمی است .

أو تتوفّینک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 14 - 5,6

5 - فناپذیری گوهر وجودی انسان پس از مرگ

ص: 49

إِنَّا إِلَى رَبِّنَا لَمُنْقَلِبُونَ

از به کار رفتن واژه «انقلاب»، استفاده می شود که انسان با مرگ نابود نمی شود.

6- مرگ در زندگی انسان ، آغاز یک تحول و انقلاب است ؛ و نه پایان وجود .

وإِنَّا إِلَى رَبِّنَا لَمُنْقَلِبُونَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 41 - 6

6- مرگ ، مرحله ای از حرکت وجودی انسان است ؛ نه فنا و نابودی .

فَإِنَّمَا نَذْهَبُ بِكَ

به کار رفتن واژه «إذْهَاب» در مورد مرگ، می تواند از این جهت باشد که مرگ نابودی نیست؛ بلکه انتقال از مرحله ای به مرحله دیگر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - دخان - 44 - 35 - 3

1- مرگ ، پایانی ابدی بر حیات انسان ، در بینش مشرکان مکه

إِنَّ هَؤُلَاءَ لَيَقُولُونَ . إِن هِيَ إِلَّا مَوْتَتْنَا الْأُولَىٰ وَ مَا نَحْنُ بِمُنشَرِينَ

3- دین ستیزی و انکار آیات الهی ، دارای ریشه در نوع نگرش انسان به زندگی و مرگ

إِن هِيَ إِلَّا مَوْتَتْنَا الْأُولَىٰ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - جائیه - 45 - 24 - 7

7- زندگی و مرگ در نگاه مشرکان ، پدیده ای طبیعی و بی ارتباط با اراده الهی و وجود خداوند

و مَا يَهْلِكُنَا إِلَّا الدَّهْرُ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - محمد - 47 - 27 - 6

6- مرگ ، دریافت کامل روح انسان بهوسیله فرشتگان است ؛ نه فنا و نابودی آن .

فكيف إذا توفّتهم الملائكة

واژه «توفّتهم»، به معنای دریافت کامل است و این نشان می دهد که روح، مانند جسم، متلاشی و مضمحل نخواهد شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - ق - 50 - 19 - 1

1- مرگ ، همراه با سختی و اضطراب و مایه بیهوشی و از خود بی خودی انسان

و جاءت سكره الموت

با توجه به معنای «سكره» و کاربرد آن برای مرگ، برداشت یاد شده به دست می آید.

ص: 50

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - ق - 50 - 20 - 3

3- پایان نیافتن زندگی انسان با « مرگ » و تداوم آن در قیامت با « نفخ صور »

و جاءت سكره الموت بالحقّ . . . و نفخ فی الصور

تذکره به «نفخ در صور» و برپایی روز جزا - در پی تذکره به مرگ - پیامدار معنای یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - ق - 50 - 43 - 7

7 - مرگ ، همانند حیات ، مرحله ای از تحوّل و شدن انسان به سوی خداوند است .

إنا نحن نحیی و نمیت و إلینا المصیر

از این که خداوند پس از «نمیت»، سخن از حرکت و شدن انسان به سوی خویش به میان آورده؛ استفاده می شود که مرگ فنا و پایان کار نیست؛ بلکه مرحله ای از مراحل حرکت هستی، به سوی اهداف الهی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - واقعه - 56 - 61 - 3

3 - مرگ ، در پی دارنده حیات مجدد است ؛ نه فنا و نابودی .

نحن قدّرنا بینکم الموت . . . و ننشکم فی ما لاتعلمون

«و ننشکم» - مانند «أن نبذل» - مربوط به «نحن قدّرنا. . .» در آیه پیش است؛ یعنی، مرگ را بر این اساس مقدر کردیم که شما را در آینده، در آفرینش مجدد ایجاد کنیم؛ آفرینشی که شما از آن آگاهی ندارید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - ممتحنه - 60 - 13 - 8

8 - مرگ ، پایان همه چیز در بینش کافران

كما یئس الکفّار من أصحاب القبور

«من» در آیه شریفه می تواند برای ابتدای غایت و یا بیانیه باشد. برداشت یاد شده بر پایه احتمال اول است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - مدثر - 74 - 47 - 2

2- مرگ ، حقیقتی است یقینی و غیر قابل انکار برای تمامی انسان ها .

حَتَّىٰ أَتِينَا الْيَقِينَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - قیامه - 75 - 27 - 1

1- مرگ ، حقیقتی گریزناپذیر و غیر قابل درمان

ص: 51

واژه «راق» از ماده «رقیه» (دعا و اورادی که به گمان معتقدان آن، موجب نجات از مشکلات و امراض می شود) است. به گفته مفسران «من راق» (چه کسی شفا دهنده است) کلمه یأس می باشد که گوینده، آن را از سر ناامیدی می گوید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - قیامه - 75 - 28 - 2

2 - مرگ برای انسان، مفارقت از عالمی به عالم دیگر است؛ نه نابودی کامل او.

و ظنَّ أَنَّهُ الْفِرَاقُ

مقصود از «فراق»، جدایی انسان از دنیا و حرکت به عالم آخرت است. از آن جایی که این انتقال با جسم تحقق نمی پذیرد، پس باید این مفارقت به جان و روح بشر باشد. بر این اساس مرگ، به معنای انتقال روح و جان بشر از این عالم به عالمی دیگر (آخرت) است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نبأ - 78 - 9 - 6

6 - مرگ و معاد انسان، شبیه خواب و بیداری است.

و جعلنا نومکم سباتاً

یاد کردن از خواب در میان آیاتی که به منظور رفع استبعاد از معاد مطرح شده؛ ممکن است به جهت تشابهی باشد که بین خواب و مرگ و نیز بیداری و معاد وجود دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نازعات - 79 - 1 - 5

5 - مرگ، کننده شدن جان از بدن است؛ نه نابودی آن.

و النزع غرقاً

تعبیر «نزع»، حاکی از بقای روح پس از خروج از جسم است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نازعات - 79 - 11 - 1

1 - انسان در دیدگاه منکران معاد؛ پس از مرگ نابود شده و از او چیزی جز استخوان های پوسیده باقی نمی ماند .

أءذا كُتِّا عِظْمًا نِخْرَه

«نخیر»؛ یعنی، صدای بینی و «نخره» به استخوان کهنه و پوسیده ای گفته می شود که با اندک تماسی از هم بپاشد و چنانچه قدری از آن باقی باشد - به گونه ای که با وزش باد به صدا درآید - به آن «ناخر» می گویند. (لسان العرب)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - عبس - 80 - 21 - 3

3 - لحظه مرگ ، لحظه پایان فرصت برای حرکت در راه خدا است .

ص: 52



ثُمَّ السَّبِيلِ يَسَّرَهُ . ثُمَّ أَمَاتَهُ

حرف «ثُمَّ» برای ترتیب زمانی است و دلالت می کند که با فرا رسیدن مرگ، فرصت حرکت در راه خدا سپری شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - انشقاق - 84 - 6 - 2

2 - مرگ انسان ، رجوع به خداوند است .

إِنِّكَ كَادِحٌ إِلَى رَبِّكَ كَدْحًا

مراد از «كدح»، حرکت و تلاشی است که در دنیا انجام می گیرد و با مرگ پایان می پذیرد. تعبیر «إلى ربك» - که ناظر به منتهای تلاش انسان است - بیان می دارد که مرگ انسان، مصادف با حضور او نزد خداوند است. آیات بعد دلالت دارد که مراد از حضور در نزد خداوند، آماده شدن برای حسابرسی است.

#### 84- حیات پس از مرگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - اعراف - 7 - 29 - 12

12 - معاد و حیات دوباره، امری حتمی برای تمامی انسانها

كما بدأكم تعودون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 30 - 14

14 - حیات انسان ها با مرگ ، پایان نمی پذیرد .

لِلَّذِينَ أَحْسَنُوا .. و لدار الآخرة خیر

با توجه با اینکه آیه درصدد پاداش نیکوکاران در سرای دیگر است معلوم می شود که مرگ پایان حیات آنان نیست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 32 - 5

5- انسان ، با مرگ نیست و نابود نمی شود .

الذین تتوفّهم الملائکه

«تتوفی» (از مصدر توفی) به معنای گرفتن چیزی به صورت کامل است و این معنا حکایت از آن دارد که حقیقت انسان گرفته می شود و منتقل می گردد. فراز بعدی آیه (سلام علیکم فادخلوا الجنة) نیز مؤید برداشت فوق است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 98 - 6

6- حیات پس از مرگ ، خلقتی جدید و تازه برای انسان است .

ص: 53

### 85- خالق مرگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - ق - 50 - 43 - 6

6 - معاد ، حضور موجودات در پیشگاه آفریننده مرگ و زندگی است .

إنآ نحن نحیی و نمیت و إلینا المصیر

### 86- خدا و مرگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 58 - 4

4 - خداوند ، زنده ای است جاویدان که هرگز او را مرگ در نمی یابد .

الهی الذی لایموت

### 87- خطر مرگ یعقوب (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 85 - 6

6- فرزندان یعقوب با سوگند به خدا ، خطر فرسوده شدن و به هلاکت رسیدنش را به او هشدار دادند .

قالوا تالله تقمؤا تذکر یوسف حتی تکون حرصآ أو تکون من الهلکین

حرف «تاء» برای قسم است و جمله «تقتؤا تذکر یوسف» به اعتبار غایتی که برای آن ذکر شده (حتی تکون حرصآ ..) جواب قسم است ؛ یعنی ، در حقیقت جواب قسم «تکون حرصآ ...» می باشد.

### 88- درجات پس از مرگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - آل عمران - 3 - 193 - 24

24 - تفاوت درجات و مقام ها پس از مرگ

و توفنا مع الابرار

ص: 54

## 89- درخواست مرگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 13 - 3

3 - تکذیب کنندگان قیامت ، به هنگام گرفتاری در تنگنای آتشین دوزخ ، مرگ و نابودی خویش را خواهند خواست .

و إذا ألقوا منها مكاناً ضيقاً مقرّنين دعوا هنالك ثبوراً

«ثبوراً» به معنای هلاکت است و «دعا» (ریشه «دعوا») به معنای خواندن با صدای بلند است و مقصود از «دعوا» این است که تکذیب کنندگان قیامت، فریاد می کشند و مرگ را آرزو و طلب می کنند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 14 - 2

2 - درخواست تکذیب کنندگان قیامت برای مرگ و هلاکت خویش ، بی نتیجه بوده و آنان برای همیشه در آتش خشمگین جهنم خواهند سوخت .

بل كذبوا بالساعة .. لاتدعوا اليوم ثبوراً وحداً و ادعوا ثبوراً كثيراً

برداشت فوق، مبتنی بر این است که مقصود از «و ادعوا ثبوراً كثيراً» کنایه از این باشد که چون درخواست کافران برای مرگ و یا نجات، پذیرفته نمی شود و باید تا ابد در آتش بسوزند. از این رو از روی استهزا به آنان گفته می شود: بسیار درخواست هلاکت [و یا نجات] کنید.

## 90- دعوت به درخواست مرگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - جمعه - 62 - 6 - 5

5 - خداوند توسط پیامبر (صلی الله علیه و آله) ، به یهود پیشنهاد کرد برای اثبات ادعای خود ( این که آنان دوستان خدایند ) ، آرزوی مرگ کنند .

قل یا ایها الذین هادوا.. فتمتوا الموت إن كنتم صدقین

## 91- دلایل تقدیر مرگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2- گریز ناپذیر بودن مرگ ، نشان تقدیر الهی بودن آن

نحن قدرنا بینکم الموت . . . فلولا . . . ترجعونها

ص: 55

فعل «ترجعونها» مدخول «لولا» در «فلولا إذا بلغت الحلقوم» است و تفریع آن بر آیه «نحن قدّرنا بینکم الموت»، بیانگر مطلب بالا می باشد زیرا مفاد آن این است که اگر مرگ تقدیر الهی نبود - بلکه امری اتفاقی بود - امکان داشت از آن جلوگیری یا چاره جویی کرد.

## 92- ذکر مرگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - آل عمران - 3 - 143 - 7

7 - پیکار احد ، کارزاری سخت و مجسم کننده مرگ در دیده پیکارگران مسلمان

و لقد كنتم تموتون الموت . . . فقد رايموه و انتم تنظرون

1 - مفسران برآنند که آیه شریفه درباره نبرد احد نازل شده است. 2 - چون خداوند از رویارویی و درگیر شدن با کافران، به دیدن مرگ تعبیر کرده است، معلوم می شود که کارزاری سخت بوده که ورود به آن، مساوی دیدن مرگ بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 185 - 8

8 - خداوند جوامع کفرپیشه را به اندیشه در امکان نزدیک بودن مرگ و هلاکتشان فراخواند .

أولم ينظروا فی . . . أن عسی أن یكون قد اقترب أجلهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - عبس - 80 - 23 - 9

9 - توجه به وابستگی آفرینش ، تدبیر ، هدایت ، مرگ و قبر انسان به خداوند ، زمینه ساز انجام دادن تکالیف الهی

من نطفه خلقه . . . ثم أماته فأقبره ... کلاً لَمَّا یقض ما أمره

## 93- رؤیت ملائکه مرگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - واقعه - 56 - 85 - 3

3 - انسان ، ناتوان از مشاهده و درک حضور خداوند و فرشتگان در کنار محتضر

و نحن أقرب إلیه منکم و لکن لا تبصرون





#### 94- زمینه استمرار مرگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 80 - 7

7- آمد و شد شب و روز و به وجود آمدن فصل های مختلف ، عامل پیدایش موجودات زنده و جریان مستمر مرگ و حیات در زمین

یحی و یمیت و له اختلف الیل و النهار

ذکر «اختلاف شب و روز» پس از بیان مرگ و حیات می تواند اشاره به مطلب یاد شده باشد.

#### 95- زمینه تعجیل در مرگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - نوح - 71 - 4 - 4

4- رهاکنندگان عبادت خدا ، تقوای الهی و اطاعت از پیامبران ، در معرض عذاب الهی و مرگ زودرس قرار دارند .

أَنْ اَعْبُدُوا اللّٰهَ . . . وِیُؤَخِّرْکُمْ اِلٰی اَجَلٍ مُّسَمًّی

#### 96- زمینه غفلت از مرگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 146 - 3

3- رفاه و آسایش ثمودیان ، زمینه غافل شدن آنان از مرگ و گرفتار شدنشان به بی تقوایی و گناه

أَلَا تَتَّقُونَ . . . اَتُرْکُونَ فِی مَا هَهْنَا ءَامِنِینَ

#### 97- زمینه فراموشی مرگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - همزه - 104 - 3 - 3

3- ثروت ، زمینه ساز فراموشی مرگ و آخرت

یحسب أنّ ماله أخلده



## 98- زمینه مرگ با کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 55 - 15

15 - مال و اولاد فراوان منافقان ، زمینه گرایش آنان به کفر در هنگام مرگ

فلا تعجبک أمولهم ... و ترهق أنفسهم و هم كفرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 85 - 13

13 - منافقان ، علی رغم اظهار ایمان ، در حال کفر می میرند .

و ترهق أنفسهم و هم كفرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 125 - 7

7 - بیمار دلی و پلیدی باطن ، زمینه ساز مردن بر حال کفر است .

و أما الذین فی قلوبهم مرض ... و ماتوا و هم كفرون

## 99- زمینه مرگ دشمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 14 - 4

4 - جنگاوران مؤمن ، در عرصه نبرد ، مجاری تحقق اراده خدا ( پیروزی قوای اسلام و مرگ و ذلت دشمنان ) هستند .

یعذبهم الله بأیدیکم و یخزهم و ینصرکم علیهم

خداوند پس از فرمان جنگ با دشمنان، نابودی و شکست آنان و پیروزی مؤمنان را به خود نسبت داد - با آنکه همه آنها نتیجه همان جنگ بود - از این مطلب استفاده می شود که اراده خدا در مورد انسانها، از راه افعال خود آنان تحقق می پذیرد.

## 100- زمینه مرگ یعقوب (ع)

2- یعقوب (ع) در اثر درد طاقت سوز فراق یوسف (ع)، در معرض زمین گیر شدن و یا از دست دادن جان خویش بود.

قالوا تالله تفتوا تذكر يوسف حتى تكون حرصاً أو تكون من الهلكين

«حرص» به بیماری گفته می شود که بنیانش تباه شده و مشرف بر هلاکت باشد.

### 101- زمینه نجات از سختی مرگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - طلاق - 65 - 2 - 17

17 - « عن ابن عباس قال : قال رسول الله (صلى الله عليه و آله) في قوله « و من يتق الله يجعل له مخرجاً » قال : من شبهات الدنيا و من غمرات الموت و من شدائد يوم القيامة ;

از ابن عباس نقل شده که رسول خدا(صلى الله عليه و آله) درباره سخن خداوند «و من يتق الله يجعل له مخرجاً» فرمود: [خدا برای کسی که تقوای الهی داشته باشد] راه نجاتی از شبهات دنیا، دشواری های مرگ و سختی های قیامت قرار می دهد».

### 102- زندگی پس از مرگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبياء - 21 - 35 - 7

### 103- سختی مرگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 51 - 25

25- « عن أبي جعفر (ع) قال : الخلق الذى يكبر فى صدوركم الموت ;

از امام باقر(ع) [در بیان آیه فوق] روایت شده است: مراد از موجودی که در سینه هایتان سنگینی می کند، مرگ است».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 18 - 8

8 - به گلو رسیدن جان انسان ها ، از شدت غم و اندوه هنگام مرگ

إذ القلوب لدى الحناجر كظمين

برداشت یاد شده مبتنی بر این احتمال است که این دسته از آیات، مربوط به لحظات مرگ باشد؛ نه روز قیامت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - ق - 50 - 19 - 1

1- مرگ، همراه با سختی و اضطراب و مایه بیهوشی و از خود بی خودی انسان

و جاءت سكره الموت

با توجه به معنای «سكره» و کاربرد آن برای مرگ، برداشت یاد شده به دست می آید.

ص: 59

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - قیامه - 75 - 29 - 2

2- آمیخته شدن و جمع شدن مشکلات و سختی های دنیا و آخرت ، در لحظه مرگ برای محتضر

و التفت الساق بالساق

کلمه «ساق» (در زبان عرب) گاهی استعاره از شدت و وخامت اوضاع است. بر این اساس مفسران گفته اند: مقصود از آن در آیه شریفه جمع شدن مشکلات فراق از دنیا با مشکلات آخرت است. و یا ترک اهل و عیال، مال و مقام از یک سو و رویه رو شدن با مشکل جدایی از دوستان و رفتن به دار غربت از جانب دیگر است.

### 104- سختی مرگ سست ایمانان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - محمد - 47 - 27 - 1

1- سست ایمان های همدل با کفران ، دارای وضعیتی بس دشوار به هنگام جان کندن

فکیف إذا توفّتهم الملائکة

### 105- سختی مرگ ظالمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 18 - 11

11 - محرومیت ستمگران به هنگام دشواری مرگ از هرگونه یاری دوست و نزدیکان دلسوز خود و شفاعت شفیعان

ما للظلمین من حمیم و لا شفیع یطاع

### 106- سختی مرگ فرزندان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 84 - 10

10- از دست دادن خانواده (زن و فرزندان) ، مهم ترین رنج و ناراحتی انسان است .

فکشفنا ما به من ضرّ و آتینه أهله و مثلهم معهم





### 107- سختی مرگ منافقان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - محمد - 47 - 27 - 1

1- سست ایمان های همدل با کافران ، دارای وضعیتی بس دشوار به هنگام جان کندن

فکیف إذا توفّتهم الملائکه

### 108- سختی مرگ همسر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 84 - 10

10- از دست دادن خانواده (زن و فرزندان) ، مهم ترین رنج و ناراحتی انسان است .

فکشفنا ما به من ضرّ وءاتینه أهله و مثلهم معهم

### 109- سلامتی هنگام مرگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 33 - 6

6- نیاز انسان به سلامت و امنیت الهی ، حتی در لحظه مرگ

والسلم علیّ . . . یوم أموت

مراد از سلامت هنگام مرگ، دور ماندن از وحشت، نومیدی، اضطراب و نظایر آن است که منکران خدا و معاد به آن گرفتار می شوند.

### 110- سلطه ملائکه مرگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - سجده - 32 - 11 - 6

6 - سلطه فرشته مرگ بر انسان ، گریزناپذیر است .

ملک الموت الذی وکّل بکم



## 111- شدت اندوه هنگام مرگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 18 - 8

8 - به گلو رسیدن جان انسان ها ، از شدت غم و اندوه هنگام مرگ

إذ القلوب لدى الحناجر كظمين

برداشت یاد شده مبتنی بر این احتمال است که این دسته از آیات، مربوط به لحظات مرگ باشد؛ نه روز قیامت.

## 112- شگفتی مرگ مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - سبأ - 34 - 51 - 5

5 - هنگامه مرگ مشرکان ، هنگامه ای دیدنی و عجیب است .

ولو ترى إذ فزعوا

بر این احتمال که زمان فزع، زمان مرگ بوده و جواب «لو» چیز محذوفی مثل «لرأيت أمراً عجيباً» باشد، نکته یاد شده قابل استفاده است.

## 113- ظهور حقایق پس از مرگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 94 - 9، 8

8 - با فرارسیدن مرگ، مشرکان بر پوچی پندار خویش در مورد شفاعت معبودهای خود پی خواهند برد.

و ما نرى معكم شفعاءكم الذين زعمتم أنهم فيكم شركوا .. و ضل عنكم ما كنتم تزعمون

در لسان العرب آمده که یکی از معانی «ضل»، پنهان و غایب شد است. بنابراین معنی جمله «و ضل عنكم ...»، یعنی آنچه را شما می پنداشتید پس از مرگ شفاعت شما را خواهند کرد، غایب و پنهان گشته اند.

9 - چشمان آدمی با مرگ به روی حقایق گشوده خواهد شد.

و ضل عنكم ما كنتم تزعمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 77 - 5

5 - لحظه مرگ ، زمان ملاقات انسان با خدا و آشکار شدن حق برای اوست .

یوم یلقونه

مراد از «یوم یلقونه» می تواند مرگ باشد و همچنین می تواند قیامت باشد. برداشت فوق بر اساس احتمال اول است.

ص: 62

## 114- ظهور حقایق هنگام مرگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 99 - 7

7- پی بردن انسان در هنگام مرگ، به دست اندرکاری عوامل و کارگزاران الهی (ملائکه) در مرگ و حیات او

حَتَّىٰ إِذَا جَاءَ أَحَدَهُمُ الْمَوْتُ قَالَ رَبِّ ارْجِعُونِ

کلمه «ارجعون» می تواند خطاب به خداوند بوده و جمع آمدن آن از باب تعظیم باشد. هم چنین می تواند بدان جهت باشد که انسان، در آن لحظه حضور ملائکه و کارآیی آنان را مشاهده می کند و با التجا به خدا، از آنان می خواهد که او را به دنیا بازگردانند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - ق - 3 - 19 - 50

3- سكرات مرگ، زداینده ابهام از چهره حقایق هستی

و جاءت سكره الموت بالحقِّ

بنابراین که بقاء در «بالحق» برای تعدیه باشد، برداشت بالا به دست می آید؛ یعنی، سكرات مرگ حق را می آورد و حقایق را خواه نا خواه بر انسان آشکار می سازد.

## 115- عالم پس از مرگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 70 - 4

4- عالم پس از مرگ، عرصه بازگشت انسان ها به سوی خداوند است .

متع فی الدنيا ثمّ إلینا مرجعهم

## 116- عبرت از مرگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 44 - 13، 11

11- مرگ و میر آدمیان و انقراض جوامع و تمدن ها، مایه عبرت انسان ها است .

أفلايرون أتا نأتي الأرض نثقصها من أطرافها

13- عبرت نكرفتن كافران از مشاهده مرگ و مير آدميان و انقراض جوامع و تمدن ها

أفلايرون أتا نأتي الأرض نثقصها من أطرافها

ص: 63

## 117- عبرت از مرگ ظالمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 93 - 13

13 - صحنه جان کندن ظالمان بزرگ، عبرت آموز و تماشایی است.

و لو ترى إذ الظلمون فی غمرت الموت

## 118- عذاب هنگام مرگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - محمد - 47 - 28 - 1,4,8

1- عذاب منافقان به هنگام مرگ ، معلول پیروی آنان از آنچه مورد خشم الهی است .

يضربون وجوههم و أدبرهم . ذلک بأنهم اتبعوا ما أسخط الله

4- بیزاری از رضا و خشنودی خداوند ، موجب عذاب به هنگام مرگ

ذلک بأنهم ... کرهوا رضونه

8- عذاب به هنگام مرگ و حبط اعمال ، نتیجه عملکرد خود انسان است .

يضربون وجوههم و أدبرهم . ذلک بأنهم اتبعوا... و کرهوا... فأحبط أعمالهم

از تعلیل موجود در آیه شریفه، استفاده می شود که منافق، خود با عملکرد خویش زمینه عذاب و حبط اعمالش را فراهم می آورد.

## 119- عقیده به حیات پس از مرگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 104 - 10

10 - توحید در عبادت و اعتقاد به بقای انسان پس از مرگ ، دو پایه و اساس دین الهی است .

و لكن أعبد الله الذی یتوفیکم

## 120- علاقه به مرگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - جمعه - 62 - 6 - 4

4 - نرسیدن از مرگ و مشتاق لقای خدا بودن ، نشان اولیا و دوستان خداوند است .

فتمنوا الموت

ص: 64



جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 35 - 7

7- مرگ ، نیستی نبوده و حیات آدمی پس از مرگ تداوم خواهد یافت .

كلّ نفس ذائقة .. و إلینا ترجعون

رجعت و بازگشت انسان به سوی خداوند پس از مرگ (إلینا ترجعون)، بیانگر مطلب یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 65 - 9

9- همه موجودات زنده و شعورمند آسمان ها و زمین ، دارای مرگ و رستاخیز

و ما یشعرون ائیان یبعثون

ضمیر نایب فاعل در «یبعثون» مربوط به «من فی السماوات و الأرض» است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 87 - 11

11 - مرگ و رستاخیز ، حقیقتی عام و دربرگیرنده تمامی موجودات شعورمند آسمان و زمین

ففرع من فی السموت و من فی الأرض .. و كلّ أتوه

بنابراین فرض که در آیه فوق، هم مرگ لحاظ شده باشد و هم رستاخیز و به عبارت دیگر مراد از «ینفخ فی الصور» هم نفخه اولی باشد و هم نفخه ثانیه، تعبیر «من فی السماوات و من فی الأرض» و نیز عبارت «و كلّ أتوه داخرین» می رساند که حکم بیان شده در آیه، اختصاص به موجوداتی خاص ندارد؛ بلکه همه موجودات هستی مشمول آن حکم می باشند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - عنکبوت - 29 - 57 - 1

1 - مرگ ، سرنوشت حتمی همه است .

كُلِّ نَفْسٌ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 30 - 1

1 - مرگ ، قانونی عام و استثنای پذیر در میان انسان ها ؛ حتی پیامبران الهی

إِنَّكَ مَيِّتٌ وَإِنَّهُمْ مَيِّتُونَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 65

3- مرگ و رستاخیز، حقیقتی عام و در برگیرنده تمامی موجودات شعورمند آسمان ها و زمین و نه مخصوص انسان ها

و نفخ فی الصور فصعق من فی السموت و من فی الأرض .. ثم نفخ فیہ اُخری فاذا هم ق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - جمعه - 62 - 8 - 1

1 - مرگ، سرنوشتی حتمی و اجتناب ناپذیر برای انسان ها

قل إنَّ الموت .. فإِنَّه ملقیکم

### 122- عوامل تأخیر مرگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 41 - 11

11 - امکان تأخیر مرگ با دعای خالصانه

أو أتکتکم الساعه .. فیکشف ما تدعون إلیه

برداشت فوق بر این اساس است که مراد از «الساعه» هنگام مرگ و جان کندن باشد.

### 123- عوامل ترس از مرگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - جمعه - 62 - 7 - 5

5- دستاورد زشت و ظلم و ستم یهودیان، سبب ترس و هراس آنان از مرگ

و لا یتمتونہ أبداً بما قدّمت أیدیهم و اللّٰه علیم بالظلمین

### 124- عوامل مرگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 61 - 6، 7، 8، 11

6- با فرارسیدن زمان مرگ هر کس، سفیران خداوند جان آدمیان را می گیرند.

حتى إذا جاء أحدكم الموت توفته رسلنا

7- فرشتگانی غیر از مأموران حفاظت آدمی، وظیفه قبض روح وی را بر عهده دارند.\*

حتى إذا جاء أحدكم الموت توفته رسلنا

ص: 66

در صورتی که فرشتگان محافظ همان قابضان روح باشند، مناسبتر آن بود که با ضمیر به آنان اشاره می شد. گزینش «رسلنا» به جای ضمیر قرینه تفاوت ملائکه حافظ با ملائکه قابض است.

8 - فرشتگانی متعدد وظیفه قبض روح هر یک از آدمیان را به عهده دارند. \*

حتى إذا جاء أحدكم الموت توفته رسلنا

«رسل»، جمع رسول، و بر بیشتر از دو نفر دلالت دارد. از سوی دیگر مضمون آیه این است که برای هر شخصی که مرگش فرامی رسد، «رسل» حضور پیدا می کنند. بنابراین قابضان روح آدمی بیش از دو نفرند.

11 - اسباب و عوامل مرگ و حیات آدمی منحصرأ تحت اراده قاهر خداوند و در اختیار اوست.

و هو القاهر فوق عباده .. توفته رسلنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 85 - 7

7- رنج ها و غصه های شدید ، فرساینده توان جسمی آدمی و هلاک سازنده وی

قالوا تالله تقتوا تذكر يوسف حتى تكون حرضا أو تكون من الهلكين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 99 - 7

7 - پی بردن انسان در هنگام مرگ ، به دست اندرکاری عوامل و کارگزاران الهی ( ملائکه ) در مرگ و حیات او

حتى إذا جاء أحدهم الموت قال رب ارجعون

کلمه «ارجعون» می تواند خطاب به خداوند بوده و جمع آمدن آن از باب تعظیم باشد. هم چنین می تواند بدان جهت باشد که انسان، در آن لحظه حضور ملائکه و کارآیی آنان را مشاهده می کند و با التجا به خدا، از آنان می خواهد که او را به دنیا بازگردانند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - نجم - 53 - 44 - 4

4 - تأثیر غیر خدا در روند مرگ و حیات ، در طول اراده و قدرت خداوند است ; نه مستقل از او .

و أنه هو أمات و أحيا

با توجه به این که اسباب و عوامل طبیعی - و حتی خود انسان ها - در شکل گیری مرگ و حیات به نوعی مؤثراند، انحصار یافتن میراندن و زنده کردن به خداوند، از آن جهت است که اراده الهی، حاکم بر نظام مرگ و حیات است و دیگران - هر نقشی که دارند - در پرتو اراده الهی و به افاضه و تدبیر او دارای آن نقش هستند.

## **125- عوامل مؤثر در مرگ**

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - احزاب - 33 - 10 - 10، 9

9 - ترس و وحشت زیاد، ممکن است که انسان را به حال مرگ در آورد.

ص: 67

إذ جاءوكم . . . و إذ زاغت الأبصر و بلغت القلوب الحناجر

10 - قلب ، نقش اساسی در حیات و مرگ آدمی دارد .

و بلغت القلوب الحناجر

### 126- عوامل نجات از مرگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - همزه - 104 - 4 - 1

1 - مؤثر دانستن ثروت ، در جاودانگی و رهایی از نابودی و مرگ ، پنداری نادرست و ناروا است .

أخذه . کلاً

حرف «کلاً»، مخاطب را از پذیرش گفتارهای بیان شده در جملات پیش، باز می دارد.

### 127- غافلان از مرگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - عبس - 80 - 23 - 2

2 - کافران ، بی اعتنا به مرگ ، قبر و قیامت خود و بی توجه به نشانه های خدا در خلقت خویش

کلاً

«کلاً» می تواند برای ردع و باز داشتن از توهمی باشد که آیات پیشین، زمینه ساز پیدایش آن بود و آن این که با وجود زمینه های توجه به خداوند در آفرینش انسان از نطفه تا زمان مرگ و دفن او، ممکن نیست کسی در کفر بماند. «کلاً» دلالت دارد که نباید چنین پنداشت، زیرا افرادی با وجود تمام این نشانه ها، بر کفر خود اصرار ورزیدند.

### 128- غفلت از مرگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - آل عمران - 3 - 185 - 19

19 - حیات دنیا و لذت های آن ، غافل کننده انسان از رسیدن مرگ و نابودی آن لذت ها و خوشیها

كلّ نفس ذائقة الموت . . . و ما الحيوه الدنيا الا متاع الغرور

از تذکر به رسیدن مرگ، علی رغم آگاهی همگان از آن، و سپس فریبنده خواندن حیات دنیا، معلوم می شود که مصداق بارز فریبندگی دنیا، غافل نمودن انسانها از مرگ و نابودی لذتهاست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 68



4- انسان ها ، شدیداً در معرض غفلت از مرگ خویش اند .

ثم إنكم بعد ذلك لميئون

تأکیدهای مکرر در آیه فوق (إنّ، لام و جمله اسمیه) می تواند بیانگر مطلب بالا باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 129 - 5

5- غفلت از مرگ و پندار جاودانگی در دنیا ، عامل روی آوری عادیان به کاخ سازی ، تجمل گرایی و بیهودگی

أبئون . . . تعبثون . و تتخذون مصانع لعلکم تخلدون

تعبیر «لعلکم تخلدون» بیانگر این معنا است که: کار شما طوری است که گویا از مرگ و ناپایداری زندگی دنیوی، غافل شده اید و می پندارید که همیشه در این دنیا خواهید ماند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 146 - 5

5- سرزنش ثمودیان از سوی صالح (ع) به خاطر غفلت آنان از مرگ و بی توجهی به ناپایدار بودن امکانات دنیایی

أترکون فی ما ههنا آمنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 30 - 3

3- غفلت شدید کافران و مشرکان ، از مرگ و حیات پس از آن (قیامت)

إنک میّت و إنهم میّتون

ضمیر «إنهم» به مشرکان و کافران باز می گردد. طرح مسأله رحلت آنان - که با تأکید همراه است (إنک و إنهم)- و غیر قابل انکار بودن این حقیقت، می تواند گویای غفلت شدید مشرکان و کافران از مسأله مرگ باشد؛ گو این که آنان منکر حقیقت یاد شده اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 16 - 3

3 - وجود فاصله میان مرگ تا رستاخیز انسان

ثم إنکم يوم القیمه تبعثون

به کارگیری «ثم» در آیه فوق - که برای تراخی و فاصله زمانی است - بیانگر این برداشت می باشد.

ص: 69

### 130- فاصله مرگ تا قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 103 - 4

4- فاصله مرگ تا روز قیامت ، فاصله ای اندک و ناچیز در دیدگاه حاضران صحنه قیامت

یتخفتون بینهم إن لبثتم إلاّ عشرًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - عبس - 80 - 22 - 6

6- وجود فاصله ، بین مرگ انسان ها و برپایی قیامت

فأقبره . ثمّ إذا شاء أنشره

حرف «ثمّ»، بیانگر برداشت یاد شده است.

### 131- فرار از مرگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2- بقره - 2 - 243 - 7

7- از مرگ نمی توان گریخت .

الم تر الى الذّین خرجوا من دیارهم و هم الّوف حذر الموت فقال لهم اللّهُ موتوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3- نساء - 4 - 78 - 3

3- مرگ گریزی ، از موانع شرکت در جهاد

فلما كتب عليهم القتال .. یخشون النّاس ... این ما تکنونوا یدرککم الموت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 67 - 5

5- انسان ها ، فطرتاً از مرگ و نیستی گریزان بوده و علاقه مند به بقا هستند .

وإذا مسَّكم الضَّرَّ ضَلِّ من تدعون إلاَّ إِيَّاه

از اینکه خداوند فرموده است: «وقتی انسانها احساس خطر جدی می کنند، تنها رو به سوی او می آورند تا آنها را از مرگ نجات دهد»  
حکایت از آن دارد که آنان علاقه مند به بقا و گریزان از مرگ هستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - احزاب - 33 - 16 - 5

5 - انسان ها ، از مرگ گریزان اند .

ص: 70

إن فررتم من الموت أو القتل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - احزاب - 33 - 17 - 6

6- فرار از معرکه مرگ آور باعث نمی شود که شخص ، از تیررس اراده خداوند خارج شود .

إن فررتم من الموت . . من ذا الذی يعصمکم من اللّٰه إن أراد بکم سوءًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - ق - 50 - 19 - 5

5- انسان ، همواره گریزان و روی گردان از لحظه مرگ خویش

ذلک ما کنت منه تحید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - واقعه - 56 - 86 - 5

5 - انسان ، اگر تحت تدبیر الهی قرار نداشته باشد ، باید بتواند با مرگ مبارزه کند .

فلولا إن کنتم غیر مدینین

### **132- فرار منافقان مدینه از مرگ**

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - احزاب - 33 - 16 - 3,6

3- منافقان شرکت کننده در غزوه احزاب ، درصدد فرار از جهاد ، به منظور نجات خود بودند .

قل لن ینفعکم الفرار

6 - منافقان حاضر در غزوه احزاب ، برای نجات از مرگ و یا کشته شدن ، تصمیم به فرار از جهاد گرفتند .

إن یریدون إلاّ فرارًا . . إن فررتم من الموت أو القتل

### **133- فرار یهود از مرگ**

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 95 - 2

2 - گریز یهود از آرزوی مرگ ، نشانه نادرستی ادعای آنان ( بهشتی بودنشان ) است .

فتمنوا الموت إن كنتم صدقین . و لن یتمنوه أبداً

ص: 71

### 134- فرعون هنگام مرگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - ذاریات - 51 - 40 - 9

9- سرزنش فرعون نسبت به خویش ، در واپسین لحظات زندگی کفرآلود خود\*

فنبذنهم فی الیمّ و هو ملیم

در صورتی که واژه «ملیم» به معنای ملامت کردن (متعدی) باشد، برداشت بالا به دست می آید. یعنی: «و هو ملیم نفسه».

### 135- فلسفه فرار از مرگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 95 - 6

6- گریز باور داران به قیامت از مرگ و ناپسند شمردن آن ، به خاطر ارتکاب گناهان و ترس از عذاب اخروی است .

و لن یتمنوه أبداً بما قدمت أیدیهم

«باء» در «بما قدمت» سببیه است. بنابراین جمله «لن یتمنوه...» گویای این حقیقت است که گناهان از عوامل ترس از مرگ است. گفتنی است که چون جمله فوق درباره باورداران به خدا و قیامت است، علت یاد شده مخصوص آنان می باشد.

### 136- فلسفه مرگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 28 - 9

9- از حضرت علی (ع) روایت شده است: «... . إنما أراد الله جل ذكره بالموت إعزاز نفسه و إذلال خلقه و قرأ « و کنتم أموتاً فأحیاکم ثم یمیتکم ثم یحییکم... »

... همانا خداوند با قرار دادن مرگ [برای بشر] اراده فرموده که عزت خود و زبونی خلقش را نشان دهد. سپس این آیه را تلاوت فرمود: «کنتم أموتاً فأحیاکم ثم یمیتکم...».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - واقعه - 56 - 60 - 5

5 - مرگ ، نشانه ناتوانی خداوند از زنده نگه داشتن مردم نیست ؛ بلکه تقدیری حکیمانه است .

نحن قدرنا بینکم الموت و ما نحن بمسبوقین

آیه شریفه درصدد بیان این حقیقت است که وجود مرگ در میان انسان ها، نشانگر این نیست که عواملی بیرون از اراده الهی آنان را از میان می برد و خداوند با این که می خواهد که آنها را زنده نگه دارد، آن عوامل بر اراده او غلبه پیدا می کنند. خدا مغلوب

ص: 72



چیزی واقع نمی شود؛ بلکه مرگ تقدیری حکیمانه از سوی او است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - واقعه - 56 - 61 - 1

1 - جایگزین کردن نسلی به جای نسل دیگر ، فلسفه مقدر شدن مرگ از سوی خداوند برای انسان ها

نحن قدرنا بینکم الموت . . . علی أن نبذل أمثلکم

جمله «علی أن نبذل» مربوط به تقدیر مرگ در آیه پیش است؛ یعنی، ما بر این اساس که امثال شما (نسل های بعد) را جایگزین شما گردانیم، مرگ را تقدیر کرده ایم.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - واقعه - 56 - 86 - 1

1 - تقدیر مرگ از سوی خداوند ، به منظور کیفر و پاداش دادن به آدمیان در سرای دیگر ( جهان آخرت )

نحن قدرنا بینکم الموت . . . فلولا إن کنتم غیر مدینین

برداشت یاد شده با توجه به تفریح «فلولا إن کنتم» بر «نحن قدرنا بینکم الموت» است. کلمه «مدینین» می تواند مشتق از «دین» (جزا) باشد؛ یعنی، «إن کنتم غیر مجزیین». و نیز می تواند مشتق از «دان السلطان الرعیه إذا ساسهم و تعبدهم» باشد؛ چنان که برخی از مفسران این را گفته اند. برداشت بالا با توجه به معنای اول است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - ملک - 67 - 2 - 4

4 - تقدیر مرگ و حیات ، برای آزمودن انسان ها است .

الذی خلق الموت و الحیوه لیبلوکم

### 137- قانونمندی مرگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 11 - 9

9 - زمان مرگ همه انسان ها مشخص و تحت حاکمیت قوانین معینی است .

و لو يعجل الله للناس الشر .. لقضى إليهم أجلهم

از این که کیفر دادن خدا، منجر به مرگ کافران می شود و همین، سبب شده که مجازات آنان به تأخیر بیفتد، استفاده می شود که خداوند برای پایان زندگی انسانها زمان خاصی را مقرر فرموده است؛ یعنی، آن را تحت ضابطه و قانونی قرار داده است که پس و پیش شدن در آن راه ندارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - ق - 50 - 19 - 4

ص: 73

4- پدیده مرگ در زندگی انسان ، براساس حکمت و به دور از پوچی و بیهودگی

و جاءت سكره الموت بالحقّ

مراد از «بالحقّ» می تواند این باشد که پدیده مرگ اصولاً پدیده ای است به حق و بایسته و این گونه نیست که فاقد حکمت باشد.

### 138- کافران پس از مرگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9- نحل - 16 - 28 - 11

11- کافران پس از مرگ ، به کلی منکر اعمال زشت دنیوی خویش می شوند .

الكفرین . الذین تتوفّ -هم الملائكة ... ما كنّا نعمل من سوء

### 139- کافران و مرگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 98 - 5

5- مرگ در دیدگاه کافران ، پایان زندگی انسان است .

وقالوا أءذا كُنّا عظماً ورفئاً أءنّآ لمبعوثون خلقاً جدیداً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - سجده - 32 - 11 - 8

8- مرگ ، بر خلاف تصور کافران نابودی نیست ، بلکه رخدادی هدف دار و به منظور حضور انسان ها در پیشگاه پروردگار است .

وقالوا أءذا ضللنا فی الأرض .. قل یتوفّیکم ملک ... ثمّ إلی ربّکم ترجعون

### 140- کافران هنگام مرگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7- یونس - 10 - 88 - 21

21- کافران در آستانه مرگ ، عذاب دردناک الهی را مشاهده خواهند کرد .

فلا يؤمنوا حتى يروا العذاب الأليم

برداشت فوق مبتنی بر این است که الف و لام «العذاب» - که برای عهد ذهنی است - اشاره به عذاب برزخی باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 74

17- « عن أبي عبدالله (ع) قال: إن المؤمن إذا أُخرج من بيته شيعته الملائكة إلى قبره... وإن كان كافراً خرجت الملائكة تشييعه إلى قبره تلعنونه... ثم يدخل عليه ملكا القبر... فيقولان له: من ربك؟ فيتلجلج ويقول: قد سمعت الناس يقولون فيقولان له: لادريت و يقولان له: ما دينك؟ فيتلجلج فيقولان له: لادريت و يقولان له: من تبيك؟ فيقول: قد سمعت الناس يقولون فيقولان له لادريت و يسأل عن إمام زمانه... و هو قول الله عزّوجلّ: «... و يضللّ الله الظالمين و يفعل الله ما يشاء» ;

از امام صادق(ع) روایت شده است که فرمود: آن گاه که [جنازه] مؤمن را از منزلش بیرون می برند، ملائکه او را تا قبرش تشیيع می کنند. .. و اگر کافر باشد فرشتگان او را تا قبرش تشیيع و لعنت می کنند... سپس دو فرشته قبر، بر او وارد می شوند... پس به او می گویند: پروردگارت کیست؟ پس او [در پاسخ] مردد می شود و می گوید: شنیده ام مردم [این گونه] می گویند. پس به او می گویند: [آیا] ندانستی؟ به او می گویند دینت چیست؟ باز مردد می شود و آنان به او می گویند: [آیا] ندانستی؟ پس به او می گویند: پیامبر تو کیست؟ پس پاسخ می دهد: شنیده ام که [این گونه] مردم می گویند. پس به او می گویند [آیا] ندانستی؟ و از او درباره امام زمانش سؤال می کنند: ... و این سخن خداوند عزّوجلّ است: ... يضلّ الله الظالمين و يفعل الله ما يشاء».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 2 - 2

2- آرزوی عمیق کافران به تسلیم شدن در برابر قرآن، به هنگام مواجهه با عذاب الهی یا مرگ

تلک آیت الکتب و قرءان مبین . ربما یوّد الذین کفروا لو کانوا مسلمین

محتمل است که متعلق «کفروا» قرآن باشد که در آیه قبل آمده است و آرزوی کفار به تسلیم بودن، بنابر قاعده، باید پس از مواجهه با حادثه ای باشد که رهایی از آن ممکن نیست و آن همانا عذاب می باشد.

### 141- کیفیت با مرگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 30 - 12

12 - یهود و نصارا، به دلیل اعتقاد شرک آمیزشان (فرزند خدا خواندن عزیر و مسیح) مستحق کیفر مرگ

وقالت اليهود عزیر ابن الله... قتلهم الله أنى یؤفکون

### 142- کیفیت مرگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - چگونگی مرگ و زندگی انسان ، در گرو چگونگی اعمال او است .

اجترحو السیئات أن نجعلهم كالذین ءامنوا و عملوا الصلحت سواء محیاهم و مماتهم

10 - بازتاب ایمان و عمل صالح ، در زندگی و مرگ انسان

ص: 75

أَنْ نَجْعَلَهُمْ كَالَّذِينَ ءَامَنُوا . . . مَحْيَاهُمْ وَمَمَاتِهِمْ

### 143- گناهکاران هنگام مرگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 201 - 2

2- استمرار دشمنی مجرمان با قرآن و وحی ، تا لحظه مرگ

لَا يُؤْمِنُونَ بِهِ حَتَّىٰ يَرَوُا الْعَذَابَ الْأَلِيمَ

مراد از مشاهده عذاب دردناک، می تواند لحظه مرگ کافران و حق ستیزان باشد.

### 144- متقین پس از مرگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 32 - 11

11- متقین ، پس از مرگ پیوسته در آسایش و سلامتی اند .

الْمُتَّقِينَ . الَّذِينَ تَتَوَفَّوْهُمْ الْمَلَائِكَةُ طَيِّبِينَ يَقُولُونَ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ

### 145- مربی ملائکه مرگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - سجده - 32 - 11 - 7

7- فرشته مرگ ، خود تحت تدبیر خداوند است .

الذی وکّل بکم

مجهول آمدن فعل «وکل» دلالت می کند که خود وی، دارای اراده مستقلی نیست و دیگری او را گمارده است و او، همانا خداوند است.

### 146- مرگ ابلیس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 38 - 4,5

4- « يحيى بن أبي العلاء . . . ان رجلاً دخل على أبي عبدالله ( ع ) فقال : أخبرني عن قول الله عزّوجلّ لأبليس « فإنك من المنظرين إلى يوم الوقت المعلوم » قال : . . . و يوم الوقت المعلوم يوم ينفخ في الصور نفخه واحده فيموت ابليس ما بين النفخه

ص: 76



یحیی بن اَبی العلاء روایت کرده است : شخصی وارد بر امام صادق(ع) شد و گفت : مرا از سخن خدای عزّ و جلّ که به ابلیس فرمود : «فإنک من المنظرین إلى یوم الوقت المعلوم» خبر ده، حضرت فرمود: مراد از روز وقت معلوم، روزی است که [هنوز فقط] یک بار در صور دمیده شده؛ پس ابلیس بین دمیدن اول و دوم می میرد...».

5- « عن أبي عبد الله (ع) في قول الله تبارك و تعالی « فأُنظرنی إلى یوم یبعثون . قال فإنک من المنظرین إلى یوم الوقت المعلوم » قال : یوم الوقت المعلوم یوم یدبّحه رسول الله (صلی الله علیه و آله) علی الصخره التي فی بیت المقدس ;

از امام صادق(ع) در باره سخن خداوند تبارک و تعالی «فأنظرنی إلى یوم یبعثون . قال فإنک من المنظرین إلى یوم الوقت المعلوم» روایت شده است که فرمود: روز وقت معین، روزی است که رسول خدا(صلی الله علیه و آله) ابلیس را روی صخره ای که در بیت المقدس است، ذبح می کند».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 81 - 5

5 - پایان عمر آدمی در دنیا ، پایان حیات ابلیس و سرآغاز مرگ او است .

من المنظرین . إلى یوم الوقت المعلوم

### 147- مرگ از آیات خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 23 - 7

7- مرگ و حیات ، از آیات خداوند است .

و إنا لنحن نحي و نمیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 42 - 15

15 - « حیات و مرگ » و « خواب و بیداری » ، در بردارنده آیات متعدد خداوند و جلوه های گوناگون قدرت او

اللّه یتوفی الأنفس حین موتها ... فیمسک ... و یرسل الأخری ... إنّ فی ذلک لأیت

جمع آمدن «آیات» می رساند که آیه و نشانه بودن «حیات و مرگ» و «خواب و بیداری»، از جهات مختلف و گوناگون است.

## 148- مرگ اصحاب کهف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - کهف - 18 - 21 - 23،24

23- اصحاب کهف - پس از دیدار مردم با آنان - در همان غار ، به صورت اجساد بی جان درآمدند .

ص: 77

فقالوا ابنوا عليهم بنيًا

24- اطمینان مردم، به مرگ اصحاب کهف، پس از کشف اقامت گاه آنان

فقالوا ابنوا .. لتتخذنّ عليهم مسجدًا

تصمیمی که بازدید کنندگان از اصحاب کهف، پس از دیدار با آنان گرفتند (ابنوا علیهم ..)، حاکی از آن است که به مرگ آنان اطمینان یافتند.

### 149- مرگ امت ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 134 - 7

7- هر جامعه و امتی، دارای حیات، مرگ و شخصیتی مستقل

تلک أمه قد خلت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 141 - 7

7- هر جامعه و امتی دارای حیات، مرگ و شخصیتی مستقل

تلک أمه قد خلت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 49 - 7

7- هر جامعه ای، جدا از افرادش، دارای حقیقتی مستقل و از مرگ و زندگی ویژه برخوردار است.

لکل أمه أجل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 43 - 5

5- افول پذیری تمدن ها، هشداری است به ملت های مغرور و غافل از خدا.

ثم أنشأنا من بعدهم قرونًا آخرين . ما تسبق من أمه أجلها و ما يستتخرون

## 150- مرگ انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 134 - 2

2- همه انسان ها ، حتی پیامبران بزرگ ، در دنیا باقی نمانده و به سرای دیگر خواهند رفت .

ص: 78

از معانی خلو (مصدر خلت) گذشتن و سپری شدن است و در اینجا کنایه از مردن می باشد. یاآوری درگذشت پیامبران صرف یک خبر نیست؛ زیرا همگان بدان آگاهند؛ بلکه هدف از آن توجه دادن مخاطبان به این حقیقت است که: اگر مرگ سراغ پیامبران آمده شما را نیز رها نخواهد کرد، از آن غافل نباشید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 141 - 2

2 - همه انسان ها حتی پیامبران بزرگ در دنیا باقی نمانده و به سرای دیگر خواهند رفت .

تلک أمه قد خلت

برای روشن شدن برداشت فوق به آیه 134 ذیل برداشت شماره 2 مراجعه شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - آل عمران - 3 - 144 - 1,3

1 - حضرت محمد (صلی الله علیه و آله)، تنها، رسول خداست و همچون دیگر پیامبران الهی، مرگ را ملاقات خواهد کرد .

و ما محمد الا رسول قد خلت من قبله الرسل افاین مات او قتل

جمله «قد خلت ..» (رسولانی پیش از او بودند و از دنیا رفتند)، کنایه از این است که محمد (صلی الله علیه و آله) نیز همانند دیگر پیامبران از دنیا خواهد رفت؛ یا با مرگ طبیعی و یا با شهادت.

3 - پایان پذیری پیام رسولان الهی، یا با مرگ و یا با شهادت ایشان، پندار باطل برخی از مسلمانان صدر اسلام

و ما محمد الا رسول .. افاین مات او قتل انقلبتم علی اعقابکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 75 - 6

6 - مسیح (ع) نیز همانند دیگر پیامبران الهی، انسانی فناپذیر

ما المسيح ابن مریم الا رسول قد خلت من قبله الرسل

یادآوری رحلت پیامبرانی در گذشته تاریخ پس از توصیف مسیح(ع) به رسالت، اشاره به امکان مرگ و رحلت برای مسیح(ع) دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - رعد - 13 - 40 - 9

9- پیامبران نیز همانند دیگر انسان ها وفات می کنند .

أو نتوفيتك

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 59 - 2,6

2- راه و روش پیامبران پس از رحلتشان ، پیوسته مورد بی مهری و تضییع ناهلان قرار می گرفت .

فخلف من بعدهم خلف أضاعوا الصلوه واتبعوا الشهوت

ص: 79

6- ضایع کردن نماز و پیروی از شهوات ، ریشه اصلی انحرافات پس از رحلت پیامبران

فخلف من بعدهم خلف أضاعوا الصلوه واتبعوا الشهوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 8 - 3,6

3- پیامبران مانند دیگر انسان ها ، از حیات جاوید در دنیا برخوردار نبودند .

و ما جعلنهم جسداً .. ما كانوا خلدین

6- مرگ ، سرنوشت گریزناپذیر حتی برای پیامبران

و ما كانوا خلدین

### 151- مرگ انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - آل عمران - 3 - 145 - 1,2,3

1 - هیچ کس ، جز به فرمان خدا نمی میرد .

و ما كان لنفس ان تموت الا باذن الله

2 - تمام انسان ها دارای عمری معین و زمان مرگشان در علم الهی ، مشخص است .

و ما كان لنفس ان تموت .. كتاباً مؤجلاً

3 - مرگ انسان ، سنت تغییرناپذیر الهی

و ما كان لنفس ان تموت .. كتاباً مؤجلاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - آل عمران - 3 - 169 - 9

9 - بقای انسان ، پس از مرگ

بل احياء عند ربهم يرزقون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - آل عمران - 3 - 193 - 26

26 - مرگ انسان ، به مشیت و اراده الهی است .

و توقّفنا مع الابرار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 14 - 15

15 - نبود فاصله زمانی بین مرگ تمامی انسان ها و آغاز قیامت

ص: 80



فاغرینا بینهم العداوه و البغضاء إلى یوم القیمه

بقای مسیحیان تا روز قیامت، حاکی از نبود فاصله بین قیامت و مرگ انسانهاست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 17 - 9

9 - حیات و مرگ مسیح (ع) و مادرش مریم و تمامی اهل زمین، در قبضه قدرت خداوند

قل فمن یملک من اللّٰه شیئاً ان اراد ان یهلک .. و من فی الأرض جمیعاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 2 - 11، 8

8 - اراده و قضای الهی حاکم بر پیدایش و مرگ آدمی

هو الذی خلقکم .. ثم قضی أجلا و أجل مسمى عنده

11 - مطالعه در آفرینش انسان و مرگ و حیات وی، زداینده تردید در یگانگی خداوند

هو الذی خلقکم من طین ثم قضی أجلا .. ثم أنتم تمترون

از جمله «ثم أنتم تمترون»، که بیان استبعاد هر گونه تردید در یگانگی خداوند پس از توجه به مضامین صدر آیه است، چنین برمی آید که بعد از این توجه، علی القاعده نباید تردیدی در توحید و اعتقاد بدان وجود داشته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 62 - 3

3 - حکم نافذ و لازم الاجرا در آفرینش و حیات و مرگ انسان، تنها از آن خداوند است.

و یرسل علیکم .. ثم ردوا إلى الله مولیهم الحق ألا له الحکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 94 - 2

2 - آدمی با مرگ، هر آنچه را خداوند در دنیا به او ارزانی داشته بود، رها می سازد.

و ترکتم ما خولنکم وراء ظهورکم

«تخویل» به معنای اعطا و تملیک است و مراد از «خولناکم» نعمتهایی است که خداوند در دنیا به آدمی ارزانی فرموده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 66 - 4

4 - تجلی ربوبیت خدا در آفرینش و در مرگ و حیات مجدد انسان ها

و هو الذی أحیاکم ثم یمیتکم ثم یحییکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 15 - 3

ص: 81

3 - مرگ و انتقال از نشأه دنیا به آخرت ، حلقه ای از مراحل خلقت و تقدیر حیات انسان

ثم انکم بعد ذلک لمیتون

با توجه به این که آیات فوق، در مقام بیان سیر تکاملی آفرینش انسان می باشد، مسأله مرگ می تواند نه به عنوان صرفاً یک هشدار؛ بلکه به عنوان حلقه ای مرتبط با حلقه های پیشین باشد.

### 152- مرگ انسان ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 134 - 2

2 - همه انسان ها ، حتی پیامبران بزرگ ، در دنیا باقی نمانده و به سرای دیگر خواهند رفت .

تلک أمه قد خلت

از معانی خلو (مصدر خلت) گذشتن و سپری شدن است و در اینجا کنایه از مردن می باشد. یاآوری درگذشت پیامبران صرف یک خبر نیست؛ زیرا همگان بدان آگاهند؛ بلکه هدف از آن توجه دادن مخاطبان به این حقیقت است که: اگر مرگ سراغ پیامبران آمده شما را نیز رها نخواهد کرد، از آن غافل نباشید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 141 - 2

2 - همه انسان ها حتی پیامبران بزرگ در دنیا باقی نمانده و به سرای دیگر خواهند رفت .

تلک أمه قد خلت

برای روشن شدن برداشت فوق به آیه 134 ذیل برداشت شماره 2 مراجعه شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - اعراف - 7 - 25 - 4، 1

1 - زمین عرصه حیات و مرگ آدمیان

قال فیها تحبون و فیها تموتون

4 - انسانها پس از سپری کردن زمان حضورشان در زمین و مرگ همگان، به مکانی دیگر منتقل خواهند شد.

ولکم فی الأرض مستقر و متع إلی حین . . . و منها تخرجون

برداشت فوق بر این اساس است که مراد از «منها تخرجون» اخراج از کره زمین و انتقال به مکانی دیگر باشد. گفتنی است که چون مخاطبان آیه همه انسانها هستند، اخراج از زمین و انتقال به مکانی دیگر پس از مرگ همگان و سپری کردن مدت زمانی است که «إلی حین» بدان اشاره داشت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - انفال - 8 - 50 - 1

1 - میراندن انسان ها و گرفتن جان ایشان ، از مأموریت های فرشتگان

ص: 82

و لو ترى إذ يتوفى الذين كفروا الملائكة

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

9 - ابراهيم - 14 - 20 - 1

1- میراندن انسان ها و خلق انسانهایی جدید به جای آنان ، کار دشواری برای خداوند نیست .

إن يشأ يذهبكم ويأت بخلق جديد . و ما ذلك على الله بعزيز

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

9 - نحل - 16 - 61 - 15

15- به محض فرا رسیدن اجل مقرر انسان های ظالم ، آنان بدون درنگ و بدون شتاب خواهند مرد .

فإذا جاء أجلهم لا يستأخرون ساعة ولا يستقدمون

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

9 - نحل - 16 - 70 - 11

11- آفرینش و مرگ و اعطای دانش و سلب آن از انسان ، جلوه ای از علم و قدرت الهی است .

و الله خلقكم ثم يتوفى-كم .. . إن الله علیم قدیر

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

11 - طه - 20 - 55 - 4

4 - مرگ و معاد ، سرنوشت همه انسان ها است .

و فيها نعيدكم و منها نخرجكم

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

11 - انبياء - 21 - 44 - 17

17- میراندن انسان ها و نابود کردن جوامع و تمدن ها ، دلیل قدرت بی مانند و شکست ناپذیر خداوند است .

أتأنتی الأرض ننقصها من أطرافها أفهم الغلبون

زیر سؤال بردن و نفی کردن پیروزی و چیرگی کافران در برابر قدرت الهی (أفهم الغالبون)، پس از طرح مسأله مرگ و میر انسان ها به وسیله خداوند، می تواند گویای برداشت یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - روم - 30 - 11 - 4

4 - مرگ ، سرنوشت همه انسان ها است .

اللّٰه یبدؤا الخلق ثمّ یمیده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 83

14 - روم - 30 - 40 - 9

9 - مرگ انسان ها ، از آیات الهی است .

اللّٰه الذی . . . ثمّ یمیتکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - یس - 36 - 50 - 3

3 - میان وقوع صیحه و فریاد سهمگین و مرگ و انقراض نسل بشر در دنیا ، هیچ فاصله ای نخواهد بود .

صیحه وحده تأخذهم . . . فلا یستطیعون توصیه و لا إلىٰ أهلهم یرجعون

ناتوانی بشر از هرگونه توصیه و سفارش و یا مراجعه به کسان خود - با شنیدن صیحه و فریاد سهمگین - حاکی از حقیقت یاد شده است .

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صافات - 37 - 59 - 1

1 - انسان ها ، تنها یک بار در زندگی دنیا با مرگ روبه رو می شوند .

إلاّ موتنا الأولىٰ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 68 - 3

3 - مرگ و رستاخیز ، حقیقتی عام و در برگیرنده تمامی موجودات شعورمند آسمان ها و زمین و نه مخصوص انسان ها

و نفخ فی الصور فصعق من فی السموت و من فی الأرض . . . ثمّ نفخ فیہ اُخریٰ فإذا هم ق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - عبس - 80 - 21 - 12، 1

1 - مرگ ، سرنوشت محتوم همه انسان ها است .

ثمّ أماته

12 - وجود نشانه های خداشناسی ، در مراحل پیدایش تا مرگ انسان

ما أكفروه . من أيّ شيء خلقه ... ثمّ أماته فأقبره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - عبس - 80 - 22 - 7

7 - قدرت خداوند بر آفرینش انسان ها ، تنظیم توانمندی های آنان ، هدایت تکوینی و نیز میراندن و به گور افکنندن آنها ، دلیل قدرت او بر زنده ساختن آنان در قیامت است .

خلقه فقدّره . ثمّ السبیل یسرّه . ثمّ أماته فأقبره . ثمّ إذا شاء أنشره

ص: 84



## 153- مرگ اولیاء الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 64 - 12

12 - ابو حمزه ثمالی گوید: «قلت لأبی جعفر (ع): ما یصنع باحد [نا] عند الموت؟ قال: ... ألا أبشرك یا ابا حمزه فقلت: بلی جعلت فداک، فقال: إذا کان ذالک اتاه رسول الله (صلی الله علیه و آله) و علی (ع) معه ... فقال له رسول الله: ... هلمّ الینا فما امامک خیر لک ممّا خلّفت؛ أمّا ما كنت تخاف فقد أمنتته و أمّا ما كنت ترجو فقد هجمت علیه، أیتها الروح أخرجی إلى روح الله و رضوانه، فیقول له علیّ (ع) مثل قول رسول الله (صلی الله علیه و آله) ثم قال: یا ابا حمزه ألا أخبرک بذلك من کتاب الله؟ قوله: «الذین آمنوا و كانوا یتقون لهم البشری فی الحیوه الدنیا و فی الآخره»؛

به امام باقر (ع) عرض کردم: هنگام مرگ با افراد [ما] چه می کنند؟ حضرت فرمود: ... آیا بشارت ندهم تو را ای ابا حمزه؟ عرض کردم چرا فدای تو شوم. فرمود: آن گاه که مرگ فرارسد، رسول خدا (صلی الله علیه و آله) در حالی که علی (ع) با اوست ... [در کنار محتضر حاضر می شود. پس رسول خدا (صلی الله علیه و آله) می فرماید: ... بیا به سوی ما آن چه در پیش رو داری بهتر است برای تو از آنچه برجای گذاشتی؛ اما از آنچه می ترسیدی امان یافتی و آنچه را امید داشتی بر آن دست یافتی. ای روح! برای رسیدن به راحتی و خشنودی خدا خارج شو. پس علی (ع) نیز سخنی مانند سخن رسول خدا (صلی الله علیه و آله) می گوید. سپس امام باقر (ع) فرمود: ای ابا حمزه! آیا تو را به همین مطلب از کتاب خدا خبر ندهم؟ [و آن] سخن خداوند است: «الذین آمنوا و كانوا یتقون لهم البشری فی الحیوه الدنیا و فی الآخره».

## 154- مرگ با شکنجه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - انفال - 8 - 50 - 5

5 - مرگ کافران کشته شده در جنگ بدر با شکنجه و عذابی سخت از سوی فرشتگان مرگ

إذ یتوفی الذین کفروا الملائکه یضربون وجوههم و أدبرهم

از مصادیق مورد نظر برای «الذین کفروا»، به دلیل وقوع آیه مورد بحث در پی آیات مربوط به جنگ بدر، کافرانی هستند که در آن نبرد به قتل رسیدند.

## 155- مرگ با فسق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 84 - 13,15

13 - نفاق و کفر و مرگ در حال فسق ، مایه محرومیت از فیض نماز و دعای اهل ایمان

و لاتصل . . . إنهم کفروا باللّٰه ورسوله و ماتوا و هم فسقون

15 - انحراف از مسیر حق و مردن در حال فسق ، فرجام شوم منافقان

و ماتوا و هم فسقون

ص: 85

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 162 - 3

3 - کفرپیشگانی که بدون توبه می میرند ، برای همیشه به عذاب اخروی گرفتار می شوند .

خلدین فیها لایخفف عنهم العذاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 18 - 4,5

4 - خداوند ، کسانی را که کافر از دنیا بروند ، نخواهد بخشید .

و لیست التوبه للذین . . . و لا الذین یموتون و هم کفار

5 - خداوند برای گناهکارانی که توبه را تا آستانه مرگ تأخیر انداخته و کسانی که کافر بمیرند ، عذاب دردناکی آماده کرده است .

و لیست التوبه للذین . . . و لا الذین یموتون و هم کفار اولئک اعتدنا لهم عذابا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 55 - 14

14 - منافقان ، علی رغم ادعای ایمان ، در حال کفر می میرند .

و ترهق أنفسهم و هم كفرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 85 - 14

14 - مال و اولاد فراوان منافقان ، موجب گرایش آنان به کفر در هنگام مرگ

و ترهق أنفسهم و هم كفرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 125 - 6

6- مردن بر حال کفر ، فرجام شوم منافقان استهزاکننده آیات قرآن

و أما الذين في قلوبهم مرض . . . و ماتوا و هم كفرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9- نحل - 16 - 28 - 2،21

2- کافرانی که با حالت ظلم به نفس ( کفر ) از دنیا بروند ، در قیامت گرفتار خواری و ذلت خواهند شد .

إن الخزي اليوم و السوء على الكفرين . الذين تتوفّهم الملائكة ظالمي أنفسهم

ص: 86

21- کافرانی که با حالت کفر از دنیا می روند ، همواره در دنیا در مسیر نادرست بوده و مرتکب اعمال زشت می شوند .

ما کتّا نعمل من سوء بلی إن الله علیم بما کنتم تعملون

دو عبارت «ما کتّا نعمل» و «ما کنتم تعملون» دلالت بر ماضی استمراری دارد. عبارت اول سخن کافران است که با آن به کلی منکر ارتکاب عمل زشت هستند و عبارت دوم جواب به آنهاست که بر استمرار عمل زشت آنها دلالت می کند.

### 157- مرگ بی تقویان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - نوح - 71 - 4 - 4

4- رهاکنندگان عبادت خدا، تقوای الهی و اطاعت از پیامبران، در معرض عذاب الهی و مرگ زودرس قرار دارند .

أن اعبدوا الله .. و يؤخّركم إلى أجل مسمی

### 158- مرگ پاکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 32 - 7

7- آنانی که در حال پاکی قبض روح می شوند ، مورد استقبال ملائکه قرار می گیرند .

الذین تتوفّهم الملائکه طیبین یقولون سلم علیکم

### 159- مرگ پیش از موعد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 133 - 9

9 - اگر خداوند بخواهد نسلی از آدمیان را قبل از موعد طبیعی خود نابود می سازد و نسلهای دیگری را جایگزین آن می کند.

إن یشأ یدهبکم و یتخلف من بعدکم ما یشاء

چون آمد و شد نسلها امری عادی و طبیعی است، جمله «إن یشأ ..» باید بیان امری خلاف عادت و سیر طبیعی باشد. از موارد محتمل آن است که نسلی قبل از درنگ عادی خود از صحنه تاریخ حذف و نابود گردد.

### 160- مرگ تدریجی انسان ها

جلد - نام سورہ - سورہ - آیہ - فیش

8 - رعد - 13 - 41 - 3

ص: 87

3- خداوند، آدمیان را به تدریج می میراند و از میان می برد .

أولم یروا أَنَّا نَأْتِي الْأَرْضَ نَنْقُصُهَا مِنْ أَطْرَافِهَا

### 161- مرگ جامعه کافر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 185 - 8

8- خداوند جوامع کفرپیشه را به اندیشه در امکان نزدیک بودن مرگ و هلاکتشان فراخواند .

أولم یَنظُرُوا فِي... أَن عَسَىٰ أَن يَكُونَ قَدِ اقْتَرَبَ أَجْلُهُمْ

### 162- مرگ جن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - فصلت - 41 - 25 - 12

12 - جنیان نیز همانند انسان ها دارای زندگی ، مرگ و نابودی اند .

فِي أُمَّمٍ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِمْ مِنَ الْجِنَّةِ وَالْإِنْسِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - احقاف - 46 - 18 - 6

6- جن ، موجودی دارای شعور ، تکلیف ، مرگ و معاد ، همانند انسان

حَقِّ عَلَيْهِمُ الْقَوْلُ فِي أُمَّمٍ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِمْ مِنَ الْجِنَّةِ وَالْإِنْسِ

قرار گرفتن «جن» در کنار «انس»، به عنوان امت هایی که برخی از آنان مشمول کیفر حتمی الهی شده اند، می رساند که: اولاً جن مانند انسان دارای شعور و تکلیف است؛ زیرا بدون آن کیفر معنا ندارد و ثانیاً آنان نیز دارای مرگ و معاداند؛ زیرا برای انکار معاد، کیفر شده اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - رحمن - 55 - 28 - 6

### 163- مرگ جوامع

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 134 - 7

ص: 88



7- هر جامعه و امتی، دارای حیات، مرگ و شخصیتی مستقل

تلک أمه قد خلت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 141 - 7

7- هر جامعه و امتی دارای حیات، مرگ و شخصیتی مستقل

تلک أمه قد خلت

### 164- مرگ جهنمیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 14 - 4

4- تکذیب کنند قیامت، در آتش دوزخ همواره در حال مرگ و زندگی بوده و به دفعات بی شمار می میرند و زنده می شوند.

لاتدعوا الیوم ثبورًا وحدًا و ادعوا ثبورًا کثیرًا

از دیدگاه مفسران، این که به کافران گفته می شود: «درخواست هلاکت بار خود را بسیار تکرار کنند» یا به خاطر این است که آنان به دفعات زنده می شوند، و باز می میرند. پس باید برای هر بار زنده شدن و عذاب شدن، درخواست مرگ کنند و یا به این سبب است که عذاب الهی کافران متعدد و گوناگون است. پس باید آنان برای هر یک از آنها، درخواست مرگ کنند. برداشت یاد شده مبتنی بر دیدگاه اول است.

### 165- مرگ خائنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - محمد - 47 - 27 - 11

11- لحظه مرگ، لحظه آغاز عذاب منافقان و خیانتکاران به اسلام

فکیف إذا توفّتهم الملائکه یضربون وجوههم و أدبرهم

### 166- مرگ در آخرت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5- آخرت ، سراسر حیات و زندگی است و مرگ و نیستی ، در آن راه ندارد .

وإنّ الدار الآخرة لهی الحيوان

ص: 89

تعبیر «الحيوان» (عین حیات) نشان می دهد که آخرت، حیات محض است.

### 167- مرگ در جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 74 - 11، 7

7 - دوزخیان در دوزخ نخواهند مرد - تا عذاب را درک نکنند - و نه مانند زندگان خواهند بود .

فإن له جهنم لا يموت فيها ولا يحيى

مراد از «حیاه» در «لایحیی» به قرینه «لایموت فیها» حیاتی است که بر مرگ ترجیح داشته باشد و حیات اهل دوزخ، چون مایه افزایش عذاب است، از مرگ - که پایان دهنده عذاب است - ناگوارتر و منفورتر می باشد.

11 - « عن أبي سعيد الخدري : إن رسول الله (صلى الله عليه وآله) خطب فأتى على هذه آية «إنه من يأت ربّه مجرماً فإن له جهنم لا يموت فيها ولا يحيى» فقال رسول الله (صلى الله عليه وآله) : أمّا أهلها الذين هم أهلها ، فإنهم لا يموتون فيها ولا يحيون ، و أمّا الذين ليسوا بأهلها فإن النار تميتهم إمامته ثم يقوم الشفعاء فيشفعون ؛

از ابوسعید خدری روایت شده که رسول خدا(صلی الله علیه و آله) خطبه خواند، تا به این آیه رسید «إنه من يأت ربّه مجرماً فإن له جهنم لا يموت فيها ولا يحيى». پس آن حضرت فرمود: ساکنان جهنم - که سزاوار آن هستند - در آن جا نه می میرند و نه زندگی دارند. اما کسانی که سزاوار جهنم نیستند پس آتش، آنان را یک بار می میراند، آن گاه شفیعان به پاخاسته و آنان را شفاعت می کنند».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 77 - 10

10 - مرگ و فنا ، در دوزخ راه ندارد .

ليقض علينا ربك . . . إنكم مكثون

### 168- مرگ در حج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 203 - 13

13 - حج گزارى که در ایام تشریق بمیرد ، آمرزیده است .

فمن تعجل فى يومين فلا اثم عليه

امام صادق (ع) درباره آیه «فمن تعجّل . . .»، فرمود: یعنی من مات قبل ان يمضى، فلا اثم عليه

---

کافی، ج 4، ص 521، ح 10؛ نورالثقلین، ج 1، ص 201، ح 740.

ص: 90

## 169- مرگ در زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - مرسلات - 77 - 26 - 4, 3, 1

1 - زمین ، محل و جایگاه مناسب برای زندگی و مرگ انسان های بسیار

كفَاتًا . أحياءً و أمواتًا

تنوین «أحياءً و أمواتًا»، برای تعظیم است و مراد از آن تکثیر می باشد.

3 - آفرینش زمین ، برای حیات و مرگ انسان ها ، جلوه قدرت و عظمت الهی است .

ألم نجعل الأرض كفاتًا . أحياءً و أمواتًا

4 - « حَمَاد بن عيسى عن أبي عبد الله (ع) أنه نظر إلى المقابر ، فقال : يا حَمَاد هذه كِفَاتُ الأموات و نظر إلى البيوت فقال : هذه كِفَاتُ الأحياء ثم تلا [ هذه الآية ] « ألم نجعل الأرض كفاتًا . أحياءً و أمواتًا » ;

حَمَاد بن عيسى از امام صادق(ع) روایت کرده که آن حضرت، نگاهی به قبرستان انداخت و فرمود: ای حَمَاد! این کِفَاتِ مردگان است و نگاهی به خانه ها انداخت و فرمود: این کِفَاتِ زنده ها است. سپس این آیه را تلاوت فرمود: «ألم نجعل الأرض كفاتًا . أحياءً و أمواتًا».

## 170- مرگ در عالم برزخ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 11 - 3

3 - وجود عالم برزخ (عالم پس از دنیا و پیش از برپایی قیامت) و زنده شدن و مردن انسان ها در آن عالم \*

قالوا ربنا أمتنا اثنتين و أحييتنا اثنتين

در این که مقصود از دو مردن و دو زنده شدن چیست؟ میان مفسران چند دیدگاه وجود دارد: مهم ترین آنها، دو نظریه است: 1- زنده شدن در عالم برزخ و قیامت و مردن در دنیا و عالم برزخ؛ 2- مرگ در آغاز تکوین انسان، پیش از دمیده شدن روح در وجود وی و مردن در پایان عمر و زنده شدن با دمیدن روح در انسان و زنده شدن در قیامت. این حقیقت در سوره «بقره» چنین یاد شده است: «و کنتم أمواتًا فأحياكم ثم يميتکم ثم يحييکم ثم إليه ترجعون». برداشت یاد شده مبتنی بر دیدگاه نخست است.

## 171- مرگ در هجرت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - خداوند ، تضمین کننده پاداش کسانی که در مسیر هجرت با مرگ مواجه شوند .

و من ینخرج من بینه مهاجراً الی اللّٰه ورسوله ثم یدرکه الموت فقد وقع اجره علی اللّٰه

19 - سفر برای شناخت رهبر ، هجرت در راه خدا و مرگ در آن سفر ، در پی دارنده پاداش الهی است .

و من ینخرج من بینه مهاجراً الی اللّٰه ورسوله ثم یدرکه الموت فقد وقع اجره علی اللّٰه

ص: 91

امام صادق (ع) درباره کسی که در سفر برای شناخت رهبر از دنیا برود فرمود: انّ الله عزّ و جل يقول: و من يخرج من بيته مهاجراً الى الله و رسوله ثم يدرکه الموت فقد وقع اجره على الله. ...

اصول کافی، ج 1، ص 378، ح 2؛ نورالثقلین، ج 1، ص 540، ح 522.

### 172- مرگ رهبران شرک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 34 - 5

5- پیشگویی قرآن از پیروزی اسلام و مرگ سران شرک و کفر، قبل از وفات پیامبر (صلی الله علیه و آله)

أفاین متّ فهم الخلدون

همزه در «أفاین» استفهام انکاری و متضمن معنای نفی است. بنابراین پیام اصلی آیه چنین می شود: نه چنین است که او (پیامبر) صلی الله علیه و آله)) «بمیرد و شما زنده باشید و به مدت طولانی بمانید؛ بلکه حقیقت عکس این است، او می ماند و شما ای سران کفر پیش از او خواهید مرد.

### 173- مرگ رهبران کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 34 - 5

5- پیشگویی قرآن از پیروزی اسلام و مرگ سران شرک و کفر، قبل از وفات پیامبر (صلی الله علیه و آله)

أفاین متّ فهم الخلدون

همزه در «أفاین» استفهام انکاری و متضمن معنای نفی است. بنابراین پیام اصلی آیه چنین می شود: نه چنین است که او (پیامبر) صلی الله علیه و آله)) «بمیرد و شما زنده باشید و به مدت طولانی بمانید؛ بلکه حقیقت عکس این است، او می ماند و شما ای سران کفر پیش از او خواهید مرد.

### 174- مرگ زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - روم - 30 - 24 - 5

5- زمین بدون آب ، مرده و موات است .

و ينزل من السماء ماء فيحيى به الأرض بعد موتها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 92



15 - یس - 36 - 33 - 4

4- زمین ، دارای مرگ و حیات است .

و ءایه لهم الأرض المیتة أحيینها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - جائیه - 45 - 5 - 6

6- زمین ، دارای مرگ و حیات

فأحیا به الأرض بعد موتها

### 175- مرگ زودرس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2- بقره - 2 - 243 - 9

9- مرگ زودرس ، جزا و فرجام گریزندگان از پیکار در راه خداوند

الم تر الى الذین .. فقال لهم الله موتوا ... و قاتلوا فی سبیل الله

با توجه به ارتباط این آیه و آیه بعد می توان گفت، ترک شهر و دیار از سوی یادشدگان، به خاطر گریز از میدان نبرد بوده است و خداوند با یادآوری آن واقعه، به مسلمانان هشدار می دهد که مبادا همانند آن فراریان، نبرد را ترک کنند و به مرگ زودرس «موتوا» گرفتار شوند.

### 176- مرگ سلیمان (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - سبأ - 34 - 14 - 13، 2، 1

1- مرگ سلیمان (ع) ، آن گاه بر جنیان خدمت گزار وی آشکار شد که موریانه ها عصای او را خوردند و آن حضرت بر زمین افتاد .

فلما قضینا علیه الموت ما دلهم علی موته إلا دأبه الأرض تأکل منسأته فلما خرّ

«منسأه» به معنای عصا است (مفردات راغب) و «دأبه الأرض» از باب اضافه شیء به فعلش می باشد. «أرض» نیز در این آیه - از باب «علم يعلم» - به معنای خوردن است و یا «ارضه» به معنای کرمی است که از زمین وارد چوب و تخته می شود (مفردات راغب).

2- مرگ سلیمان (ع) به قضای الهی بود .

13 - « عن أبي عبد الله (ع) قال : . . . ولى سليمان مديراً إلى محرابه فقام فيه متكئاً على عصاه فقبض روحه من ساعته ، قال فجعلت الجن والإنس يخدمونه ويسعون في أمره بما كانوا وهم يظنون أنه حي . . . حتى دبت الأرضه من عصاه فأكلت منسأته

فانكسرت و خرّ سليمان إلى الأرض أفلاتسمع لقوله عزّوجلّ: فلَمَّا خرّ تبَيَّنَتِ الجنّ أن لو كانوا يعلمون الغيب ما لبثوا في العذاب المهين؛

از امام صادق(ع) روايت شده: . . . سليمان(ع) به محل عبادت خود روي آورد و در آن جا تكيه زنان بر عصای خود ايستاد. در همان لحظه قبض روح شد و جن و انس همان گونه كه موظف بودند، او را خدمت مي كردند و در امور او مي كوشيدند و گمان مي كردند زنده است ... تا اين كه مورياته عصای او را خورد. آن عصا شكست و سليمان(ع) بر زمين افتاد آيا نمي شنوي قول خدای عزّوجلّ را (فلَمَّا خرّ تبَيَّنَتِ الجنّ...)).

### 177- مرگ ظالمان

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

5 - انعام - 6 - 93 - 18، 12

12 - مجازات اخروي ستمكاران بزرگ از نخستين لحظات احتضار و مرگ آغاز خواهد شد.

و لو ترى إذ الظلمون في غمرت الموت

18 - جان كندن ستمگران، همراه با تمسخر ملائكه قبض روح نسبت به آنان و بيان عجز آنان براي رهايي از مرگ است.

أخرجوا أنفسكم اليوم تجزون عذاب الهون

### 178- مرگ عزرائيل

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

11 - انبياء - 21 - 35 - 9

9- «عن أبي عبد الله (ع) (في قوله تعالى): «كلّ نفس ذائقة الموت» قال: إنّه يموت أهل الأرض حتّى لا يبقى أحد ثمّ يموت أهل السماء . . . فيقال من بقي؟ فيقول (ملك الموت): يا ربّ لم يبق إلاّ ملك الموت فيقال له متّ يا ملك الموت فيموت؛

از امام صادق(ع) در باره آيه شريفه: «كلّ نفس ذائقة الموت» روايت شده كه فرمود: تمام اهل زمين مي ميرند؛ به طوري كه احدي باقي نمي ماند، سپس اهل آسمان مي ميرند. آن گاه پرسيده مي شود چه كسي باقي مانده است؟ ملك الموت مي گويد: پروردگار! احدي باقي نمانده مگر فرشته مرگ، پس به او گفته مي شود اي فرشته مرگ! بمير و او مي ميرد».

### 179- مرگ عزيز(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

2 - بقره - 2 - 259 - 10، 15، 22، 5

5 - خداوند ، عزیر را میراند و پس از صد سال وی را زنده کرد تا پاسخی باشد به پرسش وی از چگونگی زنده شدن مردگان

قال انّی . . . فاماته الله مائه عام ثم بعثه

ص: 94

10 - گمان عزیز از مرگ طولانی ( صد سال ) خود ، به درنگ یکروزه یا کمتر از آن

قال کم لبثت قال لبثت يوماً أو بعض يوم

15 - مرگ صد ساله عزیز و حیات وی پس از آن ، شاهد و نشانه ای است برای همگان بر زنده شدن مردگان در رستاخیز

قال ائی یحیی هذه الله... و لنجعلک ایه للناس

22 - میرانده شدن عزیز و زنده شدن وی پس از صد سال و سالم ماندن خوردنی و آشامیدنی او از فساد و حیات مجدد الاغش ، پرتویی از قدرت مطلق الهی

فلما تبین له قال اعلم ان الله علی کل شیء قدیر

### 180- مرگ عصیانگران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - نوح - 4 - 4 - 4

4 - رهاکنندگان عبادت خدا ، تقوای الهی و اطاعت از پیامبران ، در معرض عذاب الهی و مرگ زودرس قرار دارند .

أن اعبدوا الله... و يؤخرکم إلى أجل مسمی

### 181- مرگ عمران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - آل عمران - 3 - 35 - 10

10 - زنده نبودن عمران ، آن زمان که همسرش ، فرزند خویش را نذر پروردگار کرد . \*

اذ قالت امرات عمران ربّ ائی نذرت لک ما فی بطنی محرراً

زیرا مادر با وجود پدر، معمولاً چنین تصمیمی را نسبت به فرزند اتخاذ نمی کند.

### 182- مرگ عیسی (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 157 - 14

14 - پندار غلط و خلافگویی یهود، در مورد تولد و مرگ حضرت عیسی (ع)

قولهم علی مریم بهتناً عظیماً. و قولهم إنا قتلنا المسيح... ما لهم به من علم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 159 - 1,2

ص: 95

1 - همه اهل کتاب ، قبل از مرگ حضرت عیسی (ع) ، به او ایمان می آورند .

وإن من أهل الكتب إلا ليؤمننَّ به قبل موته

کلمه «ان» نافیه است و کلمه «احد» که مبتدای جمله است، حذف شده ؛ یعنی (ان احد من اهل الكتاب ..) و ضمیر در موته می تواند به «عیسی» ارجاع داده شود و می تواند به «احد» برگردانده شود، برداشت فوق مبتنی بر احتمال اول است. گفتنی است بنابراین احتمال مراد از «اهل کتاب» کسانی از آنان هستند که زمان ظهور وی را درک می کنند.

2 - حضرت مسیح (ع) پس از حضور مجدد در بین امت خویش ، خواهد مرد .

إلا ليؤمننَّ به قبل موته

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 17 - 9

9 - حیات و مرگ مسیح (ع) و مادرش مریم و تمامی اهل زمین ، در قبضه قدرت خداوند

قل فمن يملك من الله شيئاً ان اراد ان يهلك .. و من فى الأرض جميعاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 75 - 7

7 - روا بودن مرگ برای مسیح (ع) نشانه خدا نبودن وی

قالوا إن الله هو المسيح .. الا رسول قد خلت من قبله الرسل

جمله «قد خلت من قبله الرسل» که اشاره به امکان رحلت و مرگ مسیح(ع) دارد، برهانی برای رد پندار الوهیت آن حضرت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 33 - 8

8 - حضرت عیسی (ع) همانند دیگر انسان ها ، دارای تولد ، مرگ و رستاخیز و خود معترف به آن است .

يوم ولدت و يوم أموت و يوم أبعث حياً

**183 - مرگ فرزند ایوب (ع)**

9- از دست دادن خانواده (زن و فرزندان) ، مهم ترین رنج و ناراحتی ایوب (ع) بود .

أَنْتِ مَسْنِي الضَّرِّ . . فكَشَفْنَا مَا بِهِ مِنْ ضِرٍّ وَأَتَيْنَاهُ أَهْلَهُ وَمَثَلَهُمْ مَعَهُمْ

برداشت یاد شده مبتنی بر این است که جمله «آتیناه أهله. ..» عطف بر «فكشفتنا...» باشد. در این صورت ذکر «آتیناه أهله...» از باب ذکر خاص بعد از عام و مفید اهمیت و عظمت خواهد بود؛ زیرا از دست دادن خانواده، خود «ضرب» است.



## 184- مرگ فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نازعات - 79 - 25 - 4

4 - عذاب اخروی فرعون ، از زمان مرگ او آغاز شده است . \*

فأخذه الله نكال الآخرة

فعل «أخذ» ماضی و حاکی از تحقق عذابی است که به «نکال الآخرة» توصیف شده است. این احتمال نیز وجود دارد که قطعی بودن عذاب آینده، سبب ماضی آوردن «أخذ» باشد.

## 185- مرگ قبل از پیری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 67 - 10

10 - برخی از انسان ها ، پیش از رسیدن به مرحله پیری ، زندگی را به درود گفته ، از دنیا خواهند رفت .

ثم لتكونوا شیوخاً و منکم من یتوفی من قبل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 5 - 20

20- برخی از انسان ها ، پیش از رسیدن به مرحله پایانی پیری (أرذل العمر) زندگی را به درود گفته و از دنیا می روند .

و منکم من یتوفی و منکم من یردّ الی أرذل العمر

## 186- مرگ کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - آل عمران - 3 - 178 - 17

17 - مرگ برای کافران بهتر از زندگی است .

و لا یحسبنّ الذّین کفروا أنّهم خیر لانفسهم

امام باقر (ع): الموت خير [ل-] .. الكافر ... لانّ الله يقول ... «ولا يحسبنّ الذين كفروا انّما نملى لهم خيراً لانفسهم انّما نملى لهم ليزدادوا اثماً». .

---

تفسير عياشى، ج 1، ص 206، ح 155؛ نورالثقلين، ج 1، ص 413، ح 445.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

6 - انفال - 8 - 50 - 8

ص: 97

8 - کافران پس از جان کندن پر مشقت به عذاب و آتشی سوزان (عذاب برزخ) گرفتار خواهند شد .

و ذوقوا عذاب الحریق

امر به چشیدن عذاب حریق (ذوقوا عذاب الحریق)، دلالت بر وجود بالفعل آن عذاب دارد. و چون این جمله به هنگام گرفتن جان کافران گفته می شود، معلوم می شود که کافران پس از مردن به عذاب گرفتار خواهند شد و این همان عذاب برزخی است. گفتنی است «ذوقوا ...» به تقدیر «یقولون لهم» سخن ملائکه با کافران به هنگام گرفتن جان آنان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 28 - 10, 9

9- کافران به هنگام مرگ ، تسلیم و منقاد می شوند .

الکفرین . الذین تتوفّهم الملائکه ... فألقوا السلم

10- کافران ، به هنگام مرگ دچار وحشت و ترس می شوند .

الکفرین . الذین تتوفّهم الملائکه ... فألقوا السلم

تسلیم شدن کافران به هنگام مرگ به قرینه «ما کنا نعمل من سوء» - که در مقام دفاع بیان شده است - می تواند مشعر به نکته یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 99 - 8

8 - «عن الصادق (ع) . . . إذا مات الکافر شیعه سبعون ألفاً من الزبانیه إلى قبره و أنّه لیناشد حاملیه بصوت یسمعه کلّ شیء إلا الثقلان . . . و یقول : «رَبِّ ارجعون لعلیّ أعمل صالحاً فیما ترکت « فتجیبه الزبانیه کلاًّ إنّها کلمه أنت قائلها ؛

از امام صادق(ع) روایت شده است : هنگامی که کافری می میرد، هفتاد هزار فرشته عذاب او را به سوی قبرش می برند و آن کافر با صدای بلند - که تمام موجودات غیر از انس و جن می شنوند - تشییع کنندگان را قسم می دهد . . . و می گوید: «رَبِّ ارجعون لعلیّ أعمل صالحاً فیما ترکت». پس فرشتگان عذاب به او جواب می دهند: هرگز! این کلامی است که تو گوینده آنی».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - محمد - 47 - 34 - 1

1- مرگ کافران مخالف راه خدا در حال کفر ، مایه محرومیت ابدی از عفو و رحمت الهی

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا .. فلن يغفر الله لهم

مرگ کافران مخالف راه خدا در حال کفر، مایه محرومیت ابدی از عفو و رحمت الهی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - طور - 52 - 45 - 6، 5

5 - فرجام شوم و هلاکت بار، در کمین کافران [ در دنیا، هنگام مرگ و یا در آخرت ]

يلتقوا يومهم الذی فيه يصعقون

تعبیر «الذی فيه يصعقون» (روزی که در آن بیهوش خواهند افتاد)، نشان دهنده سختی حال کافران به هنگام واقعه عذاب است. گفتنی است که مراد از روز عذاب، می تواند روز عذاب استیصال، یا روز عذاب قیامت و یا هنگام مرگ باشد.

ص: 98

6 - لحظه مرگ ، لحظه آغاز مجازات کافران

فذرهم حتی یلقوا یومهم الذی فیه یصعقون

در صورتی که «یومهم..» به معنای لحظه مرگ باشد؛ معنای آیه چنین می شود: رهایی و آزادی کافران در زندگی دنیوی است و مرگ، پایانی بر این رهایی می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - طور - 52 - 46 - 2

2 - مرگ ، لحظه کوتاه شدن دست کافران از تدبیر های خویش و نقطه های امید

فیه یصعقون . یوم لایغنی عنهم کیدهم شیئاً

در صورتی که «یومهم الذی..» در آیه قبل، نظر به لحظه مرگ داشته باشد، برداشت یاد شده به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - عبس - 80 - 17 - 2

2 - کشته شدن و مرگ ، سزاوارترین فرجام برای کفرپیشگان

قتل الإنسن ما أکفره

کفر در «ما أکفره» مطلق است و هر کفری، حتی ترک عبادت را نیز شامل است. البته به قرینه آیات بعد - که به بیان تدبیر خداوند پرداخته و در مقابل منکران این حقیقت موضع گیری کرده است - بارزترین مصداق مورد نظر از آن، انکار ربوبیت خداوند است.

### 187- مرگ کافران در غزوه بدر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - انفال - 8 - 50 - 5

5 - مرگ کافران کشته شده در جنگ بدر با شکنجه و عذابی سخت از سوی فرشتگان مرگ

إذ یتوفی الذین کفروا الملئکه یضربون وجوههم و أذرهم

از مصداق مورد نظر برای «الذین کفروا»، به دلیل وقوع آیه مورد بحث در پی آیات مربوط به جنگ بدر، کافرانی هستند که در آن نبرد به قتل رسیدند.

## 188- مرگ گریزی یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - جمعه - 62 - 7 - 4

4- گریزان بودن یهود از مرگ ، نشان دروغین بودن ادعای آنان ( این که آنان دوستان و اولیای خدا هستند ) .

ص: 99

إن زعمتم أنكم أولياء لله... إن كنتم صدقين . و لا يتمنونه أبدًا

### 189- مرگ گمراهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 75 - 10

10- عذاب الهی در دنیا و یا فرا رسیدن مرگ و قیامت ، پایان مهلت خداوند به گمراهان

حتی إذا رأوا ما یوعدون إِمَّا العذاب و إِمَّا الساعه

«الساعه» در اغلب موارد استعمال در قرآن، به معنای «قیامت» است؛ ولی در این آیه چون سخن از پایان مهلت است و پایان مهلت نیز همان مرگ است، مراد از «الساعه» قیامت با تمام مقدمات آن خواهد بود.

### 190- مرگ گناهکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 75 - 7

7- لحظه مرگ ، سرآغاز کیفر اخروی مجرمان

لأذقنک ضعف الحیوه و ضعف الممات

برداشت فوق، از تعبیر «ممات» به جای «آخرت» و «قیامت» استفاده شده است؛ یعنی، عذاب دو چندان در ایام مرگ خواهد بود چه در قیامت و چه پیش از آن.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - جائیه - 45 - 21 - 7

7- زندگی و مرگ مؤمنان نیک کردار ، غیرقابل قیاس با زندگی و مرگ گناه پیشگان

أم حسب الذین اجترحوا السيئات أن نجعلهم كالذین ءامنوا و عملوا الصلحت سواء محیاه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - محمد - 47 - 28 - 2

2- عذاب گنه کاران به هنگام مرگ ، نمود خشم الهی بر آنان

يضربون وجوههم وأدبرهم . ذلك بأنهم اتبعوا ما أسخط الله

«ذالك» اشاره به «يضربون..» است؛ یعنی، عذاب هنگام مرگ، نتیجه و نمود سخط و خشم خداوند است.

ص: 100



## 191- مرگ محمد (صلی الله علیه و آله)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - آل عمران - 3 - 144 - 4, 8, 2, 1

1 - حضرت محمد (صلی الله علیه و آله)، تنها، رسول خداست و همچون دیگر پیامبران الهی، مرگ را ملاقات خواهد کرد.

و ما محمد الا رسول قد خلت من قبله الرسل افاین مات او قتل

جمله «قد خلت...» (رسولانی پیش از او بودند و از دنیا رفتند)، کنایه از این است که محمد (صلی الله علیه و آله) نیز همانند دیگر پیامبران از دنیا خواهد رفت؛ یا با مرگ طبیعی و یا با شهادت.

2 - پندار باطل برخی از پیروان پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) نسبت به فناپذیری آن حضرت

و ما محمد الا رسول قد خلت من قبله الرسل افاین مات او قتل

گویا تذکر خداوند به اینکه محمد (صلی الله علیه و آله)، سمتی جز پیامبری ندارد و پیامبرانی پیش از او بودند و از دنیا رفتند، در ردّ چنین پنداری باشد.

4 - تزلزل روحیه برخی از پیکارگران احد، بر اثر شایعه قتل پیامبر (صلی الله علیه و آله)

و ما محمد الا رسول... افاین مات او قتل انقلبتم علی اعقابکم

8 - خطر واپسگرایی مردم صدر اسلام از مسیر رهبری، پس از رحلت یا شهادت پیامبر (صلی الله علیه و آله)

و ما محمد الا رسول... افاین مات او قتل انقلبتم علی اعقابکم

## 192- مرگ مریم (س)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 23 - 7

7- مرگ در حال بارداری و یا پس از وضع حمل، نمی توانست پایان بخش نگرانی های مریم (س) باشد.

یلبیتی متّ قبل هذا

«هذا» در کلام مریم (س)، اشاره به اصل بارداری است نه آوارگی و تنهایی و سختی زایمان، زیرا پیدایش این امور به خواست خود مریم و برای رهایی از زخم زبان مردم بود، بنابراین او که از اتهام زنا، حتی پس از مرگ خود بیم داشت، رهایی از اتهام را در گرو مرگ پیش از

بارداری می دید.

### 193- مرگ مستضعفان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 97 - 6,7

6 - ناگواری حال مستضعفان سر باز زده از هجرت ، به هنگام مرگ \*

قالوا فیم کنتم قالوا کنا مستضعفین فی الارض

استفهام توییخی «فیم کنتم» حکایت از حالت سخت گنهکاران مستضعف دارد.

ص: 101

7- توییح و سرزنش مستضعفان سر باز زده از هجرت ، از سوی ملائکه به هنگام مرگ

قالوا کنا مستضعفین فی الارض قالوا الم تکن ارض الله واسعه فتهاجروا فیها

### 194- مرگ مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 94 - 5

5- با مرگ بین آدمی و شریکان پنداری او برای خداوند جدایی خواهد افتاد.

لقد تقطع بینکم و ضل عنکم ما کنتم ترعمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - اعراف - 7 - 37 - 17

17 - مرگ، آغاز گرفتاری مشرکان و تکذیب کنندگان آیات الهی است.

حتى إذا جاءتهم رسلنا يتوفونهم قالوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - سبأ - 34 - 54 - 3، 1

1 - بین مشرکان و لذت های دنیوی شان ، پس از مرگ فاصله می افتد .

و حیل بینهم و بین ما یشتهون

این که مراد از «ما یشتهون» چیست احتمال های گوناگونی وجود دارد؛ از جمله آنها لذت ها و مال و اموال دنیایی است.

3- با مرگ مشرکان ، فرصت ایمان آوردن از آنان گرفته شده و دیگر جایی برای آن نمی ماند .

و لو تری إذ فرعوا .. و قالوا ءامنا به ... و حیل بینهم و بین ما یشتهون

احتمال دارد مراد از «ما یشتهون» - به قرینه ذکر ایمان مشرکان با مشاهده عذاب و یا قیامت در آیات پیشین - علاقه به ایمان باشد.

### 195- مرگ معرضان از خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4- رهاکنندگان عبادت خدا، تقوای الهی و اطاعت از پیامبران، در معرض عذاب الهی و مرگ زودرس قرار دارند.

أن اعبدوا الله... ويؤخرکم إلى أجل مسمی

ص: 102

## 196- مرگ مکذبان آیات خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - اعراف - 7 - 37 - 17

17 - مرگ، آغاز گرفتاری مشرکان و تکذیب کنندگان آیات الهی است.

حتی إذا جاءتهم رسلنا يتوفونهم قالوا

## 197- مرگ ملائکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - آل عمران - 3 - 185 - 22

22 - مردن هر صاحب روحی، حتی ملائکه مقربین و حاملان عرش

كلّ نفس ذائقة الموت

امام صادق (ع) در تفسیر آیه فوق فرمود: آنه يموت اهل الارض حتى لا يبقى احد ثم يموت اهل السماء حتى لا يبقى احد الا ملك الموت و حمله العرش و جبرئیل و میکائیل . . . فيجئى ملك الموت حتى يقوم بين يدي الله عزّ و جلّ . . . فيقول (الله): انى قد قضيت عل كلّ نفس فيها الرّوح الموت . . .

---

کافی، ج 3، ص 256، ح 25؛ نورالثقلین، ج 1، ص 419، ح 470.

## 198- مرگ منافقان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 55 - 14

14 - منافقان، علی رغم ادعای ایمان، در حال کفر می میرند .

و ترهق أنفسهم و هم كفرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 84 - 15

15 - انحراف از مسیر حق و مردن در حال فسق ، فرجام شوم منافقان

و ماتوا وهم فسقون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 85 - 13

13 - منافقان ، علی رغم اظهار ایمان ، در حال کفر می میرند .

ص: 103

و ترهق أنفسهم و هم كفرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - محمد - 47 - 27 - 12، 11، 10، 3، 2

2- مرگ ، خط پایانی بر توطئه ها و هواپرستی عناصر سست ایمان منافق

قالوا للذين كرهوا .. فكيف إذا توفتهم الملكة

از ارتباط دو آیه، مطلب بالا قابل برداشت است؛ یعنی، سست ایمان های منافق، گرچه در دنیا به هر کاری دست می زنند؛ اما با مرگ - که به تمامی توطئه هاشان پایان خواهد داد - چه خواهند کرد.

3- کیفر سخت منافقان به هنگام مرگ ، براساس علم الهی به نهان کاری های خائنانه آنان

والله يعلم إسرارهم . فكيف إذا توفتهم الملكة

از ارتباط عبارت «فكيف إذا ..» - که بیانگر کیفر سخت منافقان است - با ذیل آیه قبل (والله يعلم إسرارهم) استفاده می شود که علم و آگاهی خداوند، پشتوانه کیفر منافقان به هنگام مرگ شان، خواهد بود.

10- صورت و پشت منافقان همدل با کافران ، آماج ضربات ملائکه به هنگام مرگ

فكيف إذا توفتهم الملكة يضربون وجوههم وأدبرهم

11- لحظه مرگ ، لحظه آغاز عذاب منافقان و خیانتکاران به اسلام

فكيف إذا توفتهم الملكة يضربون وجوههم وأدبرهم

12- ضربات شکنجه بر صورت و پشت منافقان ، به هنگام مرگ ، نتیجه دورویی آنان با دین و مؤمنان \*

إذا توفتهم الملكة يضربون وجوههم وأدبرهم

برداشت بالا بدان احتمال است که تصریح به «وجوههم» و «أدبارهم»، اشاره به این باشد که، چون منافق دو چهره دارد و در هر دو چهره نیز خائن است؛ لذا از دو سو عذاب می شود.

## 199- مرگ موجودات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 65 - 9

9 - همه موجودات زنده و شعورمند آسمان ها و زمین ، دارای مرگ و رستاخیز

و ما يشعرون اَيان يبعثون

ضمیر نایب فاعل در «یبعثون» مربوط به «من فی السماوات و الأرض» است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - روم - 30 - 19 - 5

5 - نظام حیات و مرگ در جهان هستی ، دلیلی آشکار بر امکان معاد و احیای مجدد انسان ها است .

يُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ . . . وَكَذَلِكَ نُخْرِجُكَ

ص: 104



جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - نجم - 53 - 44 - 2

2- مرگ و حیات موجودات ، جلوه ای از ربوبیت یگانه خداوند بر هستی است .

وَأَنَّ إِلَىٰ رَبِّكَ الْمُنْتَهَىٰ .. وَأَنَّهُ هُوَ أَمَاتٌ وَأَحْيَا

از ارتباط این آیه با آیه «وَأَنَّ إِلَىٰ رَبِّكَ الْمُنْتَهَىٰ»، مطلب بالا قابل استفاده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - رحمن - 55 - 27 - 8

8- مرگ و فنای موجودات زنده ، نشانی از اقتدار یگانه پروردگار هستی

كُلٌّ مِّنْ عَلَيْهَا فَانٍ . وَبِئْسَىٰ وَجْهٌ رَّبِّكَ

از این که خداوند پس از یادآوری فنای موجودات، خود را به وصف «ذوالجلال» توصیف کرده است؛ می توان مطلب بالا را استفاده کرد.

## 200- مرگ موجودات آسمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 87 - 11

11 - مرگ و رستاخیز ، حقیقتی عام و دربرگیرنده تمامی موجودات شعورمند آسمان و زمین

فَفَزَعَ مَنْ فِي السَّمَوَاتِ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ .. وَكُلٌّ أَتَوْهُ

بنابراین فرض که در آیه فوق، هم مرگ لحاظ شده باشد و هم رستاخیز و به عبارت دیگر مراد از «يُنْفَخُ فِي الصُّورِ» هم نفخه اولی باشد و هم نفخه ثانیه، تعبیر «مَنْ فِي السَّمَوَاتِ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ» و نیز عبارت «وَكُلٌّ أَتَوْهُ دَاخِرِينَ» می رساند که حکم بیان شده در آیه، اختصاص به موجوداتی خاص ندارد؛ بلکه همه موجودات هستی مشمول آن حکم می باشند.

## 201- مرگ مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - آل عمران - 3 - 198 - 19

19 - مرگ مؤمن به دلیل اینکه راه رسیدنش به بهشت است ، برای او خیر می باشد .

و ما عند الله خير للابرار

امام باقر (ع) فرمود: ... الموت خير للمؤمن لانّ الله يقول «و ما عند الله خير للابرار».

---

تفسير عياشى، ج 1، ص 212، ح 178؛ تفسير برهان، ج 1، ص 333، ح 11.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

ص: 105

7- زندگی و مرگ مؤمنان نیک کردار ، غیرقابل قیاس با زندگی و مرگ گناه پیشگان

أم حسب الذین اجترحوا السيئات أن نجعلهم كالذین ءامنوا و عملوا الصلحت سواء محیاه

### 202- مرگ مهاجران صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 58 - 4

4- تضمین بهشت از سوی خدا ، برای آن دسته از مهاجران صدراسلام که تا آن زمان ( زمان نزول آیه فوق ) با مرگ طبیعی از دنیا رفته و یا به دست دشمن کشته شده بودند .

و الذین هاجروا فی سبیل اللّٰه ثمّ .. لیرزقنهم اللّٰه رزقاً حسناً

### 203- مرگ همسر ایوب (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 84 - 9

9- از دست دادن خانواده ( زن و فرزندان ) ، مهم ترین رنج و ناراحتی ایوب (ع) بود .

أئی مسنی الضّرّ .. فكشفنا ما به من ضرّ و آتیناه أهله و مثلهم معهم

برداشت یاد شده مبتنی بر این است که جمله «آتیناه أهله ..» عطف بر «فكشفنا...» باشد. در این صورت ذکر «آتیناه أهله...» از باب ذکر خاص بعد از عام و مفید اهمیت و عظمت خواهد بود؛ زیرا از دست دادن خانواده، خود «ضرّ» است.

### 204- مرگ یحیی (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 15 - 10، 1، 3

1- حضرت یحیی (ع) ، مشمول سلام ویژه خداوند به هنگام تولد ، مرگ و رستاخیز خود

و سلم علیه یوم ولد و یوم یموت و یوم یبعث حیاً

3- یحیی (ع) به هنگام مرگ و در روز رستاخیز ، مصون از هرگونه رنج و عذاب

و سلم عليه . . . يوم يموت و يوم يبعث حيًّا

«ولد» فعل ماضی و «يموت» مضارع است. این تغییر سیاق نشان می دهد که مفاد آیه، زمان حیات یحیی را منعکس می کند که خداوند در آن زمان از سلامتی او در میلاد خبر داده و سلامتی مرگ و رستاخیز او را تضمین کرده و نوید می دهد.

10- «عن أبي الحسن الرضا (ع) : إنَّ أوحش ما يكون هذا الخلق في ثلاثة مواطن يوم يولد . . . و يوم يموت . . . و يوم يبعث . . .

ص: 106

وقد سلم الله - عزوجل - على يحيى (ع) في هذه الثلاثة المواطن و آمن روعته فقال: « و سلام عليه يوم ولد و يوم يموت و يوم يبعث حياً ... » ;

از امام رضا(ع) روایت شده است: همانا وحشتناک ترین مواقع برای این خلق در سه موضع است: روزی که متولد می شود. .. و روزی که می میرد... و روزی که برانگیخته می شود... و خداوند سلام فرستاده است بر یحیی(ع) در این سه موضع و او را از وحشت آن مواضع ایمن ساخته و فرموده: «و سلام علیه یوم ولد و یوم یموت و یوم یبعث حياً»...».

### 205- مرگ یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 77 - 5

5- برادران یوسف بر این باور بودند که یوسف (ع) از میان رفته و نابود شده است .

فقد سرق أخ له من قبل

«من قبل» می تواند متعلق به «سرق» باشد. بر این اساس جمله «فقد سرق...» چنین معنا می شود: او برادری داشت که پیش از این دزدی کرده بود. همچنین می تواند متعلق به مضمون «أخ له» باشد. بر این مبنا جمله چنین معنا می شود: او پیشتر برادری داشت که دزدی کرده بود. بر این فرض قید «من قبل» حاکی است که برادران یوسف می پنداشتند که یوسف(ع) از میان رفته است.

### 206- مستحقان مرگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 52 - 8

8 - منافقان متخلف از جنگ ، مستحق و سزاوار مرگ

نحن نتریص بکم . . . بعذاب من عنده أو بأیدینا

### 207- مشرکان و مرگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 49 - 3

3- مشرکان ، مرگ را به منزله نیستی و نابودی پنداشته و حیات پس از آن را مستبعد می شمردند .

أذا کتا عظماً و رفتاً أءنا لمبعوثون خلقاً جدیداً

جلد - نام سورہ - سورہ - آیہ - فیش

ص: 107

7- زندگی و مرگ در نگاه مشرکان ، پدیده ای طبیعی و بی ارتباط با اراده الهی و وجود خداوند

و ما يهلكنا إلا الدهر

### 208- مصونیت از مرگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 68 - 12، 6، 5

5- برخی از موجودات آسمان ها و زمین ، از مرگ ناشی از نفخ صور ایمن خواهند بود .

و نفخ فی الصور فصعق من فی السموت و من فی الأرض إلا من شاء الله

6- تعلق مشیت الهی بر زنده ماندن برخی از موجودات شعورمند در جهان پس از نفخ صور

و نفخ فی الصور فصعق من فی السموت و من فی الأرض إلا من شاء الله

12- « قال رسول الله (صلى الله عليه وآله): « و نفخ فی الصور فصعق من فی السماوات و من فی الأرض إلا من شاء الله » قالوا : یا

رسول الله من هؤلاء الذین استثنی الله ، قال : جبرئیل و میکائیل و ملک الموت و اسرائیل و حملة العرش . . . »

از رسول خدا(صلى الله عليه وآله) روایت شده که فرمود: «و نفخ فی الصور .. إلا من شاء الله». [اصحاب] گفتند: ای رسول خدا! این

کسانی که استثنا شده اند چه کسانی هستند؟ فرمود: جبرئیل، میکائیل، ملک الموت، اسرائیل و حاملان عرش هستند...».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - دخان - 44 - 56 - 4

4- ایمنی از مرگ ، حلاوت بخش نعمت های بهشتی برای متقین

لا یدوقون فیها الموت إلا الموتة الأولى

از این که پس از ذکر نعمت های بهشتی به ایمنی آنان از مرگ اشاره شده است؛ مطلب بالا استفاده می شود.

### 209- مصیبت مرگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 106 - 7

7- مرگ ، مصیبت و حادثه ای سخت و ناگوار .

مصیبه الموت

ص: 108



## 210- معبودان باطل و مرگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 3 - 5

5- معبود های مشرکان ، هیچ نقشی در مرگ ، زندگی و برانگیختن پدیده های جهان ندارند .

ءالهه . . . و لایملکون موتاً و لاحیوه و لانشوراً

## 211- مکان مرگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - لقمان - 31 - 34 - 7

7- انسان ها ، از جایگاه و مکان مرگ خویش ، بی اطلاع اند .

و ما تدری نفس بأیّ أرض تموت

## 212- مکان مرگ شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5- اعراف - 7 - 25 - 2

2- زمین، عرصه حیات و مرگ شیاطین نیست.

قال فیها تحیون و فیها تموتون و منها تخرجون

تکرار کلمه «قال» (قال اهبطوا . . . قال فیها تحیون) می تواند اشاره به تغییر مخاطب در دو جمله «اهبطوا . . .» و «فیها تحیون» داشته باشد. در آیه قبل انسانها و نیز شیطان مورد خطاب بودند و در این آیه تنها انسانها مخاطب هستند. و شیاطین مورد خطاب نیستند. بنابراین می توان گفت زمین عرصه حیات و مرگ شیاطین نیست.

## 213- ملائکه مرگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3- نساء - 4 - 97 - 4

4- ناتوانی از انجام تکالیف الهی ، پاسخ ماندگاران در سیطره کفر و شرک به فرشتگان مأمور گرفتن جان

قالوا فيم كنتم قالوا كنا مستضعفين

جلد - نام سورہ - سورہ - آیہ - فیش

5 - انعام - 6 - 61 - 6،7،8،9

ص: 109

6 - با فرارسیدن زمان مرگ هر کس، سفیران خداوند جان آدمیان را می گیرند.

حتى إذا جاء أحدكم الموت توفته رسلنا

7 - فرشتگانی غیر از مأموران حفاظت آدمی، وظیفه قبض روح وی را بر عهده دارند.\*

حتى إذا جاء أحدكم الموت توفته رسلنا

در صورتی که فرشتگان محافظ همان قابضان روح باشند، مناسبتر آن بود که با ضمیر به آنان اشاره می شد. گزینش «رسلنا» به جای ضمیر قرینه تفاوت ملائکه حافظ با ملائکه قابض است.

8 - فرشتگانی متعدد وظیفه قبض روح هر یک از آدمیان را به عهده دارند.\*

حتى إذا جاء أحدكم الموت توفته رسلنا

«رسل»، جمع رسول، و بر بیشتر از دو نفر دلالت دارد. از سوی دیگر مضمون آیه این است که برای هر شخصی که مرگش فرامی رسد، «رسل» حضور پیدا می کنند. بنابراین قابضان روح آدمی بیش از دو نفرند.

9 - هیچ کوتاهی و تأخیری از جانب فرشتگان مأمور قبض روح صورت نمی گیرد.

توفته رسلنا و هم لا یفرطون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 93 - 14، 16، 18

14 - گروهی از فرشتگان، کارگزاران خداوند در گرفتن جان آدمیان هستند.

ولو تری إذ الظلمون فی غمرت الموت و الملائکه باسطوا أیدیهم

16 - ملائکه قابض ارواح دارای دستانی هستند که به هنگام گرفتن جان ظالمان آنها را می گشایند.

إذ الظلمون فی غمرت الموت و الملائکه باسطوا أیدیهم

18 - جان کندن ستمگران، همراه با تمسخر ملائکه قبض روح نسبت به آنان و بیان عجز آنان برای رهایی از مرگ است.

أخرجوا أنفسکم الیوم تجزون عذاب الهون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - فرشتگانی از جانب خداوند مأمور گرفتن جان آدمیان هستند.

حتی إذا جاءتهم رسلنا يتوفونهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - انفال - 8 - 50 - 5

5 - مرگ کافران کشته شده در جنگ بدر با شکنجه و عذابی سخت از سوی فرشتگان مرگ

إذ يتوفى الذين كفروا الملائكة يضربون وجوههم وأدبرهم

از مصادیق مورد نظر برای «الذین کفروا»، به دلیل وقوع آیه مورد بحث در پی آیات مربوط به جنگ بدر، کافرانی هستند که در آن نبرد به قتل رسیدند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 110

5- انسان ها ، به وسیله ملائکه قبض روح می شوند .

تتوفّ هم الملائکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1- قبض روح انسان ها با فرشتگان است .

الذین تتوفّ هم الملائکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - به هنگام مرگ ، روح انسان ، به طور کامل ، به دست فرشته مرگ ( عزرائیل ) گرفته می شود .

قل يتوفّیکم ملک الموت

5 - برای قبض روح انسان ، فرشته ای ویژه وجود دارد .

ملک الموت الذی وکلّ بکم

مراد از «وکلّ بکم» گمارده شدن برای قبض روح است.

13 - « و سنل الصادق (ع) . . . عن قول الله عزّوجلّ « قل يتوفّاکم ملک الموت الذی وکلّ بکم » . . . وقد تموت فی الساعه الواحده فی جميع الآفاق ما لا یحصیه إلاّ الله عزّوجلّ فکیف هذا ؟ فقال : « إنّ الله تبارک و تعالی ، جعل لملک الموت أعواناً من الملائکه یقبضون الأرواح . . . ویتوفّاهم ملک الموت من الملائکه . . . » ;

از امام صادق (ع) . . . درباره این سخن خدای عزّوجلّ « قل يتوفّاکم ملک الموت الذی وکلّ بکم » پرسش شد . . . در آن واحد در اطراف عالم تعداد زیادی که فقط خدا عدد آنها را می داند می میرند ، این چگونه [ممکن] است ؟ حضرت فرمود : « خداوند تبارک و تعالی برای ملک الموت دستیارانی را از ملائکه قرار داده که قبض ارواح می کنند . . . » .

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - تنها خداوند جان ستان حقیقی انسان ها است و عوامل دیگر ( چون عزرائیل ) واسطه و مأمور او هستند .

اللّٰهُ يَتَوَفَّى الْأَنْفُسَ حِينَ مَوْتِهَا

تقدم اسم جلاله (الله) بر خبر فعلی مقید، تخصیص مضمون خبر است. بنابراین اختصاص جان ستاندن به خداوند - در حالی که در آیات دیگر این عمل به فرشته مخصوص (ملک الموت) نسبت داده شده - گویای حقیقت بالا است.

19- « سئل الصادق (ع) عن قول الله عزّوجلّ « اللّٰهُ يَتَوَفَّى الْأَنْفُسَ حِينَ مَوْتِهَا » . . . فقال إنّ الله تبارك و تعالی جعل لملك الموت أعوناً من الملائكة يقبضون الأرواح . . . فتتوفاهم الملائكة و يتوفاهم ملك الموت من الملائكة مع ما يقبض هو و يتوفاه الله عزّوجلّ من ملك الموت ;

از امام صادق(ع) درباره سخن خداوند عزّوجلّ: «اللّٰهُ يَتَوَفَّى الْأَنْفُسَ حِينَ مَوْتِهَا» سؤال شد، حضرت فرمود: خداوند - تبارک و تعالی - برای ملک الموت دستیارانی از ملائکه قرار داده که ارواح را قبض می کنند. .. پس آنها را ملائکه دریافت می کنند و ملک الموت ارواح را از ملائکه دریافت می کند و به همراه ارواحی که خودش قبض نموده، ضمیمه می نماید و خداوند از ملک الموت تمامی

ص: 111

ارواح را دریافت می کند».

### 214- ملانکه و مرگ کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - انفال - 8 - 50 - 6

6 - فرشتگان مرگ انسان های مؤمن و کافر را از یکدیگر تمییز می دهند و به کفر و ایمانشان آگاهند . \*

و لو ترى إذ يتوفى الذين كفروا الملائكة يضربون وجوههم وأدبرهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - انفال - 8 - 50 - 2

### 215- ملانکه و مرگ و مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - انفال - 8 - 50 - 6

6 - فرشتگان مرگ انسان های مؤمن و کافر را از یکدیگر تمییز می دهند و به کفر و ایمانشان آگاهند . \*

و لو ترى إذ يتوفى الذين كفروا الملائكة يضربون وجوههم وأدبرهم

### 216- ممانعت از مرگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - احزاب - 33 - 17 - 5

5 - خداوند ، آن چنان توانایی دارد که می تواند در سخت ترین شرایط جهاد و جنگ ، انسان را از مرگ حفظ کند .

إن فررتم من الموت ... من ذا الذى يعصمكم من الله إن أراد بكم سوءاً أو أراد بكم

### 217- منافقان مدینه و خطر مرگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - احزاب - 33 - 16 - 2

2 - پیامبر (صلی الله علیه و آله) ، موظف بود که عقیده منافقان مدینه را درباره حفظ جان از خطر مرگ ، تصحیح کند .

إن یزیدون إلاّ فرارًا .. قل لن ینفعکم الفرار إن فررتم .. وإذا لاتمتّعون إلاّ

ص: 112



## 218- منافقان و مرگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - احزاب - 33 - 17 - 2

2 - پیامبر (صلی الله علیه و آله)، موظف بود که با تبیین قلمرو نفوذ خواست خدا درباره زندگی و مرگ، عقیده نادرست منافقان درباره مرگ را تصحیح کند.

قل من ذا الذی یعصمکم من اللّٰه إن أراد بکم سوءاً

## 219- منافقان هنگام مرگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 85 - 14، 12، 11

11 - جان کندن سخت منافقان به هنگام مرگ

و ترهق أنفسهم

«زهوق» به معنای خارج شدن همراه با دشواری است.

12 - حسرت منافقان برای از دست دادن اموال و فرزندان خویش به هنگام مرگ

أن یعدبهم . . . و ترهق أنفسهم

«زهوق» به معنای مفارقت جستن از امری که همراه با تأسف و حسرت است (مفردات راغب).

14 - مال و اولاد فراوان منافقان، موجب گرایش آنان به کفر در هنگام مرگ

و ترهق أنفسهم و هم كفرون

## 220- منشأ مرگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 243 - 5

5 - مرگ و حیات، در قدرت خداوند

فَقَالَ لَهُمُ اللَّهُ مَوْتُوا ثُمَّ أَحْيَاهُمْ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 244 - 1

1 - توجه به حاکمیت خداوند در حیات و مرگ ، برطرف کننده ترس آدمی برای پیکار در راه او

ص: 113

الم تر الى الذين . . . وقاتلوا في سبيل الله

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

2 - بقره - 2 - 258 - 11, 12, 13

11 - قانون حیات و مرگ ، نشانه و پرتو ربوبیت الهی

ربّی الذی یحیی و یمیت

12 - زندگی و مرگ ، تنها در دست پروردگار است .

ربّی الذی یحیی و یمیت

13 - ادّعی مغالطه آمیز نمرود ، بر اینکه مرگ و زندگی به دست اوست .

قال انا احيى و اميت

از اینکه ابراهیم (ع) در برابر پاسخ نمرود (انا احيى . . . )، استدلالی دیگر مطرح کرد (فان الله ... )، معلوم می شود احیاء و اماتة ای را که نمرود مدعی بود ؛ با مغالطه به اطرافیان خویش که درکی از واقعیت حیات و مرگ نداشتند، باوراند. (چنانچه در روایات آمده است که دستور به کشتن فردی و آزادی محکوم به مرگی را داد.)

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

2 - بقره - 2 - 259 - 7

7 - خداوند میراننده موجودات و زنده کننده آنان

انّی یحیی هذه الله بعد موتها فاماته الله مائه عام ثمّ بعثه

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

2 - بقره - 2 - 260 - 24

24 - حاکمیت و تسلط خداوند بر عالم مرگ و حیات ، دانایی او به کیفیت ترکیب اجزای مردگان و زنده کردن آنان

و اعلم انّ الله عزیز حکیم

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

28 - مرگ آدمی و کیفیت آن ، برخاسته از تقدیر خداوند است .

قل لو كنتم فى بيوتكم لبرز الذين كتب عليهم القتل الى مضاجعهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - مرگ و حیات در هر حال به دست خداست و مسافرت و یا حضور در میدان نبرد ، تغییردهنده مسیر مقدر آن نیست .

قالوا .. ما ماتوا و ما قتلوا ... و الله یحیی و یمیت

خداوند در جواب کسانی که جهاد و مسافرت را عامل تعیین کننده مرگ می پنداشتند، می فرماید «و الله یحیی و یمیت» یعنی عوامل مادی، تعیین کننده نیستند ; هر چه هست به دست خداوند و به تقدیر اوست.

12 - تضادّ و دوگانگی بینش اهل ایمان و کفرپیشگان ، در تفسیر عوامل حیات و مرگ

وقالوا... ما ماتوا و ما قتلوا... و الله یحیی و یمیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - آل عمران - 3 - 168 - 14

14 - شرکت در جنگ و یا خانه نشینی ، هیچکدام نقش تعیین کننده در مرگ و یا زندگی آدمی ندارد .

قل فادرؤا عن انفسکم الموت ان کنتم صادقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 155 - 19

19 - مشیت خدا حاکم بر حیات و مرگ انسانها

رب لو شئت أهکتهم من قبل و ایّی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 158 - 13

13 - حیات و مرگ همگان به دست خدا و در اختیار اوست .

یحی و یمیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 116 - 4,6

4 - مرگ و حیات مستمر در جهان هستی ، متکی به اراده و مشیت خداوند است .

إن الله... یحیی و یمیت

استمرار حیات و مرگ از به کارگیری فعل مضارع (یحیی و یمیت) استفاده می شود.

6 - حیات و مرگ مستمر در جهان ، جلوه ای از حاکمیت مطلق الهی بر هستی

إن الله له ملک السموت و الأرض یحیی و یمیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 56 - 1

1 - مرگ و حیات ، تنها در دست خداوند است .

هو یحی و یمیت

تقدیم ضمیر در فعل «یحی» می تواند برای حصر باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 104 - 8,9

8 - عبادت ، تنها شایسته خداوندی است که مرگ انسان ها به دست او بوده و جان آنان پس از مرگ ، در اختیار او قرار می گیرد .

ص: 115

و لكن أعبد الله الذي يتوفيكم

9- مرگ انسان ها ، تنها به دست خداست .

الله الذي يتوفيكم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8- یوسف - 12 - 101 - 21

21- خداوند ، انسان ها را می میراند و جانشان را باز می گیرد .

توفی مسلماً

«توفی» به معنای گرفتن کامل و تمام است و مراد از آن میراندن می باشد ؛ چون میراندن آدمی ، گرفتن جان و روح اوست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8- رعد - 13 - 40 - 10

10- مرگ و میر انسان ها به دست خدا و در اختیار اوست .

أوتوفینک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9- حجر - 15 - 4 - 2

2- مرگ و میر ها و تحولات طبیعی در جوامع ، به دست خداوند و به تقدیر اوست .

و ما أهلکنا من قریه إلاّ و لها کتاب معلوم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9- حجر - 15 - 23 - 1

1- حیات و مرگ موجودات ، تنها به دست خداوند است .

وإنا لنحن نحي ونمیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8- به دست خداوند بودن مرگ و حیات انسان ها ، دلیل علم او بر احوال انسان ها در گذشته و آینده

وإنا لنحن نحي ونميت . . . ولقد علمنا المستنخرين . وإن ربك هو يحشرهم

برداشت فوق، بر این احتمال که ذکر «إنا لنحن نحي ونميت» قبل از «ولقد علمنا . . .» و ذکر «إن ربك هو يحشرهم» پس از آن، می تواند به منظور اقامه دلیل برای آن باشد. طبق این احتمال، معنای آیه چنین می شود: ما به احوال پیشینیان و آیندگان آگاهی داریم؛ چرا که خود ما میراننده و زنده کننده همه هستیم.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش



3- ابلیس ، باورمند به اینکه مرگ و حیات در دست خداوند است .

قال ربّ فأَنْظِرْني إلی یوم یبعثون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 70 - 1

1- آفرینش و مرگ انسان ها به دست خداوند است .

والله خلقکم ثمّ یتوفّکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 80 - 4، 1

1 - حیات و مرگ ، تنها در اختیار خداوند است .

و هو الذی یحیی و یمیت

«الذی» خبر مبتدا و «ال» در آن، برای جنس است. بنابراین جمله «هو الذی» مفید حصر است معنا چنین می شود: او حیات می بخشد و می میراند.

4 - حیات و مرگ انسان ها ، تنها به اراده و تدبیر خداوند

و هو الذی یحیی و یمیت

برداشت فوق، بر این اساس است که مفعول محذوف، ضمیر خطاب به انسان ها باشد؛ یعنی، «یحییکم و یمیتکم».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 3 - 6

6 - مخلوق بودن ، قدرت بر آفرینندگی ، جلب منفعت ، دفع ضرر ، میراندن ، حیات بخشیدن و احیای مردگان ، از نشانه های معبود واقعی و شایسته پرستش ( الله )

واتّخذوا من دونه ءالهه لایخلقون شیئاً و هم یخلقون ... و لانشوراً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - مرگ و حیات مجدد انسان به دست خدا و براساس تدبیر او است .

والذی یمیتنی ثمّ یحییّن

2- تذکر ابراهیم (ع) به قوم بت پرست خود، مبنی بر نبود کمترین نقش برای بت ها در مرگ و حیات آدمی

والذی یمیتنی ثمّ یحییّن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 64 - 1

1 - « رویش و خزان » و « حیات و مرگ » مداوم در پهنه زمین ، از نمود های تدبیر خداوند

أمن یدو الخلق ثمّ یعیده

ص: 117

فعل های «بیداً» و «یعید» مضارع و مفید استمرار است. آیه یاد شده به چرخه منظم حیات و مرگ و بهار و خزان در عرصه زمین اشاره دارد؛ یعنی، کیست که پدیده ها را به طور مداوم پدید می آورد و آن گاه آنها را به حال سابقشان برمی گرداند؟

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - عنكبوت - 29 - 19 - 5

5 - عرصه طبیعت ، مظهر قدرت نمایی خداوند در ایجاد حیات و مرگ پدیده ها است .

کیف یبدئ الله الخلق ثم یعیده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - روم - 30 - 40 - 3

3 - مرگ انسان ها و حیات مجدد آنها ، به دست خداوند است .

ثم یمیتکم ثم یحییکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - روم - 30 - 43 - 4

4 - توجه به منشأ خلقت و روزی و مرگ انسان ، مقتضی رویکرد تمام عیار به دین است .

الله الذی خلقکم . . . فأقم وجهک للذین

احتمال دارد «فاء» در «فأقم» تفریع بر آیه «الذی خلقکم . . .» باشد که در آن، خداوند، برخی از افعال خود را به عنوان نشانه، یادآوری کرده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - فاطر - 35 - 16 - 2

2 - انسان ها در چنبر قدرت مطلق خداونداند و مرگ و حیانتشان تحت مشیت او است .

إن یشاء یدهبکم و یأت بخلق جدید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - ابلیس ، معتقد به حاکمیت مشیت خداوند بر مرگ و حیات

قال ربّ فأنظرنی إلی یوم یبعثون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 42 - 13، 2، 1

1 - خداوند ، جان ستان انسان ها به هنگام مرگ

اللّٰهُ یَتَوَفَّى الْأَنْفُسَ حَیْنَ مَوْتِهَا

2 - تنها خداوند جان ستان حقیقی انسان ها است و عوامل دیگر ( چون عزرائیل ) واسطه و مأمور او هستند .

ص: 118

اللّٰهُ يَتَوَفَّى الْأَنْفُسَ حِينَ مَوْتِهَا

تقدم اسم جلاله (اللّٰه) بر خبر فعلی مقید، تخصیص مضمون خبر است. بنابراین اختصاص جان ستاندن به خداوند - در حالی که در آیات دیگر این عمل به فرشته مخصوص (ملک الموت) نسبت داده شده - گویای حقیقت بالا است.

13 - « زندگی و مرگ » و « خواب و بیداری » انسان ها ، تحت تدبیر خداوند قرار دارد .

اللّٰهُ يَتَوَفَّى الْأَنْفُسَ حِينَ مَوْتِهَا وَالَّتِي لَمْ تَمُتْ فِي مَنَامِهَا .. . وَيُرْسِلُ الْأَخْرَى إِلَىٰ أ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 11 - 4، 1

1 - اعتراف کافران در قیامت ، به دو بار مردن و دو بار زنده شدن خود با قدرت الهی

قالوا ربّنا أمّتنا اثنتین وأحییتنا اثنتین

4 - مرگ و حیات ، به قدرت خدا است .

ربّنا أمّتنا اثنتین وأحییتنا اثنتین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 68 - 2

2 - حیات و مرگ موجودات تنها به دست خداوند است .

هو الذی یحیی و یمیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - شوری - 42 - 29 - 10

10 - تولد و مرگ موجودات ، وابسته به مشیت الهی است .

و من آیته خلق السموت .. . و هو علی جمعهم إذا یشاء قدیر

ممکن است منظور از جمع - به قرینه «بثّ» - نابودی و انقراض تمامی موجودات باشد؛ همان گونه که آفرینش و پراکندگی آنها به دست خداوند است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 41 - 5

5- مرگ و حیات تمامی انسان ها ، حتی پیامبران ، به اراده خداوند است .

فَأَمَّا نَذِيبٌ بَكَ فَإِنَّا مِنْهُمْ مُنْتَقِمُونَ

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که خداوند «إِذْهَاب» را - که در این جا به معنای میراندن است - به خود نسبت داده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - دخان - 44 - 8 - 3

3- زندگی و مرگ ، تنها در قلمرو اراده خداوند یکتا است .

ص: 119

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - جائیه - 45 - 26 - 2

2- زندگی و مرگ انسان به اراده خداوند است؛ نه معلول طبیعت و روزگار.

و ما یهلکنا إلا الدهر... قل الله یحییکم ثم یمیتکم

آیه شریفه در حقیقت پاسخی به دعوی دهریین است که منکر مبدأ و معاد بودند و در آیات پیشین به گفته آنان اشارت رفت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - ق - 50 - 43 - 1,2,3

1 - حیات و مرگ آدمیان، تنها به دست خداوند است.

إنا نحن نحیی و نمیت

2 - عوامل و وسایط الهی، دارای نقش در شکل گیری مرگ و حیات موجودات \*

إنا نحن نحیی و نمیت

برداشت بالا بدان احتمال است که ضمیر جمع در «إنا»، از جهت تعظیم نباشد؛ بلکه از آن جهت باشد که نقش عوامل و اسباب را در تحقق اراده الهی بنمایاند.

3 - قدرت و مشیت خداوند، حاکم بر تمام عوامل و وسایط مؤثر در مرگ و حیات موجودات

إنا نحن نحیی و نمیت

خداوند از یک سو مرگ موجودات را تنها به خود نسبت می دهد و از سوی دیگر انسان شاهد دخالت عوامل متعدد طبیعی در مرگ و حیات است. جمع میان این دو مستلزم نکته یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - نجم - 53 - 44 - 1,3

1 - مرگ و حیات، تنها به اراده خداوند و در اختیار او است.

وَأَنَّهُ هُوَ أَمَاتٌ وَأَحْيَا

3 - یگانه قدرت حاکم بر نظام مرگ و حیات ، قادر به برپایی صحنه معاد

وَأَنَّ إِلَىٰ رَبِّكَ الْمُنْتَهَىٰ . . . وَأَنَّهُ هُوَ أَمَاتٌ وَأَحْيَا

در صورتی که آیه «إِلَىٰ رَبِّكَ الْمُنْتَهَىٰ» نظر به فرجام زندگی و پایان حیات داشته باشد، ارتباط میان آن و آیه «وَأَنَّهُ هُوَ أَمَاتٌ وَأَحْيَا»، بیانگر مطلب بالا است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - واقعه - 56 - 60 - 2

2 - خداوند ، تقدیرکننده مرگ میان انسان ها

نَحْنُ قَدَرْنَا بَيْنَكُمْ الْمَوْتَ

ص: 120



جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - حدید - 57 - 2 - 4,6

4 - مرگ و حیات ، در اختیار خداوند بوده و او است که می میراند و زنده می گرداند .

یحیی و یمیت

6 - در دست داشتن حیات و مرگ موجودات ، جلوه فرمانروایی انحصاری خداوند بر عالم است .

یحیی و یمیت و هو علی کل شیء قدیر

«احیاء» و «إماتة»، از مظاهر فرمانروایی مطلق خداوند است. اختصاص به ذکر یافتن آن به خدا، می تواند برای بیان دو مصداق و جلوه از فرمانروایی او باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - حدید - 57 - 14 - 13

13 - مرگ آدمیان ، تحت اراده و فرمان خداوند فرا می رسد .

حتّی جاء أمر الله

تعبیر «أمرالله» درباره مرگ، بیانگر مطلب یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - منافقون - 63 - 11 - 6

6 - مرگ انسان ها ، در اختیار خداوند است .

ولن يؤخر الله نفسا إذا جاء أجلها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - ملک - 67 - 2 - 1

1 - خداوند ، تقدیرکننده مرگ و حیات انسان ها

الذی خلق الموت و الحیوه

«خلق» در اصل به معنای «تقدیر» است (قاموس المحيط و مفردات راغب) و در آیه 60 سوره «واقعه» به همین معنا به کار رفته است «نحن قدرنا بینکم الموت و ما نحن بمسبوقین».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - عبس - 80 - 21 - 2،4

2 - مرگ انسان ها ، به دست خداوند است .

ثمّ أماته

4 - توجه به وابستگی مرگ انسان ها به خداوند ، مانع کفر به او است .

ما أكفروه .. ثمّ أماته

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 121

1 - کفر به خداوند ، با آن که هدایت و مرگ و قیامت انسان به دست او است ، توجیه ناپذیر و مطرود است .

قتل الإنسان ما أكفره . . . کلاً

حرف «کلاً»، یا به معنای «حقاً» و تأکید ما بعد است و یا برای ردع و زجر از چیزی است که در جملات قبلی، از آن سخن به میان آمده بود، در صورت دوم مفاد آن در این آیه، باز داشتن از کفرورزی است.

### 221- منشأ مرگ ابلیس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - اعراف - 7 - 14 - 4

4 - ابلیس، معتقد به حاکمیت مشیت الهی بر مرگ و حیات خویش

أنظرنی إلی یوم یبعثون

### 222- منشأ مرگ انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 28 - 1

1 - خداوند ، به انسان ها حیات می بخشد و آنان را می میراند .

و کنتم أموتاً فأحیکم ثم یمیتکم ثم یحییکم

### 223- منشأ مرگ موجودات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 158 - 14

14 - حاکمیت مطلق خداوند بر هستی ، دلیل اقتدار او بر زنده کردن موجودات و میراندن آنهاست .

الذی له ملک السموت والأرض . . . یحیی و یمیت

بیان حاکمیت انحصاری خدا بر هستی و سپس توصیف او به حیات بخشی و مرگ آفرینی می تواند اشاره به این معنا داشته باشد که چون امور هستی در اختیار اوست، مرگ و حیات موجودات نیز به دست او خواهد بود. بنابراین «له ملک ...» می تواند استدلال برای «یحیی و

يميت» باشد.

ص: 122

## 224- منشأ نجات از مرگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 67 - 7

7- نجات از خطرانی که مرگ قطعی برای انسان می آورد، تنها به عنایت خداوند امکان پذیر است.

وإذا مسَّكم الضَّرْفُ فِي الْبَحْرِ ضَلَّ مَنْ تَدْعُونَ إِلَّا إِلَٰهَ فَلَمَّا نَجَّكُمْ إِلَى الْبَرِّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 68 - 8

8- هیچ کس و هیچ ملجایی جز خداوند، توان نجات انسان ها را از مرگ حتمی در برابر حوادث طبیعی ندارد.

وإذا مسَّكم الضَّرْفُ فِي الْبَحْرِ ضَلَّ مَنْ تَدْعُونَ إِلَّا إِلَٰهَ فَلَمَّا نَجَّكُمْ إِلَى الْبَرِّ أَعْرَضْتُمْ

از اینکه خداوند در آیه قبل فرمود: «انسان به هنگام گرفتار شدن به خطر حتمی، تنها به یاد خدا و قدرت نجات بخش او می افتد و پس از رهایی فراموش می کند» و نیز از اینکه در آیه بعدی هشدار داد که هیچ گاه نباید احساس ایمنی کنند، نشان می دهد که تنها اوست که می تواند انسان را از مرگ حتمی نجات بخشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - یس - 36 - 44 - 2

2- رحمت خدا و تقدیر زندگی محدود و موقت دنیا، فلسفه استمرار حیات بشر و نجات او از عوامل مرگ و نابودی است.

و لا هم ینقذون . إِلَّا رَحْمَهُ مِنَّا وَ مَتَعًا إِلَى حَیْنٍ

## 225- موقعیت اجتماعی هنگام مرگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 75 - 19

19- پوچی و بی اثری امکانات دنیایی، موقعیت های اجتماعی و گروه بندی ها، در هنگام نزول عذاب و یا فرارسیدن مرگ و قیامت

فسیعلمون من هو شرّ مکاناً و أضعف جنداً

## 226- مؤمنان و مرگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 95 - 6

6 - گریز باور داران به قیامت از مرگ و ناپسند شمردن آن ، به خاطر ارتکاب گناهان و ترس از عذاب اخروی است .

و لن یتمنوه أبداً بما قدمت أیدیهم

ص: 123

«باء» در «بما قدمت» سببیه است. بنابراین جمله «لن یتمنوه...» گویای این حقیقت است که گناهان از عوامل ترس از مرگ است. گفتنی است که چون جمله فوق درباره باورداران به خدا و قیامت است، علت یاد شده مخصوص آنان می باشد.

## 227- مؤمنان هنگام مرگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - ابراهیم - 14 - 27 - 17

17- «عن أبي عبدالله (ع) قال: إن المؤمن إذا أُخرج من بيته شيعته الملائكة إلى قبره... وإن كان كافراً خرجت الملائكة تشييعه إلى قبره تلعنونه... ثم يدخل عليه ملكا القبر... فيقولان له: من ربك؟ فيتلجلج ويقول: قد سمعت الناس يقولون فيقولان له: لادريت و يقولان له: ما دينك؟ فيتلجلج فيقولان له: لادريت و يقولان له: من تبيك؟ فيقول: قد سمعت الناس يقولون فيقولان له لادريت و يسأل عن إمام زمانه... و هو قول الله عزّوجلّ: «... و يضلّ الله الظالمين و يفعل الله ما يشاء» ;

از امام صادق(ع) روایت شده است که فرمود: آن گاه که [جنازه] مؤمن را از منزلش بیرون می برند، ملائکه او را تا قبرش تشییع می کنند. .. و اگر کافر باشد فرشتگان او را تا قبرش تشییع و لعنت می کنند... سپس دو فرشته قبر، بر او وارد می شوند... پس به او می گویند: پروردگارت کیست؟ پس او [در پاسخ] مردد می شود و می گوید: شنیده ام مردم [این گونه] می گویند. پس به او می گویند: [آیا] ندانستی؟ به او می گویند دینت چیست؟ باز مردد می شود و آنان به او می گویند: [آیا] ندانستی؟ پس به او می گویند: پیامبر تو کیست؟ پس پاسخ می دهد: شنیده ام که [این گونه] مردم می گویند. پس به او می گویند [آیا] ندانستی؟ و از او درباره امام زمانش سؤال می کنند: ... و این سخن خداوند عزّوجلّ است: ... يضلّ الله الظالمين و يفعل الله ما يشاء».

## 228- نزدیکی مرگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 18 - 4

4- پیامبر (صلی الله علیه و آله)، مأمور انداز و اخطار مردم از لحظه فرا رسیدن مرگ و قریب الوقوع بودن آن برای همگان و اندرهم یوم الأزفه

برخی از مفسران «یوم الأزفه» را روز فرا رسیدن مرگ دانسته اند؛ زیرا آنچه نزدیک به انسان و قریب الوقوع است، لحظه مرگ او است. هم چنین تعبیر «إذ القلوب لدى الحناجر...» درباره لحظه مرگ انسان ها، مناسب تر از لحظه فرا رسیدن قیامت می باشد.

## 229- نزدیکی ملائکه مرگ به محتضر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - واقعه - 56 - 85 - 2

2 - خداوند و فرشتگان مرگ ، از افراد حاضر در کنار محتضر ، به وی نزدیک تر و به وضع و حال او آگاه تراند .

ص: 124



و نحن أقرب إليه منكم

### 230- نشانه های مرگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - اعراف - 7 - 5 - 4

4 - روی آوردن نشانه های مرگ با عذاب استیصال، موجب پی بردن آدمیان به حقیقت اعمال خویش است.

فما كان دعويهم .. إنا كنا ظلمين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - واقعه - 56 - 83 - 2

2 - رسیدن جان به گلوئی شخص محتضر، نشانه نزدیکی کامل وی به مرگ

فلولا إذا بلغت الحلقوم

ضمیر «هی» در «بلغت» به «نفس» (جان) برمی گردد و رسیدن جان به گلو، کنایه از نزدیک شدن کامل وی به مرگ است.

### 231- نعمت مرگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - نجم - 53 - 55 - 3

3 - غم، شادی، مرگ، حیات و نیازمندی و غنا، هر یک ضرورت و نعمتی در نظام زندگی انسان \*

فبأىء آلاء ربك تتماری

در صورتی که تعبیر «آلاء» در مورد مطالب آیات پیشین به کار رفته باشد، مطلب یاد شده را می توان به دست آورد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - رحمن - 55 - 28 - 1

1 - مرگ در زندگی دنیا، نعمتی برای زمینیان است .

كلّ من علیها فان .. فبأىء آلاء ربكما تكذبان

اطلاق «آء» بر فنای موجودات ذی شعور زمین، از آن جا که آن فنای مطلق نیست و مرحله ای است در سیر تکاملی خلق، بیانگر مطلب بالا است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - عبس - 80 - 21 - 7

7 - مرگ برای انسان و دفن اموات ، دو نعمت از جانب خداوند و سزوار شکرگزاری است .

ص: 125

قتل الإنسان ما أكفره .. ثم أماته فأقبره

برداشت یادشده، بر این اساس است که کفر در «ماأکفره» به معنای کفران نعمت باشد.

### 232- نقش مرگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 110 - 3

3- مرگ ، تنها درمان قلب آکنده از شک و تردید منافقان

لا يزال .. إلا أن تقطع قلوبهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9- نحل - 16 - 28 - 14

14- مرگ ، عامل کشف حقایقی برای انسان

الذين تتوفّهم الملكة .. فألقوا السلم ما كنّا نعمل من سوء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 30 - 14

14- حیات انسان ها با مرگ ، پایان نمی پذیرد .

للذين أحسنوا .. ولدار الآخرة خیر

با توجه با اینکه آیه درصدد پاداش نیکوکاران در سرای دیگر است معلوم می شود که مرگ پایان حیات آنان نیست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 7 - 3

3 - مرگ و خاموشی چراغ زندگی انسان ها و انواع گیاهان ، نشانه ای گویا و روشن بر ناپایدار بودن جهان طبیعت و محدود بودن عمر آن .

فإنّا خلقناکم من تراب. .. من کلّ زوج بهیج ... وأنّ الساعه آتیه

جمله «أنّ الساعه آتیه» عطف بر «أنّ الله هو الحقّ» است و تقدیر آن چنین می شود: «وذلك بأنّ الساعه آتیه». اگر «الساعه» اشاره به

لحظه برپا شدن قیامت باشد، «ذلک» به آفرینش انسان از خاک و رویش گیاهان از زمین مرده و بی جان اشاره دارد و اگر «الساعه» اشاره به فرارسیدن لحظه فروپاشی نظام طبیعت باشد، «ذلک» به وجود مرگ و میر در انسان ها و نباتات اشاره دارد. بنابراین معنای جمله فوق برپایه احتمال اول چنین می شود: آفرینش انسان و گیاهان از خاک بی جان، حاکی از آن است که آن لحظه (زمان برپایی قیامت) فرا خواهد رسید. بر پایه احتمال دوم نیز معنا چنین می شود: وجود مرگ در میان انسان ها و انواع گیاهان، نشانگر آن است که عمر این جهان نیز به پایان خواهد رسید و نظام آن فرو خواهد پاشید. برداشت فوق بر پایه احتمال دوم است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 99 - 7، 3، 1

1 - لحظه مرگ ، لحظه پایان یافتن شرارت ها و حق ستیزی های کافران و ستمگران

حتّی إذا جاء أحدهم الموت قال ربّ ارجعون

«حتّی» برای بیان غایت شرارت ها و ستمگری های کافران است.

3 - مرگ ، سرآغاز تحولی عمیق در سیر حیات و فرایند زندگی بشر

حتّی إذا جاء أحدهم الموت قال ربّ ارجعون

7 - پی بردن انسان در هنگام مرگ ، به دست اندرکاری عوامل و کارگزاران الهی ( ملائکه ) در مرگ و حیات او

حتّی إذا جاء أحدهم الموت قال ربّ ارجعون

کلمه «ارجعون» می تواند خطاب به خداوند بوده و جمع آمدن آن از باب تعظیم باشد. هم چنین می تواند بدان جهت باشد که انسان، در آن لحظه حضور ملائکه و کارآیی آنان را مشاهده می کند و با التجا به خدا، از آنان می خواهد که او را به دنیا بازگردانند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 100 - 12

12 - ورود انسان ها ، پس از مرگ به عالم برزخ

و من ورائهم برزخ إلى يوم یبعثون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 93 - 8

8 - مرگ هر انسان ، آغاز نمودار گشتن آیات انکارناپذیر خدا بر وی

سیریکم ءایته فتعرفونها

با توجه به حرف «سین» در «سیریکم» - که نشانگر فرارسی نزدیک است - و با توجه به ضمیر «کم» - که می تواند شامل همه انسان ها بشود - احتمال می رود وعده مزبور ناظر به مرگ انسان ها باشد که در آن لحظه بسیاری از گفته های پیامبران بر آنان مکشوف می گردد و آنها قادر به انکار آن نیستند. مرگ تنها امری است که هم زود فرا می رسد و هم همگانی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 42 - 15

15 - « حیات و مرگ » و « خواب و بیداری » ، در بردارنده آیات متعدد خداوند و جلوه های گوناگون قدرت او

اللّٰهُ يَتَوَفَّى الْأَنْفُسَ حِينَ مَوْتِهَا .. فَيَمْسِكُ .. وَيُرْسِلُ الْأُخْرَى ... إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ

جمع آمدن «آیات» می رساند که آیه و نشانه بودن «حیات و مرگ» و «خواب و بیداری»، از جهات مختلف و گوناگون است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - محمد - 47 - 27 - 2

2- مرگ ، خط پایانی بر توطئه ها و هواپرستی عناصر سست ایمان منافق

قالوا للذين كرهوا .. فكيف إذا توفّتهم الملكة

ص: 127

از ارتباط دو آیه، مطلب بالا قابل برداشت است؛ یعنی، سست ایمان های منافق، گرچه در دنیا به هر کاری دست می زنند؛ اما با مرگ - که به تمامی توطئه هاشان پایان خواهد داد - چه خواهند کرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - محمد - 47 - 34 - 7

7- لحظه مرگ، لحظه بسته شدن راه توبه و پایان یافتن فرصت بازگشت به سوی خدا

ثم ماتوا وهم كفار فلن يغفر الله لهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - رحمن - 55 - 27 - 7

7 - نقش سازنده مرگ، در روند تکاملی جهان هستی

كل من عليها فان . و يبقى وجه ربك

در آیه قبل، فنای زمینیان مطرح شده است؛ در این آیه، خداوند ربوبیت جاودان خویش را به انسان یادآوری کرده است. با توجه به این که ربوبیت بدون وجود مربوب معنا ندارد، معلوم می شود که آن فنا نه پوچی و فنای مطلق؛ بلکه مرحله ای از مراحل تکامل هستی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - منافقون - 63 - 10 - 11

11 - با فرارسیدن مرگ، راه برای عمل بسته می شود .

### 233- نوح(ع) هنگام مرگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 50 - 15

15- « عن الصادق (ع) : لما حضرت نوحاً (ع) الوفاه دعا الشيعه فقال لهم : إعلموا أنه ستكون من بعدى غيبه تظهر فيه الطواغيت و أن الله عزوجل يفرج عنكم بالقائم من ولدى اسمه هود . . . »

از امام صادق(ع) روایت شده: هنگامی که وفات نوح فرارسید، پیروانش را فرا خواند و فرمود: بدانید همانا به زودی بعد از من غیبتی خواهد بود که در آن طاغوتها پدید می آیند و خدای عزوجل بهوسیله فردی قیام کننده از نسل من، که نام او هود است، برای شما گشایش پدید می آورد. . .».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 128



4- هرکس ، دارای اجل ( زمان مردن ) معینی است که فرا خواهد رسید .

و لن يؤخر الله نفساً إذا جاء أجلها

### 235- ویژگیهای مرگ سلیمان (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - سبأ - 34 - 14 - 12، 3، 1

1 - مرگ سلیمان (ع) ، آن گاه بر جنیان خدمت گزار وی آشکار شد که موریانه ها عصای او را خوردند و آن حضرت بر زمین افتاد .

فلما قضينا عليه الموت ما دلهم على موته إلا دابة الأرض تأكل منسأته فلما خرّ

«منسأه» به معنای عصا است (مفردات راغب) و «دابه الأرض» از باب اضافه شیء به فعلش می باشد. «أرض» نیز در این آیه - از باب «علم يعلم» - به معنای خوردن است و یا «ارضه» به معنای کرمی است که از زمین وارد چوب و تخته می شود (مفردات راغب).

3 - سلیمان (ع) مدتی پس از مرگش ، هم چنان بر عصای خود تکیه داشت و کسی از آن با خبر نبود .

فلما قضينا عليه الموت ما دلهم على موته إلا دابة الأرض . . لو كانوا يعلمون ا

12 - سلیمان (ع) ، عصایی داشت که بر آن تکیه می کرد و پس از مرگش نیز مدتی بر آن تکیه داشت .

فلما قضينا عليه الموت ما دلهم على موته إلا دابة الأرض تأكل منسأته فلما خرّ

### 236- ویژگیهای مرگ عیسی (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 33 - 3

3- سلامت و امنیت کامل برای عیسی (ع) در لحظه مرگ و هنگامه رستاخیز ، تضمین شده و تغییر ناپذیر است .

والسلم على . . . يوم أموت و يوم أبعث حياً

### 237- همداری مرگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - مرگ ، بر خلاف تصور کافران نابودی نیست ، بلکه رخدادی هدف دار و به منظور حضور انسان ها در پیشگاه پروردگار است .

وقالوا أءذا ضللنا فى الأرض . . . قل يتوفىكم ملك . . . ثم إلى ربكم ترجعون

ص: 129

### 238- یقین به حقایق پس از مرگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 99 - 3

3- انسان ، پس از مرگ به حقایق آشنا شده و به آنها یقین پیدا می کند .

و اعد ربك حتی یأتیک الیقین

برداشت فوق، از وجه تسمیه مرگ به «یقین» استفاده می شود؛ یعنی، از این رو به مرگ «یقین» گفته می شود که حقایق برای انسان آشکار شده و او به آنها یقین پیدا می کند.

### 239- یهود و آرزوی مرگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 94 - 7

7 - ادعای یهودیان ( یقین به بهشتی بودن ) آن گاه صادقانه و برخاسته از باور آنان است که تمنای مرگ کرده و از آن استقبال کنند .

قل إن كانت لكم الدار الآخرة . . فتمنوا الموت

### 240- یهود و مرگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 95 - 1

1 - یهودیان ، هرگز - به خاطر یأس از سعادت اخروی - خواهان مرگ نبوده و هیچ گاه از آن استقبال نخواهند کرد .

و لن یتمنوه أبداً

ص: 130

## 2- مروارید

### 1- تشبیه به مروارید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - طور - 52 - 24 - 3

3 - خدمت کاران بهشتی ، چونان مروارید های نهفته در صدف

غلمان لهم کأنهم لؤلؤ مکنون

### 2- تشبیه به مروارید پراکنده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - انسان - 76 - 19 - 6

6 - جوانکان خدمت گزار ابرار در بهشت ، چون مروارید پراکنده اند .

و يطوف عليهم ولدن مخلدون إذا رأيتهم حسبتهم لؤلؤا منثورًا

إذا رأيتهم حسبتهم لؤلؤا منثورًا

### 3- تشبیه به مروارید پنهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - واقعه - 56 - 23 - 1

1 - حوران بهشتی ، در نهایت صفا و طراوت همچون مروارید نهفته در صدف

و حور عین . کأمثل اللؤلؤ المکنون

ص: 131

#### 4- زیبایی مروارید ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - رحمن - 55 - 23 - 1

1 - جلوه های زیبایی در موجودات دریایی ( چون مروارید و مرجان ) ، نعمت انکارناپذیر الهی برای آدمیان و غیر قابل تکذیب

یخرج منهما اللؤلؤ والمرجان . فبأیء آلاء ربکما تکذبان

#### 5- عوامل پیدایش مروارید ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - رحمن - 55 - 22 - 3

3 - « عن علی (ع) قال : « یخرج منهما اللؤلؤ والمرجان » قال : من ماء السماء و من ماء البحر فإذا أمطرت فتحت الأصداف أفواها فی البحر فیقع فیها من ماء المطر فتخلق اللؤلؤة الصغیره من القطره الصغیره و اللؤلؤة الکبیره من القطره الکبیره ;

از امام علی(ع) درباره سخن خداوند «یخرج منهما اللؤلؤ والمرجان» روایت شده: که فرمود: [پیدایش لؤلؤ] از باران آسمان و آب دریا است. آن گاه که باران می بارد، صدف ها دهانه خود را در دریا باز نموده و از آب باران داخل آن می شود. پس لؤلؤ کوچک از قطره های کوچک باران و لؤلؤ بزرگ از قطره های بزرگ باران به وجود می آید».

#### 6- فواید مروارید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - فاطر - 35 - 33 - 5

5 - طلا ، مروارید ، بهترین وسایل زینت در بهشت

یحلّون فیها من أساور من ذهب ولؤلؤًا

برداشت یاد شده، به خاطر این نکته است که آیه شریفه در مقام بر شمردن وسایل زینت بهشتیان می باشد. بنابراین اختصاص به ذکر یافتن این وسایل، گویای برداشت یاد شده است.

#### 7- منشأ پیدایش مروارید ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - شکل گیری مروارید ها و مرجان ها ، در عمق آب های شور و شیرین به تدبیر الهی

ص: 132

يخرج منهما اللؤلؤ والمرجان

ص: 133

### 3- مریم (س)

#### 1- مریم (س)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - آل عمران - 3 - 37 - 11,13,15,16,17,18,19

11 - زکریا، عهده دار سرپرستی مریم (س)، از جانب خدا

و کفلها زکریا

«کفل»، دو مفولی است؛ بنابراین معنای «کفلها زکریا»، چنین می شود: جعل الله زکریا کفیلاً لمریم.

13 - نقش سرپرستی حضرت زکریا، در رشد و تعالی معنوی مریم (س)

و انبتها نباتاً حسناً و کفلها زکریا

تصریح خداوند به سپردن کفالت مریم به زکریا پس از «انبتها...»، بیانگر ارتباط میان رشد معنوی مریم و کفالت زکریا است.

15 - خداوند، مریم را به رشد جسمی شایسته ای رسانید و سپس زکریا را کفیل او قرار داد.

و انبتها نباتاً حسناً و کفلها زکریا

بنابراینکه مراد از «انبات» (رشد دادن) رشد و پرورش جسمی نیز باشد، گفتنی است که تقدیم «انبتها» بر «کفلها»، می تواند بیانگر این نکته باشد که سپردن کفالت مریم به زکریا پس از رشد جسمانی او بوده است.

16 - هر گاه زکریا به عبادتگاه مریم وارد می شد، رزقی را نزد او مشاهده می کرد.

کلما دخل علیها زکریا المحراب و جد عندها رزقاً

17 - شگفتی زکریا از مشاهده رزقی خاص، نزد مریم (س)

و جد عندها رزقاً قال یا مریم انی لک هذا

18 - پرسش و استفسار زکریا از مریم (س)، درباره رزقی که نزد او بود.

و جد عندها رزقاً قال یا مریم انی لک هذا

19 - نظارت همه جانبه و دقیق حضرت زکریا بر زندگی مریم (س)



کلما دخل علیها .. قال یا مریم انّی لک هذا

زیرا حضرت زکریا حتی نسبت به غذای او که از کجا آمده است، توجه داشت.

ص: 134

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - آل عمران - 3 - 38 - 2، 1

1 - اعتماد کامل حضرت زکریا به صداقت حضرت مریم (س)

هنا لك دعا زكريا ربّه

پس از پاسخ مریم، حضرت زکریا تسلیم گفته او (هو من عند الله ..) شد و از خدا، درخواست ذریه پاک کرد.

2 - اذعان زکریا به عظمت و مقام معنوی مریم (س)

قالت هو من عند الله .. هنا لك دعا زكريا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - آل عمران - 3 - 42 - 4، 1

1 - مژده ملائکه به مریم (س) در برگزیدگی او از طرف خداوند

و اذ قالت الملائكة يا مريم ان الله اصطفيك

4 - پیام الهی به مریم، توسط ملائکه

و اذ قالت الملائكة يا مريم ان الله اصطفيك

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - آل عمران - 3 - 43 - 19، 2

2 - سخن فرشتگان با مریم و فرمان دادن به او، درباره اطاعت خاضعانه

و اذ قالت الملائكة .. يا مريم اقنتی لربک و اسجدی

ظاهراً جمله «یا مریم اقتنی»، گفتار ملائکه با حضرت مریم است.

19 - وجود عبادت کنندگان خدا و نمازگزارانی غیر از حضرت مریم، در عصر آن حضرت

و ارکعی مع الرّاکعین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - آگاهی پیامبر (صلی الله علیه و آله) از حقایق نهفته تاریخ زکریا و مریم، نشانگر صدق ادعای وی در ارتباط با وحی

ذکر من انباء الغیب . . . و ما کنت لدیهم اذ یلقون اقلامهم ایهم یکفل مریم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - آل عمران - 3 - 45 - 12، 13، 1

1 - سخن گفتن ملائکه با مریم و بشارت به او، درباره عیسی (ع)

اذ قالت الملائکه یا مریم انّ اللّٰه یشرک بکلمه منه اسمه المسيح عیسی ابن مریم

3 - بشارت تولد عیسی (ع) به مریم (س) از جانب خداوند، توسط فرشتگان

اذ قالت الملائکه یا مریم انّ اللّٰه یشرک بکلمه . . . عیسی ابن مریم

12 - عیسی (ع)، فرزند مریم است . نه فرزند خدا

ص: 135

## 2- عیسی ابن مریم

تأکید خداوند بر اینکه او را فرزند مریم می خواند، برای ردّ پندار کسانی است که او را فرزند خدا می دانند.

15 - خداوند مریم را آگاه ساخت که فرزندی بدون پدر خواهد آورد .

انّ الله یبشّرک بکلمه منه . . . عیسی ابن مریم

چون معمولاً فرزند را به پدر نسبت می دهند، خداوند با نسبت دادن عیسی (ع) به مادر (عیسی ابن مریم)، به مریم تفهیم کرد که فرزندش بدون پدر زاده خواهد شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2- آل عمران - 3 - 47 - 12

12 - اراده قطعی خدا در مورد اعطای عیسی (ع) به مریم ، بدون تماس بشری با او

کذلک الله یخلق ما یشاء

## 3- آب آشامیدن مریم(س)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 26 - 1

1- حضرت عیسی (ع) در آغاز تولد خویش ، مادرش مریم (س) را به خوردن خرمای تازه و نوشیدن از آب نهر فرا خواند .

فنادیها من تحتها . . . تحتک سریاً . . . رطباً جنیاً . فکلی واشربی

## 4- آثار بارداری مریم(س)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 22 - 3

3- باردارشدن حضرت مریم (س) ، نگرانی هایی را برای او همراه داشت .

فحملته فانتبذت به مکاناً قصبیاً

ترک محل سکونت و رفتن به مکانی دوردست، نشان آن است که مریم(س) از روبه روشن شدن با مردم و پاسخ گویی به آنها نگران بوده است. لغت «انتبذ» (انزواطلبی کسی که برای حضور خود ارزش چندانی نمی بیند) نیز مؤید آن است.

## 5- آثار تلاش مریم (س)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 25 - 3

ص: 136

3- بارور شدن و ثمر دادن غیر طبیعی درخت خرما ، به تلاش مریم (س) و کشیدن و تکان دادن نخل وابسته بود .

و هژی إلیک . . . تسقط

فعل «تساقط» مجزوم است و عامل جزم آن شرط مقدر است؛ یعنی اگر درخت را تکان دهی و به سمت خود بکشی، برای تو خرما می ریزد.

### 6- آثار درد زایمان مریم(س)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 23 - 1

1- درد زایمان ، مریم (س) را به کنار تنه درخت خرما کشانید .

فأجاءها المخاض إلی جذع النخلة

«أجاء» متعدی «جاء» یعنی آورد و «مخاض» درد زایمان است.

### 7- آثار عفت مریم(س)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 91 - 6

6- عفت و پاک دامنی مریم (س) ، زمینه ساز برخورداری وی از عنایات ویژه الهی بود .

التي أحصنت فرجها فنخنا فیها من روحنا

تقدم عبارت «والتي أحصنت فرجها» بر «فنخنا فیها من روحنا» می تواند گویای برداشت یاد شده باشد.

### 8- آثار فرزندداری مریم(س)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 19 - 3

3- اعطای فرزندی شایسته و پاک به مریم (س) ، مایه رشد و تکامل او و جلوه ای از ربوبیت خداوند

قال إنما أنا رسول ربك لأهب لك غلمًا زكيا . . . قال ربك هو

کلمه «رَبِّ» می تواند بیانگر مطلب فوق باشد.

## 9- آرزوی مریم (س)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 137

5- حضرت مریم (س) به هنگام زایمان آرزو کرد: کاش قبل از باردار شدن مرده بود و به کَلّی از یادها رفته بود.

فأجاءها المخاض .. قالت یلیتنی متّ قبل هذا و کنت نسیاً منسیاً

جمله «و کنت نسیاً منسیاً» قرینه است بر این که انگیزه مریم از آرزوی مرگ، رهایی از زخم زبان مردم بوده است، گرچه به قرینه «الأتحزنی قد جعل..» تنهایی و بی آب و غذایی، نیز او را اندوهناک ساخته بود، ولی این همه، تبعات همان گریز از زخم زبان است؛ یعنی کاش پیش از حاملگی مرده بودم، که برای فرار از بیشتر مردم مجبور به تحمل این آوارگی نباشم.

15- «عن الصادق (ع) [فی قصه مریم]: إنّ زکریا و خالتها أقبلا یقضان أثرها حتی هجما علیها و قد وضعت ما فی بطنها و هی تقول: «یالیتنی متّ قبل هذا و کنت نسیاً منسیاً»؛

از امام صادق(ع) [در داستان مریم] روایت شده که زکریا و خاله مریم به جست و جوی او برآمدند تا این که به طور ناگهانی به او برخوردند، در حالی که فرزندش (عیسی) را به دنیا آورده بود و می گفت: «یالیتنی متّ قبل هذا..».

### 10- آسایش دنیوی مریم(س)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 50 - 10

10 - برخورداری حضرت عیسی و مریم (ع)، از امکانات و آسایش زندگی

و ءاوینهما إلی ربوه ذات قرار و معین

### 11- احترام مریم(س)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 23 - 12

12- مریم (س)، چهره ای سرشناس و مورد توجه مردم بود.

یلیتنی .. کنت نسیاً منسیاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 32 - 4



4- حضرت مریم (س) میرا از گناه و فحشا و سزاوار تکریم بسیار

لقد جئت شیئاً فریباً.. و برآ بولدتی

عیسی(ع) با اعجاز خود، مریم را از اتهام ناروای مردم تبرئه کرد، آن گاه خود را پیامبری خواند که به مریم خدمت خواهد کرد و در بیان خدمت گذاری خود، صفت مشببه (براً) را که بر ثبوت دلالت دارد، به کاربرد تا با تأکید بیشتری احترام به مریم را از وظایف خود شمرده باشد.

ص: 138

## 12- اختفای بارداری مریم(س)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 23 - 8

8- مریم (س) ، حامله بودن خود را در تمام مدت ، از مردم پنهان کرده بود .

مَكَانًا قَصِيًّا . فَأَجَاءَهَا الْمَخَاضُ ... يَلِيْتَنِي مَتَّ قَبْلَ هَذَا وَكُنْتُ نَسِيًّا مَنْسِيًّا

رفتن به مکان دور دست و نیز تنهایی و بی سرپناهی به هنگام وضع حمل، نشان می دهد که تا آن زمان مریم(س) توانسته بود حامله بودن خود را از مردم پنهان کند.

## 13- اختلاف مردم دوران مریم(س)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 37 - 1

1- طایفه هایی از مردم زمان مریم ، پیروان علی رغم سخنان روشن عیسی (ع) در باره او به اختلاف نظر و کشمکش پرداختند .

فاختلف الأحزاب من بينهم

با توجه به آیات گذشته که در باره فرزند مریم(س) بودن عیسی(ع) و نفی گزینش فرزند از جانب خداوند بود، چنین برمی آید که اختلاف طایفه ها و گروه ها در باره ماهیت حضرت مسیح(ع) بوده است.

## 14- ادب مریم(س)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - آل عمران - 3 - 47 - 8

8 - ادب حضرت مریم (ع) ، در مقابل تکلم با خداوند

قالت ربّ . . . ولم یمسنی بشر

از آمیزش، تعبیر به ملاقات و مسّ شده است.

## 15- استعاده مریم(س)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2- مریم (س) با وحشت از حضور مرد ناشناس نزد وی ، به خداوند پناه برد و او را از خشم خداوند برحذر داشت .

قالت إني أعوذ بالرحمن منك إن كنت تقياً

ص: 139

مریم(س) به جای «اللّهم اِنّی اَعُوذُ بِکَ» مرد ناشناس را مخاطب ساخت تا ترس از خشم خداوند را در دل او ایجاد کند. «تقوی»؛ یعنی قرار دادن خویش در وقایه (مانع) از هر چیز ترسناک (مفردات راغب) و «تقیّاً»؛ یعنی پرهیزکننده از خطر. به قرینه کلام مریم(س) که مخاطب خود را از خداوند ترساند، مراد خطر خشم خداوند است.

### 16- اشاره مریم(س)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 29 - 1

1- مریم (س) با اشاره به نوزادش (عیسی (ع)) کار پاسخ گویی به اتهامات وارده را به او واگذار کرد .

و ما کانت اُمّک بغيًا . فأشارت إليه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 30 - 1

1- نوزاد مریم (س) با اشاره مادرش و در حضور مردم شروع به سخن گفتن کرد .

فأشارت إليه .. قال اِنّی عبداللّهُ

### 17- اشتها مریم(س)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 23 - 13

13- اشتها مریم (س) به عفت و پاکدامنی در بین مردم، فزاینده نگرانی او از بازتاب منفی تولد عیسی (ع) در افکار عمومی جامعه

یلیتنی متّ قبل هذا و کنت نسیًا منسیًا

«نَسِيٌّ»، چیزی است که اهمیت چندانی ندارد، گرچه هنوز از خاطرها محو نشده باشد (مفردات راغب). توصیف آن به «منسیًا» (فراموش شده) گویای آن است که صرف شایستگی برای فراموشی، مطلوب مریم نبوده؛ بلکه تحقق فراموشی را آرزو می کرده است. این آرزو نشان می دهد که آن حضرت، پیش از این به عنوان شخصیتی آبرومند در جامعه مطرح بوده و از این که این حادثه بازتاب های منفی در مردم داشته باشد، نگران بوده است.

### 18- اطاعت مریم(س)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش



14 - مریم (س) شخصیتی اطاعت پیشه و فرمانبردار در برابر خداوند

و كانت من القنن

«قوت» در معنای طاعت و دعا استعمال می شود و در این آیه به معنای اطاعت است.

15 - مریم (س) ، از تبار طاعت پیشگان و از نسل نیکان و خداپرستان

و كانت من القنن

برداشت یاد شده بدان احتمال است که «من» در «من القانتین» نشویه باشد؛ یعنی، مریم(س) برآمده از قانتان بود.

### 19- اعتراض مریم(س)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 18 - 1

1- برانگیختن روحیه تقوا و خداترسی در مرد ناشناس ، واکنش اعتراض آمیز مریم (س) ، هنگام مشاهده او در خلوت گاه خویش بود .

قالت إني أعود بالرحمن منك إن كنت تقياً

جمله «ان كنت تقياً» دعوت به تقوا در قالب جمله شرطیه است، مفاد آیه این است که اگر متقی هستی - که باید باشی - از من دور شو و خود را گرفتار خشم خداوند مساز، که من خود را در پناه او قرار داده و دفع خطر تو را از او می خواهم.

### 20- اعجاز بارداری مریم(س)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 91 - 11

11- تجلی عظمت و قدرت الهی در بارداری مریم (س) و تولد اعجاز آمیز عیسی (ع)

و جعلنها و ابنها آیه للعلمین

### 21- الوهیت مریم(س)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 75 - 5

5 - مسیح (ع) رسولی همانند رسولان گذشته که نه خدا بودند و نه فرزند او

ما المسيح ابن مریم الا رسول قد خلت من قبله الرسل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 141

5- پندار تثلیث و الوهیت مسیح (ع) و مادرش مریم ، مصداق روشن گزافه گویی و غلو مسیحیان در دین خویش

ياهل الكتب لا تغلوا في دينكم

از مصادیق مورد نظر از گزافه گویی مسیحیان - به قرینه آیات گذشته - اعتقاد آنان به تثلیث و الوهیت مسیح(ع) و مادرش مریم است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 116 - 3,5

3 - مسیح (ع) و مادرش مریم خدایانی همتای خداوند جهان در پندار گروهی از مسیحیان

ءانت قلت للناس اتخذوني و امی الهین من دون الله

5- پرستش مسیح (ع) و مادرش مریم و اعتقاد به الوهیت آنها ، خواسته حضرت عیسی (ع) ، در پندار باطل مسیحیان \*

ءانت قلت للناس اتخذوني و امی الهین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 118 - 1,5

1 - معتقدان و مدعیان الوهیت عیسی (ع) و مادرش مریم ، مستحق عذاب الهی

ان تعذبهم فانهم عبادك

5- خداوند ، اختیاردار عذاب و آمرزش معتقدان به الوهیت عیسی (ع) و مادرش مریم (ع) است .

ان تعذبهم .. و ان تغفر لهم

## 22- امکانات مادی مریم(س)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 50 - 10

10 - برخورداري حضرت عیسی و مریم (ع) ، از امکانات و آسایش زندگی

و ءاوينهما إلى ربوه ذات قرار و معین



### 23- اندوه مریم (س)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 23 - 6

6- ناراحتی ها و فشارهای روحی مریم (س) به هنگام تولد عیسی (ع)، خارج از حدّ توصیف بود.

فأجاءها المخاض إلى جذع النخلة قالت يلىتنى متّ قبل هذا و كنت نسیاً منسیاً

ص: 142

آرزوی مرگ از جانب شخصیتی چون مریم (س) که مورد عنایت خاص خداوند بود، باید در شرایطی صورت گرفته باشد که وضعیتی فوق تحمل و طاقت برایش پیش آمده باشد، این حالت - به قرینه آیات بعد - فشارهای روحی ناشی از احتمال اتهام و آوارگی حاصل از آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 24 - 3

3- عیسی (ع) در بدو تولد، مادرش مریم (س) را به اندوهگین نبودن توصیه کرد.

فنادیها من تحتها ألا تحزنی

### 24- ایمان مریم (س)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - تحریم - 66 - 12 - 12، 1

1 - حضرت مریم (ع)، نمونه بارز و مثال زدنی برای ایمان و دین داری

ضرب الله مثلاً للذین ءامنوا .. و مریم ابنت عمران

12 - مریم (س)، مؤمن به وحی و کتاب های آسمانی و تصدیق کننده آنها بود.

و صدقت بکلمت ربها و کتبه

### 25- بارداری مریم (س)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - آل عمران - 3 - 47 - 1

1 - شگفتی مریم از بشارت اعطای عیسی (ع)، به او به اینکه مردی با او تماس نداشته است.

قالت ربّ ائی یکون لی ولد ولم یمسسنی بشر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 19 - 7

7- «عن الباقر (ع) [فی قصّه مریم]: . . . تمثّل لها الروح الأمين . . . » قال إنّما أنا رسول ربّک لأهب لک غلاماً زکياً « فتفل فی جیبها

فحملت بعیسی (ع)؛

از امام باقر(ع) [در داستان مریم] روایت شده: روح الامین بر وی ظاهر شد . . . و گفت: «إِنَّمَا أَنَا رَسُولُ رَبِّكِ لِأَهَبَ لَكِ غُلَامًا زَكِيًّا» پس آب دهان در گریبان وی افکند و او به عیسی(ع) حامله شد.».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 143

10 - مریم - 19 - 20 - 6

6- مریم (س)، هنگام دریافت بشارت تولد عیسی (ع)، در شرایط سنی مناسب و سلامت جسمی لازم برای بارداری بود.

ولم یمسنی بشر ولم اک بغیاً

آنچه در کلام مریم، مانع پیدایش عیسی (ع) قلمداد شده است، به نبود پدر مربوط می شود و سخنی از آمادگی جسمی نداشتن مریم مطرح نشده است. بنابراین او از این جهت مشکلی نداشته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 21 - 9

9- توجه مریم (س) به ربوبیت خداوند، را به آسانی و امکان بارداریش به عیسی (ع) مطمئن می ساخت.

قال ربّک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 22 - 2

2- حضرت مریم (س) در پی حامله شدن به عیسی (ع)، از منطقه خویشاوندان خود فاصله گرفت و به مکان دوردستی رفت.

فحملته فانتبذت به مکاناً قصبیاً

«إنتبذ» از ریشه «نبد» و به معنای دوری گزیدن است. «باء» در «به» یا برای ملایست و یا سببیه؛ یعنی دوری گزیدن مریم، همراه حمل خود و یا به خاطر آن، صورت گرفت. «قصی» صفت مشبّهه و به معنای «دور» است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - تحریم - 66 - 12 - 6

6 - بارداری مریم (س) و تولد مسیح (ع)، با دمیده شدن روح الهی در او

فنفخنا فیه من روحنا

**26- باروری نخل قصه مریم (س)**

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3- بارورشدن و ثمردادن غیر طبیعی درخت خرما، به تلاش مریم (س) و کشیدن و تکان دادن نخل وابسته بود.

و هزّی إلیک... تسقط

فعل «تساقط» مجزوم است و عامل جزم آن شرط مقدر است؛ یعنی اگر درخت را تکان دهی و به سمت خود بکشی، برای تو خرما می ریزد.

7- به بار نشستن فوری درخت خرما و نیرومندی مریم (س) برای تکان دادن آن، از کرامات او بود.

و هزّی إلیک... تسقط

ص: 144

## 27- بازگشت مریم (س)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 27 - 2, 1

1- مریم (س) پس از دریافت رهنمود های نوزادش عیسی (ع)، او را آشکارا در آغوش خود گرفت و نزد قومش برد.

فأنت به قومها تحمله

2- مریم (س) به هنگام بازگشت میان مردم، فارغ از هرگونه هراس و نگرانی بود.

فکلی و اشربی... فإمّاتین من البشر... فأنت به قومها تحمله

باین که جمله «أنت به قومها» برای بیان آوردن عیسی (ع) توسط مادرش، جمله ای کامل است، ولی جمله حالیه «تحمله» نیز بر آن اضافه گردیده است تا بر مباشرت مریم (س) در حمل کردن فرزندش دلالت کند؛ یعنی دیگر مریم (س) انگیزه ای برای پنهان داشتن فرزند خود نداشته است، بلکه آشکارا او را در بغل گرفته و به میان مردم آمد.

## 28- برادر مریم (س)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 28 - 4

4- مریم (س) دارای برادری پاک سیرت به نام هارون\*

یأخت هرون

ممکن است قوم مریم به این جهت به او «أخت هارون» گفته باشند که وی برادری به این نام داشته است و چون خوش نامی او مانند پاکدامنی پدر و مادر مریم (س) زبانزد مردم بوده است، آنان انتساب مریم را به چنین افراد شایسته، دلیل نارواتر بودن گناهش دانسته اند.

## 29- برگزیدگی مریم (س)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - آل عمران - 3 - 37 - 1

1 - مریم (س)، در پی نذر مادرش، از سوی خداوند به شایستگی پذیرفته شد.

فتقبّلها ربّها بقبول حسن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - آل عمران - 3 - 42 - 1،5،6،10،11،15،16،18

1 - مژده ملائکه به مریم (س) در برگزیدگی او از طرف خداوند

ص: 145

و اذ قالت الملائكة يا مريم ان الله اصطفيك

5- برگزیدگی و پاکیزه گشتن مریم (س) از سوی خدا

یا مريم ان الله اصطفیک و طهرک

6- پاکی و برگزیده شدن مریم، زمینه برگزیده شدن خاندان عمران نزد خداوند

یا مريم ان الله اصطفیک

«و اذ قالت . . .» عطف است به «اذ قالت ...» در آیه سسی و پنجم و ظرف است برای «اصطفی ... ال عمران»؛ یعنی آنگاه آل عمران برگزیده شدند که مریم را خداوند برگزید و پاک گردانید.

10- مریم، برگزیده الهی و سرآمد زنان جهان

یا مريم ان الله . . . و اصطفیک علی نساء العالمین

کلمه «اصطفاء» آنگاه که با «علی» متعدی شود به معنای مقدم بودن و سرآمد شدن است. و آنگاه که مطلق ذکر شود به معنای انتخاب است. بنابراین «اصطفیک» در جمله «ان الله اصطفیک» به معنای انتخاب و گزینش مریم است و در «اصطفیک علی نساء العالمین»، به معنای مقدم داشتن او بر دیگران است.

11- خلوص و پاکی مریم و برگزیدگی او، زمینه سرآمد شدن او بر زنان جهان

ان الله اصطفیک و طهرک و اصطفیک علی نساء العالمین

به نظر می رسد تقدیم جمله «اصطفیک و طهرک» بر «اصطفیک علی نساء العالمین»، دلالت داشته باشد بر دخالت برگزیدگی و طهارت مریم برای سرآمد شدن او.

15- مریم، برگزیده خداون از نسل انبیای الهی

یا مريم ان الله اصطفیک

امام باقر (ع) در معنی آیه فوق فرمود: . . . اصطفیک من ذریه الانبیاء.

---

مجمع البیان، ج 2، ص 746، نورالثقلین، ج 1، ص 336، ح 130.

16- مریم، زنی که از میان زنان جهان، برای زادن عیسی بدون پدر برگزیده شد.



امام باقر (ع) در معنی آیه فوق فرمود: .. اصفیٰک لولاده عیسی من غیر فحل.

---

مجمع البیان، ج 2، ص 746؛ نورالثقلین، ج 1، ص 336، ح 130.

18 - مریم برگزیده و سرآمد زنان عصر خویش

و اصفیٰک علی نساء العالمین

امام صادق (ع) فرمود: فرشتگان به حضرت فاطمه زهرا (س) گفتند: .. انّ مریم کانت سیّده نساء عالمها ...

---

علل الشرایع، ص 182، ح 1، باب 146. و ص 337، ح 131؛ نورالثقلین، ج 1، ص 336، ح 129.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 58 - 14

14 - حضرت مریم (س)، برخوردار از هدایت ویژه الهی و انسانی برگزیده در پیشگاه خداوند

و ممّن هدینا واجتیبنا

ص: 146

### 30- بشارت به مریم (س)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - آل عمران - 3 - 42 - 1

1 - مژده ملائکه به مریم (س) در برگزیدگی او از طرف خداوند

و اذ قالت الملائكة يا مريم انّ الله اصطفيك

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - آل عمران - 3 - 45 - 4، 3، 1

1 - سخن گفتن ملائکه با مریم و بشارت به او، درباره عیسی (ع)

اذ قالت الملائكة يا مريم انّ الله يبشرك بكلمه منه اسمه المسيح عيسى ابن مريم

3 - بشارت تولد عیسی (ع) به مریم (س) از جانب خداوند، توسط فرشتگان

اذ قالت الملائكة يا مريم انّ الله يبشرك بكلمه .. عیسی ابن مريم

4 - عظمت و اهمیت بشارت اعطای عیسی به مریم

اذ قالت الملائكة يا مريم انّ الله يبشرك

چون جمعی از فرشتگان این بشارت را آوردند و نه یک فرشته، عظمت و اهمیت آن استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - آل عمران - 3 - 46 - 2، 6

2 - بشارت خدا به مریم، در مورد زنده ماندن عیسی (ع) تا میانسالی

بیشرك .. و يكلم الناس ... و كهلا

«كهل» به معنای میانسالی است. (مجمع البيان)

6 - صلاح و شایستگی عیسی (ع)، مژده خداوند به مریم

بیشرك بكلمه منه .. و من الصالحين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2- آل عمران - 3 - 47 - 1

1 - شگفتی مریم از بشارت اعطای عیسی (ع) ، به او به اینکه مردی با او تماس نداشته است .

قالت ربّ ائی یکون لی ولد و لم یمسسنی بشر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 17 - 14

14- « قال الباقر (ع) : إنّها ( مریم ) بشرت بعیسی فبینا هی فی المحراب إذ تمثّل لها الروح الأمين بشراً سوياً ؛

ص: 147

امام باقر(ع) فرمود: همانا او (مریم) به ولادت عیسی(ع) بشارت داده شد، پس در حالی که در محراب بود، ناگهان روح الامین به شکل انسانی کامل اندام بر او ظاهر گشت».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 20 - 1

1- حضرت مریم (س) از دریافت خبر داشتن پسر، بدون تماس با هیچ بشری شگفت زده شد.

قالت أئی یکون لی غلم ولم یمسنی بشر

«أئی» ادات استفهام و به معنای «کیف» (چگونه؟) و یا «من این» (از کجا؟) است و در هر صورت، حاوی تعجب نیز می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 24 - 5

5- عیسی (ع) در بدو تولد، مادرش مریم (س) را به روان شدن جویباری در پایین دست او بشارت داد.

فنادیها .. قد جعل ربک تحتک سرباً

**31- بشر بودن مریم(س)**

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 17 - 15

15 - عیسی (ع) و مادرش مریم، انسانهایی همانند دیگر انسانها

ان یهلک المسیح ابن مریم و امه و من فی الأرض جمعاً

آوردن «من فی الارض» با وجود اینکه استدلال، بدون آن نیز تمام است، می تواند اشاره به این نکته باشد که از جهت مملوکیت و ناتوانی در برابر خدا، بین مسیح(ع) و دیگران تفاوتی نیست.

**32- بشر بودن مریم(س)**

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 23 - 11

11- حضرت مریم (س)، دارای حالت ها و روحیه های بشری بود.

رنج بردن مریم از بروز حالت فوق العاده و خرق عادت و نیز تأثیر گرسنگی، تشنگی و دیگر عوامل طبیعی بر او، نشانه آن است که مریم(س)، انسانی با صفات بشری بوده و خط بطلانی بر اندیشه الوهیت او از سوی برخی مسیحیان است.

### 33- بکارت مریم (س)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 20 - 5

5- مریم (س) به هنگام مواجهه با جبرئیل، دختری باکره و شوهر ندیده بود.

قالت آتی یکون لی غلم و لم یمسسنی بشر

### 34- بی آبی در زایمان مریم (س)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 24 - 6

6- نبود آب به هنگام زایمان، موجب نگرانی شدید مریم (س) شده بود.

الآتحننی قد جعل ربک تحتک سریاً

«قد جعل» تعلیل برای «الآتحننی» است، یعنی محزون نباش، زیرا خداوند در پایین دست تو آبی روان قرار داده است. از این تعلیل می توان دریافت که تا چه اندازه مریم (س) برای آب نگران بوده و این بشارت چه نقشی در شادمانی وی ایفا کرده است.

### 35- بینش مریم (س)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 18 - 11

11- «روی عن علی (ع) إنه قال: علمت أنّ التقیّ ینهاه التقی عن المعصیه؛

از حضرت علی (ع) روایت شده که فرمود: مریم دانست که انسان پرهیزگار، تقوایش او را از معصیت باز می دارد».

### 36- پاکی مریم (س)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - آل عمران - 3 - 42 - 9، 5

5- برگزیدگی و پاکیزه گشتن مریم (س) از سوی خدا

یا مریم انّ الله اصطفیک و طهرک

9- پاک گشتن مریم ، در پرتو خالص گردانیدن او

انّ الله اصطفیک و طهرک و اصطفیک علی نساء العالمین

از اینکه جمله «و طهرک .. .» پس از «اصطفیک» آمده، به نظر می رسد خالص گرداندن مریم، دخیل در تطهیر وی بوده است. گفتنی است که معنای «اصطفاء» خالص گرداندن از پلیدیهای است که دیگران به آن مبتلا هستند (مفردات راغب).

ص: 149

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 171 - 18

18 - پاک بودن دامن حضرت مریم (ع) از تهمت های ناروای یهودیان

انما المسيح عیسی ابن مریم رسول اللّٰه و کلمته القاها الی مریم و روح منه

جملات «انما المسيح . . . روح منه» علاوه بر اینکه رد عقیده غلوآمیز مسیحیان درباره حضرت عیسی (ع) است، می تواند اشاره به ناروایی اتهام یهودیان نسبت به مریم (ع) نیز باشد.

### 37- پدر مریم (س)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - آل عمران - 3 - 36 - 10

10 - مریم ، دختر عمران

امرات عمران . . . و ائى سمّيتها مریم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - تحریم - 66 - 12 - 2

2 - حضرت مریم (ع) ، دختر عمران بود .

و مریم ابنت عمران

### 38- پرسش از فرزندی مریم (س)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 20 - 3

3- حضرت مریم (س) از جبرئیل خواست او را از چگونگی پیدایش فرزندى بدون پدر آگاه سازد .

قالت ائى یكون لى غلم و لم یمسنى بشر و لم اک بغیا

### 39- پناهگاه مریم (س)



جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 16 - 3

3- مریم از خانواده خویش کناره گیری کرد و در شرق مسجدالاقصی مستقر شد .

ص: 150

واذکر . . . مریم إذ انتبذت من أهلها مکاناً شرقیاً

«انتبذ» از ریشه «نبد» و به معنای دوری جستن است. «مکاناً شرقیاً»؛ یعنی جایگاهی رو به شرق و چون حضرت مریم (س) وقف بر معبد (مسجدالاقصی) شده بود، مقصود مکانی در شرق مسجدالاقصی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 17 - 2، 1

1- حضرت مریم (س) در ناحیه شرقی مسجدالاقصی، مکانی دور از انظار برای خود برگزید و خود را از مردم پنهان ساخت.

فَاتَّخَذَتْ مِنْ دُونِهِمْ حِجَابًا

«حجاب» به معنای ساتر و چیزی است که حائل می شود. مراد از «اتَّخَذَتْ... حِجَابًا» افکندن پرده و یا رفتن در مکانی است که دارای پوشش طبیعی، مانند دیوار یا کوه و مانند آن باشد.

2- مکانی که مریم با رفتن به آن از دید مردم مخفی شد، به منطقه مسکونی مردم نزدیک بود.

من دونهم

کلمه «دون» گاه برای تقریب و گاه برای تحقیر به کار می رود (العین).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 18 - 1

1- برانگیختن روحیه تقوا و خداترسی در مرد ناشناس، واکنش اعتراض آمیز مریم (س)، هنگام مشاهده او در خلوت گاه خویش بود.

قالت إني أعوذ بالرحمن منك إن كنت تقياً

جمله «إن كنت تقياً» دعوت به تقوا در قالب جمله شرطیه است، مفاد آیه این است که اگر متقی هستی - که باید باشی - از من دور شو و خود را گرفتار خشم خداوند مساز، که من خود را در پناه او قرار داده و دفع خطر تو را از او می خواهم.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 23 - 2، 1

1- درد زایمان، مریم (س) را به کنار تنه درخت خرما کشانید.

فَأَجَاءَهَا الْمَخاضُ إِلَى جِذْعِ النَّخْلَةِ

«أجاء» متعدی «جاء» یعنی آورد و «مخاض» درد زایمان است.

2- مریم (س) هنگام زایمان، تنها و بدون پرستار و در مکانی دور از مناطق مسکونی، به سر می برد.

مکاناً قصیاً . فأجاءها المخاض إلى جذع النخلة

در جمله «أجاءها المخاض»، آوردن مریم کنار درخت، به درد زایمان نسبت داده شده و آیات بعد، نوزاد او را راهنمای وی به آب معرفی کرده است، علاوه بر آن، مریم(س) برای تهیه خرما، خود مجبور به حرکت دادن نخله شد، مجموعه این امور می تواند قرائن تنهایی مریم به هنگام زایمان باشد.

ص: 151

#### 40- تأمین آب مریم (س)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 26 - 3

3- سخن گفتن عیسی (ع) با مادر خود و تأمین آب و غذا به صورت خارق العاده، زمینه های مسرت و چشم روشنی مریم (س) و رفع نگرانی او از آینده بود.

فنادیها .. فکلی و اشربی و قرّی عیناً

«عیناً» تمییز و بیانگر مراد جدی از فاعل است و «قرّی» از ماده «قرار» (آرام گرفتن) و یا «قُرّ» (سرد شدن) است. در صورت اول جمله «قرّی عیناً»، یعنی «چشم آرمیده باش» و در صورت دوم، یعنی «خنک چشم باش» (چشمت از اشک سوزان به دور باشد) و در هر صورت، کنایه از خوش دلی و شادمانی است که چشم از نگرانی و اضطراب باز می ایستد و از سوزش اشک اندوه، مصون می ماند. ارتباط جمله «قرّی عیناً» با جملات قبل، گویای برداشت فوق است.

#### 41- تأمین طعام مریم (س)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 26 - 3

3- سخن گفتن عیسی (ع) با مادر خود و تأمین آب و غذا به صورت خارق العاده، زمینه های مسرت و چشم روشنی مریم (س) و رفع نگرانی او از آینده بود.

فنادیها .. فکلی و اشربی و قرّی عیناً

«عیناً» تمییز و بیانگر مراد جدی از فاعل است و «قرّی» از ماده «قرار» (آرام گرفتن) و یا «قُرّ» (سرد شدن) است. در صورت اول جمله «قرّی عیناً»، یعنی «چشم آرمیده باش» و در صورت دوم، یعنی «خنک چشم باش» (چشمت از اشک سوزان به دور باشد) و در هر صورت، کنایه از خوش دلی و شادمانی است که چشم از نگرانی و اضطراب باز می ایستد و از سوزش اشک اندوه، مصون می ماند. ارتباط جمله «قرّی عیناً» با جملات قبل، گویای برداشت فوق است.

#### 42- تازگی خرماي قصه مریم (س)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 25 - 4

4- تازگی، رسیده بودن و سلامت ظاهری، از ویژگی های خرماي فرو ریخته بر مریم (س) بود.

تسقط عليك رطبًا جنياً

«رطب» به خرماى تازه گفته مى شود «جَنَى» زمانى كه صفت ميوه اى باشد، بدان معنا است كه ميوه در وقت خود چيده شده است (معجم مقاييس اللغه).

ص: 152

### 43- تبیین قصه مریم (س)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 16 - 1

1- توجه ویژه به آیات سرگذشت مریم و تشریح داستان تولد عیسی در قرآن، وظیفه ای الهی بر عهده پیامبر (صلی الله علیه و آله)

واذکر فی الکتب مریم

«اذکر» خطاب به پیامبر (صلی الله علیه و آله) است. آن حضرت بدون دستور خاص نیز آیات نازل شده را در قرآن بیان می کرد. هدف از تأکید بر ذکر این آیات، بیان اهمیت ماجرای بارداری مریم به عیسی و تأثیر عمیق آن در جامعه آن روز است.

### 44- ترس مریم (س)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 18 - 2

2- مریم (س) با وحشت از حضور مرد ناشناس نزد وی، به خداوند پناه برد و او را از خشم خداوند برحذر داشت.

قالت إني أعود بالرحمن منك إن كنت تقياً

مریم (س) به جای «اللهم إني أعود بك» مرد ناشناس را مخاطب ساخت تا ترس از خشم خداوند را در دل او ایجاد کند. «تقوی»؛ یعنی قرار دادن خویش در وقایه (مانع) از هر چیز ترسناک (مفردات راغب) و «تقیاً»؛ یعنی پرهیزکننده از خطر. به قرینه کلام مریم (س) که مخاطب خود را از خداوند ترساند، مراد خطر خشم خداوند است.

### 45- تعجب مریم (س)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 20 - 1

1- حضرت مریم (س) از دریافت خبر داشتن پسر، بدون تماس با هیچ بشری شگفت زده شد.

قالت أئی یكون لی غلم ولم یمسنی بشر

«أئی» ادات استفهام و به معنای «کیف» (چگونه؟) و یا «من این» (از کجا؟) است و در هر صورت، حاوی تعجب نیز می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1- جبرئیل، شگفت زدگی مریم (س) را امری به جا دانست و بر عفت و پاکدامنی وی گواهی داد.

قال کذلک

«کذلک» خبر برای مبتدای محذوف و مرکب از حرف تشبیه و اسم اشاره است. مشارالیه آن ممکن است گفتار مریم (س) باشد، در این مفاد آیه این است که گرچه موضوع همان گونه است که گفتی، ولی خداوند این کار را بر خویش دشوار نمی بیند.

ص: 153

#### 46- تقرب مریم (س)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 17 - 5

5- مریم (س) ، دارای منزلتی والا در پیشگاه خداوند

فأرسلنا إليها روحنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 91 - 12

12- مریم (س) برخوردار از منزلتی والا و مقامی بلند در پیشگاه خداوند و شخصیتی جهانی

والتي أحصنت فرجها فنفخنا فيها من روحنا وجعلناها وبنها آية للعالمين

برداشت یاد شده با توجه به سه نکته است: 1- «التي» منصوب به عامل مقدری چون «أذكر» یا «أذكروا» است که در این صورت فرمان به یادآوری داستان مریم (س) برای همه انسان ها است. 2- نام مریم (س) در ردیف پیامبران الهی قرار گرفت و به دنبال نام آنان آمد. 3 خداوند مریم (س) را آیت خود برای جهانیان معرفی کرد (و جعلناها وبنها آية للعالمين).

#### 47- تقوای مریم (س)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 18 - 7

7- حضرت مریم (س) بانویی در اوج پاکدامنی و تقوای پیشگی

قالت إني أعوذ بالرحمن منك إن كنت تقياً

مریم عذرا، به محض مشاهده مردی ناشناس در محل استقرار خود، سراسیمه به تذکر و نصیحت و پناه بردن به خداوند اقدام کرد. این بازتاب نشانه رسوخ پاک دامنی در او است.

#### 48- تکاندن نخل قصه مریم (س)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 25 - 1،7



1- عیسی (ع)، در بدو تولد، مادرش مریم (س) را به تکان دادن درخت خرما و استفاده از میوه آن راهنمایی کرد.

و هزّی إلیک بجذع النخلة تسقط علیک رطبًا جئیًا

«هزّ» به معنای حرکت دادن به چپ و راست است و به قرینه «إلیک» در آن معنای «متمایل ساختن» نیز تضمین شده است. بنابراین «هزّی إلیک»، یعنی درخت را به جانب خود بکش و به چپ و راست تکان ده این راهنمایی چنان چه از آیه بعد پیدا

ص: 154

است، به منظور تأمین غذای مریم(س) بوده است.

7- به بار نشستن فوری درخت خرما و نیرومندی مریم (س) برای تکان دادن آن، از کرامات او بود.

و هژی إلیک... تسقط

#### 49- تکریم مریم(س)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - تحریم - 66 - 12 - 17

17 - حضرت مریم (س)، دارای شخصیتی بس بلند در پیشگاه خداوند و مورد تکریم و تمجید او

و مریم ابنت عمرن... و کانت من القنتین

تصریح به نام حضرت مریم(س) در سلسله شرح حال زنان الگو و نمونه (همچون آسیه همسر فرعون) می تواند اشاره به نکته یاد شده باشد.

#### 50- تنزیه مریم(س)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 32 - 4

4- حضرت مریم (س) مبرا از گناه و فحشا و سزاوار تکریم بسیار

لقد جئت شیئاً فریئاً... و برأ بولدتی

عیسی(ع) با اعجاز خود، مریم را از اتهام ناروای مردم تبرئه کرد، آن گاه خود را پیامبری خواند که به مریم خدمت خواهد کرد و در بیان خدمت گذاری خود، صفت مشببه (براً) را که بر ثبوت دلالت دارد، به کاربرد تا با تأکید بیشتری احترام به مریم را از وظایف خود شمرده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 33 - 4

4- عیسی (ع) با سالم خواندن مرحله ولادت خویش از هر عیب و ناپسندی، بر مبرابردن مادرش مریم (س) از اتهامات ناروای مردم تأکید کرد.

والسليم على يوم ولدت

## 51- تنهایی مریم (س)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 155

2- مریم (س) هنگام زایمان، تنها و بدون پرستار و در مکانی دور از مناطق مسکونی، به سر می برد.

مَكَانًا قَصِيًّا . فَأَجَاءَهَا الْمَخَاضُ إِلَى جِذْعِ النَّخْلَةِ

در جمله «أَجَاءَهَا الْمَخَاضُ»، آوردن مریم کنار درخت، به درد زایمان نسبت داده شده و آیات بعد، نوزاد او را راهنمای وی به آب معرفی کرده است، علاوه بر آن، مریم(س) برای تهیه خرما، خود مجبور به حرکت دادن نخله شد، مجموعه این امور می تواند قرائن تنهایی مریم به هنگام زایمان باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9- حضرت مریم (س) در هنگام وضع حمل و پس از آن، تا زمان بازگشت به قوم خویش تنها بود. \*

فَحَمَلَتْهَا فَاتَّبَعَتْهُ بِمَكَانٍ قَصِيًّا. .. فَأَمَّا تَرِيْنَ مِنَ الْبَشَرِ أَحَدًا

جمله شرطیه «فَأَمَّا تَرِيْنَ...» ممکن است براین دلالت کند که در هنگام وضع حمل و بعد از آن بشری در آنجا نبوده است، گرچه - به قرینه سیاق کلام - می توان گفت: مراد عموم انسان ها نیستند، بلکه افرادی مورد نظر هستند که فرزند داشتن مریم برای آنان سؤال انگیز باشد. برخی «ال» در «البشر» را برای عهد و اشاره به قوم مریم دانسته اند.

## 52- توصیه به مریم(س)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3- عیسی (ع) در بدو تولد، مادرش مریم (س) را به اندوهگین نبودن توصیه کرد.

فَنَادِيهَا مِنْ تَحْتِهَا أَلَّا تَحْزَنِي

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10- عیسی (ع)، مادرش مریم (س) را به نذر روزه سکوت، هنگام مواجهه با مردم توصیه کرد.

فَأَمَّا تَرِيْنَ مِنَ الْبَشَرِ أَحَدًا فَقَوْلِي إِنَّي نَذَرْتُ لِلرَّحْمَنِ صَوْمًا

### 53- تولد مریم (س)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2- آل عمران - 3 - 36 - 1

1 - همسر عمران پس از زایمان ، ناباورانه ، نوزاد خویش را دختر یافت .

فلما وضعتها قالت ربّ ائی وضعتها انثی

ص: 156

## 54- تهمت به مریم (س)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 156 - 2,4,8,10

2 - بهتان یهودیان به مریم (ع) ، نمونه ای از کفرپیشگی آنهاست .

و بکفرهم و قولهم علی مریم بهتناً عظیماً

بدان احتمال که «قولهم» تفسیر و تبیین کفر در «بکفرهم» باشد.

4 - یهودیان ، مریم (ع) را به کرداری بسیار ناشایست متهم کردند .

و قولهم علی مریم بهتناً عظیماً

«بهتان» به معنای افترا و اتهام است. و مراد از آن در آیه فحشا و بی عفتی است.

8 - اتهام ناروای یهود به حضرت مریم (ع) از عوامل محکومیت آنان به لعن و نفرین الهی

و قولهم علی مریم بهتناً عظیماً

10 - اتهام ارتباط نامشروع مریم (ع) با مردی نجار به نام یوسف ، و باردار شدن وی به عیسی (ع) ، بهتان بزرگ یهود به ساحت پاک مریم

و بکفرهم و قولهم علی مریم بهتناً عظیماً

امام صادق(ع): ... الم ینسبوا مریم بنت عمران الی انها حملت بعیسی من رجل نجار اسمه یوسف ... .

---

امالی صدوق، ص 92، ح 3، مجلس 22؛ تفسیر برهان، ج 1، ص 426، ح 2.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 171 - 18

18 - پاک بودن دامن حضرت مریم (ع) از تهمت های ناروای یهودیان

انما المسیح عیسی ابن مریم رسول الله و کلمته القها الی مریم و روح منه

جملات «انما المسيح . . . روح منه» علاوه بر اینکه رد عقیده غلوآمیز مسیحیان درباره حضرت عیسی (ع) است، می تواند اشاره به ناروایی اتهام یهودیان نسبت به مریم (ع) نیز باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 26 - 7,8

7- عیسی (ع) ، وظیفه دفاع از مادر خویش در مقابل تهمت های مردم را به عهده گرفت .

فَإِمَّا تَرِينَّ مِنَ الْبَشَرِ أَحَدًا فَقُولِي إِنَّي نَذَرْتُ لِلرَّحْمَنِ صَوْمًا

توصیه مادر به سکوت از جانب عیسی (ع) بدان معنا بود که او نگران دفاع از خود نباشد، چرا که عیسی (ع) خود آن را انجام خواهد داد. سخن گفتن عیسی (ع) با مادر پس از ولادت، این اطمینان را به مریم داده بود که او براین کار کاملاً توانا است.

8- عیسی (ع) ، شیوه برخورد با مردم و چگونگی واکنش در برابر بهتان آنان را به مادرش مریم (س) آموخت .

ص: 157

## 55- تهمت زنا به مریم (س)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 20 - 2

2- مریم (س) از متهم شدن به زنا، در پی دریافت بشارت به عیسی (ع) نگران بود.

أَتَى يَكُونُ . . . وَ لَمْ أَكْ بَغِيًّا

با این که «لم یمسسنی بشر» برای نفی اسباب عادی حامله شدن کافی بود، ولی جمله «و لم اک بغیاً» نیز از مریم (س) صادر گردید. برخی آن را قرینه براین قرار داده اند که «لم یمسسنی...» تنها به نکاح مشروع نظر دارد و «لم اک بغیاً» نوع نامشروع آن را نفی می کند؛ و محتمل است مراد از «لم یمسسنی...» مطلق هم بستری باشد و اضافه شدن «لم اک بغیاً» به این خاطر است که مریم (س) دریافت که در صورت حامله شدن، به زنا متهم خواهد شد. و با این سخن، اظهار کرد که تحمل آن اتهام، بر من سنگین خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 27 - 3,6

3- مردم با دیدن مریم (س) همراه کودک خویش، بدون پرس و جو او را به زنا متهم کردند.

فَأْتَتْ بِه قَوْمَهَا تَحْمِلُهُ قَالُوا يَمْرِيْمُ لَقَدْ جَنَّتْ شَيْئًا فَرِيًّا

«فریاً» صفت مشبیه به معانی «سنگین و بزرگ» و «شگفت» و «کار بی سابقه» آمده و از ریشه «فری» به معنای قطع گرفته شده است؛ به این تناسب که چنین عملی قطع روند گذشته است. در هر صورت مراد کسانی که این سخن را به مریم (س) گفتند، اتهام زنا و خلاف بوده است.

6- «عن أبي جعفر (ع) قال: لَمَّا قَالَتِ الْعَوَاتِقُ . . . لِمَرِيْمِ (ع): «لَقَدْ جَنَّتْ شَيْئًا فَرِيًّا» أَنْطَقَ اللَّهُ تَعَالَى عِيْسَى (ع) عِنْدَ ذَلِكَ ;

از امام باقر (ع) روایت شده که فرمود: چون دختران نوس به مریم گفتند: «لقد جنّت شیئاً فریاً» خداوند در آن هنگام زبان عیسی (ع) را به سخن گفتن گشود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 28 - 6

6- مردم بیت المقدس، مریم (س) را به زنا متهم کردند.



و ما كانت أمك بغياً

«بغی» یعنی زن بدکاره (قاموس). مردم گرچه مریم (س) را صریحاً به زنا متهم نکردند، ولی با کنایه این کار را انجام دادند. جمله «و ما كانت ...» (مادرت بدکاره نبود)، یعنی تو این چنین هستی.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 158

10 - مریم - 19 - 29 - 7، 1

1- مریم (س) با اشاره به نوزادش (عیسی (ع)) کار پاسخ گویی به اتهامات وارده را به او واگذار کرد .

و ما کانت اُمّک بغیًّا . فأشارت إلیه

7- مریم (س) از سوی افرادی متعدد به زنا متهم شده بود .

قالوا یمریم . . . قالوا کیف نکلم

### 56- نمردهی نخل قصه مریم (س)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 25 - 3

3- بارور شدن و ثمر دادن غیر طبیعی درخت خرما ، به تلاش مریم (س) و کشیدن و تکان دادن نخل وابسته بود .

وهزّی إلیک . . . تسقط

فعل «تساقط» مجزوم است و عامل جزم آن شرط مقدر است؛ یعنی اگر درخت را تکان دهی و به سمت خود بکشی، برای تو خرما می ریزد.

### 57- جهت عبادتگاه مریم (س)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 16 - 7

7- مریم (س) ، برای عبادت خویش ، مکانی رو به شرق را برگزیده بود . \*

إذ انتبذت من أهلها مکانًا شرقیًّا

«شرقی»؛ یعنی، به طرف مشرق (لسان العرب).

### 58- حُسن پیشینه مریم (س)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 20 - 4

4- مریم (س)، دارای گذشته ای درخشان و خالی از هرگونه انحراف از مسیر قدس و پاکی بود .

قالت ائی یکون لی غلم . . . ولم اک بغیاً

«بغی» به زنی گفته می شود که با نامحرمان، تماس نامشروع داشته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 159

10 - مریم - 19 - 27 - 4

4- مریم (س)، نزد قوم خود، دارای پیشینه ای سالم و پاک و عاری از هرگونه بدنامی بود.

قالوا یمریم لقد جئت شیئاً فریاً

«فریاً» دال بر آن است که مردم به تصور واهی، مریم(س) را خطاکار دانسته، از این عمل شگفت زده شده و آن را قطع روند گذشته مریم دانستند؛ بنابراین سابقه او نزد مردم سابقه ای نیکو بوده است.

### 59- حُسن پیشینه والدین مریم (س)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 28 - 5

5- پدر و مادر مریم (س) میان مردم زمان خود، به پاکی و صلاح مشهور بودند.

ما کان أبوک امرأ سوء و ما کانت أمک بغیاً

### 60- حیات مریم (س)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 17 - 9،14

9- حیات و مرگ مسیح (ع) و مادرش مریم و تمامی اهل زمین، در قبضه قدرت خداوند

قل فمّن یملک من اللّٰه شیئاً ان اراد ان یهلک .. و من فی الارض جمیعاً

14 - زنده بودن مسیح (ع) و مادرش مریم در عصر پیامبر (صلی الله علیه و آله) \*

فمّن یملک من اللّٰه شیئاً ان اراد ان یهلک المسیح ابن مریم و امه

مفهوم جمله «ان اراد ..» این است که آن دو بزرگوار در زمان نزول آیه زنده بوده اند.

### 61- خداپرستی مریم (س)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - تحریم - 66 - 12 - 15

15 - مریم (س)، از تبار طاعت پیشگان و از نسل نیکان و خداپرستان

و کانت من القنتین

برداشت یاد شده بدان احتمال است که «من» در «من القانتین» نشویه باشد؛ یعنی، مریم (س) برآمده از قانتان بود.

ص: 160

## 62- خرما خوردن مریم (س)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 26 - 1

1- حضرت عیسی (ع) در آغاز تولد خویش، مادرش مریم (س) را به خوردن خرمای تازه و نوشیدن از آب نهر فرا خواند.

فنادیها من تحتها... تحتک سریاً... رطباً جنیاً. فکلی واشربی

## 63- خشکی نخل قصه مریم (س)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 25 - 2

2- نخلی که مریم (س) در کنار آن وضع حمل نمود، میوه نداشت.

و هزی إلیک بجذع النخله تسقط علیک رطباً جنیاً

جمله «تساقط علیک...» گویای امتنان بر مریم (س) است، نه خبر از اثر طبیعی تکان دادن درخت، چرا که این موضوع نیازی به راهنمایی نداشت؛ بنابراین، پس از تکان دادن درخت بود که خرمای آن پدیدار گشته و فرو می ریخت. اضافه شدن کلمه «جذع» به کلام و نیز اسناد «تساقط» به «نخله»، خشک بودن درخت و خارق العاده بودن ریزش خرما را تأیید می کند.

## 64- خضوع مریم (س)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - آل عمران - 3 - 43 - 1, 2

1 - مریم، مأمور به اطاعت خاضعانه، سجده و رکوع (نماز)، در برابر پروردگارش

یا مریم اقتنی لرّبک و اسجدی و ارکعی

2 - سخن فرشتگان با مریم و فرمان دادن به او، درباره اطاعت خاضعانه

و اذ قالت الملائکه... یا مریم اقتنی لرّبک و اسجدی

ظاهراً جمله «یا مریم اقتنی»، گفتار ملائکه با حضرت مریم است.

## 65- خواسته های مریم (س)

جلد - نام سورہ - سورہ - آیہ - فیش

10 - مریم - 19 - 20 - 3

3- حضرت مریم (س) از جبرئیل خواست اورا از چگونگی پیدایش فرزندى بدون پدر آگاہ سازد .

قالت أتی یكون لى غلم ولم یمسنى بشر ولم أك بعیاً

ص: 161

## 66- خویشاوندان مریم (س) کنار مسجد الاقصی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 16 - 4,5

4- خویشاوندان مریم ، در غیر جهت شرقی مسجد الاقصی سکونت داشتند .

انتبذت من أهلها مكاناً شرقياً

5- مریم (س) در آستانه حامله شدن به عیسی (ع) ، در نزدیکی مسجد الاقصی ، بستگانی داشت که در میان آنان به سر می برد .

إذ انتبذت من أهلها مكاناً شرقياً

به قرینه «مکاناً قصبياً» در آیه بیست و دوم که ناظر به مکان دومی است که مریم (س) برگزید، مکان شرقی مسجد الاقصی به منطقه مسکونی مردم نزدیک بوده است.

## 67- دعای مریم (س)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - آل عمران - 3 - 47 - 2

2 - طلب آگاهی مریم از خداوند ، در مورد چگونگی اعطای مسیح به وی

قالت ربّ ائنی یکون لی ولد

کلمه «ائنی»، علاوه بر اشاره به شگفتی، معنای کیفیت را نیز دربردارد.

## 68- دفاع از مریم (س)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 29 - 1,3

1- مریم (س) با اشاره به نوزادش (عیسی (ع)) کار پاسخ گویی به اتهامات وارده را به او واگذار کرد .

و ما کانت أمّک بغیباً . فأشارت إلیه

3- حضرت مریم (س) به قدرت نوزادش عیسی (ع) در سخن گفتن و رفع اتهامات یقین داشت .



آمدن مریم به میان قوم خویش، آوردن علنی و آشکار فرزند و اشاره کردن به سوی نوزاد به جای پاسخ گویی به اتهامات، بیانگر یقین او است.

## 69- دلایل تنزیه مریم (س)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 30 - 5

5- تکلم عیسی (ع) در گهواره و معرفی خود، از معجزات او و برهانی کافی بر پاکدامنی مریم (س) و مبرابردن او از اتهامات مردم بود.

فأشارت إليه .. قال إني عبدالله

## 70- دلایل عفت مریم (س)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 30 - 5

5- تکلم عیسی (ع) در گهواره و معرفی خود، از معجزات او و برهانی کافی بر پاکدامنی مریم (س) و مبرابردن او از اتهامات مردم بود.

فأشارت إليه .. قال إني عبدالله

## 71- دلداری به مریم (س)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 24 - 2

2- حضرت عیسی (ع) در شرایط سخت روحی و جسمی مادرش مریم (س) پس از زایمان با وی سخن گفت و او را دل داری داد.

فحملته .. فناديهما من تحتها ألا تحزني

مراد از ضمیر فاعلی در «نادی» - به قرینه ضمائر «فحملته فانتبذت به» در آیات قبل - حضرت عیسی (ع) است و مراد از ضمیر «من تحتها» همانند ضمیر «فنادها» حضرت مریم (س) است. برخی فاعل «نادی» را جبرئیل دانسته و ضمیر «من تحتها» را به «نخله» یا «مریم» ارجاع داده اند؛ ولی سیاق آیات با آنچه گفته شد سازگارتر است.

## 72- دینداری مریم (س)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - تحریم - 66 - 12 - 1

1 - حضرت مریم (ع)، نمونه بارز و مثال زدنی برای ایمان و دین داری



ضرب الله مثلاً للذين آمنوا .. و مریم ابنت عمران

### 73- رد نبوت مریم (س)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 58 - 13

13- حضرت مریم (س) ، از پیامبران الهی نبوده است .

أولئك .. من النبيين ... و ممن هدینا واجتیننا

چنان که «ممن هدینا» عطف بر «من النبيين» باشد، باید در بین مذکورین در آیات قبل که به وسیله «أولئك» به آنان اشاره شد، غیر نبی نیز وجود داشته باشد، زیرا عطف، ظهور در تغایر دارد و بدان لحاظ که در آیات قبل به جز در مورد مریم صریحاً و یا با اشاره نبوت مذکورین مطرح گردیده، تنها موردی که برای «من هدینا ..» باقی می ماند، مریم (س) است.

### 74- رزق مریم (س)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2- آل عمران - 3 - 37 - 26، 23، 18، 17، 16

16 - هر گاه زکریا به عبادتگاه مریم وارد می شد ، رزقی را نزد او مشاهده می کرد .

كلما دخل علیها زکریا المحراب و جد عندها رزقاً

17 - شگفتی زکریا از مشاهده رزقی خاص ، نزد مریم (س)

و جد عندها رزقاً قال یا مریم ائی لک هذا

18 - پرسش و استفسار زکریا از مریم (س) ، درباره رزقی که نزد او بود .

و جد عندها رزقاً قال یا مریم ائی لک هذا

23 - برخوردارى حضرت مریم (س) ، از رزق ویژه الهی

و جد عندها رزقاً .. قالت هو من عند الله

26 - وجود میوه تابستانی در زمستان و بالعکس نزد مریم در عبادتگاه

و جد عندها رزقاً

امام باقر يا امام صادق (ع): .. فکان (زکریا) یدخل علیها فیرى عندها ثمره الشّاء فی الصیف و ثمره الصیف فی الشّاء.

---

تفسیر عیاشی، ج 1، ص 170، ح 38; نورالثقلین، ج 1، ص 332، ح 112، 114.

### 75- رفع نکرانی مریم (س)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 164

2- مریم (س) به هنگام بازگشت میان مردم، فارغ از هرگونه هراس و نگرانی بود.

فکلی و اشربی... فإمّاترین من البشر... فأتت به قومها تحمله

باین که جمله «أتت به قومها» برای بیان آوردن عیسی (ع) توسط مادرش، جمله ای کامل است، ولی جمله حالیه «تحمله» نیز بر آن اضافه گردیده است تا بر مباشرت مریم (س) در حمل کردن فرزندش دلالت کند؛ یعنی دیگر مریم (س) انگیزه ای برای پنهان داشتن فرزند خود نداشته است، بلکه آشکارا او را در بغل گرفته و به میان مردم آمد.

### 76- رکوع مریم (س)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2- آل عمران - 3 - 43 - 1

1- مریم، مأمور به اطاعت خاضعانه، سجده و رکوع (نماز)، در برابر پروردگارش

یا مریم اقتنی لرّبک و اسجدی و ارکعی

### 77- روحیات مریم (س)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 23 - 11

11- حضرت مریم (س)، دارای حالت ها و روحیه های بشری بود.

یلیتی متّ قبل هذا

رنج بردن مریم از بروز حالت فوق العاده و خرق عادت و نیز تأثیر گرسنگی، تشنگی و دیگر عوامل طبیعی بر او، نشانه آن است که مریم (س)، انسانی با صفات بشری بوده و خط بطلانی بر اندیشه الوهیت او از سوی برخی مسیحیان است.

### 78- روزه سکوت مریم (س)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 26 - 10، 11، 12، 31

10- عیسی (ع)، مادرش مریم (س) را به نذر روزه سکوت، هنگام مواجهه با مردم توصیه کرد.

فَأَمَّا تَرِيْنَ مِنَ الْبَشَرِ أَحَدًا فَقُولِيْ إِنَّيْ نَذَرْتُ لِلرَّحْمَنِ صَوْمًا

11- مریم (س)، نذر روزه سکوت را پس از مواجهه با اولین نفر از افراد جامعه خویش منعقد ساخت .

فَأَمَّا تَرِيْنَ مِنَ الْبَشَرِ أَحَدًا فَقُولِيْ إِنَّيْ نَذَرْتُ

ظاهر «فقولی» آن است که مریم مفاد نذر خود را با زبان بیان کرده باشد؛ در این صورت همان جمله «إِنِّيْ نَذَرْتُ . . .» صیغه نذر

ص: 165

بوده و نذر مریم با گفتن آن منعقد شده است.

12- روزه سکوت حضرت مریم (س)، به مدت یک روز و هم زمان با هنگام بازگشت نزد قوم خود بوده است.

إِنِّي نَذَرْتُ لِلرَّحْمَنِ صَوْمًا فَلَنْ أَكَلِمَ الْيَوْمَ إِنْسِيًّا

الف و لام در «الיום» برای عهد حضوری است؛ یعنی «امروز» و مراد از آن همان روزی است که همراه با نوزاد خود به میان قومش برگشت.

31- «عن أبي عبد الله (ع) قال: إنَّ الصَّيَامَ لَيْسَ مِنَ الطَّعَامِ وَالشَّرَابِ وَحَدَهُ...» قالت مریم: «إِنِّي نَذَرْتُ لِلرَّحْمَنِ صَوْمًا» أي صَوْمًا صَمْتًا؛

از امام صادق(ع) روایت شده که فرمود: همانا روزه، تنها خودداری از خوردنی آشامیدنی نیست... مریم(س) گفت: «إِنِّي نَذَرْتُ لِلرَّحْمَنِ صَوْمًا»، یعنی روزه سکوت».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 29 - 2

2- حضرت مریم (س)، هنگام مواجه شدن با اتهام های قوم خود، در حال روزه بود و سخن نمی گفت.

فأشارت إليه

### 79- روش برخورد مریم(س)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 26 - 8

8- عیسی (ع)، شیوه برخورد با مردم و چگونگی واکنش در برابر بهتان آنان را به مادرش مریم (س) آموخت.

فإنَّما ترين من البشر أحدًا فقولي

### 80- زایمان مریم(س)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 23 - 5,6

5- حضرت مریم (س) به هنگام زایمان آرزو کرد: کاش قبل از باردار شدن مرده بود و به کلی از یادها رفته بود.



فأجاءها المخاض .. قالت يلبتني متّ قبل هذا و كنت نسيّاً منسيّاً

جمله «و كنت نسيّاً منسيّاً» قرینه است بر این که انگیزه مریم از آرزوی مرگ، رهایی از زخم زبان مردم بوده است، گرچه به قرینه «الأتحزنی قد جعل ..» تنهایی و بی آب و غذایی، نیز او را اندوهناک ساخته بود، ولی این همه، تبعات همان گریز از زخم زبان است؛ یعنی کاش پیش از حاملگی مرده بودم، که برای فرار از بیشتر مردم مجبور به تحمل این آوارگی نباشم.

6- ناراحتی ها و فشار های روحی مریم (س) به هنگام تولد عیسی (ع)، خارج از حدّ توصیف بود.

فأجاءها المخاض إلى جذع النخلة قالت يلبتني متّ قبل هذا و كنت نسيّاً منسيّاً

ص: 166

آرزوی مرگ از جانب شخصیتی چون مریم(س) که مورد عنایت خاص خداوند بود، باید در شرایطی صورت گرفته باشد که وضعیتی فوق تحمل و طاقت برایش پیش آمده باشد، این حالت - به قرینه آیات بعد - فشارهای روحی ناشی از احتمال اتهام و آوارگی حاصل از آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 24 - 12

12- در پی زایمان مریم (س)، فرشته الهی (جبرئیل) او را از جاری شدن آب در پایین پایش با خیر ساخت.

فنادیها من تحتها ألا تحزنی قد جعل ربك تحتک سریاً

محتمل است که ضمیر فاعلی در فناداها به فرشته الهی برگردد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 26 - 9

9- حضرت مریم (س) در هنگام وضع حمل و پس از آن، تا زمان بازگشت به قوم خویش تنها بود.\*

فحملته فانتبدت به مکان قصیاً.. فإما ترین من البشر أهداً

جمله شرطیه «فإما ترین...» ممکن است براین دلالت کند که در هنگام وضع حمل و بعد از آن بشری در آنجا نبوده است، گرچه - به قرینه سیاق کلام - می توان گفت: مراد عموم انسان ها نیستند، بلکه افرادی مورد نظر هستند که فرزند داشتن مریم برای آنان سؤال انگیز باشد. برخی «ال» در «البشر» را برای عهد و اشاره به قوم مریم دانسته اند.

### 81- زمان بارداری مریم(س)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 22 - 6

6- «عن أبی الحسن موسی (ع):... :الیوم الذی حملت فیه مریم (س) یوم الجمعة للزوال؛

از امام کاظم(ع) روایت شده: ... روزی که مریم حامله شد، روز جمعه هنگام زوال بود».

### 82- زمینه بارداری مریم(س)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4- باردار شدن مریم (س) به فرزندش عیسی (ع)، وابسته به حضور او در مکانی خلوت و به دور از انظار مردم بود.

فَاتَّخَذَتْ مِنْ دُونِهِمْ حِجَابًا فَأَرْسَلْنَا إِلَيْهَا رُوحَنَا

«فاء» در «فأرسلنا» برای تفریع است و نشان می‌هد که کارهای قبلی مریم زمینه‌آمدگی او برای مقام مادری عیسی (ع) و پذیرش فرشته الهی شده است.

ص: 167

### 83- زمینه چشم روشنی مریم (س)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 26 - 3

3- سخن گفتن عیسی (ع) با مادر خود و تأمین آب و غذا به صورت خارق العاده، زمینه های مسرت و چشم روشنی مریم (س) و رفع نگرانی او از آینده بود.

فنادیها .. فکلی و اشربی و قرّی عیناً

«عیناً» تمییز و بیانگر مراد جدی از فاعل است و «قرّی» از ماده «قرار» (آرام گرفتن) و یا «قُرّ» (سرد شدن) است. در صورت اول جمله «قرّی عیناً»، یعنی «چشم آرمیده باش» و در صورت دوم، یعنی «خنک چشم باش» (چشمت از اشک سوزان به دور باشد) و در هر صورت، کنایه از خوش دلی و شادمانی است که چشم از نگرانی و اضطراب باز می ایستد و از سوزش اشک اندوه، مصون می ماند. ارتباط جمله «قرّی عیناً» با جملات قبل، گویای برداشت فوق است.

### 84- زمینه سرور مریم (س)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 26 - 3

3- سخن گفتن عیسی (ع) با مادر خود و تأمین آب و غذا به صورت خارق العاده، زمینه های مسرت و چشم روشنی مریم (س) و رفع نگرانی او از آینده بود.

فنادیها .. فکلی و اشربی و قرّی عیناً

«عیناً» تمییز و بیانگر مراد جدی از فاعل است و «قرّی» از ماده «قرار» (آرام گرفتن) و یا «قُرّ» (سرد شدن) است. در صورت اول جمله «قرّی عیناً»، یعنی «چشم آرمیده باش» و در صورت دوم، یعنی «خنک چشم باش» (چشمت از اشک سوزان به دور باشد) و در هر صورت، کنایه از خوش دلی و شادمانی است که چشم از نگرانی و اضطراب باز می ایستد و از سوزش اشک اندوه، مصون می ماند. ارتباط جمله «قرّی عیناً» با جملات قبل، گویای برداشت فوق است.

### 85- زمینه مریم (س) پرستی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 76 - 7

7 - پندار قدرت مسیح (ع) و مریم بر سود و زیان رسانی به مردم، از عوامل پرستش آن دو، از سوی مسیحیان \*

قل اتعبدون من دون الله ما لا يملك لكم ضرراً ولا نفعاً

استدلال بر ناروایی پرستش مسیح(ع) و مادرش مریم به ناتوانی آنان از ضرر رسانی و نفع بخشی، می تواند اشاره به ریشه و عامل

ص: 168

پرستش مسیح(ع) و مریم، از سوی نصارا داشته باشد.

### 86- سجده مریم(س)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - آل عمران - 3 - 43 - 1

1 - مریم ، مأمور به اطاعت خاضعانه ، سجده و رکوع ( نماز ) ، در برابر پروردگارش

یا مریم اقتنی لربک و اسجدی و ارکعی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 58 - 16

16- زکریا ، یحیی ، مریم ( س ) ، عیسی ، ابراهیم ، اسحق ، یعقوب ، موسی ، هارون ، اسماعیل ، و ادیس ( ع ) ، هنگام شنیدن آیات الهی به سجده می افتادند و در حال سجود اشک می ریختند .

أولئك ... إذا تتلى عليهم آيات الرحمن خرّوا سجّداً و بکياً

### 87- سخن مریم(س)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 75 - 10

10 - گفتار و کردار مریم ( ع ) هماهنگ با یکدیگر و مطابق با واقع

امه صدیقه

«صدیق» به کسی گفته می شود که سخن و اعتقادش مطابق واقع باشد و راستگویی خودش را با کردارش ثابت کند. (این معنا را راغب از برخی اهل لغت نقل کرده است).

### 88- سرزنش مریم(س)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 28 - 1

1- قوم مریم با بیان عفت و پاکدامنی پدر و مادر وی ، او را در فرزنددار شدن بدون ازدواج سرزنش کردند .

ما كان أبوك امرأ سوء و ما كانت أمك بغياً

ص: 169

## 89- سلامتی مریم (س)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 20 - 6

6- مریم (س)، هنگام دریافت بشارت تولد عیسی (ع)، در شرایط سنی مناسب و سلامت جسمی لازم برای بارداری بود.

و لم یمسسنی بشر و لم اک بغیاً

آنچه در کلام مریم، مانع پیدایش عیسی (ع) قلمداد شده است، به نبود پدر مربوط می شود و سخنی از آمادگی جسمی نداشتن مریم مطرح نشده است. بنابراین او از این جهت مشکلی نداشته است.

## 90- شخصیت مریم (س)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 91 - 12

12- مریم (س) برخوردار از منزلتی والا و مقامی بلند در پیشگاه خداوند و شخصیتی جهانی

والتی أحصنت فرجها فنفخنا فیها من روحنا و جعلناها و ابنها آیه للعالمین

برداشت یاد شده با توجه به سه نکته است: 1- «التي» منصوب به عامل مقدری چون «أذکر» یا «أذکروا» است که در این صورت فرمان به یادآوری داستان مریم (س) برای همه انسان ها است. 2- نام مریم (س) در ردیف پیامبران الهی قرار گرفت و به دنبال نام آنان آمد. 3 خداوند مریم (س) را آیت خود برای جهانیان معرفی کرد (و جعلناها و ابنها آیه للعالمین).

## 91- شخصیت مریم (س) در یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 28 - 9

9- مریم (س) و خاندان او، افرادی سرشناس در بین مردم عصر خویش

یاخت هرون ما کان أبوک امرأ سوء و ما کانت أمک بغیاً

## 92- شخصیت نیاکان مریم (س) در یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش



9- مریم (س) و خاندان او، افرادی سرشناس در بین مردم عصر خویش

يَاخْتِ هِرُونَ مَا كَانَ أَبُوكَ امْرَأَ سَوْءٍ وَ مَا كَانَتْ أُمَّكَ بَغِيًّا

ص: 170

### 93- صداقت مریم (س)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - آل عمران - 3 - 38 - 1

1 - اعتماد کامل حضرت زکریا به صداقت حضرت مریم (س)

هنا لك دعا زكريا ربّه

پس از پاسخ مریم، حضرت زکریا تسلیم گفته او (هو من عند الله ..) شد و از خدا، درخواست ذریه پاک کرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 75 - 9،10

9 - مریم (ع) مادر مسیح (ع)، بانویی بسیار راستگو

و امه صدیقه

«صدیق» به کسی گفته می شود که بسیار راستگو باشد. (مفردات راغب).

10 - گفتار و کردار مریم (ع) هماهنگ با یکدیگر و مطابق با واقع

امه صدیقه

«صدیق» به کسی گفته می شود که سخن و اعتقادش مطابق واقع باشد و راستگویی خودش را با کردارش ثابت کند. (این معنا را راغب از

برخی اهل لغت نقل کرده است).

### 94- ضعف مریم (س)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 17 - 11،22

11 - ناتوانی مسیح (ع) و مادرش و تمامی اهل زمین در برابر اراده الهی، دلیل بطلان ادعای الوهیت برای مسیح (ع)

لقد كفر الذين .. ان اراد ان يهلك المسيح ابن مریم و امه و من فی الأرض جميعاً

22 - مالکیت خداوند بر هستی، دلیل توانایی وی بر نابود ساختن مسیح (ع)، مریم (ع) و تمامی اهل زمین و نفی هرگونه قدرت در

برابر قدرت اوست.

فمن يملك من اللّٰه شيئاً ان اراد ان يهلك .. ولّٰه ملك السموت و الارض

## 95- طعام مريم (س)

جلد - نام سورہ - سورہ - آيہ - فيش

4 - مانده - 5 - 75 - 12،16

ص: 171

12 - توانایی زن برای نیل به درجات والای کمال و ارزش های معنوی

و امه صدیقه

16 - نیازمندی مسیح (ع) و مادرش مریم (ع) به تغذیه ، دلیلی روشن بر خدا نبودن آنها

کانا یا کلان الطعام

جمله «کانا یا کلان الطعام» برهانی علیه اعتقاد به الوهیت مسیح(ع) و مادرش مریم است ؛ یعنی آنها به این دلیل نمی توانند خدا باشند که گرسنه می شوند و نیاز به تغذیه و دفع فضولات آن دارند.

### 96- عبادت مریم(س)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - آل عمران - 3 - 36 - 17

17 - پایبندی مادر مریم (س) به نذر خویش در گماردن وی برای عبادت خداوند

ربّ ائی نذرت . . . و ائی سمّیتها مریم

از اینکه نام فرزند خویش را مریم (به معنی عابده) گذاشت، برداشت فوق به دست می آید.

### 97- عبادتگاه مریم(س)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - آل عمران - 3 - 37 - 16

16 - هر گاه زکریا به عبادتگاه مریم وارد می شد ، رزقی را نزد او مشاهده می کرد .

کلما دخل علیها زکریا المحراب و جد عندها رزقاً

### 98- عبرت از قصه مریم(س)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 91 - 1

1- داستان حضرت مریم و پاک دامنی و فرزنددار شدن او ، درس آموز و شایسته یاد و یادآوری است .

والتي أحصنت فرجها فنفخنا فيها

برداشت یاد شده مبتنی بر این است که «التي» منصوب به عامل مقدری چون «أذكر» یا «أذكروا» باشد.

ص: 172

## 99- عزت گزینی مریم (س)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 16 - 3

3- مریم از خانواده خویش کناره گیری کرد و در شرق مسجدالاقصی مستقر شد .

واذکر .. مریم إذ انتبذت من أهلها مکاناً شرقیاً

«انتبذ» از ریشه «نبد» و به معنای دوری جستن است. «مکاناً شرقیاً»؛ یعنی جایگاهی رو به شرق و چون حضرت مریم (س) وقف بر معبد (مسجدالاقصی) شده بود، مقصود مکانی در شرق مسجدالاقصی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 17 - 1, 4

1- حضرت مریم (س) در ناحیه شرقی مسجدالاقصی، مکانی دور از انظار برای خود برگزید و خود را از مردم پنهان ساخت .

فَاتَّخَذَتْ مِنْ دُونِهِمْ حِجَابًا

«حجاب» به معنای ساتر و چیزی است که حائل می شود. مراد از «اتَّخَذَتْ... حِجَابًا» افکندن پرده و یا رفتن در مکانی است که دارای پوشش طبیعی، مانند دیوار یا کوه و مانند آن باشد.

4- باردار شدن مریم (س) به فرزندش عیسی (ع)، وابسته به حضور او در مکانی خلوت و به دور از انظار مردم بود .

فَاتَّخَذَتْ مِنْ دُونِهِمْ حِجَابًا فَأَرْسَلْنَا إِلَيْهَا رُوحَنَا

«فاء» در «فَأَرْسَلْنَا» برای تفریع است و نشان می هد که کارهای قبلی مریم زمینه آمادگی او برای مقام مادری عیسی (ع) و پذیرش فرشته الهی شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 22 - 2

2- حضرت مریم (س) در پی حامله شدن به عیسی (ع)، از منطقه خویشاوندان خود فاصله گرفت و به مکان دوردستی رفت .

فَحَمَلَتْهُ فَانْتَبَذَتْ بِهِ مَكَانًا قَصِيًّا

«إنتبذ» از ریشه «نبد» و به معنای دوری گزیدن است. «باء» در «به» یا برای ملابست و یا سببیه؛ یعنی دوری گزیدن مریم، همراه حمل

خود و یا به خاطر آن، صورت گرفت. «قصی» صفت مشبیه و به معنای «دور» است.

## 100- عصمت مریم (س)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2- آل عمران - 3 - 37 - 7

7- عظمت و تعالی معنوی و عصمت حضرت مریم (س)

فتقبلها ربّها .. و انبتھا

از اینکه خداوند، خود مریم را پذیرفته به دست می آید که او از تمام جهات مورد رضایت خداوند است و این معنا ملازم عصمت است.

ص: 173

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - آل عمران - 3 - 42 - 7

7 - مریم ، دارای مقام عصمت از گناه

انّ الله اصطفیک و طهرک

متعلق تطهیر حذف شده است و حذف متعلق، دلالت بر عموم دارد؛ یعنی تطهیر از هر پلیدی. و چون هر گناهی، پلیدی است، بنابراین مریم (س) از ارتکاب هر گناهی میرا و معصوم است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 32 - 4

4- حضرت مریم (س) میرا از گناه و فحشا و سزاوار تکریم بسیار

لقد جئت شیئاً فریئاً. .. و برآ بولدتی

عیسی(ع) با اعجاز خود، مریم را از اتهام ناروای مردم تبرئه کرد، آن گاه خود را پیامبری خواند که به مریم خدمت خواهد کرد و در بیان خدمت گزاری خود، صفت مشبیه (برآ) را که بر ثبوت دلالت دارد، به کاربرد تا با تأکید بیشتری احترام به مریم را از وظایف خود شمرده باشد.

### 101- عظمت مریم (س)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 171 - 11

11 - عظمت حضرت مریم (ع) در پیشگاه الهی

انما المسيح عیسی ابن مریم رسول الله و کلمته القاها الی مریم

### 102- عفت مریم (س)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 156 - 5

5 - قداست و پاکدامنی حضرت مریم (ع)



و بکفرهم و قولهم علی مریم بهتتاً عظیماً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 18 - 7

7- حضرت مریم (س) بانویی در اوج پاکدامنی و تقوایشگی

ص: 174

قالت إني أعوذ بالرحمن منك إن كنت تقياً

مریم عذرا، به محض مشاهده مردی ناشناس در محل استقرار خود، سراسیمه به تذکر و نصیحت و پناه بردن به خداوند اقدام کرد. این بازتاب نشانه رسوخ پاک دامنی در او است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 20 - 4

4- مریم (س)، دارای گذشته ای درخشان و خالی از هرگونه انحراف از مسیر قدس و پاکی بود.

قالت أئی یکون لی غلم . . . و لم أک بغیاً

«بغی» به زنی گفته می شود که با نامحرمان، تماس نامشروع داشته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 23 - 13

13- اشتهار مریم (س) به عفت و پاکدامنی در بین مردم، فزاینده نگرانی او از بازتاب منفی تولد عیسی (ع) در افکار عمومی جامعه

یلیتی متّ قبل هذا و کنت نسیاً منسیاً

«نسی» چیزی است که اهمیت چندانی ندارد، گرچه هنوز از خاطرها محو نشده باشد (مفردات راغب). توصیف آن به «منسیاً» (فراموش شده) گویای آن است که صرف شایستگی برای فراموشی، مطلوب مریم نبوده؛ بلکه تحقق فراموشی را آرزو می کرده است. این آرزو نشان می دهد که آن حضرت، پیش از این به عنوان شخصیتی آبرومند در جامعه مطرح بوده و از این که این حادثه بازتاب های منفی در مردم داشته باشد، نگران بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 27 - 4

4- مریم (س)، نزد قوم خود، دارای پیشینه ای سالم و پاک و عاری از هرگونه بدنامی بود.

قالوا یمریم لقد جئت شیئاً فریاً

«فریاً» دال بر آن است که مردم به تصور واهی، مریم(س) را خطاکار دانسته، از این عمل شگفت زده شده و آن را قطع روند گذشته مریم دانستند؛ بنابراین سابقه او نزد مردم سابقه ای نیکو بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4- حضرت مریم (س) میرا از گناه و فحشا و سزاوار تکریم بسیار

لقد جئت شیئاً فریئاً.. و برآ بولدتی

عیسی(ع) با اعجاز خود، مریم را از اتهام ناروای مردم تبرئه کرد، آن گاه خود را پیامبری خواند که به مریم خدمت خواهد کرد و در بیان خدمت گذاری خود، صفت مشبیه (براً) را که بر ثبوت دلالت دارد، به کاربرد تا با تأکید بیشتری احترام به مریم را از وظایف خود شمرده باشد.

ص: 175

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 91 - 1,2

1- داستان حضرت مریم و پاک دامنی و فرزنددار شدن او، درس آموز و شایسته یاد و یادآوری است.

والتی أحصنت فرجها فنفخنا فیها

برداشت یاد شده مبتنی بر این است که «التی» منصوب به عامل مقدری چون «أذکر» یا «أذکروا» باشد.

2- مریم (س)، زنی عفیف و پاک دامن و دارای مقامی بلند در پیشگاه خداوند

والتی أحصنت فرجها

«إحصان» (مصدر «أحصنت») به معنای منع و بازداشتن است و «فرج» در اصل به معنای شکاف میان دو شیء مانند (شرمگاه و...) است. منع و بازداشتن فرج، کنایه از پاک دامنی و عفاف است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - تحریم - 66 - 12 - 3,8

3- حضرت مریم (ع)، زنی عفیف و پاکدامن و دارای مقامی بلند در پیشگاه خداوند

التی أحصنت فرجها

«إحصان» (مصدر «أحصنت») به معنای منع و بازداشتن است. «فرج» در اصل به معنای شکاف میان دو شیء (مانند شرمگاه و...) است. منع و بازداشتن فرج، کنایه از پاکدامنی و عفاف است.

8- عفت و پاک دامنی مریم (س)، زمینه ساز برخورداری او از عنایات ویژه الهی

التی احصنت فرجها فنفخنا فیه من روحنا

تقدیم عبارت «التی أحصنت فرجها» بر «نفخنا فیه من روحنا»، می تواند گویای برداشت یاد شده باشد.

**103- عفت والدین مریم (س)**

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 28 - 1,5

1- قوم مریم با بیان عفت و پاکدامنی پدر و مادر وی ، او را در فرزنددار شدن بدون ازدواج سرزنش کردند .

ما کان أبوک امرأ سوء و ما کانت أمک بغیاً

5- پدر و مادر مریم (س) میان مردم زمان خود ، به پاکی و صلاح مشهور بودند .

ما کان أبوک امرأ سوء و ما کانت أمک بغیاً

#### 104- عقیده مریم (س)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مانده - 5 - 75 - 11

ص: 176

11 - مریم (ع) با اعتقاد به رسالت فرزندش مسیح (ع)، نه وی را ابدی می پنداشت و نه فرزند خدا

امه صدیقه

«صدیق» چنانچه جوهری در «الصحاح» آورده است - به کسی گفته می شود که بسیار تصدیق کننده باشد و متعلق تصدیق - به قرینه صدر آیه - رسالت مسیح، فناپذیری او و فرزند نبودن وی برای خداست.

### 105- عمل مریم (س)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مانده - 5 - 75 - 10

10 - گفتار و کردار مریم (ع) هماهنگ با یکدیگر و مطابق با واقع

امه صدیقه

«صدیق» به کسی گفته می شود که سخن و اعتقادش مطابق واقع باشد و راستگویی خودش را با کردارش ثابت کند. (این معنا را راغب از برخی اهل لغت نقل کرده است).

### 106- عواطف مریم (س)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 27 - 1

1- مریم (س) پس از دریافت رهنمود های نوزادش عیسی (ع)، او را آشکارا در آغوش خود گرفت و نزد قومش برد.

فأنت به قومها تحمله

### 107- عوامل اطمینان مریم (س)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 21 - 9

9- توجه مریم (س) به ربوبیت خداوند، را به آسانی و امکان بارداریش به عیسی (ع) مطمئن می ساخت.

قال ربّک

### 108- عوامل تکامل مریم (س)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 19 - 3

ص: 177

3- اعطای فرزندى شايسته و پاک به مریم (س) ، مایه رشد و تکامل او و جلوه ای از ربوبیت خداوند

قال إنما أنا رسول ربك لأهب لك غلامًا زكياً .. قال ربك هو

کلمه «رب» می تواند بیانگر مطلب فوق باشد.

### 109- عوامل رفع نگرانی مریم (س)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 26 - 3

3- سخن گفتن عیسی (ع) با مادر خود و تأمین آب و غذا به صورت خارق العاده ، زمینه های مسرت و چشم روشنی مریم (س) و رفع نگرانی او از آینده بود .

فنادیها .. فکلی و اشربی و قرى عیناً

«عیناً» تمییز و بیانگر مراد جدی از فاعل است و «قرى» از ماده «قرار» (آرام گرفتن) و یا «قر» (سرد شدن) است. در صورت اول جمله «قرى عیناً»، یعنی «چشم آرمیده باش» و در صورت دوم، یعنی «خنک چشم باش» (چشم از اشک سوزان به دور باشد) و در هر صورت، کنایه از خوش دلی و شادمانی است که چشم از نگرانی و اضطراب باز می ایستد و از سوزش اشک اندوه، مصون می ماند. ارتباط جمله «قرى عیناً» با جملات قبل، گویای برداشت فوق است.

### 110- عوامل عزت گزینی مریم (س)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 16 - 8

8- پیدایش عارضه ای ناخوشایند در مریم (س) ، وادارسازنده وی به انزوا و دورساختن خویش از مردم \*

إذ انتبذت من أهلها

«نبذ»؛ یعنی دورافکندن چیزی بر اثر بی اعتنایی به آن و «انتبذ»، یعنی گوشه گیری کردن کسی که ارزش حضور خود نزد مردم را اندک و ناچیز می بیند (مفردات راغب). برخی از احتمالاتی که در توجیه کناره گیری مریم ذکر شده است - نظیر گذران ایام قاعدگی و مانند آن - با این معنا سازگار است.

### 111- عوامل نگرانی مریم (س)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش



3- باردارشدن حضرت مریم (س)، نگرانی هایی را برای او همراه داشت .

فحمله فانبذت به مكاناً قصياً

ص: 178

ترک محل سکونت و رفتن به مکانی دوردست، نشان آن است که مریم(س) از روبه روشن شدن با مردم و پاسخ گویی به آنها نگران بوده است. لغت «إنتباز» (انزوایی کسی که برای حضور خود ارزش چندانی نمی بیند) نیز مؤید آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 23 - 13

13- اشتهار مریم (س) به عفت و پاکدامنی در بین مردم، فزاینده نگرانی او از بازتاب منفی تولد عیسی (ع) در افکار عمومی جامعه

یلیتنی متّ قبل هذا و کنت نسیاً منسیاً

«نَسِيًّا»، چیزی است که اهمیت چندانی ندارد، گرچه هنوز از خاطرها محو نشده باشد (مفردات راغب). توصیف آن به «منسیاً» (فراموش شده) گویای آن است که صرف شایستگی برای فراموشی، مطلوب مریم نبوده؛ بلکه تحقق فراموشی را آرزو می کرده است. این آرزو نشان می دهد که آن حضرت، پیش از این به عنوان شخصیتی آبرومند در جامعه مطرح بوده و از این که این حادثه بازتاب های منفی در مردم داشته باشد، نگران بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 24 - 6

6- نبود آب به هنگام زایمان، موجب نگرانی شدید مریم (س) شده بود.

أَلَّا تَحْزَنِي قَدْ جَعَلَ رَبِّكِ تَحْتَكِ سَرِيًّا

«قد جعل» تعلیل برای «أَلَّا تَحْزَنِي» است، یعنی محزون نباش، زیرا خداوند در پایین دست تو آبی روان قرار داده است. از این تعلیل می توان دریافت که تا چه اندازه مریم(س) برای آب نگران بوده و این بشارت چه نقشی در شادمانی وی ایفا کرده است.

## 112- عیسی (ع) فرزند مریم (س)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 87 - 8

8 - عیسی (ع) زاده مریم (ع) و فرزند او، نه فرزند خدا

عیسی ابن مریم

از نکاتی که می تواند هدف از نسبت دادن عیسی(ع) به مادرش شمرده شود، رد پندار مسیحیان است که وی را فرزند خدای سبحان می خواندند.

6 - اعطای نشانه های روشن از جانب خداوند ، به عیسی بن مریم (ع) و تأیید او به روح القدس ( جبرئیل )

و اتینا عیسی ابن مریم البینات و ایدناه بروح القدس

7 - عیسی (ع) ، علی رغم منزلت و فضیلت والایش ، فرزند مریم است ؛ نه فرزند خداوند .

و اتینا عیسی ابن مریم البینات

### 113- فراموشی مریم (س)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 23 - 5

5- حضرت مریم (س) به هنگام زایمان آرزو کرد: کاش قبل از باردار شدن مرده بود و به کلی از یاد ها رفته بود.

فأجاءها المخاض .. قالت یلیننی متّ قبل هذا و کنت نسیاً منسیاً

جمله «و کنت نسیاً منسیاً» قرینه است بر این که انگیزه مریم از آرزوی مرگ، رهایی از زخم زبان مردم بوده است، گرچه به قرینه «الأتحزنی قد جعل...» تنهایی و بی آب و غذایی، نیز او را اندوهناک ساخته بود، ولی این همه، تبعات همان گریز از زخم زبان است؛ یعنی کاش پیش از حاملگی مرده بودم، که برای فرار از نیشتر مردم مجبور به تحمل این آوارگی نباشم.

### 114- فرزند مریم (س)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 157 - 5

5 - حضرت عیسی (ع)، فرزند مریم (ع) و رسولی از جانب خداست.

وقولهم إنا قتلنا المسيح عیسی ابن مریم رسول الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 171 - 8

8 - حضرت عیسی (ع)، فرزند مریم و پیامبر خداست.

انما المسيح عیسی ابن مریم رسول الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 17 - 18، 5، 6

5 - اعتراف مسیحیان به فرزندی مسیح (ع) برای مریم (ع)

قالوا إنّ الله هو المسيح ابن مریم

ظاهراً توصیف مسیح(ع) به «ابن مریم» از کلام مسیحیان است. یعنی به این حقیقت که مسیح(ع) فرزند مریم است، معترف هستند.

6- فرزندی مسیح (ع) برای مریم (ع)، دلیلی بر خدا نبودن وی

قالوا إنّ الله هو المسيح ابن مریم

نقل اعتراف مسیحیان به اینکه مسیح(ع) فرزند مریم است، برای توجه دادن آنهاست به این حقیقت که فرزند بودن (مخلوق بودن)

ص: 180

با خدا بودن تنافی دارد.

18 - مسیح (ع)، فرزند مریم (ع) و هر دو مملوک خداوند

المسیح ابن مریم و امه... و لله ملك السموت و الارض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مانده - 5 - 46 - 5

5 - عیسی (ع)، پسر مریم (نه فرزند خدا)

و ققینا علی ءاثرهم بعیسی ابن مریم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مانده - 5 - 72 - 4,5,6

4 - مسیح (ع) فرزند مریم نه خدا و نه زده او

المسیح ابن مریم

5 - اعتراف مسیحیان به فرزندگی مسیح (ع) برای مریم

قالوا إنّ الله هو المسيح ابن مریم

6 - زاده شدن مسیح (ع) از مریم (ع) گواهی روشن بر خدا نبودن او

لقد كفر الذين قالوا إنّ الله هو المسيح ابن مریم

تصريح به فرزندگی مسیح (ع) برای مریم، برای بیان این حقیقت است که فرزند بودن (مخلوق بودن) با الوهیت تنافی دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مانده - 5 - 75 - 1,11

1 - مسیح (ع) فرزند مریم و فرستاده خداوند

ما المسيح ابن مریم الا رسول

11 - مریم (ع) با اعتقاد به رسالت فرزندش مسیح (ع)، نه وی را ابدی می پنداشت و نه فرزند خدا

«صدیق» چنانچه جوهری در «الصحاح» آورده است - به کسی گفته می شود که بسیار تصدیق کننده باشد و متعلق تصدیق - به قرینه صدر آیه - رسالت مسیح، فناپذیری او و فرزند نبودن وی برای خداست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 110 - 6

6 - عیسی (ع)، فرزند مریم و نه فرزند خدا

اذ قال الله یعیسی ابن مریم

به نظر می رسد تصریح به فرزند عیسی برای مریم در برابر این ادعای مسیحیان می باشد که وی فرزند خداست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 181

10 - مریم - 19 - 34 - 2

2- حضرت عیسی (ع) فرزند مریم (ع) و دارای منزلتی والا است .

ذلک عیسی ابن مریم

«ذلک» برای اشاره به بعید به کار می رود. به کار بردن آن در جایی که مورد اشاره نزدیک باشد، بیانگر برجستگی منزلت مورد اشاره و بزرگداشت آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 37 - 4

4- آنان که عیسی (ع) را فرزند مریم (س) ، بنده خدا و پیامبر او نمی دانند ، کافراند .

فاختلف الأحزاب من بينهم فویل للذین کفروا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 57 - 4

4- عیسی (ع) ، فرزند مریم است و نه خدا .

ولمّا ضرب ابن مریم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - حدید - 57 - 27 - 5

5- عیسی (ع) ، پسر مریم است .

وققینا بعیسی ابن مریم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - صف - 61 - 6 - 1

1 - حضرت عیسی (ع) ، پسر حضرت مریم (ع) است .

وإذ قال عیسی ابن مریم



جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - صف - 61 - 14 - 6

6 - عیسی (ع)، پسر مریم (س) است .

کما قال عیسی ابن مریم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - تحریم - 66 - 12 - 11

11 - فرزند حضرت مریم (س) (عیسی (ع))، پرتو روح الهی و دارای مقامی بس بلند در پیشگاه خداوند

فنفخنا فیه من روحنا

ص: 182

اضافه «روح» به «نا»، اضافه تشریفی و برای بیان شرافت و عظمت این روح است.

### 115- فضایل مریم (س)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 156 - 5

5 - قداست و پاکدامنی حضرت مریم (ع)

و بکفرهم و قولهم علی مریم بهتناً عظیماً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 171 - 11

11 - عظمت حضرت مریم (ع) در پیشگاه الهی

انما المسیح عیسی ابن مریم رسول الله و كلمته القها إلى مریم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 110 - 1,5

1 - عیسی (ع) و مادرش مریم بهره مند از نعمت های خاص الهی

اذ قال الله یعیسی ابن مریم اذکر نعمتی علیک و علی ولدتک

5 - نعمت های ویژه ارزانی شده به عیسی (ع)، به منزله نعمتهایی الهی برای مادرش مریم

اذکر نعمتی علیک و علی ولدتک

نعمتهای شمرده شده در این بخش از آیات نعمتهایی است که خداوند به عیسی (ع) عطا کرده است و از نعمتهای ویژه خداوند به مریم سخنی به میان نیامده است، بنابراین می توان گفت عطای آن نعمتها به عیسی (ع) به منزله عطای آنها به مادرش مریم است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 18 - 7

7- حضرت مریم (س) بانویی در اوج پاکدامنی و تقوای پیشگی

قالت إني أعود بالرحمن منك إن كنت تقياً

مریم عذرا، به محض مشاهده مردی ناشناس در محل استقرار خود، سراسیمه به تذکر و نصیحت و پناه بردن به خداوند اقدام کرد. این بازتاب نشانه رسوخ پاک دامنی در او است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 20 - 4

4- مریم (س)، دارای گذشته ای درخشان و خالی از هرگونه انحراف از مسیر قدس و پاکی بود.

قالت أئی یكون لی غلم . . . ولم أك بغياً

ص: 183

«بغی» به زنی گفته می شود که با نامحرمان، تماس نامشروع داشته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 32 - 4

4- حضرت مریم (س) مبرا از گناه و فحشا و سزاوار تکریم بسیار

لقد جنت شیئاً فریئاً... و برا بولدتی

عیسی(ع) با اعجاز خود، مریم را از اتهام ناروای مردم تبرئه کرد، آن گاه خود را پیامبری خواند که به مریم خدمت خواهد کرد و در بیان خدمت گزاری خود، صفت مشببه (براً) را که بر ثبوت دلالت دارد، به کاربرد تا با تأکید بیشتری احترام به مریم را از وظایف خود شمرده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 58 - 14، 1

1- زکریا، یحیی، مریم، عیسی، ابراهیم، اسحاق، یعقوب، موسی، هارون، اسماعیل و ادريس (ع) برخوردار از نعمت ویژه خداوند

أولئك الذين أنعم الله عليهم

«وَأُولَئِكَ» اشاره به تمامی موارد ذکر شده در سوره مریم از آغاز تا این آیه است و روشن است که مراد از نعمت در جمله «أَنْعَمَ اللَّهُ...» نعمت های معمولی و متعارف نیست، چرا که افراد دیگر نیز از این گونه نعمت ها برخوردارند. پس نعمتی که با لسان امتنان بر این گروه بیان گردیده، نعمتی ویژه است.

14- حضرت مریم (س)، برخوردار از هدایت ویژه الهی و انسانی برگزیده در پیشگاه خداوند

و مَمَّنْ هَدَيْنَا وَاجْتَبَيْنَا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 91 - 10، 12، 6، 2

2- مریم (س)، زنی عفیف و پاک دامن و دارای مقامی بلند در پیشگاه خداوند

والتی أحصنت فرجها

«إِحْصَانٌ» (مصدر «أَحْصَنَتْ») به معنای منع و بازداشتن است و «فَرْجٌ» در اصل به معنای شکاف میان دو شیء مانند (شرمگاه و...) است. منع و بازداشتن فرج، کنایه از پاک دامنی و عفاف است.

6- عفت و پاک دامنی مریم (س)، زمینه ساز برخورداری وی از عنایات ویژه الهی بود.

التي أحصنت فرجها فنحننا فيها من روحنا

تقدم عبارت «والتي أحصنت فرجها» بر «فنحننا فيها من روحنا» می تواند گویای برداشت یاد شده باشد.

10- مریم (س) و فرزندش عیسی (ع)، آیت الهی و نشانه رمز و راز آفرینش خداوندی برای جهانیان

و جعلنها و ابنها آیه للعلمین

12- مریم (س) برخوردار از منزلتی والا و مقامی بلند در پیشگاه خداوند و شخصیتی جهانی

والتي أحصنت فرجها فنحننا فيها من روحنا و جعلنها و ابنها آیه للعلمین

برداشت یاد شده با توجه به سه نکته است: 1- «التي» منصوب به عامل مقدری چون «أذكر» یا «أذكروا» است که در این صورت

ص: 184

فرمان به یادآوری داستان مریم(س) برای همه انسان ها است. 2- نام مریم(س) در ردیف پیامبران الهی قرار گرفت و به دنبال نام آنان آمد.  
3 خداوند مریم(س) را آیت خود برای جهانیان معرفی کرد (و جعلناها و ابنها آیه للعالمین).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - تحریم - 66 - 12 - 17، 14، 12، 4، 3، 1

1 - حضرت مریم (ع) ، نمونه بارز و مثال زدنی برای ایمان و دین داری

ضرب الله مثلاً للذین ءامنوا . . . و مریم ابنت عمرن

3 - حضرت مریم (ع) ، زنی عفیف و پاکدامن و دارای مقامی بلند در پیشگاه خداوند

الَّتِي أَحْصَنَتْ فَرْجَهَا

«إحصان» (مصدر «أحصنت») به معنای منع و بازداشتن است. «فرج» در اصل به معنای شکاف میان دوشیء (مانند شرمگاه و...) است. منع و بازداشتن فرج، کنایه از پاکدامنی و عفاف است.

4 - گواهی خداوند ، بر پاکدامنی و عفت مریم (ع)

الَّتِي أَحْصَنَتْ فَرْجَهَا

12 - مریم (س) ، مؤمن به وحی و کتاب های آسمانی و تصدیق کننده آنها بود .

و صدقت بكلمت ربها و کتبه

14 - مریم (س) شخصیتی اطاعت پیشه و فرمانبردار در برابر خداوند

و كانت من القننین

«قونت» در معنای طاعت و دعا استعمال می شود و در این آیه به معنای اطاعت است.

15 - مریم (س) ، از تبار طاعت پیشگان و از نسل نیکان و خداپرستان

و كانت من القننین

برداشت یاد شده بدان احتمال است که «من» در «من القننین» نشویه باشد؛ یعنی، مریم(س) برآمده از قانتان بود.

17 - حضرت مریم (س) ، دارای شخصیتی بس بلند در پیشگاه خداوند و مورد تکریم و تمجید او

و مریم ابنت عمرن . . . و كانت من القنيتين

تصریح به نام حضرت مریم(س) در سلسله شرح حال زنان الگو و نمونه (همچون آسیه همسر فرعون) می تواند اشاره به نکته یاد شده باشد.

### 116- فلسفه آرزوی مریم(س)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 23 - 14

14- « روی عن الصادق (ع) فی قول مریم « یالیتنی متّ قبل هذا » : لآئها لم ترفی قومها رشیداً ذافراسه ینزهها من السوء ;

از امام صادق(ع) روایت شده که در باره قوم مریم که هنگام تولد عیسی(ع) آرزوی مرگ کرد، فرمود: این بدان جهت بود که در قوم خودش فرد فرزانه هوشمندی را نمی یافت که او را از تهمت زنا تبرئه کند».

ص: 185

## 117- قدرت مریم (س)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 76 - 5,7

5 - مسیح (ع) و مادرش مریم، مالک هیچ سود و زیانی برای مردم نیستند.

اتعبدون من دون الله ما لایملک لکم ضراً ولا نفعاً

7 - پندار قدرت مسیح (ع) و مریم بر سود و زیان رسانی به مردم، از عوامل پرستش آن دو، از سوی مسیحیان \*

قل اتعبدون من دون الله ما لایملک لکم ضراً ولا نفعاً

استدلال بر ناروایی پرستش مسیح (ع) و مادرش مریم به ناتوانی آنان از ضرر رسانی و نفع بخشی، می تواند اشاره به ریشه و عامل پرستش مسیح (ع) و مریم، از سوی نصارا داشته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 25 - 7

7 - به بار نشستن فوری درخت خرما و نیرومندی مریم (س) برای تکان دادن آن، از کرامات او بود.

و هزّی إلیک . . . تسقط

## 118- قصه مریم (س)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - آل عمران - 3 - 37 - 11

11 - زکریا، عهده دار سرپرستی مریم (س)، از جانب خدا

و کفّلها زکریا

«کفل»، دو مفولی است؛ بنابراین معنای «کفّلها زکریا»، چنین می شود: جعل الله زکریا کفیلاً لمریم.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - آل عمران - 3 - 44 - 1



1 - حقایقی از سرگذشت مریم و زکریا، برای اولین بار به پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) گفته شد.

ذلک من انباء الغیب نوحیه الیک

بیان حقایق مذکور اگر در دیگر کتب آسمانی آمده باشد، ظاهراً اطلاق غیب بر آن نمی شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2- آل عمران - 3 - 58 - 7، 3، 1

1 - سرگذشت حضرت زکریا، مریم، یحیی و عیسی (ع) و پیروان آن حضرت، آیات الهی و پند های حکیمانه

ص: 186

ذلك تتلوه عليك من الايات و الذکر الحکیم

«ذلك»، اشاره به سرگذشت کسانی است که در آیات پیشین مطرح شده است.

3- بیان سرگذشت حضرت مریم، زکریا، یحیی و عیسی (ع)، از معجزات و نشانه های صدق پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله)

ذلك تتلوه عليك من الايات

بنابراینکه منظور از «الایات»، با توجه به معنای لغوی آن (علامتها)، نشانه های صداقت پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) باشد.

7- داستان حضرت عیسی، زکریا، مریم و یحیی، سراسر حکمت و مایه تذکر است.

ذلك تتلوه عليك من الايات و الذکر الحکیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2- آل عمران - 3 - 60 - 1

1- سرگذشت زکریا، عیسی، مریم، یحیی و بیان خلقت آدم در قرآن، حق و از جانب پروردگار است.

الحق من ربک

کلمه «الحق»، خبر است برای مبتدای محذوف که «هو» است و مراد از آن، سرگذشت مریم و پیامبرانی است که در آیات سابق بیان شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2- آل عمران - 3 - 61 - 2

2- علم و آگاهی پیامبر (صلی الله علیه و آله) به حقیقت داستان عیسی (ع) و مریم (س) پس از بیان سرگذشت آنان از طریق وحی

فمن حاجک فیه من بعد ما جاءک من العلم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4- نساء - 4 - 156 - 10

10- اتهام ارتباط نامشروع مریم (ع) با مردی نجار به نام یوسف، و باردار شدن وی به عیسی (ع)، بهتان بزرگ یهود به ساحت پاک

مریم

و بکفرهم و قولهم علی مریم بهتناً عظیماً

امام صادق(ع): .. الم ینسبوا مریم بنت عمران الی انها حملت بعیسی من رجل نجار اسمه یوسف ...

---

امالی صدوق، ص 92، ح 3، مجلس 22؛ تفسیر برهان، ج 1، ص 426، ح 2.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 16 - 8، 5، 3

3- مریم از خانواده خویش کناره گیری کرد و در شرق مسجدالاقصی مستقر شد .

واذکر .. مریم إذ انتبذت من أهلها مکاناً شرقیاً

«انتبذ» از ریشه «نذ» و به معنای دوری جستن است. «مکاناً شرقیاً»؛ یعنی جایگاهی روبه شرق و چون حضرت مریم(س) وقف بر معبد(مسجدالاقصی) شده بود، مقصود مکانی در شرق مسجدالاقصی است.

ص: 187

5- مریم (س) در آستانه حامله شدن به عیسی (ع)، در نزدیکی مسجدالاقصی، بستگانی داشت که در میان آنان به سر می برد.

إذ انتبذت من أهلها مكاناً شرقياً

به قرینه «مکاناً قصبياً» در آیه بیست و دوم که ناظر به مکان دومی است که مریم (س) برگزید، مکان شرقی مسجدالاقصی به منطقه مسکونی مردم نزدیک بوده است.

8- پیدایش عارضه ای ناخوشایند در مریم (س)، وادارسازنده وی به انزوا و دورساختن خویش از مردم \*

إذ انتبذت من أهلها

«نبذ»؛ یعنی دورافکندن چیزی بر اثر بی اعتنایی به آن و «انتبذ»، یعنی گوشه گیری کردن کسی که ارزش حضور خود نزد مردم را اندک و ناچیز می بیند (مفردات راغب). برخی از احتمالاتی که در توجیه کناره گیری مریم ذکر شده است - نظیر گذران ایام قاعدگی و مانند آن - با این معنا سازگار است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 17 - 14 - 9، 8، 4، 3، 2، 1

1- حضرت مریم (س) در ناحیه شرقی مسجدالاقصی، مکانی دور از انظار برای خود برگزید و خود را از مردم پنهان ساخت.

فَاتَّخَذتْ مِنْ دُونِهِمْ حِجَابًا

«حجاب» به معنای ساتر و چیزی است که حائل می شود. مراد از «اتَّخَذتْ... حِجَابًا» افکندن پرده و یا رفتن در مکانی است که دارای پوشش طبیعی، مانند دیوار یا کوه و مانند آن باشد.

2- مکانی که مریم با رفتن به آن از دید مردم مخفی شد، به منطقه مسکونی مردم نزدیک بود.

من دونهم

کلمه «دون» گاه برای تقریب و گاه برای تحقیر به کار می رود (العین).

3- در پی استقرار مریم (س) در ناحیه شرقی و در مکانی مستور خداوند فرشته ای ارجمند را به سوی او فرستاد.

فَاتَّخَذتْ مِنْ دُونِهِمْ حِجَابًا فَأَرْسَلْنَا إِلَيْهَا رُوحَنَا

مراد از «روحنا»، به دلیل صفاتی که در ادامه آیات برای او ذکر شده است، یکی از فرشتگان است که عظمت و ارجمندی او در پیشگاه پروردگار، مایه انتساب او به خداوند شده است. با توجه به آیاتی که جبرئیل را «روح الأمين» و «روح القدس» خوانده می توان گفت: این فرشته، همان جبرئیل بوده است.

4- باردار شدن مریم (س) به فرزندش عیسی (ع)، وابسته به حضور او در مکانی خلوت و به دور از انظار مردم بود.

فَاتَّخَذَتْ مِنْ دُونِهِمْ حِجَابًا فَأَرْسَلْنَا إِلَيْهَا رُوحَنَا

«فاء» در «فأرسلنا» برای تقریر است و نشان می‌هد که کارهای قبلی مریم زمینه آمادگی او برای مقام مادری عیسی (ع) و پذیرش فرشته الهی شده است.

8- مأمور ویژه الهی، به صورت مردی معتدل و دارای همه خصوصیات جسمی یک انسان، برای مریم (س) نمودار شد.

فَتَمَثَّلَ لَهَا بَشَرًا سَوِيًّا

«تمثیل»، یعنی صورت پذیری و به شکل چیزی نمودار شدن. «بشراً» حال است برای فاعل «تَمَثَّلَ» و مراد از آن به قرینه آیه بعد، مرد است. «سوی» به معنای معتدل است و «بشراً سَوِيًّا»، یعنی انسانی معتدل که در خصوصیات جسمی خارج از حد افراط و تفریط باشد.

9- چهره جلوه یافته فرشته الهی برای مریم (س)، چهره ای ناآشنا و بی شباهت به هم شهریان و خویشاوندان او بود.

ص: 188

«بشراً» اسم نکره است و بر ناشناخته بودن شخص دلالت دارد.

14- «قال الباقر (ع) : إنيها (مریم) بشرت بعیسی فینا هی فی المحراب إذ تمثل لها الروح الأمين بشراً سوياً ;

امام باقر(ع) فرمود: همانا او (مریم) به ولادت عیسی(ع) بشارت داده شد، پس در حالی که در محراب بود، ناگهان روح الامین به شکل انسانی کامل اندام بر او ظاهر گشت».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 18 - 2، 1

1- برانگیختن روحیه تقوا و خداترسی در مرد ناشناس ، واکنش اعتراض آمیز مریم (س) ، هنگام مشاهده او در خلوت گاه خویش بود .

قالت إني أعود بالرحمن منك إن كنت تقياً

جمله «إن كنت تقياً» دعوت به تقوا در قالب جمله شرطیه است، مفاد آیه این است که اگر متقی هستی - که باید باشی - از من دور شو و خود را گرفتار خشم خداوند مساز، که من خود را در پناه او قرار داده و دفع خطر تو را از او می خواهم.

2- مریم (س) با وحشت از حضور مرد ناشناس نزد وی ، به خداوند پناه برد و او را از خشم خداوند برحذر داشت .

قالت إني أعود بالرحمن منك إن كنت تقياً

مریم(س) به جای «اللهم إني أعود بك» مرد ناشناس را مخاطب ساخت تا ترس از خشم خداوند را در دل او ایجاد کند. «تقوی» ؛ یعنی قرار دادن خویش در وقایه (مانع) از هر چیز ترسناک (مفردات راغب) و «تقیاً»؛ یعنی پرهیزکننده از خطر. به قرینه کلام مریم(س) که مخاطب خود را از خداوند ترساند، مراد خطر خشم خداوند است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 19 - 4، 7، 1

1- مأمور ویژه الهی در پاسخ به نگرانی مریم (س) خود را به او شناساند و فرستاده خدا بودن خود را به او ابلاغ کرد .

قالت إني أعود .. قال إنما أنا رسول ربك

4- عیسی (ع) ، موهبتی ویژه از جانب خداوند به مریم (س) بود .

إنما أنا رسول ربك لأهب لك غلاماً زكياً

با وجود آن که القای روح عیسی (ع) به مریم (س) با وسائط دیگر هم امکان پذیر بوده است، ولی فرستادن جبرئیل و بشارت به مریم و برشمردن ویژگی های آن موهبت، جملگی بر ویژه بودن آن موهبت دلالت دارد.

7- « عن الباقر (ع) [ فی قصّه مریم ] : . . . تمثّل لها الروح الأمين . . . » قال إنّما أنا رسول ربّک لأهبّ لک غلاماً زکّياً « فنفل فی جیبها فحملت بعیسی (ع) » ;

از امام باقر (ع) [در داستان مریم] روایت شده: روح الامین بر وی ظاهر شد . . . و گفت: « إنّما أنا رسول ربّک لأهبّ لک غلاماً زکّياً » پس آب دهان در گریبان وی افکند و او به عیسی (ع) حامله شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 20 - 1,2,3,5,6

1- حضرت مریم (س) از دریافت خبر داشتن پسر، بدون تماس با هیچ بشری شگفت زده شد .

ص: 189

قالت اُتی یکون لی غلم و لم یمسنی بشر

«اُتی» ادات استفهام و به معنای «کیف» (چگونه؟) و یا «من این» (از کجا؟) است و در هر صورت، حاوی تعجب نیز می باشد.

2- مریم (س) از متهم شدن به زنا، در پی دریافت بشارت به عیسی (ع) نگران بود.

اُتی یکون... و لم اک بغیاً

با این که «لم یمسنی بشر» برای نفی اسباب عادی حامله شدن کافی بود، ولی جمله «و لم اک بغیاً» نیز از مریم (س) صادر گردید. برخی آن را قرینه براین قرار داده اند که «لم یمسنی...» تنها به نکاح مشروع نظر دارد و «لم اک بغیاً» نوع نامشروع آن را نفی می کند؛ و محتمل است مراد از «لم یمسنی...» مطلق هم بستری باشد و اضافه شدن «لم اک بغیاً» به این خاطر است که مریم (س) دریافت که در صورت حامله شدن، به زنا متهم خواهد شد. و با این سخن، اظهار کرد که تحمل آن اتهام، بر من سنگین خواهد بود.

3- حضرت مریم (س) از جبرئیل خواست او را از چگونگی پیدایش فرزندش بدون پدر آگاه سازد.

قالت اُتی یکون لی غلم و لم یمسنی بشر و لم اک بغیاً

5- مریم (س) به هنگام مواجهه با جبرئیل، دختری باکره و شوهر ندیده بود.

قالت اُتی یکون لی غلم و لم یمسنی بشر

6- مریم (س)، هنگام دریافت بشارت تولد عیسی (ع)، در شرایط سنی مناسب و سلامت جسمی لازم برای بارداری بود.

و لم یمسنی بشر و لم اک بغیاً

آنچه در کلام مریم، مانع پیدایش عیسی (ع) قلمداد شده است، به نبود پدر مربوط می شود و سخنی از آمادگی جسمی نداشتن مریم مطرح نشده است. بنابراین او از این جهت مشکلی نداشته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 21 - 9، 2، 1

1- جبرئیل، شگفت زدگی مریم (س) را امری به جا دانست و بر عفت و پاکدامنی وی گواهی داد.

قال کذلک

«کذلک» خبر برای مبتدای محذوف و مرکب از حرف تشبیه و اسم اشاره است. مشارالیه آن ممکن است گفتار مریم (س) باشد، در این مفاد آیه این است که گرچه موضوع همان گونه است که گفتم، ولی خداوند این کار را بر خویش دشوار نمی بیند.

2- جبرئیل در پاسخ به سؤال و نگرانی مریم بر حتمی بودن وعده الهی و حامله شدن او به عیسی (ع) تأکید کرد.



چنان چه مشارالیه «ذلک» مضمون رسالت جبرئیل باشد، در این صورت تأکیدی بر تحقق حتمی بشارت است؛ یعنی «موضوع همان گونه است که گفتیم».

9- توجه مریم (س) به ربوبیت خداوند، را به آسانی و امکان بارداریش به عیسی (ع) مطمئن می ساخت.

قال ربّک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 22 - 7، 2، 1

1- حضرت مریم (س) به فرمان و خواست خداوند، بدون هیچ آمیزش جنسی به عیسی (ع) حامله شد.

فحمله

ص: 190

2- حضرت مریم (س) در پی حامله شدن به عیسی (ع)، از منطقه خویشاوندان خود فاصله گرفت و به مکان دوردستی رفت.

فحمله فانتبذت به مکاناً قصباً

«إنتبذ» از ریشه «نبد» و به معنای دوری گزیدن است. «باء» در «به» یا برای ملابست و یا سببیه؛ یعنی دوری گزیدن مریم، همراه حمل خود و یا به خاطر آن، صورت گرفت. «قصی» صفت مشبیه و به معنای «دور» است.

7- «عن أبي عبدالله (ع) ... قال: إنَّ مریم (ع) ... حملته سبع ساعات؛

از امام صادق (ع) روایت شده که ... فرمود: همانا مریم (ع) ... هفت ساعت به عیسی (ع) حامله بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 23 - 14، 15، 6، 7، 8، 5، 3، 2

2- مریم (س) هنگام زایمان، تنها و بدون پرستار و در مکانی دور از مناطق مسکونی، به سر می برد.

مکاناً قصباً . فأجاءها المخاض إلى جذع النخلة

در جمله «أجاءها المخاض»، آوردن مریم کنار درخت، به درد زایمان نسبت داده شده و آیات بعد، نوزاد او را راهنمای وی به آب معرفی کرده است، علاوه بر آن، مریم (س) برای تهیه خرما، خود مجبور به حرکت دادن نخله شد، مجموعه این امور می تواند قرائن تنهایی مریم به هنگام زایمان باشد.

3- زایمان مریم (س) در سرزمینی گرمسیر و دارای نهال های نخل صورت گرفت.

فأجاءها المخاض إلى جذع النخلة

«نخل» در سرزمینی می روید که دارای آب و هوای گرم باشد.

5- حضرت مریم (س) به هنگام زایمان آرزو کرد: کاش قبل از باردار شدن مرده بود و به کلی از یاد ها رفته بود.

فأجاءها المخاض ... قالت یلیتني متّ قبل هذا و كنت نسیاً منسیاً

جمله «و كنت نسیاً منسیاً» قرینه است بر این که انگیزه مریم از آرزوی مرگ، رهایی از زخم زبان مردم بوده است، گرچه به قرینه «الأتحننی قد جعل...» تنهایی و بی آب و غذایی، نیز او را اندوهناک ساخته بود، ولی این همه، تبعات همان گریز از زخم زبان است؛ یعنی کاش پیش از حاملگی مرده بودم، که برای فرار از بیشتر مردم مجبور به تحمل این آوارگی نباشم.

6- ناراحتی ها و فشار های روحی مریم (س) به هنگام تولد عیسی (ع)، خارج از حدّ توصیف بود.

فأجاءها المخاض إلى جذع النخلة قالت یلیتني متّ قبل هذا و كنت نسیاً منسیاً

آرزوی مرگ از جانب شخصیتی چون مریم(س) که مورد عنایت خاص خداوند بود، باید در شرایطی صورت گرفته باشد که وضعیتی فوق تحمل و طاقت برایش پیش آمده باشد، این حالت - به قرینه آیات بعد - فشارهای روحی ناشی از احتمال اتهام و آوارگی حاصل از آن است.

7- مرگ در حال بارداری و یا پس از وضع حمل، نمی توانست پایان بخش نگرانی های مریم (س) باشد.

یلیتی متّ قبل هذا

«هذا» در کلام مریم(س)، اشاره به اصل بارداری است نه آوارگی و تنهایی و سختی زایمان، زیرا پیدایش این امور به خواست خود مریم و برای رهایی از زخم زبان مردم بود، بنابراین او که از اتهام زنا، حتی پس از مرگ خود بیم داشت، رهایی از اتهام را در گرو مرگ پیش از بارداری می دید.

8- مریم (س)، حامله بودن خود را در تمام مدت، از مردم پنهان کرده بود.

مکاناً قصیّاً . فأجاءها المخاض ... یلیتی متّ قبل هذا و کنت نسیّاً منسیّاً

رفتن به مکان دوردست و نیز تنهایی و بی سرپناهی به هنگام وضع حمل، نشان می دهد که تا آن زمان مریم(س) توانسته بود

ص: 191

حامله بودن خود را از مردم پنهان کند.

14- « روی عن الصادق (ع) فی قول مریم « یالیتی متّ قبل هذا » : لآئها لم ترفی قومها رشیداً ذافراسه ینزهها من السوء ;

از امام صادق(ع) روایت شده که در باره قوم مریم که هنگام تولد عیسی(ع) آرزوی مرگ کرد، فرمود: این بدان جهت بود که در قوم خودش فرد فرزانه هوشمندی را نمی یافت که او را از تهمت زنا تبرئه کند».

15- « عن الصادق (ع) [ فی قصه مریم ] : إنّ زکریا و خالتها أقبلا یقضان أثرها حتی هجما علی ها و قد وضعت ما فی بطنها و هی تقول : « یالیتی متّ قبل هذا و کنت نسیاً منسیاً » ;

از امام صادق(ع) [در داستان مریم] روایت شده که زکریا و خاله مریم به جست و جوی او برآمدند تا این که به طور ناگهانی به او برخوردند، در حالی که فرزندش (عیسی) را به دنیا آورده بود و می گفت: «یالیتی متّ قبل هذا...».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 24 - 3,5,6

2- حضرت عیسی (ع) در شرایط سخت روحی و جسمی مادرش مریم (س) پس از زایمان با وی سخن گفت و او را دل داری داد .

فحملته .. فنادیها من تحتها ألا تحزنی

مراد از ضمیر فاعلی در «نادی» - به قرینه ضمائر «فحملته فانتبذت به» در آیات قبل - حضرت عیسی(ع) است و مراد از ضمیر «من تحتها» همانند ضمیر «فنادها» حضرت مریم(س) است. برخی فاعل «نادی» را جبرئیل دانسته و ضمیر «من تحتها» را به «نخله» یا «مریم» ارجاع داده اند؛ ولی سیاق آیات با آنچه گفته شد سازگارتر است.

3- عیسی (ع) در بدو تولد ، مادرش مریم (س) را به اندوهگین نبودن توصیه کرد .

فنادیها من تحتها ألا تحزنی

5- عیسی (ع) در بدو تولد ، مادرش مریم (س) را به روان شدن جویباری در پایین دست او بشارت داد .

فنادیها .. قد جعل ربک تحتک سریاً

6- نبود آب به هنگام زایمان ، موجب نگرانی شدید مریم (س) شده بود .

ألا تحزنی قد جعل ربک تحتک سریاً

«قد جعل» تعلیل برای «ألا تحزنی» است، یعنی محزون نباش، زیرا خداوند در پایین دست تو آبی روان قرار داده است. از این تعلیل می توان دریافت که تا چه اندازه مریم(س) برای آب نگران بوده و این بشارت چه نقشی در شادمانی وی ایفا کرده است.

2- نخلی که مریم (س) در کنار آن وضع حمل نمود، میوه نداشت.

و هزّی إلیک بجذع النخله تسقط علیک رطبًا جنیًّا

جمله «تساقط علیک...» گویای امتنان بر مریم(س) است، نه خبر از اثر طبیعی تکان دادن درخت، چرا که این موضوع نیازی به راهنمایی نداشت؛ بنابراین، پس از تکان دادن درخت بود که خرما می ریخت. اضافه شدن کلمه «جذع» به کلام و نیز اسناد «تساقط» به «نخله»، خشک بودن درخت و خارق العاده بودن ریزش خرما را تأیید می کند.

3- بارور شدن و ثمر دادن غیر طبیعی درخت خرما، به تلاش مریم (س) و کشیدن و تکان دادن نخل وابسته بود.

و هزّی إلیک... تسقط

فعل «تساقط» مجزوم است و عامل جزم آن شرط مقدر است؛ یعنی اگر درخت را تکان دهی و به سمت خود بکشی، برای تو خرما می ریزد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 26 - 1,3,7,8,9,10,11,16

1- حضرت عیسی (ع) در آغاز تولد خویش، مادرش مریم (س) را به خوردن خرمای تازه و نوشیدن از آب نهر فرا خواند.

فنادیها من تحتها .. تحتک سریاً ... رطباً جنیاً . فکلی واشربی

3- سخن گفتن عیسی (ع) با مادر خود و تأمین آب و غذا به صورت خارق العاده، زمینه های مسرت و چشم روشنی مریم (س) و رفع نگرانی او از آینده بود.

فنادیها .. فکلی واشربی و قرّی عیناً

«عیناً» تمییز و بیانگر مراد جدی از فاعل است و «قرّی» از ماده «قرار» (آرام گرفتن) و یا «قرّ» (سرد شدن) است. در صورت اول جمله «قرّی عیناً»، یعنی «چشم آرمیده باش» و در صورت دوم، یعنی «خنک چشم باش» (چشم از اشک سوزان به دور باشد) و در هر صورت، کنایه از خوش دلی و شادمانی است که چشم از نگرانی و اضطراب باز می ایستد و از سوزش اشک اندوه، مصون می ماند. ارتباط جمله «قرّی عیناً» با جملات قبل، گویای برداشت فوق است.

7- عیسی (ع)، وظیفه دفاع از مادر خویش در مقابل تهمت های مردم را به عهده گرفت.

فإمّاترین من البشر أحداً فقولی إئی نذرت للرحمن صوماً

توصیه مادر به سکوت از جانب عیسی (ع) بدان معنا بود که او نگران دفاع از خود نباشد، چرا که عیسی (ع) خود آن را انجام خواهد داد. سخن گفتن عیسی (ع) با مادر پس از ولادت، این اطمینان را به مریم داده بود که او بر این کار کاملاً توانا است.

8- عیسی (ع)، شیوه برخورد با مردم و چگونگی واکنش در برابر بهتان آنان را به مادرش مریم (س) آموخت.

فإمّا ترین من البشر أحداً فقولی

9- حضرت مریم (س) در هنگام وضع حمل و پس از آن، تا زمان بازگشت به قوم خویش تنها بود.\*

فحملته فانتبذت به مکان قصیاً .. فإمّا ترین من البشر أحداً

جمله شرطیه «فإمّا ترین ..» ممکن است بر این دلالت کند که در هنگام وضع حمل و بعد از آن بشری در آنجا نبوده است، گرچه - به قرینه سیاق کلام - می توان گفت: مراد عموم انسان ها نیستند، بلکه افرادی مورد نظر هستند که فرزند داشتن مریم برای آنان سؤال انگیز باشد. برخی «ال» در «البشر» را برای عهد و اشاره به قوم مریم دانسته اند.

10- عیسی (ع) ، مادرش مریم (س) را به نذر روزه سکوت ، هنگام مواجهه با مردم توصیه کرد .

فَإِمَّا تَرِينَّ مِنَ الْبَشَرِ أَحَدًا فَقُولِي إِنَّي نَذَرْتُ لِلرَّحْمَنِ صَوْمًا

11- مریم (س) ، نذر روزه سکوت را پس از مواجهه با اولین نفر از افراد جامعه خویش منعقد ساخت .

فَإِمَّا تَرِينَّ مِنَ الْبَشَرِ أَحَدًا فَقُولِي إِنَّي نَذَرْتُ

ظاهر «فقولی» آن است که مریم مفاد نذر خود را با زبان بیان کرده باشد؛ در این صورت همان جمله «إِنِّي نَذَرْتُ . . .» صیغه نذر بوده و نذر مریم با گفتن آن منعقد شده است.

16- جسم و روح مریم (س) ، تحت مراقبت ویژه خداوند بود .

فنادیها . . . فکلی و اشربی . . . فإماترین

ندا دهنده به مریم هرکس که باشد (چه عیسی(ع) و یا فرشته) از جانب خداوند و به فرمان او بوده است، لذا باید گفت مریم(س) در تمامی این حالات در مراقبت خاصی از جانب خداوند قرار داشته است.

ص: 193

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 27 - 1,2,3,6

1- مریم (س) پس از دریافت رهنمود های نوزادش عیسی (ع) ، او را آشکارا در آغوش خود گرفت و نزد قومش برد .

فأنت به قومها تحمله

2- مریم (س) به هنگام بازگشت میان مردم ، فارغ از هرگونه هراس و نگرانی بود .

فکلی و اشربی . . . فإمّاتین من البشر ... فأنت به قومها تحمله

با این که جمله «أنت به قومها» برای بیان آوردن عیسی (ع) توسط مادرش، جمله ای کامل است، ولی جمله حالیه «تحمله» نیز بر آن اضافه گردیده است تا بر مباشرت مریم (س) در حمل کردن فرزندش دلالت کند؛ یعنی دیگر مریم (س) انگیزه ای برای پنهان داشتن فرزند خود نداشته است، بلکه آشکارا او را در بغل گرفته و به میان مردم آمد.

3- مردم با دیدن مریم (س) همراه کودک خویش ، بدون پرس و جو او را به زنا متهم کردند .

فأنت به قومها تحمله قالوا یمریم لقد جئت شیئاً فریاً

«فریاً» صفت مشبیه به معانی «سنگین و بزرگ» و «شگفت» و «کار بی سابقه» آمده و از ریشه «فری» به معنای قطع گرفته شده است؛ به این تناسب که چنین عملی قطع روند گذشته است. در هر صورت مراد کسانی که این سخن را به مریم (س) گفتند، اتهام زنا و خلاف بوده است.

6- «عن أبی جعفر (ع) قال : لمّا قالت العواتق . . . لمریم (ع) : «لقد جئت شیئاً فریاً» أنطق الله تعالی عیسی (ع) عند ذلک ;

از امام باقر (ع) روایت شده که فرمود: چون دختران نوس به مریم گفتند: «لقد جئت شیئاً فریاً» خداوند در آن هنگام زبان عیسی (ع) را به سخن گفتن گشود.»

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 28 - 1,6

1- قوم مریم با بیان عفت و پاکدامنی پدر و مادر وی ، او را در فرزنددار شدن بدون ازدواج سرزنش کردند .

ما کان أبوک امرأ سوء و ما کانت أمک بغیاً

6- مردم بیت المقدس ، مریم (س) را به زنا متهم کردند .

و ما کانت أمک بغیاً



«بغی»، یعنی زن بدکاره (قاموس). مردم گرچه مریم (س) را صریحاً به زنا متهم نکردند، ولی با کنایه این کار را انجام دادند. جمله «و ما کانت...» (مادرت بدکاره نبود)، یعنی تو این چنین هستی.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 29 - 1,2,3,4,5,7

1- مریم (س) با اشاره به نوزادش (عیسی (ع)) کار پاسخ گویی به اتهامات وارده را به او واگذار کرد.

و ما کانت أممک بغیاً . فأشارت إلیه

2- حضرت مریم (س) ، هنگام مواجه شدن با اتهام های قوم خود ، در حال روزه بود و سخن نمی گفت .

فأشارت إلیه

ص: 194

3- حضرت مریم (س) به قدرت نوزادش عیسی (ع) در سخن گفتن و رفع اتهامات یقین داشت .

فأشارت إليه

آمدن مریم به میان قوم خویش، آوردن علنی و آشکار فرزند و اشاره کردن به سوی نوزاد به جای پاسخ گویی به اتهامات، بیانگر یقین او است.

4- ورود مریم (س) با نوزادش عیسی (ع) بر قوم خویش، به هنگام روز بود .

فلن أکلم الیوم إنسیاً .. فأشارت إليه

5- مردم، از واگذارشدن پاسخ اتهامات از سوی مریم (س) به نوزادش عیسی (ع)، شگفت زده شده و آن را باور نکردند .

فأشارت إليه قالوا کیف نکلم من کان فی المهد صبیباً

استفهام در آیه انکاری است. این انکار را چندین تأکید نیز همراهی می کند: 1) فعل «کان» که در این موارد بر ماضی دلالت ندارد، بلکه استقرار و ثبوت را می فهماند؛ 2) قید «فی المهد» که نشانه ناتوانی عیسی (ع) از هرگونه حرکتی است؛ 3) قید «صبیباً» که با وجود «فی المهد» نیازی به آن نبود، ولی گویندگان آن را به منظور تأکید انکار و تعجبشان افزودند.

7- مریم (س) از سوی افرادی متعدد به زنا متهم شده بود .

قالوا یمریم .. قالوا کیف نکلم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 30 - 1

1- نوزاد مریم (س) با اشاره مادرش و در حضور مردم شروع به سخن گفتن کرد .

فأشارت إليه .. قال إتی عبداللّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 33 - 4

4- عیسی (ع) با سالم خواندن مرحله ولادت خویش از هر عیب و ناپسندی، بر میرابودن مادرش مریم (س) از اتهامات ناروای مردم تأکید کرد .

والسلم علیّ یوم ولدت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 91 - 4,4

4- بارداری مریم (س) و تولد حضرت مسیح (ع) با دمیده شدن روح الهی در او بود .

فنفخنا فیها من روحنا

4- بارداری مریم (س) و تولد حضرت مسیح (ع) با دمیده شدن روح الهی در او بود .

فنفخنا فیها من روحنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 50 - 4,5,10

4 - نقل مکان کردن مریم به همراه نوزادش (عیسی) ، به محلی دیگر غیر از زادگاه او

ص: 195

و ءاوينهما إلی ربوه

«إیواء» (مصدر «آوینا») به معنای امکان و جای دادن است. «ربوه» نیز به تپه و هر زمین بلند گفته می شود. «ذات قرار» (مرادف «مستقر») به معنای جای زیست است و «معین» به آبی که بر روی زمین جاری باشد، گفته می شود.

5- استقرار مریم و نوزادش (عیسی)، در سرزمینی بلند، آرام و دارای آبی روان

و ءاوينهما إلی ربوه ذات قرار و معین

10- برخورداری حضرت عیسی و مریم (ع)، از امکانات و آسایش زندگی

و ءاوينهما إلی ربوه ذات قرار و معین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - تحریم - 66 - 12 - 4,6

4- گواهی خداوند، بر پاکدامنی و عفت مریم (ع)

الَّتِي أَحْصَنَتْ فَرْجَهَا

6- بارداری مریم (س) و تولد مسیح (ع)، با دمیده شدن روح الهی در او

فَنفَخْنَا فِيهِ مِنْ رُوْحِنَا

### 119- کرامات مریم (س)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 25 - 6,7

6- حضرت مریم (س) مورد عنایت ویژه خداوند و دارای کرامت بود.

و هزّی إلیک . . . تسقط

7- به بار نشستن فوری درخت خرما و نیرومندی مریم (س) برای تکان دادن آن، از کرامات او بود.

و هزّی إلیک . . . تسقط

### 120- کرامت مریم (س)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - آل عمران - 3 - 37 - 24

24 - کرامت مریم (س)، و ظهور امور خارق العاده برای وی

وجد عندها رزقاً .. قالت هو من عند الله

ص: 196

## 121- کفالت مریم (س)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - آل عمران - 3 - 37 - 11، 13، 15، 19

11 - زکریا، عهده دار سرپرستی مریم (س)، از جانب خدا

و کفّلتها زکریا

«کفل»، دو مفولی است؛ بنابراین معنای «کفّلتها زکریا»، چنین می شود: جعل الله زکریا کفیلاً لمریم.

13 - نقش سرپرستی حضرت زکریا، در رشد و تعالی معنوی مریم (س)

و انبتها نباتاً حسناً و کفّلتها زکریا

تصریح خداوند به سپردن کفالت مریم به زکریا پس از «انبتها ..»، بیانگر ارتباط میان رشد معنوی مریم و کفالت زکریا است.

15 - خداوند، مریم را به رشد جسمی شایسته ای رسانید و سپس زکریا را کفیل او قرار داد.

و انبتها نباتاً حسناً و کفّلتها زکریا

بنابراینکه مراد از «انبات» (رشد دادن) رشد و پرورش جسمی نیز باشد، گفتنی است که تقدیم «انبتها» بر «کفّلتها»، می تواند بیانگر این نکته باشد که سپردن کفالت مریم به زکریا پس از رشد جسمانی او بوده است.

19 - نظارت همه جانبه و دقیق حضرت زکریا بر زندگی مریم (س)

کلما دخل علیها .. قال یا مریم انّی لک هذا

زیرا حضرت زکریا حتی نسبت به غذای او که از کجا آمده است، توجه داشت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - آل عمران - 3 - 44 - 7، 8، 9، 12، 13

7 - نزاع میان سران کنیسه در سرپرستی مریم، و روی آوردن آنان به قرعه برای تعیین سرپرست

اذ یلقون اقلامهم یكفّل مریم .. اذ یختصمون

8 - شگفتی سرگذشت نزاع میان سران کنیسه، در مورد سرپرستی مریم و توسل آنان به قرعه \*

و ما كنت لديهم اذ يلقون اقلامهم ايّهم يكفل مريم و ما كنت لديهم اذ يختصمون

به نظر می رسد تکرار «ما كنت لديهم»، اشاره به شگفتی جریان نزاع باشد.

9- شخصیت والای معنوی مريم، مایه رقابت سران کنیسه در سرپرستی او\*

و ما كنت لديهم اذ يلقون اقلامهم ايّهم يكفل مريم .. اذ يختصمون

ظاهراً نزاع افراد برای به دست آوردن سرپرستی حضرت مريم بوده است و نه به عهده دیگری گذاشتن

12 - انجام قرعه کشی بین شش نفر، برای تعیین سرپرست مريم (س)

و ما كنت لديهم اذ يلقون اقلامهم ايّهم يكفل مريم

امام باقر (ع): اول من سوهم عليه مريم بنت عمران و هو قول الله عزّ و جل «و ما كنت لديهم اذ يلقون اقلامهم ايّهم يكفل مريم» و السهام  
سته.

---

من لا يحضره الفقيه، ج 3، ص 51، ح 1، ب 38؛ خصال صدوق، ص 156، ح 198، باب الثلاثة.

13 - قرعه کشی برای تعیین سرپرست مريم، به هنگام درگذشت پدر وی

اذ يلقون اقلامهم ايّهم يكفل مريم

ص: 197

امام باقر (ع): .. «اذ یلقون اقلامهم ایهم یکفل مریم» حین ایتمت من اییها.

تفسیر عیاشی، ج 1، ص 173، ح 47؛ بحار الانوار، ج 14، ص 192، ح 2.

## 122- کیفیت بارداری مریم (س)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 22 - 5

5- «عن سلیمان الجعفری قال: قال أبو الحسن الرضا (ع): أتدری ممّا حملت مریم (س)؟ فقلت: لا إلا أن تخبرنی فقال: من تمر الصرفان نزل بها جبرئیل، فأطعمها فحملت؛

(2) خرماي صرفان، خرمايي است که در تابستان به دست می آید، لکن به خاطر مقاوم بودنش در زمستان مصرف می شود».

## 123- گریه مریم (س)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 58 - 16

16- زکریا، یحیی، مریم (س)، عیسی، ابراهیم، اسحق، یعقوب، موسی، هارون، اسماعیل، و ادیس (ع)، هنگام شنیدن آیات الهی به سجده می افتادند و در حال سجود اشک می ریختند.

أولئك .. إذا تتلى عليهم آيات الرحمن خرّوا سجّداً و بکياً

## 124- گواهان عفت مریم (س)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 21 - 1

1- جبرئیل، شگفت زدگی مریم (س) را امری به جا دانست و بر عفت و پاکدامنی وی گواهی داد.

قال کذلک

«کذلک» خبر برای مبتدای محذوف و مرکب از حرف تشبیه و اسم اشاره است. مشارالیه آن ممکن است گفتار مریم (س) باشد، در این مفاد آیه این است که گرچه موضوع همان گونه است که گفتم، ولی خداوند این کار را بر خویش دشوار نمی بیند.



**125- گواهی بر عفت مریم (س)**

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 198

4- گواهی خداوند، بر پاکدامنی و عفت مریم (ع)

الَّتِي أَحْصَنَتْ فَرْجَهَا

### 126- مادر مریم (س)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2- آل عمران - 3 - 36 - 14، 12، 11

11 - درخواست مادر مریم از خداوند، برای حفظ همیشگی مریم و نسل او از شر شیطان

وَأَنِّي أَعِذُّهَا بِكَ وَذُرِّيَّتَهَا مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ

از استعمال فعل مضارع «اعیذ»، دوام و استمرار استفاده شده است.

12 - علاقه مادر حضرت مریم به سعادت‌مندی نسل خویش

وَأَنِّي أَعِذُّهَا بِكَ وَذُرِّيَّتَهَا

14 - تعالی روحی و معنوی مادر حضرت مریم (همسر عمران)

اذْ قَالَتْ .. رَبِّ .. أَنِّي سَمَّيْتُهَا مَرْيَمَ وَأَنِّي أَعِذُّهَا

از توجه به خدا، خلوصش در نذر و نامی که برای فرزند خویش انتخاب کرد (مریم به معنی عابده)، برداشت فوق استفاده شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2- آل عمران - 3 - 37 - 2

2- اجابت دعای مادر مریم از سوی خداوند، درباره حفظ مریم (س) از شر شیطان

أَنِّي أَعِذُّهَا .. فَتَقَبَّلَهَا ... وَابْتَهَا نَبَاتًا حَسَنًا

### 127- محافظت از مریم (س)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 26 - 16

16- جسم و روح مریم (س)، تحت مراقبت ویژه خداوند بود.

فنادیها... فکلی و اشربی... فإماتین

ندا دهنده به مریم هرکس که باشد (چه عیسی (ع) و یا فرشته) از جانب خداوند و به فرمان او بوده است، لذا باید گفت مریم (س) در تمامی این حالات در مراقبت خاصی از جانب خداوند قرار داشته است.

ص: 199

## 128- مدافع مریم (س)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 26 - 7

7- عیسی (ع)، وظیفه دفاع از مادر خویش در مقابل تهمت های مردم را به عهده گرفت .

فإمّاترین من البشر أحداً فقولى إئى نذرت للرحمن صوماً

توصیه مادر به سکوت از جانب عیسی (ع) بدان معنا بود که او نگران دفاع از خود نباشد، چرا که عیسی (ع) خود آن را انجام خواهد داد. سخن گفتن عیسی (ع) با مادر پس از ولادت، این اطمینان را به مریم داده بود که او براین کار کاملاً توانا است.

## 129- مدت بارداری مریم (س)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 22 - 7

7- «عن أبی عبدالله (ع) . . . قال : إن مریم (ع) . . . حملته سبع ساعات ;

از امام صادق (ع) روایت شده که . . . فرمود: همانا مریم (ع) . . . هفت ساعت به عیسی (ع) حامله بود».

## 130- مدح مریم (س)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - تحریم - 66 - 12 - 17

17 - حضرت مریم (س)، دارای شخصیتی بس بلند در پیشگاه خداوند و مورد تکریم و تمجید او

و مریم ابنت عمرن . . . و كانت من القننن

تصریح به نام حضرت مریم (س) در سلسله شرح حال زنان الگو و نمونه (همچون آسیه همسر فرعون) می تواند اشاره به نکته یاد شده باشد.

## 131- مرگ مریم (س)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 23 - 7

7- مرگ در حال بارداری و یا پس از وضع حمل ، نمی توانست پایان بخش نگرانی های مریم ( س ) باشد .

یلبتئی متّ قبل هذا

«هذا» در کلام مریم(س)، اشاره به اصل بارداری است نه آوارگی و تنهایی و سختی زایمان، زیرا پیدایش این امور به خواست خود مریم و برای رهایی از زخم زبان مردم بود، بنابراین او که از اتهام زنا، حتی پس از مرگ خود بیم داشت، رهایی از اتهام را در گرو

ص: 200

مرگ پیش از بارداری می دید.

### 132- مریم (س) از آیات خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 91 - 10

10- مریم (س) و فرزندش عیسی (ع)، آیت الهی و نشانه رمز و راز آفرینش خداوندی برای جهانیان

و جعلناها و ابنها آیه للعلمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 50 - 1

1 - حضرت عیسی و مادرش مریم (ع)، نشانه ای الهی برای امت پس از حضرت موسی (ع)

ثم أرسلنا موسی . . . و جعلنا ابن مریم و أمه آیه

### 133- مریم (س) از صالحان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - تحریم - 66 - 12 - 15

15 - مریم (س)، از تبار طاعت پیشگان و از نسل نیکان و خداپرستان

و كانت من القننین

برداشت یاد شده بدان احتمال است که «من» در «من القننین» نشویه باشد؛ یعنی، مریم (س) برآمده از قانتان بود.

### 134- مریم (س) در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 110 - 4

4- خداوند، در روز قیامت و در مجمع پیامبران، نعمت های ارزانی شده به عیسی و مادرش مریم را به وی یادآوری خواهد کرد.

یوم یجمع الله الرسل فیقول . . . اذ قال الله یعیسی ابن مریم اذکر نعمتی علیک و عمل

کلمه «اذ» در «اذ قال اللّٰه» بدل اشتمال برای کلمه «یوم . . .» می باشد.

ص: 201

### 135- مریم (س) در مسیحیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 75 - 15

15 - الوهیت مریم (ع) (مادر مسیح (ع)) پندار برخی از مسیحیان \*

کانا یا کلان الطعام

تصریح به نیاز روزمره حضرت مریم (ع) به تغذیه که صفتی ناسازگار با خدا بودن است، می رساند که گروهی از مسیحیان چنین می پنداشتند که وی دارای مقام الوهیت می باشد.

### 136- مریم (س) کنار مسجد الاقصی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 16 - 5

5- مریم (س) در آستانه حامله شدن به عیسی (ع)، در نزدیکی مسجد الاقصی، بستگانی داشت که در میان آنان به سر می برد.

إذ انتبذت من أهلها مكاناً شرقياً

به قرینه «مکاناً قصبياً» در آیه بیست و دوم که ناظر به مکان دومی است که مریم (س) برگزید، مکان شرقی مسجد الاقصی به منطقه مسکونی مردم نزدیک بوده است.

### 137- مریم (س) و عیسی (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 75 - 11

11 - مریم (ع) با اعتقاد به رسالت فرزندش مسیح (ع)، نه وی را ابدی می پنداشت و نه فرزند خدا

امه صدیقه

«صدیق» چنانچه جوهری در «الصالح» آورده است - به کسی گفته می شود که بسیار تصدیق کننده باشد و متعلق تصدیق - به قرینه صدر آیه - رسالت مسیح، فناپذیری او و فرزند نبودن وی برای خداست.

### 138- مریم (س) هنگام استماع آیات خدا



جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 58 - 16

16- زکریا، یحیی، مریم (س)، عیسی، ابراهیم، اسحق، یعقوب، موسی، هارون، اسماعیل، وادریس (ع)، هنگام شنیدن

ص: 202

آیات الهی به سجده می افتادند و در حال سجود اشک می ریختند .

أولئك .. إذا تتلى عليهم آيات الرحمن خرّوا سجّداً و بکیّاً

### 139- مسکن خویشاوندان مریم (س)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 16 - 4.5

4- خویشاوندان مریم ، در غیر جهت شرقی مسجد الاقصی سکونت داشتند .

انتبذت من أهلها مکاناً شرقیّاً

5- مریم (س) در آستانه حامله شدن به عیسی (ع) ، در نزدیکی مسجد الاقصی ، بستگانی داشت که در میان آنان به سر می برد .

إذ انتبذت من أهلها مکاناً شرقیّاً

به قرینه «مکاناً قصبیّاً» در آیه بیست و دوم که ناظر به مکان دومی است که مریم (س) برگزید، مکان شرقی مسجد الاقصی به منطقه مسکونی مردم نزدیک بوده است.

### 140- مسکن مریم (س)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 16 - 5

5- مریم (س) در آستانه حامله شدن به عیسی (ع) ، در نزدیکی مسجد الاقصی ، بستگانی داشت که در میان آنان به سر می برد .

إذ انتبذت من أهلها مکاناً شرقیّاً

به قرینه «مکاناً قصبیّاً» در آیه بیست و دوم که ناظر به مکان دومی است که مریم (س) برگزید، مکان شرقی مسجد الاقصی به منطقه مسکونی مردم نزدیک بوده است.

### 141- مسؤولیت مریم (س)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - آل عمران - 3 - 43 - 1

1 - مریم ، مأمور به اطاعت خاضعانه ، سجده و رکوع (نماز) ، در برابر پروردگارش



### 142- معبودیت مریم (س)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 76 - 3

3 - مسیح (ع) و مادرش مریم ، معبود برخی مسیحیان

قالوا إنّ الله هو المسيح .. قل اتعبدون من دون الله

مصدق مورد نظر از «من دون الله» - به قرینه آیات گذشته - مسیح(ع) و مادرش مریم است.

### 143- معجزه مریم (س)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - آل عمران - 3 - 38 - 4

4 - زکریا با مشاهده رزقی که خارج از اسباب طبیعی به مریم اعطا شده بود ، علی رغم کهنسالی خود ، از خدا تمنای فرزند کرد .

هنا لك دعا زكريا ربه

بنابراینکه مشارالیه «هنا لك»، اعطای رزق از راه غیر طبیعی به مریم باشد که خداوند، بدین گونه به آن اشاره کرده است: ان الله يرزق من يشاء بغير حساب.

### 144- معلم مریم (س)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 26 - 8

8- عیسی (ع) ، شیوه برخورد با مردم و چگونگی واکنش در برابر بهتان آنان را به مادرش مریم (س) آموخت .

فإنّما ترين من البشر أحداً فقولى

### 145- مقام مریم (س)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - آل عمران - 3 - 36 - 22, 7, 4

4 - عظمت شخصیت حضرت مریم (س) در پیشگاه خداوند

والله اعلم بما وضعت و ليس الذكر كالأُنثى

بنابراینکه «ال» در «الأُنثى»، عهد حضوری باشد. یعنی پسری که تو می خواستی، مانند این دختر که به تو دادیم نیست. و این لحن، نشانگر عظمت شخصیت حضرت مریم است.

ص: 204

7- شرافت مریم (س) بر همه مردان عصر خویش

ولیس الذکر کالأنثی

الف و لام در «الأنثی»، عهد حضوری و اشاره به مریم است. الف و لام «الذکر»، برای جنس یا استغراق است. گفتنی است که در برداشت فوق جمله «ولیس الذکر کالأنثی» کلام خدا دانسته شده است.

8- امیدبخشی خداوند به مادر مریم (س)، نسبت به آینده درخشان فرزندش

ولیس الذکر کالأنثی

بنابراینکه «ولیس الذکر کالأنثی»، کلام خدا باشد.

22- اجابت دعای همسر عمران، در مورد حفظ مریم (س) و فرزندش از شرّ شیطان

و انّی اعیذها بک و ذریّتها من الشیطان الرجیم

رسول خدا (صلی الله علیه و آله): ... و قال عیسی (ع) فیما ینثی علی ربه: و اعاذنی و امی من الشیطان الرجیم فلم یکن له علینا سبیل.

---

الدر المنثور، ج 2، ص 184.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - آل عمران - 3 - 37 - 8، 7، 3، 1

1 - مریم (س)، در پی نذر مادرش، از سوی خداوند به شایستگی پذیرفته شد.

فتقبّلها ربّها بقبول حسن

3 - عنایت ویژه خداوند به رشد و تربیت معنوی مریم (س)

و انبتها نباتاً حسناً

7 - عظمت و تعالی معنوی و عصمت حضرت مریم (س)

فتقبّلها ربّها .. و انبتها

از اینکه خداوند، خود مریم را پذیرفته به دست می آید که او از تمام جهات مورد رضایت خداوند است و این معنا ملازم عصمت است.

8 - محفوظ ماندن از شر شیطان و نیز پرورش معنوی ، دو جنبه تربیت خداوند برای مریم

و ائی اعیذها بک و ذریتها من الشیطان الرجیم فتقبلها ربها . . . و انتها نباتاً

23 - برخورداری حضرت مریم (س) ، از رزق ویژه الهی

وجد عندها رزقاً . . . قالت هو من عندالله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - آل عمران - 3 - 38 - 4،3،2

2 - اذعان زکریا به عظمت و مقام معنوی مریم (س)

قالت هو من عند الله . . . هنا لك دعا زکریا

3 - دعای زکریا و تقاضای فرزند و نسل پاک ، تحت تأثیر حالات و مقامات مریم (س)

هنا لك دعا زکریا ربّه

بنابراینکه مشارالیه «هنا لك»، مشاهده مقامات عالی مریم (س) باشد.

ص: 205

4- زکریا با مشاهده رزقی که خارج از اسباب طبیعی به مریم اعطا شده بود، علی رغم کهنسالی خود، از خدا تمنای فرزند کرد.

هنا لک دعا زکریا ربه

بنابراینکه مشارالیه «هنا لک»، اعطای رزق از راه غیر طبیعی به مریم باشد که خداوند، بدین گونه به آن اشاره کرده است: ان الله یرزق من یشاء بغير حساب.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2- آل عمران - 3 - 42 -

3,5,6,7,8,9,11,12,15,17,18

3- عظمت مقام و منزلت مریم، نزد پروردگار

و اذ قالت الملائکه یا مریم ان الله اصطفیک

نزول ملائکه بر مریم و برگزیدن وی، دلالت بر ارجمندی مقام مریم نزد خداوند دارد.

5- برگزیدگی و پاکیزه گشتن مریم (س) از سوی خدا

یا مریم ان الله اصطفیک و طهرک

6- پاکی و برگزیده شدن مریم، زمینه برگزیده شدن خاندان عمران نزد خداوند

یا مریم ان الله اصطفیک

«و اذ قالت ...» عطف است به «اذ قالت ...» در آیه سی و پنجم و ظرف است برای «اصطفی ... ال عمران»؛ یعنی آنگاه آل عمران برگزیده شدند که مریم را خداوند برگزید و پاک گردانید.

7- مریم، دارای مقام عصمت از گناه

ان الله اصطفیک و طهرک

متعلق تطهیر حذف شده است و حذف متعلق، دلالت بر عموم دارد؛ یعنی تطهیر از هر پلیدی. و چون هر گناهی، پلیدی است، بنابراین مریم (س) از ارتکاب هر گناهی میزاید و معصوم است.

8- عنایت خاص خداوند به مریم (س)

یا مریم ان الله اصطفیک



9 - پاک گشتن مریم ، در پرتو خالص گردانیدن او

انّ الله اصطفیک و طهّرك و اصطفیک علی نساء العالمین

از اینکه جمله «و طهرک . . .» پس از «اصطفیک» آمده، به نظر می رسد خالص گرداندن مریم، دخیل در تطهیر وی بوده است. گفتنی است که معنای «اصطفاء» خالص گرداندن از پلیدیهای است که دیگران به آن مبتلا هستند (مفردات راغب).

11 - خلوص و پاکی مریم و برگزیدگی او ، زمینه سرآمد شدن او بر زنان جهان

انّ الله اصطفیک و طهّرك و اصطفیک علی نساء العالمین

به نظر می رسد تقدیم جمله «اصطفیک و طهّرك» بر «اصطفیک علی نساء العالمین»، دلالت داشته باشد بر دخالت برگزیدگی و طهارت مریم برای سرآمد شدن او.

12 - مریم ، نمونه و الگویی برای تمامی زنان عالم

اصطفیک و طهّرك و اصطفیک علی نساء العالمین

15 - مریم ، برگزیده خداون از نسل انبیای الهی

یا مریم انّ الله اصطفیک

امام باقر (ع) در معنی آیه فوق فرمود: . . . اصطفیک من ذریّه الانبیاء.

---

مجمع البيان، ج 2، ص 746، نورالثقلین، ج 1، ص 336، ح 130.

17 - پاکدامنی پدران و مادران حضرت مریم (ع) از زنا

طهّرك و اصطفيك على نساء العالمين

امام باقر (ع) در معنی آیه فوق فرمود: ... و طهّرها من ان يكون في ولادتها من آبائها و امهاتها سفاح ...

---

تفسیر عیاشی، ج 1، ص 173، ح 47؛ نورالثقلین، ج 1، ص 336، ح 127؛ بحار الانوار، ج 14، ص 192، ح 2.

18 - مریم برگزیده و سرآمد زنان عصر خویش

و اصطفيك على نساء العالمين

امام صادق (ع) فرمود: فرشتگان به حضرت فاطمه زهرا (س) گفتند: ... انّ مریم کانت سیّده نساء عالمها ...

---

علل الشرايع، ص 182، ح 1، باب 146. و ص 337، ح 131؛ نورالثقلین، ج 1، ص 336، ح 129.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - آل عمران - 3 - 44 - 10، 9

9 - شخصیت والای معنوی مریم، مایه رقابت سران کنیسه در سرپرستی او \*

و ما كنت لديهم اذ يلقون اقلامهم ايّهم يكفل مریم .. اذ يختصمون

ظاهراً نزاع افراد برای به دست آوردن سرپرستی حضرت مریم بوده است و نه به عهده دیگری گذاشتن

10 - شناخته بودن شخصیت معنوی مریم (س)، در عصر خویش \*

ايّهم يكفل مریم .. اذ يختصمون

چون هر یک از سران کنیسه خواهان سرپرستی مریم بودند و در این باره با یکدیگر نزاع می کردند، معلوم می شود که عظمت شخصیت آن حضرت برای همگان روشن و آشکار بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - آل عمران - 3 - 45 - 7

7 - مریم ، مادری ارزشمند و افتخارآفرین برای عیسی (ع) \*

عیسی ابن مریم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - آل عمران - 3 - 47 - 8، 5، 7

5 - احساس حضور و قرب مریم (س) ، نسبت به خداوند

قالت الملكة .. قالت ربّ

از اینکه مریم در جواب بشارت ملائکه فرمود که از جانب من به خداوند بگویید، بلکه مستقیماً با خداوند سخن گفت (رب ائی ..)، معلوم می شود که خود را در حضور پروردگار می دانست.

7 - گفتگوی مریم و خداوند

قالت ربّ .. قال

ص: 207

8- ادب حضرت مریم (ع)، در مقابل تکلم با خداوند

قالت ربّ . . . ولم يمسنی بشر

از آمیزش، تعبیر به ملاقات و مسّ شده است.

### 146- مقامات مریم (س)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 75 - 9

9- مریم (ع) مادر مسیح (ع)، بانویی بسیار راستگو

و امه صدیقه

«صدیق» به کسی گفته می شود که بسیار راستگو باشد. (مفردات راغب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 17 - 5

5- مریم (س)، دارای منزلتی والا در پیشگاه خداوند

فأرسلنا إليها روحنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 25 - 6,7

6- حضرت مریم (س) مورد عنایت ویژه خداوند و دارای کرامت بود.

و هزّی إلیک . . . تسقط

7- به بار نشستن فوری درخت خرما و نیرومندی مریم (س) برای تکان دادن آن، از کرامات او بود.

و هزّی إلیک . . . تسقط

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - تحریم - 66 - 12 - 8

8- عفت و پاک دامنی مریم (س)، زمینه ساز برخورداری او از عنایات ویژه الهی

الَّتِي أَحْصَنَتْ فَرْجَهَا فَنَفَخْنَا فِيهِ مِنْ رَوْحِنَا

تقدیم عبارت «الَّتِي أَحْصَنَتْ فَرْجَهَا» بر «فَنَفَخْنَا فِيهِ مِنْ رَوْحِنَا»، می تواند گویای برداشت یاد شده باشد.

**147- مکان استقرار مریم (س)**

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 208

5- استقرار مریم و نوزادش (عیسی)، در سرزمینی بلند، آرام و دارای آبی روان

و آوینهما إلی ربوه ذات قرار و معین

12- «عن أبي جعفر (ع) قال: قال أمير المؤمنين (ع) في قول الله عز وجل «و آوینهما إلی ربوه ذات قرار و معین» قال الربوه الكوفه و القرار المسجد و المعین الفرات؛

از امام باقر(ع) روایت شده است که امیرالمؤمنین(ع) درباره سخن خدای - عزوجل - «و آوینهما إلی ربوه ذات قرار و معین» فرمود: مراد از «ربوه» کوفه و «قرار» مسجد [کوفه] و «معین» فرات است.».

13- «عن النبي (صلى الله عليه وآله) أنه تلا هذه الآية «و آوینهما إلی ربوه ذات قرار و و معین» . . . قال: هی بالشام بأرض يقال لها الغوطه، مدینه يقال لها دمشق هی خیر مدن الشام؛

از رسول خدا(صلی الله علیه و آله) روایت شده که آن حضرت آیه «و آوینهما إلی ربوه ذات قرار و معین» را قرائت کرد و فرمود: این (ربوه) در شام است در سرزمینی بنام غوطه. آن شهری است به نام دمشق که بهترین شهرهای شام است.».

### 148- مکان زایمان مریم (س)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 23 - 3

3- زایمان مریم (س) در سرزمینی گرمسیر و دارای نهال های نخل صورت گرفت .

فأجاءها المخاض إلی جذع النخله

«نخل» در سرزمینی می روید که دارای آب و هوای گرم باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 24 - 1

1- مریم (س)، در کنار درخت خرما وضع حمل نمود و عیسی (ع) را به دنیا آورد .

فأجاءها المخاض إلی جذع النخله . . . فنادیها

«فاء» در «فنادیها» فصحیحه است و از جمله ای محذوف، قبل از خود، حکایت می کند و مضمون آن جمله، خبر از ولادت عیسی(ع) در کنار درخت است.

## 149- منشأ بارداری مریم (س)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 22 - 1

1- حضرت مریم (س) به فرمان و خواست خداوند ، بدون هیچ آمیزش جنسی به عیسی (ع) حامله شد .

فحمله

ص: 209

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 91 - 4

4- بارداری مریم (س) و تولد حضرت مسیح (ع) با دمیده شدن روح الهی در او بود .

فنفخنا فیها من روحنا

### 150- موقعیت اجتماعی مریم (س)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 23 - 12

12- مریم (س) ، چهره ای سرشناس و مورد توجه مردم بود .

یلیتی . . . کنت نسیاً منسیاً

### 151- موقعیت پناهگاه مریم (س)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 23 - 3

3- زایمان مریم (س) در سرزمینی گرمسیر و دارای نهال های نخل صورت گرفت .

فأجاءها المخاض إلى جذع النخلة

«نخل» در سرزمینی می روید که دارای آب و هوای گرم باشد.

### 152- ناامنی نهمت زندگان به مریم (س)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 33 - 7

7- اتهام زندگان به مریم (س) ، از سلامت و امنیت بی بهره بودند .

و السلم علیّ

«السلام»، یعنی سلام کامل و دارای همه خصوصیات. این سخن داری حصر اضافی است و در برابر کسانی که برای توبیخ مریم گرد آمده



بودند، حاوی نوعی تعریض است؛ یعنی تنها من از آن سلامت کامل برخوردارم، ولی شما چنین نیستید.

ص: 210

### 153- نامگذاری مریم (س)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - آل عمران - 3 - 36 - 9

9 - همسر عمران ، نوزاد خویش را مریم نامید .

و ائی سمّیتها مریم

### 154- نخل قصه مریم (س)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 23 - 1

1- درد زایمان ، مریم (س) را به کنار تنه درخت خرما کشانید .

فأجاءها المخاض إلى جذع النخلة

«أجاء» متعدی «جاء» یعنی آورد و «مخاض» درد زایمان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 24 - 1

1- مریم (س) ، در کنار درخت خرما وضع حمل نمود و عیسی (ع) را به دنیا آورد .

فأجاءها المخاض إلى جذع النخلة . . . فنادیها

«فاء» در «فنادها» فصيحه است و از جمله ای محذوف، قبل از خود، حکایت می کند و مضمون آن جمله، خبر از ولادت عیسی (ع) در کنار درخت است.

### 155- نذر در دوران مریم (س)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 26 - 17

17- « نذر » امری مطلوب در آیین مریم (س) و معروف نزد هم عصران او

فإمّاترينّ من البشر أحدًا فقولى إني نذرت للرحمن

**156- نذر مادر مریم (س)**

جلد - نام سورہ - سورہ - آیہ - فیش

2- آل عمران - 3 - 36 - 17,21

ص: 211

17 - پایبندی مادر مریم (س) به نذر خویش در گماردن وی برای عبادت خداوند

ربّ ائی نذرت .. و ائی سمّیتها مریم

از اینکه نام فرزند خویش را مریم (به معنی عابده) گذاشت، برداشت فوق به دست می آید.

21 - تأسف همسر عمران، در پی زادن مریم (س)، از اینکه نذرش محقق نشده و دخترش به دلیل حائض شدن نمی تواند در مسجد مانده و محرّر باشد.

ربّ ائی وضعتها ائی .. و لیس الذکر کالائتی

امام صادق (ع): .. «و لیس الذکر کالائتی» انّ الائتی تحیض فتخرج من المسجد و المحرّر لا یخرج من المسجد.

---

تفسیر عیاشی، ج 1، ص 170، ح 37؛ بحار الانوار، ج 14، ص 204، ح 18.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - آل عمران - 3 - 37 - 1

1 - مریم (س)، در پی نذر مادرش، از سوی خداوند به شایستگی پذیرفته شد.

فتقبّلها ربّها بقبول حسن

**157- نذر مریم (س)**

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 26 - 31، 10، 11

10- عیسی (ع)، مادرش مریم (س) را به نذر روزه سکوت، هنگام مواجهه با مردم توصیه کرد.

فإمّا ترینّ من البشر أحداً فقولی ائی نذرت للرحمن صوماً

11- مریم (س)، نذر روزه سکوت را پس از مواجهه با اولین نفر از افراد جامعه خویش منعقد ساخت.

فإمّا ترینّ من البشر أحداً فقولی ائی نذرت

ظاهر «فقولی» آن است که مریم مفاد نذر خود را با زبان بیان کرده باشد؛ در این صورت همان جمله «ائی نذرت ..» صیغه نذر بوده و نذر

مریم با گفتن آن منعقد شده است.

31- « عن أبي عبد الله (ع) قال : إنَّ الصيام ليس من الطعام والشراب وحده . . . قالت مريم : « إني نذرت للرحمان صوماً » أي صوماً صمتاً ;

از امام صادق(ع) روایت شده که فرمود: همانا روزه، تنها خودداری از خوردنی آشامیدنی نیست . . . مریم(س) گفت: «اِنِّي نذرت للرحمان صوماً»، یعنی روزه سکوت».

### 158- نزول جبرئیل بر مریم(س)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 17 - 3.8

ص: 212

3- در پی استقرار مریم (س) در ناحیه شرقی و در مکانی مستور خداوند فرشته ای ارجمند را به سوی او فرستاد .

فَاتَّخَذَتْ مِنْ دُونِهِمْ حِجَابًا فَأَرْسَلْنَا إِلَيْهَا رُوحَنَا

مراد از «روحنا»، به دلیل صفاتی که در ادامه آیات برای او ذکر شده است، یکی از فرشتگان است که عظمت و ارجمندی او در پیشگاه پروردگار، مایه انتساب او به خداوند شده است. با توجه به آیاتی که جبرئیل را «روح الأمين» و «روح القدس» خوانده می توان گفت: این فرشته، همان جبرئیل بوده است.

8- مأمور ویژه الهی، به صورت مردی معتدل و دارای همه خصوصیات جسمی یک انسان، برای مریم (س) نمودار شد .

فَتَمَثَّلَ لَهَا بَشَرًا سَوِيًّا

«تمثیل»، یعنی صورت پذیری و به شکل چیزی نمودار شدن. «بشراً» حال است برای فاعل «تَمَثَّلَ» و مراد از آن به قرینه آیه بعد، مرد است. «سویّ» به معنای معتدل است و «بشراً سَوِيًّا»، یعنی انسانی معتدل که در خصوصیات جسمی خارج از حد افراط و تفریط باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 19 - 7

7- «عن الباقر (ع) [فی قصّه مریم] : . . . تمثّل لها الروح الأمين . . . » قال إنّما أنا رسول ربّك لأهب لك غلاماً زكياً «فتغلّ في جيبيها فحملت بعيسى (ع)» ;

از امام باقر(ع) [در داستان مریم] روایت شده: روح الامین بر وی ظاهر شد . . . و گفت: «إنّما أنا رسول ربّك لأهب لك غلاماً زكياً» پس آب دهان در گریبان وی افکند و او به عیسی(ع) حامله شد.».

### 159- نعمتهای مریم(س)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 110 - 15، 14، 5، 4، 2

2 - حضرت مسیح (ع) ، وظیفه دار یاد کرد نعمت های ارزانی شده بر وی و مادرش مریم

اذ قال الله يعيسى ابن مریم اذکر نعمتی علیک و علی ولدتک

4 - خداوند ، در روز قیامت و در مجمع پیامبران ، نعمت های ارزانی شده به عیسی و مادرش مریم رابه وی یادآوری خواهد کرد .

یوم یجمع الله الرسل فیقول . . . اذ قال الله یعیسی ابن مریم اذکر نعمتی علیک و عل

کلمه «اذ» در «اذ قال الله» بدل اشتمال برای کلمه «یوم . . .» می باشد.

5 - نعمت های ویژه ارزانی شده به عیسی (ع) ، به منزله نعمتهایی الهی برای مادرش مریم

اذکر نعمتی علیک و علی ولدتک

نعمتهای شمرده شده در این بخش از آیات نعمتهایی است که خداوند به عیسی (ع) عطا کرده است و از نعمتهای ویژه خداوند به مریم سخنی به میان نیامده است، بنابراین می توان گفت عطای آن نعمتها به عیسی (ع) به منزله عطای آنها به مادرش مریم است.

14 - گفتگوی عیسی (ع) با مردم در گهواره ، از نعمت های خاص الهی به مادرش مریم .

اذکر نعمتی علیک و علی ولدتک .. تکلم الناس فی المهد و کھلا

15 - عیسی (ع) و مشخصات بارز و برجسته او ، نعمتی الهی برای مریم

ص: 213

اذکر نعمتی علیک و علی ولدتک اذ ایدتک بروح القدس . . . اذ جثتهم بالبینت

به نظر می رسد یاد نکردن از نعمتهای داده شده به مریم، با آنکه عنوان «نعمتی علیک و ولدتک» مقتضی یاد کردن از آنها نیز بود، اشاره به این حقیقت دارد که خود عیسی (ع) و مشخصات یاد شده وی همان نعمتی است که خداوند به مریم (ع) عطا کرده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 19 - 4

4- عیسی (ع) ، موهبتی ویژه از جانب خداوند به مریم (س) بود .

إِنَّمَا أَنَا رَسُولُ رَبِّكِ لِأَهَبَ لَكِ غُلَمًا زَكِيًّا

با وجود آن که القای روح عیسی (ع) به مریم (س) با وسائلی دیگر هم امکان پذیر بوده است، ولی فرستادن جبرئیل و بشارت به مریم و برشمردن ویژگی های آن موهبت، جملگی بر ویژه بودن آن موهبت دلالت دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 58 - 1

1- زکریا ، یحیی ، مریم ، عیسی ، ابراهیم ، اسحاق ، یعقوب ، موسی ، هارون ، اسماعیل و ادیس (ع) برخوردار از نعمت ویژه خداوند

أُولَئِكَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ

«وُولئِكَ» اشاره به تمامی موارد ذکر شده در سوره مریم از آغاز تا این آیه است و روشن است که مراد از نعمت در جمله «أَنْعَمَ اللَّهُ . . .» نعمت های معمولی و متعارف نیست، چرا که افراد دیگر نیز از این گونه نعمت ها برخوردارند. پس نعمتی که با لسان امتنان بر این گروه بیان گردیده، نعمتی ویژه است.

### 160- نفخ روح در مریم (س)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 91 - 4

4- بارداری مریم (س) و تولد حضرت مسیح (ع) با دمیده شدن روح الهی در او بود .

فنفخنا فیها من روحنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش



6- بارداری مریم (س) و تولد مسیح (ع)، با دمیده شدن روح الهی در او

فنفسنا فیه من روحنا

ص: 214

## 161- نفی الوهیت مریم (س)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مانده - 5 - 75 - 16

16 - نیازمندی مسیح (ع) و مادرش مریم (ع) به تغذیه ، دلیلی روشن بر خدا نبودن آنها

کانا یا کلان الطعام

جمله «کانا یا کلان الطعام» برهانی علیه اعتقاد به الوهیت مسیح(ع) و مادرش مریم است ؛ یعنی آنها به این دلیل نمی توانند خدا باشند که گرسنه می شوند و نیاز به تغذیه و دفع فضولات آن دارند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مانده - 5 - 116 - 13، 9

9 - عیسی (ع) در قیامت منکر ادعای گزاف الوهیت برای خود و مادرش مریم

ما یکون لی ان اقول ما لیس لی بحق

13 - اعتراف عیسی (ع) به شایسته نبودن خویش و مادرش مریم برای خدایی ، دلیل واهی بودن عقیده مسیحیان به الوهیت آنان

ما یکون لی ان اقول ما لیس لی بحق

## 162- نقش مریم (س)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 50 - 3

3 - رشد و تربیت عیسی (ع) ، در کنار مادر و تحت نظارت خداوند

و ءاوینها إلی ربوه

## 163- نقل مکان مریم (س)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 50 - 4

4- نقل مکان کردن مریم به همراه نوزادش (عیسی)، به محلی دیگر غیر از زادگاه او

و ءاوينهما إلی ربوه

«إیواء» (مصدر «آوینا») به معنای امکان و جای دادن است. «ربوه» نیز به تپه و هر زمین بلند گفته می شود. «ذات قرار» (مرادف «مستقر») به معنای جای زیست است و «معین» به آبی که بر روی زمین جاری باشد، گفته می شود.

ص: 215

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 19 - 1

1- مأمور ویژه الهی در پاسخ به نگرانی مریم (س) خود را به او شناساند و فرستاده خدا بودن خود را به او ابلاغ کرد .

قالت إني أعود .. قال إنما أنا رسول ربك

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 20 - 2

2- مریم (س) از متهم شدن به زنا، در پی دریافت بشارت به عیسی (ع) نگران بود .

أني يكون .. و لم أك بغياً

با این که «لم یمسنی بشر» برای نفی اسباب عادی حامله شدن کافی بود، ولی جمله «و لم أك بغياً» نیز از مریم (س) صادر گردید. برخی آن را قرینه براین قرار داده اند که «لم یمسنی...» تنها به نکاح مشروع نظر دارد و «لم أك بغياً» نوع نامشروع آن را نفی می کند؛ و محتمل است مراد از «لم یمسنی...» مطلق هم بستری باشد و اضافه شدن «لم أك بغياً» به این خاطر است که مریم (س) دریافت که در صورت حامله شدن، به زنا متهم خواهد شد. و با این سخن، اظهار کرد که تحمل آن اتهام، بر من سنگین خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 21 - 2

2- جبرئیل در پاسخ به سؤال و نگرانی مریم بر حتمی بودن وعده الهی و حامله شدن او به عیسی (ع) تأکید کرد .

قال كذلك

چنان چه مشارالیه «ذلک» مضمون رسالت جبرئیل باشد، در این صورت تأکیدی بر تحقق حتمی بشارت است؛ یعنی «موضوع همان گونه است که گفتم».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 23 - 6,7

6- ناراحتی ها و فشار های روحی مریم (س) به هنگام تولد عیسی (ع)، خارج از حدّ توصیف بود .

فأجاءها المخاض إلى جذع النخلة قالت يلبتني متّ قبل هذا و كنت نسيًا منسيًا

آرزوی مرگ از جانب شخصیتی چون مریم(س) که مورد عنایت خاص خداوند بود، باید در شرایطی صورت گرفته باشد که وضعیتی فوق تحمل و طاقت برایش پیش آمده باشد، این حالت - به قرینه آیات بعد - فشارهای روحی ناشی از احتمال اتهام و آوارگی حاصل از آن است.

7- مرگ در حال بارداری و یا پس از وضع حمل ، نمی توانست پایان بخش نگرانی های مریم ( س ) باشد .

یلبتني متّ قبل هذا

«هذا» در کلام مریم(س)، اشاره به اصل بارداری است نه آوارگی و تنهایی و سختی زایمان، زیرا پیدایش این امور به خواست خود مریم و برای رهایی از زخم زبان مردم بود، بنابراین او که از اتهام زنا، حتی پس از مرگ خود بیم داشت، رهایی از اتهام را در گرو مرگ پیش از بارداری می دید.

ص: 216

## 165- نماز مریم (س)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - آل عمران - 3 - 43 - 1,12

1 - مریم ، مأمور به اطاعت خاضعانه ، سجده و رکوع ( نماز ) ، در برابر پروردگارش

یا مریم اقتنی لربک و اسجدی و ارکعی

12 - مریم ، مأمور نمازگزاردن همراه با نمازگزاران ( نماز جماعت ) \*

و ارکعی مع الزاکعین

بنابراینکه مراد از رکوع، نماز باشد؛ از باب نامگذاری کل به نام جزء.

## 166- نهر آب قصه مریم (س)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 24 - 4,5,12

4- خداوند ، هم زمان با ولادت عیسی ( ع ) ، در نقطه ای پایین تر از مکان استقرار مریم ( س ) ، جویباری پدیدار ساخت .

فنادیها من تحتها ألا تحزنی قد جعل ربک تحتک سریاً

«سری» به معنای نهر کوچک است و به معنای «رفیع» نیز استعمال شده است، ولی جمله «اشربی» - در آیات بعد - قرینه بر اراده معنای اول است.

5- عیسی ( ع ) در بدو تولد ، مادرش مریم ( س ) را به روان شدن جویباری در پایین دست او بشارت داد .

فنادیها .. قد جعل ربک تحتک سریاً

12- در پی زایمان مریم ( س ) ، فرشته الهی ( جبرئیل ) او را از جاری شدن آب در پایین پایش با خبر ساخت .

فنادیها من تحتها ألا تحزنی قد جعل ربک تحتک سریاً

محتمل است که ضمیر فاعلی در فناداها به فرشته الهی برگردد.

## 167- نیازهای مریم (س)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 75 - 16، 14

14 - تغذیه ، نیاز روزمره مسیح (ع) و مادرش مریم (ع)

كانا يأكلان الطعام

فعل مضارع «يأكلان» دلالت بر استمرار دارد و حاکی از نیاز دائمی آنان به غذاست.

ص: 217

16 - نیازمندی مسیح (ع) و مادرش مریم (ع) به تغذیه ، دلیلی روشن بر خدا نبودن آنها

کانا یا کلان الطعام

جمله «کانا یا کلان الطعام» برهانی علیه اعتقاد به الوهیت مسیح(ع) و مادرش مریم است ؛ یعنی آنها به این دلیل نمی توانند خدا باشند که گرسنه می شوند و نیاز به تغذیه و دفع فضولات آن دارند.

### 168- نیاکان مریم(س)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2- آل عمران - 3 - 42 - 17

17 - پاکدامنی پدران و مادران حضرت مریم (ع) از زنا

طهّرك واصطفیک علی نساء العالمین

امام باقر (ع) در معنی آیه فوق فرمود: ... و طهّرها من ان یکون فی ولادتها من آبائها و امهاتها سفاح ...

---

تفسیر عیاشی، ج 1، ص 173، ح 47؛ نورالثقلین، ج 1، ص 336، ح 127؛ بحار الانوار، ج 14، ص 192، ح 2.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 28 - 3

3- هارون ، شخصیتی صالح در میان قوم مریم ، که افراد پاک را به او منتسب می کردند . \*

یأخت هرون

برخی از مفسران وجه انتساب مریم(س) به هارون را نسبی ندانسته اند، بلکه او را شخصی برجسته در بین قوم حضرت مریم دانسته اند که مردم، زاهدان و تقوا پیشگان را، به او منتسب می کردند. این مفسران، انتساب مریم را به او از این باب می دانند.

### 169- وحی به مریم(س)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 24 - 12

12- در پی زایمان مریم (س) ، فرشته الهی ( جبرئیل ) او را از جاری شدن آب در پایین پایش با خبر ساخت .



فنادیها من تحتها ألاّ تحزنی قد جعل ربّک تحتک سرّیاً

محتمل است که ضمیر فاعلی در فناداها به فرشته الهی برگردد.

### **170- وقت بازگشت مریم (س)**

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 218

4- ورود مریم (س) با نوزادش عیسی (ع) بر قوم خویش، به هنگام روز بود.

فلن أکلم الیوم إنسیًا .. فأشارت إلیه

### 171- ویژگیهای بارداری مریم (س)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1- حضرت مریم (س) از دریافت خبر داشتن پسر، بدون تماس با هیچ بشری شگفت زده شد.

قالت أئی یکون لی غلم ولم یمسنی بشر

«أئی» ادات استفهام و به معنای «کیف» (چگونه؟) و یا «من این» (از کجا؟) است و در هر صورت، حاوی تعجب نیز می باشد.

### 172- ویژگیهای زایمان مریم (س)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2- مریم (س) هنگام زایمان، تنها و بدون پرستار و در مکانی دور از مناطق مسکونی، به سر می برد.

مکانًا قصبیًا . فأجاءها المخاض إلی جذع النخلة

در جمله «أجاءها المخاض»، آوردن مریم کنار درخت، به درد زایمان نسبت داده شده و آیات بعد، نوزاد او را راهنمای وی به آب معرفی کرده است، علاوه بر آن، مریم (س) برای تهیه خرما، خود مجبور به حرکت دادن نخله شد، مجموعه این امور می تواند قرائن تنهایی مریم به هنگام زایمان باشد.

### 173- ویژگیهای نخل قصه مریم (س)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4- اصله نخلی که مریم (س) در کنار آن پناه گرفت، نخلی مشخص و درختی خشکیده بود.

فأجاءها المخاض إلی جذع النخلة

«النخله» معرفه و «ال» در آن می تواند عهد ذهنی باشد. عهدهی که یا بین خدا و مریم(س) و یا خدا و پیامبر(صلی الله علیه و آله) بوده است و از این که گفته نشد «إلى النخله»، دانسته می شود که آنچه مریم در کنار آن قرار گرفت، چیزی جز تنه درخت نبود. آیات بعد که سخن از آگاه ساختن مریم به وجود آب و لزوم تکان دادن درخت، برای استفاده از خرماى آن دارد، نیز حاکی از پیدایش خارق العاده آب و خرما است و گرنه مریم(س) برای پی بردن به آن دو موضوع، به راهنما نیازی نداشت.

ص: 219

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 25 - 10

10- «عن أبي الحسن الرضا (ع) قال: كانت نخله مریم العجوه، ونزلت في كانون و نزل مع آدم (ع) من الجنة العتيق والعجوه منهما تفرق أنواع النخل؛

از امام رضا(ع) روایت شده: نخله مریم «عجوه» بود که در برج کانون نازل شد و با آدم(ع) از بهشت «عتیق» (نوعی درخت خرماي نر) و عجوه (نوعی خرما که درخت آن «لینه» نامیده می شود) نازل شد که از آن دو، انواع نخل منشعب شد».

### 174- هدایت مریم (س)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 25 - 1

1- عیسی (ع)، در بدو تولد، مادرش مریم (س) را به تکان دادن درخت خرما و استفاده از میوه آن راهنمایی کرد.

و هزّی إلیک بجذع النخله تسقط علیک رطبًا جنيًا

«هزّ» به معنای حرکت دادن به چپ و راست است و به قرینه «إلیک» در آن معنای «متمایل ساختن» نیز تضمین شده است. بنابراین «هزّی إلیک»، یعنی درخت را به جانب خود بکش و به چپ و راست تکان ده این راهنمایی چنان چه از آیه بعد پیدا است، به منظور تأمین غذای مریم(س) بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 26 - 13

13- مریم (س) با راهنمایی فرزندش عیسی (ع)، روزه خود را در ارتباط با برخورداری از رحمت گسترده خداوند، اعلام کرد.

إتی نذرت للرحمن صومًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 58 - 14

14- حضرت مریم (س)، برخوردار از هدایت ویژه الهی و انسانی برگزیده در پیشگاه خداوند

و ممّن هدینا واجتیبنا

## 175- یقین مریم (س)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 29 - 3

3- حضرت مریم (س) به قدرت نوزادش عیسی (ع) در سخن گفتن و رفع اتهامات یقین داشت .

ص: 220

آمدن مریم به میان قوم خویش، آوردن علنی و آشکار فرزند و اشاره کردن به سوی نوزاد به جای پاسخ گویی به اتهامات، بیانگر یقین او است.

#### 4- مزد

##### 1- انبیا و مزد تبلیغ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 29 - 2

2- پیامبران ، منزه از درخواست کمترین مال و دارایی از مردم به خاطر ابلاغ رسالت و تبلیغ معارف دین

و يقوم لأستلکم علیه مالاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 51 - 2

2- پیامبران ، منزه از مطالبه اجر و مزد از مردم ، به خاطر ابلاغ رسالت و تبلیغ معارف دین

يقوم لأستلکم علیه أجرًا

##### 2- انبیا و مزد رسالت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 51 - 2

2- پیامبران ، منزه از مطالبه اجر و مزد از مردم ، به خاطر ابلاغ رسالت و تبلیغ معارف دین

يقوم لأستلکم علیه أجرًا

ص: 222

### 3- اهمیت مزد کار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 15 - 10

10- لزوم پرداخت دستمزد و ثمره کار افراد ، بدون هیچ کم و کاست

نوفّ إليهم أعمالهم و هم فيها لا يبخسون

جمله حالیه «و هم فيها لا يبخسون» بیانگر علت التزام خداوند بر اعطای کامل ثمره کارها و تلاشهاست؛ یعنی ، چون روا نیست که در اعطای حق دیگران کم و کاست شود ، خداوند نتیجه اعمال انسانها را به طور کامل به آنها ادا می کند.

### 4- پرداخت مزد کارگر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 15 - 10

10- لزوم پرداخت دستمزد و ثمره کار افراد ، بدون هیچ کم و کاست

نوفّ إليهم أعمالهم و هم فيها لا يبخسون

جمله حالیه «و هم فيها لا يبخسون» بیانگر علت التزام خداوند بر اعطای کامل ثمره کارها و تلاشهاست؛ یعنی ، چون روا نیست که در اعطای حق دیگران کم و کاست شود ، خداوند نتیجه اعمال انسانها را به طور کامل به آنها ادا می کند.

### 5- درخواست مزد تبلیغ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 72 - 5

5- اجرت خواهی و مزد طلبی در راه تبلیغ دین و هدایت مردم ، دارای تأثیر منفی بوده و بهانه دادن به دست بهانه جویان است .

أم تسئلهم خرجًا

### 6- درخواست مزد در تبلیغ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - قلم - 68 - 46 - 2



2- درخواست مزد و پاداش در قبال هدایت و تبلیغ دین ، از موانع تأثیرگذاری و موفقیت آن

أَمْ تَسْأَلُهُمْ أَجْرًا

برداشت یاد شده، از آن جا است که آیه شریفه، درصدد بیان علّت های نپذیرفتن اسلام از سوی کافران است.

ص: 223

## 7- عدالت در مزد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 15 - 10

10- لزوم پرداخت دستمزد و ثمره کار افراد ، بدون هیچ کم و کاست

نوفّ إليهم أعمالهم و هم فيها لا يبخسون

جمله حالیه «و هم فيها لا یبخسون» بیانگر علت التزام خداوند بر اعطای کامل ثمره کارها و تلاشهاست؛ یعنی ، چون روا نیست که در اعطای حق دیگران کم و کاست شود ، خداوند نتیجه اعمال انسانها را به طور کامل به آنها ادا می کند.

## 8- مبلغان و مزد تبلیغ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 51 - 4

4- مطالبه نکردن پاداش از مردم ، به خاطر تبلیغ حقایق و معارف الهی ، نشانه صداقت مبلغان و مصلحان است .

يقوم لأستلکم علیه أجرًا .. أفلا تعقلون

از آن جا که هدف مدعیان دروغین ، رسیدن به منافع مادی و مال و منال دنیوی است ، می توان گفت: حضرت هود(ع) با جمله «لأستلکم» اشاره به دلیل و نشانه صداقت خویش دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 104 - 3

3- مبلغان دینی باید از دریافت مزد برای ابلاغ دین و تعالیم قرآن پرهیز کنند .

و ما تستلهم علیه من أجر

## 9- مزد آب دهی موسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 25 - 5

5- دعوت شعیب از موسی ، برای پرداختن مزد در قبال آب دادن وی به گوسفندانش

إنّ أبى يدعوك لیجزیک أجر ما سقیت لنا

ص: 224

## 10- مزد بازسازی دیوار قصه خضر (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 77 - 13، 12،

12- خضر (ع) با وجود امکان دریافت اجرت جهت تعمیر دیوار ، چیزی دریافت نکرد .

قال لو شئت لَتَّخَذْتُ عَلَيْهِ أَجْرًا

مطرح ساختن گرفتن مزد از جانب موسی(ع) در شرایطی موجه است که امکان دریافت آن موجود باشد.

13- موسی (ع) از دست مزد نخواستن خضر (ع) در برابر کار خویش ، با وجود نیاز آنان به اجرتی برای تهیه غذا ناخرسند و گلایه مند بود .

استطعما أهلها .. قال لو شئت لَتَّخَذْتُ عَلَيْهِ أَجْرًا

آنچه خضر و موسی(ع) از مردم طلب کردند، غذا بود، آن هم به صورت مجانی، نه خرید - چون پولی برای خرید در اختیارشان نبود - لذا موسی(ع)، پایان گرفتن کار دیوار، موضوع گرفتن مزد را مطرح ساخت، تا به وسیله آن طعامی را خریداری کنند.

21- « عن أبي عبد الله (ع) : . . . فوجدنا فيها جداراً يريد أن يتقضى فأقامه قال : « لو شئت لَتَّخَذْتُ عَلَيْهِ أَجْرًا خَبْرًا نَأْكُلُهُ فَقَدْ جُعْنَا » ;

از امام صادق(ع) روایت شده:.. خضر و موسی(ع) در آن آبادی دیواری را یافتند که می خواست بیفتد. خضر، آن را راست کرد. موسی(ع) گفت: « می خواستی برای این کار، مزدی بگیری (یعنی) نانی بگیری تا بخوریم زیرا گرسنه ایم».

## 11- مزد تبلیغ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - طور - 52 - 40 - 3

3 - مزد طلبی از مردم در برابر تبلیغ دین ، زمینه ساز روی گردانی آنان از پذیرش آن

أم تسئلهم أجراً فهم من مغرم مثقلون

## 12- مزد تبلیغ انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - یس - 36 - 21 - 2، 1

1 - مؤمن انطاکیه ( حبیب نجار ) ، مردم را به پیروی از رسولانی ره یافته - که هیچ مزدی در ابلاغ رسالت خویش نمی خواستند - فراخوانده بود .

اتَّبِعُوا مِنْ لَيْسَتَلِكُمْ أَجْرًا وَهُمْ مَهْتَدُونَ

2 - اخلاص و مزد نخواستن در ابلاغ رسالت و ره یافته بودن ، دلیل لزوم پیروی از پیامبران در دیدگاه مؤمن انطاکیه ( حبیب نجار )

اتَّبِعُوا الْمُرْسَلِينَ . اتَّبِعُوا مِنْ لَيْسَتَلِكُمْ أَجْرًا وَهُمْ مَهْتَدُونَ

ص: 225

جمله «اتَّبِعُوا مِنْ لَيْسَتَلِّكُمْ أَجْرًا..» تأکید برای جمله «اتَّبِعُوا الْمُرْسَلِينَ» در آیه پیش و نیز در مقام تعلیل برای آن جمله است.

### 13- مزد تبلیغ قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 104 - 3,6,7

3- مبلغان دینی باید از دریافت مزد برای ابلاغ دین و تعالیم قرآن پرهیز کنند .

و ما تسئلهم علیه من أجر

6- تبلیغ قرآن نباید وسیله درآمد های مادی قرار گیرد .

و ما تسئلهم علیه من أجر إن هو إلا ذکر للعلمین

حصر در جمله «إن هو . . .» حصر اضافی و نسبی است که به قرینه جمله «و ما تسئلهم ...» می توان گفت: مقصود این است که قرآن را خداوند بر پیامبر (صلی الله علیه و آله) نازل کرد تا حقایق آن را به مردم بیاموزد و ابلاغ کند نه اینکه آن را وسیله کسب معاش قرار دهد و پیامبر (صلی الله علیه و آله) نیز همین گونه عمل کرد (ما تسئلهم ...).

7- اختصاص نداشتن قرآن به مردم عصر بعثت ، از دلایل شایسته نبودن درخواست مزد از ایشان در قبال ابلاغ آن

و ما تسئلهم علیه من أجر إن هو إلا ذکر للعلمین

برداشت فوق ، مقتضای ارتباط میان «دریافت نکردن مزد رسالت» و «جهانی بودن قرآن» است ؛ یعنی ، چون قرآن برای همه مردم و برای همه عصرهاست ، شایسته نیست مزد آن از گروه و طایفه ای خاص گرفته شود.

### 14- مزد تبلیغ محمد (صلی الله علیه و آله)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - طور - 52 - 40 - 1

1 - تبلیغ پیامبر (صلی الله علیه و آله) ، رایگان و بدون کمترین توقع اجر و مزد از مردم

أم تسئلهم أجرًا

### 15- مزد دایه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - مسؤولیت نگهداری نوزادان زنان مطلقه و گرفتن دایه برای آنان و هزینه آن ، برعهده مردان است .

و این تعاسرتم فسترضع له آخری

ص: 226

## 16- مزد رسالت شعيب (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 180 - 1

1 - تصریح شعيب (ع) به نداشتن کمترین چشمداشت مادی از مردم ، در قبال رسالت خویش

و ما أسئلكم عليه من أجر . . . إلا على ربّ العلمين

## 17- مزد رسالت صالح (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 145 - 1

1 - تصریح صالح (ع) ، به نداشتن کمترین چشمداشت مادی از مردم در قبال رسالت خویش

و ما أسئلكم عليه من أجر . . . إلا على ربّ العلمين

## 18- مزد رسالت لوط (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 164 - 1

1 - تصریح لوط (ع) به نداشتن کمترین چشمداشت مادی از قومش ، در قبال رسالت خویش

و ما أسئلكم عليه من أجر . . . إلا على ربّ العلمين

## 19- مزد رسالت محمد (صلی الله علیه و آله)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 72 - 1

1 - پیامبر (صلی الله علیه و آله) در برابر ادای رسالت خود ، کمترین مزدی از مردم درخواست نمی کرد .

أم تسئلهم خرجًا

کسی که ادعای پیامبری دارد، لازم است چند شرط را دارا باشد. در صورت فقدان هر یک از این شرایط، نبوت وی زیر سؤال خواهد رفت:



الف) پیام های او، سراسر حق و مبرا از هر گونه باطل باشد. ب) پیشنیه وی (شخصیت ارزشی و اخلاقی اش)، برای مردمی که به سوی آنها مبعوث گشته، آشنا و شناخته شده باشد. ج) شخصیتی فرزانه (دارای کمال عقل و درایت) باشد. د) در کمال استغنا باشد (کمترین مزدی از مردم نخواهد). آیات پیشین در بیان وجود سه شرط اول در پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) و این آیه، مربوط به شرط چهارم است.

ص: 227

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 57 - 3, 1

1 - پیامبر (صلی الله علیه و آله) ، موظف به اعلام کردن نداشتن هیچ چشمداشت و درخواست مزدی از مردم ، در قبال انجام رسالت خویش

قل ما أسئلكم عليه من أجر

3 - ایمان و راهیابی مردم به خدا ، تنها اجر و مزد پیامبر (صلی الله علیه و آله) در انجام رسالت خویش

ما أسئلكم عليه من أجر إلا من شاء أن يتخذ إلى ربه سبيلاً

برداشت فوق ، مبتنی بر این است که استثنا در «إلا من شاء..» متصل باشد و مضافی نیز محذوف و در تقدیر باشد؛ یعنی ، «إلا من شاء أن يتخذ إلى ربه سبيلاً بالإيمان والطاعة و...».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - سبأ - 34 - 47 - 1, 2, 4, 5, 8, 9

1 - پیامبر (صلی الله علیه و آله) ، مأمور ابلاغ نداشتن هیچ چشمداشت مادی از مردم ، در قبال رسالتش

قل ما سألتكم من أجر فهو لكم

این تعبیر که پیامبر (صلی الله علیه و آله) فرمود: هر پاداشی از شما طلب کردم مال خودتان باشد، تعبیری است کنایی و اشاره دارد به این که از شما انتظار هیچ مزدی ندارم و نمی خواهم.

2 - پیامبر (صلی الله علیه و آله) ، موظف بود تا خاطر مردم را آسوده کند که رسالتش را در قبال مال و جاه انجام نمی دهد .

قل ما سألتكم من أجر فهو لكم

4 - پیامبر (صلی الله علیه و آله) ، پاداش دهنده رسالت خویش را تنها خداوند می دانست .

إن أجرى إلا على الله

5 - پیامبر (صلی الله علیه و آله) ، برای رسالتش پاداش و اجری قائل بود .

ما سألتكم من أجر . . . إن أجرى إلا على الله

8 - « عن أبي جعفر (ع) : في قول الله عز وجل : . . . « قل ما سألتكم من أجر فهو لكم » يقول أجر المودّة الذي لم أسألكم غيره فهو لكم

تهتدون به و تنجون من عذاب يوم القيامة . . . ؛

از امام باقر(ع) روایت شده که درباره سخن خدا «قل ما سألتکم من أجر فهو لکم» فرمود: معنای سخن خدا این است: مودتی که من از شما غیر از آن را به عنوان پاداش نخواستم، به نفع خود شما است؛ زیرا به وسیله آن هدایت می شوید و از عذاب روز قیامت نجات پیدا کنید. . .».

9 - « عن أبي جعفر (ع) في قوله « قل ما سألتکم من أجر فهو لکم » و ذلك أن رسول الله سأل قومه أن يؤدّوا أقراره و لا يؤذوهم و أمّا قوله « فهو لکم » يقول ثوابه لکم ؛

از امام باقر(ع) درباره سخن خداوند «قل ما سألتکم من أجر فهو لکم» روایت شده که: رسول خدا(صلی الله علیه و آله) از قومش خواست [به جای پاداش او]، خویشاوندان وی را دوست داشته باشند و آنان را اذیت نکنند و اما معنای «فهلکم» این است که ثواب آن برای خودتان می باشد».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 86 - 2

ص: 228

2- پیامبر (صلی الله علیه و آله) در قبال رسالتش، کمترین مزدی درخواست نمی کرد .

قل ما أسئلكم عليه من أجر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - شوری - 42 - 23 - 8,9

8- پیامبر (صلی الله علیه و آله) در راه انجام رسالت خویش، پاداشی جز مودت نزدیکانش (اهل بیت) نطلبیده است .

قل لا أسئلكم عليه أجرًا إلا الموده فی القربی

براساس روایات فراوان و آرای بسیاری از مفسران، منظور از قربی «اهل بیت» پیامبر (صلی الله علیه و آله) است.

9- پیامبر (صلی الله علیه و آله)، مأمور به انجام رسالت خویش، بی هیچ چشمداشت مادی از مردم

قل لا أسئلكم عليه أجرًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - قلم - 68 - 46 - 1

1- پیامبر (صلی الله علیه و آله)، هیچ اجر و پاداشی از کافران در قبال رسالت خویش درخواست نکرد .

أم تسئلهم أجرًا

## 20- مزد رسالت نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 29 - 1,4

1- نوح (ع) به مردم اعلام کرد که : در برابر ابلاغ رسالت، کمترین مالی از آنان درخواست نخواهد کرد .

يقوم لأسئلكم عليه مالاً

مراد از ضمیر در «علیه» پیامبری و ابلاغ رسالت است. کلمه «مالاً» نکره است و چون پس از نفی (لأسئلكم) قرار گرفته است، دلالت بر عموم دارد؛ یعنی، هیچ مالی و کمترین پاداشی.

4- نوح (ع) به قوم خویش اعلام کرد که پاداش رسالتش تنها بر عهده خداوند است .

إن أجرى إلا على الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 109 - 1

1 - تصریح نوح (ع) به نداشتن کمترین چشمداشت مادی از مردم ، در قبال رسالت خویش

و ما أسئلكم عليه من أجر

ص: 229

## 21- مزد رسالت هود (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 127 - 1

1 - تصریح هود (ع) به نداشتن کمترین چشمداشت مادی از مردم، در قبال رسالت خویش

و ما أسئلكم عليه من أجر... إلا على رب العلمين

## 22- مزد رضاع

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - طلاق - 65 - 6 - 6

6 - مردان باید به زنان مطلقه، بابت شیردادن فرزندان خود اجرت بپردازند.

فإن أرضعن لكم فاتوهن أجورهنّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - طلاق - 65 - 7 - 1,3

1 - مردان متمکن و توانگر، باید به میزان توانایی و فراخ دستی خویش، هزینه زندگی زنان مطلقه را در دوران شیردادن به نوزادان - افزون بر پرداخت اجرت شیردادن - بپردازند.

لینفق ذو سعه من سعته

در این که حکم انفاق در این آیه، اختصاص به دوران شیردادن زنان مطلقه به نوزادشان دارد و یا شامل دوران عدّه نیز می شود، میان مفسران اختلاف هست. برداشت یاد شده، مبتنی بر احتمال نخست است.

3 - مردان تنگ دست، باید به مقدار توانایی خویش هزینه زندگی زنان مطلقه را در دوران شیردادن به نوزادان - افزون بر پرداخت اجرت شیردادن - بپردازند.

و من قدر علیه رزقه فلینفق ممّا آتیه الله

## 23- مزد عمل تبرعی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6- پرداختن مزد در برابر کار تبرعی و بدون چشمداشت دیگران ، امری است نیکو .

لیجزیک أجر ما سقیت لنا

ص: 230

## 24- مزد کار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 77 - 15،16

15- تعیین مقدار اجرت ، پس از انجام کار صحیح و نافذ است .

لوشئت لتخذت علیه أجرًا

16- دریافت اجرت در برابر کاری که بدون درخواست کارفرما انجام گیرد ، جایز است .

لوشئت لتخذت علیه أجرًا

## 25- مزد کار در دوران موسی (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 77 - 14

14- نظام کارمزدی ، در زمان موسی (ع) وجود داشته است .

قال لوشئت لتخذت علیه أجرًا

## 26- مصلحان و مزد تبلیغ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 51 - 4

4- مطالبه نکردن پاداش از مردم ، به خاطر تبلیغ حقایق و معارف الهی ، نشانه صداقت مبلغان و مصلحان است .

يقوم لاسئلکم علیه أجرًا .. أفلا تعقلون

از آن جا که هدف مدعیان دروغین ، رسیدن به منافع مادی و مال و منال دنیوی است ، می توان گفت: حضرت هود(ع) با جمله «لاأسئلکم» اشاره به دلیل و نشانه صداقت خویش دارد.

## 27- هود(ع) و مزد تبلیغ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش



1- هود (ع)، به مردم خویش اعلام کرد که در برابر ابلاغ رسالت کمترین مزدی از آنان نخواهد خواست .

يقوم لأسئلكم عليه أجرًا

ص: 231

## 28- هود(ع) و مزد رسالت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 51 - 3, 5, 1

1- هود (ع) ، به مردم خویش اعلام کرد که در برابر ابلاغ رسالت کمترین مزدی از آنان نخواهد خواست .

يقوم لأستلکم عليه أجرًا

3- هود (ع) ، پاداش نخواستن از مردم را ، نشانه ای بر صداقت خویش در ادعای نبوت دانست .

لأستلکم عليه أجرًا إن أجرى إلا على الذی فطرني أفلا تعقلون

در برداشت فوق ، جمله «أفلا تعقلون» در ارتباط با «لأستلکم . . .» معنا شده است. بر این اساس ، هود(ع) به مردم می گوید: اگر در این معنا اندیشه کنید که من هیچ مزدی از شما درخواست نمی کنم ، خواهید فهمید که در ادعای نبوت راستگو هستم.

5- هود (ع) ، به قومش اعلام کرد که پاداش رسالتش ، تنها برعهده خداوند است .

قال يقوم . . . إن أجرى إلا على الذی فطرني

ص: 232

### 1- ترکیب آهن و مس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 96 - 11

11- ترکیب آهن و مس، فلزی بسیار مستحکم و غیر قابل نفوذ به دست می دهد .

ءاتونی زبر الحديد .. أفرغ علیه قطراً

ریختن مس گداخته بر آهن های نزدیک به ذوب، گویای آن است که جنس ترکیبی، به فلزی بسیار مستحکم تبدیل خواهد شد.

### 2- تشبیه به مس مذاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 29 - 17

17- آب های غلیظ و گداخته، بسان گدازه مس، پاسخی برای استغاثه و آب طلبی کافران در دوزخ است .

وإن یستغیثوا یغاثوا بماء کالمهل

«مهل» به معنای «درده روغن» و نیز «مس گداخته» است (مقایس اللغه) و نیز به «خونابه ای که از لاشه مردار بیرون آید» گفته می شود. (قاموس) وصف آنان با عبارت «یشوی الوجوه» با معنای «مس گداخته» سازگارتر است.

### 3- ذوب مس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - سبأ - 34 - 12 - 5,6,7

ص: 233

5- دیگ های بزرگی برای ذوب مس جهت ساختن ابزار مسی، در اختیار سلیمان (ع) قرار داشت.

و أسلنا له عین القطر

«عین» در آیه به معنای حقیقی آن (چشمه) نیست؛ بلکه معنای کنایی آن مورد نظر است؛ یعنی، ظرف های بزرگی که مذاب مس داخل آنها بوده و از آن تعبیر به «عین» شده است.

6- خداوند، ماده مس را به گونه ای قرار داده که با ذوب شدن به جریان درمی آید.

و أسلنا له عین القطر

«أسلنا» از «اساله» به معنای سیلان و جریان است.

7- فراهم آمدن امکانات ذوب مس برای سلیمان (ع)، از عطایای خدا به آن حضرت

و لقد ءاتینا .. فضلاً .. و لسلیمن ... و أسلنا له عین القطر

#### 4- ذوب مس در دوران سلیمان (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - سبأ - 34 - 12 - 8

8- وجود صنعت مسگری در دوران سلیمان (ع)

و أسلنا له عین القطر

«قطر» به معنای نوعی مس مذاب است (مفردات راغب و المنجد). گفتنی است که «اساله» (مصدر «أسلنا») به معنای سیلان و جریان است و کاربرد آن در اشیای جامد، معنای ذوب را افاده می کند.

#### 5- شرایط مس قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - واقعه - 56 - 79 - 9، 1

1 - حرمت دست زدن به نوشته های قرآن بدون طهارت

لا یمسه إلا المطهرون

ضمیر در «لا یمسه»، می تواند به قرآن بازگردد و نیز می تواند راجع به «کتاب مکنون» باشد. در صورت اول جمله «لا یمسه...» انشا در

قالب اخبار بوده و مفاد آن نهی از لمس قرآن بدون طهارت می باشد. برداشت یاد شده بر پایه همین احتمال است.

9 - « عن ابراهيم بن عبد الحميد عن أبي الحسن (ع) قال المصحف لا تمسه على غير طهر ولا جنبا إن الله يقول: « لا يمسه إلا المطهرون » ;

ابراهيم بن عبد الحميد از امام كاظم (ع) روايت نموده كه فرمود: قرآن را بدون طهارت و در حال جنابت مس نكن. .. زيرا خدا فرموده: لا يمسه إلا المطهرون».

ص: 234

## 6- فواید مس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 96 - 7،11

7- ذوالفرنین ، از مس مذاب ، برای پر کردن میان پاره های آهن اسکلت سد ، استفاده کرد .

ءاتونی أفرغ علیه قطراً

«افراغ» به معنای «خالی کردن ظرف و ریختن محتویات آن» است و «قطراً» (مس مذاب) مفعول برای «أفرغ» است و مفعول «آتونی» به قرینه «قطراً» محذوف است.

11- ترکیب آهن و مس ، فلزی بسیار مستحکم و غیر قابل نفوذ به دست می دهد .

ءاتونی زبر الحديد .. أفرغ علیه قطراً

ریختن مس گداخته بر آهن های نزدیک به ذوب، گویای آن است که جنس ترکیبی، به فلزی بسیار مستحکم تبدیل خواهد شد.

## 7- ویژگیهای مس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - سبأ - 34 - 12 - 6

6 - خداوند ، ماده مس را به گونه ای قرار داده که با ذوب شدن به جریان درمی آید .

و أسلنا له عين القطر

«أسلنا» از «اساله» به معنای سیلان و جریان است.

ص: 235

## 6- مسابقه

### 1- احکام مسابقه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 17 - 4

4- مسابقه ، امری مشروع در آیین یعقوب (ع) و مرسوم در زمان آن حضرت

قالوا یاابانا انا ذهبنا نستبق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 72 - 8

8- مشروعیت ایجاد رقابت با تعیین جایزه

ولمن جاء به حمل بعیر

### 2- جایزه در مسابقه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 72 - 8

8- مشروعیت ایجاد رقابت با تعیین جایزه

ولمن جاء به حمل بعیر

ص: 236

### 3- مسابقه برای بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - حدید - 57 - 21 - 2

2- انسان ها ، باید دنیا را میدان مسابقه جهت دست یافتن به بهشت و آمرزش الهی قرار دهند .

و ما الحیوه الدنیا إلا متع الغرور . سابقوا إلى مغفره من ربکم و جنة

### 4- مسابقه برای خوشگذرانی اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - مطفین - 83 - 26 - 3

3- به کار گرفتن تمام تلاش برای رقابت با دیگران ، تنها شایسته خوش گذرانی و شراب خواری در جهان آخرت است .

و فی ذلک فلیتنافس المتنافسون

«تَنَافُسٌ»؛ یعنی، هر یک از رقابت کنندگان، نیروی نَفْسِ خویش را در برابر دیگری آشکار سازد (مقایس اللغه). «ذلک»، به محتوای آیات «علی الأرائک ینظرون» و «یسقون» اشاره دارد.

### 5- مسابقه برای شرابخواری اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - مطفین - 83 - 26 - 3

3- به کار گرفتن تمام تلاش برای رقابت با دیگران ، تنها شایسته خوش گذرانی و شراب خواری در جهان آخرت است .

و فی ذلک فلیتنافس المتنافسون

«تَنَافُسٌ»؛ یعنی، هر یک از رقابت کنندگان، نیروی نَفْسِ خویش را در برابر دیگری آشکار سازد (مقایس اللغه). «ذلک»، به محتوای آیات «علی الأرائک ینظرون» و «یسقون» اشاره دارد.

### 6- مسابقه در دین یعقوب (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 17 - 4



4- مسابقه ، امری مشروع در آیین یعقوب (ع) و مرسوم در زمان آن حضرت

قالوا یاأبانا إنا ذهبنا نستبق

ص: 237

## 7- مسابقه در عمل خیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - حدید - 57 - 21 - 5

5- رقابت در کارهای پسندیده، امری است شایسته و مورد سفارش خداوند.

سابقوا إلى مغفرة من ربكم

## 8- مسابقه در گناه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 62 - 3

3- مسابقه و پیشی جستن در ارتکاب گناه، تجاوز و حرام خواری، شیوه بسیاری از اهل کتاب در عصر بعثت

و تری کثیراً منهم یسرعون فی الاثم و العدوان و اکلهم السحت

1- «یسرعون» (از مصدر) «سارعه» می تواند به معنای پیشی جستن از یکدیگر باشد. 2- فعل مضارع «یسرعون» دلالت می کند که ارتکاب این اعمال شیوه آنان بوده و به طور مستمر انجام می داده اند، جمله «کانوا یعملون» نیز دلالت بر این معنا دارد.

ص: 238

1- احكام مساحقه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3- نساء - 4 - 15 - 6، 4، 3، 2

2- کیفر زن در صورت مساحقه (همجنس بازی) حبس ابد است . \*

والتی یأتین الفاحشه من نسائکم .. فامسکوهن فی البیوت

3- زن زناکار و همجنس باز در صورتی که مسلمان باشد، به حبس ابد محکوم می شود .

والتی یأتین الفاحشه من نسائکم

چنانچه «کُم» خطاب به جامعه اسلامی باشد، مراد از «نساء» زنان مسلمان خواهد بود.

4- لزوم شهادت چهار مرد مسلمان برای اثبات فحشای زنان (زنا و مساحقه)

والتی یأتین الفاحشه من نسائکم فاستشهدوا علیهنّ اربعه منکم

مؤث آوردن کلمه «اربعه» دلالت می کند که معدود آن، رجال (مردان) هستند؛ و «منکم» دلالت بر مسلمان بودن آن مردان دارد.

6- کیفر فحشا (زنا، مساحقه)، مشروط به انجام آن از روی اختیار است .

والتی یأتین الفاحشه من نسائکم

2- سرزنش مساحقه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3- نساء - 4 - 15 - 5

5- زنا و مساحقه، عملی بسیار زشت

والتی یأتین الفاحشه من نسائکم

فاحشه در لغت به معنی عمل بسیار زشت است و در آیه فوق از زنا و مساحقه به فاحشه تعبیر شده است.

### 3- کیفر مساحقه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 15 - 15، 6، 3، 2

2 - کیفر زن در صورت مساحقه (همجنس بازی) حبس ابد است . \*

وَالَّتِي يَأْتِيَنَّ الْفَاحِشَةَ مِنْ نِسَائِكُمْ . . . فَاْمَسْكُوهُنَّ فِي الْبُيُوتِ

3 - زن زناکار و همجنس باز در صورتی که مسلمان باشد، به حبس ابد محکوم می شود .

وَالَّتِي يَأْتِيَنَّ الْفَاحِشَةَ مِنْ نِسَائِكُمْ

چنانچه «کُم» خطاب به جامعه اسلامی باشد، مراد از «نساء» زنان مسلمان خواهد بود.

6 - کیفر فحشا (زنا، مساحقه)، مشروط به انجام آن از روی اختیار است .

وَالَّتِي يَأْتِيَنَّ الْفَاحِشَةَ مِنْ نِسَائِكُمْ

15 - وعده خداوند به جعل کیفری خفیفتر از حبس ابد برای زنانی که مرتکب زنا و یا مساحقه شوند .

حَتَّى يَتَوَفَّيَهُنَّ الْمَوْتَ اَوْ يَجْعَلَ اللَّهُ لَهُنَّ سَبِيلًا

جمله «او يجعل الله . . .»، حاکی است که کیفر دیگر برای زن زناکار جعل خواهد شد؛ و لام در «لهن»، مشعر به این است که آن کیفر خفیفتر از حبس ابد می باشد.

### 4- مساحقه در اصحاب رس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 38 - 7

7 - «عن جميل عن أبي عبد الله (ع) قال: دخلت إمرأه مع مولاه لها على أبي عبد الله (ع) فقالت: ما تقول في اللواتي مع اللواتي قال: هن في النار . . . فقالت أليس هذا في كتاب الله؟ قال بلى . قالت أين هو؟ قال قوله «وعاداً و ثمود وأصحاب الرس» فهن الرسيات؛

از امام صادق (ع) روایت شده است که زنی همراه کنیزش بر آن حضرت وارد شد و آن زن از حکم هم جنس بازی زنان (مساحقه) سؤال نمود. حضرت فرمود: آنان در آتش خواهند بود... آن زن پرسید: این حکم در قرآن یافت می شود؟ حضرت فرمود: آری. پرسید در

كجای قرآن؟ فرمود: سخن خداوند كه می فرماید: «وعاداً و ثمود و أصحاب الرس» و عمل این زنان [همان عمل] اصحاب رس است.

ص: 240

1- احکام مسافر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 184 - 23، 28، 3، 4

3 - روزه گرفتن بر مریض و مسافر در ماه رمضان مشروع نیست .

فمن كان منكم مريضاً أو على سفر فعده من أيام آخر

کلمه «عده» مبتدا و خبر آن به قرینه «کتب علیکم» و جمله بعد، «علیه» است؛ یعنی: فمن كان . . . فعلیه عده من ایام آخر. این جمله بیانگر آن است که: مکلف اگر در «ایام معدودات» (ماه رمضان) مریض و یا مسافر باشد، وظیفه او روزه گرفتن در غیر ماه رمضان است و این بدان معناست که او نباید در ماه رمضان روزه بگیرد.

4 - وجوب قضای روزه ماه رمضان ، بر کسی که در آن ماه مسافر و یا مریض بوده است .

فمن كان منكم مريضاً أو على سفر فعده من أيام آخر

23 - از امام سجاد (ع) روایت شده که فرمودند: «فأما صوم السفر والمرض . . . يفطر في الحالين جميعاً فان صام في السفر أو في حال المرض فعليه القضاء فان الله عز وجل يقول «فمن كان منكم مريضاً أو على سفر فعده من أيام آخر»؛

مسافر و مریض . . . در حال مسافرت و بیماری باید روزه خود را افطار کنند؛ پس اگر در حال سفر و یا بیماری روزه گرفتند بایستی قضای آن روز را به جا آورند. خداوند عز و جل می فرماید: هر کس از شما بیمار یا مسافر باشد تعدادی از روزهای دیگر را روزه بدارد».

28 - از امام صادق (ع) روایت شده است که: «يقضى شهر رمضان من كان فيه عليلاً أو مسافراً عده ما اعتل أو سافر فيه إن شاء متصلاً وإن شاء مفترقاً قال الله عز وجل «فعده من أيام آخر» . . .»؛

مسافر و مریض باید تعداد روزهایی را که بیمار و یا در سفر بوده قضا نماید، خواه پیوسته و متصل و خواه متفرق به جا آورد، خدای عز و جل فرموده: «فعده من أيام آخر» . . .».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 185 - 15، 16، 17، 20

15 - روزه بر مریض و مسافر واجب نبوده و مشروع نیست .

و من كان مريضاً أو على سفر فعده من أيام آخر

16 - قضای روزه های ماه رمضان ، بر کسی که در این ماه مریض و یا مسافر بوده ، واجب است .

و من كان مريضاً أو على سفر فعده من أيام آخر

17 - تعداد روزه های قضا ، باید به تعداد روزهایی باشد که مکلف در آنها مریض و یا مسافر بوده است .

فعده من أيام آخر

20 - قصد مسافرت در واجب نبودن روزه ، کافی نیست .

و من كان مريضاً أو على سفر فعده من أيام آخر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 43 - 20

20 - وظیفه مسافری که دسترسی به آب ندارد ، تیمم است .

او على سفر . . . فلم تجدوا ماءً فتيمموا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 6 - 13

13 - وظیفه مسافر در صورت نیافتن آب برای وضو یا غسل ، تیمم است .

او على سفر . . . فلم تجدوا ماءً فتيمموا صعيداً طيباً

## 2- احکام نماز مسافر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 101 - 13، 14، 15، 2

2 - کفایت نماز قصر در سفر ، به هنگام ترس از فتنه های کافران

و إذا ضربتم في الارض . . . من الصلوه ان خفتم ان يفتنكم الذين كفروا

«ضرب فی الارض» به معنای مسافرت کردن است.

13 - وجوب شکسته خواندن نماز در سفر به هنگام ترس از فتنه دشمن

وإذا ضربتم فی الارض فلیس علیکم جناح . . . ان یفتنکم الذین کفروا

امام باقر(ع) در پاسخ سؤال از چگونگی نماز مسافر فرمودند: ان الله عز و جل یقول: و اذا ضربتم فی الارض . . . فصار التقصیر فی السفر واجباً کوجوب التمام فی الحضر . . .

---

من لایحضره الفقیه، ج 1، ص 278، ح 1، باب 59؛ نورالثقلین، ج 1، ص 542، ح 527

14 - شکسته خواندن نماز در سفر، دو رکعت خواندن نماز چهار رکعتی است .

وإذا ضربتم فی الارض فلیس علیکم جناح ان تقصروا من الصلوه

ص: 242



امام باقر(ع) در مورد عدد رکعات نماز در سفر فرمود: .. والصلوه كلها في السفر الفريضة ركعتان كل صلوه الا المغرب فانها ثلاث ليس فيها تقصير ...

---

من لا يحضره الفقيه، ج 1، ص 279، ح 1، باب 59؛ تفسير عياشي، ج 1، ص 271، ح 254.

15 - حداقل مسافتی که موجب شکسته شدن نماز در سفر می شود، هشت فرسخ است .

وإذا ضربتم في الارض ... ان تقصروا من الصلوه

امام صادق(ع) در پاسخ سؤال از مسافتی که موجب شکسته شدن نماز می شود فرمود: فی مسیره یوم و ذلک بریدان و هما ثمانیه فراسخ .  
...

---

تهذیب، ج 3، ص 207، ح 1، باب 23؛ تفسیر برهان، ج 1، ص 410، ح 7.

### 3- روزه مسافر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 184 - 23، 28، 29، 7، 5، 4، 3

3 - روزه گرفتن بر مریض و مسافر در ماه رمضان مشروع نیست .

فمن كان منكم مريضاً أو على سفر فعده من أيام آخر

کلمه «عده» مبتدا و خبر آن به قرینه «کتب علیکم» و جمله بعد، «علیه» است؛ یعنی: فمن كان ... فعلیه عده من أيام آخر. این جمله بیانگر آن است که: مکلف اگر در «ایام معدودات» (ماه رمضان) مریض و یا مسافر باشد، وظیفه او روزه گرفتن در غیر ماه رمضان است و این بدان معناست که او نباید در ماه رمضان روزه بگیرد.

4 - وجوب قضای روزه ماه رمضان، بر کسی که در آن ماه مسافر و یا مریض بوده است .

فمن كان منكم مريضاً أو على سفر فعده من أيام آخر

5 - تعداد روزه های قضا، باید به تعداد روزهایی باشد که مکلف در آنها مریض و یا مسافر بوده است .

فعده من أيام آخر

آوردن کلمه «عده» - که به معنای تعداد و شماره است - گویای این معناست که: باید روزه هایی که به عنوان قضا گرفته می شود، شمارش شود. هدف از ضرورت شمارش روزه های قضا تطابق تعداد آنها با تعداد روزه هایی است که از مکلف فوت شده است.

7 - قصد مسافرت در واجب نبودن روزه کافی نیست .

فمن كان منكم مريضاً أو على سفر

«علی سفر» گویای تحقق و فعلیت سفر است. بنابراین شامل کسی که مسافر نیست، هر چند قصد سفر داشته باشد، نمی شود.

23 - از امام سجاد (ع) روایت شده که فرمودند: « فأما صوم السفر و المرض . . . يفطر في الحالين جميعاً فان صام في السفر أو في حال المرض فعليه القضاء فان الله عز و جل يقول « فمن كان منكم مريضاً أو على سفر فعده من أيام آخر ;

مسافر و مریض . . . در حال مسافرت و بیماری باید روزه خود را افطار کنند؛ پس اگر در حال سفر و یا بیماری روزه گرفتند بایستی قضای آن روز را به جا آورند. خداوند عز و جل می فرماید: هر کس از شما بیمار یا مسافر باشد تعدادی از روزهای دیگر را روزه بدارد».

28 - از امام صادق (ع) روایت شده است که: « يقضى شهر رمضان من كان فيه عليلاً أو مسافراً عده ما اعتل أو سافر فيه إن شاء

ص: 243

متصلاً و إن شاء مفترقاً قال الله عز و جل « فعدة من أيام آخر » . . . ؛

مسافر و مریض باید تعداد روزهایی را که بیمار و یا در سفر بوده قضا نماید، خواه پیوسته و متصل و خواه متفرق به جا آورد، خدای عز و جل فرموده: « فعدة من أيام آخر » . . . .

29 - از امام صادق (ع) روایت شده است: « أدنى السفر الذى تقصر فيه الصلوه و يفطر فيه الصائم بریدان . . . و عنه (ع) انه قال من خرج مسافراً فى شهر رمضان قبل الزوال قضى ذلك اليوم و إن خرج بعد الزوال تم صومه و لا قضاء عليه . . . ؛

کمترین مقدار مسافتی که به موجب آن نماز شکسته می شود و روزه دار افطار می کند، دو برید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 185 - 15, 16, 17, 20, 22

15 - روزه بر مریض و مسافر واجب نبوده و مشروع نیست .

و من كان مريضاً أو على سفر فعدة من أيام آخر

16 - قضای روزه های ماه رمضان ، بر کسی که در این ماه مریض و یا مسافر بوده ، واجب است .

و من كان مريضاً أو على سفر فعدة من أيام آخر

17 - تعداد روزه های قضا ، باید به تعداد روزهایی باشد که مکلف در آنها مریض و یا مسافر بوده است .

فعدة من أيام آخر

20 - قصد مسافرت در واجب نبودن روزه ، کافی نیست .

و من كان مريضاً أو على سفر فعدة من أيام آخر

22 - سختی و دشواری روزه بر مریض و مسافر ، دلیل و حکمت برداشتن روزه از آنان است .

و من كان مريضاً . . . یرید الله بكم اليسر و لا یرید بكم العسر

جمله « یرید الله . . . » را می توان ناظر به جمله « من كان . . . » دانست و آن را دلیل و حکمت برداشتن روزه از مسافر و مریض شمرد و نیز می توان آن را ناظر به اصل و جوب روزه و بیان حکمت آن دانست. برداشت فوق بر اساس نظر اول است.

#### 4- نماز مسافر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - وجوب برپایی نماز با تمام شرایط ، پس از سفر و بازگشت به وطن \*

فاذا اطمانتم فاقیموا الصلوه

برخی بر آنند که مراد از «اطمانتم» بازگشت به وطن است.

مسافران

ص: 244

## 5- پذیرایی از مسافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 77 - 6

6- میزبانی مسافران و اطعام « در راه ماندگان » کاری شایسته است .

استطعما أهلها فلبوا أن يضیفوهما

موسی و خضر(ع) فقط، طلب غذا کردند، ولی قرآن، مردم آن شهر را توصیف کرد به این که از پذیرایی میهمان سرباز زدند؛ یعنی، سزاوار بود که مردم، آن دورا میهمان خود می ساختند و حتی از غیر غذا نیز مضایقه نمی کردند.

## 6- غرق مسافران کشتی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - یس - 36 - 43 - 1

1 - خداوند بر غرق ساختن تمامی سرنشینان کشتی ها در اعماق دریا ها توانا است .

وإن نشأ نغرقهم فلا صریخ لهم ولا هم ینقذون

## 7- مسافران کشتی قصه خضر(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 71 - 10، 7

7- قرار گرفتن سرنشینان کشتی در معرض غرق، علت اعتراض موسی (ع) به عمل خضر (ع) بود .

قال أخرقتها لتغرق أهلها

10- کشتی سوراخ شده به دست خضر (ع) حامل مسافر بوده است .

أخرقتها لتغرق أهلها

## 8- مقدار تهجد مسافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - رعایت حال مریضان ، مسافران تاجر و سوداگر و جنگ جویان خداجو ، فلسفه تخفیف دادن تکلیف شب زنده داری و کاستن از آن ، به میزان میسر و ممکن

فاقرءوا ما تيسر من القرءان علم أن سيكون منكم مرضى و .. وء اخرون يقتلون فى سبى

عبارت «ضرب فى الأرض» در معانی سفر برای تجارت و خارج شدن برای جنگ آمده است؛ ولی با آمدن «و اخرون یقاتلون فى

ص: 245

سبیل اللّٰه» معنای اول مراد است.

### 9- منشأ غرق مسافران کشتی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - 15 - 36 - 43 - 6

6- هیچ یک از سرنشینان کشتی ها در دریا ها ، امنیت کامل نداشته و امکان غرق شدن آنان به اراده الهی وجود دارد .

وإن نشأ نغرقهم فلا صریخ لهم ولا هم ینقذون

این آیه شریفه با آیه قبل، درصدد بیان نعمت و آیت الهی می باشد؛ ولی در عین حال لحن هشدار دهنده نیز دارند که مبادا این نعمت ها موجب غرور بشر شود و آنان از آنها سوء استفاده کنند؛ که در این صورت ممکن است با قهر الهی دچار غرق و نابودی شوند.

### 10- وعده به مسافران به حدیبیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - فتح - 48 - 15 - 12

12 - اختصاص غنایم خیبر به شرکت کنندگان سفر حدیبیه ، براساس وعده قبلی خداوند \*

إذا انطلقتم إلى مغانم لتأخذوها .. قال الله من قبل

برداشت بالا بدان احتمال است که آنچه از قبل گفته شده، اختصاص غنایم، به حاضران صلح حدیبیه باشد؛ چه این که این نکته از نظر تاریخی نیز تأیید شده است.

مسافرت

### 11- آثار خطر مسافرت دریایی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 67 - 1

1- لحظه های خطر آفرین سفر های دریایی ، زمینه بروز گرایش انسان به خدای یگانه و رویکرد به او و از یاد بردن غیر او

وإذا مسّکم الضرّ فی البحر ضلّ من تدعون إلاّ إیّاه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - مشركان به هنگام حادثه ای مخاطره آمیز در دریا ، خداوند را مخلصانه می خوانند .

ص: 246



## 12- آثار مسافرت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - روم - 30 - 9 - 1

1 - سیر در زمین و توجّه به سرنوشت تمدن های پیشین ، مایه عبرت آدمی است .

أولم يسيروا في الأرض فينظروا كيف كان عقبه الذين من قبلهم كانوا أشد منهم قوّه

## 13- آثار مسافرت به حدیبیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - فتح - 48 - 11 - 18

18 - سفر حدیبیه ، برای مسلمانان همراه با پیروزی و خلاف انتظار اعراب متخلف

سيقول لك المخلفون .. فاستغفر لنا

در آیات پیشین، سفر حدیبیه به عنوان سفری پر بار معرفی شده و خداوند پس از تمجید آثار این سفر، عذرخواهی های آینده اعراب متخلف را یادآور شده است. با توجه به این نکته، از مجموع آیات استفاده می شود که اعراب متخلف، انتظار چنین فرجام فرخنده ای را برای این سفر نداشته و با مشاهده نتایج مثبت آن، از تخلف خود اظهار ندامت خواهند کرد.

## 14- آداب مسافرت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 60 - 7

7- آگاه ساختن فرمانبران و همراهان از مقصد نهایی سفر و مشکلات احتمالی راه ، از آداب مسافرت است .

و إذ قال موسى لفته لآبرح حتّى أبلغ

موسی (ع) برای همراه خویش، مقصد مورد نظر و نیز مقدار همّت و عزمی را که برای رسیدن به آن دارد، بیان کرده است و از آن جهت که نقل کار پیامبران در قرآن جملگی، برای توصیه و تذکر است، برداشت بالا به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - همراه بودن با هم سفران در مسافرت ، و جدا نشدن از آنان در مسیر ، از آداب سفر است .

و ما أعجلک . . . قال هم أولاء علی اثری

ص: 247

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 14 - 2

2- لزوم یادآوری سفر آخرت ، هنگام مسافرت و سوار شدن بر مرکب

و جعل لكم من الفلك والأنعم .. إذا استوتيم عليه و تقولوا ... وإنا إلى ربنا

### 15- آسایش در مسافرت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 80 - 7

7- عوامل رفاه و آسایش انسان ، در سفر و حضر از جانب خداوند تدارک شده است .

والله .. و جعل لكم ... تستخفونها يوم ظعنكم و يوم إقامتكم

### 16- احساس خطر متخلفان از مسافرت به حدیبیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - فتح - 48 - 11 - 20

20- انگیزه اصلی متخلفان از سفر حدیبیه ، گریز از خطرات احتمالی و حفظ منافع دنیوی خود

قل فمن يملك لكم من الله شيئاً إن أراد بكم ضرراً أو أراد بكم نفعاً

### 17- ارزش مسافرت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 89 - 3

3- سفر به نقاط مختلف زمین و محدود نساختن تلاش خویش به منطقه ای خاص ، در دیدگاه قرآن ، امری پسندیده و ستوده است .

ثم أتبع سبباً

### 18- ارزش مسافرت با علما

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش



18- مسافرت با عالم و تحمّل سختی ها در راه کسب دانش و رشد و کمال ، ارزشمند است .

لقد لقینا من سفرنا هذا نصیباً . . . هل أتبعك علی أن تعلمن ممّا علمت رشدًا

### 19- اقرار متخلفان از مسافرت به حدیبیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - فتح - 48 - 11 - 9

9- متخلفان از سفر حدیبیه ، معترف به گناه خویش و متقاضی عفو و استغفار پیامبر (صلی الله علیه و آله)

سیقول لك المخلفون من الأعراب . . . فاستغفر لنا

### 20- انگیزه متخلفان از مسافرت به حدیبیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - فتح - 48 - 11 - 20

20- انگیزه اصلی متخلفان از سفر حدیبیه ، گریز از خطرات احتمالی و حفظ منافع دنیوی خود

قل فمّن یملک لکم من اللّٰه شیئاً إنّ أراد بکم ضرّاً أو أراد بکم نفعاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - فتح - 48 - 15 - 8

8- تلاش متخلفان حدیبیه برای حضور در جنگ خیبر ، به منظور شکستن نهی الهی از شریک شدن آنان در غنایم خیبر \*

یریدون أن یبدلوا کلم اللّٰه قل لن تتّبعونا کذلکم قال اللّٰه من قبل

برداشت بالا بدان احتمال است که به قرینه «قل لن تتّبعونا کذلکم قال اللّٰه من قبل»، خداوند از قبل، پربار بودن جنگ خیبر را یادآور شده و از حضور متخلفان، در آن جنگ نهی کرده است؛ تا آنان به غنایم دست نیابند. ولی متخلفان، به خاطر شکستن این نهی الهی، درصدد شرکت در جنگ و سهم شدن در غنایم بودند.

### 21- اولین مسافرت برادران یوسف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 59 - 4

4- بنیامین در اولین سفری که برادرانش برای تهیه خوار و بار به حضور یوسف (ع) رسیدند، همراه آنان نبود.

قال انتونی بأخ لکم من ایکم

ص: 249

## 22- اهداف مسافرت موسی (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 65 - 2

2- هدف موسی (ع) و همراه وی از سفر جستجوگرانه خود، یافتن بنده ای از بندگان خاص الهی و دارای علم لدنی بود.

فارتدا... فوجدا عبداً من عبادنا... و علمنه من لدنا

واژه «وجدنا» بیان کننده یافتن چیزی است که موسی و همراه اش در جستجوی آن بودند و نه دیداری اتفاقی و غیر مترقبه. «لدنا» دلالت می کند که علم حضرت «خضر(ع)» دانش عادی و معمولی نبوده، بلکه از افاضات خاص ربّانی بوده است.

## 23- اهداف مسافرت یوشع (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 65 - 2

2- هدف موسی (ع) و همراه وی از سفر جستجوگرانه خود، یافتن بنده ای از بندگان خاص الهی و دارای علم لدنی بود.

فارتدا... فوجدا عبداً من عبادنا... و علمنه من لدنا

واژه «وجدنا» بیان کننده یافتن چیزی است که موسی و همراه اش در جستجوی آن بودند و نه دیداری اتفاقی و غیر مترقبه. «لدنا» دلالت می کند که علم حضرت «خضر(ع)» دانش عادی و معمولی نبوده، بلکه از افاضات خاص ربّانی بوده است.

## 24- اهمیت مسافرت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 36 - 9

9- لزوم جهانگردی و سیر و سیاحت، جهت مطالعه در عاقبت شوم تکذیب کنندگان انبیا

فسيروا فی الأرض فانظروا کیف كان عقبه المکذبین

«انظروا» (از مصدر نظر) به معنای گرداندن چشم برای درک و دریافت چیزی و دیدن آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 86 - 15

15- سیر در زمین و به کیفر رساندن اقوام ناصالح ، امری پسندیده است .

حتّٰی اذابلغ . . . إمّا أن تعذب

گزارش سفر ذی القرنین پس از بیان موهبت های الهی به او، نشانه شایسته بودن اقدامات او است.

ص: 250



ایجاد انگیزه مسافرت برادران یوسف به مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 62 - 6

6- یوسف (ع) با باز گرداندن مال التجاره فرزندان یعقوب، در صدد بود در آنان احساس حق شناسی و سپاس گزاری ایجاد کند و انگیزه مراجعت ایشان را قوت بخشد.

اجعلوا بضعتهم فی رحالهم لعلهم یعرفونها... لعلهم یرجعون

برداشت فوق، ناظر به دومین احتمالی است که در توضیح برداشت قبل آمده است.

### 25- برادران یوسف و مسافرت بنیامین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 63 - 2,3,4,5

2- ممنوع شدن فرزندان یعقوب از دریافت سهمیه خوار و بار بدون همراهی بنیامین، از گزارش های آنان به پدرشان یعقوب بود.

فإن لم تأتونی به فلا کیل لکم... فلما رجعوا إلی أبیهم قالوا یأبانا منع منا الکی

3- فرزندان یعقوب با اظهار محبت به بنیامین از پدرشان خواستند او را به همراه آنان روانه مصر کند.

فأرسل معنا أخیانا

هدف فرزندان یعقوب از نام نبردن بنیامین و یاد کردن از او به عنوان «أخیانا» (برادرمان) اظهار محبت به اوست.

4- فرزندان یعقوب بر حفاظت از بنیامین، در طول سفرشان به مصر متعهد شدند و بر آن تأکید کردند.

فأرسل معنا أخیانا نکتل و إنا له لحفظون

5- گزارش تحریم سهمیه آذوقه بدون همراهی بنیامین، خبر و گزارشی مهم در دیدگاه فرزندان یعقوب

یأبانا منع منا الکیل

فرزندان یعقوب پیش از باز کردن بارها و محموله ها - که معمولاً اولین اقدام مسافران و کاروانهاست - خبر تحریم سهمیه آذوقه را برای پدرشان بیان کردند. این تعجیل نشان دهنده اهمیت این خبر در نظر آنان است.

7- فرزندان یعقوب با مشاهده سرمایه بازگردانده شده، تلاش مجددی را برای جلب توافق پدر با مسافرت کردن بنیامین آغاز کردند.

قال هل ءامنکم .. یأبانا ما نبغی هذه بضعتنا ردت إلینا و نمیر أهلنا و نحفظ أ

سخنان فرزندان یعقوب (ما نبغی هذه بضاعتنا ..) به قرینه مخاطب قرار دادن یعقوب (یا أبانا)، در راستای جلب موافقت وی برای سفر بنیامین بود.

10- ضرورت تهیه طعام، دغدغه خاطر نداشتن برای بهای آذوقه و لطف و عنایت خاص دربار مصر به فرزندان یعقوب، دلیل های آنان برای لزوم سفر به مصر و اصرارشان بر جلب موافقت پدر با مسافرت بنیامین

ما نبغی هذه بضعتنا ردّت إلینا و نمیر أهلنا

سخنان فرزندان یعقوب (یا أبانا هذه . . .) در راستای جلب رضایت وی برای سفر بنیامین است و هر جمله آن اشاره به دلیلی بر لزوم این مسافرت دارد. فرزندان یعقوب با جمله «ما نبغی...» بیان می‌دارند که مورد توجه خاص عزیز مصر قرار گرفته‌اند و سزاوار نیست درخواست او (آوردن بنیامین) را برآورده نسازند. آنان با عطف جمله «نمیر أهلنا» بر جمله ای مقدر نظیر «نستظهر بها» (از این بضاعت باز گردانده شده برای تهیه آذوقه کمک می‌گیریم) بیان می‌کنند که مشکل نداشتن بهای آذوقه را ندارند و با جمله «نحفظ أخاننا» می‌رسانند که به خاطر پاسخ مثبت به عزیز مصر و دریافت آذوقه، ملزم به حفظ برادرشان هستند و با جمله «ذلک کیل یسیر» بیان می‌کنند که سخت نیازمند تهیه طعام هستند.

11- تعهد مجدد و محبت آمیز فرزندان یعقوب برای حفاظت از برادرشان بنیامین در سفر به مصر

نمیر أهلنا و نحفظ أخاننا

12- لغو تحریم آذوقه و اضافه شدن یک بار شتر غله با آمدن بنیامین به مصر، از دلیل های ارائه شده به یعقوب (ع) برای جلب موافقت آن حضرت به روانه ساختن بنیامین

و نزداد کیل بعیر ذلک کیل یسیر

«از دیداد» (مصدر «نزداد» از باب افتعال) به معنای درخواست زیاده و اضافه است. «کیل بعیر»؛ یعنی، بار و محموله ای که معمولاً بر یک شتر حمل می‌کنند. گفتمی است جمله های «فإن لم تأتونی به فلا کیل لکم...» و «منع منا الکیل» دلالت می‌کند بر اینکه یوسف(ع) اعطای سهمیه به فرزندان یعقوب را بدون همراهی بنیامین ممنوع و تحریم کرد. بنابراین مراد از «نزداد کیل بعیر» این است که اگر بنیامین را به همراه ببریم علاوه بر لغو تحریم، یک بار اضافه نیز مطالبه می‌کنیم.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 66 - 1

1- یعقوب (ع) سرانجام با مسافرت بنیامین به مصر همراه دیگر فرزندان او، موافقت نمود.

قال لن أرسله معکم حتی توتون موتئاً

**26- برادران یوسف و مسافرت به مصر**

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 65 - 17

17- فرزندان یعقوب غله دریافتی در سفر اول را برای قحطی پیش آمده کافی نمی‌دانستند و سفر به مصر را برای دریافت سهمیه ای دیگر ضروری می‌شمردند.

«ذلك» اشاره به متاع و آذوقه ای است که فرزندان یعقوب در سفر نخست دریافت کرده بودند. «یسیر» به معنای اندک است و روشن است که اندک بودن به لحاظ دوره قحطی می باشد.

## 27- بشارت به متخلفان از مسافرت به حدیبیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - فتح - 48 - 16 - 10

10 - نوید الهی به اعطای پاداشی نیک به اعراب متخلف از حدیبیه ، در صورت نبرد صادقانه با دشمنان نیرومند اسلام

فإن تطيعوا يؤتكم الله أجراً حسناً

## 28- بهانه جویی متخلفان از مسافرت به حدیبیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - فتح - 48 - 11 - 6،13

6 - ادعای سرگرمی به مال و خانواده ، بهانه تخلف اعراب از همراهی با پیامبر (صلی الله علیه و آله)

سيقول لك المخلفون من الأعراب شغلتنا أموالنا وأهلونا

13 - عذر بادیه نشینان برای توجیه غیبت خویش از سفر حدیبیه ، بهانه ای واهی و مخالف نیت درونی آنان

سيقول .. فاستغفر لنا يقولون بألسنتهم ما ليس في قلوبهم

برداشت بالا- با توجه به این نکته است که تعبیر «يقولون..» در رابطه با «شغلتنا أموالنا و أهلونا» باشد؛ یعنی، اعراب در این که گرفتاری مالی و خانوادگی را عذر آورده اند؛ دروغ می گویند و مشکل آنان چیز دیگری است.

## 29- بی ایمانی متخلفان از مسافرت به حدیبیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - فتح - 48 - 11 - 2

2 - پیش بینی آیات وحی ، از عذرخواهی و اظهار پشیمانی بادیه نشینانی که از همراهی پیامبر (صلی الله علیه و آله) تخلف کرده بودند .

سيقول لك المخلفون من الأعراب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - فتح - 48 - 15 - 14

14 - نابوری عمیق متخلفان از حدیبیه ، نسبت به سخنان پیامبر (صلی الله علیه و آله) و مؤمنان

كذلكم قال الله من قبل فسيقولون بل تحسدوننا

پس از ابلاغ کلام خداوند بهوسیله پیامبر (صلی الله علیه و آله) به متخلفان، مبنی بر عدم شرکت ایشان در فتح خیبر، آنان پیامبر (صلی الله علیه و آله) و مؤمنان را به حسادت متهم کردند و این بیانگر مطلب بالا است.

ص: 253

### 30- بی شخصیتی متخلفان از مسافرت به حدیبیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - فتح - 48 - 12 - 10

10 - اعراب متخلف از دعوت پیامبر (صلی الله علیه و آله)، مردمی بی خاصیت و بی ارج در نظر خداوند

و کنتم قومًا بورًا

«بوراً» در اصل به معنای شدت کساد است و در این آیه، کنایه از بی خاصیت و بی ارزش بودن می باشد.

### 31- بیش متخلفان از مسافرت به حدیبیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - فتح - 48 - 12 - 1

1 - سفر پیامبر (صلی الله علیه و آله) و مؤمنان در جریان حدیبیه، سفری پرخطر و بی بازگشت در نظراعراب متخلف

بل ظننتم أن لن ينقلب الرسول والمؤمنون إلى أهلهم أبدًا

### 32- پاداش مسافرت به حدیبیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - فتح - 48 - 15 - 4

4 - غنایم خیبر، ارمغان الهی به مسلمانان، در پی اقدام به سفر پر خطر حدیبیه \*

سيقول المخلفون إذا انطلقتم إلى مغانم لتأخذوها

سفر حدیبیه، در آغاز چنین می نمود که فرجامی بس مبهم و آمیخته با خطر دارد و مؤمنان واقعی با این همه بدان اقدام کردند و در پی آن خداوند نوید غنایم خیبر را به ایشان داد. با توجه به این مطالب، احتمال می رود که میان تن دادن به آن مشکلات و دست یابی به این غنایم ارتباطی باشد.

### 33- پشیمانی متخلفان از مسافرت به حدیبیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - فتح - 48 - 11 - 15، 2

2 - پیش بینی آیات وحی ، از عذرخواهی و اظهار پشیمانی بادیہ نشینانی کہ از ہمراہی پیامبر (صلی اللہ علیہ و آلہ) تخلف کردہ بودند .

سیقول لک المخلفون من الأعراب

15 - طلب استغفار و اظهار ندامت اعراب متخلف از سفر حدیبیہ ، بی اساس و مخالف باور درونی آنان

سیقول .. فاستغفر لنا یقولون بألسنتهم ما لیس فی قلوبہم

ص: 254



برداشت بالا بنابراین نکته است که تعبیر «يقولون..» در رابطه با مفهوم «فاستغفر لنا» باشد؛ زیرا درخواست استغفار، مفهومی این است که اعراب متخلف، در باطن از تخلف خود پشیمان اند. اما خداوند می فرماید: اینان در اظهار ندامت دروغگویند؛ زیرا در باطن نادم نیستند.

#### 34- تحریفگری متخلفان از مسافرت به حدیبیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - فتح - 48 - 15 - 6

6 - متخلفان از سفر حدیبیه ، در صدد تغییر کلام خدا با شرکت در جنگ خیبر

ذرونا تتبعکم یریدون أن یبدلوا کلم الله

در برداشت های آتی، چگونگی و شیوه تصمیم متخلفان و احتمال هایی که در آیه وجود دارد، بیان شده است.

#### 35- تحلیل غلط متخلفان از مسافرت به حدیبیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - فتح - 48 - 12 - 5,7

5 - تحلیل متخلفان درباره سفر حدیبیه و بی فرجام بودن آن ، متکی بر محاسبات بشری و نادیده گرفتن اراده الهی

بل ظننتم أن لن ینقلب الرسول و المؤمنون إلى أهلیهم أبدًا

از قرائن و زمینه های تاریخی، دشواری این سفر قابل پیش بینی بود و متخلفان براساس همین معیارها، این سفر را بی فرجام می دیدند؛ غافل از این که دعوت پیامبر (صلی الله علیه و آله) به بن بست نخواهد رسید و حمایت الهی از آن حضرت دریغ نخواهد شد.

7 - متخلفان از سفر حدیبیه ، شیفته تحلیل غلط خود درباره آن سفر

بل ظننتم .. و زین ذلک فی قلوبکم

برداشت بالا بنابراین نکته است که «ذلک» اشاره به پندار و تحلیلی باشد که از تعبیر «ظننتم أن لن ینقلب..» استفاده می شود؛ یعنی، این تحلیل در نظرشان زیبا جلوه کرده و خود شیفته آن گردیدند.

#### 36- ترس متخلفان از مسافرت به حدیبیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - ترس از مرگ ، عامل اصلی تخلف اعراب از همراهی پیامبر (صلی الله علیه و آله) ، در سفر حدیبیه

بل ظننتم أن لن ينقلب الرسول و المؤمنون إلى أهلهم أبدًا

ص: 255

### 37- تلاش متخلفان از مسافرت به حدیبیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - فتح - 48 - 15 - 8

8 - تلاش متخلفان حدیبیه برای حضور در جنگ خیبر ، به منظور شکستن نهی الهی از شریک شدن آنان در غنایم خیبر \*

یریدون أن یبدلوا کلم الله قل لن تتبعونا کذلکم قال الله من قبل

برداشت بالا بدان احتمال است که به قرینه «قل لن تتبعونا کذلکم قال الله من قبل»، خداوند از قبل، پربار بودن جنگ خیبر را یادآور شده و از حضور متخلفان، در آن جنگ نهی کرده است؛ تا آنان به غنایم دست نیابند. ولی متخلفان، به خاطر شکستن این نهی الهی، درصدد شرکت در جنگ و سهمیم شدن در غنایم بودند.

### 38- توبه متخلفان از مسافرت به حدیبیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - فتح - 48 - 16 - 3

3 - خداوند ، باز گذارنده راه توبه و آزمون عملی ، برای اعراب متخلف از سفر حدیبیه

قل للمخلفین من الأعراب ستدعون إلى قوم أولى بأس شدید

از جمله «فإن تطيعوا» - که در ذیل آیه آمده است - استفاده می شود که دعوت متخلفان برای جنگ، در حقیقت ایجاد فرصتی برای بازگشت آنان به سوی خدا و اطاعت از رسول او است.

### 39- توجیه گری متخلفان از مسافرت به حدیبیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - فتح - 48 - 15 - 7

7 - اعراب متخلف از سفر حدیبیه ، درصدد توجیه تخلف گذشته خود با شرکت در جنگ خیبر \*

ذرونا تتبعکم یریدون أن یبدلوا کلم الله

از آیات پیشین استفاده می شود که انگیزه اصلی متخلفان از حدیبیه، بی ایمانی بوده است؛ ولی آنان با اعلام آمادگی برای شرکت در جنگ خیبر، می خواستند خود رامؤمن جلوه داده و گذشته خود را توجیه کنند و سخن الهی را در مورد خود نفی نمایند.

## 40- تهديد متخلفان از مسافرت به حديبيه

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

17 - فتح - 48 - 16 - 13

ص: 256

13 - تهدید متخلفان از سفر حدیبیه ، به عذاب دردناک ، در صورت تخلف و روی گردانی دوباره از جهاد

وإن تولّوا كما تولّيتم من قبل يعدّبكم عذابًا أليمًا

#### 41- نهمتهای متخلفان از مسافرت به حدیبیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - فتح - 48 - 15 - 13

13 - منع شدگان از شرکت در فتح خیبر ، متهم کننده مؤمنان به حسدورزی

فسیقولون بل تحسدوننا

#### 42- حتمیت مسافرت موسی (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - کهف - 18 - 60 - 5

5- موسی (ع) همسفر خود را از احتمال طولانی بودن سفرشان آگاه ساخت و احتمال بازگشت از نیمه راه را منتفی دانست .

وإذ قال موسى لفته لآبرح . . . أو أمضى حقبًا

#### 43- خطر مسافرت به حدیبیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - فتح - 48 - 11 - 14

14 - سفر پیامبر (صلی الله علیه و آله) به سوی مکه (قبل از صلح حدیبیه) ، سفری مخاطره آمیز و نگران کننده برای برخی مسلمانان

سيقول لك المخلفون من الأعراب . . . يقولون بالسنتهم

عذرآوری «مخلفون» و رد عذر آنان از سوی خداوند، می رساند که عامل اصلی آنان از ترک سفر، نگرانی از سرنوشت آن بوده است. قرینه های تاریخی و نیز آیه بعد، مؤید این نکته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - فتح - 48 - 12 - 1

1 - سفر پیامبر (صلی الله علیه و آله) و مؤمنان در جریان حدیبیه ، سفری پرخطر و بی بازگشت در نظراعراب متخلف

بل ظننتم أن لن ينقلب الرسول و المؤمنون إلى أهلهم أبدًا

ص: 257

#### 44- خطر مسافرت دریایی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - عنكبوت - 29 - 65 - 10، 2

2 - سفر دریایی با کشتی ، خطر آفرین است و کشتی نشین ، احساس خطر می کند .

فإذا ركبوا في الفلك دعوا الله مخلصين له الدين

10 - مردم گرفتار در خطر دریا ، پس از رهایی از آن و رسیدن به خشکی ، به رغم دعای مخلصانه شان در هنگام خطر ، به خدا شرک میورزند !

فإذا ركبوا في الفلك دعوا الله .. فلما نجّهم إلى البر إذا هم يشركون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - یس - 36 - 43 - 6

6 - هیچ یک از سرنشینان کشتی ها در دریا ها ، امنیت کامل نداشته و امکان غرق شدن آنان به اراده الهی وجود دارد .

وإن نشأ نغرقهم فلا صريخ لهم ولا هم ينقذون

این آیه شریفه با آیه قبل ، درصدد بیان نعمت و آیت الهی می باشد؛ ولی در عین حال لحن هشدار دهنده نیز دارند که مبدا این نعمت ها موجب غرور بشر شود و آنان از آنها سوء استفاده کنند؛ که در این صورت ممکن است با قهر الهی دچار غرق و نابودی شوند.

#### 45- خواسته های متخلفان از مسافرت به حدیبیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - فتح - 48 - 11 - 9

9 - متخلفان از سفر حدیبیه ، معترف به گناه خویش و متقاضی عفو و استغفار پیامبر (صلی الله علیه و آله)

سيقول لك المخلفون من الأعراب .. فاستغفر لنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - فتح - 48 - 15 - 2

2 - تمایل متخلفان از سفر حدیبیه ، به شرکت در جنگ خیر برای دستیابی به غنایم و یا پوشاندن گذشته خود

سيقول المخلفون إذا انطلقتم إلى مغانم .. ذرونا تتبعكم

هدف متخلفان از شرکت در جنگ خیبر، یا رسیدن به غنایم و یا توجیه گذشته تاریک خود بود. تعبیر «إلى مغانم»، بیانگر نکته اول و «یریدون أن یدلّوا...» حاکی از نکته دوم است.

ص: 258



#### 46- درخواست دوری منزلگاههای مسافرت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - سبأ - 34 - 19 - 1

1 - مردم سبا ، از خداوند خواستار طولانی شدن بین منزل گاه های سفرشان شدند .

وقدّرنا فيها السير سيرا فيها ليالي وأيامًا .. فقالوا ربّنا بعد بين أسفارن

#### 47- دعوت از متخلفان مسافرت به حدیبیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - فتح - 48 - 16 - 1

1 - دعوت خداوند از متخلفان سفر حدیبیه ، برای شرکت در جنگی دشوار به منظور جبران گذشته خود

قل للمخلفين .. ستدعون إلى قوم أولى بأس شديد

#### 48- دعوت به مسافرت مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - فتح - 48 - 11 - 4

4 - دعوت پیامبر (صلی الله علیه و آله) از مؤمنان ، برای شرکت در سفر مکه (قبل از صلح حدیبیه )

سيقول لك المخلفون من الأعراب

از واژه «مخلفون» و عذر تراشی های آنان ، استفاده می شود که پیامبر (صلی الله علیه و آله) برای این سفر ، دعوت همگانی کرده است.

#### 49- دلایل مسافرت برادران یوسف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 65 - 10،12

10- ضرورت تهیه طعام ، دغدغه خاطر نداشتن برای بهای آذوقه و لطف و عنایت خاص دربار مصر به فرزندان یعقوب ، دلیل های آنان

برای لزوم سفر به مصر و اصرارشان بر جلب موافقت پدر با مسافرت بنیامین

سخنان فرزندان یعقوب (یا أبانا هذہ . . .) در راستای جلب رضایت وی برای سفر بنیامین است و هر جمله آن اشاره به دلیلی بر لزوم این مسافرت دارد. فرزندان یعقوب با جمله «ما نبغی . . .» بیان می‌دارند که مورد توجه خاص عزیز مصر قرار گرفته‌اند و سزاوار نیست درخواست او (آوردن بنیامین) را برآورده نسازند. آنان با عطف جمله «نمیر أهلنا» بر جمله ای مقدر نظیر «نستظهر بها» (از این بضاعت باز گردانده شده برای تهیه آذوقه کمک می‌گیریم) بیان می‌کنند که مشکل نداشتن بهای آذوقه را ندارند و با

جمله «نحفظ أخاناً» می رسانند که به خاطر پاسخ مثبت به عزیز مصر و دریافت آذوقه، ملزم به حفظ برادرشان هستند و با جمله «ذلک کیل یسیر» بیان می کنند که سخت نیازمند تهیه طعام هستند.

12- لغو تحریم آذوقه و اضافه شدن یک بار شتر غلّه با آمدن بنیامین به مصر، از دلیل های ارائه شده به یعقوب (ع) برای جلب موافقت آن حضرت به روانه ساختن بنیامین

و نزداد کیل بعیر ذلک کیل یسیر

«ازدیاد» (مصدر «نزداد» از باب افتعال) به معنای درخواست زیاده و اضافه است. «کیل بعیر»؛ یعنی، بار و محموله ای که معمولاً بر یک شتر حمل می کنند. گفتنی است جمله های «فإن لم تأتونی به فلا کیل لکم...» و «منع منا الکیل» دلالت می کند بر اینکه یوسف(ع) اعطای سهمیه به فرزندان یعقوب را بدون همراهی بنیامین ممنوع و تحریم کرد. بنابراین مراد از «نزداد کیل بعیر» این است که اگر بنیامین را به همراه ببریم علاوه بر لغو تحریم، یک بار اضافه نیز مطالبه می کنیم.

### 50- دنیاطلبی متخلفان از مسافرت به حدیبیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - فتح - 48 - 11 - 20

20 - انگیزه اصلی متخلفان از سفر حدیبیه، گریز از خطرات احتمالی و حفظ منافع دنیوی خود

قل فمن یملک لکم من اللّٰه شیئاً إن أراد بکم ضرّاً أو أراد بکم نفعاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - فتح - 48 - 15 - 2،8

2 - تمایل متخلفان از سفر حدیبیه، به شرکت در جنگ خیبر برای دستیابی به غنایم و یا پوشاندن گذشته خود

سیقول المخلفون إذا انطلقتم إلى مغانم... ذرونا تتبعکم

هدف متخلفان از شرکت در جنگ خیبر، یا رسیدن به غنایم و یا توجیه گذشته تاریک خود بود. تعبیر «إلی مغانم»، بیانگر نکته اول و «یریدون أن یدلّوا...» حاکی از نکته دوم است.

8 - تلاش متخلفان حدیبیه برای حضور در جنگ خیبر، به منظور شکستن نهی الهی از شریک شدن آنان در غنایم خیبر\*

یریدون أن یدلّوا کلم اللّٰه قل لن تتبعونا کذلکم قال اللّٰه من قبل

برداشت بالا بدان احتمال است که به قرینه «قل لن تتبعونا کذلکم قال اللّٰه من قبل»، خداوند از قبل، پربار بودن جنگ خیبر را یادآور شده و

از حضور متخلفان، در آن جنگ نهی کرده است؛ تا آنان به غنایم دست نیابند. ولی متخلفان، به خاطر شکستن این نهی الهی، در صدد شرکت در جنگ و سهم شدن در غنایم بودند.

### **51- دومین مسافرت برادران یوسف**

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 68 - 19، 1

ص: 260

1- ورود فرزندان یعقوب به مصر برای دومین بار

و جاء إخوه يوسف . . . ولما دخلوا من حيث أمرهم أبوه

19- پیش بینی و احساس خطر یعقوب (ع) برای فرزندان در دومین سفرشان به مصر ، جلوه ای از علم ویژه آن حضرت

لاتدخلوا من باب وحد . . . إنه لذو علم لما علمنه

### 52- دومین مسافرت برادران یوسف به مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 67 - 4,7

4- یعقوب (ع) در سفر دوم فرزندان به مصر ، حادثه ای را در کمین آنان احساس می کرد و نگران پیشامدی ناگوار برای آنان بود .

لاتدخلوا من باب وحد . . . ما أغنى عنكم من الله من شيء

7- یعقوب (ع) در آستانه سفر دوم فرزندان به مصر ، به آنان توصیه کرد برای ورود به آن دیار ، دروازه های متعددی را برگزینند و از یک دروازه وارد نشوند .

بینی لاتدخلوا من باب وحد وادخلوا من أبواب متفرقه

### 53- دومین مسافرت ذوالقرنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 89 - 1

1- ذوالقرنین ، پس از اقامه نظام عادلانه دینی در میان ساحل نشینان غرب ، به سوی شرق سرزمین خویش حرکت کرد .

ثم أتبع سببًا . حتى إذا بلغ مطلع الشمس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 90 - 1

1- ذوالقرنین ، در سفر دوم خویش ، به آخرین نقطه خشکی در سمت مشرق رسید و با مردمی بدوی و عاری از تمدن روبه رو شد .

بلغ مطلع الشمس . . . لم نجعل لهم من دونها سترا

ضمیر «دونها» به «الشمس» بازمی‌گردد و مفاد جمله «لم نجعل..» این است که مردم آن سرزمین، جز خورشید، پوششی نداشتند؛ یعنی، هیچ بنا و ساختمانی که سایبان آنان باشد و هیچ پوشاکی که بدنشان را به پوشاند، در بین آنان مشاهده نمی‌شد، لذا از آنان، تعبیر به اقوامی بدوی شده است.

ص: 261

#### 54- رازهای متخلفان از مسافرت به حدیبیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - فتح - 48 - 12 - 4

4- اخبار خداوند از تصورات درونی اعراب متخلف، نشانه ای از علم عمیق او به کردار بندگان

بل کان الله بماتعملون خبيرًا . بل ظننتم أن لن ينقلب الرسول

از ارتباط این آیه با ذیل آیه قبل، مطلب بالا برداشت می شود.

#### 55- رد پیشنهاد متخلفان از مسافرت به حدیبیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - فتح - 48 - 15 - 9

9- فرمان خدا به پیامبر (صلی الله علیه و آله)، در رد پیشنهاد غایبان از حدیبیه، برای شرکت در جنگ خیبر

ذرونا تتبعکم . . . قل لن تتبعونا کذلکم قال الله من قبل

«لن تتبعونا» می تواند اخبار در مقام انشا باشد.

#### 56- رضایت به مسافرت بنیامین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 66 - 2

2- یعقوب (ع) روانه ساختن بنیامین به سفر مصر را، منوط به آن دانست که فرزندانش وثیقه ای الهی بسپارند (با خدا پیمان ببندند و به نام او سوگند یاد کنند).

لن أرسله معکم حتی تؤتون موثقاً من الله

«موثق» به معنای عهد و پیمان است که به دلیل «لام» قسم در «لتأتینی» عهد و پیمانی است همراه با سوگند. «من الله» بیانگر این است که باید سوگند به نام خدا و پیمان و عهد با او باشد. آوردن سوگند و پیمان (حتی تؤتون موثقاً)؛ یعنی، سوگند یاد کردن و پیمان بستن.

#### 57- رفاه در مسافرت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7- عوامل رفاه و آسایش انسان ، در سفر و حضر از جانب خداوند تدارک شده است .

والله ... و جعل لكم ... تستخفونها يوم ظعنكم و يوم إقامتكم

ص: 262



### 58- زمینه مسافرت محمد (صلی الله علیه و آله) به حدیبیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - فتح - 48 - 27 - 3

3- نقش مهم رؤیای پیامبر (صلی الله علیه و آله)، در حرکت آن حضرت به سوی مکه و حدیبیه

الرءیا بالحقّ لتدخلنّ المسجد الحرام

با توجه به این که آیات پیشین در مورد مسائل حدیبیه بود؛ از این آیه شریفه استفاده می شود که حرکت پیامبر (صلی الله علیه و آله) در سفر منتهی به حدیبیه، مسبوق به رؤیایی بود که خداوند به آن حضرت نمایانده بود.

### 59- زمینه مسافرت محمد (صلی الله علیه و آله) به مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - فتح - 48 - 27 - 3

3- نقش مهم رؤیای پیامبر (صلی الله علیه و آله)، در حرکت آن حضرت به سوی مکه و حدیبیه

الرءیا بالحقّ لتدخلنّ المسجد الحرام

با توجه به این که آیات پیشین در مورد مسائل حدیبیه بود؛ از این آیه شریفه استفاده می شود که حرکت پیامبر (صلی الله علیه و آله) در سفر منتهی به حدیبیه، مسبوق به رؤیایی بود که خداوند به آن حضرت نمایانده بود.

### 60- سرگرمی متخلفان از مسافرت به حدیبیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - فتح - 48 - 11 - 6

6 - ادعای سرگرمی به مال و خانواده، بهانه تخلف اعراب از همراهی با پیامبر (صلی الله علیه و آله)

سيقول لك المخلفون من الأعراب شغلتنا أموالنا وأهلونا

### 61- سطحی نگری متخلفان از مسافرت به حدیبیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - فتح - 48 - 15 - 15

15 - متخلفان از سفر حدیبیه ، مردمی سطحی نگر و ظاهربین بودند .

بل كانوا لا يفقهون إلا قليلاً

ص: 263

سوء ظن متخلفان از مسافرت به

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - فتح - 48 - 12 - 9

9- اعراب متخلف از دعوت پیامبر (صلی الله علیه و آله)، بدگمان به خداوند و فرجام مؤمنان

بل ظننتم أن لن ينقلب .. و ظننتم ظنّ السوء

پندار بد اعراب، یا از آن جهت بوده که گمان می کردند خداوند، پیامبرش را یاری نخواهد کرد - و این بدگمانی به خدا است - و یا از آن جهت بوده که آینده ای تیره برای مؤمنان در ذهن خود ترسیم کرده بودند.

### 62- سومین مسافرت برادران یوسف به مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 88 - 19، 7، 1

1- فرزندان یعقوب برای مرتبه سوم در دوران قحطی، به مصر آمدند و به حضور یوسف (ع) رسیدند.

فلما دخلوا علیه

7- فرزندان یعقوب در نوبت سوم سفرشان به مصر، بهای کامل برای خرید سهمیه خویش را نداشتند.

و جئنا ببضعه مزجیه فأوف لنا الكیل

«مزجاه» به معنای ناچیز و حقیر است.

19- اظهار مسکنت و ذلت برادران یوسف به پیشگاه او و شکایت آنان از فقر و تنگدستی، در سومین سفر آنان به مصر

مسنّا و أهلنا الضر .. و تصدق علينا إن الله یجزی المتصدّقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 94 - 12

12- در سفر سوم فرزندان یعقوب به مصر برای جست و جوی یوسف (ع) و بنیامین، تنها برخی از آنان راهی آن سفر شدند.

یبنی اذهبوا .. و لما فصلت العیر قال أبوهم ... لولا أن تفنّدون

جمله «قال أبوهم . . .» گویای این است که گوینده ؛ یعنی، یعقوب(ع) پدر مخاطبان است. براین اساس مخاطبان یعقوب(ع) در جمله «لولا أن تفنّدون» فرزندان اویند و این می رساند که برخی از فرزندانش برای جست و جوی یوسف(ع) و بنیامین (بینیّ اذهبوا) به مصر رفتند و برخی از آنان نزد پدر ماندند.

### 63- سومین مسافرت ذوالقرنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 264

2- سومین حرکت و پیشروی ذوالقرنین به سمت شمال بوده است . \*

ثم أتبع سببًا

چنان چه یاجوج و ماجوج، همان مغول و تاتار باشند، حرکت ذی القرنین به سمت شمال بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1- رسیدن ذوالقرنین به تنگه ای میان دو کوه سدآسا، در سومین پیشروی خود

حتی إذابلع بین السدین

«سد» به هر مانع و حاجزی گفته می شود، از جمله به کوه نیز اطلاق شده است. لذا «بین السدین» محتمل است که به معنای حد فاصل دو کوه باشد. در باره این که این دو کوه در کجا قرار داشته نظر واحدی وجود ندارد، برخی آن ها را در شمال چین دانسته و برخی کوه های فاصل میان آذربایجان و ارمنستان گرفته اند قریبه ای برای اثبات هیچ یک وجود ندارد.

2- مواجه شدن ذوالقرنین - در سومین پیشروی خود - با مردمی کم بهره از درک و فهم لغات بیگانه و ناتوان از شناخت سریع آن

وجد من دونهما قومًا لا یکادون یفقهون قولاً

مراد از کُند فهمی ساکنان کوهستان در شناخت زبان دیگران این است که مفاهمه ذی القرنین با آنان دشوار بوده است.

#### 64- عذرخواهی متخلفان از مسافرت به حدیبیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - پیش بینی آیات وحی، از عذرخواهی و اظهار پشیمانی بادیه نشینانی که از همراهی پیامبر (صلی الله علیه و آله) تخلف کرده بودند .

سیقول لک المخلفون من الأعراب

13 - عذر بادیه نشینان برای توجیه غیبت خویش از سفر حدیبیه، بهانه ای واهی و مخالف نیت درونی آنان

سیقول... فاستغفر لنا یقولون بألسنتهم ما لیس فی قلوبهم

برداشت بالا- با توجه به این نکته است که تعبیر «يقولون..» در رابطه با «شغلتننا أموالنا و أهلونا» باشد؛ یعنی، اعراب در این که گرفتاری مالی و خانوادگی را عذر آورده اند؛ دروغ می گویند و مشکل آنان چیز دیگری است.

### 65- علايق خانوادگی متخلفان از مسافرت به حدیبیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - فتح - 48 - 11 - 6

6 - ادعای سرگرمی به مال و خانواده ، بهانه تخلف اعراب از همراهی با پیامبر (صلی الله علیه و آله)

سيقول لك المخلفون من الأعراب شغلتننا أموالنا و أهلونا

ص: 265

## 66- علايق متخلفان از مسافرت به حدیبیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - فتح - 48 - 12 - 7

7 - متخلفان از سفر حدیبیه ، شیفته تحلیل غلط خود درباره آن سفر

بل ظننتم ... و زین ذلک فی قلوبکم

برداشت بالا بنابراین نکته است که «ذلک» اشاره به پندار و تحلیلی باشد که از تعبیر «ظننتم أن لن ینقلب ..» استفاده می شود؛ یعنی ، این تحلیل در نظرشان زیبا جلوه کرده و خود شیفته آن گردیدند.

## 67- عوامل تخلف متخلفان از مسافرت به حدیبیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - فتح - 48 - 11 - 6

6 - ادعای سرگرمی به مال و خانواده ، بهانه تخلف اعراب از همراهی با پیامبر (صلی الله علیه و آله)

سیقول لک المخلفون من الأعراب شغلتننا أمولنا وأهلونا

## 68- غفلت متخلفان از مسافرت به حدیبیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - فتح - 48 - 12 - 5

5 - تحلیل متخلفان درباره سفر حدیبیه و بی فرجام بودن آن ، متکی بر محاسبات بشری و نادیده گرفتن اراده الهی

بل ظننتم أن لن ینقلب الرسول و المؤمنون إلى أهلهم أبداً

از قرائن و زمینه های تاریخی ، دشواری این سفر قابل پیش بینی بود و متخلفان براساس همین معیارها ، این سفر را بی فرجام می دیدند؛ غافل از این که دعوت پیامبر (صلی الله علیه و آله) به بن بست نخواهد رسید و حمایت الهی از آن حضرت دریغ نخواهد شد.

## 69- فرجام مسافرت به حدیبیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - فتح - 48 - 12 - 5، 1

1 - سفر پیامبر (صلی الله علیه و آله) و مؤمنان در جریان حدیبیه ، سفری پرخطر و بی بازگشت در نظراعراب متخلف

بل ظننتم أن لن ينقلب الرسول و المؤمنون إلى أهلهم أبدًا

ص: 266



5- تحلیل متخلفان درباره سفر حدیبیه و بی فرجام بودن آن ، متکی بر محاسبات بشری و نادیده گرفتن اراده الهی

بل ظننتم أن لن ينقلب الرسول والمؤمنون إلى أهليهم أبدًا

از قرائن و زمینه های تاریخی، دشواری این سفر قابل پیش بینی بود و متخلفان براساس همین معیارها، این سفر را بی فرجام می دیدند؛ غافل از این که دعوت پیامبر (صلی الله علیه و آله) به بن بست نخواهد رسید و حمایت الهی از آن حضرت دریغ نخواهد شد.

### 70- فلسفه مسافرت برادران یوسف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 58 - 9

9- برادران یوسف بجز بنیامین ، از کنعان برای دریافت آذوقه به مصر آمدند و به حضور یوسف (ع) رسیدند .

و جاء إخوة يوسف فدخلوا عليه

جمله «انتونی بأخ لکم..» (برادر پدری خود را به نزد من آوردید) در آیه بعد می رساند که مراد از «إخوه» برادران یوسف بجز بنیامین است. جمله «ولما جهزهم...» در آیه بعد بیانگر هدف آنان از آمدن به مصر است.

### 71- مال دوستی متخلفان از مسافرت به حدیبیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - فتح - 48 - 11 - 6

6 - ادعای سرگرمی به مال و خانواده ، بهانه تخلف اعراب از همراهی با پیامبر (صلی الله علیه و آله)

سيقول لك المخلفون من الأعراب شغلتنا أموالنا وأهلونا

### 72- متخلفان از مسافرت به حدیبیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - فتح - 48 - 11 - 1

1 - تخلف برخی از اعراب بادیه نشین در سفر منتهی به صلح حدیبیه ، از همراهی و یاری پیامبر (صلی الله علیه و آله)

سيقول لك المخلفون من الأعراب

با توجه به این که آیات پیشین درباره «فتح مبین» (صلح حدیبیه) بود؛ استفاده می شود که تخلف این گروه از اعراب، در رابطه با همین سفر

است که به صلح حدیبیه منتهی گشت.

ص: 267

### 73- متخلفان از مسافرت به حدیبیه و جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - فتح - 48 - 15 - 1

1 - اخبار خداوند ، از مواضع بعدی متخلفان از سفر حدیبیه ، در قبال مسؤولیت های جهادی

سیقول المخلفون

### 74- متخلفان از مسافرت به حدیبیه و غزوه خیبر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - فتح - 48 - 15 - 6,7,8,11

6 - متخلفان از سفر حدیبیه ، در صدد تغییر کلام خدا با شرکت در جنگ خیبر

ذرونا تَتَّبِعْكُمْ يَرِيدُونَ أَنْ يُبَدِّلُوا كَلِمَ اللَّهِ

در برداشت های آتی، چگونگی و شیوه تصمیم متخلفان و احتمال هایی که در آیه وجود دارد، بیان شده است.

7 - اعراب متخلف از سفر حدیبیه ، در صدد توجیه تخلف گذشته خود با شرکت در جنگ خیبر \*

ذرونا تَتَّبِعْكُمْ يَرِيدُونَ أَنْ يُبَدِّلُوا كَلِمَ اللَّهِ

از آیات پیشین استفاده می شود که انگیزه اصلی متخلفان از حدیبیه، بی ایمانی بوده است؛ ولی آنان با اعلام آمادگی برای شرکت در جنگ خیبر، می خواستند خود را مؤمن جلوه داده و گذشته خود را توجیه کنند و سخن الهی را در مورد خود نفی نمایند.

8 - تلاش متخلفان حدیبیه برای حضور در جنگ خیبر ، به منظور شکستن نهی الهی از شریک شدن آنان در غنایم خیبر \*

يَرِيدُونَ أَنْ يُبَدِّلُوا كَلِمَ اللَّهِ قُلْ لَنْ تَتَّبِعُونَا كَذَلِكُمْ قَالَ اللَّهُ مِنْ قَبْلِ

برداشت بالا بدان احتمال است که به قرینه «قُلْ لَنْ تَتَّبِعُونَا كَذَلِكُمْ قَالَ اللَّهُ مِنْ قَبْلِ»، خداوند از قبل، پربار بودن جنگ خیبر را یادآور شده و از حضور متخلفان، در آن جنگ نهی کرده است؛ تا آنان به غنایم دست نیابند. ولی متخلفان، به خاطر شکستن این نهی الهی، در صدد شرکت در جنگ و سهم شدن در غنایم بودند.

11 - اخبار خداوند ، از محرومیت حتمی غایبان در حدیبیه از شرکت در جنگ خیبر

ذرونا تَتَّبِعْكُمْ . . . قُلْ لَنْ تَتَّبِعُونَا كَذَلِكُمْ قَالَ اللَّهُ مِنْ قَبْلِ

«لن تتبعونا» ممکن است در مقام انشا نباشد؛ بلکه اخبار باشد.

## 75- محدوده اولین مسافرت ذوالقرنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 86 - 4,5

4- پیشروی ذوالقرنین، با رسیدن به ساحل دریایی گسترده، متوقف شد.

وجدها تغرب فی عین حمئه

بدان احتمال که نمای غروب خورشید در آب، نشانه گستردگی پهنه دریا باشد؛ یعنی، در چشم انداز آن، چیزی مشاهده نمی شد،

ص: 268

لذا تصوّر آن بود که خورشید در چشمه جوشانی در دریا فرو می رود و خشکی دیگری در ورای آن نیست.

5- محدوده پیشروی ذوالقرنین در ناحیه مغرب تا دریای سیاه بوده است . \*

حتّى إذا بلغ مغرب الشمس وجدها تغرب في عين حمئه

برخی، نظیر ابن عاشور، منطقه فرمانروایی ذی القرنین را چین دانسته اند، در این صورت، او، در حرکت به سمت غرب، تا دریای سیاه پیش رفته است که منظره غروب خورشید را به صورت فرو رفتن آن در چشمه آب کدر و سیاه مشاهده کرده است.

### 76- محدوده مسافت ذوالقرنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 92 - 4

### 77- محرومیت متخلفان از مسافت به حدیبیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - فتح - 48 - 15 - 11

11 - اخبار خداوند ، از محرومیت حتمی غایبان در حدیبیه از شرکت در جنگ خیبر

ذرونا تّبعکم .. قل لن تّبعونا کذلکم قال اللّٰه من قبل

«لن تّبعونا» ممکن است در مقام انشا نباشد؛ بلکه اخبار باشد.

### 78- مسافت با شتر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 80 - 5, 3, 2

2 - تأمین خواسته ها و نیاز های بشر در سیر و سفر خویش ، از حکمت های آفرینش شتران

و لتبلغوا علیها حاجه فی صدورکم

3 - سوار شدن و تأمین خواسته ها و نیاز های بشر در سیر و سفر خویش ، حکمت اصلی آفرینش شتران

لترکبوا منها .. و لتبلغوا علیها حاجه فی صدورکم

برداشت یاد شده به خاطر این نکته است که لام تعلیل تنها بر سر «لترکبوا» و «لتبلغوا..» آمده است؛ نه برای منافع دیگر و حمل و نقل.

5- شتران و کشتی ها، از وسایل فراهم شده از سوی خداوند، برای حمل و نقل انسان ها در دریا و خشکی

و علیها و علی الفلک تحملون

ص: 269

## 79- مسافرت با کشتی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - عنكبوت - 29 - 65 - 3, 2

2 - سفر دریایی با کشتی ، خطر آفرین است و کشتی نشین ، احساس خطر می کند .

فإذا ركبوا في الفلك دعوا الله مخلصين له الدين

3 - سفر دریایی و استفاده از کشتی ، در عصر ظهور اسلام ، رواج داشته است .

فإذا ركبوا في الفلك دعوا الله مخلصين له الدين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - يس - 36 - 41 - 1

1 - سوار شدن انسان ها بر کشتی های پر بار و مجهز ، از آیات و نشانه های قدرت و تدبیر خداوند است .

و آیه لهم آنا حملنا ذريتهم في الفلك المشحون

«مشحون» به معنای «مملو» است و «فلك مشحون»؛ یعنی، کشتی پر بار و مجهز به تجهیزات لازم.

## 80- مسافرت بنیامین به مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - يوسف - 12 - 59 - 5

5- برادران یوسف به دستور وی موظف شدند بنیامین را در سفر آینده به همراه خویش بیاورند .

قال ائتوني بأخ لكم من ابيكم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - يوسف - 12 - 61 - 4, 5, 6, 7

4- فرزندان یعقوب برای آوردن بنیامین به مصر ، راهی جز جلب رضایت یعقوب (ع) نداشتند .

قالوا سنرود عنه أباه وإنا لفاعلون

5- برادران یوسف ، با او عهد کردند که بنیامین را در نوبت بعد به حضور وی بیاورند .

سنرود عنه أباه و إنا لفاعلون

6- برادران یوسف ، با او عهد کردند که پدرشان یعقوب (ع) را برای روانه ساختن بنیامین متقاعد کنند .

قالوا سنرود عنه أباه و إنا لفاعلون

«مراوده» (مصدر نراود) به معنای درخواست با لطف و مداراست و «عنه» دلالت به مورد درخواست دارد. و مفاد «سنرود...» چنین است، همانا با ملاحظت و مدارا از پدرش (پدر بنیامین) خواهیم خواست که وی را در سفر آینده با ما همراه سازد.

7- تأکید برادران یوسف بر توانایی خویش برای جلب رضایت پدر و آوردن بنیامین به نزد یوسف (ع)

ص: 270



جمله «سنرود عنه أباه» این احتمال را برای یوسف(ع) ایجاد می کند که شاید پدرتان راضی نشد. برادران وی با جمله «إنا لفاعلون» به وی اطمینان می دهند که بدون هیچ تردید، رضایت پدر را جلب خواهند کرد و بنیامین را خواهند آورد.

### 81- مسافرت خانواده موسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 7 - 5, 4

4- همراهی خانواده موسی (همسر و فرزندان) با وی در سفر از «مدین»

إذ قال موسی لأهله .. لعَلَّکم تصطلون

تعبیر «سناتیکم» و «لعَلَّکم تصطلون» (با ضمائر جمع) نشان می دهد که همراهیان موسی بیش از یک نفر بوده اند و تعبیر «أهل» بیانگر آن است که همه آنان از نزدیکان (همسر و فرزندان) او بوده اند.

5- گرفتاری موسی (ع) و خانواده اش در سردی هوا، تاریکی شب و گم کردن راه در مسیر سفر

إذ قال موسی لأهله .. سناتیکم منها بخبر... لعَلَّکم تصطلون

### 82- مسافرت خضر(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 71 - 3, 2, 1

1- موسی (ع) با پذیرش شروط خضر، همراه او حرکت کرد.

فانطلقا حتّی إذا رکبا فی السفینه

«انطلاق» به معنای «روانه شدن و حرکت کردن» است. «فاء» در «فانطلقا» دلالت دارد که موسی(ع) شرایط خضر را پذیرفت و خضر(ع) به همراهی وی رخصت داد.

2- موسی و خضر (ع) در نخستین مراحل همراهی، سوار کشتی شدند.

فانطلقا حتّی إذا رکبا فی السفینه

3- همسفر موسی (ع) (یوشع) با آغاز سفر موسی و خضر (ع)، از آنان جدا شد. \*

فانطلقا حتّى إذا ركبا فى السفينه

در این آیه، نامی از همسفر قبلی موسی (یوشع) مطرح نیست. ممکن است گفته شود، او در ادامه سفر، حضور نداشته و رخصتی برای او صادر نگردیده بود. توجه به ضمائر تثنیه («فانطلقا»، «رکبا») گواهی روشن بر این نکته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 74 - 1

1- خضر (ع) عذرخواهی موسی (ع) را پذیرفت و اجازه ادامه همراهی را به او داد .

ص: 271

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 77 - 2

2- موسی و خضر (ع) در مسیر حرکت و سفر خویش ، به یک آبادی رسیدند و با اهل آن ملاقات کردند .

فانطلقا حتّی إذا أتیا أهل قریه

در این که چه شهری در مسیر موسی و خضر(ع) قرار داشته، احتمالات گوناگونی ارائه شده است. از جمله آن ها شهر «ناصره» است که در ساحل دریا قرار داشته است این وجه را مجمع البیان از امام صادق (ع) روایت کرده است.

### 83- مسافرت در ماه رمضان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 185 - 36

36 - از امام صادق (ع) روایت شده که فرمود: « إذا دخل شهر رمضان فله فیہ شرط ، قال اللّٰه تعالی : « فمن شهد منکم الشهر فلیصمه « فلیس للرجل إذا دخل شهر رمضان ان یخرج إلا فی حج أو عمره أو مال یخاف تلفه أو أخ یخاف هلاکه . . . » ;

هنگامی که ماه رمضان وارد شد پس برای خدا در این ماه شرطی است. خداوند تعالی می فرماید: «فمن شهد منکم الشهر فلیصمه» پس شخص هنگام رمضان نباید مسافرت کند مگر برای حج، یا عمره، یا مالی که ترس از تلف آن دارد، یا برادری [دینی] که ترس از هلاکت او دارد ...» .

### 84- مسافرت دریایی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 70 - 6

6- تمکن انسان ها از سیر و سیاحت در دریا و خشکی ، جلوه ای از تکریم خداوند نسبت به آنان

و لقد کرّمنا بنی ءادم و حملنهم فی البرّ و البحر

برداشت فوق، مبتنی بر این احتمال است که او در «و حملناهم» عطف تفسیر باشد برای بیان «کرّمنا»؛ یعنی، ما انسانها را با دادن ابزار سیاحت در دریا و خشکی، تکریم کردیم.

### 85- مسافرت دریایی در صدر اسلام

جلد - نام سورہ - سورہ - آیہ - فیش

14 - عنکبوت - 29 - 65 - 3

ص: 272

3- سفر دریایی و استفاده از کشتی، در عصر ظهور اسلام، رواج داشته است.

فإذا ركبوا في الفلك دعوا الله مخلصين له الدين

### 86- مسافرت ذوالقرنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 91 - 2

2- بازگویی سفر ذوالقرنین به شرق و غرب، نمودی از احاطه علمی خداوند بر زوایای زندگی او بود.

كذلك وقد أحطنا بما لديه خبراً

واژه «كذلك» (این چنین بود) در این موارد، برای تشبیه چیزی به خود آن به کار می رود که گویای مبالغه در بی مانند بودن است؛ یعنی، برای آن، نظیری جز خودش وجود ندارد. جمله حالیه «وقد أحطنا...» دلالت دارد که آنچه گفته شد، برخاسته از احاطه علمی خداوند بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 92 - 1

1- ذوالقرنین، از برخی امکانات خویش، برای حرکت در جهات مختلف زمین، بهره می گرفت.

ثم أتبع سبباً

سومین مسیر ذی القرنین - به قرینه آیات قبل - به سمت مشرق و مغرب نبوده است، بنابراین، یا به سمت شمال یا جنوب سرزمین خویش به راه افتاده است.

### 87- مسافرت ذوالقرنین به مشرق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 85 - 3

3- «سأل رجل علياً (ع): رأيت ذالقرنين كيف استطاع أن يبلغ المشرق والمغرب؟ قال: سخر الله له السحاب ومد له في الأسباب و بسط له النور فكان الليل والنهار عليه سواء»؛

مردی به علی (ع) گفت: مرا خبر ده که ذوالقرنین، چگونه توانست به شرق و غرب عالم برسد؟ حضرت فرمود: خداوند، ابر را مسخر او قرار داد و ابزار و وسائل او را افزایش داد و نور را برای او گستراند، به گونه ای که شب و روز برای او یک سان بود».

## 88- مسافرت ذوالقرنین به مغرب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 273

1- ذوالقرنین ، از برخی از امکانات وسیع الهی خویش ، برای حرکت به سمت غرب ، بهره گرفت .

فَاتَّبِعْ سَبِيًّا . حَتَّىٰ إِذَا بَلَغَ مَغْرِبَ الشَّمْسِ

3- « سَأَلَ رَجُلٌ عَلِيًّا (ع) : أَرَأَيْتَ ذَا الْقَرْنَيْنِ كَيْفَ اسْتَطَاعَ أَنْ يَبْلُغَ الْمَشْرِقَ وَالْمَغْرِبَ ؟ قَالَ : سَخَّرَ اللَّهُ لَهُ السَّحَابَ وَ مَدَّ لَهُ فِي الْأَسْبَابِ وَ بَسَطَ لَهُ النُّورَ فَكَانَ اللَّيْلُ وَالنَّهَارُ عَلَيْهِ سَوَاءً ;

مردی به علی (ع) گفت: مرا خبر ده که ذوالقرنین، چگونه توانست به شرق و غرب عالم برسد؟ حضرت فرمود: خداوند، ابر را مسخر او قرار داد و ابزار و وسائل او را افزایش داد و نور را برای او گستراند، به گونه ای که شب و روز برای او یک سان بود».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2- ذوالقرنین ، با رسیدن به انت های خشکی های غرب ، آبی گل آلود و تیره رنگ را فراروی خویش دید .

حَتَّىٰ إِذَا بَلَغَ مَغْرِبَ الشَّمْسِ وَجَدَهَا تَغْرِبُ فِي عَيْنِ حَمِئَةٍ

«حمئه» یعنی دارای «حمأه» به «گل سیاه بدبو» گفته می شود. (کتاب العین)

3- غروب خورشید در نقطه پایانی سفر ذوالقرنین به جانب مغرب ، چونان فرو رفتن آن در چشمه ای تیره فام بود .

وَجَدَهَا تَغْرِبُ فِي عَيْنِ حَمِئَةٍ

از جمله معانی «عین» چشمه است و به قرینه «وجدها» (آن را چنان یافت که) مراد آیه آن نیست که خورشید، در چشمه ای دارای گل سیاه فرو می رفت، بلکه منظره غروب خورشید را ذوالقرنین آنگونه مشاهده کرد.

## 89- مسافرت زمینی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6- تمکن انسان ها از سیر و سیاحت در دریا و خشکی ، جلوه ای از تکریم خداوند نسبت به آنان

و لَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَ حَمَلْنَاهُمْ فِي الْبَرِّ وَ الْبَحْرِ

برداشت فوق، مبتنی بر این احتمال است که او در «و حملناهم» عطف تفسیر باشد برای بیان «کرمنا»؛ یعنی، ما انسانها را با دادن ابزار

سیاحت در دریا و خشکی، تکریم کردیم.

## 90- مسافرت شبانه خانواده موسی (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 10 - 1

1 - موسی (ع) و خانواده اش در سیری شبانه و در بیابان، دچار سرگردانی شده و راه را گم کردند.

إذ رءا نازًا .. بقبس أو أجد على النار هدًى

ص: 274



جمله «أجد على النار هدى» دلالت می کند که موسی(ع) و همراهانش راه را گم کرده بودند و از نبود آتش فهمیده می شود که آنها در بیابانی سرگردان بودند. دیدن آتش از فاصله ای نسبتاً دور که حتی با احتمال وجود آتش، تصمیم به حرکت جمعی به سوی آن نگرفتند، حاکی از شب بودن و تاریکی منطقه است.

### 91- مسافرت شبانه موسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 10 - 1

1 - موسی (ع) و خانواده اش در سیری شبانه و در بیابان، دچار سرگردانی شده و راه را گم کردند.

إذ رءا نارا... بقبس أو أجد على النار هدى

جمله «أجد على النار هدى» دلالت می کند که موسی(ع) و همراهانش راه را گم کرده بودند و از نبود آتش فهمیده می شود که آنها در بیابانی سرگردان بودند. دیدن آتش از فاصله ای نسبتاً دور که حتی با احتمال وجود آتش، تصمیم به حرکت جمعی به سوی آن نگرفتند، حاکی از شب بودن و تاریکی منطقه است.

### 92- مسافرت عزیر(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 259

2 - عبور فردی (عزیر) در ضمن سفر از قریه ویران شده ای که دیوارهای آن روی سقفهایش فرو ریخته و مشاهده مردگان و پرسش وی از خداوند درباره چگونگی زنده شدن آنان

او کالذی مرّ علی قریه و هی خاویه علی عروشها

بسیاری از مفسران برآنند که داستان ذکر شده درباره عزیر پیامبر است؛ گر چه برخی آن را به ارمیا نسبت داده اند. گفتنی است که جمله «خاویه علی عروشها» را برخی به معنای خالی از سکنه و برخی مخروبه و فروپاشیده دانسته اند.

### 93- مسافرت فرزندان موسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 7 - 4

4 - همراهی خانواده موسی (همسر و فرزندان) با وی در سفر از «مدین»

إذ قال موسى لأهله . . . لعَلَّكُمْ تصطلون

تعبیر «سنأتیکم» و «لعَلَّکم تصطلون» (با ضمائر جمع) نشان می دهد که همراهیان موسی بیش از یک نفر بوده اند و تعبیر «أهل» بیانگر آن است که همه آنان از نزدیکان (همسر و فرزندان) او بوده اند.

ص: 275

#### 94- مسافرت قوم سبأ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - سبأ - 34 - 18 - 8

8 - مردم سبأ ، می توانستند از یمن تا شام را در هر وقت که بخواهند ( شب یا روز ) با امنیت کامل سفر کنند .

وقدّرنا فيها السير سيرا فيها ليالي و أيامًا آمين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - سبأ - 34 - 19 - 3

3 - سبایان ، نعمت امنیت راه ها و نزدیکی منزل گاه های سفر را کفران نموده و به خویش ستم روا داشتند .

فقالوا ربّنا بعد بين أسفارنا و ظلموا أنفسهم

#### 95- مسافرت محمد(صلی الله علیه و آله) به حدیبیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - فتح - 48 - 11 - 14

14 - سفر پیامبر (صلی الله علیه و آله) به سوی مکه (قبل از صلح حدیبیه) ، سفری مخاطره آمیز و نگران کننده برای برخی مسلمانان

سيقول لك المخلفون من الأعراب . . . يقولون بألسنتهم

عذرآوری «مخلفون» و رد عذر آنان از سوی خداوند، می رساند که عامل اصلی آنان از ترک سفر، نگرانی از سرنوشت آن بوده است. قرینه های تاریخی و نیز آیه بعد، مؤید این نکته است.

#### 96- مسافرت محمد(صلی الله علیه و آله) به مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - فتح - 48 - 12 - 2

2 - سفر پیامبر (صلی الله علیه و آله) و مؤمنان به سوی مکه قبل از حدیبیه ، بدون همراهی خانواده هایشان \*

بل ظننتم أن لن ينقلب الرسول والمؤمنون إلى أهليهم

تعبیر «إلى أهليهم»، این احتمال را تقویت می کند که خانواده سپاه اسلام در مدینه باقی مانده و در سفر همراهشان نبوده اند.

ص: 276

## 97- مسافرت موسی (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 60 - 6

6- موسی (ع) از امکان دسترسی به خضر، در محل تلاقی دو دریا، مطلع بود.

لأبرح حتى أبلغ مجمع البحرين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 61 - 6

6- «عن أبي عبد الله (ع) قال: ... أرسل (أى موسى) إلى يوشع إني قد ابتليت فاصنع لنا زاداً وانطلق بنا، واشتري حوتاً... ثم شواه ثم حملة فى مكمل... فقطرت قطره من السماء فى المكمل فاضطرب الحوت ثم جعل يئب من المكمل إلى البحر قال: وهو قوله: «واتخذ سبيله فى البحر سرباً»؛

از امام صادق(ع) روایت شده که فرمود: .. موسی به یوشع پیام فرستاد: «من، در معرض آزمایش قرار گرفتم. برای ما توشه راه فراهم ساز و به همراه ما بیا!». یوشع، یک ماهی خرید ... و آن را بریان کرد و در زنبیل نهاد... سپس قطره آبی از آسمان در زنبیل چکید و ماهی به جنب وجوش آمد و از زنبیل به دریا پرید و این سخن خدا است که فرمود: واتخذ سبيله فى البحر سرباً».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 62 - 1,3

1- موسی (ع) و همسفرش، پس از توقف در مجمع البحرين، در جستجوی خضر (ع)، مجدداً به حرکت خویش ادامه داده و آن جا را پشت سر گذاشتند.

فلما بلغا مجمع بينهما... فلما جاوزا

موسى(ع) در سخن خود با یوشع، مجمع البحرين را هدف و مقصد نهایی خود اعلام کرد، ولی هنگام رسیدن به آن جا، از آن نیز گذشت. این حرکت و نیز گفتاری که در آیات بعد از موسی(ع) نقل شده است، نشانه آن است که آن دو نمی دانستند به محلّ مورد نظر موسی(ع) رسیده اند.

3- موسی و یوشع، در شبانگاه و صبح دم - پس از عبور از مجمع البحرين - برای یافتن خضر (ع) راه درازی پیمودند.\*

ءاتنا غداءنا

بدان احتمال که احساس خستگی و گرسنگی موسی(ع) در طرف صبح، ناشی از راه پیمایی طولانی در شب باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 71 - 3، 2، 1

1- موسی (ع) با پذیرش شروط خضر، همراه او حرکت کرد.

فانطلقا حتّی إذا ركبا فی السفینه

«انطلاق» به معنای «روانه شدن و حرکت کردن» است. «فاء» در «فانطلقا» دلالت دارد که موسی(ع) شرایط خضر را پذیرفت و خضر(ع) به همراهی وی رخصت داد.

2- موسی و خضر (ع) در نخستین مراحل همراهی، سوار کشتی شدند.

فانطلقا حتّی إذا ركبا فی السفینه

ص: 277

3- همسفر موسی (ع) (یوشع) با آغاز سفر موسی و خضر (ع)، از آنان جدا شد. \*

فانطلقا حتّی إذا رکبا فی السفینه

در این آیه، نامی از همسفر قبلی موسی (یوشع) مطرح نیست. ممکن است گفته شود، او در ادامه سفر، حضور نداشته و رخصتی برای او صادر نگردیده بود. توجه به ضمائر تنبیه («فانطلقا»، «رکبا») گواهی روشن بر این نکته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 74 - 1

1- خضر (ع) عذرخواهی موسی (ع) را پذیرفت و اجازه ادامه همراهی را به او داد.

فانطلقا

### 98- مسافرت موسی (ع) با خضر (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 77 - 2

2- موسی و خضر (ع) در مسیر حرکت و سفر خویش، به یک آبادی رسیدند و با اهل آن ملاقات کردند.

فانطلقا حتّی إذا أتیا أهل قریه

در این که چه شهری در مسیر موسی و خضر (ع) قرار داشته، احتمالات گوناگونی ارائه شده است. از جمله آن ها شهر «ناصره» است که در ساحل دریا قرار داشته است این وجه را مجمع البیان از امام صادق (ع) روایت کرده است.

### 99- مسافرت موسی (ع) به مجمع البحرين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 60 - 1

1- موسی (ع) برای یافتن خضر، با عزمی راسخ و جدّی، سفر خود را به مجمع البحرين آغاز کرد.

لأبرح حتّی أبلغ مجمع البحرين

«لأبرح» صیغه متکلم از «برح» و به معنای «دست بر نمی دارم» و تأکید بر پشتکار در انجام دادن کار است.

### 100- مسافرت مؤمنان به مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - فتح - 48 - 12 - 2

2 - سفر پیامبر (صلی الله علیه و آله) و مؤمنان به سوی مکه قبل از حدیبیه ، بدون همراهی خانواده هایشان \*

ص: 278



بل ظننتم أن لن ينقلب الرسول و المؤمنون إلى أهليهم

تعبیر «إلى أهليهم»، این احتمال را تقویت می کند که خانواده سپاه اسلام در مدینه باقی مانده و در سفر همراهشان نبوده اند.

### 101- مسافرت همسر موسی (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 7 - 4

4- همراهی خانواده موسی (همسر و فرزندان) با وی در سفر از «مدین»

إذ قال موسى لأهله... لعلكم تصطلون

تعبیر «سئآتیکم» و «لعلكم تصطلون» (با ضمائر جمع) نشان می دهد که همراهیان موسی بیش از یک نفر بوده اند و تعبیر «أهل» بیانگر آن است که همه آنان از نزدیکان (همسر و فرزندان) او بوده اند.

### 102- مسافرت یوشع (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 61 - 6

6- «عن أبي عبد الله (ع) قال: ... أرسل (أى موسى) إلى يوشع إني قد ابتليت فاصنع لنا زاداً وانطلق بنا، واشتري حوتاً... ثم شواه ثم حمله في مكمل... فقطرت قطره من السماء في المكمل فاضطرب الحوت ثم جعل يئب من المكمل إلى البحر قال: وهو قوله: «واتخذ سبيله في البحر سرباً»؛

از امام صادق (ع) روایت شده که فرمود: ... موسی به یوشع پیام فرستاد: «من، در معرض آزمایش قرار گرفتم. برای ما توشه راه فراهم ساز و به همراه ما بیا!». یوشع، یک ماهی خرید ... و آن را بریان کرد و در زنبیل نهاد... سپس قطره آبی از آسمان در زنبیل چکید و ماهی به جنب و جوش آمد و از زنبیل به دریا پرید و این سخن خدا است که فرمود: واتخذ سبيله في البحر سرباً».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 62 - 1,3

1- موسی (ع) و همسفرش، پس از توقف در مجمع البحرین، در جستجوی خضر (ع)، مجدداً به حرکت خویش ادامه داده و آن جا را پشت سر گذاشتند.

فلما بلغا مجمع بينهما... فلما جاوزا

موسی (ع) در سخن خود با یوشع، مجمع البحرین را هدف و مقصد نهایی خود اعلام کرد، ولی هنگام رسیدن به آن جا، از آن نیز گذشت. این حرکت و نیز گفتاری که در آیات بعد از موسی (ع) نقل شده است، نشانه آن است که آن دو نمی دانستند به محلّ مورد نظر موسی (ع) رسیده اند.

3- موسی و یوشع، در شبانگاه و صبح دم - پس از عبور از مجمع البحرین - برای یافتن خضر (ع) راه درازی پیمودند. \*

ءاتنا غداءنا

ص: 279

بدان احتمال که احساس خستگی و گرسنگی موسی (ع) در طرف صبح، ناشی از راه پیمایی طولانی در شب باشد.

### 103- مشکلات مسافرت موسی (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 7 - 5

5- گرفتاری موسی (ع) و خانواده اش در سردی هوا، تاریکی شب و گم کردن راه در مسیر سفر

إذ قال موسى لأهله... سناتیکم منها بخبر... لعلکم تصطلون

### 104- نزدیکی منزلگاههای مسافرت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - سبأ - 34 - 19 - 3

3- سبایان، نعمت امنیت راه ها و نزدیکی منزل گاه های سفر را کفران نموده و به خویش ستم روا داشتند.

فقالوا ربنا بعد بین أسفارنا و ظلموا أنفسهم

### 105- نگرانی متخلفان از مسافرت به حدیبیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - فتح - 48 - 17 - 3

3- افراد مریض و ناتوان از شرکت در سفر حدیبیه، نگران از عدم حضور خود و همراهی نکردن مسلمانان در آن سفر \*

لیس علی الأعمی حرج ولا علی الأعرج حرج ولا علی المریض حرج

توبیخ شدید متخلفان از سفر حدیبیه در آیات گذشته و استثنای معذوران در این آیه؛ بیانگر آن است که مؤمنان معذور، نگران آن بوده اند که مشمول توبیخ خداوند باشند. خداوند در این آیه، به رفع این نگرانی آنان پرداخته است.

### 106- یعقوب (ع) و مسافرت بنیامین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 61 - 2

2- یعقوب (ع) ، همواره از مسافرت کردن بنیامین به همراه برادرانش ، جلوگیری می کرد .

قالوا سنرود عنه أباه

ص: 280

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 63 - 8

8- احساس خطر برای بنیامین ، دلیل یعقوب (ع) بر عدم موافقتش با مسافرت وی

جلوگیری می کرد. جمله «إنا له لحافظون» می رساند که از دلایل این امر ، احساس خطر ب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 64 - 1

1- یعقوب (ع) پیشنهاد فرزندانش را نپذیرفت و با روانه ساختن بنیامین به سفر مصر مخالفت کرد .

قال هل ءامنکم علیه إلاّ کما أمنتکم علی أخیه من قبل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 66 - 1, 2

1- یعقوب (ع) سرانجام با مسافرت بنیامین به مصر همراه دیگر فرزندانش ، موافقت نمود .

قال لن أرسله معکم حتی تؤتون موثقاً

2- یعقوب (ع) روانه ساختن بنیامین به سفر مصر را ، منوط به آن دانست که فرزندانش وثیقه ای الهی بسپارند ( با خدا پیمان ببندند و به نام او سوگند یاد کنند ) .

لن أرسله معکم حتی تؤتون موثقاً من الله

«موثق» به معنای عهد و پیمان است که به دلیل «لام» قسم در «لتأتتنی» عهد و پیمانی است همراه با سوگند. «من الله» بیانگر این است که باید سوگند به نام خدا و پیمان و عهد با او باشد. آوردن سوگند و پیمان (حتی تؤتون موثقاً) ؛ یعنی، سوگند یاد کردن و پیمان بستن.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 67 - 6

6- یعقوب (ع) حادثه ای ناگوار را برای بنیامین در سفرش به مصر احساس کرده بود .

لاتدخلوا من باب وحد . . . ما أغنی عنکم من الله من شیء

از اینکه یعقوب(ع) نه در سفر اول و نه در سفر سوم فرزندان خویش (اذهبوا فتحسسوا من یوسف و أخیه در آیه 87) - که بنیامین همراه آنان نبود - نگرانی خاصی را ابراز نکرد و سفارش ویژه ای نداشت، معلوم می شود در این سفر، خطری را برای بنیامین احساس کرده بود.

### **107- یوسف (ع) و مسافرت بنیامین**

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 62 - 7,8,9

7- یوسف (ع) علی رغم ترغیب و تهدید برادران و نیز آماده سازی همه زمینه های مراجعت آنان ، اطمینان به بازگشت آنان

ص: 281

نداشت و عدم موافقت یعقوب را با سفر بنیامین محتمل می دانست .

لعلهم یرجعون

8- یوسف (ع) به آمدن برادرش بنیامین به مصر علاقه ای وافر داشت و بدان امید بسته بود .

اجعلوا بضعتهم فی رحالهم ... لعلهم یرجعون

9- طرح و نقشه یوسف (ع) برای مسافرت بنیامین از کنعان به مصر

فإن لم تأتونی به فلا کیل لکم ... اجعلوا بضعتهم فی رحالهم ... لعلهم یرجعون

ص: 282

### 1- آثار انفاق به مساکین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - انسان - 76 - 22 - 7

7 - وفای به نذر ، خوف از قیامت و دستگیری خالصانه از بینوایان ، یتیمان و اسیران ، موجب بهره مندی از پاداش های بهشتی و مورد ستایش و قدردانی خداوند

یوفون بالنذر و یخافون یومًا . . . إنَّ هذا کان لکم جزاء و کان سعیکم مشکورًا

### 2- آثار بی اعتنایی به مساکین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - فجر - 89 - 26 - 3

3 - کسانی که یتیمان را گرامی نداشته و بر تغذیه مساکین توصیه نمی کنند و به ناحق ارث دیگران را تصرف کرده و به مال دنیا دل بسته اند ، در قیامت به سخت ترین شکل به بند کشیده خواهند شد .

لا تکرمون . . . لا تحضّون . . . تأکلون . . . تحبّون . . . و لایوثق وثاقه أحد

ممکن است ضمیر «وثاقه» به «الإنسان» برگردد. در این صورت «وثاق» به مفعول خود اضافه شده است.

### 3- آثار ترک اطعام به مساکین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - مدثر - 74 - 44 - 1,2

ص: 283



1 - اطعام نکردن به مساکین و بینوایان ، از عوامل دوزخی شدن

ما سلککم فی سقر . . . و لم نک نطعم المسکین

2 - اطعام نکردن به مساکین و گرسنه رها کردن آنان در جامعه ، جرمی بزرگ و نابخشودنی است .

عن المجرمین . . . و لم نک نطعم المسکین

#### 4- آثار ترک اطعام مساکین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - مدثر - 74 - 48 - 1

1 - ترک فریضه نماز ، اطعام مساکین ، گذراندن عمر به بطالت و تکذیب روز جزا ، از عوامل محرومیت انسان از شفاعت در قیامت

قالوا لم نک من المصلّین . . . و کنا نکذب بیوم الدین . . . فما تنفعهم شفاعه الشفع

#### 5- آثار ترک انفاق به مساکین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - قلم - 68 - 30 - 3

3 - بخلورزی و نپرداختن سهم بینوایان از اموال خویش ، در پی دارنده سرنوشتی ملامت آور

فأقبل بعضهم علی بعض یتلومون

#### 6- آثار محروم ساختن مساکین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - قلم - 68 - 29 - 4,5

4 - اعتراف باغداران یمنی ، به ستمکار بودن خویش بر اثر بخل ورزی و محروم ساختن بینوایان

إنا کنا ظلمین

5 - نپرداختن سهم بینوایان از اموال خود ، ظلم به خویشان است .

إنا کنا ظلمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - قلم - 68 - 31 - 3

3 - بخلورزی و محروم ساختن بینوایان از اموال خویش ، طغیان و تجاوز از حدود الهی است .

أَن لَّيَدْخُلَنَّهَا الْيَوْمَ عَلَيْكُمْ مَسْكِينٌ . . . إِنَّا كُنَّا طٰغِيْنَ

ص: 284

## 7- احترام مساکین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - فجر - 89 - 30 - 5

5 - اندیشه صحیح نسبت به فقر و غنا ، برخورد شایسته با یتیمان و مسکینان ، قطع حرام خواری و دل نبستن به ثروت ، زمینه ساز ورود به بهشت برین

فَأَمَّا الْإِنْسَنُ إِذَا مَا ابْتَلِيَهُ .. و ادخلی جنتی

## 8- احسان به مساکین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 83 - 17، 13، 3

3- احسان به پدر و مادر ، خویشان ، یتیمان و در ماندگان ، از جمله پیمان های خداوند با بنی اسرائیل

و إذ أخذنا ميثق بني إسرائيل لا تعبدون إلا الله و بالوالدين إحساناً و ذی القربی و ا

«إحساناً» مفعول مطلق برای فعل محذوف «تحسنون» یا «احسنوا» می باشد. کلمات «ذی القربی و ...» عطف بر «الوالدین» است.

13 - نیکی کردن به پدر ، مادر ، یتیمان و مساکین از وظایف ضروری اهل ایمان است .

و بالوالدين إحساناً و ذی القربی و الیتیمی و المسکین

فرمانهای موجود در آیه ، هر چند که به عنوان میثاقهای خدا با بنی اسرائیل مطرح شده است ، ولی بیان آن در قرآن نشانه این است که: عمل کردن به آن فرمانها وظیفه همگان خصوصاً اهل ایمان است.

17 - یکتا پرستی و احسان به والدین ، خویشان ، یتیمان و در ماندگان ، از مصادیق اعمال شایسته است .

و عملوا الصلحت .. لا تعبدون إلا الله و بالوالدين إحساناً ... و المسکین

آیه مورد بحث در حقیقت تفسیری برای آیه پیشین و بیان مصادیقی از «الصلحات» می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - فجر - 89 - 18 - 8

8 - راه رسیدن به عزّت و شرافت در پیشگاه خداوند ، احسان به مسکینان و تشویق دیگران به آن است ؛ نه افزایش ثروت و رفاه .

رَبِّي أَكْرَمَن... كَلَّابِل... وَلَا تَحْضُونَ عَلَي طَعَامِ الْمَسْكِينِ

ص: 285

## 9- ادای حقوق مساکین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 26 - 2،6

2- پیامبر (صلی الله علیه و آله) موظف به ادای حقوق خویشاوندان، مساکین و در راه ماندگان با رعایت اعتدال و اجتناب از تذبذیر

و ءات ذاالقربی حقه و المسکین و ابن السبیل و لاتبذر تذبذیراً

برداشت فوق، مبتنی بر این است که مخاطب در آیه پیامبر (صلی الله علیه و آله) باشد، هر چند دیگران را نیز شامل می شود.

6- پرداخت حق مساکین و در راه ماندگان، امری لازم و واجب است.

و ءات . . و المسکین و ابن السبیل

## 10- ارزش اطعام به مساکین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 95 - 13

13 - ارزش والاتر قربانی بر اطعام مساکین، و اطعام مساکین بر روزه، در کفاره صید.

فجزاء مثل ما قتل من النعم . . او کفره طعام مسکین او عدل ذلک صیاماً

برداشت فوق از تقدیم ذکری قربانی بر اطعام و تقدیم اطعام بر روزه استفاده شده است.

## 11- استثناء سهم مساکین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - قلم - 68 - 18 - 1

1 - سوگند صاحبان باغ یمنی، مبنی بر جدا نکردن سهم مستمندان و نیازمندان از میوه های چیده شده

إذ أقسموا لیصر مئها مصبحین . و لایستنون

«استثنا» به معنای خارج کردن است و «لایستنون» عطف بر «لیصر من» می باشد.

## 12- اطعام به مساکین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 184 - 13

13 - فدیة و كفارة هر روزه ماه رمضان برای کسانی که به خاطر مشقت روزه نمی گیرند ، یک وعده غذاست که باید به مسکین پرداخت کنند .

و علی الذین یطیقونه فدیة طعام مسکین

ص: 286

7 - تغذیه ده مسکین و یا تهیه پوشاک برای آنان و یا آزاد کردن یک برده کفاره شکستن سوگند

فکفرتہ اطعام عشره مسکین ... اهلیکم او کسوتهم او تحریر رقبه

8 - شکننده قسم، مخیر در برگزیدن هر یک از انواع سه گانه کفاره قسم (تغذیه مساکین، تهیه پوشاک برای آنان و آزاد کردن برده)

فکفرتہ اطعام عشره مسکین ... او کسوتهم او تحریر رقبه

تفریع جمله «فمن لم یجد» بر جمالات پیشین تصریح به این دارد که مکلف در انتخاب هر یک از موارد سه گانه مخیر است چنانچه فرموده بود «او صیام ثلثه ایام» احتمال لزوم مراعات ترتیب بین آن موارد وجود داشت.

29 - اطعام ده مسکین، هر نفر به مقدار یک مُدّ (ده سیر)، کفاره شکستن قسم

فکفرتہ اطعام عشره مسکین من اوسط ما تطعمون اهلیکم

امام صادق(ع) در توضیح «اوسط ما تطعمون» در آیه فوق فرمود: هو کما یکون انه یکون فی البیت من یأکل اکثر من المد و منهم من یأکل اقل من المد فبین ذلک ...

---

کافی، ج 7، ص 453، ح 7؛ نورالثقلین، ج 1، ص 667، ح 333.

32 - یک نوبت غذای سیر یا یک تن پوش، حداقل کفاره قسم که به هر یک از ده مسکین داده می شود.

فکفرتہ اطعام عشره مسکین من اوسط ما تطعمون اهلیکم او کسوتهم

امام باقر(ع) در توضیح معنی «اوسط» در آیه فوق فرمود: ... تشبعهم به مره واحده. قلت: کسوتهم؟ قال: ثوب واحد.

---

کافی، ج 7، ص 454، ح 14؛ نورالثقلین، ج 1، ص 667، ح 334.

10 - قربانی ، اطعام مساکین و روزه ، کفارات تخییری در کشتن صید در حرم و نیز در حال احرام

فجزاء مثل ما قتل من النعم . . . او کفره طعام مسکین او عدل ذلک صیاماً

مؤید برداشت فوق فرمایش منقول از امام صادق(ع) است که فرمود: . . . و کل شیء من القرآن «او» فصاحبه بالخیار ما یشاء . . . دو روایت مدرک برداشت شماره 10 و 27 با هم معارض و حل تعارض بین آن دو موقوف به اجتهاد است.

---

کافی، ج 4، ص 358، ح 2؛ نورالثقلین، ج 1، ص 504، ح 14.

11 - تهیه غذا برای مساکین ، بایستی در حد قیمت شکار صید شده باشد

او کفره طعام مسکین

برداشت فوق بر این اساس است که «کفره» خبر برای مبتدای محذوف (هی) باشد بر این مبنا جمله «هی کفاره» عطف بر محل «من النعم» می شود و در حقیقت وصف و توضیحی دیگر است برای «جزاء مثل ما قتل» یعنی بر عهده شکار کننده سزایی است همسان با شکار، که باید به عنوان کفاره و بصورت طعام به مساکین داده شود.

ص: 287



1 - اطعام ایثارگرانه به نیازمندان ، یتیمان و اسیران ، از ویژگی های ابرار

إِنَّ الْأَبْرَارَ ... وَيُطْعَمُونَ الطَّعَامَ عَلَى حُبِّهِ مَسْكِينًا وَيَتِيمًا وَأُسِيرًا

«علی حبّه» حال برای فاعل «یطعمون» است و ضمیر آن به «طعام» بازمی گردد. مقصود از دوست داشتن غذا (علی حبّه)، نیاز داشتن به آن است؛ چون انسان در وقت نیاز به چیزی، دوست دارد که به آن دست یابد تا با آن رفع نیاز کند. از این رو اطعام ابرار، نوعی ایثار از سوی آنان است.

2 - رفع نیاز های غذایی مستمندان ، یتیمان و اسیران در حد ایثار ، سیره و برنامه ابرار در زندگی است .

و يطعمون الطعام ... أسیراً

آمدن فعل «یطعمون» به صیغه مضارع، بر استمرار دلالت دارد؛ یعنی، کار اطعام، عملی است مستمر و از برنامه های زندگی ابرار محسوب می شود.

7 - «عن أبي عبد الله (ع) قال: كان عند فاطمة (عليها السلام) شعيرٌ فجعلوه عصيدةً فلما انضجوها و وضعوها بين أيديهم جاء مسكين . . . فقام على (ع) فأعطاه ثلثَها فما لبثَ أن جاء يتيماً . . . فأعطاه ثلثها الثاني . . . فلما لبثَ أن جاء أسير . . . فأعطاه الثلث الباقي و ما ذاقوها فأنزل الله فيهم هذه الآية إلى قوله «وكان سعيكم مشكوراً» ;

از امام صادق(ع) روایت شده که فرمود: نزد فاطمه(س) مقداری جو بود که آن را حلوا کردند. پس از این که آن را پختند و برای خوردن آوردند، مسکینی آمد ... حضرت علی(ع) برخاست و ثلث آن را به او داد. زمانی نگذشت که یتیمی آمد ... حضرت ثلث دیگرش را به او داد ... زمانی نگذشت که اسیری آمد ... و ثلث باقی مانده را به او عطا فرمود و خود هیچ از آن حلوا نچشیدند. پس خداوند درباره آنان آیه «و يطعمون الطعام...» تا آیه «كان سعيكم مشكوراً» را نازل کرد..

1 - اطعام و انفاق ابرار به مستمندان ، یتیمان و اسیران ، کاملاً خالصانه و تنها برای جلب رضای خداوند است .

و يطعمون ... و أسیراً . إثمًا نطعمكم لوجه الله

### 13- اطعام مساکین

4 - مسکین ، دارای سهم غذا در اموال مردم \*

طعام المسکین

اضافه «طعام» به «مسکین»، نشانگر استحقاق است، زیرا دلالت می کند که آن غذا، طعام خود مسکین است.

ص: 288

## 14- امتحان با مساکین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - فجر - 89 - 18 - 10

10 - ثروتمندان ، در انجام دادن وظیفه رسیدگی به یتیمان و مسکینان ، همواره مورد آزمایش الهی اند .

ابتلیه ربّه فأکرمه و نعمة .. . الیتیم ... طعام المسکین

## 15- انفاق به مساکین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - روم - 30 - 38 - 1,2

1 - پیامبر (صلی الله علیه و آله) مأمور انفاق به خویشان خود و مساکین و در راه ماندگان بود .

فأت ذا القربی حقه و المسکین و ابن السبیل

2 - انفاق بر خویشاوندان و مساکین و در راه ماندگان ، لازم است .

فأت ذا القربی حقه و المسکین و ابن السبیل

مخاطب آیه، اگر چه پیامبر (صلی الله علیه و آله) است، اما پیروان آن حضرت، به تبع او، مشمول حکم آیه هستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - قلم - 68 - 31 - 4

4 - انفاق به بینوایان و بهره مند کردن آنان از اموال خویش ، از قوانین و حدود الهی است .

لا یدخلنّها الیوم علیکم مسکین .. . إنا کنا طغین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - انسان - 76 - 8 - 1

1 - اطعام ایثارگرانه به نیازمندان ، یتیمان و اسیران ، از ویژگی های ابرار

إنّ الأبرار .. . و یطعمون الطعام علی حبه مسکیناً و یتیمّاً و أسیراً

«علی حبّه» حال برای فاعل «یطعمون» است و ضمیر آن به «طعام» بازمی‌گردد. مقصود از دوست داشتن غذا (علی حبّه)، نیاز داشتن به آن است؛ چون انسان در وقت نیاز به چیزی، دوست دارد که به آن دست یابد تا با آن رفع نیاز کند. از این رو اطعام ابرار، نوعی ایثار از سوی آنان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - انسان - 76 - 11 - 5

5 - وفای به نذر، ایثار و انفاق خالصانه به نیازمندان و بیم از روز قیامت، موجب مصونیت از سختی های قیامت و شادمانی در آخرت است.

یوفون بالنذر و یخافون یومًا... .. إنّما نطعمکم لوجه اللّٰه... فوقیهم اللّٰه... و

ص: 289

برداشت یاد شده، مبتنی بر این احتمال است که آیه شریفه ناظر به مجموع آیات مربوط به ابرار و ویژگی های آنان باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 196 - 29

29 - کفاره تراشیدن سر قبل از قربانی ، سه روز روزه و یا صدقه به شش مسکین و یا قربانی کردن یک گوسفند است .

فمن كان منكم مريضاً .. او صدقه او نسك

امام صادق (ع): .. و جعل الصيام ثلاثه ايام و الصدقه على ستة مساكين لكل مسكين مدین و التَّسْك شاه ...

---

کافی، ج 4، ص 358، ح 2؛ نورالثقلین، ج 1، ص 187، ح 664 و 666.

### 16- اولویت اطعام مساکین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - حاقه - 69 - 34 - 7

7 - رسیدگی به امور تغذیه گرسنگان و بینوایان ، برخوردار از اولویت نخستین در مقایسه با دیگر تکالیف حمایتی از آنان

و لایحِصَّ علی طعام المسکین

برداشت یاد شده، از اختصاص به ذکر یافتن مسأله تغذیه گرسنگان و بینوایان - از میان مجموعه نیازمندی های این قشر - به دست می آید.

### 17- اهمیت اطعام مساکین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - ماعون - 107 - 3 - 3

3 - تأمین غذای نیازمندان و ترویج فرهنگ یاری رسانی به تهی دستان ، تکلیفی الهی است .

و لایحِصَّ علی طعام المسکین

«مسکین»، کسی است که چیزی ندارد؛ یا آنچه دارد، برای او کافی نیست و یا کسی است که فقر، او را ساکن و کم تحرک ساخته است.

(قاموس)

## 18- اهميت تأمين مساكين

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

20 - بلد - 90 - 14 - 6

6 - « عن الرضا (ع) : . . . علم الله عزوجل أن كل أحد لا يقدر على فك رقبه فجعل إطعام اليتيم و المسكين مثل ذلك ;

ص: 290

از امام رضا(ع) روایت شده که فرمود: .. خدای عزوجل می دانست که تمامی افراد، توانایی آزاد کردن بنده را ندارند. پس غذا دادن به یتیم و مسکین را همسان آزاد کردن بنده قرار داد».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - بلد - 90 - 16 - 1

1 - تأمین مواد غذایی برای تهی دستان و پابرهنگان ، به ویژه در دوران خشکسالی ، خواسته خداوند از ثروتمندان

يقول أهلك ما لاً لبداً .. أو إطعام في يوم ... أو مسكيناً ذا متربه

«متربه» به معنای زمین گیر و نیازمند بودن است (صحاح). این کلمه مصدر «تَرَبَّ» است؛ یعنی، دارای خاک فراوان شد، خاک به دست او رسید، به خاک چسبید، زیان دید و فقیر شد (قاموس). «ذا متربه» کنایه از شدت فقر است، به حدی که نه فرش و پوشاکی دارد که او را از خاک جدا سازد و نه در خانه او جز خاک، آذوقه ای فراهم می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - بلد - 90 - 17 - 3

3 - ایمان آوردن و تشویق یکدیگر به صبر و ترحم ، برتر از اقدام به آزادسازی بردگان و تغذیه یتیمان و مساکین است .

ثمّ کان من الذین

حرف «ثمّ» برای تراخی رتبی است و دلالت دارد که آنچه بعد از آن آمده، در مرتبه ای والاتر از کارهای قبل است.

### 19- اهمیت حمایت از مساکین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - انسان - 76 - 8 - 4

4 - حمایت ویژه اسلام از مستمندان ، یتیمان و اسیران

و يطعمون الطعام علی حبه مسكيناً و یتیمًا و أسیرًا

از اختصاص به ذکر یافتن سه گروه یاد شده در بیان ویژگی ها و ایثارگری های ابرار، مطلب یاد شده به دست می آید.

### 20- برخورد با مساکین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2- لزوم برخورد نیک با خویشاوندان ، یتیمان و مساکین به هنگام بهره مند ساختن آنان از میراث

و اذا حضر القسمة .. . فارزقوهم منه و قولوا لهم قولاً معروفاً

ص: 291



## 21- بنی اسرائیل و مساکین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 83 - 22

22 - بنی اسرائیل ، جز اندکی از آنان به پرستش غیر خدا گرویدند و حقوق والدین ، خویشان ، یتیمان و مساکین را ضایع ساختند .

لاتعبدون إلا الله و بالوالدین احساناً .. ثم تولیتم إلا قليلاً منكم

## 22- بی اعتنائی به مساکین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - فجر - 18 - 89 - 1,5

1 - بی توجهی به مستمندان و ترغیب نکردن یکدیگر به تأمین غذای آنان ، فرهنگی حاکم بر عصر بعثت

و لاتحضون علی طعام المسکین

«تحاضّ» (مصدر «تحاضون»)، به معنای ترغیب کردن یکدیگر است (قاموس). گفتنی است که از عبارت «طعام المسکین»، «بذل طعام المسکین» اراده شده است. البته «طعام» می تواند به معنای «اطعام» باشد - مانند «عطاء» به معنای «اعطاء» ولی تقدیر بهتر است. (البحرالمحیط)

5 - پندار مرفّهان به گرامی بودن نزد خداوند ، با وجود بی توجهی آنان به مساکین ، پنداری بی پایه و نادرست است .

ربّی أکرمن . کلاً... و لاتحضون علی طعام المسکین

## 23- پاداش اطعام به مساکین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 184 - 16

16 - روزه گرفتن و فدیة دادن به مسکین ، چنانچه با میل و رغبت باشد ، ثوابی افزونتر دارد .

کتب علیکم الصیام .. و علی الذین یطیقونه فدیة ... فمن تطوع خیراً فهو خیر له

مصدق مورد نظر برای «خیراً» به دلیل فرازهای قبل ، روزه گرفتن و در صورت مشقت بار بودن روزه ، فدیة دادن است.

## 24- پوشاک مساکین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 89 - 8

8 - شکننده قسم ، مخیر در برگزیدن هر یک از انواع سه گانه کفاره قسم ( تغذیه مساکین ، تهیه پوشاک برای آنان و آزاد کردن

ص: 292

فكفرتة اطعام عشرة مسكين . . . او كسوتهم او تحرير رقبة

تفریع جمله «فمن لم یجد» بر جملاآت پیشین تصریح به این دارد که مکلف در انتخاب هر یک از موارد سه گانه مخیر است چنانچه فرموده بود «او صیام ثلثة ایام» احتمال لزوم مراعات ترتیب بین آن موارد وجود داشت.

## 25- تأمین مساکین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 177 - 10،20

10 - ضرورت دستگیری از یتیمان ، در ماندگان ، در راه ماندگان و فقیرانی که تقاضای کمک دارند .

و ءاتی المال علی حبه . . . الیتمی و المسکین و ابن السبیل و السائلین

20 - پرداخت مال برای رفع نیازمندی خویشان ، یتیمان ، مساکین ، در راه ماندگان و فقیران مشخصه نیکوکاران است .

ولکن البر من . . . و ءاتی المال علی حبه ذوی القربی و السائلین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 8 - 2

2 - لزوم برخورد نیک با خویشاوندان ، یتیمان و مساکین به هنگام بهره مند ساختن آنان از میراث

و اذا حضر القسمه . . . فارزقوهم منه و قولوا لهم قولاً معروفاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - انفال - 8 - 41 - 6،7

6 - یتیمان ، مساکین و در راه ماندگان ، باید از خمس غنایم و دیگر درآمدها بهره مند شوند .

و الیتمی و المسکین و ابن السبیل

7 - یتیمان ، مساکین و در راه ماندگان در صورتی می توانند از خمس استفاده کنند که از وابستگان پیامبر (صلی الله علیه و آله) باشند . \*

و الیتمی و المسکین و ابن السبیل

برداشت فوق مبتنی بر این است که «ال» در «الیتامی» و .. جانشین مضاف إليه باشد ; یعنی یتامی الرسول و ... .

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 60 - 1

1 - لزوم پرداخت صدقات و زکات به نیازمندان (فقرا) ، تهیدستان (مساکین) و کارگزاران امور صدقات

إنما الصدقة للفقراء و المسکین و العملین علیها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - فجر - 89 - 27 - 4

ص: 293

4- آزمون دانستن فقر و غنا، گرامی داشت یتیمان، سیر کردن گرسنگان، تصرف نکردن ارث دیگران و پرهیز از مال دوستی، زمینه ساز اعتماد به رهایی از صحنه های وحشت بار قیامت

فَأَمَّا الْإِنْسَانُ إِذَا مَا ابْتَلِيَهُ .. يَا أَيُّهَا النَّفْسُ الْمَطْمَئِنَّةُ

«نفس مطمئن») - به قرینه آیات پیشین - انسانی است که از اوصاف ذکر شده در آن آیات، میرا باشد.

## 26- تأمین معاش مساکین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - حاقه - 69 - 34 - 5

5- تأمین نیاز های غذایی گرسنگان و بینوایان و ترغیب کردن دیگران به آن، تکلیفی است همگانی .

و لايحضّ علی طعام المسکین

## 27- تبلیغ امداد به مساکین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - ماعون - 107 - 3 - 3

3- تأمین غذای نیازمندان و ترویج فرهنگ یاری رسانی به تهی دستان، تکلیفی الهی است .

و لايحضّ علی طعام المسکین

«مسکین»، کسی است که چیزی ندارد؛ یا آنچه دارد، برای او کافی نیست و یا کسی است که فقر، او را ساکن و کم تحرک ساخته است.  
(قاموس)

## 28- ترک استثناء سهم مساکین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - قلم - 68 - 24 - 2

2- تصمیم قاطع باغداران یمنی، بر محروم ساختن بینوایان از محصولات باغ

أن لايدخلنّها الیوم علیکم مسکین

## 29- ترک اطعام مساکین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - مدثر - 74 - 47 - 1

ص: 294

1 - دوزخیان ، در سراسر عمرشان ، هرگز به تکلیف نماز و اطعام مساکین نپرداخته اند و عمر خود را به بطالت و تکذیب روز جزا گذرانده اند .

قالوا لم نک من المصلّین . . . و کنا نکذب بیوم الدین . حتّی أتینا الیقین

مقصود از «یقین» مرگ است که حقیقتی یقینی و تردیدناپذیر برای تمامی انسان ها است. آمدن فعل های «لم نک»، «نخوض» و «نکذب» - به صورت فعل مضارع - اشعار دارد که این اعمال از سوی دوزخیان، امری مستمر و مکرر بوده است.

### 30- ترک انفاق به مساکین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 22 - 1

1 - خداوند ، توانگران صدراسلام را از سوگند بر ترک انفاق به خویشاوندان ، بینویان و مهاجران به صرف گناه گذشته آنان ، بر حذر داشت

ولایاتل أولوا الفضل منکم و السعه أن یؤتوا أولى القربی و المسکین و المهجرین

«إیتلاء» (مصدر «یأتلی») می تواند مشتق از «الو» به معنای «تقصیر و منع» باشد. هم چنین می تواند از «الیّه» به معنای «حلف» و سوگند خوردن باشد. در صورتی که به معنای «حلف» باشد، «یؤتوا» منفی به «لا» ی محذوف است؛ یعنی، «لایحلفوا أن لایؤتوا...» درباره شأن نزول آیه شریفه دو نظر وجود دارد: 1- آیه درباره کسانی نازل شد که پس از ماجرای «افک»، سوگند یاد کردند که از انفاق به گروهی که در این ماجرا دست داشتند خودداری کنند. 2- در خصوص ابوبکر نازل شد که او پس از ماجرای «افک»، از انفاق به «مسطح بن اثاثه» - که پسرخاله یا پسر خواهر وی بود - امتناع ورزید.

### 31- ترک تشویق به اطعام مساکین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - حاقه - 69 - 34 - 2، 1

1 - ترغیب نکردن دیگران به تغذیه بینویان و گرسنگان ، از علّت های عذاب شدن کافران صاحب زر و زور ( اصحاب الشمال )

و لایحصّ علی طعام المسکین

2- ترغیب نکردن به تغذیه بینویان و گرسنگان ، از موجبات عذاب الهی در قیامت

و لایحصّ علی طعام المسکین

2- ایمان نیاوردن و ترغیب نکردن دیگران به تغذیه گرسنگان و بینوایان ، سبب محرومیت از حمایت نزدیکان و دوستان صمیمی در قیامت

إِنَّهٗ كَانَ لَا يُؤْمِنُ . . . فَلَيْسَ لَهُ الْيَوْمَ هَهْنَا حَمِيمٌ

ص: 295



### 32- تشویق به احسان مساکین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - فجر - 89 - 18 - 8

8 - راه رسیدن به عزت و شرافت در پیشگاه خداوند ، احسان به مسکینان و تشویق دیگران به آن است ؛ نه افزایش ثروت و رفاه .

ربّی اکرمن ... کلاً بل ... و لاتحصّون علی طعام المسکین

### 33- تشویق به تأمین مساکین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - حاقه - 69 - 34 - 5

5 - تأمین نیاز های غذایی گرسنگان و بینوایان و ترغیب کردن دیگران به آن ، تکلیفی است همگانی .

و لایحصّ علی طعام المسکین

### 34- تشویق به رعایت حقوق مساکین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - قلم - 68 - 28 - 3

3 - ترغیب و برانگیخته شدن باغداران یمنی ، از سوی برادر عاقل و معتدل خویش ، بر رعایت حقوق مستمندان و پرهیز از محروم ساختن

آنان از محصولات باغ

أن لا یدخلتها الیوم علیکم مسکین . . . قال أوسطهم ألم أقل لكم لولا تسبّحون

### 35- ترضیع حقوق مساکین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 83 - 22

22 - بنی اسرائیل ، جز اندکی از آنان به پرستش غیر خدا گرویدند و حقوق والدین ، خویشان ، یتیمان و مساکین را ضایع ساختند .

لاتعبدون إلا الله و بالوالدین احساناً . . . ثم تولیتم إلا قليلاً منکم



### 36- توصیه به تأمین مساکین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - بلد - 90 - 14 - 1

1 - تغذیه مردم، در روزگار گرفتاری آنان به گرسنگی رنج آور، خواسته خداوند از ثروتمندان است.

أو إطعم فی یوم ذی مسغبه

«سَغِبٌ»؛ یعنی، گرسنه ماند و «مسغبه» مصدر آن است و در احتمالی دیگر این لفظ جز در گرسنگی همراه با رنج استعمال ندارد. (قاموس)

### 37- حسن معاشرت با مساکین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - فجر - 89 - 27 - 5

5 - آگاهی از فلسفه فقر و غنا و برخورد صحیح با یتیمان، مسکینان و اموال مردم و دل نبستن به ثروت، فرونشاندن اضطراب درونی و مایه اطمینان نفس انسان

فَأَمَّا الْإِنْسَانُ إِذَا مَا ابْتَلِيَهُ .. يَأْتِيهَا النَّفْسَ الْمَطْمَئِنَّةَ

توصیف «نفس» به «مطمئن» - در قیامت - ممکن است به اعتبار اطمینانی باشد که در دنیا، برای او حاصل شده بود.

### 38- حقوق مساکین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - روم - 30 - 38 - 9

9 - مسکنت و در راه ماندن، منشأ پیدایش حقوقی ویژه برای مساکین و در راه ماندگان است.

فَأْتِ ... وَ الْمَسْكِينِ وَ ابْنِ السَّبِيلِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - حاقه - 69 - 34 - 8

8 - گرسنگان و بینوایان، دارای حق تغذیه از اموال توانمندان

و لا يحضّ على طعام المسكين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - فجر - 89 - 18 - 2

2 - مسکین ، دارای سهم غذا در اموال مردم \*

طعام المسكين

ص: 297

اضافه «طعام» به «مسکین»، بیانگر استحقاق است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - ماعون - 107 - 3 - 4

4 - مسکین ، دارای سهم غذا در اموال مردم \*

طعام المسکین

اضافه «طعام» به «مسکین»، نشانگر استحقاق است، زیرا دلالت می کند که آن غذا، طعام خود مسکین است.

### 39- حمایت از مساکین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - کهف - 18 - 79 - 5

5- حمایت نهایی از محرومان و تلاش سرّی در جهت منافع آنان ، از جمله وظایف خضر (ع) بود .

فأردت أن أعيبها و كان وراءهم ملك يأخذ كل سفينة غصبا

### 40- روش برخورد با مساکین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 28 - 4

4- لزوم برخورد مناسب با خویشاوندان ، مسکینان و در راه ماندگان با بیانی نرم و دلپذیر و معذرتی شایسته ، در صورت عدم امکان ادای

حق ایشان

وآت ذالقربی . . . و إنما تعرضنّ عنهم ... فقل لهم قولاً میسوراً

### 41- زمینه امداد به مساکین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - قلم - 68 - 28 - 9 - 7

7 - خردمندی و اعتدال ، برانگیزاننده آدمی به دستگیری از مستمندان و مانع از بخل و مال دوستی است .

قال أوسطهم ألم أقل لكم لولا تسبحون

از این که برادر عاقل و معتدل، دیگر برادرانش را به انفاق و دستگیری از مستمندان ترغیب کرد، می توان مطلب یاد شده را به دست آورد.

9- تسبیح و یاد خدا، برانگیزاننده آدمی به انفاق و دستگیری از مستمندان و مانع بخل و مال دوستی

ص: 298

قال أوسطهم ألم أقل لكم لولا تسبحون

توصیه به تسبیح و یاد خداوند، درباره ادای سهم فقیران (لولا تسبحون)، می رساند که آن دو در برانگیختن آدمی به انفاق و دوری از بخل، مؤثر است و نقش دارد.

#### 42- زمینه بی اعتنایی به مساکین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - فجر - 89 - 20 - 7

7 - غفلت از امتحان های الهی ، مایه ترک یتیم نوازی و بی اعتنایی به مسکینان و تصاحب میراث دیگران و دلبستگی به ثروت است .

ابتلیه . . . کلاً بل لا تکرمون الیتیم . و لاتحصنن . . . و تأکلون التراث . . . و تحب

#### 43- سرزنش غفلت از مساکین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - بلد - 90 - 16 - 2

2 - مدعیان دروغین انفاق ، خاک نشینان را در سال های قحطی ، گرسنه رها کرده ، از مصرف ثروت خود برای سیر کردن آنان دریغ میورزند .

يقول أهلکت مالا . . . فلا اقتحم العقبه . . . أو مسکیناً ذا متربه

#### 44- سهم مساکین از صدقات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 60 - 7

7 - فقرا ، مساکین ، کارگزاران امور صدقات و مؤلفه قلوبهم ، مالک سهم خویش از صدقات هستند .

إنما الصدقت للفقراء . . . و المؤلفه قلوبهم

برداشت فوق با توجه به «لام» در «للفقراء . . .» - که برای افاده ملکیت می باشد - استفاده شده است.

#### 45- صدقه به مساکین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 60 - 1

ص: 299



1 - لزوم پرداخت صدقات و زکات به نیازمندان (فقرا)، تهیدستان (مساکین) و کارگزاران امور صدقات

إنما الصدقة للفقراء والمساكين والعاملین علیها

#### 46- عذرخواهی از مساکین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 28 - 4

4- لزوم برخورد مناسب با خویشاوندان، مسکینان و در راه ماندگان با بیانی نرم و دلپذیر و معذرتی شایسته، در صورت عدم امکان ادای حق ایشان

وإما تعرضن عنهم... فقل لهم قولاً میسوراً

#### 47- عفو مساکین گناهکار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 22 - 12

12 - گذشت از لغزش های خویشاوندان، بینوایان و مهاجران راه خدا و برخورد کریمانه با آنان، وظیفه ای الهی بر عهده توانگران

ولا یأتل أولوا الفضل منکم والسعه أن یؤتوا أولی القربی... و لیعفوا و لیصفحوا

«عفو» در لغت به معنای گذشت است و «صفح» به معنای گذشت همراه با ترک ملامت نسبت به خطا کار است (فروق اللغه). چنین گذشتی، حاکی از کرامت و بزرگواری گذشت کننده است.

#### 48- غفلت از مساکین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - بلد - 90 - 15 - 5

5- بی اعتنایی ثروتمندان به نیاز های خویشاوندان یتیم خود، دور از انتظار و نکوهیده تر از بی توجهی آنان به دیگر نیازمندان است.

یقول أهلکت مالاً لبدأ... یتیمًا ذا مقربه

#### 49- فرجام اخروی معرضان از مساکین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش



1 - منکران آیات الهی که به بردگان، یتیمان و مسکینان خدمتی نکرده و صبر و ترحّم، را رواج ندهند، در آخرت گرفتار فرجامی شوم و نکبت بار خواهند شد.

و الذین کفروا بایتنا هم أصحاب المشئمه

«مشأمه» از «شؤم»، نقطه مقابل یُمن (صحاح) گرفته شده است. (العین)

### 50- فضایل اخروی حامیان مساکین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - بلد - 90 - 18 - 3

3 - گروه سمت راست در آخرت، مجموعه ای سامان یافته از مؤمنانی که حامی بردگان و یتیمان و مسکینان بوده و مردم را به صبر و ترحّم ترغیب کرده اند.

و ما أدریک ما العقبه .. أولئک أصحاب المیمنه

«ایمن» و «میمنه»، نقطه مقابل «ایسر» و «میسره» (سمت چپ) است (صحاح اللغه). تقابل این دسته با «أصحاب المشأمه» - با توجه به این که «مشأمه» در یک احتمال به معنای «میسره» است (صحاح) - بیانگر آن است که قرار گرفتن در سمت راست یا چپ در آخرت، نشانگر فرجام افراد است.

### 51- فضیلت تأمین مساکین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - بلد - 90 - 14 - 5

5 - فضیلت آزادسازی بردگان، برتر از تغذیه گرسنگان جامعه است. \*

فکّ رقبه . أو إطعم

تقدیم «فکّ رقبه»، بیانگر برداشت یاد شده است.

### 52- فیء به مساکین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - حشر - 59 - 7 - 5

5 - یتیمان ، بینوایان و در راه ماندگان ( ابن السبیل ) از جمله سهم بران « فیء »

ما أفاء الله على رسوله . . . فله . . . و الیتمی و المسکین و ابن السبیل

ص: 301

### 53- کيفر اخروي اعراض از تأمين مساکين

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

20 - بلد - 90 - 20 - 3

3 - انکار آیات الهی ، آزاد نکردن بردگان و غذا ندادن به گرسنگان یتیم و مسکین و توصیه نکردن به صبر و ترحم ، مایه گرفتاری به آتش فراگیر و گریزناپذیر

فک رقبه . . . و الذین کفروا ... علیهم نار مؤصده

### 54- لباس مساکين

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

4 - مانده - 5 - 89 - 31, 30, 7

7 - تغذیه ده مسکین و یا تهیه پوشاک برای آنان و یا آزاد کردن یک برده کفاره شکستن سوگند

فکفرته اطعام عشره مسکین . . . اهلیکم او کسوتهم او تحریر رقبه

30 - لزوم رعایت تناسب کیفیت پوشاکی که در کفاره قسم داده می شود با فصل سال ( تابستان و زمستان ) و مرد یا زن بودن فقیر

فکفرته . . . او کسوتهم

از امام باقر یا امام صادق علیهما السلام در توضیح آیه فوق روایت شده: . . . و اما کسوتهم فان وافقت به التشاء فکسوته، و ان وافقت به الصیف فکسوته، لکل مسکین ازار و رداء و للمراه ما یواری ما یحرم منها ازار و خمار و درع . . .

---

تفسیر عیاشی، ج 1، ص 337، ح 167؛ تفسیر برهان، ج 1، ص 496، ح 12.

31 - بالاپوش و پایین پوش برای مرد و مقدار پوشش لازم ( پیراهن ، روسری و پایین پوش ) برای زن ، پوشاکی که در کفاره قسم داده می شود .

فکفرته . . . او کسوتهم

از امام باقر یا امام صادق علیهما السلام در توضیح آیه فوق روایت شده: . . . و اما کسوتهم ... لکل مسکین ازار و رداء و للمراه ما یواری ما یحرم منها ازار و خمار و درع . . .

---

تفسیر عیاشی، ج 1، ص 337، ح 167؛ تفسیر برهان، ج 1، ص 496، ح 12.

### 55- مالکیت مساکین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 60 - 7

7- فقرا، مساکین، کارگزاران امور صدقات و مؤلفه قلوبهم، مالک سهم خویش از صدقات هستند.

إنما الصدقات للفقراء... و المؤلفه قلوبهم

ص: 302

برداشت فوق با توجه به «لام» در «للفقراء ..» - که برای افاده ملکیت می باشد - استفاده شده است.

### 56- محافظت از اموال مساکین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - کهف - 18 - 79 - 12

12- اولیای خاص الهی ، درصدد ناکام ساختن حاکمان غاصب و حفظ حقوق محرومان بوده اند .

فأردت أن أعيبها و كان وراءهم ملك يأخذ كل سفينة غصبا

### 57- محرومیت مساکین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - قلم - 68 - 30 - 1

1 - باغداران یمنی پس از مشاهده محرومیت خود و مستمندان از محصولات باغ ، به سرزنش همدیگر پرداختند .

فأقبل بعضهم على بعض يتلومون

### 58- محمد (صلی الله علیه و آله) و مساکین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 28 - 1

1- پیامبر (صلی الله علیه و آله) موظف به برخورد مناسب با خویشاوندان ، مسکینان و در راه ماندگان با بیانی نرم و دلپذیر در صورت خودداری از کمک به آنها به خاطر ناتوانی مالی

و آت ذاالقربی حقه .. و إنما تعرضن عنهم ابتغاء رحمة من ربك ترجوها

عبارت «ابتغاء رحمة من ربك» (جویای رحمت پروردگارت هستی) و شواهد تاریخی حکایت از آن دارد که: خودداری پیامبر(صلی الله علیه و آله) از کمک به افراد یاد شده، به دلیل ضعف مالی بوده است.

### 59- مراد از مساکین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 60 - 21

21 - از امام صادق (ع) روایت شده که فرمود: « الفقراء هم الذين لا يسألون وعليهم مؤنات من عيالهم . . . و المساكين هم اهل الزمانه من العميان العرجان و المجذومين و جميع الاصناف الزمنى . . . »

ص: 303



فقرا کسانی هستند که درخواست کمک نمی کنند با اینکه هزینه زندگی عائله بر عهده آنان است و مساکین، افراد معلول، مانند کورها و شلها و جذامیها و سایر اصناف آفت زده هستند».

## 60- مراد از مسکین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - انسان - 76 - 8 - 9

9 - « عن النبي (صلى الله عليه وآله) في قول الله « مسكيناً » قال : فقيراً ، و « يتيماً » قال : لا - أب له ، و « أسيراً » قال : المملوك و المسجون ؛

از رسول خدا (صلى الله عليه وآله) درباره سخن خداوند «مسكيناً» روایت شده که فرمود: [مراد] فقير و تهيدست است و درباره «يتيماً» فرمود: [مقصود] کسی است که پدر ندارد و درباره «أسيراً» فرمود: مراد برده و زندانی است».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 79 - 6

6- داشتن شغل و درآمد ، مانع صدق « مسکین » بر محرومان نیست .

و أمّا السفينه فكانت لمسكين

با وجود آن که صاحبان کشتی، دارای مالکیت و درآمد بوده اند، ولی کلمه «مسکین» بر آنان اطلاق شده است. بنابراین، در صدق عنوان مسکین، نداشتن هیچ نوع مالکیت و یا شغل و درآمد، دخیل نیست.

## 61- مردم مقارن بعثت و اطعام مساکین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - فجر - 89 - 18 - 1

1 - بی توجهی به مستمندان و ترغیب نکردن یکدیگر به تأمین غذای آنان ، فرهنگی حاکم بر عصر بعثت

و لاتحضون علی طعام المسکین

«تحاضن» (مصدر «تحاضون»)، به معنای ترغیب کردن یکدیگر است (قاموس). گفتنی است که از عبارت «طعام المسکین»، «بذل طعام المسکین» اراده شده است. البته «طعام» می تواند به معنای «اطعام» باشد - مانند «عطاء» به معنای «اعطاء» ولی تقدیر بهتر است. (البحر المحیط)

## 62- مردم مقارن بعثت و مساکین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 304

1 - بی توجهی به مستمندان و ترغیب نکردن یکدیگر به تأمین غذای آنان ، فرهنگی حاکم بر عصر بعثت

و لاتحَضُّونَ علی طعام المسکین

«تحاضُّ» (مصدر «تحاضُّون»)، به معنای ترغیب کردن یکدیگر است (قاموس). گفتنی است که از عبارت «طعام المسکین»، «بذل طعام المسکین» اراده شده است. البته «طعام» می تواند به معنای «اطعام» باشد - مانند «عطاء» به معنای «اعطاء» ولی تقدیر بهتر است. (البحرالمحیط)

### 63- مرفهان و مساکین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - فجر - 89 - 18 - 5

5 - پندار مرفهان به گرامی بودن نزد خداوند ، با وجود بی توجهی آنان به مساکین ، پنداری بی پایه و نادرست است .

ربِّ اکرمن . کلاً... و لاتحَضُّونَ علی طعام المسکین

### 64- مساکین و اصحاب الجنه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - قلم - 68 - 24 - 4

4 - حضور هر ساله بینوایان در بوستان باغداران یمنی ، به وقت برداشت جهت بهره مند شدن از محصولات آن

أن لایدخلنَّها الیوم علیکم مسکین

### 65- مسؤولیت اطعام مساکین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - حاقه - 69 - 34 - 7

7 - رسیدگی به امور تغذیه گرسنگان و بینوایان ، برخوردار از اولویت نخستین در مقایسه با دیگر تکالیف حمایتی از آنان

و لایحَضُّ علی طعام المسکین

برداشت یاد شده، از اختصاص به ذکر یافتن مسأله تغذیه گرسنگان و بینوایان - از میان مجموعه نیازمندی های این قشر - به دست می آید.



## 66- معرضان از مساکین در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - بلد - 90 - 19 - 2

2 - سمت چپ در آخرت ، جایگاه استقرار کسانی است که به آیات الهی کفر ورزیده و از آزادسازی بردگان ، غذا دادن به یتیمان و مستمندان و توصیه یکدیگر به صبر و ترحم ، امتناع کرده اند .

فک رقبه . . . و الذین کفروا بایتنا هم أصحاب المشئمه

چنانچه «مشأمه» به معنای «سمت چپ» باشد - که در «صحاح» از جمله معانی آن شمرده شده است - برداشت یاد شده استفاده می شود. کلمه «أصحاب»، بیانگر حضور طولانی «اصحاب المشأمه» در سمت چپ است به گونه ای که با آن مصاحبت داشته و از آن فاصله نمی گیرند.

## 67- ممانعت از ورود مساکین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - قلم - 68 - 25 - 1

1 - باغداران یمنی ، صبح هنگام به قصد مانع شدن بینوایان از ورود آنان به بوستان و محروم ساختن آنان از محصولات ، به سوی باغ شتافتند .

و غدوا علی حرد قدرین

«حرد» به معنای قصد و منع است؛ یعنی، صاحبان باغ به قصد اجرای تصمیم خود مبنی بر منع بینوایان و محروم ساختن آنان از محصولات باغ، به سوی آن روان شدند.

## 68- ممنوعیت ترک انفاق به مساکین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 22 - 4

4 - کوتاهی در تأمین نیاز خویشاوندان ، بینوایان و مهاجران ، به خاطر لغزش های گذشته آنان ، ممنوع است .

و لایأتل أولوا الفضل منکم و السعه أن یؤتوا أولی القربی و المسکین و المهجری

## 69- موانع امداد به مساکین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - ماعون - 107 - 3 - 7

7 - توجه به تأثیر انکار معاد در ترک یاری مستمندان ، حتی با زبان ، مایه پرهیز از تکذیب آخرت است .

ص: 306

أرءیت الذی یکذب بالذین . . . و لایحض علی طعام المسکین

## 70- مهربانی با مساکین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - بلد - 90 - 17 - 4

4 - ایمان به آیات الهی، سفارش یکدیگر به استقامت در تکالیف دشوار و اظهار محبت به بردگان، یتیمان و تنگدستان، قدردانی از نعمت های بینایی، گویایی و هدایت است.

ألم نجعل له عینین . و لساناً و شفقتین . و هدینه النجدین ... ثم کان من الذین ءام

«الذین آمنوا» گرچه مطلق است؛ ولی مصداق بارز آنها - به قرینه «و الذین کفروا بآیاتنا» در آیات بعد - مؤمنان به آیات الهی است و آیات پیشین - که بعضی از تکالیف را «عقبه» نامیده بود - قرینه بر مراد از «صبر» است و سیاق آیات نشان می دهد که مراد از «مرحمه»، ترحم بر «رقبه»، «یتیم» و «مسکین» است. ارتباط این آیات با آیه های پیشین - که نعمت های الهی را برشمرده - گویای برداشت یاد شده است؛ زیرا «بینایی و بصیرت»، زمینه ساز «ایمان» و «داشتن زبان و لب»، زمینه ساز توصیه است.

## 71- ناظر بی اعتنایی به مساکین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - فجر - 89 - 20 - 9

9 - خداوند در کمین مردم بی توجه به یتیمان و مسکینان، غاصب ارث دیگران و دل بسته به ثروت

إن ربک لبالمرصاد . . . بل لا تکرمون الیتیم . و لاتحضون ... و تأکلون ... و تحبّ

## 72- وجوب اطعام به مساکین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - مدثر - 74 - 44 - 4

4 - سیر کردن بینوایان، از تکالیف ویژه مالی - افزون بر زکات و . . . - در اسلام

و لم نک نطعم المسکین

خداوند نفرمود: به بینوایان دستگیری و کمک مالی کنید؛ بلکه فرمود: آنان را سیر نمایید. از این مطلب می توان استفاده کرد که این کار، فریضه ای جدا از زکات است؛ یعنی، اگر کسی زکات را پرداخت کند؛ ولی در جامعه گرسنه ای وجود داشته باشد، او باید باز هم انفاق کند

تا گرسنگان سیر شوند.

ص: 307





## 10- مستبدان

### 1- روش برخورد مستبدان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 54 - 6

6 - زبون ساختن انسان ها و ممانعت از رشد و تکامل اندیشه آنان ، روش جباران و حکومت های فاسد در طول تاریخ

فاستخفّ قومه فأطاعوه

### 2- رهبری مستبدان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 4 - 6

6 - عناصر برتری طلب و خودکامه ، فاقد صلاحیت رهبری بر مردم اند .

إنّ فرعون علا في الأرض و جعل أهلها شيعاً

نکوهش خداوند از فرعون به خاطر روحیه سلطه گری وی، بیانگر مطلب یاد شده است.

### 3- سرور مستبدان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 23 - 7

7 - کامیابی خودکامگان و بیدادگران ، محدود به زندگی زودگذر دنیوی است .

إذا هم يبعون في الأرض بغير الحق .. متع الحيوه الدنيا

ص: 309

#### 4- عوامل تواضع مستبدان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 35 - 7

7 - به تواضع نشستن حاکمان مستبد و زورمدار ، هنگام احساس خطر و اضطرار

فماذا تأمرون

مشورت خواهی از شخصی چون فرعون که می گوید «لئن اتَّخَذتِ إِلَهًا غَيْرِي..»، نشانگر حالت اضطرار و ناگزیری او است.

#### 5- مستبدان در آخرت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 23 - 9

9 - زیان بیدادگری و خودکامگی ، گریبانگیر خودکامگان و بیدادگران در جهان پس از مرگ

إنما بغیکم علی أنفسکم . . . ثم إلینا مرجعکم

ص: 310

## 11- مستضعفان

### 1- مستضعفان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 75 - 5

5 - مردان ، زنان و کودکان مانده در ستم ، از مصادیق مستضعفان

والمستضعفين من الرجال والنساء والولدان الذين يقولون ربنا اخرجنا من هذه ال

### 2- استمداد مستضعفان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 47 - 8

8 - استمداد بی ثمر مستضعفان از رهبران مستکبر خود در دوزخ ، برای کاستن بخشی از عذاب آنان ( آتش ) به پاس پیروی شان از آنها در دنیا

إِنَّا كُنَّا لَكُمْ تَبَعًا فَهَلْ أَتَمَّ مَغْنُونًا عَنَّا نَصِيبًا مِنَ النَّارِ

### 3- اشراف قوم نوح و مستضعفان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 27 - 11

11- اشراف قوم نوح ، ایمان توده های مستضعف را ایمانی سطحی و برخاسته از خوش باوری و عدم تفکر می شمردند .

ما نريك اتباعك إلا الذين هم أراذلنا بادي الرأي

ص: 311

«بادی» از «بدو» و به معنای ظاهر است. «ظاهر الرأی»؛ یعنی، دید سطحی و اندیشه خالی از تفکر و تأمل. «بادی الرأی» می تواند ظرف برای «اتبعک» باشد. براین اساس معنای جمله «مانریک...» چنین است: می بینیم که اراذل از تو پیروی کرده اند و پیروی آنان سطحی و بدون تأمل در درستی و نادرستی ادعای تو بوده است.

#### 4- اعتراض مستضعفان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - سبأ - 34 - 31 - 16

16 - اعتراض مستضعفان به مستکبران در قیامت ، به این که آنان مانع ایمانشان گردیدند .

يقول الذين استضعفوا للذين استكبروا لولا انتم لكانت مؤمنين

#### 5- افشاگری اخروی مستضعفان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - سبأ - 34 - 33 - 2

2 - افشاگری مستضعفان در قیامت علیه مستکبران ، درباره تلاش شبانه روزی آنان در ترویج کفر

وقال الذين استضعفوا .. بل مكر اليل والنهار إذ تأمرونا أن نكفر بالله

اضافه «مکر الیل» مفید معنای «فی» است و سیاق آیه، دلالت می کند که مضاف الیه «مکر» چیز محذوفی مثل «کم» است. بنابراین معنا چنین می شود: بلکه مکر شما در طول شب و روز درباره ما، این بود که به خدا کافر شویم.

#### 6- اقرار اخروی مستضعفان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 47 - 5

5 - اعتراف مستضعفان در آتش دورخ ، به پیروی کامل خویش از مستکبران در دنیا

فيقول الضعفوا للذين استكبروا إنا كنا لكم تبعًا

آمدن «تبعاً» (به صورت مصدر) مفید مبالغه است؛ یعنی، تابعیت محض و پیروی کامل.

#### 7- امیدواری مستضعفان

جلد - نام سورہ - سورہ - آیہ - فیش

3 - نساء - 4 - 99 - 1

ص: 312

1 - امید به عفو الهی ، برای مستضعفان ناتوان از هجرت

ألا المستضعفین .. لا یستطیعون حیلہ ... فاولئک عسی اللہ ان یعفو عنہم

### 8- اهمیت حمایت از مستضعفان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 114 - 3

3- جایز نبودن طرد محرومان جامعه در هیچ شرایطی ؛ حتی به قیمت ایمان و گرایش افراد با نفوذ و دانه درشت جامعه به دین .

قالوا أنؤمن لک و اتبعک الأذولون .. و ما أنا بطارد المؤمنین

### 9- ایمان مستضعفان قوم ثمود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 76 - 4

4- ایمان مستضعفان قوم ثمود بهانه ای برای کفرورزی و استکبار اشراف کفرپیشه آن قوم

قال الذین استکبروا إنا بالذی ءامنتم به کفرون

مجادله کافران با مستضعفان اقتضا می کرد که کفرپیشگان در پاسخ مؤمنان بگویند: «إنا به کفرون» و یا «إنا بما ارسل به کفرون»، ولی در پاسخ گفتند ما به آنچه شماها بدان ایمان آورده اید کافر هستیم. و این تعبیر نشان می دهد که از ریشه های استکبار آنان در برابر حق، ایمان مستضعفان بوده است. تقدیم «بالذی» بر «کفرون»، که افاده حصر می کند، این معنا را تأیید می کند.

### 10- بینش مستضعفان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - سبأ - 34 - 31 - 17

17 - مستکبران ، عاملی برای انحراف مردم از دین الهی و مانع ایمان آنان ، از دیدگاه مستضعفان

یقول الذین استضعفوا للذین استکبروا لولا أنتم لکنّا مؤمنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - سبأ - 34 - 33 - 1,3,5,6

1 - مستضعفان در قیامت ، بی گناه دانستن مستکبران را در گمراه کردن دیگران ، مردود شمرده و آنان را عامل اصلی آن معرفی خواهند کرد .

ص: 313



بل كنتم مجرمين . وقال الذين استضعفوا للذين استكبروا بل مكر اليل والنهار إذ تأ

3- مستضعفان در قیامت ، تلاش مگاران و شبانه روزی مستکبران را ، مانع ایمانشان معرفی خواهند کرد .

لولا أنتم لکنّا مؤمنین . قال الذین استکبروا ... بل کنتم مجرمین . وقال الذین است

5- مستضعان در قیامت ، مستکبران را عامل اصلی شریک گرفتن برای خدا معرفی خواهند کرد .

وقال الذین استضعفوا للذین استکبروا .. تأمرونا أن نکفر بالله ونجعل له أنداد

6- مستضعفان در قیامت ، انتخاب کفر و بی دینی را تحمیلی از سوی مستکبران معرفی خواهند کرد .

إذ تأمرونا أن نکفر بالله ونجعل له أنداداً

کاربرد فعل «تأمرونا» (از ماده «أمر») و به معنای فرمان و دستور) دلالت می کند که مستکبران به صورت دستور آمرانه، مستضعفان را وادار به پذیرش عقیده ای می کرده اند.

### 11- پشیمانی اخروی مستضعفان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - سبأ - 34 - 33 - 16، 17

16 - مستضعفان گمراه شده از سوی مستکبران ، با مشاهده عذاب در قیامت ، از کرده خود پشیمان خواهند شد .

وقال الذین استضعفوا .. وأسروا الندامه لَمَّا رأوا العذاب

بنابراین که ضمیر فاعلی «أسروا» به «استضعفوا» برگردد، نکته یاد شده قابل استفاده است.

17 - اظهار پشیمانی مستکبران و مستضعفان کافر در قیامت ، با مشاهده عذاب

وأسروا الندامه لَمَّا رأوا العذاب

«أسر» از لغت هایی است که معنای متضاد دارد (مفردات راغب) و به معنای آشکار کردن و پنهان کردن است که آنان پشیمانی خود را اظهار خواهند کرد.

### 12- جهاد مستضعفان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 75 - 18

18 - استجابت دعای مستضعفان مگه ، با صدور فرمان جهاد از سوی خدا برای رهایی آنان

و ما لکم لا تقاتلون .. الذین یقولون ربنا اخرجنا

### 13- حاکمیت مستضعفان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 314

7 - نابودی ستمگران و حاکمیت مستضعفان از سنت های خداوند است .

وَأُورِثْنَا الْقَوْمَ الَّذِينَ كَانُوا يُسْتَضْعَفُونَ . . . و تمت کلمت ربک الحسنی

خداوند به جای کلمه کوتاهی مانند بنی اسرائیل پس از «أورثنا»، وصف آنان، یعنی «القوم الذين . . .»، را می آورد تا به این نکته اشاره کند که حمایت خداوند مخصوص بنی اسرائیل نبوده، بلکه سنت خدا بر این است که مستضعفان را بر مستکبران پیروزی دهد.

8 - مژده هلاکت مستکبران و حاکمیت یافتن مستضعفان، از سخنان زیبای خداوند برای بشریت .

وَأُورِثْنَا الْقَوْمَ . . . و تمت کلمت ربک الحسنی

#### 14- حامی مستضعفان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 137 - 9

9 - خداوند، حامی مستضعفان است .

وَأُورِثْنَا الْقَوْمَ الَّذِينَ كَانُوا يُسْتَضْعَفُونَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 61 - 7

7 - اسلام، حامی مستضعفان و ناتوانان است .

ليس على الأعمى حرج ولا على الأعرج حرج ولا على المريض حرج

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که نابینایی، لنگی و مرض نوعاً موجب از کار افتادگی انسان می شود. در نتیجه، چنین افرادی در شمار افراد مستضعف و ناتوان قرار می گیرند.

#### 15- حتمیت عذاب مستضعفان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 48 - 3

3 - اعتراف مستکبران در دوزخ، به تغییرناپذیر بودن حکم الهی درباره عذاب آنان و پیروانشان

قال الذين استكبروا .. إنَّ الله قد حكم بين العباد

ص: 315

## 16- حفظ شخصیت مستضعفان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 52 - 4

4- رهبران و مبلغان دین نباید قشرهای ضعیف و تهیدست را از اطراف خود برانند.

و لا تطرد الذين يدعون ربهم بالغدوة والعشيّ يريدون وجهه

## 17- حق پذیری مستضعفان قوم نوح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 111 - 3

3- پیام نوح (ع) ، دارای جاذبه بیشتر برای طبقات محروم جامعه

قالوا أتؤمن لك و اتبعك الأردلون

## 18- حقوق مستضعفان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 127 - 23، 24، 21، 17

17- قرآن حاوی احکامی خاص ، درباره اطفال ناتوان و مستضعف

يفتيكم فيهنّ و ما يتلى عليكم في الكتب . . . و المستضعفين من الولدن

21- خداوند ، خواستار احیای حقوق زنان ، یتیمان و مستضعفان

قل الله يفتيكم فيهنّ . . . و إن تقوموا لليتمى بالقسط

23- رعایت حقوق زنان ، یتیمان ، مستضعفان و اقامه قسط ، از مصادیق بارز خیرات و نیکیها

و ما تفعلوا من خير فإنّ الله كان به عليماً

«من خیر» می تواند اشاره به تکالیفی باشد که در آیه آمده است.

24- اعتقاد انسان به علم الهی ، زمینه ساز رعایت حقوق زنان ، یتیمان و مستضعفان

والمستضعفين من الولدن . . . و ما تفعلوا من خير فإن الله كان به عليماً

### 19- حمايت از مستضعفان

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

4 - نساء - 4 - 127 - 18

18 - اسلام ، حامى مستضعفان

ص: 316

والمستضعفين من الولدن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 5 - 7

7- اراده خداوند بر جهت گیری تحولات تاریخ به نفع مستضعفان

و نريد أن نمّن على الذين استضعفوا في الأرض

### 20- دعای مستضعفان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 75 - 10،15

10 - دعای مسلمانان مظلوم و مستضعف مکه به درگاه پروردگار برای رهایی از ستم حاکم بر آنان

والمستضعفين... الذين يقولون ربنا اخرجنا من هذه القرية الظالم اهلها

15 - مسلمانان مستضعف صدر اسلام ، خواستار فرمانده و نیروی انسانی از جانب خداوند برای رهایی از ستم کفرپیشگان مکه

و اجعل لنا من لدنك ولياً و اجعل لنا من لدنك نصيراً

### 21- دعای مستضعفان مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 75 - 18

18 - استجابت دعای مستضعفان مکه ، با صدور فرمان جهاد از سوی خدا برای رهایی آنان

و ما لكم لا تقاتلون... الذين يقولون ربنا اخرجنا

### 22- ذکر فرجام مستضعفان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 47 - 2

2- پدید آمدن اختلاف میان مستضعفان و مستکبران ، در آتش دوزخ و احتجاج و دلیل آوردن هر یک از آنان ، حادثه ای شایسته یاد و

و إذ يتحاجون في النار فيقول الضعفوا للذين استكبروا

«إذ» متعلق به فعل محذوف (أذكر) می باشد.



### 23- رد اعتراض مستضعفان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - سبأ - 34 - 32 - 1, 2

1 - مستکبران در قیامت ، در رد نظر مستضعفان ، خود آنان را مردمانی مجرم معرفی خواهند کرد .

وقال الذین استکبروا للذین استضعفوا أنحن صددناکم عن الهدی . . . بل کنتم مجرمین

2 - مستکبران در قیامت ، اعتراض مستضعفان را در ایجاد گمراهی با قاطعیت تمام رد خواهند کرد .

يقول الذین استضعفوا للذین استکبروا لولا أنتم لکنّا مؤمنین . قال الذین استکبروا ل

استفهام در «أنحن» انکاری است.

### 24- سرزنش مستضعفان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 97 - 7

7 - توبیخ و سرزنش مستضعفان سر باز زده از هجرت ، از سوی ملائکه به هنگام مرگ

قالوا کنا مستضعفین فی الارض قالوا الم تکن ارض الله واسعه فتهاجروا فیها

### 25- شرایط پیروزی مستضعفان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 137 - 13

13 - صبر و مقاومت مستضعفان شرط تحقق امداد های الهی برای پیروزی آنان است .

تمت کلمت ربک . . . بما صبروا

### 26- صبر مستضعفان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 137 - 13

13 - صبر و مقاومت مستضعفان شرط تحقق امداد های الهی برای پیروزی آنان است .

تمت کلمت ربک . . . بما صبروا

ص: 318

## 27- طرد مستضعفان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 52 - 4

4- رهبران و مبلغان دین نباید قشرهای ضعیف و تهیدست را از اطراف خود برانند.

و لا تطرد الذين يدعون ربهم بالغدوة والعشيّ يريدون وجهه

## 28- ظلم مستضعفان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - سبأ - 34 - 31 - 19

19 - مستضعفان و مستکبران کافر ، هر دو ظالم اند .

و لو ترى إذ الظلمون موقوفون عند ربهم . . . يقول الذين استضعفوا للذين استكبروا

خداوند، پس از آن که مشرکان را مردمانی ظالم معرفی کرد به بیان تفضیلی مشاجره آنان پرداخت. این نشان می دهد که مشرکان ظالم به دو گروه مستضعف و مستکبر تقسیم می شوند.

## 29- عدالت در حقوق مستضعفان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 127 - 28

28 - تشویق خداوند به نیکی درباره زنان ، یتیمان و مستضعفان ، افزون بر رعایت قسط نسبت به آنان

و ما تفعلوا من خیر فإنّ الله کان به علیماً

## 30- عذاب اخروی مستضعفان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - سبأ - 34 - 33 - 19

19 - مستکبران و مستضعفان کافر ، در قیامت ، در غل ها گرفتار خواهند بود .

وقال الذين استضعفوا للذين استكبروا.. تأمرونا أن نكفر بالله و نجعل له أنداداً

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

16 - غافر - 40 - 48 - 7

7- اشتراك مستضعفان پيرو و رهبران مستكبر آنان ، در عذاب شدن با آتش دوزخ

ص: 319

إِنَّا كُلٌّ فِيهَا إِنَّ اللَّهَ قَدِ حَكَمَ بَيْنَ الْعِبَادِ

### 31- عذاب مستضعفان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 48 - 2

2- اظهار ناتوانی کردن مستکبران در دوزخ، از برآوردن درخواست مستضعفان پیرو خود، مبنی بر کاستن از عذاب آنان

فهل أنتم مغنون عتًا نصيبًا من النار . قال الذين استكبروا إِنَّا كُلٌّ فِيهَا

این که مستکبران می گویند: «ما و شما گرفتار عذابیم»، در واقع پاسخ منفی آنان به درخواست مستضعفان و اظهار ناتوانی کردن است؛ زیرا کسی که خود در آتش می سوزد، نمی تواند نجات دهنده دیگران از آن باشد و گرنه خود را نجات می داد.

### 32- عذرخواهی مستضعفان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 98 - 8

8 - ناتوانی مستضعفان در مانده از هجرت، عذری قابل قبول در پیشگاه خداوند

قالوا كُنَّا مُسْتَضْعَفِينَ فِي الْأَرْضِ قَالُوا أَلَمْ تَكُنْ أَرْضَ اللَّهِ وَاسِعَةً فَتُهَاجِرُوا فِيهَا .. . ال

### 33- عزت اخروی مستضعفان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - واقعه - 56 - 3 - 2

2- کافران و مستکبران، مردمی زبون و دون پایه و مؤمنان و مستضعفان انسان هایی شریف و صاحب منزلت در روز رستاخیز

إذا وقعت الواقعة .. . خافضه رافعه

### 34- عوامل شرک مستضعفان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - سبأ - 34 - 33 - 5

5 - مستضعان در قیامت ، مستکبران را عامل اصلی شریک گرفتن برای خدا معرفی خواهند کرد .

وقال الذين استضعفوا للذين استكبروا .. تأمرونا أن نكفر بالله ونجعل له أنداد

ص: 320

### 35- عوامل کفر مستضعفان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - سبأ - 34 - 33 - 6

6 - مستضعفان در قیامت ، انتخاب کفر و بی دینی را تحمیلی از سوی مستکبران معرفی خواهند کرد .

إذ تأمرونا أن نكفر بالله و نجعل له أندادًا

کاربرد فعل «تأمرونا» (از ماده «أمر») و به معنای فرمان و دستور) دلالت می کند که مستکبران به صورت دستور آمرانه، مستضعفان را وادار به پذیرش عقیده ای می کرده اند.

### 36- عوامل گمراهی مستضعفان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - سبأ - 34 - 31 - 17

17 - مستکبران ، عاملی برای انحراف مردم از دین الهی و مانع ایمان آنان ، از دیدگاه مستضعفان

يقول الذين استضعفوا للذين استكبروا لولا أنتم لکنّا مؤمنين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - سبأ - 34 - 32 - 1، 3، 4

1 - مستکبران در قیامت ، در رد نظر مستضعفان ، خود آنان را مردمانی مجرم معرفی خواهند کرد .

وقال الذين استكبروا للذين استضعفوا نحن صددناكم عن الهدى .. بل كنتم مجرمين

3 - مستکبران ، در قیامت ، خود را مانع حق پذیری مستضعفان در دنیا نخواهند دانست .

قال الذين استكبروا للذين استضعفوا نحن صددناكم عن الهدى بعد إذ جاءكم

4 - مستضعفان گمراه و مؤاخذه شده در قیامت ، در دنیا از هدایت برخوردار بودند ؛ لکن آن را نپذیرفته اند .

قال الذين استكبروا للذين استضعفوا نحن صددناكم عن الهدى بعد إذ جاءكم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - مستضعفان در قیامت ، بی گناه دانستن مستکبران را در گمراه کردن دیگران ، مردود شمرده و آنان را عامل اصلی آن معرفی خواهند کرد .

بل كنتم مجرمين . وقال الذين استضعفوا للذين استكبروا بل مكر اليل و النهار إذ تأ

ص: 321



### 37- کيفر اخروي مستضعفان

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

15 - سبأ - 34 - 33 - 24

24 - كيفر مستكبران و مستضعفان كافر در قيامت ، متناسب با كردار بد آنان است .

وقال الذين استضعفوا للذين استكبروا .. و جعلنا الأغلل في أعناق الذين كفروا هل

### 38- كيفر مستضعفان

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

3 - نساء - 4 - 99 - 3

3 - مستضعفان ناتوان از هجرت ، به جهت ماندن در بلاد كفر ، سزاوار كيفرند . \*

فاولئك عسى الله ان يعفو عنهم

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

16 - غافر - 40 - 48 - 1

1 - اعتراف مستكبران به مشترك بودنشان با مستضعفان پيرو خود ، در كيفر و عذاب الهی

قال الذين استكبروا إنا كل فيها

### 39- لجاجت مستضعفان

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

15 - سبأ - 34 - 32 - 4

4 - مستضعفان گمراه و مؤاخذه شده در قيامت ، در دنيا از هدايت برخوردار بودند ؛ لكن آن را نپذيرفته اند .

قال الذين استكبروا للذين استضعفوا نحن صددناكم عن الهدى بعد إذ جاءكم

### 40- مراد از مستضعفان

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

10 - حمزان گوید از امام صادق (ع) درباره مستضعفان سؤال کردم ، فرمود : « هم ليسوا بالمؤمنين ولا بالكفار وهم المرجون لأمر الله

;

آنان نه مؤمن هستند و نه کافر و آنانند واگذار شده به امر خدا».

ص: 322

## 41- مرگ مستضعفان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 97 - 6,7

6 - ناگواری حال مستضعفان سر باز زده از هجرت ، به هنگام مرگ \*

قالوا فيم كنتم قالوا كنا مستضعفين في الارض

استفهام توبيخی «فيم كنتم» حکایت از حالت سخت گنهکاران مستضعف دارد.

7 - توبیخ و سرزنش مستضعفان سر باز زده از هجرت ، از سوی ملائکه به هنگام مرگ

قالوا كنا مستضعفين في الارض قالوا الم تكن ارض الله واسعه فتهاجروا فيها

## 42- مستضعفان حقیقی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 98 - 2,7

2 - مستضعفان حقیقی کسانی هستند که توانایی هجرت و گریز از سیطره مشرکان و کافران را ندارند .

ألا المستضعفين... لا يستطيعون حيلة ولا يهتدون سبيلا

به کارگیری عنوان مستضعف برای ناتوانان از هجرت، پس از رد ادعای استضعاف توانمندان بر هجرت، اشاره به این است که مستضعفین، فقط ناتوانان از هجرت هستند.

7 - ناتوانان از شناخت دین و احکام الهی ، در زمره مستضعفان حقیقی هستند .

ألا المستضعفين... لا يستطيعون حيلة ولا يهتدون سبيلا

برداشت فوق را فرمایش امام باقر (ع) تأیید می کند که در معنای «مستضعفین» در آیه فوق فرمود: هو الذی لا یستطیع الکفر فیکفر و لا یهتدی سبیل الایمان فیؤمن... .

---

معانی الاخبار، ص 201، ح 4؛ نورالثقلین، ج 1، ص 536، ح 506.

## 43- مستضعفان در جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 97 - 18

18 - جهنم، جایگاه مستضعفانی که با داشتن توانایی هجرت در محیط کفر بمانند.

فاولئک مأویهم جهنم

بنابر اینکه سرزنش به جهت ترک هجرت باشد که خود از واجبات است، نه خصوص عمل نکردن به احکام دین.

ص: 323

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 47 - 1

1 - وجود اختلاف میان مستضعفان و مستکبران ، در آتش دوزخ و اقدام آنان به احتجاج و دلیل آوردن

و إذ يتحاجون في النار فيقول الضعفوا للذين استكبروا

#### 44- مستضعفان در حکومت فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 47 - 4

4 - وجود دو قشر ضعیف و توانمند ، در جامعه فرعون و حاکمیت نظام طبقاتی بر آن جامعه

و إذ يتحاجون في النار فيقول الضعفوا للذين استكبروا

#### 45- مستضعفان در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - سبأ - 34 - 31 - 16

16 - اعتراض مستضعفان به مستکبران در قیامت ، به این که آنان مانع ایمانشان گردیدند .

يقول الذين استضعفوا للذين استكبروا لولا أنتم لکنّا مؤمنين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - سبأ - 34 - 32 - 1,2,3

1 - مستکبران در قیامت ، در رد نظر مستضعفان ، خود آنان را مردمانی مجرم معرفی خواهند کرد .

وقال الذين استكبروا للذين استضعفوا نحن صددناكم عن الهدى . . . بل كنتم مجرمين

2 - مستکبران در قیامت ، اعتراض مستضعفان را در ایجاد گمراهی با قاطعیت تمام رد خواهند کرد .

يقول الذين استضعفوا للذين استكبروا لولا أنتم لکنّا مؤمنين . قال الذين استكبروا ل

استفهام در «أنحن» انکاری است.

3 - مستکبران ، در قیامت ، خود را مانع حق پذیری مستضعفان در دنیا نخواهند دانست .

قال الذين استكبروا للذين استضعفوا انحن صددنكم عن الهدى بعد إذ جاءكم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - سبأ - 34 - 33 - 16، 5، 3، 1

1 - مستضعفان در قیامت ، بی گناه دانستن مستکبران را در گمراه کردن دیگران ، مردود شمرده و آنان را عامل اصلی آن معرفی

ص: 324

خواهند کرد .

بل كنتم مجرمين . وقال الذين استضعفوا للذين استكبروا بل مكر اليل والنهار إذ تأ

3 - مستضعفان در قیامت ، تلاش مگاران و شبانه روزی مستکبران را ، مانع ایمانشان معرفی خواهند کرد .

لولا أنتم لکنّا مؤمنین . قال الذين استكبروا ... بل كنتم مجرمين . وقال الذين است

5 - مستضعفان در قیامت ، مستکبران را عامل اصلی شریک گرفتن برای خدا معرفی خواهند کرد .

وقال الذين استضعفوا للذين استكبروا .. تأمرونا أن نكفر بالله ونجعل له أنداد

6 - مستضعفان در قیامت ، انتخاب کفر و بی دینی را تحمیلی از سوی مستکبران معرفی خواهند کرد .

إذ تأمرونا أن نكفر بالله ونجعل له أندادًا

کاربرد فعل «تأمرونا» (از ماده «أمر») و به معنای فرمان و دستور) دلالت می کند که مستکبران به صورت دستور آمرانه، مستضعفان را وادار به پذیرش عقیده ای می کرده اند.

16 - مستضعفان گمراه شده از سوی مستکبران ، با مشاهده عذاب در قیامت ، از کرده خود پشیمان خواهند شد .

وقال الذين استضعفوا .. وأسروا الندامة لما رأوا العذاب

بنابراین که ضمیر فاعلی «أسروا» به «استضعفوا» برگردد، نکته یاد شده قابل استفاده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - واقعه - 56 - 3 - 2

2 - کافران و مستکبران ، مردمی زیون و دون پایه و مؤمنان و مستضعفان انسان هایی شریف و صاحب منزلت در روز رستاخیز

إذا وقعت الواقعة .. خافضه رافعه

**46 - مستضعفان فکری**

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 98 - 13

13 - کودکان و مردان و زنانی که عقل کودکانه دارند ، مستضعف فکری بوده و مشمول تکالیف الهی نیستند .

ألا المستضعفين . . . ولا يهتدون سبيلا

امام باقر (ع) در مورد مستضعف در آیه فوق فرمود: . . . و الصبيان و من كان من الرجال و النساء على مثل عقل الصبيان مرفوع عنهم القلم.

---

معانی الاخبار، ص 201، ح 4؛ نورالثقلین، ج 1، ص 537، ح 506.

#### **47- مستضعفان قوم ثمود**

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 75 - 3

ص: 325



3 - مستضعفان و اشراف مستکبر ، دو طبقه متمایز از یکدیگر در میان قوم ثمود

قال الملاً الذین استکبروا من قومه للذین استضعفوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 76 - 1

1 - مجادله کفرپیشگان مستکبر قوم ثمود با مستضعفان مؤمن به صالح

استضعفوا لمن . . . مؤمنون. قال الذین استکبروا إنا بالذی ءامنتم به کفرون

### 48- مستضعفان قوم نوح و نوح (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 27 - 7

7- انحصار پیروان نوح به قشر مستضعف و تهی دست ، بهانه و دستاویز اشراف برای ایمان نیاوردن به او و انکار رسالت های وی

فقال الملاً . . . ما نریک اتباعک إلا الذین هم أراذلنا بادی الرأی

### 49- مستضعفان کافر قوم ثمود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 75 - 4

4- گروهی از مستضعفان قوم ثمود رسالت صالح (ع) را تصدیق کرده و به وی ایمان آوردند .

للذین استضعفوا لمن ءامن منهم

برداشت فوق بر این اساس است که ضمیر «منهم» به «الذین» در «للذین استضعفوا» برگردد، نه به «قومه». در این صورت «للمن ءامن»

بدل بعض از کل برای «للذین استضعفوا» است و مفاد آن تقسیم مستضعفان به دو طایفه مؤمنان و غیر مؤمنان خواهد بود.

### 50- مستضعفان مظلوم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 75 - 11

11 - مسؤوليت بين المللى جامعه اسلامى در برابر مستضعفان خداپرست تحت ستم

و ما لكم لا تقاتلون فى سبيل الله و المستضعفين .. الذين يقولون ربنا اخرجنا م

ص: 326

## 51- مستضعفان مؤمن قوم ثمود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 75 - 10، 9، 8، 4

4- گروهی از مستضعفان قوم ثمود رسالت صالح (ع) را تصدیق کرده و به وی ایمان آوردند .

لذین استضعفوا لمن ءامن منهم

برداشت فوق بر این اساس است که ضمیر «منهم» به «الذین» در «لذین استضعفوا» برگردد، نه به «قومه». در این صورت «للمن ءامن» بدل بعض از کل برای «لذین استضعفوا» است و مفاد آن تقسیم مستضعفان به دو طایفه مؤمنان و غیر مؤمنان خواهد بود.

8- مستضعفان مؤمن قوم ثمود با پاسخی قاطع به کفرپیشگان، ایمان و باور خویش را به صالح و تمامی رسالت های وی اعلان کردند .

أتعلمون .. قالوا إنا بما ارسل به مؤمنون

9- مستضعفان مؤمن قوم ثمود، در پاسخ مستکبران، کفر خویش به معبودان دروغین را اعلان کردند .

قالوا إنا بما ارسل به مؤمنون

حصر اضافی که از تقدیم «بما ارسل» بر «مؤمنون» به دست می آید، بیانگر این است که مستضعفان، علاوه بر اعلان ایمان به صالح و رسالت های وی، بیزاری خویش را از معبودان دروغین نیز بیان داشتند.

10- مستضعفان مؤمن از قوم ثمود، مردمانی پایدار و راسخ در ایمان خویش

قالوا إنا بما ارسل به مؤمنون

از اینکه مؤمنان قوم ثمود مقصود خویش را با جمله اسمیه و به همراه «إِنَّ» بیان کردند و با کلمه «ما»ی موصوله ایمان خویش را به تمامی رسالت های صالح اعلان داشتند، معلوم می شود آنان در ایمان خویش بسیار جدی و پایدار بودند.

## 52- مستضعفان و ملائکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3- نساء - 4 - 97 - 4

4- ناتوانی از انجام تکالیف الهی، پاسخ ماندگاران در سیطره کفر و شرک به فرشتگان مأمور گرفتن جان

قالوا فیم کنتم قالوا کنّا مستضعفین

### 53- مستضعفان هنگام عذاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - سبأ - 34 - 33 - 17

ص: 327

17 - اظهار پشیمانی مستکبران و مستضعفان کافر در قیامت ، با مشاهده عذاب

و أسروا الندامه لَمَّا رَأُوا الْعَذَابِ

«أسرّ» از لغت هایی است که معنای متضاد دارد (مفردات راغب) و به معنای آشکار کردن و پنهان کردن است که آنان پشیمانی خود را اظهار خواهند کرد.

#### 54- ملائکه و مستضعفان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 97 - 7

7- توییح و سرزنش مستضعفان سر باز زده از هجرت ، از سوی ملائکه به هنگام مرگ

قالوا كُنَّا مُسْتَضْعَفِينَ فِي الْأَرْضِ قَالُوا أَلَمْ تَكُنْ أَرْضَ اللَّهِ وَاسِعَةً فَتُهَاجِرُوا فِيهَا

#### 55- منشأ حاکمیت مستضعفان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 59 - 3

3 - قدرت خدا بر حاکمیت بخشیدن به مستضعفان زمین و به اضمحلال کشاندن مستکبران

فَأَخْرَجْنَاهُمْ مِنْ... وَأُورِثْنَاهَا بَنِي إِسْرَائِيلَ

#### 56- موانع ایمان مستضعفان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - سبأ - 34 - 31 - 17، 16

16 - اعتراض مستضعفان به مستکبران در قیامت ، به این که آنان مانع ایمانشان گردیدند .

يقول الذين استضعفوا للذين استكبروا لولا أنتم لكنّا مؤمنين

17 - مستکبران ، عاملی برای انحراف مردم از دین الهی و مانع ایمان آنان ، از دیدگاه مستضعفان

يقول الذين استضعفوا للذين استكبروا لولا أنتم لکنّا مؤمنين

3 - مستضعفان در قیامت ، تلاش مگاران و شبانه روزی مستکبران را ، مانع ایمانشان معرفی خواهند کرد .

لولا أنتم لکنّا مؤمنین . قال الذین استکبروا ... بل کنتم مجرمین . وقال الذین است

## 57- مؤاخذة اخروی مستضعفان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - سبأ - 34 - 31 - 18

18 - مستضعفان تابع نیز ، در صورت انتخاب عقیده کفرآلود ، همچون مستکبران مؤاخذة خواهند شد .

و لو ترى إذ الظالمون موقوفون عند ربهم . . . يقول الذين استضعفوا للذين استكبروا

## 58- نجات مستضعفان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 75 - 19، 12، 4، 3، 2

2 - وجوب جنگ و مبارزه برای رهایی مستضعفان

و ما لكم لا تقاتلون في سبيل الله و المستضعفين

مراد از جنگ در راه مستضعفان - به قرینه ادامه آیه - جنگیدن برای رهایی آنان از چنگال ستمگران است. در برداشت فوق، «المستضعفين» عطف بر «الله» گرفته شده است.

3 - متخلفان از جهاد در راه خدا و رهایی مستضعفان ، مورد سرزنش و توبیخ خداوند

و ما لكم لا تقاتلون في سبيل الله و المستضعفين

4 - جنگ برای رهایی مستضعفان موحد ، از مصادیق جهاد در راه خداست .

و ما لكم لا تقاتلون في سبيل الله و المستضعفين

مراد از راه مستضعفین، رهایی آنان است. بنابراین «المستضعفين» عطف است بر «سبيل الله»؛ و این عطف خاص بر عام می باشد. زیرا آنچه به امر خدا انجام می گیرد، نمی تواند خارج از «سبيل الله» باشد.

12 - رهایی مستضعفان موحد ، مجوز جهاد ابتدایی

و ما لكم لا تقاتلون في سبيل الله و المستضعفين . . . الذين يقولون ربنا اخرجنا م

19 - ارتش آزادیبخش اسلام ، مددی الهی برای رهایی مستضعفان موحد

و ما لكم لا تقاتلون . . . واجعل لنا من لدنك نصيراً

## 59- نیکی به مستضعفان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 127 - 28

28 - تشویق خداوند به نیکی درباره زنان، یتیمان و مستضعفان، افزون بر رعایت قسط نسبت به آنان

ص: 329



و ما تفعلوا من خیر فإنّ الله کان به علیماً

## 60- هدایت مستضعفان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - سبأ - 34 - 32 - 4

4 - مستضعفان گمراه و مؤاخذه شده در قیامت ، در دنیا از هدایت برخوردار بودند ؛ لکن آن را نپذیرفته اند .

قال الذین استکبروا للذین استضعفوا نحن صددنکم عن الهدی بعد إذ جاءکم

ص: 330

## 12- مستعدان

### 1- اهمیت تنبه مستعدان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - ق - 50 - 45 - 10

10 - رهنمود خداوند به پیامبر (صلی الله علیه و آله) ، در به کار بستن تلاش خویش برای بیداری دل های مستعد و آماده

فذكر بالقرآن من يخاف وعيد

### 2- اهمیت هدایت مستعدان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - ق - 50 - 45 - 11

11 - مبلغان دین ، موظف به تلاش در بیداری نفوس مستعد و وانهادن حق ستیزان ، به خداوند

نحن أعلم بما يقولون .. فذكر بالقرآن من يخاف وعيد

برداشت یاد شده، با الغای خصوصیت از مورد پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) استفاده می شود.

### 3- مراقبت از مستعدان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 43 - 8

8 - شناسایی و تربیت افراد مستعد از خردسالی و مراقبت مداوم از آنان برای هدف های بزرگ ، روشی است خداگونه و مطلوب .

إذ أوحينا إلى أمك .. وفتتك فتوتاً .. و اصطنعتك لنفسی ... اذها إلى فرعون

ص: 331

#### 4- مستعدان ایمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 54 - 15

15 - کسانی را که دارای زمینه مساعدی برای گرایش به ایمان هستند، باید به رحمت و امنیت خداوندی امیدوار کرد.

وإذا جاءك الذين يؤمنون بآيتنا فقل سلم عليكم كتب ربكم على نفسه الرحمة

گزینش جمله توصیفی «الذین یؤمنون» به جای «المؤمنون» و یا «ءامنوا»، با توجه به معنای فعل مضارع، اشاره به مطلب فوق می تواند باشد.

ص: 332

## 13- مستکبران

### 1- مستکبران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 98 - 13

13 - تکذیب کنندگان پیامبران ، مردمی مستکبر و سرکش بوده اند .

عذاب الخزی

«خزی» به معنای خواری و ذلت است، اضافه «عذاب» به «خزی» از باب اضافه موصوف به صفت می باشد. توصیف عذاب به خزی می تواند اشاره به این حقیقت باشد که خداوند، عذاب استیصال را در ازای وضعیت روحی و عملکرد عذاب شوندهگان، مقرر کرده است و چون تکذیب گران پیامبران، مردمانی مستکبر و سرکش بودند، خداوند آنان را گرفتار عذابی کرد که آنان را بشکند و به ذلت بکشاند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9- نحل - 16 - 22 - 3

3- آنان که به عالم آخرت ایمان نمی آورند ، قلبهایی حق ناپذیر و روشی مستکبرانه دارند .

فالذین لایؤمنون بالأخره قلوبهم منکره و هم مستکبرون

### 2- آثار پیروی از مستکبران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 47 - 8

8 - استمداد بی ثمر مستضعفان از رهبران مستکبر خود در دوزخ ، برای کاستن بخشی از عذاب آنان ( آتش ) به پاس پیروی شان از آنها در دنیا

ص: 333

إِنَّا كُنَّا لَكُمْ تَبَعًا فَهَلْ أَنْتُمْ مَغْنُونٌ عَنَّا نَصِيْبًا مِنَ النَّارِ

### 3- آثار حکومت مستکبران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 41 - 5

5- هلاکت دنیوی و آتش دوزخ، پی آمد حکومت های مستکبر، ستمگر و فاسد ( چونان فرعونیان )

إِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمًا فَسِقِينَ... إِنَّهُ لَا يَفْلِحُ الظَّالِمُونَ... وَاسْتَكْبَرُوا... وَجَعَلْنَاهُمْ

### 4- آثار مستکبران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 97 - 9

9- سقوط ارزش های والای انسان، پیامد ماندن در سیطره مستکبران

إِنَّ الَّذِينَ تَوَفَّيْنَاهُمُ الْمَلَائِكَةَ ظَالِمِي انْفُسِهِمْ قَالُوا فِيمَ كُنْتُمْ قَالُوا كُنَّا مُسْتَضْعَفِينَ فِي آلِ

### 5- آثار مکر مستکبران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - سبأ - 34 - 33 - 3

3- مستضعفان در قیامت، تلاش مکارانه و شبانه روزی مستکبران را، مانع ایمانشان معرفی خواهند کرد.

لَوْلَا أَنْتُمْ لَكُنَّا مُؤْمِنِينَ . قَالَ الَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا... بَلْ كُنْتُمْ مَجْرِمِينَ . وَقَالَ الَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا

### 6- ابزار عذاب مستکبران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - فصلت - 41 - 16 - 3

3- باد های سرد و توفنده، از ابزار عذاب الهی در هلاکت جوامع مستکبر

فَأَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ رِيْحًا صَرْصَرًا



## 7- اتمام حجت به مستکبران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - فصلت - 41 - 16 - 8

8 - عذاب دنیایی جوامع مستکبر ، پس از اتمام حجت و در پی آشکار شدن حق ناپذیری و عناد آنان است .

إذ جاءتهم الرسل . . . و كانوا بآيتنا يجحدون . فأرسلنا عليهم ريحا

## 8- ادعاهای مستکبران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - جائیه - 45 - 32 - 4

4 - کافران مستکبر ، مدعی نامفهوم بودن قیامت برای ایشان

قلتم ما ندري ما الساعه

## 9- استمداد از مستکبران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 47 - 8

8 - استمداد بی ثمر مستضعفان از رهبران مستکبر خود در دوزخ ، برای کاستن بخشی از عذاب آنان ( آتش ) به پاس پیروی شان از آنها در دنیا

إِنَّا كُنَّا لَكُمْ تَبَعًا فُهِلْ أُنْتُمْ مَغْنُونٌ عَنَّا نَصِيْبًا مِنَ النَّارِ

## 10- اصحاب اعراف و مستکبران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 48 - 3, 2

2 - اصحاب اعراف در صحنه قیامت ، احزاب کفر پیشه و مستکبر را به وسیله علامتهایشان خواهند شناخت .

يعرفونهم بسيمهم

3 - اصحاب اعراف در صحنه قیامت ، احزاب کفرپیشه و مستکبر را مخاطب ساخته و از فاصله ای دور با آنان سخن می گویند .

و نادى اصحاب الاعراف رجالا

ص: 335



## 11- اضلال مستکبران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 9 - 4

4- مستکبران، دشمن سعادت و خوشبختی مردم و خواستار ضلالت و گمراهی آنان

و من الناس من یجدل .. لیضلّ عن سبیل اللّٰه

جمله «لیضلّ عن سبیل اللّٰه» به تقدیر «لیضلّ الناس عن سبیل اللّٰه» است؛ یعنی، جدال این گروه نادان و استکبارپیشه با توحید و یکتاپرستی و جلوگیری از گرایش مردم به آن، نه بدان جهت است که آنان خواستار سعادت مردم اند؛ بلکه بدان منظور است که مردم را از راه خدا - که راه خوشبختی است - بازدارند و آنان را به ضلالت و گمراهی سوق دهند.

## 12- اظهار عجز مستکبران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 48 - 2

2- اظهار ناتوانی کردن مستکبران در دوزخ، از برآوردن درخواست مستضعفان پیرو خود، مبنی بر کاستن از عذاب آنان

فهل أنتم مغنون عنّا نصیباً من النار . قال الذین استکبروا إنّنا کلّ فیها

این که مستکبران می گویند: «ما و شما گرفتار عذابیم»، در واقع پاسخ منفی آنان به درخواست مستضعفان و اظهار ناتوانی کردن است؛ زیرا کسی که خود در آتش می سوزد، نمی تواند نجات دهنده دیگران از آن باشد و گرنه خود را نجات می داد.

## 13- اعتراض به مستکبران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - سبأ - 34 - 31 - 16

16 - اعتراض مستضعفان به مستکبران در قیامت، به این که آنان مانع ایمانشان گردیدند .

یقول الذین استضعفوا للذین استکبروا لولا أنتم لکنّا مؤمنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - سبأ - 34 - 32 - 2

2 - مستکبران در قیامت ، اعتراض مستضعفان را در ایجاد گمراهی با قاطعیت تمام رد خواهند کرد .

يقول الذين استضعفوا للذين استكبروا لولا انتم لکنّا مؤمنين . قال الذين استكبروا ل

استفهام در «أنحن» انکاری است.

ص: 336

## 14- افشاگری علیه مستکبران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - سبأ - 34 - 33 - 2

2- افشاگری مستضعفان در قیامت علیه مستکبران ، درباره تلاش شبانه روزی آنان در ترویج کفر

وقال الذين استضعفوا .. بل مكر اليل و النهار إذ تأمرنا أن نكفر بالله

اضافه «مكر اليل» مفید معنای «فی» است و سیاق آیه، دلالت می کند که مضاف الیه «مکر» چیز محذوفی مثل «کم» است. بنابراین معنا چنین می شود: بلکه مکر شما در طول شب و روز درباره ما، این بود که به خدا کافر شویم.

## 15- اقرار اخروی مستکبران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 48 - 3,8

3- اعتراف مستکبران در دوزخ ، به تغییرناپذیر بودن حکم الهی درباره عذاب آنان و پیروانشان

قال الذين استكبروا .. إن الله قد حكم بين العباد

8- اعتراف مستکبران در دوزخ ، به بندگی خود و حاکمیت مطلق خداوند

إن الله قد حكم بين العباد

## 16- اقرار مستکبران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 48 - 1

1- اعتراف مستکبران به مشترک بودنشان با مستضعفان پیرو خود ، در کیفر و عذاب الهی

قال الذين استكبروا إنا كل فيها

## 17- اندوه مستکبران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6- شکستگی و حزن و اندوه بی پایان ، فرجام نهایی کافران و مستکبران

حتیٰ إذا فتحنا .. إذا هم فیہ مبلسون

ص: 337

## 18- بی پناهی مستکبران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 173 - 9،13

9- بی پناهی مستکبران رویگردان از بندگی خدا در برابر کیفر الهی در قیامت

اما الذین استتکفوا و استکبروا فیعذبهم عذاباً ألیماً و لایجدون لهم من دون الله و

13 - خداوند ، هرگز مستکبران رویگردان از عبادت را ، در قیامت یاری نخواهد کرد .

و لایجدون لهم من دون الله ولیاً و لانصیراً

## 19- بی تأثیری مکر مستکبران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 37 - 17

17 - توطئه و نیرنگ های مستکبران و قدرت های فرعونى ، شکست پذیر و خنثی شدنی است .

و ما کید فرعون إلا فی تباب

برداشت بالا با توجه به این نکته مهم تفسیری است که نقل داستان ها و ماجراهای تاریخی در قرآن، صرفاً برای بیان واقعیت تاریخی گذشته نیست. بلکه جریانی است مستمر برای تمامی اعصار و روزگاران.

## 20- بیش مستکبران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - سبأ - 34 - 32 - 3

3 - مستکبران ، در قیامت ، خود را مانع حق پذیری مستضعفان در دنیا نخواهند دانست .

قال الذین استکبروا للذین استضعفوا أنحن صددنکم عن الهدی بعد إذ جاءکم

## 21- پشیمانی اخروی مستکبران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مستکبران گمراهگر در قیامت، با دیدن عذاب الهی، از کار خود پشیمان شده و آن را پنهان خواهند کرد.

وقال الذین استضعفوا للذین استکبروا بل مکر الیل و النهار إذ تأمرونا أن نکفر با

برداشت یاد شده بنابراین اساس است که مرجع ضمیر فاعلی «أسروا»، «استکبروا» باشد.

17 - اظهار پشیمانی مستکبران و مستضعفان کافر در قیامت، با مشاهده عذاب

ص: 338

و أسروا الندامة لما رأوا العذاب

«أسرّ» از لغت هایی است که معنای متضاد دارد (مفردات راغب) و به معنای آشکار کردن و پنهان کردن است که آنان پشیمانی خود را اظهار خواهند کرد.

## 22- پیروی از مستکبران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - سبأ - 34 - 31 - 20

20 - دارندگان روحیه استکباری، جمعی از مردم را تضعیف کرده و تابع خود می کنند.

يقول الذين استضعفوا للذين استكبروا لولا أنتم لكنّا مؤمنين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 47 - 5,6

5 - اعتراف مستضعفان در آتش دوزخ، به پیروی کامل خویش از مستکبران در دنیا

فيقول الضعفوا للذين استكبروا إنا كنا لكم تبعًا

آمدن «تبعاً» (به صورت مصدر) مفید مبالغه است؛ یعنی، تابعیت محض و پیروی کامل.

6 - پیروی کورکورانه از مستکبران و منحرفان، موجب گرفتاری به آتش دوزخ است.

و إذ يتحاجون في النار فيقول الضعفوا للذين استكبروا إنا كنا لكم تبعًا

## 23- تأثیر ناپذیری مستکبران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - جاثیه - 45 - 8 - 8

8 - تأثیر مقطعی و ناپایدار آیات الهی بر روح مستکبران \*

تتلى عليه ثم يصبر مستكبرًا كأن لم يسمعها

بنابراین که واژه «ثم» دال بر تراخی زمانی باشد، می توان چنین برداشت کرد که آیات الهی، تأثیر گذرا و مقطعی در کافران دارد؛ اما در نهایت انگیزه های استکباری آنان، مانع از تأثیرگذاری آن آیات در وجود آنها می شود.

## 24- تَحْيَرِ مُسْتَكْبِرَانِ

جلد - نام سورہ - سورہ - آیہ - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 77 - 5

ص: 339



5 - سرگردانی و رسیدن به بن بست کامل ، فرجام نهایی کافران و مستکبران

حتی إذا فتحنا .. إذا هم فيه ملبسون

### 25- تهدید مستکبران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - لقمان - 31 - 7 - 11

11 - لهوگرایانِ مستکبرِ حق ناپذیر ، مورد تهدید خداوند به عذابی بس دردناک اند .

و من الناس من یشتری لهو الحدیث .. ولی مستکبراً... فبشره بعذاب الیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - جائیه - 45 - 8 - 4

4 - تهدید مستکبران کفرپیشه از سوی خداوند ، به عذابی سخت و بدفرجام

فبشره بعذاب الیم

### 26- حتمیت عذاب مستکبران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صافات - 37 - 38 - 1

1 - چشیدن عذاب دردناک ، وعده حتمی خداوند به کافران و مشرکان مستکبر

إذا قیل لهم لا إله إلا الله یشکرون .. إنکم لذائقوا العذاب الیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 48 - 3

3 - اعتراف مستکبران در دوزخ ، به تغییرناپذیر بودن حکم الهی درباره عذاب آنان و پیروانشان

قال الذین استکبروا .. إن الله قد حکم بین العباد

### 27- حشر مستکبران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 172 - 10

10 - تهدید مستکبران و امتناع کنندگان از بندگی خداوند به احضار در پیشگاه خداوند برای حسابرسی و مجازات

ص: 340

و من يستتكف عن عبادته و يستكبر فسيحشرهم إليه جميعاً  
جمله «فسيحشرهم» کنایه از حسابرسی و مجازات مستکبران است.

### **28- حق ستیزی مستکبران**

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 63 - 10

10 - اتهام ، و نیز ادعای برتری در آیین و روش زندگی ، شیوه مستکبران در برخورد با حق و آیین پیامبران

إن هذن لسحرن .. بطریقتکم المثلی

### **29- حق طلبان و مستکبران**

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 89 - 6

6 - اجابت دعا و خواسته های حق طلبان از سوی خدا و تحقق بخشیدن پیروزی آنان بر مستکبران ، مقتضی استقامت و پایداری آنان در میدان مبارزه است .

قال قد أجیبت دعوتكما فاستقيما

### **30- حق ناپذیری مستکبران**

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 50 - 10

10 - انسان های مستکبر و حق ستیز ، تأثیرناپذیر از آیات اعجازی و کیفری

فلما جاءهم بآیتنا إذا هم منها یضحکون . و ما نریهم من آیه ... و أخذنهم بالعذ

### **31- خواسته های مستکبران**

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 9 - 4

4 - مستکبران ، دشمن سعادت و خوشبختی مردم و خواستار ضلالت و گمراهی آنان

و من الناس من یجدل . . لیضلّ عن سبیل اللّٰه

جمله «لیضلّ عن سبیل اللّٰه» به تقدیر «لیضلّ الناس عن سبیل اللّٰه» است؛ یعنی، جدال این گروه نادان و استکبارپیشه با توحید

ص: 341

و یکتاپرستی و جلوگیری از گرایش مردم به آن، نه بدان جهت است که آنان خواستار سعادت مردم اند؛ بلکه بدان منظور است که مردم را از راه خدا - که راه خوشبختی است - بازدارند و آنان را به ضلالت و گمراهی سوق دهند.

### 32- دشمنی مستکبران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 9 - 4

4- مستکبران، دشمن سعادت و خوشبختی مردم و خواستار ضلالت و گمراهی آنان

و من الناس من یجذل... لیضلل عن سبیل الله

جمله «لیضلل عن سبیل الله» به تقدیر «لیضلل الناس عن سبیل الله» است؛ یعنی، جدال این گروه نادان و استکبارپیشه با توحید و یکتاپرستی و جلوگیری از گرایش مردم به آن، نه بدان جهت است که آنان خواستار سعادت مردم اند؛ بلکه بدان منظور است که مردم را از راه خدا - که راه خوشبختی است - بازدارند و آنان را به ضلالت و گمراهی سوق دهند.

### 33- ذکر فرجام مستکبران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 47 - 2

2- پدید آمدن اختلاف میان مستضعفان و مستکبران، در آتش دوزخ و احتجاج و دلیل آوردن هر یک از آنان، حادثه ای شایسته یاد و یادآوری

و إذ یتحاجون فی النار فیقول الضعفوا للذین استکبروا

«إذ» متعلق به فعل محذوف (أذکر) می باشد.

### 34- ذلت اخروی مستکبران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - واقعه - 56 - 3 - 2

2- کافران و مستکبران، مردمی زیون و دون پایه و مؤمنان و مستضعفان انسان هایی شریف و صاحب منزلت در روز رستاخیز

إذا وقعت الواقعة... خافضه رافعه

## 35- ذلت مستكبران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 342

13 - ذلت و خواری ، سرنوشت نهایی مستکبران

فاستکبروا .. لنذيقهم عذاب الخزي في الحيوه الدنيا و لعذاب الآخره أخزي

### 36- روش برخورد مستکبران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 63 - 10

10 - اتهام ، و نیز ادعای برتری در آیین و روش زندگی ، شیوه مستکبران در برخورد با حق و آیین پیامبران

إن هذن لسحرن .. بطريقتكم المثلى

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 54 - 3

3 - حقیر و ناچیز جلوه دادن قدرت و توانایی های جبهه مخالف و حق طلب ، از ترفند های قدرت های استکباری و نظام های فرعونى

إن هؤلاء لشرذمه قليلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 56 - 4

4 - قدرت نمایی و بزرگ جلوه دادن توانایی های خود در برابر جبهه مخالف ، از ترفند های قدرت های استکباری و نظام های فرعونى است .

وإننا لجميع حذرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - جاثیه - 45 - 35 - 1

1 - استهزای آیات الهی ، شیوه کافران مستکبر و دنیا محور

فاستکبرتم .. اتخذتم آیت الله هزوا

از این که به جای «استهزاتم» و یا تعابیر مشابه دیگر، گفته شده «اتَّخَذْتُمْ آيَاتِ اللَّهِ هُزُوًا»، می توان به مطلب بالا راه برد.

### **37- زمینه بهانه جویی مستکبران**

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - احقاف - 46 - 11 - 3

ص: 343



3- گرایش محرومان به قرآن ، بهانه مستکبران برای تردید در حقانیت آن

وقال الذين كفروا .. لو كان خيراً ما سبقونا إليه

تعبیر «لو كان خيراً..»، بیان دلیل است و از محتوای آیه استفاده می شود که کافران، از طایفه اشراف مستکبر و مؤمنان از طبقه محروم بودند. بدین جهت مستکبران، ابراز می داشتند اگر قرآن خیری در برداشت، تهی دستان بی هویت بدان روی نمی آوردند.

### 38- زمینه سوء استفاده مستکبران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 38 - 7

7- آرمان ها و خواسته های انسان ها ، در معرض سوء استفاده مستکبران و صاحبان زر و زور

قال فرعون .. و ما اهدیکم الا سبیل الرشاد ... وقال الذی ءامن یقوم اتبعون اهد

شعار فرعون به نشان دادن راه درست زندگی - در مقابل شعار موسی(ع) و مؤمن آل فرعون - بیانگر حقیقت یاد شده است.

### 39- سرزنشهای مستکبران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 49 - 7

7- زندگانی مؤمنان نیک کردار در دنیا ، همراه با ایجاد ناامنی از سوی مستکبران و اندوهبار از سرزنش آنان \*

أهؤلاء الذین أقسمتم لاینالهم اللّٰه برحمه ادخلوا الجنة لا خوف علیکم

مطرح ساختن تحقیر مؤمنان از سوی کافران و سپس بیان دو موهبت از میان تمامی مواهب بهشتی اشاره به این دارد که اولاً زندگانی مؤمنان در دنیا آمیخته به ناامنی و حزن است و ثانیاً این حزن عمدتاً از سوی کافران مستکبر ایجاد می شده است.

### 40- سطحی نگری مستکبران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 81 - 3

3- سطحی نگری و عدم به کارگیری عقل و اندیشه ، وجه مشترک همه کافران و مستکبران تاریخ

بل قالوا مثل ما قال الأولون

## 41- شرایط پیروزی بر مستکبران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 344

6 - اجابت دعا و خواسته های حق طلبان از سوی خدا و تحقق بخشیدن پیروزی آنان بر مستکبران ، مقتضی استقامت و پایداری آنان در میدان مبارزه است .

قال قد أجيبت دعوتكما فاستقيما

#### 42- شك مستكبران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - احقاف - 46 - 11 - 3

3- گرایش محرومان به قرآن ، بهانه مستکبران برای تردید در حقانیت آن

وقال الذين كفروا .. لو كان خيراً ما سبقونا إليه

تعبیر «لو كان خيراً..»، بیان دلیل است و از محتوای آیه استفاده می شود که کافران، از طایفه اشراف مستکبر و مؤمنان از طبقه محروم بودند. بدین جهت مستکبران، ابراز می داشتند اگر قرآن خیری در برداشت، تهی دستان بی هویت بدان روی نمی آوردند.

#### 43- شكست توطئه مستكبران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 37 - 17

17 - توطئه و نیرنگ های مستکبران و قدرت های فرعونى ، شكست پذیر و خنى شدى است .

و ما كيد فرعون إلا في تباب

برداشت بالا با توجه به این نکته مهم تفسیری است که نقل داستان ها و ماجراهای تاریخی در قرآن، صرفاً برای بیان واقعیت تاریخی گذشته نیست. بلکه جریانی است مستمر برای تمامی اعصار و روزگاران.

#### 44- صفات مستكبران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 77 - 1

1 - دل بستگی کافران و مستکبران به اسباب و عوامل ظاهری تا قبل از رویه رو شدن با عذاب دوزخ

حَتَّى إِذَا فَتَحْنَا عَلَيْهِمْ... إِذَا هُمْ فِيهِ مَبْلُوسُونَ

«حَتَّى» غایت برای «مَا يَتَضَرَّعُونَ» و «فَتَح» (مصدر «فَتَحْنَا») به معنای گشودن است. «إِبْلَاس» (مصدر «مَبْلُوسُونَ») نیز برای چند معنای نزدیک به هم و متلازم - مانند: انکسار، حزن، تحیر، یأس و سکوت همراه با اندوه - به کار رفته است؛ یعنی، ... و به درگاه خدا زاری نمی کنند تا وقتی که دری از عذاب سخت (بسیار دردناک) بر [روی] آنان بگشاییم. به ناگاه ایشان در آن [حال، از

ص: 345

هر سبب نجات بخشی [نومید خواهند شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - جائیه - 45 - 8 - 8

8 - تأثیر مقطعی و ناپایدار آیات الهی بر روح مستکبران \*

تتلی علیه ثم یصبر مستکبراً کأن لم یسمعها

بنابراین که واژه «ثم» دال بر تراخی زمانی باشد، می توان چنین برداشت کرد که آیات الهی، تأثیر گذرا و مقطعی در کافران دارد؛ اما در نهایت انگیزه های استکباری آنان، مانع از تأثیرگذاری آن آیات در وجود آنها می شود.

### 45- ظلم مستکبران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - سبأ - 34 - 31 - 19

19 - مستضعفان و مستکبران کافر، هر دو ظالم اند .

و لو ترى إذ الظلمون موقوفون عند ربهم . . . يقول الذین استضعفوا للذین استکبروا

خداوند، پس از آن که مشرکان را مردمانی ظالم معرفی کرد به بیان تقضیلی مشاجره آنان پرداخت. این نشان می دهد که مشرکان ظالم به دو گروه مستضعف و مستکبر تقسیم می شوند.

### 46- عذاب اخروی مستکبران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - سبأ - 34 - 33 - 19

19 - مستکبران و مستضعفان کافر، در قیامت، در غل ها گرفتار خواهند بود .

وقال الذین استضعفوا للذین استکبروا. . . تأمرونا أن نکفر بالله و نجعل له أنداداً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صفات - 37 - 39 - 1

1 - عذاب دردناک مشرکان و کافران مستکبر در دوزخ، تجسم اعمال خود آنان و متناسب با رفتار ایشان است .

لذائقوا العذاب الأليم . و ما تجزون إلا ما كنتم تعملون

آیه شریفه، در واقع پاسخ سؤالی است که از آیه قبل برمی آید و آن این که: چرا عذاب مشرکان مستکبر، عذابی دردناک است و آیا این عذاب عادلانه است؟

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 346

7- اشتراک مستضعفان پیرو و رهبران مستکبر آنان ، در عذاب شدن با آتش دوزخ

إِنَّا كُلٌّ فِيهَا إِنَّ اللَّهَ قَدِ حَكَمَ بَيْنَ الْعِبَادِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - فصلت - 41 - 16 - 16

16 - مستکبران و منکران آیات الهی ، به عذاب های سخت اخروی گرفتار خواهند شد .

فاستكبروا فى الأرض ... و كانوا بأيتنا يجحدون... و لعذاب الأخره أخزى

### 47- عذاب دنیوی مستکبران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - فصلت - 41 - 16 - 8

8- عذاب دنیایی جوامع مستکبر ، پس از اتمام حجت و در پی آشکار شدن حق ناپذیری و عناد آنان است .

إِذْ جَاءَتْهُمْ الرِّسَالُ... و كانوا بأيتنا يجحدون . فأرسلنا عليهم ريحًا

### 48- عوامل تقلید از مستکبران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9- ابراهیم - 14 - 21 - 11

11- ضعف و ناتوانی ، علت پیروی کورکورانه از مستکبران

فقال الضعفوا للذين استكبروا إِنَّا كُنَّا لَكُمْ تَبَعًا

### 49- فرجام شوم مستکبران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - جائیه - 45 - 8 - 4

4- تهدید مستکبران کفرپیشه از سوی خداوند ، به عذابی سخت و بدفرجام

فبشره بعذاب أليم

ص: 347



## 50- فرجام مستکبران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - اعراف - 7 - 40 - 7

7 - ورود تکذیب کنندگان و مستکبران به بهشت، مخالف سنتهای خداوند در نظام آفرینش

و لا یدخلون الجنة حتی یلج الجمل فی سم الخیاط

ورود شتر به روزنه سوزن گرچه عقلا- محال نیست، ولی بر خلاف نظام جاری در طبیعت است. بنابراین به کارگیری ضرب المثل مذکور می تواند بیانگر این باشد که ورود تکذیب کنندگان به بهشت اگر چه امتناع عقلی ندارد، ولی با سنن الهی ناسازگار است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 77 - 5,6

5 - سرگردانی و رسیدن به بن بست کامل ، فرجام نهایی کافران و مستکبران

حتی إذا فتحنا .. إذا هم فیہ مبلسون

6 - شکستگی و حزن و اندوه بی پایان ، فرجام نهایی کافران و مستکبران

حتی إذا فتحنا .. إذا هم فیہ مبلسون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - فصلت - 41 - 16 - 13

13 - ذلت و خواری ، سرنوشت نهایی مستکبران

فاستکبروا .. لنذیقهم عذاب الخزی فی الحیوه الدنیا و لعذاب الآخره أخی

## 51- قدرت نمایی مستکبران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 56 - 4

4 - قدرت نمایی و بزرگ جلوه دادن توانایی های خود در برابر جبهه مخالف ، از ترفند های قدرت های استکباری و نظام های فرعونی است .

وإنا لجميع حذرون

## 52- کفر مستکبران قوم ثمود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 76 - 2

2 - مستکبران قوم ثمود، در پاسخ مستضعفان، مخالف صریح خویش را با رسالت صالح و کفرشان را به پیام های او ابراز داشتند.

ص: 348

قال الذين استكبروا إنا بالذی ءامنتم به كفرون

### 53- کيفر اخروی مستکبران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - سبأ - 34 - 33 - 24

24 - کيفر مستکبران و مستضعفان کافر در قیامت ، متناسب با کردار بد آنان است .

وقال الذين استضعفوا للذين استكبروا .. و جعلنا الأغلل فی أعناق الذين كفروا هل

### 54- کيفر مستکبران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 172 - 10

10 - تهدید مستکبران و امتناع کنندگان از بندگی خداوند به احضار در پیشگاه خداوند برای حسابرسی و مجازات

و من يستتکف عن عبادته و يستکبر فسیحشرهم إلیه جميعاً

جمله «فسیحشرهم» کنایه از حسابرسی و مجازات مستکبران است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 173 - 9،16

9 - بی پناهی مستکبران رویگردان از بندگی خدا در برابر کيفر الهی در قیامت

اما الذين استتکفوا و استکبروا فیعذبهم عذاباً أليماً و لایجدون لهم من دون الله و

16 - کيفر مستکبران بیش از استحقاق آنان نخواهد بود .

فاما الذين ءامنوا .. و اما الذين استتکفوا و استکبروا فیعذبهم عذاباً أليماً

خداوند در پاداش مؤمنان جمله «و یزیدهم من فضله» را آورد ولی در کيفر مستکبران چیزی بر آنچه استحقاق دارند (عذاب الیم) نیفزود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 70 - 2،1

1- گردن فرازان و عصیان گران در برابر خداوند رحمان ، سزاوار سوختن در آتش دوزخ اند .

حول جهنم .. ثم لنحن أعلم ... بها صلياً

«صلياً» (از صَ لِي يَصْلِي) تمیز برای «أولی» و به معنای سوختن و چشیدن حرارت آتش است (لسان العرب). بنابراین مفاد عبارت «أعلم... صلياً» این است که: ما بهتر می دانیم چه کسی برای جهنم سزاوارتر است، از نظر چشیدن آتش و بریان شدن در آن. «ألویت» برای برخی نشانه آن است که بقیه نیز استحقاق دارند؛ گرچه ممکن است اولویت نداشته باشند.

ص: 349

2- تفاوت مراتب مستکبران و عصیان گران در استحقاق آتش دوزخ

علی الرحمن عتياً . ثم لنحن أعلم بالذین هم أولى بها صلیاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 48 - 1

1 - اعتراف مستکبران به مشترک بودنشان با مستضعفان پیرو خود ، در کیفر و عذاب الهی

قال الذین استکبروا إنا کلّ فیها

### 55- گمراهگری مستکبران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - سبأ - 34 - 31 - 17

17 - مستکبران ، عاملی برای انحراف مردم از دین الهی و مانع ایمان آنان ، از دیدگاه مستضعفان

یقول الذین استضعفوا للذین استکبروا لولا أنتم لکنّا مؤمنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - سبأ - 34 - 33 - 1

1 - مستضعفان در قیامت ، بی گناه دانستن مستکبران را در گمراه کردن دیگران ، مردود شمرده و آنان را عامل اصلی آن معرفی خواهند کرد .

بل کنتم مجرمین . وقال الذین استضعفوا للذین استکبروا بل مکر الیل و النهار إذ تأ

### 56- مبارزه مستکبران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 24 - 12

12 - محتوای پیام وحی ، محور اصلی درگیری مستکبران تاریخ در برابر پیامبران

قال مترفوها .. قالوا إنا بما أرسلتم به کفرون

از این که مترفان در پاسخ دعوت انبیا، مخالفت خویش را با پیام آنان ابراز کردند، برداشت یاد شده استفاده می شود.

## **57- محرومیت مستکبران**

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 350

14 - مستکبران رویگردان از عبادت خدا، محروم از شفاعت شافعان

و لا یجدون لهم من دون الله ولیاً و لانصیراً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - اعراف - 7 - 40 - 5,6

5 - تکذیب کنندگان آیات الهی و مستکبران، محروم از ورود به بهشت

إن الذین کذبوا بآیتنا و استکبروا عنها . . . لا یدخلون الجنة

6 - ورود تکذیب کنندگان آیات الهی و مستکبران به بهشت، امری ناممکن، همچون عبور شتر از روزنه سوزن

و لا یدخلون الجنة حتی یلج الجمل فی سم الخیاط

«جمل» به معنای شتر است و «سم» به معنای روزنه ای است که در انتهای سوزن برای عبور نخ تعبیه شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 23 - 5

5 - مستکبران، از محبت خداوند محرومند .

إنه لا یحبّ المستکبرین

### 58- مراتب مستکبران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 70 - 2,5

2- تفاوت مراتب مستکبران و عصیان گران در استحقاق آتش دوزخ

علی الرحمن عتیباً . ثمّ لنحن أعلم بالذین هم أولى بها صلیّاً

5- خداوند از هرکسی، به مرتبه و میزان استحقاق دوزخ برای هر یک از مستکبران و عصیان گران دانایتر است .

ثمّ لنحن أعلم بالذین هم أولى بها صلیّاً

## 59- مستکبران در جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 70 - 1

1- گردن فرازان و عصیان گران در برابر خداوند رحمان ، سزاوار سوختن در آتش دوزخ اند .

حول جهنم . . . ثم لنحن أعلم ... بها صلياً

«صلياً» (از صَلِيَ يَصْلِي) تمیز برای «أولى» و به معنای سوختن و چشیدن حرارت آتش است (لسان العرب). بنابراین مفاد عبارت

ص: 351



«أعلم... صلياً» این است که: ما بهتر می دانیم چه کسی برای جهنم سزاوارتر است، از نظر چشیدن آتش و بریان شدن در آن. «اولویت» برای برخی نشانه آن است که بقیه نیز استحقاق دارند؛ گرچه ممکن است اولویت نداشته باشند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 47 - 1

1 - وجود اختلاف میان مستضعفان و مستکبران ، در آتش دوزخ و اقدام آنان به احتجاج و دلیل آوردن

و إذ يتحاجون في النار فيقول الضعفاء للذين استكبروا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 48 - 2

2 - اظهار ناتوانی کردن مستکبران در دوزخ ، از برآوردن درخواست مستضعفان پیرو خود ، مبنی بر کاستن از عذاب آنان

فهل أنتم مغنون عتاً نصيباً من النار . قال الذين استكبروا إنا كلّ فيها

این که مستکبران می گویند: «ما و شما گرفتار عذابیم»، در واقع پاسخ منفی آنان به درخواست مستضعفان و اظهار ناتوانی کردن است؛ زیرا کسی که خود در آتش می سوزد، نمی تواند نجات دهنده دیگران از آن باشد و گرنه خود را نجات می داد.

### 60- مستکبران در حکومت فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 47 - 4

4 - وجود دو قشر ضعیف و توانمند ، در جامعه فرعون و حاکمیت نظام طبقاتی بر آن جامعه

و إذ يتحاجون في النار فيقول الضعفاء للذين استكبروا

### 61- مستکبران در عالم برزخ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 93 - 25

25 - ظالمان و مستکبران در برزخ به عذاب گرفتار خواهند بود.

و لو تری إذ الظلمون ... اليوم تجزون عذاب الهون بما كنتم ... عن آيته تستكبرون

ظاهراً مراد از «الیوم» زمان پس از مرگ و قبل از قیامت است که برزخ نام دارد.

ص: 352

## 62- مستکبران در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 172 - 9

9 - حضور تمامی انسان ها - مستکبران و عبادت کنندگان - به پیشگاه خداوند در قیامت

لن يستكف المسيح ان يكون عبداً لله .. و يستكبر فسيحشرهم إليه جميعاً

کلمه «اما» در آیه بعد تفصیل و توضیح «فسيحشرهم ..» می باشد. بنابراین ضمیر «هم» شامل هر دو گروه عبادت کنندگان و کسانی که از عبادت خدا استتکاف دارند می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 173 - 12، 13

12 - تنها خداوند، توانا بر نصرت مستکبران در قیامت

و لا يجدون لهم من دون الله ولياً ولا نصيراً

به قرینه فراز قبل «فيعذبهم عذاباً أليماً» مراد از اینکه مستکبران تنها خداوند را یاور خویش می یابند، این است که تنها وی توانا بر یآوری آنهاست، نه اینکه خداوند ایشان را یاری خواهد کرد.

13 - خداوند، هرگز مستکبران رویگردان از عبادت را، در قیامت یاری نخواهد کرد.

و لا يجدون لهم من دون الله ولياً ولا نصيراً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - ابراهیم - 14 - 21 - 18

18 - مستکبران، در قیامت، گمراهی خود را جبری و معلول خواست خداوند معرفی می کنند.

قالوا لو هدینا الله لهدینکم

«لو» حرف شرط امتناعی است و مقدم قضیه را ممتنع می کند. بنابراین مفهوم عبارت چنین می شود اگر خداوند ما را هدایت می کرد و محال است که چنین بکند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2- از بین هر گروه و مسلک در قیامت ، تجاوزکارترین و مستکبرترین افراد بیرون کشیده خواهند شد .

ثُمَّ لَنُنزِعَنَّ ... عَلَى الرَّحْمَنِ عِتِيًّا

«عتیاً» مصدر و به معنای استکبار و تجاوز از حد است (لسان العرب). «عُتُوًّا» نیز به معنای دور شدن از طاعت می باشد (مفردات راغب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - سبأ - 34 - 31 - 16

16 - اعتراض مستضعفان به مستکبران در قیامت ، به این که آنان مانع ایمانشان گردیدند .

يَقُولُ الَّذِينَ اسْتَضَعَفُوا لِلَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا لَوْلَا أَنْتُمْ لَكُنَّا مُؤْمِنِينَ

ص: 353

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - سبأ - 34 - 32 - 1,2,3

1 - مستکبران در قیامت ، در رد نظر مستضعفان ، خود آنان را مردمانی مجرم معرفی خواهند کرد .

وقال الذين استكبروا للذين استضعفوا نحن صددناكم عن الهدى . . . بل كنتم مجرمين

2 - مستکبران در قیامت ، اعتراض مستضعفان را در ایجاد گمراهی با قاطعیت تمام رد خواهند کرد .

يقول الذين استضعفوا للذين استكبروا لولا اُنتم لکنّا مؤمنين . قال الذين استكبروا ل

استفهام در «أنحن» انکاری است.

3 - مستکبران ، در قیامت ، خود را مانع حق پذیری مستضعفان در دنیا نخواهند دانست .

قال الذين استكبروا للذين استضعفوا نحن صددناكم عن الهدى بعد إذ جاءكم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - جائیه - 45 - 10 - 4

4 - امکانات مادی کافران مستکبر ، فاقد کمترین کارایی و گره گشایی برای ایشان در روز جزا

و لا یغنی عنهم ما کسبوا شیءاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - واقعه - 56 - 3 - 2

2 - کافران و مستکبران ، مردمی زبون و دون پایه و مؤمنان و مستضعفان انسان هایی شریف و صاحب منزلت در روز رستاخیز

إذا وقعت الواقعة . . . خافضه رافعه

### 63 - مستکبران عصیانگر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 173 - 14,13,9

9 - بی پناهی مستکبران رویگردان از بندگی خدا در برابر کیفر الهی در قیامت

اما الذين استنكفوا و استكبروا فيعذبهم عذاباً أليماً و لا يجدون لهم من دون الله و

13 - خداوند ، هرگز مستکبران رویگردان از عبادت را ، در قیامت یاری نخواهد کرد .

و لا يجدون لهم من دون الله ولياً و لانصيراً

14 - مستکبران رویگردان از عبادت خدا ، محروم از شفاعت شافعان

و لا يجدون لهم من دون الله ولياً و لانصيراً

ص: 354

## 64- مستکبران قوم ثمود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 75 - 9

9- مستضعفان مؤمن قوم ثمود، در پاسخ مستکبران، کفر خویش به معبودان دروغین را اعلان کردند.

قالوا إنا بما أرسل به مؤمنون

حصر اضافی که از تقدیم «بما ارسل» بر «مؤمنون» به دست می آید، بیانگر این است که مستضعفان، علاوه بر اعلان ایمان به صالح و رسالت‌های وی، بیزاری خویش را از معبودان دروغین نیز بیان داشتند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 76 - 1,4

1 - مجادله کفرپیشگان مستکبر قوم ثمود با مستضعفان مؤمن به صالح

استضعفوا لمن .. مؤمنون. قال الذین استکبروا إنا بالذی ءامنتم به کفرون

4- ایمان مستضعفان قوم ثمود بهانه ای برای کفرورزی و استکبار اشراف کفرپیشه آن قوم

قال الذین استکبروا إنا بالذی ءامنتم به کفرون

مجادله کافران با مستضعفان اقتضا می کرد که کفرپیشگان در پاسخ مؤمنان بگویند: «إنا به کفرون» و یا «إنا بما أرسل به کفرون»، ولی در پاسخ گفتند ما به آنچه شماها بدان ایمان آورده اید کافر هستیم. و این تعبیر نشان می دهد که از ریشه های استکبار آنان در برابر حق، ایمان مستضعفان بوده است. تقدیم «بالذی» بر «کفرون»، که افاده حصر می کند، این معنا را تأیید می کند.

## 65- مستکبران و قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - جائیه - 45 - 32 - 4

4- کافران مستکبر، مدعی نامفهوم بودن قیامت برای ایشان

قلتم ما ندری ما الساعه

## 66- مستکبران و کافران

7 - زندگانی مؤمنان نیک کردار در دنیا ، همراه با ایجاد ناامنی از سوی مستکبران و اندوهدار از سرزنش آنان \*

أهؤلاء الذين أقسمتم لا ينالهم الله برحمه ادخلوا الجنة لا خوف عليكم

مطرح ساختن تحقیر مؤمنان از سوی کافران و سپس بیان دو موهبت از میان تمامی مواهب بهشتی اشاره به این دارد که اولاً



زندگانی مؤمنان در دنیا آمیخته به ناامنی و حزن است و ثانیاً این حزن عمدتاً از سوی کافران مستکبر ایجاد می شده است.

### 67- مستکبران هنگام عذاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - سبأ - 34 - 33 - 17، 12

12 - مستکبران گمراهگر در قیامت، با دیدن عذاب الهی، از کار خود پشیمان شده و آن را پنهان خواهند کرد.

وقال الذين استضعفوا للذين استكبروا بل مكر الیل والنهار إذ تأمرونا أن نكفر با

برداشت یاد شده بنابراین اساس است که مرجع ضمیر فاعلی «أسروا»، «استکبروا» باشد.

17 - اظهار پشیمانی مستکبران و مستضعفان کافر در قیامت، با مشاهده عذاب

وأسروا الندامه لما رأوا العذاب

«أسر» از لغت هایی است که معنای متضاد دارد (مفردات راغب) و به معنای آشکار کردن و پنهان کردن است که آنان پشیمانی خود را اظهار خواهند کرد.

### 68- مسؤول گمراهی مستکبران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - ابراهیم - 14 - 21 - 18

18- مستکبران، در قیامت، گمراهی خود را جبری و معلول خواست خداوند معرفی می کنند.

قالوا لو هدینا الله لهدینکم

«لو» حرف شرط امتناعی است و مقدم قضیه را ممتنع می کند. بنابراین مفهوم عبارت چنین می شود اگر خداوند ما را هدایت می کرد و محال است که چنین بکنند.

### 69- منشأ هلاکت مستکبران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 59 - 3

3 - قدرت خدا بر حاکمیت بخشیدن به مستضعفان زمین و به اضمحلال کشاندن مستکبران

فأخرجهم من . . . وأورثها بني إسرائيل

ص: 356

## 70- مؤاخذة اخروی مستکبران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - سبأ - 34 - 31 - 18

18 - مستضعفان تابع نیز ، در صورت انتخاب عقیده کفرآلود ، همچون مستکبران مؤاخذة خواهند شد .

و لو ترى إذ الظلمون موقوفون عند ربهم . . . يقول الذين استضعفوا للذين استكبروا

## 71- نشانه های اخروی مستکبران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 48 - 1,2

1 - احزاب کفرپیشه و مستکبر دارای علامت و نشانهایی مخصوص به خود در قیامت

و نادى اصحاب الاعراف رجالا يعرفونهم بسيمهم

2 - اصحاب اعراف در صحنه قیامت ، احزاب کفرپیشه و مستکبر را به وسیله علامتهایشان خواهند شناخت .

يعرفونهم بسيمهم

## 72- نفوذ در حکومت مستکبران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 25 - 2

2 - نفوذ و راه یافتن به مراکز قدرت و حکومت های استکباری ، به منظور رساندن پیام الهی به آنان و دفاع کردن از حق ، کاری روا و پسندیده است .

و لقد أرسلنا موسى . . . إلى فرعون وهم من قرون . . . فلما جاءهم بالحق من عندنا

## 73- نفی رهبری مستکبران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 39 - 3

3 - عناصر مستكبر و سرکش ، فاقد صلاحیت رهبری بر مردم اند .

و استكبر هو و جنوده فی الأرض بغير الحقّ

ص: 357

## 74- نقش مستکبران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - سبأ - 34 - 31 - 16

16 - اعتراض مستضعفان به مستکبران در قیامت ، به این که آنان مانع ایمانشان گردیدند .

يقول الذين استضعفوا للذين استكبروا لولا انتم لكتنا مؤمنين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - سبأ - 34 - 32 - 5

5 - وجود گروهی مستکبر در جوامع بشری که گروه دیگر را به استضعاف می کشانند .

قال الذين استكبروا للذين استضعفوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - سبأ - 34 - 33 - 3,4,5,6

3 - مستضعفان در قیامت ، تلاش مگاران و شبانه روزی مستکبران را ، مانع ایمانشان معرفی خواهند کرد .

لولا انتم لكتنا مؤمنين . قال الذين استكبروا ... بل كنتم مجرمين . وقال الذين استضعفوا

4 - وجود گروهی مستکبر در جوامع بشری که گروه دیگر را به استضعاف در می آورند .

وقال الذين استضعفوا للذين استكبروا

5 - مستضعفان در قیامت ، مستکبران را عامل اصلی شریک گرفتن برای خدا معرفی خواهند کرد .

وقال الذين استضعفوا للذين استكبروا .. تأمرونا أن نكفر بالله و نجعل له أنداد

6 - مستضعفان در قیامت ، انتخاب کفر و بی دینی را تحمیلی از سوی مستکبران معرفی خواهند کرد .

إذ تأمرونا أن نكفر بالله و نجعل له أنداداً

کاربرد فعل «تأمرونا» (از ماده «أمر») و به معنای فرمان و دستور) دلالت می کند که مستکبران به صورت دستور آمرانه، مستضعفان را وادار به پذیرش عقیده ای می کرده اند.

## 75- نگرانی اخروی مستکبران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - سبأ - 34 - 33 - 13

13 - مستکبران گمراهگر در قیامت، نگران فضاحت و بی حیثیتی خود هستند .

وقال الذين استضعفوا .. وأسروا الندامة لما رأوا العذاب

احتمال دارد پنهان کردن پشیمانی، به خاطر احساس فضاحتی باشد که در قیامت برای مستکبران رخ می دهد؛ یعنی، کار خطایی را که اکنون از آن پشیمان شده اند، رونمی کنند تا کسی از آنان عیب جویی نکند.

ص: 358

## 76- هتک آبروی مستکبران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - سبأ - 34 - 33 - 13

13 - مستکبران گمراهگر در قیامت، نگران فضاحت و بی حیثیتی خود هستند.

وقال الذين استضعفوا... وأسروا الندامة لما رأوا العذاب

احتمال دارد پنهان کردن پشیمانی، به خاطر احساس فضاحتی باشد که در قیامت برای مستکبران رخ می دهد؛ یعنی، کار خطایی را که اکنون از آن پشیمان شده اند، رونمی کنند تا کسی از آنان عیب جویی نکند.

## 77- هشدار به مستکبران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 172 - 10

10 - تهدید مستکبران و امتناع کنندگان از بندگی خداوند به احضار در پیشگاه خداوند برای حسابرسی و مجازات

و من يستنكف عن عبادة و يستكبر فسيحشرهم إليه جميعاً

جمله «فسيحشرهم» کنایه از حسابرسی و مجازات مستکبران است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - دخان - 44 - 29 - 3

3- مرگ خفت بار فرعونیان، هشدار به مستکبران و خود بزرگ بینان تاریخ

فما بكت عليهم السماء و الأرض

## 78- هشدار به مستکبران مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 56 - 2

2- بیان فرجام فرعونیان، هشدار به مستکبران و اشراف مشرک مکه

فجعلنهم سلفاً و مثلاً للآخرين

## 79- هلاکت مستکبران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 137 - 8

ص: 359



8 - مژده هلاکت مستکبران و حاکمیت یافتن مستضعفان ، از سخنان زیبای خداوند برای بشریت .

و أورثنا القوم . . . و تمت کلمت ربک الحسنی

### 80- هماهنگی مستکبران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 81 - 3

3 - سطحی نگری و عدم به کارگیری عقل و اندیشه ، وجه مشترک همه کافران و مستکبران تاریخ

بل قالوا مثل ما قال الأولون

ص: 360

## 1- آبادانی مسجد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 18 - 11

11 - از ابوسعید خدری روایت شده که رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرمود: « إذا رأيتم الرجل يعتاد المسجد فاشهدوا له بالایمان قال الله: إنما يعمر مسجد الله من آمن بالله و اليوم الآخر; »

هرگاه مردی را دیدید که به مسجد عادت دارد، به ایمان او شهادت بدهید؛ زیرا خداوند فرمود: همانا مساجد خدا را کسانی آباد می کنند که ایمان به خدا و روز واپسین دارند».

## 2- آثار تخریب مسجد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 114 - 21

21 - تخریب مساجد به انگیزه یاد نکردن خدا در آنها، گناهی بزرگ و در پی دارنده خواری در دنیا و عذابی بزرگ در قیامت است .

وسعی فی خرابها... لهم فی الدنيا خزی و لهم فی الآخرة عذاب عظیم

از اینکه بازدارندگان مردم از ورود به مساجد و تخریب کنندگان آن ها، ظالمترین مردم شمرده شده اند و نیز به عذاب عظیم قیامت تهدید شده اند، بزرگی گناه آنان به دست می آید.

ص: 361

### 3- آثار قبله شدن مسجد الحرام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 150 - 8,9,15

8 - تعیین کعبه به عنوان قبله مسلمانان ، موجب روشن شدن حقانیت پیامبر اسلام برای گروهی از مخالفان

لئلا یكون للناس علیکم حجه إلا الذین ظلموا منهم

وجود حجت برای ستمگران - که مفاد جمله استثنایه است - بدان معنا نیست که ستم پیشگان علیه مسلمانان دلیل دارند؛ بلکه مراد تقسیم مخالفان است به دو جناح: جناحی که از سر ظلم و ستم با پیامبر (صلی الله علیه و آله) مخالفت می کردند و جناحی که بر اساس شبهه دست به مخالفت زده اند. دسته اول در هر حال - چه تغییر قبله حاصل می شد، یا نمی شد - به مخالفت و دشمنی ادامه می دادند و دسته دوم به حقانیت پیامبر (صلی الله علیه و آله) پی برده و از تبلیغات سوء دست می کشیدند.

9 - تنها ستم پیشگان پس از تعیین مسجدالحرام به عنوان قبله ، دست از بهانه جویی برداشته و به دشمنی خویش علیه مسلمانان ادامه می دادند .

لئلا یكون للناس علیکم حجه إلا الذین ظلموا منهم

15 - تغییر قبله از بیت المقدس به مسجدالحرام ، زمینه ساز کامل شدن نعمت خدا بر مسلمانان

فولوا وجوهکم شطره .. لآتم نعمتی علیکم

برداشت فوق بر این اساس است که «لآتم نعمتی ..» عطف بر «لئلا یكون ...» باشد؛ در نتیجه «لآتم ...» بیان غایت و هدف برای جمله «فولوا وجوهکم شطره» خواهد شد.

### 4- آثار مسجد ضرار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 110 - 4

4 - مسجد ضرار ، مایه شک و ناباوری منافقان بود .

والذین اتخذوا مسجداً ضراراً .. لا یزال بنینهم الذی بنوا ریه فی قلوبهم

### 5- آثار ممانعت از مسجد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - خواری و ذلت در دنیا، سزای بازدارندگان مردم از ورود به مساجد

و من أظلم ممّن منع مسجد الله .. لهم في الدنيا خزي

ص: 362

## 6- آثار ممانعت از مسجد الحرام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - فتح - 48 - 25 - 4

4- باز داشتن مؤمنان از ورود به مسجد الحرام، گناهی بزرگ و کفرآمیز

هم الذين كفروا و صدوكم عن المسجد الحرام

از این که خداوند، ممانعت از ورود مؤمنان به مسجد الحرام را به عنوان دومین جرم مهم مشرکان یاد کرده و آن را در کنار کفر آنان متذکر شده است؛ مطلب بالا استفاده می شود.

## 7- آداب زیارت مسجد الحرام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 26 - 14

14 - طواف، قیام، رکوع و سجود (نماز) از آداب زیارت مسجد الحرام

و طهر بیته للطائفین و القائمین و الرکع السجود

ظاهر این است که مراد از «القائمین و الرکع السجود» نمازگزاران است؛ یعنی، «خانه مرا برای طواف کنندگان و نمازگزاران آماده کن».

## 8- آداب مسجد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - اعراف - 7 - 29 - 4

4- لزوم روی آوری خالصانه به خدا و انقطاع کامل از غیر او به هنگام حضور در مساجد

و أقیموا وجوهکم عند کل مسجد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - اعراف - 7 - 31 - 1

1 - ضرورت آراسته ساختن خویش با زینتها، هنگام حضور در مساجد

یبنی ءادم خذوا زینتکم عند کل مسجد

## 9- آداب مسجد الحرام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 363

2- ورود به مسجدالحرام برای انجام طواف ، با سر و تن آلوده و نیاراسته ، ممنوع است .

ثم ليقضوا تفثهم

### 10- ابراهیم (ع) کنار مسجد الحرام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5- اقامتگاه حضرت ابراهیم (ع) در جوار مسجدالحرام بود .

يأتوك رجالاً

از جمله «يأتوك رجالاً» (مردم پیاده و سواره نزد تو خواهند آمد) بر می آید که بنیان گذار کعبه، در کنار آن اقامت داشت؛ به طوری که هر زائری هنگام ورود به مسجدالحرام، بر آن حضرت نیز وارد می شد.

### 11- احترام مسجد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6- مساجد ، از آن خدا و دارای قداست و احترامی خاص است .

مسجد الله

انتساب مساجد به خدا، با اضافه کردن کلمه «مساجد» به «الله» برای رساندن شرافت و حرمت ویژه آنهاست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - از میان رفتن حرمت و قداست مسجد ، زمانی است که موجب زیان رسیدن به مؤمنان شود و پایگاهی علیه اسلام و وحدت مسلمین گردد .

و الذين اتخذوا مسجداً .. تفریقاً بین المؤمنین و إرصاداً لمن حارب الله و رسوله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - لزوم حفظ احترام صومعه ها ، کلیسا ها ، کنیسه ها و مساجد و جلوگیری از تخریب و انهدام آنها

و لولا دفع الله... لهذمت صومع و بیع و صلوت و مسجد

ص: 364



## 12- احترام مسجد الحرام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 191 - 16

16 - مسجد الحرام و نواحی آن دارای قداستی والا و احترامی خاص

و لا تقتلوه عند المسجد الحرام

## 13- احکام مسجد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 114 - 6، 12، 14، 15، 16

6 - مساجد ، از آن خدا و دارای قداست و احترامی خاص است .

مسجد الله

انتساب مساجد به خدا، با اضافه کردن کلمه «مساجد» به «الله» برای رساندن شرافت و حرمت ویژه آنهاست.

12 - مساجد ، باید از هر آنچه مانع یاد خداست ، پیراسته باشد .

و من أظلم ممن منع مسجد الله أن يذكر فيها اسمه

14 - کفرپیشگان ، حق حضور در مساجد را ندارند .

أولئك ما كان لهم أن يدخلوها

15 - کفرپیشگان ، در صورت حضور در مساجد ، مجرم اند و باید به دست مسلمانان عقوبت شوند .

أولئك ما كان لهم أن يدخلوها إلا خائفين

برداشت فوق، مبتنی بر این است که «إلا خائفين» استثنا از عدم ورود به مساجد باشد، نه از عدم جواز ورود. بر این مبنا، جمله «ما كان لهم...» بیانگر این معناست که: کافران حق ندارند به مساجد وارد شوند و در صورت تخلف، باید عقوبت شوند؛ زیرا ترس کافران از ورود به مساجد، در صورتی است که بدانند ورودشان در پی دارنده مجازات است.

16 - کفرپیشگانی که در سیطره حکومت اسلامی به سر می برند ، حق ورود به مساجد دارند .

أولئك ما كان لهم أن يدخلوها إلا خائفين

برداشت فوق، بر این اساس است که «إلا خائفین» استثنا از عدم جواز ورود باشد؛ یعنی، کافران نباید داخل مسجد شوند، مگر آن گاه که از مسلمانان هراسان باشند و در آن صورت ورودشان به مساجد جایز است. این معنا شامل کفرپیشگانی می شود که در سیطره حکومت اسلامی به سر می برند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 43 - 36، 13، 12، 4

4 - حرمت ورود به مساجد در حال مستی \*

لا تقربوا الصلوة و انتم سكارى

بنابر اینکه مراد از «الصلوة»، جایگاه متعارف نماز، یعنی مساجد باشد؛ به قرینه «الآ عابری سبیل».

12 - حرمت ورود جنب به مسجد

ص: 365

لا تقربوا الصلوه . . . و لا جنباً

بنابر اینکه مقصود از «الصلوه»، جایگاه متعارف آن، یعنی مساجد باشد؛ به دلیل «الآ عابری سبیل».

13 - جواز عبور جنب از مسجد

لا تقربوا الصلوه . . . و لا جنباً الآ عابری سبیل

36 - ممنوعیت ورود جنب به مسجد، مگر به صورت عبور

و لا جنباً الآ عابری سبیل حتی تغتسلوا

امام باقر (ع) در پاسخ سؤال از ورود جنب و حائض به مسجد فرمود: الحائض و الجنب لا یدخلان المسجد الا مجتازین ان الله تبارک و تعالی يقول: و لا جنباً الا عابری . . .

---

علل الشرایع، ص 288، ح 1، ب 210؛ نورالثقلین، ج 1، ص 484، ح 266، 267؛ تفسیر عیاشی، ج 1، ص 243، ح 138؛ تفسیر قمی، ج 1، ص 139.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 17 - 2

2 - وانهادن امور مساجد به شرک پیشگان، ممنوع است.

ما کان للمشرکین أن یعمروا مسجد الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 107 - 15، 13

13 - ساختن مسجدی که موجب زیان مؤمنان و تفرقه در بین ایشان و ترویج افکار و اندیشه های ضد الهی شود، جایز نیست.

اتخذوا مسجداً ضراراً . . . و تفریقاً بین المؤمنین

15 - از میان رفتن حرمت و قداست مسجد، زمانی است که موجب زیان رسیدن به مؤمنان شود و پایگاهی علیه اسلام و وحدت مسلمین گردد.

و الذین اتخذوا مسجداً . . . تفریقاً بین المؤمنین و إرساداً لمن حارب الله و رسوله

38- ساختن مسجد بر اقامت گاه صالحان و مزار آنان ، جایز بوده و عبادت در کنار قبر آنان شایسته است .

لنتَّخِذَنَّ عَلَيْهِم مَّسْجِدًا

هرگاه قرآن، از جوامع و ادیان پیشین، سخن و عملی را با لحنی نقل کند که نشانه تمجید و عنایت خاص خداوند باشد، معلوم می شود که قرآن، آن گفته و کردار را صحیح و پسندیده تلقی کرده است.

ص: 366

## 14- احکام مسجد الحرام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - آل عمران - 3 - 97 - 7،8،19

7 - امنیّت کامل برای کسانی که وارد کعبه می شوند .

و من دخله کان امنأ

8 - لزوم حفظ و برقراری امنیّت در کعبه

و من دخله کان امنأ

بنابراینکه جمله خبریّه در مقام انشاء باشد.

19 - کسی که در خارج حرم مرتکب جرم شده و به حرم پناه می برد ، از تعقیب در امان است .

و من دخله کان امنأ

امام صادق (ع) درباره آیه فوق فرمود: اذ احدث العبد فی غیر الحرم جنایه ثم فرّ الی الحرم لم یسع لأحد ان يأخذه فی الحرم.

---

کافی، ج 4، ص 226، ح 2؛ تفسیر برهان، ج 1، ص 299، ح 5.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - انفال - 8 - 34 - 6،9

6 - ولایت و سرپرستی بر مسجدالحرام ، تنها شایسته تقوایستگان است .

و ما کانوا أولیاءه إن أولیاءه إلا المتقون

9 - ضرورت تعیین سرپرست برای رسیدگی به امور مسجدالحرام \*

و ما کانوا أولیاءه إن أولیاءه إلا المتقون

لحن آیه حکایت از آن دارد که وجود سرپرست برای مسجدالحرام مفروض دانسته شده است ؛ تنها سخن درباره شایستگان این سِمَت می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - انفال - 8 - 35 - 2

2 - سوت کشیدن و کف زدن در اطراف کعبه به عنوان عبادت و نیایش از سوی کافران مکه ، دلیل عدم شایستگی آنان برای ولایت بر مسجدالحرام

إن أولیاءه إلا المتقون . . . مکاء و تصدیه

جمله «ما کان صلاتهم . . . » می تواند بیان مصداقی برای بی تقوایی متولیان کفرپیشه مسجدالحرام باشد و در نتیجه دلیلی برای عدم شایستگی آنان برای ولایت بر مسجدالحرام.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 28 - 19، 2، 3

2 - مسجدالحرام ، مکانی است مقدس و دور داشتن هر گونه آلودگی از آن ، لازم می باشد .

إنما المشركون نجس فلا یقربوا المسجد الحرام

ص: 367

3 - ممانعت از نزدیک شدن مشرکان به مسجدالحرام ، بر اهل ایمان واجب است .

يأيتها الذين آمنوا إنما المشركون نجس فلا يقربوا المسجد الحرام

19 - ممنوعیت مشرکان از نزدیک شدن به مسجدالحرام ، حکمی است مبتنی بر علم و حکمت گسترده خدا .

يأيتها الذين آمنوا إنما المشركون نجس فلا يقربوا المسجد الحرام .. إن الله عليم

### 15- احکام مسجد ضرار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 108 - 4

4 - حضور و اقامه نماز در مسجدی که به انگیزه های باطل بنا شود ، ممنوع است .

مسجداً ضراراً .. لا تقم فيه أبداً

### 16- اسارت مانعان مسجد الحرام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - انفال - 8 - 34 - 3

3 - کافران مکه به دلیل بازداشتن اهل ایمان از ورود به مسجدالحرام ، مستوجب عذاب ( کشته شدن ، اسیر گشتن و ... ) بودند .

و ما لهم ألا يعذبهم الله وهم يصدون عن المسجد الحرام

با توجه به آیه قبل که عذاب استیصال را برای مردم مکه با شرایط ذکر شده منتفی دانست، معلوم می شود مراد از عذاب در این آیه به دلیل وقوع آن در بین آیات نبرد، شکست کافران و کشته و اسیر شدن آنان است.

### 17- اسراء محمد(صلی الله علیه و آله) از مسجد الحرام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 1 - 17، 3، 2

2- خداوند ، پیامبر (صلی الله علیه و آله) را در یک شب از مسجدالحرام به مسجدالاقصی سیر داد .

أسرى بعبدہ لیلاً من المسجد الحرام إلى المسجد الأقصى

«السُّرَى» در لغت به معنای سیر و حرکت شبانه است.

3- سیر دادن پیامبر (صلی الله علیه و آله) در یک شب از مسجدالحرام به مسجدالاقصى ، نشانه قدرتمندی خداوند و مبرّاً بودنش از هر ضعف و کاستی است .

سبحن الذی أسرى بعبده لیلأ من المسجدالحرام إلى المسجدالأقضا

17- سیر پیامبر (صلی الله علیه و آله) در یک شب از مسجدالحرام به مسجدالاقصى ، از جمله آیات مهم الهی برای پیامبر (صلی الله علیه و آله) بود .

ص: 368



سبحن الذی أسرى . . . لنریه من ایتنا

## 18- اسراء محمد(صلی الله علیه و آله) به مسجد الاقصی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 1 - 24، 17، 3، 2

2- خداوند ، پیامبر (صلی الله علیه و آله) را در یک شب از مسجدالحرام به مسجدالاقصی سیر داد .

أسرى بعده لیلاً من المسجدالحرام إلى المسجد الأقصا

«السرى» در لغت به معنای سیر و حرکت شبانه است.

3- سیر دادن پیامبر (صلی الله علیه و آله) در یک شب از مسجدالحرام به مسجدالاقصی ، نشانه قدرتمندی خداوند و مبرّ بودنش از هر ضعف و کاستی است .

سبحن الذی أسرى بعده لیلاً من المسجدالحرام إلى المسجد الأقصا

17- سیر پیامبر (صلی الله علیه و آله) در یک شب از مسجدالحرام به مسجدالاقصی ، از جمله آیات مهم الهی برای پیامبر (صلی الله علیه و آله) بود .

سبحن الذی أسرى . . . لنریه من ایتنا

24- « عن ابی عبدالله جعفرین محمدالصادق (ع) قال : لما أسرى برسول الله (صلی الله علیه و آله) إلى بیت المقدس حمله جبرائیل علی البراق فاتیا بیت المقدس و عرض إليه محاریب الأنبیاء و صلی بها و رده . . . » ;

جبرئیل، آن حضرت را بر براق سوار کرد و هر دو به بیت المقدس آمدند و جبرئیل محرابهای انبیا را به او نشان داد و پیامبر (صلی الله علیه و آله) در آن جا نماز خواند و سپس آن حضرت را باز گرداند. . .».

## 19- اعتکاف در مسجد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 187 - 26، 25

25 - اعتکاف کنندگان در مساجد حتی در شب های اعتکاف نیز از آمیزش جنسی باید پرهیز کنند .

فالن بشروهن . . . ولاتبشروهن و أنتم عکفون فی المسجد

جمله «و لاتباشروهن» به منزله تبصره ای است برای «فالآن باشروهن»؛ یعنی، توهم نشود که حلیت آمیزش در شبهای روزه، شامل حال اعتکاف نیز می شود.

26 - محل اعتکاف مساجد است .

و أنتم عکفون فی المسجد

قید «فی المساجد» توضیحی و برای بیان محل اعتکاف است. بنابراین معنای جمله «و لاتباشروهن و أنتم ...» این نیست که اگر در مسجد اعتکاف کردید آمیزش حرام است و در غیر آن حرام نیست؛ زیرا در این صورت ظاهر آن بود که عبارت به این گونه بیان می شد: و أنتم فی المساجد عاکفین.

ص: 369

## 20- اعلام فلسفه وجودی مسجد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - جن - 72 - 18 - 2

2 - پیامبر (صلی الله علیه و آله) ، مأمور اعلام فلسفه وجودی مساجد و معابد

و أنّ المسجد لله

جمله «أنّ المساجد لله»، عطف بر «أنّه استمع...» است؛ یعنی، «قل أوحى إليّ أنّ المساجد لله...».

## 21- امنیت در مسجد الحرام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - آل عمران - 3 - 97 - 19، 8، 7

7 - امنیت کامل برای کسانی که وارد کعبه می شوند .

و من دخله كان امناً

8 - لزوم حفظ و برقراری امنیت در کعبه

و من دخله كان امناً

بنابراینکه جمله خبریه در مقام انشاء باشد.

19 - کسی که در خارج حرم مرتکب جرم شده و به حرم پناه می برد ، از تعقیب در امان است .

و من دخله كان امناً

امام صادق (ع) درباره آیه فوق فرمود: اذا حدث العبد في غير الحرم جنایة ثم فرّ الى الحرم لم يسع لأحد ان يأخذه في الحرم.

---

کافی، ج 4، ص 226، ح 2؛ تفسیر برهان، ج 1، ص 299، ح 5.

## 22- امنیت مسجد الحرام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 217 - 12

12 - لزوم تأمین امنیّت حرّم الهی در ماه های حرام

یسئلونک عن الشهر الحرام قتال فيه قل قتال فيه کبیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 25 - 13

13 - مکه ( مسجد الحرام و محدوده آن ) باید محیطی امن برای همگان باشد .

ص: 370

### 23- انگیزه بنای مسجد ضرار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 107 - 6, 5, 2, 1

1 - اقدام منافقان به ساختن مسجدی برای هدف های زیانبار و کفرآمیز و تفرقه افکن میان مؤمنان

اتخذوا مسجداً ضراراً و کفراً و تفریقاً بین المؤمنین

2 - اقدام منافقان به ساختن پایگاهی تحت عنوان « مسجد » برای دشمنان دیرینه خدا و رسول خدا

و الذین اتخذوا مسجداً .. إرصاداً لمن حارب الله و رسوله

5 - کفر درونی منافقان انگیزه ساختن مسجد ضرار

مسجداً ضراراً و کفراً

«کفراً» می تواند به معنای ترویج کفر نباشد؛ بلکه به این معنا باشد که عمل منافقان و سازندگان مسجد ضرار، نشأت یافته از کفرشان بوده است.

6 - ترویج کفر، تفرقه افکنی و تجمع بخشیدن به دشمنان خدا و رسول، مهمترین اهداف زیانبار منافقان از ساختن مسجد ضرار

مسجداً ضراراً و کفراً و تفریقاً بین المؤمنین و إرصاداً

قید «ضراراً» می تواند هدف کلی و عام منافقان و «کفراً و تفریقاً .. إرصاداً» بیانگر بارزترین نمودهای آن هدف کلی باشد.

### 24- اهداف بنای مسجد قبا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 109 - 6

6 - بانیان مسجد قبا، دارای تقوای الهی و در پی جلب رضایت خدا بودند .

لمسجد أسس علی التقوی .. أفمن أسس بنینه علی تقوی

مفسران برآنند که شأن نزول این بخش از آیات، مسجد قبا و مسجد ضرار است. بر این اساس می توان گفت که: ضمیر «بنیانه» به مسجد قبا (لمسجد أسس علی التقوی) باز می گردد و آیه شریفه، در مقام تمجید بانیان مسجد قبا و تقبیح بنیان گذاران مسجد ضرار است.

## 25- اهمیت احترام مسجد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 187 - 28

ص: 371

28 - لزوم احترام به مساجد و حفظ قداست آنها \*

و لا تبشروهن و أنتم عكفون فى المسجد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - جن - 72 - 18 - 6

6 - « عن يونس بن يعقوب قال : سمعت الصادق جعفر بن محمد (ع) يقول : . . . ملعون ملعون من لم يوثر المسجد ، تدرى يا يونس لم عظم الله حق المساجد و أنزل هذه الآية : « و أن المساجد لله فلا تدعوا مع الله أحداً » ؟ كانت اليهود و النصارى إذا دخلوا كنائسهم أشركوا بالله تعالى ، فأمر الله سبحانه نبيه أن يوحد الله فى ها و يعبده ؛

از يونس بن يعقوب روایت شده که گوید: از امام صادق(ع) شنیدم که فرمود: .. ملعون است، ملعون است، آن کس که به مساجد احترام نگذارد؛ ای یونس! می دانی چرا خداوند حق مساجد را بزرگ دانسته و آیه «و أن المساجد لله فلا تدعوا مع الله أحداً» را نازل فرموده است؟ زیرا یهود و نصارا وقتی به معابد خود می رفتند، به خدای تعالی شرک میورزیدند. پس خداوند سبحان به پیامبر اسلام(صلی الله علیه و آله) دستور داد که خدا را در مساجد به وحدانیت بخوانند و عبادت کنند».

## 26- اهمیت بنای مسجد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 107 - 10

10 - ارزشمندی ساختن مسجد ، در گرو حسن نیت و انگیزه الهی داشتن آن است .

و الذين اتخذوا مسجداً .. و ليحلفن إن أردنا إلا الحسنى و الله يشهد إنهم لكذوبون

## 27- اهمیت تطهیر مسجد الحرام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 26 - 13

13 - لزوم پاسداری از حرمت مسجدالحرام و محفوظ داشتن آن از آلودگی های ظاهری و پلیدی های باطنی ( مظاهر

أن لا تشرك بى شيئاً و طهر بيتى

## 28- اهمیت تعمیر مسجد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - کافران ، مشرکان و مسلمانان بی مبالا ت و ناپاییند به نماز و زکات ، فاقد صلاحیت تعمیر و رسیدگی به امور مساجدند .

ص: 372



إنما يعمر مسجد الله من آمن بالله و اليوم الآخر و أقام الصلوه و ءاتى الزكوه

### 29- اهمیت تقویت مسجد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 108 - 17

17 - لزوم تقویت مساجد و مراکزى که بر اساس تقوا بنا شده و پایگاه جویندگان طهارت است .

لمسجد أسس على التقوى . . . فيه رجال يحبون أن يتطهروا

### 30- اهمیت تولیت مسجد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 18 - 5

5 - کافران ، مشرکان و مسلمانان بی مبالاى و ناپایبند به نماز و زکات ، فاقد صلاحیت تعمیر و رسیدگی به امور مساجدند .

إنما يعمر مسجد الله من آمن بالله و اليوم الآخر و أقام الصلوه و ءاتى الزكوه

### 31- اهمیت محافظت از مسجد الحرام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 26 - 13

13 - لزوم پاسداری از حرمت مسجدالحرام و محفوظ داشتن آن از آلودگی های ظاهری و پلیدی های باطنی ( مظاهر

أن لاتشرك بى شيئاً و طهر بیتی

### 32- اهمیت مسجد الحرام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 2 - 13

13 - اهمیت خاص مسجد الحرام ، حج و مناسک آن

یا ایها الذین ءامنوا لاتحلوا . . . و لاءآمین البیت الحرام

جلد - نام سورہ - سورہ - آیہ - فیش

6 - انفال - 8 - 34 - 6, 9, 3

ص: 373

2- بازداشتن مردم از ورود به مسجدالحرام ، گناهی مستوجب عذاب الهی

و ما لهم ألا يعذبهم الله و هم يصدون عن المسجدالحرام

3- کافران مکه به دلیل بازداشتن اهل ایمان از ورود به مسجدالحرام ، مستوجب عذاب ( کشته شدن ، اسیر گشتن و . . . ) بودند .

و ما لهم ألا يعذبهم الله و هم يصدون عن المسجدالحرام

با توجه به آیه قبل که عذاب استیصال را برای مردم مکه با شرایط ذکر شده منتفی دانست، معلوم می شود مراد از عذاب در این آیه به دلیل وقوع آن در بین آیات نبرد، شکست کافران و کشته و اسیر شدن آنان است.

6- ولایت و سرپرستی بر مسجدالحرام ، تنها شایسته تقوایبندگان است .

و ما كانوا أولياؤه إن أولياؤه إلا المتقون

9- ضرورت تعیین سرپرست برای رسیدگی به امور مسجدالحرام \*

و ما كانوا أولياؤه إن أولياؤه إلا المتقون

لحن آیه حکایت از آن دارد که وجود سرپرست برای مسجدالحرام مفروض دانسته شده است ؛ تنها سخن درباره شایستگان این سِمَت می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7- توبه - 9 - 28 - 2

2- مسجدالحرام ، مکانی است مقدس و دور داشتن هر گونه آلودگی از آن ، لازم می باشد .

إنما المشركون نجس فلا يقربوا المسجدالحرام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10- اسراء - 17 - 1 - 11

11- زمین مسجدالحرام و مسجدالاقصی ، دارای اهمیت معنوی ویژه است .

أسرى بعبدہ لیلاً من المسجدالحرام إلى المسجدالأقصا

اینکه مبدأ و منتهای سیر پیامبر(صلی الله علیه و آله) دو مکان خاص عبادت (مسجدالحرام و مسجدالاقصا) قرار گرفت، حکایت از حقیقت فوق دارد.

### 33- اهمیت مسجد الحرام در صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 7 - 5

5 - انعقاد پیمان صلح میان مسلمانان صدر اسلام و مشرکان در کنار مسجد الحرام

إلا الذين عهدتم عند المسجد الحرام

ص: 374

### 34- بانیان مسجد ضرار در جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 109 - 15

15 - بناکنندگان مسجد ضرار ، از ظالمان و سقوط کنندگان در آتش دوزخند .

و الذین اتخذوا مسجداً ضراراً .. فانهار به فی نار جهنم

### 35- بانیان مسجد قبا و رضایت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 109 - 6

6 - بانیان مسجد قبا ، دارای تقوای الهی و در پی جلب رضایت خدا بودند .

لمسجد أسس علی التقوی .. أفمن أسس بنینه علی تقوی

مفسران برآند که شأن نزول این بخش از آیات ، مسجد قبا و مسجد ضرار است. بر این اساس می توان گفت که: ضمیر «بنیانه» به مسجد قبا (لمسجد أسس علی التقوی) باز می گردد و آیه شریفه، در مقام تمجید بانیان مسجد قبا و تقبیح بنیان گذاران مسجد ضرار است.

### 36- برپایی نماز در مسجد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 108 - 5

5 - مسجدی که از نخستین لحظه بر اساس تقوا بنا شده ، دارای ارزش بوده و سزاوار است که در آن نماز اقامه شود .

لمسجد أسس علی التقوی من أول یوم أحق أن تقوم فیه

### 37- برکات مسجد الحرام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 28 - 5

5 - عرفات و مشعر ، کانون خیر و برکت فراوان برای حج گزاران

لیشهدوا منفع لهم

برداشت فوق، بر این اساس است که «لیشهدوا» مربوط به حضور در عرفات و مشعر باشد.

ص: 375

### 38- پاکیزگی در مسجد الحرام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 29 - 2

2 - ورود به مسجدالحرام برای انجام طواف ، با سر و تن آلوده و نیاراسته ، ممنوع است .

ثم ليقضوا تفثهم

### 39- تاریخ زیارت مسجد الحرام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 25 - 10

10 - حج و زیارت مسجدالحرام ، مراسمی رایج در میان مردم جزیره العرب

سواء العكف فيه و الباد

### 40- تاریخ مسجد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 21 - 37

37- وجود مسجد و ارجمندی آن در عصر بیدار شدن اصحاب كهف

لنتخذنّ عليهم مسجداً

### 41- تاریخ مسجد الحرام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 17 - 6

6 - تولیت مسجدالحرام ( تعمیر و رسیدگی به امور آن ) در صدر اسلام - تا پیش از فتح مکه - در دست مشرکان کفر پیشه بوده است .

ما كان للمشركين أن يعمرُوا مسجد الله شهدين على أنفسهم بالكفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - « مسجد الحرام » نامی شناخته شده و متداول در میان مردم جزیره العرب

و المسجد الحرام الذي جعله للناس

ص: 376



## 42- تجاوز به حقوق دیگران در مسجد الحرام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 25 - 14

14 - انحراف از حق و تجاوز به حقوق دیگران در محیط مسجد الحرام، گناهی است بس بزرگ و کج روان و ستم کاران باید در انتظار کیفر سخت دنیوی باشند.

و من یرد فیه بالحد بظلم نذقه من عذاب الیم

برداشت یاد شده بر این اساس است که مقصود از «عذاب الیم» کیفر دنیوی نیز باشد.

## 43- تخریب مسجد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 114 - 3

1 - کفر پیشگان عصر بعثت، مسلمانان را از حضور در مساجد باز می داشتند و در صدد تخریب آنها بودند.

و من أظلم ممن منع مسجد الله... و سعی فی خرابها

فعل «منع» نیازمند دو مفعول است: یک مفعول آن «مساجد الله» است و مفعول دیگر «المسلمین» می باشد که به خاطر وضوحش بیان نشده است؛ یعنی: «منع المسلمین مساجد الله» ماضی آوردن فعل «منع» حکایت از آن دارد که: ممانعت از ورود مسلمانان به مساجد تحقق یافته بوده؛ یعنی، آیه شریفه ضمن بیان ناروا بودن ممانعت از ورود به مساجد، اشاره دارد به قضایای بازداری از ورود مسلمانان صدر اسلام، به مسجد الحرام و...

3 - ممانعت از ورود مسلمانان به مساجد و تلاش برای تخریب آنها، از روش های مبارزاتی کفرپیشگان علیه اسلام و مسلمین

و من أظلم ممن منع مسجد الله أن یذکر فیها اسمہ و سعی فی خرابها

## 44- تعمیر مسجد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 17 - 1

1 - مشرکان، صلاحیت تعمیر و رسیدگی به مساجد را ندارند.

ما كان للمشركين أن يعمروا مسجد الله

جلد - نام سورہ - سورہ - آیہ - فیش

7 - توبہ - 9 - 18 - 1

ص: 377

1 - تعمیر و رسیدگی به امور مساجد ، تنها در صلاحیت مؤمنان راستین است .

إنما يعمر مسجداً لله من آمن بالله و اليوم الآخر . . . و لم يخش إلا الله

#### 45- تقوا در بنای مسجد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 108 - 5

5 - مسجدی که از نخستین لحظه بر اساس تقوا بنا شده ، دارای ارزش بوده و سزاوار است که در آن نماز اقامه شود .

لمسجد أسس على التقوى من أول يوم أحق أن تقوم فيه

#### 46- تقوا در بنای مسجد قبا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 108 - 6,10

6 - مسجد قبا ، بنیان نهاده شده بر اساس تقوا و مکانی شایسته برای عبادت

لمسجد أسس على التقوى . . . أحق أن تقوم فيه

با توجه به شأن نزول و به قرینه مسجد ضرار ، منظور از «المسجد أسس على التقوى» مسجد قبا می باشد.

10 - مسجد قبا ، مسجدی بنا شده بر اساس تقوا و مأوای جویندگان پاکی و طهارت

لمسجد أسس على التقوى . . . فيه رجال يحبون أن يتطهروا

#### 47- تقوای بانیان مسجد قبا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 109 - 6

6 - بانیان مسجد قبا ، دارای تقوای الهی و در پی جلب رضایت خدا بودند .

لمسجد أسس على التقوى . . . أفمن أسس بنيانه على تقوى

مفسران برآند که شأن نزول این بخش از آیات ، مسجد قبا و مسجد ضرار است. بر این اساس می توان گفت که: ضمیر «بنيانه» به مسجد

قبا (لمسجد أسس علی التقوی) باز می گردد و آیه شریفه، در مقام تمجید بانیان مسجد قبا و تقبیح بنیان گذاران مسجد ضرار است.

ص: 378

## 48- تولیت مسجد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 17 - 2، 1

1 - مشرکان، صلاحیت تعمیر و رسیدگی به مساجد را ندارند .

ما كان للمشركين أن يعمرُوا مسجد الله

2 - وانهادن امور مساجد به شرک پیشگان، ممنوع است .

ما كان للمشركين أن يعمرُوا مسجد الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 18 - 2، 1

1 - تعمیر و رسیدگی به امور مساجد، تنها در صلاحیت مؤمنان راستین است .

إنما يعمر مسجد الله من ءامن بالله و اليوم الآخر . . . و لم يخش إلا الله

2 - مؤمنان صالح، وظیفه دار بر عهده گرفتن امور مساجد

إنما يعمر مسجد الله من ءامن بالله . . . و لم يخش إلا الله

## 49- تولیت مسجد الحرام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - انفال - 8 - 34 - 9، 6

6 - ولایت و سرپرستی بر مسجد الحرام، تنها شایسته تقوای پیشگان است .

و ما كانوا أولياؤه إن أولياؤه إلا المتقون

9 - ضرورت تعیین سرپرست برای رسیدگی به امور مسجد الحرام \*

و ما كانوا أولياؤه إن أولياؤه إلا المتقون

لحن آیه حکایت از آن دارد که وجود سرپرست برای مسجد الحرام مفروض دانسته شده است؛ تنها سخن درباره شایستگان این سِمَت می

باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 19 - 1

1 - سرزنش خداوند نسبت به مسلمانانی که شغل آب دهی به حاجیان و سرپرستی مسجدالحرام را با جهاد در راه خدا برابر انگاشته و خویشان را همطراز با مؤمنان اهل پیکار در راه خدا می پنداشتند .

أجعلتم سقايه الحاجّ و عماره المسجدالحرام كمن ءامن بالله و اليوم الآخر و جهد في

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 28 - 5

ص: 379

5- سال نهم هجری ، سال قدرت مسلمانان و استیلاى آنان بر اداره مسجدالحرام

فلا يقربوا المسجد الحرام بعد عامهم هذا

اینکه مسلمانان در سال نهم هجری مکلف به این تکلیف الهی شدند - با اینکه اصل پلیدی مشرکان در گذشته نیز بوده است - نشان می دهد که در گذشته، اجرای آن میسر نبوده است.

### 50- تولیت مسجد الحرام در جاهلیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 19 - 3

3- سرپرستی مسجدالحرام و آب دهی به زائران کعبه ، شغلی مهم و افتخارآمیز در میان عرب های جاهلی

أجعلتم سقايه الحاجّ و عماره المسجد الحرام كمن ءامن بالله . . . و جهد فى سبيل اللّ

### 51- تولیت مسجد الحرام در صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 17 - 6

6- تولیت مسجدالحرام ( تعمیر و رسیدگی به امور آن ) در صدر اسلام - تا پیش از فتح مکه - در دست مشرکان کفر پیشه بوده است .

ما كان للمشركين أن يعمروا مسجد الله شهدين على أنفسهم بالكفر

### 52- جنگ در مسجد الحرام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 191 - 12،13،15

12 - نبرد در مسجد الحرام و نواحی آن حرام است .

و لا تقتلوهم عند المسجد الحرام

13 - در صورتی که دشمنان دین در مسجدالحرام و نواحی آن علیه مسلمانان وارد جنگ شوند ، نبرد با آنان و کشتن شان واجب است .

و لا تقتلوهم عند المسجد الحرام حتى يقتلوكم فيه فإن قتلوكم فاقتلوهم

15 - فتنه انگیزی کافران ، مجوز کشتن و نبرد با آنها در مسجد الحرام و نواحی آن نیست .

و الفتنه أشد من القتل و لا تقتلوهم عند المسجد الحرام حتی يقتلوكم

جمله «و الفتنه . . .» بیان می دارد که کافران فتنه انگیز همانند کافران محارب هستند و لذا باید با آنان نبرد کرد. به نظر می رسد

ص: 380



جمله «و لا تقاتلوهم عند المسجد الحرام...» به منزله استثنا از این قانون باشد؛ یعنی، فتنه انگیزی کافران، مجوز جنگ در مسجد الحرام نیست.

### 53- حرمت بنای مسجد ضرار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 107 - 13

13 - ساختن مسجدی که موجب زیان مؤمنان و تفرقه در بین ایشان و ترویج افکار و اندیشه های ضد الهی شود، جایز نیست.

اتخذوا مسجداً ضراراً... و تفریقاً بین المؤمنین

### 54- حقانیت قبله بودن مسجد الحرام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 145 - 2,3

2 - اهل کتاب (یهود و نصارا) علی رغم اطمینانشان به حقانیت قبله مسلمانان (مسجدالحرام)، آن را نخواهند پذیرفت.

لیعلمون أنه الحق... و لئن أتیت الذین... ما تبعوا قبلتک

3 - هیچ برهان و معجزه ای نمی تواند اهل کتاب را به پذیرش مسجدالحرام به عنوان قبله حق، وادارد.

و لئن أتیت الذین أوتوا الکتب بکل آیه ما تبعوا قبلتک

کلمه «آیه» به معنای علامت و نشانه است و مقصود از آن معجزه و برهان می باشد.

### 55- حقانیت قبله شدن مسجد الحرام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 149 - 3

3 - تعیین مسجدالحرام به عنوان قبله، حکمی حق (حکمت آمیز و به جا) و از ناحیه خداوند

و إنه للحق من ربک

### 56- خدا و بانیان مسجد ضرار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 110 - 7

7 - برخورد شدید خداوند با بناکنندگان مسجد ضرار ، متکی بر علم و حکمت او بود .

ص: 381

و الذین اتخذوا . . . لا تقم فیہ . . . فانهار به فی نار جهنم . . . و اللہ علیم حکیم

### 57- خیریت مسجد الحرام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 28 - 5

5- عرفات و مشعر ، کانون خیر و برکت فراوان برای حج گزاران

لشهدوا منفع لهم

برداشت فوق، بر این اساس است که «لشهدوا» مربوط به حضور در عرفات و مشعر باشد.

### 58- دعا در مسجد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - آل عمران - 3 - 38 - 14

14 - نقش مسجد و محراب - مکان های مقدس - در استجابت دعا \*

دخل علیها زکریّا المحراب . . . هنا لک دعا زکریّا ربّه

برداشت فوق بر این اساس است که مشارالیه «هنالک»، «المحراب» باشد؛ و جمله «و هو قائم یصلی فی المحراب»، در آیه بعد مؤید این معناست.

### 59- ذکر در مسجد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 114 - 7،8،9،10،11،12

7 - مساجد ، جایگاه عبادت خدا و یاد کردن نام اوست .

مسجد اللّٰه أن یدکر فیها اسمہ

سجده، بارزترین نمود پرستش است و تعبیر از پایگاههای دینی اهل ایمان به مسجد (جایگاه سجده) بیانگر این است که: آن پایگاهها محل عبادت و پرستش می باشد.

8 - مساجدی که مردم در آن حضور نیابند و در آنها ذکر خدا نگویند ، در حقیقت مساجدی ویرانه اند .

و من أظلم ممن منع مسجد الله أن يذكر فيها اسمه وسعى في خرابها

برداشت فوق، مبتنی بر این احتمال است که جمله «سعی فی خرابها» (در تلاش برای تخریب مساجد هستند) تفسیر و توضیح جمله «منع مساجد الله أن يذكر فيها اسمه» باشد.

9- آبادانی مساجد، به یادکردن نام خدا در آنهاست .

ص: 382

آن یذکر فیها اسمہ و سعی فی خرابها

10 - غفلت از یاد خدا در جایگاه عبادت ( مسجد و . . . ) امری نکوهیده و نارواست .

و من أظلم ممن منع مسجد الله أن یذکر فیها اسمہ

عبارت «آن یذکر فیها اسمہ» بیانگر این است که: دلیل ناروا بودن و ستمکار شمردن بازدارندگان مردم از حضور در مساجد، یاد نشدن نام خداست. بنابراین جمله «من أظلم...» شامل کسانی که در جایگاههای عبادت از یاد خدا غافلند نیز، می شود.

11 - تعطیلی مساجد و حضور نیافتن در آنها ، به انگیزه یاد نکردن نام خدا ، امری نکوهیده و نارواست .

و من أظلم ممن منع مسجد الله أن یذکر فیها اسمہ

12 - مساجد ، باید از هر آنچه مانع یاد خداست ، پیراسته باشد .

و من أظلم ممن منع مسجد الله أن یذکر فیها اسمہ

### 60- ذلت تخریب کنندگان مسجد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 114 - 21

21 - تخریب مساجد به انگیزه یاد نکردن خدا در آنها ، گناهی بزرگ و در پی دارنده خواری در دنیا و عذابی بزرگ در قیامت است .

و سعی فی خرابها . . . لهم فی الدنيا خزی و لهم فی الآخرة عذاب عظیم

از اینکه بازدارندگان مردم از ورود به مساجد و تخریب کنندگان آنها ، ظالمترین مردم شمرده شده اند و نیز به عذاب عظیم قیامت تهدید شده اند، بزرگی گناه آنان به دست می آید.

### 61- ذلت مانعان از مسجد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 114 - 19، 17

17 - خواری و ذلت در دنیا ، سزای بازدارندگان مردم از ورود به مساجد

و من أظلم ممن منع مسجد الله . . . لهم فی الدنيا خزی

19 - سرکوبی کفرپیشگان مسلط بر مساجد عصر بعثت و گرفتار شدنشان به خواری و ذلت ، از اخبار غیبی قرآن و از نوید های خدا به

چنانچه گذشت، آیه شریفه اشاره به قضایای صدر اسلام و بازداری مسلمانان از ورود به مسجد الحرام و مانند آن دارد. با توجه به این حقیقت، جمله «لهم في الدنيا خزي» نویدی است به مسلمانان که کفرپیشگان مانع از ورود به مساجد، به خواری و ذلت گرفتار خواهند شد، که به مناسبت مورد، مقصود از خواری و ذلت، کوتاه شدن دست آنان از مساجد اسلامی و سیطره مسلمانان بر آنان است.

## 62- رکوع در مسجد الحرام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 26 - 14

14 - طواف ، قیام ، رکوع و سجود ( نماز ) از آداب زیارت مسجدالحرام

و طهر بیّتی للطائفین و القائمین و الرّکع السجود

ظاهر این است که مراد از «القائمین و الرکع السجود» نمازگزاران است؛ یعنی، «خانه مرا برای طواف کنندگان و نمازگزاران آماده کن».

## 63- زینت در مسجد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - اعراف - 7 - 31 - 1

1 - ضرورت آراسته ساختن خویش با زینتها، هنگام حضور در مساجد

بینی ءادم خذوا زینتکم عند کل مسجد

## 64- سجده در مسجد الحرام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 26 - 14

14 - طواف ، قیام ، رکوع و سجود ( نماز ) از آداب زیارت مسجدالحرام

و طهر بیّتی للطائفین و القائمین و الرّکع السجود

ظاهر این است که مراد از «القائمین و الرکع السجود» نمازگزاران است؛ یعنی، «خانه مرا برای طواف کنندگان و نمازگزاران آماده کن».

## 65- سرزنش تعطیلی مسجد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 114 - 11

11 - تعطیلی مساجد و حضور نیافتن در آنها ، به انگیزه یاد نکردن نام خدا ، امری نکوهیده و نارواست .

و من أظلم ممن منع مسجد الله أن يذكر فيها اسمه

ص: 384



## 66- سوت در مسجد الحرام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - انفال - 8 - 35 - 2، 1

1 - سوت کشیدن و کف زدن ، شیوه نیایش کافران مکه در مسجدالحرام و اطراف کعبه

و ما کان صلاتهم عند البیت إلا مکاء و تصدیه

2 - سوت کشیدن و کف زدن در اطراف کعبه به عنوان عبادت و نیایش از سوی کافران مکه ، دلیل عدم شایستگی آنان برای ولایت بر مسجدالحرام

إن أولیاءه إلا المتقون . . . مکاء و تصدیه

جمله «ما کان صلاتهم . . .» می تواند بیان مصداقی برای بی تقوایی متولیان کفرپیشه مسجدالحرام باشد و در نتیجه دلیلی برای عدم شایستگی آنان برای ولایت بر مسجدالحرام.

## 67- شرایط متولیان مسجد الحرام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - انفال - 8 - 34 - 11

11 - اکثر کافران عصر بعثت ، ناآگاه به ضرورت تقوا برای متولیان مسجدالحرام

إن أولیاءه إلا المتقون و لکن اکثرهم لایعلمون

مفعول «لایعلمون» حقایقی است که آیه مورد بحث بدان پرداخته است ؛ از جمله ضرورت تقوا برای والیان مسجدالحرام و نیز استحقاق عذاب برای سدکنندگان مسجدالحرام بر روی مؤمنان.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - انفال - 8 - 35 - 2

2 - سوت کشیدن و کف زدن در اطراف کعبه به عنوان عبادت و نیایش از سوی کافران مکه ، دلیل عدم شایستگی آنان برای ولایت بر مسجدالحرام

إن أولیاءه إلا المتقون . . . مکاء و تصدیه

جمله «ماکان صلاتهم . . .» می تواند بیان مصداقی برای بی تقوایی متولیان کفرپیشه مسجدالحرام باشد و در نتیجه دلیلی برای عدم شایستگی آنان برای ولایت بر مسجدالحرام.

ص: 385

## 68- صدّ از مسجد الحرام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 217 - 10,17,18,25

10 - در نظر خداوند ، جلوگیری از ورود به مسجدالحرام ، گناهی بزرگتر از جنگیدن در ماه های حرام است .

الشهر الحرام قتال فيه قل قتال فيه كبير و صدّ عن سبيل الله . . . و المسجد الحرام .

بنابراینکه «و المسجد الحرام»، عطف بر «سبيل الله» باشد و «صدّ»، مبتدا و «اکبر»، خبر آن باشد. یعنی: «و صدّ عن سبيل الله و صدّ عن المسجد الحرام ... اکبر»

17 - مشرکان مکه ، مردمانی کفر پیشه و بازدارندگان از راه خداوند و مسجدالحرام

و صدّ عن سبيل الله و کفر به و المسجد الحرام و اخراج اهله

18 - جنگ در ماه های حرام ، موجب بازداشتن مردمان از راه خداوند و بازداری آنان از مسجدالحرام و کفر به خداست .

يسئلونك عن الشهر الحرام قتال فيه قل قتال فيه كبير و صدّ عن سبيل الله و کفر به و

بنابراینکه «و صدّ عن سبيل الله»، عطف بر «کبير» باشد: یعنی قتال فيه، صدّ عن سبيل الله و کفر به.

25 - کفر به خداوند و جلوگیری از راه او و مسجدالحرام و بیرون راندن اهل آن ، از مصادیق فتنه

و صدّ عن سبيل الله و کفر به و المسجد الحرام و اخراج اهله منه اکبر عندالله و الف

## 69- طواف در مسجد الحرام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 26 - 14,15

14 - طواف ، قیام ، رکوع و سجود ( نماز ) از آداب زیارت مسجدالحرام

و طهر بيتي للطائفين و القائمين و الركع السجود

ظاهر این است که مراد از «القائمين و الركع السجود» نمازگزاران است؛ یعنی، «خانه مرا برای طواف کنندگان و نمازگزاران آماده کن».

15 - لزوم تقدیم طواف بر نماز در زیارت مسجدالحرام

للطائفين و القائمين و الركع السجود

## 70- طهارت مسجد الحرام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 28 - 2

2- مسجد الحرام، مکانی است مقدس و دور داشتن هر گونه آلودگی از آن، لازم می باشد.

إنما المشركون نجس فلا يقربوا المسجد الحرام

ص: 386

## 71- ظلم بانیان مسجد ضرار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 109 - 15

15 - بناکنندگان مسجد ضرار ، از ظالمان و سقوط کنندگان در آتش دوزخند .

و الذین اتخذوا مسجداً ضراراً .. فانهار به فی نار جهنم

## 72- ظلم تخریب مسجد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 114 - 5

5 - کسانی که در پی تخریب مساجد برآیند از ستمکارترین مردمند .

و من أظلم ممن .. سعی فی خرابها

## 73- عبادت در مسجد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - اعراف - 7 - 29 - 5

5 - اهمیت عبادت و نماز در مسجد\*

و أقیموا وجوهکم عند کل مسجد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - جن - 72 - 18 - 6، 3، 1

1 - مسجد ها و معبد ها ، باید تنها به عبادت خداوند اختصاص داشته باشد .

وَأَنَّ الْمَسْجِدَ لِلَّهِ

«مساجد» (جمع «مسجد») به معنای محل هایی است که برای سجده و عبادت خدا، بنا شده است.

3 - هیچ کس جز خداوند ، نباید در مساجد و معابد مورد پرستش قرار گیرد .

تفريع جمله «فلاتدعوا..» بر «أن المساجد لله»، می رساند که نهی از دعا و عبادت غیر خدا، مربوط به مساجد است.

6- «عن یونس بن یعقوب قال : سمعت الصادق جعفر بن محمد (ع) يقول : . . . ملعون ملعون من لم یوقر المسجد ، تدری یا یونس لم عظم الله حق المساجد و أنزل هذه الآیه : « و أن المساجد لله فلاتدعوا مع الله أحداً » ؟ كانت الیهود و النصارى إذا دخلوا کنائسهم أشركوا بالله تعالى ، فأمر الله سبحانه نبيه أن یوحّد الله فیها و یعبدّه ؛

از یونس بن یعقوب روایت شده که گوید: از امام صادق (ع) شنیدم که فرمود: .. ملعون است، ملعون است، آن کس که به مساجد احترام نگذارد؛ ای یونس! می دانی چرا خداوند حق مساجد را بزرگ دانسته و آیه «وَأَنَّ الْمَسَاجِدَ لِلَّهِ فَلَا تَدْعُوا مَعَ اللَّهِ أَحَدًا» را نازل فرموده است؟ زیرا یهود و نصارا وقتی به معابد خود می رفتند، به خدای تعالی شرک میورزیدند. پس خداوند سبحان به پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) دستور داد که خدا را در مساجد به وحدانیت بخوانند و عبادت کنند».

#### 74- عبادتگاه مسجد الحرام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - انفال - 8 - 34 - 7

7 - مسجدالحرام، عبادتگاهی پر ارج و با عظمت در پیشگاه خداوند

و ما لهم ألا يعذبهم الله و هم يصدون عن المسجد الحرام

استحقاق عذاب برای بازداری از ورود به مسجدالحرام، حکایت از عظمت آن در پیشگاه خدا دارد.

#### 75- عظمت مسجد الحرام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - انفال - 8 - 34 - 7

7 - مسجدالحرام، عبادتگاهی پر ارج و با عظمت در پیشگاه خداوند

و ما لهم ألا يعذبهم الله و هم يصدون عن المسجد الحرام

استحقاق عذاب برای بازداری از ورود به مسجدالحرام، حکایت از عظمت آن در پیشگاه خدا دارد.

#### 76- عمومیت زیارت مسجد الحرام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 25 - 7

7 - تمامی مسلمانان (مکّی و آفاقی) ، نسبت به مسجدالحرام از حق مساوی برخوردارند .

الذی جعلنه للناس سواء العکف فیه و الباد

«سواء» به معنای «مستوی» و حال برای «الناس» است. «عاکف» به معنای مقیم (منظور اهل مکّه) است. «بادی» یعنی اهل بادیه و

مقصود از آن مردمی است که بیرون مکه و در سرزمین های دیگر زندگی می کنند؛ یعنی، ما مسجدالحرام را برای همه انسان ها قرار دادیم و در بهره مندی از آن، مکی و آفاقی برابrand و کسی را بر دیگری امتیازی نیست.

ص: 388



## 77- عمومیت مسجد الحرام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 25 - 6

6 - مسجدالحرام ، از آن عموم مردم خداپرست است و قشر خاصی حق محروم کردن مردم از زیارت آن را ندارد .

الذی جعله للناس

## 78- عوامل ممانعت از مسجد الحرام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - فتح - 48 - 26 - 1

1 - تعصّب جاهلی و غرور مشرکان مکه ، مایه بستن راه مسجدالحرام بر مؤمنان در حدیبیه

هم الذین کفروا و صدّوکم عن المسجدالحرام. .. إذ جعل الذین کفروا فی قلوبهم الحمیه

«إذ» ظرف برای «صدّوا» است.

## 79- غضب مسجد الحرام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - انفال - 8 - 34 - 4

4 - کفرپیشگان مکه به ناحق خویشتن را سرپرست مسجدالحرام می پنداشته و غاصبانه بر آن تسلط داشتند .

و هم یصدون عن المسجدالحرام و ما کانوا أولیاءه

## 80- فرجام مانعان از مسجد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 114 - 20

20 - عذاب بزرگ قیامت ، فرجام بازدارندگان مردم از ورود به مساجد برای یاد خدا

و من أظلم ممن منع مسجد الله .. و لهم فی الآخره عذاب عظیم

## 81- فضائل بانين مسجد قبا

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

ص: 389

7 - توبه - 9 - 109 - 6

6 - بنیان مسجد قبا، دارای تقوای الهی و در پی جلب رضایت خدا بودند.

لمسجد أسس علی التقوی .. أفمن أسس بنینه علی تقوی

مفسران بر آنند که شأن نزول این بخش از آیات، مسجد قبا و مسجد ضرار است. بر این اساس می توان گفت که: ضمیر «بنیانه» به مسجد قبا (لمسجد أسس علی التقوی) باز می گردد و آیه شریفه، در مقام تمجید بنیان مسجد قبا و تقبیح بنیان گذاران مسجد ضرار است.

### 82- فضیلت عبادت در مسجد قبا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 108 - 6

6 - مسجد قبا، بنیان نهاده شده بر اساس تقوا و مکانی شایسته برای عبادت

لمسجد أسس علی التقوی .. أحق أن تقوم فیه

با توجه به شأن نزول و به قرینه مسجد ضرار، منظور از «المسجد أسس علی التقوی» مسجد قبا می باشد.

### 83- فضیلت مسجد الحرام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - اعراف - 7 - 29 - 17

17 - عن أبی عبد الله (ع) فی قوله تعالی: «و أقیموا وجوهکم عند کل مسجد» قال: مساجد محدثه فامروا أن یقیموا وجوهکم شطر المسجد الحرام.

از امام صادق (ع) روایت شده است: مراد از آیه «و أقیموا وجوهکم ..»، مساجد نو بنیاد است که مردم مأمورند (هنگام عبادت) در آنها رو به مسجد الحرام بایستند.

### 84- فضیلت مسجد قبا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 108 - 10, 18, 19

10 - مسجد قبا، مسجدی بنا شده بر اساس تقوا و مأوای جویندگان پاکی و طهارت

لمسجد أسس على التقوى . . فيه رجال يحبون أن يتطهروا

18 - « عن الحلبي عن أبي عبد الله (ع) قال : سألته عن المسجد الذي أسس على التقوى قال : مسجد قبا ;

حلبی گوید از امام صادق (ع) پرسیدم: مسجدی که بر اساس تقوا بنیان نهاده شده کدام است؟ فرمود: مسجد قبا».

ص: 390

19 - ابی بن کعب گوید: « سئلت النبی (صلی الله علیه و آله) عن المسجد الذی أسس علی التقوی فقال: هو مسجدی هذا;

از پیغمبر (صلی الله علیه و آله) پرسیدم: مسجدی که بر اساس تقوا بنیان نهاده شده کدام است؟ فرمود: آن همین مسجد من است».

### 85- فلسفه بنای مسجد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 17 - 3

3- اظهار خضوع و فروتنی در پیشگاه خدا، حکمت و فلسفه ساختن مساجد

ما کان للمشرکین أن یعمروا مسجد اللّٰه

نامگذاری اماکن عبادت به «مساجد» بیانگر برداشت فوق می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 18 - 3

3- اظهار خضوع و فروتنی در پیشگاه خدا، فلسفه و حکمت ساختن مساجد

إنما یعمر مسجد اللّٰه

نامگذاری اماکن عبادت به «مساجد» بیانگر برداشت فوق است.

### 86- فلسفه تخریب مسجد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 114 - 2

2- ترک پرستش و یاد خدا، انگیزه کفرپیشگان در بازسازی مسلمانان از ورود به مساجد و تلاش برای تخریب آنها

و من أظلم ممن منع مسجد اللّٰه أن یذکر فیها اسمه و سعی فی خرابها

«أن یذکر» به تقدیر «لا»ی نافیه، مفعولٌ له برای «منع» است؛ یعنی، از ورود به مساجد جلوگیری می کردند تا نام خدا در آنها برده نشود.

### 87- فلسفه قبله شدن مسجد الحرام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - تعیین مسجدالحرام به عنوان قبله ، حکمی حق ( حکمت آمیز و به جا ) و از ناحیه خداوند

وإنه للحق من ربك

ص: 391

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 150 - 16

16 - فراهم آمدن زمینه دستیابی مسلمانان به هدایت های ویژه ، از هدف های تعیین مسجدالحرام به عنوان قبله آنان

فولوا وجوهکم شطره ... لعلکم تهتدون

چون مخاطبان آیه مسلمانان هستند و آنان به دلیل ایمانشان به اسلام هدایت یافته اند؛ معلوم می شود مراد از هدایت مطرح شده در «تهتدون»، هدایتی ویژه و کاملتر از هدایت نخست است.

### 88- فلسفه مسجد سازی در غار اصحاب کهف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - کهف - 18 - 21 - 36

36- زنده نگه داشتن خاطره و سرگذشت اصحاب کهف ، از اهداف بنا کنندگان مسجد در فضای غار بود .

لنتخذنّ علیهم مسجداً

قید «علیهم» بیان گر این نکته است که بنای مسجد در آن مکان، برای یادبود اصحاب کهف پیشنهاد شده بود.

### 89- فلسفه ممانعت از مسجد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 114 - 2

2 - ترک پرستش و یاد خدا ، انگیزه کفرپیشگان در بازداری مسلمانان از ورود به مساجد و تلاش برای تخریب آنها

و من أظلم ممن منع مسجد الله أن يذكر فيها اسمه و سعی فی خرابها

«آن یذکر» به تقدیر «لا»ی نافیه، مفعولاً له برای «منع» است؛ یعنی، از ورود به مساجد جلوگیری می کردند تا نام خدا در آنها برده نشود.

### 90- قبله بودن مسجد الحرام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 144 - 13،15

13 - مسلمانان در هر سرزمینی که باشند ، باید مسجد الحرام را قبله خویش قرار دهند .

و حیث ما کنتم فولوا وجوهکم شطره

15 - رو کردن به جهت و سمت مسجد الحرام ، در اعمالی که مشروط به قبله اند ، کافی است .

ص: 392



فول و جهک شطر المسجد الحرام و حیث ما کنتم فولوا و جوهکم شطره

بدیهی است که خود مسجد الحرام و یا کعبه، قبله می باشد. بنابراین آوردن کلمه «شطر» - که به معنای سمت و جهت است - این معنا را القا می کند که: در کارهای مشروط به قبله همانند نماز، لازم نیست به خط مستقیم رو به مسجد و یا کعبه قرار گرفت؛ بلکه کافی است به سمت و جهتی ایستاد که مسجد و یا کعبه در آن جهت قرار دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 145 - 1

1 - اهل کتاب وظیفه دار پذیرش مسجد الحرام به عنوان قبله خویش

ما تبعوا قبلتک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 149 - 2,4

2 - پیامبر (صلی الله علیه و آله) موظف شد در هر مکان، اعمال مشروط به قبله را به سوی مسجد الحرام انجام دهد.

و من حیث خرجت فول و جهک شطر المسجد الحرام

4 - رو کردن به سمت و جهت مسجد الحرام، در اعمال مشروط به قبله کافی است.

فول و جهک شطر المسجد الحرام

بدیهی است که خود مسجد الحرام یا کعبه قبله می باشد. بنابراین آوردن کلمه «شطر» - که به معنای سمت و جهت است - این معنا را القا می کند که: در کارهای مشروط به قبله همانند نماز لازم نیست به خط مستقیم رو به مسجد، یا کعبه قرار گرفت؛ بلکه کافی است به سمت و جهتی ایستاد که مسجد، یا کعبه در آن جهت، قرار دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 150 - 1,2,3

1 - مسجد الحرام قبله پیامبر (صلی الله علیه و آله) و همه مسلمانان جهان

و من حیث ... و حیث ما کنتم فولوا و جوهکم شطره

2 - مسجد الحرام قبله منطقه ای یا قبله گروهی خاص نیست.

و حیث ما کنتم فولوا وجوهکم شطره

3- روکردن به سمت و جهت مسجدالحرام، کافی در اعمال مشروط به قبله

فول وجهک شطر المسجدالحرام و حیث ما کنتم فولوا وجوهکم شطره

برداشت فوق از کلمه «شطر» که به معنای سمت و جهت است، استفاده می شود.

### 91- قبله شدن مسجد الحرام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 143 - 19

ص: 393

19 - تغییر قبله مسلمانان از بیت المقدس به سوی مسجد الحرام \*

و ما جعلنا القبلة التي كنت عليها

برداشت فوق مبتنی بر این است که «کان» در «التي كنت عليها» دلالت بر زمان ماضی داشته باشد، در این صورت «التي كنت عليها» دلالت بر تغییر قبله دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 144 - 17، 14، 12

12 - خداوند - در پی نوید تغییر قبله - به پیامبر (صلی الله علیه و آله) و مسلمانان فرمان داد تا رو به سوی مسجد الحرام کنند .

فلنولينك ... فول وجهك شطر المسجد الحرام و حيث ما كنتم فولوا وجوهكم شطره

14 - تعیین مسجد الحرام به عنوان قبله مسلمانان ، خشنودی و رضایت پیامبر (صلی الله علیه و آله) را در پی داشت .

فلنولينك قبله ترضيها فول وجهك شطر المسجد الحرام

17 - عالمان یهود و نصارا ، به خوبی می دانستند که قبله شدن مسجد الحرام ، فرمانی از ناحیه خداوند است .

إن الذين أوتوا الكتب ليعلمون أنه الحق

«لام» تأکید در «ليعلمون» بیانگر این است که: اهل کتاب هیچ تردیدی نداشتند و به روشنی می دانستند که تغییر قبله حق و از ناحیه خداوند است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 149 - 5، 1

1 - مسجد الحرام قبله تعیین شده برای پیامبر (صلی الله علیه و آله) از ناحیه خداوند

و من حيث خرجت فول وجهك شطر المسجد الحرام و إنه للحق من ربك

5 - تعیین مسجد الحرام به عنوان قبله ، پرتوی از ربوبیت خدا بر پیامبر (صلی الله علیه و آله) و در جهت پیشبرد اهداف وی بود .

و إنه للحق من ربك

اضافه «رب» (تربیت کننده و مدبر) به ضمیر «ك» که خطاب به پیامبر است، می تواند اشاره به این معنا باشد که: تغییر قبله در جهت تدبیر امور پیامبر؛ یعنی، اهداف رسالت، است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 150 - 17

17 - تغییر قبله از بیت المقدس به مسجدالحرام ، حادثه ای مهم و سرنوشت ساز در تاریخ اسلام

و من حیث خرجت فول وجهک شطر المسجد الحرام ... و لعلکم تهتدون

نزول آیات متعدد درباره تغییر و تعیین قبله؛ مخاطب قرار دادن پیامبر (صلی الله علیه و آله) و تکرار فرمان «فولّ . . .» (در آیات 144، 149 و 150) و نیز مخاطب قرار دادن مسلمانان و تکرار جمله «فولوا وجهکم شطره» (در دو آیه 144 و 150) بیانگر اهمیت خاص و با ارزش بودن تغییر و تعیین قبله است و اهداف اساسی بیان شده برای آن، حکایت از سرنوشت ساز بودن آن دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 151 - 3

ص: 394

3 - تغییر قبله از بیت المقدس به مسجدالحرام ، نعمتی بزرگ در ردیف نعمت رسالت

فولوا وجوهکم شطره . . . لعلکم تهتدون . کما أرسلنا فیکم رسولا

برداشت فوق مبتنی بر این است که کاف در «کما» برای تشبیه باشد. بر این مبنا تغییر قبله - که از آیه قبل به دست می آید - «مشبه» و ارسال پیامبر «مشبه به» می باشد و تشبیه مسأله قبله به نعمت رسالت، نشانگر عظمت آن مسأله و بزرگی آن نعمت است.

## 92- قتل در مسجد الحرام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 191 - 13

13 - در صورتی که دشمنان دین در مسجدالحرام و نواحی آن علیه مسلمانان وارد جنگ شوند ، نبرد با آنان و کشتن شان واجب است .

و لا تقتلوه عند المسجد الحرام حتی یقتلوه فیه فإن قتلوه فاقتلوه

## 93- قتل مانعان مسجد الحرام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - انفال - 8 - 34 - 3

3 - کافران مکه به دلیل بازداشتن اهل ایمان از ورود به مسجدالحرام ، مستوجب عذاب ( کشته شدن ، اسیر گشتن و . . . ) بودند .

و ما لهم الا یعذبهم الله و هم یصدون عن المسجد الحرام

با توجه به آیه قبل که عذاب استیصال را برای مردم مکه با شرایط ذکر شده منتفی دانست، معلوم می شود مراد از عذاب در این آیه به دلیل وقوع آن در بین آیات نبرد، شکست کافران و کشته و اسیر شدن آنان است.

## 94- قداست مسجد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 114 - 15، 14، 6

6 - مساجد ، از آن خدا و دارای قداست و احترامی خاص است .

مسجد الله

انتساب مساجد به خدا، با اضافه کردن کلمه «مساجد» به «الله» برای رساندن شرافت و حرمت ویژه آنهاست.

14 - كفرپيشگان ، حق حضور در مساجد را ندارند .

أولئك ما كان لهم أن يدخلوها

ص: 395

15 - کفرپیشگان ، در صورت حضور در مساجد ، مجرم اند و باید به دست مسلمانان عقوبت شوند .

أولئك ما كان لهم أن يدخلوها إلا خائفين

برداشت فوق، مبتنی بر این است که «إلا خائفين» استثنا از عدم ورود به مساجد باشد، نه از عدم جواز ورود. بر این مبنا، جمله «ما كان لهم...» بیانگر این معناست که: کافران حق ندارند به مساجد وارد شوند و در صورت تخلف، باید عقوبت شوند؛ زیرا ترس کافران از ورود به مساجد، در صورتی است که بدانند ورودشان در پی دارنده مجازات است.

22 - بستن مساجد به روی مردم و بازداشتن آنان از یاد خدا، از گناهان بزرگ است .

و من أظلم ممن منع مسجد الله أن يذكر فيها اسمه .. لهم في الآخرة عذاب عظيم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 187 - 28

28 - لزوم احترام به مساجد و حفظ قداست آنها \*

ولا تبشروهن و أنتم عكفون في المسجد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 17 - 4

4 - مساجد ، مکانهایی مقدس و متعلق به خدا و ملک اوست .

مسجد الله

اضافه «مساجد» به «الله» اضافه تشریفیه و بیانگر قداست مساجد است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 18 - 4

4 - مساجد ، مکان های مقدس و متعلق به خدا و ملک اوست .

مسجد الله

اضافه «مساجد» به «الله» اضافه تشریفیه و بیانگر قداست مساجد است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 21 - 37

37- وجود مسجد و ارجمندی آن در عصر بیدار شدن اصحاب كهف

لنتخذنّ عليهم مسجداً

### 95- قداست مسجد الحرام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 191 - 16

ص: 396



16 - مسجد الحرام و نواحی آن دارای قداستی والا و احترامی خاص

و لا تقتلوه عند المسجد الحرام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 217 - 15، 14

14 - مسجد الحرام ، دارای قداست و حرمت ویژه

و المسجد الحرام و اخراج اهله منه اكبر

15 - تنها پیامبر (صلی الله علیه و آله) و مؤمنان ، دارای صلاحیت و اهلیت برای مسجد الحرام هستند ; نه مشرکان و کفار \*

و اخراج اهله منه اكبر عند الله

با توجه به اینکه پیامبر (صلی الله علیه و آله) و مسلمانان را اهل مسجد الحرام شمرده است; شاید کنایه از اهلیت آنان برای مسجد الحرام و نا اهلی کفار برای آن باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 28 - 2

2 - مسجد الحرام ، مکانی است مقدس و دور داشتن هر گونه آلودگی از آن ، لازم می باشد .

إنما المشركون نجس فلا يقربوا المسجد الحرام

## 96- قیاس تولیت مسجد با جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 19 - 1

1 - سرزنش خداوند نسبت به مسلمانانی که شغل آب دهی به حاجیان و سرپرستی مسجد الحرام را با جهاد در راه خدا برابر انگاشته و خویشان را همطراز با مؤمنان اهل پیکار در راه خدا می پنداشتند .

أجعلتم سقايه الحاج و عماره المسجد الحرام كمن ءامن بالله و اليوم الآخر و جهد في

## 97- كف زدن در مسجد الحرام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - سوت کشیدن و کف زدن ، شیوه نیایش کافران مکه در مسجدالحرام و اطراف کعبه

و ما كان صلاتهم عند البيت إلا مكاء و تصديه

2 - سوت کشیدن و کف زدن در اطراف کعبه به عنوان عبادت و نیایش از سوی کافران مکه ، دلیل عدم شایستگی آنان برای ولایت بر

مسجدالحرام

ص: 397

إن أولياؤه إلا المتقون . . . مكاء و تصديه

جمله «ما كان صلاتهم . . .» می تواند بیان مصداقی برای بی تقوایی متولیان کفرپیشه مسجدالحرام باشد و در نتیجه دلیلی برای عدم شایستگی آنان برای ولایت بر مسجدالحرام.

### 98- کیفر اخروی مانعان از مسجد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 114 - 20

20 - عذاب بزرگ قیامت ، فرجام بازدارندگان مردم از ورود به مساجد برای یاد خدا

و من أظلم ممن منع مسجد الله . . . و لهم فی الآخرة عذاب عظیم

### 99- کیفر مانعان از مسجد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 114 - 17

17 - خواری و ذلت در دنیا ، سزای بازدارندگان مردم از ورود به مساجد

و من أظلم ممن منع مسجد الله . . . لهم فی الدنيا خزی

### 100- گناه تخریب مسجد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 114 - 21

21 - تخریب مساجد به انگیزه یاد نکردن خدا در آنها ، گناهی بزرگ و در پی دارنده خواری در دنیا و عذابی بزرگ در قیامت است .

و سعی فی خرابها . . . لهم فی الدنيا خزی و لهم فی الآخرة عذاب عظیم

از اینکه بازدارندگان مردم از ورود به مساجد و تخریب کنندگان آن ها، ظالمترین مردم شمرده شده اند و نیز به عذاب عظیم قیامت تهدید شده اند، بزرگی گناه آنان به دست می آید.

### 101- گناه ممانعت از مسجد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش



22 - بستن مساجد به روی مردم و بازداشتن آنان از یاد خدا، از گناهان بزرگ است .

و من أظلم ممن منع مسجد الله أن يذكر فيها اسمه .. لهم في الآخرة عذاب عظيم

### 102- گناه ممانعت از مسجد الحرام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - فتح - 48 - 25 - 4

4- باز داشتن مؤمنان از ورود به مسجدالحرام، گناهی بزرگ و کفرآمیز

هم الذين كفروا و صدّوكم عن المسجدالحرام

از این که خداوند، ممانعت از ورود مؤمنان به مسجدالحرام را به عنوان دومین جرم مهم مشرکان یاد کرده و آن را در کنار کفر آنان متذکر شده است؛ مطلب بالا استفاده می شود.

### 103- لغو در مسجد الحرام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - انفال - 8 - 35 - 4

4 - بازداشتن مؤمنان از مسجدالحرام و انجام کار های بیهوده به عنوان نیایش و پرستش، جلوه هایی از کفرپیشگی

و هم یصدون عن المسجدالحرام .. إلا مکاء و تصدیه ... بما کنتم تکفرون

از مصادیق مورد نظر برای «کنتم تکفرون» رفتارهای ناپسندی است که در این آیه و آیه قبل بیان شده است؛ یعنی بازداری از مسجدالحرام و کف زدن و سوک کشیدن به عنوان عبادت و نیایش.

### 104- مالک مسجد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 17 - 4

4 - مساجد، مکانهایی مقدس و متعلق به خدا و ملک اوست .

مسجد الله

اضافه «مساجد» به «الله» اضافه تشریفیه و بیانگر قداست مساجد است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 18 - 4

4 - مساجد ، مکان های مقدس و متعلق به خدا و ملک اوست .

ص: 399

اضافه «مساجد» به «الله» اضافه تشریفیه و بیانگر قداست مساجد است.

### 106- مانعان از مسجد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 114 - 13، 4، 3، 2، 1

1 - کفر پیشگان عصر بعثت، مسلمانان را از حضور در مساجد باز می داشتند و در صدد تخریب آنها بودند.

و من أظلم ممن منع مسجد الله... و سعی فی خرابها

فعل «منع» نیازمند دو مفعول است: یک مفعول آن «مساجد الله» است و مفعول دیگر «المسلمین» می باشد که به خاطر وضوح بیان نشده است؛ یعنی: «منع المسلمین مساجد الله» ماضی آوردن فعل «منع» حکایت از آن دارد که: ممانعت از ورود مسلمانان به مساجد تحقق یافته بوده؛ یعنی، آیه شریفه ضمن بیان ناروا بودن ممانعت از ورود به مساجد، اشاره دارد به قضایای بازداری از ورود مسلمانان صدر اسلام، به مسجد الحرام و... .

2 - ترک پرستش و یاد خدا، انگیزه کفرپیشگان در بازداری مسلمانان از ورود به مساجد و تلاش برای تخریب آنها

و من أظلم ممن منع مسجد الله أن يذكر فيها اسمه و سعی فی خرابها

«أن يذكر» به تقدیر «لا»ی نافیه، مفعول له برای «منع» است؛ یعنی، از ورود به مساجد جلوگیری می کردند تا نام خدا در آنها برده نشود.

3 - ممانعت از ورود مسلمانان به مساجد و تلاش برای تخریب آنها، از روش های مبارزاتی کفرپیشگان علیه اسلام و مسلمین

و من أظلم ممن منع مسجد الله أن يذكر فيها اسمه و سعی فی خرابها

4 - کسانی که مردم را از حضور در مساجد، به انگیزه یاد نشدن نام خدا، بازدارند، ستمکارترین مردمند.

و من أظلم ممن منع مسجد الله أن يذكر فيها اسمه

13 - تلاش یهود و نصارا برای تخریب مساجد و بازداشتن مردم از حضور یافتن در آنها\*

و من أظلم ممن منع مسجد الله أن يذكر فيها اسمه

از مصداقهای «من أظلم...» به دلیل آیه قبل، یهود و نصارا هستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - انفال - 8 - 34 - 5

5 - سرپرستان مسجدالحرام در صورت بازداشتن اهل ایمان از ورود به آن ، گنهکارند و از حق ولایت و سرپرستی محروم خواهند شد .

يصدون . . . و ما كانوا أولياؤه إن أولياؤه إلا المتقون

ص: 400



جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 26 - 11

11 - تولیت مسجدالحرام و آماده سازی آن برای زائران بیت الله ، مسؤولیتی بر عهده رهبران جامعه توحیدی

أن لا تشرك بی شیئاً و طهر بیتی للطائفین

### **108- محمد (صلی الله علیه و آله) و بانیان مسجد ضرار**

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 107 - 17

17 - وحی الهی ، کمک کننده پیامبر (صلی الله علیه و آله) در افشای چهره منافقانه و خیانت بار بانیان مسجد ضرار

و الذین اتخذوا مسجداً . . . و الله یشهد إنهم لکذبون

### **109- مخالفت با قبله شدن مسجد الحرام**

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 149 - 7

7 - کیفر خدا در انتظار کسانی است که با احکام او (نظیر قبله قرار دادن مسجدالحرام) مخالفت کنند .

و ما الله بغفل عما تعملون

از هدفهای بیان نظارت خدا بر اعمال بندگان، تهدید کسانی است که با احکام او مخالفت می کنند.

### **110- مسجد در دوران اصحاب کهف**

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - کهف - 18 - 21 - 37

37- وجود مسجد و ارجمندی آن در عصر بیدار شدن اصحاب کهف

لنتخذنّ علیهم مسجداً

### **111- مسجد سازی بر قبور**

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 21 - 38

38- ساختن مسجد بر اقامت گاه صالحان و مزار آنان ، جایز بوده و عبادت در کنار قبر آنان شایسته است .

ص: 401

لنَّتَّخِذَنَّ عَلَيْهِمْ مَسْجِدًا

هرگاه قرآن، از جوامع و ادیان پیشین، سخن و عملی را با لحنی نقل کند که نشانه تمجید و عنایت خاص خداوند باشد، معلوم می شود که قرآن، آن گفته و کردار را صحیح و پسندیده تلقی کرده است.

### 112- مسجد متروک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 114 - 8

8 - مساجدی که مردم در آن حضور نیابند و در آنها ذکر خدا نگویند، در حقیقت مساجدی ویرانه اند.

و من أظلم ممن منع مسجد الله أن يذكر فيها اسمه و سعی فی خرابها

برداشت فوق، مبتنی بر این احتمال است که جمله «سعی فی خرابها» (در تلاش برای تخریب مساجد هستند) تفسیر و توضیح جمله «منع مساجد الله أن يذكر فيها اسمه» باشد.

### 113- مسیحیان و تخریب مسجد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 114 - 13

13 - تلاش یهود و نصارا برای تخریب مساجد و بازداشتن مردم از حضور یافتن در آنها \*

و من أظلم ممن منع مسجد الله أن يذكر فيها اسمه

از مصداقهای «من أظلم ..» به دلیل آیه قبل، یهود و نصارا هستند.

### 114- مشرکان و مسجد الحرام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 217 - 15

15 - تنها پیامبر (صلی الله علیه و آله) و مؤمنان، دارای صلاحیت و اهلیت برای مسجدالحرام هستند؛ نه مشرکان و کفار \*

و اخراج اهله منه اکبر عندالله

با توجه به اینکه پیامبر (صلی الله علیه و آله) و مسلمانان را اهل مسجدالحرام شمرده است؛ شاید کنایه از اهلیت آنان برای مسجدالحرام و

نا اهلی کفار برای آن باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 17 - 6

ص: 402

6- تولیت مسجدالحرام ( تعمیر و رسیدگی به امور آن ) در صدر اسلام - تا پیش از فتح مکه - در دست مشرکان کفر پیشه بوده است .

ما كان للمشركين أن يعمرُوا مسجد الله شهدين على أنفسهم بالكفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7- توبه - 9 - 28 - 7

7- مشرکان ، دارای موسم سالانه برای آمدن به مسجدالحرام

فلا يقربوا المسجد الحرام بعد عامهم هذا

تعبیر به «عامهم» - که عام را به مشرکان اسناد داده - مشعر به این معناست.

### 115- مکان مسجد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 114 - 25

25 - از علی (ع) روایت شده که : « انه اراد جميع الارض لقول النبي (صلى الله عليه وآله) جعلت لى الارض مسجداً . . . » ;

مراد از مساجد الله در آیه فوق، تمامی زمین است؛ به خاطر سخن پیامبر که فرمود: زمین برای من جایگاه سجده قرار داده شد . . . ».

### 116- ملاک آبادانی مسجد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 114 - 9

9- آبادانی مساجد ، به یادکردن نام خدا در آنهاست .

أن يذكر فيها اسمه و سعی في خرابها

### 117- ملاک ارزش مسجد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7- توبه - 9 - 108 - 5

5- مسجدی که از نخستین لحظه بر اساس تقوا بنا شده ، دارای ارزش بوده و سزاوار است که در آن نماز اقامه شود .

لمسجد أسس على التقوى من أول يوم أحق أن تقوم فيه

ص: 403

## 118- ملاک ویرانی مسجد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 114 - 8

8 - مساجدی که مردم در آن حضور نیابند و در آنها ذکر خدا نگویند، در حقیقت مساجدی ویرانه اند.

و من أظلم ممن منع مسجد الله أن يذكر فيها اسمه و سعی فی خرابها

برداشت فوق، مبتنی بر این احتمال است که جمله «سعی فی خرابها» (در تلاش برای تخریب مساجد هستند) تفسیر و توضیح جمله «منع مساجد الله أن يذكر فيها اسمه» باشد.

## 119- ممانعت از عبادت خدا در مسجد الحرام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 25 - 3

3 - ممانعت کفرپیشگان صدر اسلام از برگزار شدن مراسم عبادت خدا و زیارت مسجد الحرام توسط مسلمانان

إنّ الذين كفروا و يصدّون عن سبيل الله و المسجد الحرام

«صد» (مصدر «يصدون») به معنای منع و بازداشتن است. مفعول «يصدون» محذوف و به تقدیر «يصدون الذين آمنوا» می باشد.

## 120- ممانعت از مسجد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 114 - 13، 4، 3، 1

1 - کفر پیشگان عصر بعثت، مسلمانان را از حضور در مساجد باز می داشتند و در صدد تخریب آنها بودند.

و من أظلم ممن منع مسجد الله .. و سعی فی خرابها

فعل «منع» نیازمند دو مفعول است: یک مفعول آن «مساجد الله» است و مفعول دیگر «المسلمین» می باشد که به خاطر وضوحش بیان نشده است؛ یعنی: «منع المسلمین مساجد الله» ماضی آوردن فعل «منع» حکایت از آن دارد که: ممانعت از ورود مسلمانان به مساجد تحقق یافته بوده؛ یعنی، آیه شریفه ضمن بیان ناروا بودن ممانعت از ورود به مساجد، اشاره دارد به قضایای بازداری از ورود مسلمانان صدر اسلام، به مسجد الحرام و ..

3 - ممانعت از ورود مسلمانان به مساجد و تلاش برای تخریب آنها، از روش های مبارزاتی کفرپیشگان علیه اسلام و مسلمین

و من أظلم ممن منع مسجد الله أن يذكر فيها اسمه و سعی فی خرابها

4 - کسانی که مردم را از حضور در مساجد، به انگیزه یاد نشدن نام خدا، بازدارند، ستمکارترین مردمند.

و من أظلم ممن منع مسجد الله أن يذكر فيها اسمه

ص: 404



13 - تلاش یهود و نصارا برای تخریب مساجد و بازداشتن مردم از حضور یافتن در آنها \*

و من أظلم ممن منع مسجد الله أن يذكر فيها اسمه

از مصداقهای «من أظلم ..» به دلیل آیه قبل، یهود و نصارا هستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 115 - 9

9 - مسلمانان، نباید به بهانه بازداشتن شدن از ورود به مساجد، ذکر و عبادت خدا را ترک کنند.

و من أظلم ممن منع مسجد الله .. لله المشرق والمغرب

برداشت فوق، مقتضای ارتباط آیه مورد بحث با آیه قبل است.

### 121- ممانعت از مسجد الحرام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 114 - 24

24 - از امام صادق (ع) درباره آیه فوق روایت شده که: «انهم قریش حين منعوا رسول الله دخول مكة والمسجد الحرام»؛

آنان قریش بودند آن هنگام که مانع ورود رسول خدا (صلی الله علیه و آله) به مکه و مسجد الحرام شدند».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 2 - 30, 29

29 - جلوگیری مشرکان از ورود مسلمانان صدر اسلام به مسجد الحرام

ان صدوكم عن المسجد الحرام

30 - جلوگیری مشرکان از ورود مسلمانان به مسجد الحرام، مایه خشم و کینه مؤمنان نسبت به آنان

ولا یجرمنکم شنئان قوم ان صدوكم عن المسجد الحرام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - انفال - 8 - 34 - 1, 2, 3, 5, 8, 10

1 - کفرپیشگان مکه ، مؤمنان را از ورود به مسجدالحرام باز می داشتند .

و ما لهم ألا يعذبهم الله وهم يصدون عن المسجد الحرام

در برداشت فوق مفعول «یصدون»، به مناسبت حکم و موضوع، المؤمنین گرفته شده است.

2 - بازداشتن مردم از ورود به مسجدالحرام ، گناهی مستوجب عذاب الهی

و ما لهم ألا يعذبهم الله وهم يصدون عن المسجد الحرام

3 - کافران مکه به دلیل بازداشتن اهل ایمان از ورود به مسجدالحرام ، مستوجب عذاب ( کشته شدن ، اسیر گشتن و . . . ) بودند .

و ما لهم ألا يعذبهم الله وهم يصدون عن المسجد الحرام

با توجه به آیه قبل که عذاب استیصال را برای مردم مکه با شرایط ذکر شده منتفی دانست، معلوم می شود مراد از عذاب در این

ص: 405

آیه به دلیل وقوع آن در بین آیات نبرد، شکست کافران و کشته و اسیر شدن آنان است.

5- سرپرستان مسجدالحرام در صورت بازداشتن اهل ایمان از ورود به آن، گنهکارند و از حق ولایت و سرپرستی محروم خواهند شد.

یصدون .. و ما كانوا أولیاءه إن أولیاءه إلا المتقون

8- بازداشتن مؤمنان از ورود به مسجدالحرام، حاکی از نداشتن تقواست.

یصدون عن المسجدالحرام .. إن أولیاءه إلا المتقون

10- اکثر کافران مکه ناآگاه به مستحق بودن عذاب الهی به سبب بازداشتن مؤمنان از مسجدالحرام

و ما لهم ألا یعذبهم الله و هم یصدون عن المسجدالحرام .. و لكن أكثرهم لا یعلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - انفال - 8 - 35 - 4

4- بازداشتن مؤمنان از مسجدالحرام و انجام کارهای بیهوده به عنوان نیایش و پرستش، جلوه‌هایی از کفرپیشگی

و هم یصدون عن المسجدالحرام .. إلا مکاء و تصدیه ... بما کنتم تکفرون

از مصادیق مورد نظر برای «کنتم تکفرون» رفتارهای ناپسندی است که در این آیه و آیه قبل بیان شده است؛ یعنی بازداری از مسجدالحرام و کف زدن و سوک کشیدن به عنوان عبادت و نیایش.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 25 - 3,5

3- ممانعت کفرپیشگان صدراسلام از برگزار شدن مراسم عبادت خدا و زیارت مسجدالحرام توسط مسلمانان

إنّ الذین کفروا و یصدون عن سبیل الله و المسجد الحرام

«صد» (مصدر «یصدون») به معنای منع و بازداشتن است. مفعول «یصدون» محذوف و به تقدیر «یصدون الذین آمنوا» می باشد.

5- جلوگیری از ورود حاجیان به مسجدالحرام، نمونه آشکار بازداشتن مردم از راه خدا

و یصدون عن سبیل الله و المسجد الحرام

مراد از «سبیل الله» - همان طور که گفته شد - عبادت و پرستش خدای یگانه است. بنابراین و با توجه به این که زیارت مسجدالحرام از

سوی مؤمنان و انجام مراسم ویژه آن (طواف، سعی و...) از مصداق های عبادت خدا محسوب می شود، ذکر آن بعد از «سبیل الله»، می تواند بدان معنا باشد که جلوگیری از ورود زائران به مسجدالحرام، از مصادیق بارز ممانعت از راه خدا است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - فتح - 48 - 25 - 1

1- مذمت خداوند از کفر مشرکان، و جلوگیری آنان از ورود مؤمنان به مسجدالحرام و قربانی کردن

هم الذين كفروا و صدّوكم عن المسجدالحرام و الهدى معكوفاً

ص: 406

## 122- ممنوعیت حق کشی در مسجد الحرام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 25 - 12

12 - ممنوعیت هرگونه انحراف از حق و تجاوز به حقوق دیگران ، در محیط مسجدالحرام

و من یرد فیه بالحد بظلم نذقه من عذاب الیم

«إلحاد» به معنای انحراف و کج روی است. از نکره آوردن «إلحاد» و «ظلم» استفاده می شود که مردم در مسجدالحرام و محدوده آن، باید در امنیت و آرامش مطلق باشند و در این راستا از کم ترین و کوچک ترین انحراف و تجاوز به حقوق آنان، چشم پوشی نخواهد شد.

## 123- ممنوعیت ممانعت از مسجد الحرام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 25 - 6,9

6 - مسجدالحرام ، از آن عموم مردم خداپرست است و قشر خاصی حق محروم کردن مردم از زیارت آن را ندارد .

الذی جعلنه للناس

9 - ساکنان مکه ، حق ممانعت دیگران از زیارت مسجدالحرام را ندارند .

الذی جعلنه للناس سواء العکف فیه و الباد

## 124- ممنوعیت نماز در مسجد ضرار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 108 - 1,4

1 - پیامبر (صلی الله علیه و آله) مورد نهی مؤکد الهی از حضور یافتن و اقامه نماز در مسجد ضرار

لا تقم فیه أبداً

4 - حضور و اقامه نماز در مسجدی که به انگیزه های باطل بنا شود ، ممنوع است .

مسجداً ضراراً .. لا تقم فیه أبداً

## 125- ممنوعیت ورود مشرکان به مسجد الحرام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 28 - 19، 23، 4، 3

3 - ممانعت از نزدیک شدن مشرکان به مسجد الحرام، بر اهل ایمان واجب است .

ص: 407

يأيها الذين ءامنوا إنما المشركون نجس فلا يقربوا المسجد الحرام

4- اعلان ممنوعيت ورود مشركان به مسجدالحرام در سال نهم هجرت

فلا يقربوا المسجد الحرام بعد عامهم هذا

آيات سوره براءت - بنا بر گفته مفسران - در مراسم حج سال نهم هجرت بر مشركان خوانده شد.

19 - ممنوعيت مشركان از نزديك شدن به مسجدالحرام ، حكمي است مبتني بر علم و حكمت گسترده خدا .

يأيها الذين ءامنوا إنما المشركون نجس فلا يقربوا المسجد الحرام .. إن الله علیم

23 - از رسول خدا (صلی الله علیه و آله) روایت شده است : « لا یدخل المسجد الحرام مشرک بعد عامی هذا أبداً إلا أهل العهد و خدمکم ;

از این سال هیچ مشرکی نباید داخل مسجدالحرام شود، مگر کسانی که با مسلمانان عهد بسته اند یا خدمتکار شما مسلمانان هستند».

## 126- منافقان و مسجد ضرار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 107 - 1،2،3،5،11،16

1 - اقدام منافقان به ساختن مسجدی برای هدف های زیانبار و کفرآمیز و تفرقه افکن میان مؤمنان

اتخذوا مسجداً ضراراً و کفراً و تقریباً بین المؤمنین

2 - اقدام منافقان به ساختن پایگاهی تحت عنوان « مسجد » برای دشمنان دیرینه خدا و رسول خدا

و الذین اتخذوا مسجداً .. إرساداً لمن حارب الله و رسوله

3 - به کارگیری خانه خدا علیه دین خدا ، توسط منافقان

و الذین اتخذوا مسجداً .. إرساداً لمن حارب الله و رسوله

5 - کفر درونی منافقان انگیزه ساختن مسجد ضرار

مسجداً ضراراً و کفراً

« کفراً » می تواند به معنای ترویج کفر نباشد ؛ بلکه به این معنا باشد که عمل منافقان و سازندگان مسجد ضرار ، نشأت یافته از کفرشان بوده

است.

11 - تمسک منافقان به سوگند دروغ برای اثبات حسن نیت خویش در ساختن مسجد ( مسجد ضرار )

و ليحلفن إن أردنا إلا الحسنى

16 - گواهی خداوند بر دروغ گویی منافقان در داشتن حسن نیت در ساختن مسجد ( مسجد ضرار )

و الله يشهد إنهم لكذوبون

### 127- منشأ فضیلت مسجد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 107 - 10

ص: 408



10 - ارزشمندی ساختن مسجد ، در گرو حسن نیت و انگیزه الهی داشتن آن است .

و الذين اتخذوا مسجداً .. و ليحلفن إن أردنا إلا الحسنى و الله يشهد إنهم لكذوبون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 108 - 7

7 - منزلت معنوی مسجد ، منوط به نیت بنیانگذار آن است .

مسجداً ضراراً .. لا تقم فيه أبداً المسجد أسس على التقوى من أول يوم أحق

### 128 - نقش مسجد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 114 - 7,9

7 - مساجد ، جایگاه عبادت خدا و یاد کردن نام اوست .

مسجد الله أن يذكر فيها اسمه

سجده، بارزترین نمود پرستش است و تعبیر از پایگاههای دینی اهل ایمان به مسجد (جایگاه سجده) بیانگر این است که: آن پایگاهها محل عبادت و پرستش می باشد.

9 - آبادانی مساجد ، به یاد کردن نام خدا در آنهاست .

أن يذكر فيها اسمه و سعی في خرابها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 107 - 9

9 - مسجد ، باید تأمین کننده منافع مسلمانان و مایه تحکیم ایمان و وحدت مؤمنان و نیز سنگری علیه دشمنان خدا و رسول باشد .

و الذين اتخذوا مسجداً ضراراً و كفراً و تفریقاً بین المؤمنین و إرساداً لمن حارب ا

اینکه خداوند، سازندگان مسجد ضرار را از آن جهت که آن را مرکزی برای آسیب رساندن به جامعه اسلامی، ایجاد تفرقه میان مسلمانان، نشر کفر و کمینگاهی برای دشمنان محارب خدا و رسول قرار داده بودند مورد تقبیح و توبیخ قرار داده، استفاده می شود که مسجد باید تأمین کننده منافع مسلمانان و .. باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 108 - 11

11 - مسجد ، باید پایگاهی برای تربیت و تهذیب انسان های شایسته باشد .

لمسجد أسس . . . فیه رجال یحبون أن یتطهروا

ص: 409

## 129- نماز در مسجد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - اعراف - 7 - 29 - 5

5 - اهمیت عبادت و نماز در مسجد\*

و أقيموا وجوهكم عند كل مسجد

## 130- نماز در مسجد الحرام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 26 - 14, 15

14 - طواف ، قیام ، رکوع و سجود ( نماز ) از آداب زیارت مسجدالحرام

و طهر بيتي للطائفين و القائمين و الرّكع السجود

ظاهر این است که مراد از «القائمين و الرّكع السجود» نمازگزاران است؛ یعنی، «خانه مرا برای طواف کنندگان و نمازگزاران آماده کن».

15 - لزوم تقدیم طواف بر نماز در زیارت مسجدالحرام

للطائفين و القائمين و الرّكع السجود

## 131- نیت در بنای مسجد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 107 - 10

10 - ارزشمندی ساختن مسجد ، در گرو حسن نیت و انگیزه الهی داشتن آن است .

و الذين اتخذوا مسجداً .. و ليحلفن إن أردنا إلا الحسنى و الله يشهد إنهم لكذبون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 108 - 7

7 - منزلت معنوی مسجد ، منوط به نیت بنیانگذار آن است .

مسجداً ضراراً .. لا تقم فيه أبداً المسجد أسس على التقوى من أول يوم أحق

### 132- ورود كافرين به مسجد

جلد - نام سورہ - سورہ - آيہ - فيش

ص: 410

14 - کفرپیشگان، حق حضور در مساجد را ندارند.

أولئك ما كان لهم أن يدخلوها

15 - کفرپیشگان، در صورت حضور در مساجد، مجرم اند و باید به دست مسلمانان عقوبت شوند.

أولئك ما كان لهم أن يدخلوها إلا خائفين

برداشت فوق، مبتنی بر این است که «إلا خائفين» استثنا از عدم ورود به مساجد باشد، نه از عدم جواز ورود. بر این مبنا، جمله «ما كان لهم...» بیانگر این معناست که: کافران حق ندارند به مساجد وارد شوند و در صورت تخلف، باید عقوبت شوند؛ زیرا ترس کافران از ورود به مساجد، در صورتی است که بدانند ورودشان در پی دارنده مجازات است.

16 - کفرپیشگانی که در سیطره حکومت اسلامی به سر می برند، حق ورود به مساجد دارند.

أولئك ما كان لهم أن يدخلوها إلا خائفين

برداشت فوق، بر این اساس است که «إلا خائفين» استثنا از عدم جواز ورود باشد؛ یعنی، کافران نباید داخل مسجد شوند، مگر آن گاه که از مسلمانان هراسان باشند و در آن صورت ورودشان به مساجد جایز است. این معنا شامل کفرپیشگانی می شود که در سیطره حکومت اسلامی به سر می برند.

### 133- ورود مسلمانان به مسجد الحرام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - فتح - 48 - 27 - 6، 2

2- رؤیای پیامبر، نمایانگر ورود مسلمانان به مسجدالحرام با امنیت و سر تراشیدن و کوتاه کردن مو

لقد صدق الله رسوله الرءيا بالحق لتدخلن المسجد الحرام إن شاء الله ءامنين محلّ

6- اعجاز قرآن، در پیشگویی ورود حتمی مسلمانان به مسجدالحرام همراه با آرامش و امنیت

لتدخلن المسجدالحرام... ءامنين

با توجه به این که رؤیای پیامبر(صلی الله علیه و آله) و وعده خداوند، دو سال پس از حدیبیه به کامل ترین صورت تحقق یافت؛ مطلب بالا استفاده می شود.

### 134- ولایت بر مسجد الحرام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - انفال - 8 - 34 - 6

6 - ولایت و سرپرستی بر مسجدالحرام ، تنها شایسته تقوایندگان است .

و ما كانوا أولياؤه إن أولياؤه إلا المتقون

ص: 411

### 135- ویژگیهای مسجد الحرام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 25 - 13، 12

12 - ممنوعیت هرگونه انحراف از حق و تجاوز به حقوق دیگران ، در محیط مسجدالحرام

و من یرد فیه بِالْحَادِ بِظَلَمِ نَذَقَهُ مِنْ عَذَابِ أَلِيمٍ

«إلحاد» به معنای انحراف و کج روی است. از نکره آوردن «إلحاد» و «ظلم» استفاده می شود که مردم در مسجدالحرام و محدوده آن، باید در امنیت و آرامش مطلق باشند و در این راستا از کم ترین و کوچک ترین انحراف و تجاوز به حقوق آنان، چشم پوشی نخواهد شد.

13 - مگه ( مسجد الحرام و محدوده آن ) باید محیطی امن برای همگان باشد .

سواء العکف فیه و الباد

### 136- هدایت ناپذیری بانیان مسجد ضرار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 110 - 5

5 - منافقان بناکننده مسجد ضرار ، مردمی هدایت ناپذیر بودند .

اتخذوا مسجداً ضراراً .. لا یزال ... ربه فی قلوبهم إلا أن تقطع قلوبهم

### 137- یهود و تخریب مسجد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 114 - 13

13 - تلاش یهود و نصارا برای تخریب مساجد و بازداشتن مردم از حضور یافتن در آنها \*

و من أظلم ممن منع مسجد الله أن یذکر فیها اسمه

از مصداقهای «من أظلم ..» به دلیل آیه قبل، یهود و نصارا هستند.

مسجد الحرام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - آل عمران - 3 - 97 - 23

23 - مقام ابراهیم (ع) که نقش دو پای وی بر آن است و حجرالاسود و خانه اسماعیل نشانه هایی روشن در مسجدالحرام

ص: 412



امام صادق (ع) در پاسخ سؤال از «آیات بیّنات» در آیه فوق فرمود: مقام ابراهیم حیث قام علی الحجر فآثرت فیه قدماه و الحجر الاسود و منزل اسماعیل.

کافی، ج 4، ص 223، ح 1؛ تفسیر عیاشی، ج 1، ص 187، ح 99.

### 139- آثار قبله شدن مسجد الحرام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 150 - 15، 8، 9

8 - تعیین کعبه به عنوان قبله مسلمانان، موجب روشن شدن حقانیت پیامبر اسلام برای گروهی از مخالفان

لئلا یکون للناس علیکم حجه إلا الذین ظلموا منهم

وجود حجت برای ستمگران - که مفاد جمله استثنائیه است - بدان معنا نیست که ستم پیشگان علیه مسلمانان دلیل دارند؛ بلکه مراد تقسیم مخالفان است به دو جناح: جناحی که از سر ظلم و ستم با پیامبر (صلی الله علیه و آله) مخالفت می کردند و جناحی که بر اساس شبهه دست به مخالفت زده اند. دسته اول در هر حال - چه تغییر قبله حاصل می شد، یا نمی شد - به مخالفت و دشمنی ادامه می دادند و دسته دوم به حقانیت پیامبر (صلی الله علیه و آله) پی برده و از تبلیغات سوء دست می کشیدند.

9 - تنها ستم پیشگان پس از تعیین مسجد الحرام به عنوان قبله، دست از بهانه جویی برنداشته و به دشمنی خویش علیه مسلمانان ادامه می دادند.

لئلا یکون للناس علیکم حجه إلا الذین ظلموا منهم

15 - تغییر قبله از بیت المقدس به مسجد الحرام، زمینه ساز کامل شدن نعمت خدا بر مسلمانان

فولوا وجوهکم شطره... لآتم نعمتی علیکم

برداشت فوق بر این اساس است که «لآتم نعمتی...» عطف بر «لئلا یکون...» باشد؛ در نتیجه «لآتم...» بیان غایت و هدف برای جمله «فولوا وجوهکم شطره» خواهد شد.

### 140- آثار ممانعت از مسجد الحرام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4- باز داشتن مؤمنان از ورود به مسجدالحرام، گناهی بزرگ و کفرآمیز

هم الذين كفروا و صدّوكم عن المسجدالحرام

از این که خداوند، ممانعت از ورود مؤمنان به مسجدالحرام را به عنوان دومین جرم مهم مشرکان یاد کرده و آن را در کنار کفر آنان متذکر شده است؛ مطلب بالا استفاده می شود.

ص: 413

## 141- آداب زیارت مسجد الحرام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 26 - 14

14 - طواف، قیام، رکوع و سجود (نماز) از آداب زیارت مسجدالحرام

و طهر بیته للطائفین والقائمین والرکع السجود

ظاهر این است که مراد از «القائمین والرکع السجود» نمازگزاران است؛ یعنی، «خانه مرا برای طواف کنندگان و نمازگزاران آماده کن».

## 142- آداب مسجد الحرام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 29 - 2

2 - ورود به مسجدالحرام برای انجام طواف، با سر و تن آلوده و نیاراسته، ممنوع است.

ثم لیقضوا تفثهم

## 143- ابراهیم (ع) کنار مسجد الحرام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 27 - 5

5 - اقامتگاه حضرت ابراهیم (ع) در جوار مسجدالحرام بود.

یأتوک رجالاً

از جمله «یأتوک رجالاً» (مردم پیاده و سواره نزد تو خواهند آمد) برمی آید که بنیان گذار کعبه، در کنار آن اقامت داشت؛ به طوری که هر زائری هنگام ورود به مسجدالحرام، بر آن حضرت نیز وارد می شد.

## 144- احترام مسجد الحرام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 191 - 16

16 - مسجد الحرام و نواحی آن دارای قداستی والا و احترامی خاص

و لا تقتلوهم عند المسجد الحرام

ص: 414

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - آل عمران - 3 - 97 - 7،8،19

7 - امنیّت کامل برای کسانی که وارد کعبه می شوند .

و من دخله کان امنأ

8 - لزوم حفظ و برقراری امنیّت در کعبه

و من دخله کان امنأ

بنابراینکه جمله خبریّه در مقام انشاء باشد.

19 - کسی که در خارج حرم مرتکب جرم شده و به حرم پناه می برد ، از تعقیب در امان است .

و من دخله کان امنأ

امام صادق (ع) درباره آیه فوق فرمود: اذ احدث العبد فی غیر الحرم جنایه ثم فرّ الی الحرم لم یسع لأحد ان یأخذه فی الحرم.

---

کافی، ج 4، ص 226، ح 2؛ تفسیر برهان، ج 1، ص 299، ح 5.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - انفال - 8 - 34 - 6،9

6 - ولایت و سرپرستی بر مسجدالحرام ، تنها شایسته تقوایبندگان است .

و ما کانوا أولیاءه إن أولیاءه إلا المتقون

9 - ضرورت تعیین سرپرست برای رسیدگی به امور مسجدالحرام \*

و ما کانوا أولیاءه إن أولیاءه إلا المتقون

لحن آیه حکایت از آن دارد که وجود سرپرست برای مسجدالحرام مفروض دانسته شده است ؛ تنها سخن درباره شایستگان این سِمَت می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - انفال - 8 - 35 - 2

2 - سوت کشیدن و کف زدن در اطراف کعبه به عنوان عبادت و نیایش از سوی کافران مکه ، دلیل عدم شایستگی آنان برای ولایت بر مسجدالحرام

إن أولیاءه إلا المتقون . . . مکاء و تصدیه

جمله «ما کان صلاتهم . . . » می تواند بیان مصداقی برای بی تقوایی متولیان کفرپیشه مسجدالحرام باشد و در نتیجه دلیلی برای عدم شایستگی آنان برای ولایت بر مسجدالحرام.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 28 - 19، 3، 2

2 - مسجدالحرام ، مکانی است مقدس و دور داشتن هر گونه آلودگی از آن ، لازم می باشد .

إنما المشركون نجس فلا یقربوا المسجد الحرام

ص: 415

3 - ممانعت از نزدیک شدن مشرکان به مسجدالحرام ، بر اهل ایمان واجب است .

يأيتها الذين ءامنوا إنما المشركون نجس فلا يقربوا المسجدالحرام

19 - ممنوعیت مشرکان از نزدیک شدن به مسجدالحرام ، حکمی است مبتنی بر علم و حکمت گسترده خدا .

يأيتها الذين ءامنوا إنما المشركون نجس فلا يقربوا المسجدالحرام .. . إنّ الله علیم

### 146- اسارت مانعان مسجد الحرام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - انفال - 8 - 34 - 3

3 - کافران مکه به دلیل بازداشتن اهل ایمان از ورود به مسجدالحرام ، مستوجب عذاب ( کشته شدن ، اسیر گشتن و . . . ) بودند .

و ما لهم الا يعذبهم الله وهم يصدون عن المسجدالحرام

با توجه به آیه قبل که عذاب استیصال را برای مردم مکه با شرایط ذکر شده منتفی دانست ، معلوم می شود مراد از عذاب در این آیه به دلیل وقوع آن در بین آیات نبرد ، شکست کافران و کشته و اسیر شدن آنان است .

### 147- اسراء محمد(صلی الله علیه و آله) از مسجد الحرام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 1 - 17، 3، 2

2- خداوند ، پیامبر (صلی الله علیه و آله) را در یک شب از مسجدالحرام به مسجدالاقصی سیر داد .

أسرى بعبدہ لیلاً من المسجدالحرام إلى المسجدالأقصا

«السرى» در لغت به معنای سیر و حرکت شبانه است .

3- سیر دادن پیامبر (صلی الله علیه و آله) در یک شب از مسجدالحرام به مسجدالاقصی ، نشانه قدرتمندی خداوند و مبرّا بودنش از هر ضعف و کاستی است .

سبحن الذی أسرى بعبدہ لیلاً من المسجدالحرام إلى المسجدالأقصا

17- سیر پیامبر (صلی الله علیه و آله) در یک شب از مسجدالحرام به مسجدالاقصی ، از جمله آیات مهم الهی برای پیامبر (صلی الله علیه و آله) بود .

سبحن الذی أسرى . . . لنریه من آیتنا

### **148- امنیت در مسجد الحرام**

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - آل عمران - 3 - 97 - 19، 8، 7

7 - امنیت کامل برای کسانی که وارد کعبه می شوند .

ص: 416



و من دخله كان امناً

8 - لزوم حفظ و برقراری امنیت در کعبه

و من دخله كان امناً

بنابراینکه جمله خبریه در مقام انشاء باشد.

19 - کسی که در خارج حرم مرتکب جرم شده و به حرم پناه می برد، از تعقیب در امان است.

و من دخله كان امناً

امام صادق (ع) درباره آیه فوق فرمود: اذ احدث العبد فی غیر الحرم جنایه ثم فرّ الی الحرم لم یسع لأحد ان يأخذه فی الحرم.

---

کافی، ج 4، ص 226، ح 2؛ تفسیر برهان، ج 1، ص 299، ح 5.

#### 149- امنیت مسجد الحرام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 217 - 12

12 - لزوم تأمین امنیت حرم الهی در ماه های حرام

یسئلونک عن الشهر الحرام قتال فيه قل قتال فيه کبیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 25 - 13

13 - مکه (مسجد الحرام و محدوده آن) باید محیطی امن برای همگان باشد.

سواء العکف فيه و الباد

#### 150- اهمیت تطهیر مسجد الحرام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 26 - 13

13 - لزوم پاسداری از حرمت مسجدالحرام و محفوظ داشتن آن از آلودگی های ظاهری و پلیدی های باطنی ( مظاهر

آن لاتشرک بی شیئاً و طهر بیتی

### 151- اهمیت محافظت از مسجد الحرام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 26 - 13

ص: 417

13 - لزوم پاسداری از حرمت مسجدالحرام و محفوظ داشتن آن از آلودگی های ظاهری و پلیدی های باطنی ( مظاهر

آن لاتشرک بی شیئاً و طهر بیتی

### 152- اهمیت مسجد الحرام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مانده - 5 - 2 - 13

13 - اهمیت خاص مسجد الحرام ، حج و مناسک آن

یا ایها الذین ءامنوا لاتحلوا... و لاءآمین البیت الحرام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - انفال - 8 - 34 - 6, 9, 3

2 - بازداشتن مردم از ورود به مسجدالحرام ، گناهی مستوجب عذاب الهی

و ما لهم الا یعذبهم الله و هم یصدون عن المسجدالحرام

3 - کافران مکه به دلیل بازداشتن اهل ایمان از ورود به مسجدالحرام ، مستوجب عذاب ( کشته شدن ، اسیر گشتن و... ) بودند .

و ما لهم الا یعذبهم الله و هم یصدون عن المسجدالحرام

با توجه به آیه قبل که عذاب استیصال را برای مردم مکه با شرایط ذکر شده منتفی دانست، معلوم می شود مراد از عذاب در این آیه به دلیل وقوع آن در بین آیات نبرد، شکست کافران و کشته و اسیر شدن آنان است.

6 - ولایت و سرپرستی بر مسجدالحرام ، تنها شایسته تقوایبندگان است .

و ما کانوا اولیاءه ان اولیاءه الا المتقون

9 - ضرورت تعیین سرپرست برای رسیدگی به امور مسجدالحرام \*

و ما کانوا اولیاءه ان اولیاءه الا المتقون

لحن آیه حکایت از آن دارد که وجود سرپرست برای مسجدالحرام مفروض دانسته شده است ؛ تنها سخن درباره شایستگان این سِمَت می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 28 - 2

2 - مسجدالحرام ، مکانی است مقدس و دور داشتن هر گونه آلودگی از آن ، لازم می باشد .

إنما المشركون نجس فلا يقربوا المسجد الحرام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 1 - 11

11 - زمین مسجدالحرام و مسجدالاقصى ، دارای اهمیت معنوی ویژه است .

أسرى بعبدہ لیلاً من المسجد الحرام إلى المسجد الأقصى

ص: 418

اینکه مبدأ و منتهای سیر پیامبر (صلی الله علیه و آله) دو مکان خاص عبادت (مسجدالحرام و مسجدالأقصا) قرار گرفت، حکایت از حقیقت فوق دارد.

### 153- اهمیت مسجد الحرام در صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 7 - 5

5 - انعقاد پیمان صلح میان مسلمانان صدر اسلام و مشرکان در کنار مسجدالحرام

إلا الذین عهدتم عند المسجدالحرام

### 154- برکات مسجد الحرام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 28 - 5

5 - عرفات و مشعر ، کانون خیر و برکت فراوان برای حج گزاران

لیشهدوا منفع لهم

برداشت فوق، بر این اساس است که «لیشهدوا» مربوط به حضور در عرفات و مشعر باشد.

### 155- پاکیزگی در مسجد الحرام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 29 - 2

2 - ورود به مسجدالحرام برای انجام طواف ، با سر و تن آلوده و نیاراسته ، ممنوع است .

ثم لیقضوا تقیهم

### 156- تاریخ زیارت مسجد الحرام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 25 - 10

10 - حج و زیارت مسجدالحرام ، مراسمی رایج در میان مردم جزیره العرب

سواء العکف فیه و الباد

ص: 419

## 157- تاریخ مسجد الحرام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 17 - 6

6 - تولیت مسجدالحرام ( تعمیر و رسیدگی به امور آن ) در صدر اسلام - تا پیش از فتح مکه - در دست مشرکان کفر پیشه بوده است .

ما كان للمشركين أن يعمروا مسجد الله شهدين على أنفسهم بالكفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 25 - 11

11 - « مسجدالحرام » نامی شناخته شده و متداول در میان مردم جزیره العرب

و المسجد الحرام الذي جعله للناس

## 158- تجاوز به حقوق دیگران در مسجد الحرام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 25 - 14

14 - انحراف از حق و تجاوز به حقوق دیگران در محیط مسجد الحرام ، گناهی است بس بزرگ و کج روان و ستم کاران باید در انتظار کیفر سخت دنیوی باشند .

و من یرد فیه بالحد بظلم نذقه من عذاب الیم

برداشت یاد شده بر این اساس است که مقصود از «عذاب الیم» کیفر دنیوی نیز باشد.

## 159- تولیت مسجد الحرام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - انفال - 8 - 34 - 9,6

6 - ولایت و سرپرستی بر مسجدالحرام ، تنها شایسته تقوایبندگان است .

و ما كانوا أولیاءه إن أولیاءه إلا المتقون

9 - ضرورت تعیین سرپرست برای رسیدگی به امور مسجدالحرام \*

و ما كانوا أولياءه إن أولياءه إلا المتقون

لحن آیه حکایت از آن دارد که وجود سرپرست برای مسجدالحرام مفروض دانسته شده است ; تنها سخن درباره شایستگان این سِمَت می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 420



7 - توبه - 9 - 19 - 1

1 - سرزنش خداوند نسبت به مسلمانانی که شغل آب دهی به حاجیان و سرپرستی مسجدالحرام را با جهاد در راه خدا برابر انگاشته و خویشان را همطراز با مؤمنان اهل پیکار در راه خدا می پنداشتند .

أجعلتم سقايه الحاجّ و عماره المسجدالحرام كمن ءامن بالله و اليوم الآخر و جهد في

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

7 - توبه - 9 - 28 - 5

5 - سال نهم هجری ، سال قدرت مسلمانان و استیلاي آنان بر اداره مسجدالحرام

فلا يقربوا المسجدالحرام بعد عامهم هذا

اینکه مسلمانان در سال نهم هجری مکلف به این تکلیف الهی شدند - با اینکه اصل پلیدی مشرکان در گذشته نیز بوده است - نشان می دهد که در گذشته، اجرای آن میسر نبوده است.

### 160- تولیت مسجد الحرام در جاهلیت

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

7 - توبه - 9 - 19 - 3

3 - سرپرستی مسجدالحرام و آب دهی به زائران کعبه ، شغلی مهم و افتخارآمیز در میان عرب های جاهلی

أجعلتم سقايه الحاجّ و عماره المسجدالحرام كمن ءامن بالله . . . و جهد في سبيل اللّ

### 161- تولیت مسجد الحرام در صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

7 - توبه - 9 - 17 - 6

6 - تولیت مسجدالحرام ( تعمیر و رسیدگی به امور آن ) در صدر اسلام - تا پیش از فتح مکه - در دست مشرکان کفر پیشه بوده است .

ما كان للمشركين أن يعمروا مسجد الله شهدين على أنفسهم بالكفر

### 162- جنگ در مسجد الحرام

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

1 - بقره - 2 - 191 - 12،13،15

12 - نبرد در مسجد الحرام و نواحی آن حرام است .

ص: 421

و لا تقتلوهم عند المسجد الحرام

13 - در صورتی که دشمنان دین در مسجد الحرام و نواحی آن علیه مسلمانان وارد جنگ شوند، نبرد با آنان و کشتن شان واجب است .

و لا تقتلوهم عند المسجد الحرام حتی یقتلکم فیہ فإن قتلکم فاقتلوهم

15 - فتنه انگیزی کافران، مجوز کشتن و نبرد با آنها در مسجد الحرام و نواحی آن نیست .

و الفتنه أشد من القتل و لا تقتلوهم عند المسجد الحرام حتی یقتلکم

جمله «و الفتنه . . .» بیان می دارد که کافران فتنه انگیز همانند کافران محارب هستند و لذا باید با آنان نبرد کرد. به نظر می رسد جمله «و لا تقتلوهم عند المسجد الحرام . . .» به منزله استثنا از این قانون باشد؛ یعنی، فتنه انگیزی کافران، مجوز جنگ در مسجد الحرام نیست.

### 163- حقانیت قبله بودن مسجد الحرام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 145 - 2,3

2 - اهل کتاب ( یهود و نصارا ) علی رغم اطمینانشان به حقانیت قبله مسلمانان ( مسجد الحرام )، آن را نخواهند پذیرفت .

لیعلمون أنه الحق . . . و لئن أتیت الذین ... ما تبعوا قبلتک

3 - هیچ برهان و معجزه ای نمی تواند اهل کتاب را به پذیرش مسجد الحرام به عنوان قبله حق، وادارد .

و لئن أتیت الذین أوتوا الکتب بکل ءایه ما تبعوا قبلتک

کلمه «ءایه» به معنای علامت و نشانه است و مقصود از آن معجزه و برهان می باشد.

### 164- حقانیت قبله شدن مسجد الحرام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 149 - 3

3 - تعیین مسجد الحرام به عنوان قبله، حکمی حق ( حکمت آمیز و به جا ) و از ناحیه خداوند

و إنه للحق من ربک

### 165- خیریت مسجد الحرام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 28 - 5

5 - عرفات و مشعر ، کانون خیر و برکت فراوان برای حج گزاران

ص: 422

لیشهدوا منفع لهم

برداشت فوق، بر این اساس است که «لیشهدوا» مربوط به حضور در عرفات و مشعر باشد.

### 166- رکوع در مسجد الحرام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 26 - 14

14 - طواف، قیام، رکوع و سجود (نماز) از آداب زیارت مسجدالحرام

و طهر بیته للطنائفین و القائمین و الرکع السجود

ظاهر این است که مراد از «القائمین و الرکع السجود» نمازگزاران است؛ یعنی، «خانه مرا برای طواف کنندگان و نمازگزاران آماده کن».

### 167- سجده در مسجد الحرام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 26 - 14

14 - طواف، قیام، رکوع و سجود (نماز) از آداب زیارت مسجدالحرام

و طهر بیته للطنائفین و القائمین و الرکع السجود

ظاهر این است که مراد از «القائمین و الرکع السجود» نمازگزاران است؛ یعنی، «خانه مرا برای طواف کنندگان و نمازگزاران آماده کن».

### 168- سوت در مسجد الحرام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - انفال - 8 - 35 - 2، 1

1 - سوت کشیدن و کف زدن، شیوه نیایش کافران مکه در مسجدالحرام و اطراف کعبه

و ما کان صلاتهم عند البیت إلا مکاء و تصدیه

2 - سوت کشیدن و کف زدن در اطراف کعبه به عنوان عبادت و نیایش از سوی کافران مکه، دلیل عدم شایستگی آنان برای ولایت بر مسجدالحرام

إن أولياؤه إلا المتقون . . . مكاء و تصديه

جمله «ما كان صلاتهم . . .» می تواند بیان مصداقی برای بی تقوایی متولیان کفرپیشه مسجدالحرام باشد و در نتیجه دلیلی برای عدم شایستگی آنان برای ولایت بر مسجدالحرام.

ص: 423

## 169- شرایط متولیان مسجد الحرام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - انفال - 8 - 34 - 11

11 - اکثر کافران عصر بعثت ، ناآگاه به ضرورت تقوا برای متولیان مسجدالحرام

إن أولیاءه إلا المتقون و لكن أكثرهم لا یعلمون

مفعول «لا یعلمون» حقایقی است که آیه مورد بحث بدان پرداخته است ؛ از جمله ضرورت تقوا برای والیان مسجدالحرام و نیز استحقاق عذاب برای سدکنندگان مسجدالحرام بر روی مؤمنان.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - انفال - 8 - 35 - 2

2 - سوت کشیدن و کف زدن در اطراف کعبه به عنوان عبادت و نیایش از سوی کافران مکه ، دلیل عدم شایستگی آنان برای ولایت بر مسجدالحرام

إن أولیاءه إلا المتقون . . . مکاء و تصدیه

جمله «ما کان صلاتهم . . .» می تواند بیان مصداقی برای بی تقوایی متولیان کفرپیشه مسجدالحرام باشد و در نتیجه دلیلی برای عدم شایستگی آنان برای ولایت بر مسجدالحرام.

## 170- صدّ از مسجد الحرام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 217 - 10، 17، 18، 25

10 - در نظر خداوند ، جلوگیری از ورود به مسجدالحرام ، گناهی بزرگتر از جنگیدن در ماه های حرام است .

الشهر الحرام قتال فیه قل قتال فیه کبیر و صدّ عن سبیل اللّٰه . . . و المسجد الحرام .

بنابراینکه «و المسجد الحرام»، عطف بر «سبیل اللّٰه» باشد و «صدّ»، مبتدا و «اکبر»، خبر آن باشد. یعنی: «و صدّ عن سبیل اللّٰه و صدّ عن المسجد الحرام ... اکبر»

17 - مشرکان مکه ، مردمانی کفرپیشه و بازدارندگان از راه خداوند و مسجدالحرام

و صدّ عن سبيل الله و كفر به و المسجد الحرام و اخراج اهله

18 - جنگ در ماه های حرام ، موجب بازداشتن مردمان از راه خداوند و بازداری آنان از مسجد الحرام و كفر به خداست .

يسئلونك عن الشهر الحرام قتال فيه قل قتال فيه كبير و صدّ عن سبيل الله و كفر به و

بنابراينكه «و صدّ عن سبيل الله»، عطف بر «كبير» باشد: يعنى قتال فيه، صدّ عن سبيل الله و كفر به.

25 - كفر به خداوند و جلوگیری از راه او و مسجد الحرام و بیرون راندن اهل آن ، از مصادیق فتنه

و صدّ عن سبيل الله و كفر به و المسجد الحرام و اخراج اهله منه اكبر عند الله و الف

ص: 424



## 171- طواف در مسجد الحرام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 26 - 15، 14

14 - طواف، قیام، رکوع و سجود (نماز) از آداب زیارت مسجدالحرام

و طهر بیته للطائفین و القائمین و الرکع السجود

ظاهر این است که مراد از «القائمین و الرکع السجود» نمازگزاران است؛ یعنی، «خانه مرا برای طواف کنندگان و نمازگزاران آماده کن».

15 - لزوم تقدیم طواف بر نماز در زیارت مسجدالحرام

للطائفین و القائمین و الرکع السجود

## 172- طهارت مسجد الحرام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 28 - 2

2 - مسجدالحرام، مکانی است مقدس و دور داشتن هر گونه آلودگی از آن، لازم می باشد.

إنما المشركون نجس فلا يقربوا المسجد الحرام

## 173- عبادتگاه مسجد الحرام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - انفال - 8 - 34 - 7

7 - مسجدالحرام، عبادتگاهی پر ارج و با عظمت در پیشگاه خداوند

و ما لهم ألا يعذبهم الله وهم يصدون عن المسجد الحرام

استحقاق عذاب برای بازداری از ورود به مسجدالحرام، حکایت از عظمت آن در پیشگاه خدا دارد.

## 174- عظمت مسجد الحرام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - مسجد الحرام، عبادتگاهی پر ارج و با عظمت در پیشگاه خداوند

ص: 425

و ما لهم ألا يعذبهم الله و هم يصدون عن المسجد الحرام

استحقاق عذاب برای بازداری از ورود به مسجد الحرام، حکایت از عظمت آن در پیشگاه خدا دارد.

### 175- عمومیت زیارت مسجد الحرام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 25 - 7

7- تمامی مسلمانان (مکّی و آفاقی) ، نسبت به مسجد الحرام از حق مساوی برخوردارند .

الذی جعلنه للناس سواء العکف فیه و الباد

«سواء» به معنای «مستوی» و حال برای «الناس» است. «عاکف» به معنای مقیم (منظور اهل مکّه) است. «بادی» یعنی اهل بادیه و مقصود از آن مردمی است که بیرون مکّه و در سرزمین های دیگر زندگی می کنند؛ یعنی، ما مسجد الحرام را برای همه انسان ها قرار دادیم و در بهره مندی از آن، مکّی و آفاقی برابrand و کسی را بر دیگری امتیازی نیست.

### 176- عمومیت مسجد الحرام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 25 - 6

6- مسجد الحرام، از آن عموم مردم خداپرست است و قشر خاصی حق محروم کردن مردم از زیارت آن را ندارد .

الذی جعلنه للناس

### 177- عوامل ممانعت از مسجد الحرام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - فتح - 48 - 26 - 1

1- تعصّب جاهلی و غرور مشرکان مکّه ، مایه بستن راه مسجد الحرام بر مؤمنان در حدیبیه

هم الذین کفروا و صدّوکم عن المسجد الحرام. .. إذ جعل الذین کفروا فی قلوبهم الحمیّه

«إذ» ظرف برای «صدّوا» است.

### 178- غضب مسجد الحرام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - انفال - 8 - 34 - 4

ص: 426

4 - کفرپیشگان مکه به ناحق خویشتن را سرپرست مسجدالحرام می پنداشته و غاصبانه بر آن تسلط داشتند .

و هم یصدون عن المسجد الحرام و ما كانوا أولیاءه

### 179- فضیلت مسجد الحرام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - اعراف - 7 - 29 - 17

17 - عن أبی عبد الله (ع) فی قوله تعالی: « و أقیموا وجوهکم عند کل مسجد » قال: مساجد محدثه فامروا أن یقیموا وجوهکم شطر المسجد الحرام.

از امام صادق (ع) روایت شده است: مراد از آیه «و اقیموا وجوهکم ..»، مساجد نو بنیاد است که مردم مأمورند (هنگام عبادت) در آنها رو به مسجدالحرام بایستند.

### 180- فلسفه قبله شدن مسجد الحرام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 149 - 3

3 - تعیین مسجدالحرام به عنوان قبله ، حکمی حق ( حکمت آمیز و به جا ) و از ناحیه خداوند

و إنه للحق من ربک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 150 - 16

16 - فراهم آمدن زمینه دستیابی مسلمانان به هدایت های ویژه ، از هدف های تعیین مسجدالحرام به عنوان قبله آنان

فولوا وجوهکم شطره .. لعلکم تهتدون

چون مخاطبان آیه مسلمانان هستند و آنان به دلیل ایمانشان به اسلام هدایت یافته اند؛ معلوم می شود مراد از هدایت مطرح شده در «تهتدون»، هدایتی ویژه و کاملتر از هدایت نخست است.

### 181- قبله بودن مسجد الحرام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - مسلمانان در هر سرزمینی که باشند ، باید مسجد الحرام را قبله خویش قرار دهند .

و حیث ما کنتم فولوا وجوهکم شطره

ص: 427

15 - رو کردن به جهت و سمت مسجدالحرام، در اعمالی که مشروط به قبله اند، کافی است.

فول وجهک شطر المسجدالحرام و حیث ما کنتم فولوا و جوهرکم شطره

بدیهی است که خود مسجدالحرام و یا کعبه، قبله می باشد. بنابراین آوردن کلمه «شطر» - که به معنای سمت و جهت است - این معنا را القا می کند که: در کارهای مشروط به قبله همانند نماز، لازم نیست به خط مستقیم رو به مسجد و یا کعبه قرار گرفت؛ بلکه کافی است به سمت و جهتی ایستاد که مسجد و یا کعبه در آن جهت قرار دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 145 - 1

1 - اهل کتاب وظیفه دار پذیرش مسجدالحرام به عنوان قبله خویش

ما تبعوا قبلتک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 149 - 2،4

2 - پیامبر (صلی الله علیه و آله) موظف شد در هر مکان، اعمال مشروط به قبله را به سوی مسجدالحرام انجام دهد.

و من حیث خرجت فول وجهک شطر المسجدالحرام

4 - رو کردن به سمت و جهت مسجدالحرام، در اعمال مشروط به قبله کافی است.

فول وجهک شطر المسجدالحرام

بدیهی است که خود مسجدالحرام یا کعبه قبله می باشد. بنابراین آوردن کلمه «شطر» - که به معنای سمت و جهت است - این معنا را القا می کند که: در کارهای مشروط به قبله همانند نماز لازم نیست به خط مستقیم رو به مسجد، یا کعبه قرار گرفت؛ بلکه کافی است به سمت و جهتی ایستاد که مسجد، یا کعبه در آن جهت، قرار دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 150 - 1،2،3

1 - مسجدالحرام قبله پیامبر (صلی الله علیه و آله) و همه مسلمانان جهان

و من حیث ... و حیث ما کنتم فولوا و جوهرکم شطره

2- مسجدالحرام قبله منطقه ای یا قبله گروهی خاص نیست .

و حیث ما کنتم فولوا وجوهکم شطره

3- روکردن به سمت و جهت مسجدالحرام ، کافی در اعمال مشروط به قبله

فول وجهک شطر المسجدالحرام و حیث ما کنتم فولوا وجوهکم شطره

برداشت فوق از کلمه «شطر» که به معنای سمت و جهت است، استفاده می شود.

### **182- قبله شدن مسجد الحرام**

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 428



19 - تغییر قبله مسلمانان از بیت المقدس به سوی مسجد الحرام \*

و ما جعلنا القبلة التي كنت عليها

برداشت فوق مبتنی بر این است که «کان» در «التي كنت عليها» دلالت بر زمان ماضی داشته باشد، در این صورت «التي كنت عليها» دلالت بر تغییر قبله دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 144 - 17، 14، 12

12 - خداوند - در پی نوید تغییر قبله - به پیامبر (صلی الله علیه و آله) و مسلمانان فرمان داد تا رو به سوی مسجد الحرام کنند .

فلنولينك .. فول وجهك شطر المسجد الحرام و حيث ما كنتم فولوا وجوهكم شطره

14 - تعیین مسجد الحرام به عنوان قبله مسلمانان ، خشنودی و رضایت پیامبر (صلی الله علیه و آله) را در پی داشت .

فلنولينك قبله ترضيها فول وجهك شطر المسجد الحرام

17 - عالمان یهود و نصارا ، به خوبی می دانستند که قبله شدن مسجد الحرام ، فرمانی از ناحیه خداوند است .

إن الذين أوتوا الكتب ليعلمون أنه الحق

«لام» تأکید در «ليعلمون» بیانگر این است که: اهل کتاب هیچ تردیدی نداشتند و به روشنی می دانستند که تغییر قبله حق و از ناحیه خداوند است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 149 - 5، 1

1 - مسجد الحرام قبله تعیین شده برای پیامبر (صلی الله علیه و آله) از ناحیه خداوند

و من حيث خرجت فول وجهك شطر المسجد الحرام و إنه للحق من ربك

5 - تعیین مسجد الحرام به عنوان قبله ، پرتوی از ربوبیت خدا بر پیامبر (صلی الله علیه و آله) و در جهت پیشبرد اهداف وی بود .

و إنه للحق من ربك

اضافه «رب» (تریت کننده و مدبر) به ضمیر «ک» که خطاب به پیامبر است، می تواند اشاره به این معنا باشد که: تغییر قبله در جهت تدبیر امور پیامبر؛ یعنی، اهداف رسالت، است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 150 - 17

17 - تغییر قبله از بیت المقدس به مسجدالحرام، حادثه ای مهم و سرنوشت ساز در تاریخ اسلام

و من حیث خرجت فول وجهک شطر المسجد الحرام .. و لعلکم تهتدون

نزول آیات متعدد درباره تغییر و تعیین قبله؛ مخاطب قرار دادن پیامبر (صلی الله علیه و آله) و تکرار فرمان «فولّ ..» (در آیات 144، 149 و 150) و نیز مخاطب قرار دادن مسلمانان و تکرار جمله «فولوا وجهکم شطره» (در دو آیه 144 و 150) بیانگر اهمیت خاص و با ارزش بودن تغییر و تعیین قبله است و اهداف اساسی بیان شده برای آن، حکایت از سرنوشت ساز بودن آن دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 429

3 - تغییر قبله از بیت المقدس به مسجدالحرام ، نعمتی بزرگ در ردیف نعمت رسالت

فولوا وجوهکم شطره . . . لعلکم تهتدون. کما أرسلنا فیکم رسولا

برداشت فوق مبتنی بر این است که کاف در «کما» برای تشبیه باشد. بر این مبنا تغییر قبله - که از آیه قبل به دست می آید - «مشبه» و ارسال پیامبر «مشبه به» می باشد و تشبیه مسأله قبله به نعمت رسالت، نشانگر عظمت آن مسأله و بزرگی آن نعمت است.

### 183- قتل در مسجد الحرام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 191 - 13

13 - در صورتی که دشمنان دین در مسجدالحرام و نواحی آن علیه مسلمانان وارد جنگ شوند ، نبرد با آنان و کشتن شان واجب است .

و لا تقتلوهم عند المسجد الحرام حتی یقتلوهم فیه فان قتلوهم فاقتلوهم

### 184- قتل مانعان مسجد الحرام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - انفال - 8 - 34 - 3

3 - کافران مکه به دلیل بازداشتن اهل ایمان از ورود به مسجدالحرام ، مستوجب عذاب ( کشته شدن ، اسیر گشتن و . . . ) بودند .

و ما لهم الا یعذبهم الله و هم یصدون عن المسجد الحرام

با توجه به آیه قبل که عذاب استیصال را برای مردم مکه با شرایط ذکر شده منتفی دانست، معلوم می شود مراد از عذاب در این آیه به دلیل وقوع آن در بین آیات نبرد، شکست کافران و کشته و اسیر شدن آنان است.

### 185- قداست مسجد الحرام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 191 - 16

16 - مسجد الحرام و نواحی آن دارای قداستی والا و احترامی خاص

و لا تقتلوهم عند المسجد الحرام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 430

14 - مسجدالحرام، دارای قداست و حرمت ویژه

و المسجدالحرام و اخراج اهله منه اكبر

15 - تنها پیامبر (صلی الله علیه و آله) و مؤمنان، دارای صلاحیت و اهلیت برای مسجدالحرام هستند؛ نه مشرکان و کفار \*

و اخراج اهله منه اكبر عندالله

با توجه به اینکه پیامبر (صلی الله علیه و آله) و مسلمانان را اهل مسجدالحرام شمرده است؛ شاید کنایه از اهلیت آنان برای مسجدالحرام و نا اهلی کفار برای آن باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 28 - 2

2 - مسجدالحرام، مکانی است مقدس و دور داشتن هر گونه آلودگی از آن، لازم می باشد.

إنما المشركون نجس فلا يقربوا المسجدالحرام

### 186- کف زدن در مسجد الحرام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - انفال - 8 - 35 - 1، 2

1 - سوت کشیدن و کف زدن، شیوه نیایش کافران مکه در مسجدالحرام و اطراف کعبه

و ما كان صلاتهم عند البيت إلا مكاء و تصديه

2 - سوت کشیدن و کف زدن در اطراف کعبه به عنوان عبادت و نیایش از سوی کافران مکه، دلیل عدم شایستگی آنان برای ولایت بر مسجدالحرام

إن أولياؤه إلا المتقون .. مكاء و تصديه

جمله «ما كان صلاتهم ..» می تواند بیان مصداقی برای بی تقوایی متولیان کفرپیشه مسجدالحرام باشد و در نتیجه دلیلی برای عدم شایستگی آنان برای ولایت بر مسجدالحرام.

### 187- گناه ممانعت از مسجد الحرام

4- باز داشتن مؤمنان از ورود به مسجدالحرام، گناهی بزرگ و کفرآمیز

هم الذین کفروا و صدّوکم عن المسجدالحرام

از این که خداوند، ممانعت از ورود مؤمنان به مسجدالحرام را به عنوان دومین جرم مهم مشرکان یاد کرده و آن را در کنار کفر آنان متذکر شده است؛ مطلب بالا استفاده می شود.

ص: 431

## 188- لغو در مسجد الحرام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - انفال - 8 - 35 - 4

4- بازداشتن مؤمنان از مسجدالحرام و انجام کار های بیهوده به عنوان نیایش و پرستش ، جلوه هایی از کفرپیشگی

و هم یصدون عن المسجدالحرام ... إلا مکاء و تصدیه ... بما کنتم تکفرون

از مصادیق مورد نظر برای «کنتم تکفرون» رفتارهای ناپسندی است که در این آیه و آیه قبل بیان شده است ؛ یعنی بازداری از مسجدالحرام و کف زدن و سوک کشیدن به عنوان عبادت و نیایش.

## 189- متولیان مسجد الحرام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - انفال - 8 - 34 - 5

5- سرپرستان مسجدالحرام در صورت بازداشتن اهل ایمان از ورود به آن ، گنهکارند و از حق ولایت و سرپرستی محروم خواهند شد .

یصدون ... و ما کانوا أولیاءه إن أولیاءه إلا المتقون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 26 - 11

11 - تولیت مسجدالحرام و آماده سازی آن برای زائران بیت الله ، مسؤولیتی بر عهده رهبران جامعه توحیدی

أن لاشرک بی شیئاً و طهرّ بیتی للطائفین

## 190- مخالفت با قبله شدن مسجد الحرام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 149 - 7

7- کیفر خدا در انتظار کسانی است که با احکام او ( نظیر قبله قرار دادن مسجدالحرام ) مخالفت کنند .

و ما الله بغفل عما تعملون

از هدفهای بیان نظارت خدا بر اعمال بندگان، تهدید کسانی است که با احکام او مخالفت می کنند.

ص: 432



## 191- مشرکان و مسجد الحرام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 217 - 15

15 - تنها پیامبر (صلی الله علیه و آله) و مؤمنان، دارای صلاحیت و اهلیت برای مسجدالحرام هستند؛ نه مشرکان و کفار \*

و اخراج اهله منه اکبر عندالله

با توجه به اینکه پیامبر (صلی الله علیه و آله) و مسلمانان را اهل مسجدالحرام شمرده است؛ شاید کنایه از اهلیت آنان برای مسجدالحرام و نا اهلی کفار برای آن باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 17 - 6

6 - تولیت مسجدالحرام (تعمیر و رسیدگی به امور آن) در صدر اسلام - تا پیش از فتح مکه - در دست مشرکان کفر پیشه بوده است .

ما کان للمشرکین أن یعمروا مسجد الله شهیدین علی أنفسهم بالکفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 28 - 7

7 - مشرکان، دارای موسم سالانه برای آمدن به مسجدالحرام

فلا یقربوا المسجد الحرام بعد عامهم هذا

تعبیر به «عامهم» - که عام را به مشرکان اسناد داده - مشعر به این معناست.

## 192- ممانعت از عبادت خدا در مسجد الحرام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 25 - 3

3 - ممانعت کفرپیشگان صدر اسلام از برگزار شدن مراسم عبادت خدا و زیارت مسجدالحرام توسط مسلمانان

إنّ الذین کفروا و یصدّون عن سبیل الله و المسجد الحرام

«صد» (مصدر «یصدون») به معنای منع و بازداشتن است. مفعول «یصدون» محذوف و به تقدیر «یصدون الذین آمنوا» می باشد.

### 193- ممانعت از مسجد الحرام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 114 - 24

ص: 433

24 - از امام صادق (ع) درباره آیه فوق روایت شده که : « انهم قریش حین منعوا رسول الله دخول مکة و المسجد الحرام ;

آنان قریش بودند آن هنگام که مانع ورود رسول خدا(صلی الله علیه و آله) به مکة و مسجد الحرام شدند».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 2 - 29,30

29 - جلوگیری مشرکان از ورود مسلمانان صدر اسلام به مسجدالحرام

ان صدوکم عن المسجدالحرام

30 - جلوگیری مشرکان از ورود مسلمانان به مسجدالحرام ، مایه خشم و کینه مؤمنان نسبت به آنان

و لایجرمنکم شئان قوم ان صدوکم عن المسجدالحرام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - انفال - 8 - 34 - 1,2,3,5,8,10

1 - کفرپیشگان مکة ، مؤمنان را از ورود به مسجدالحرام باز می داشتند .

و ما لهم الا یعذبهم الله و هم یصدون عن المسجدالحرام

در برداشت فوق مفعول «یصدون»، به مناسبت حکم و موضوع، المؤمنین گرفته شده است.

2 - بازداشتن مردم از ورود به مسجدالحرام ، گناهی مستوجب عذاب الهی

و ما لهم الا یعذبهم الله و هم یصدون عن المسجدالحرام

3 - کافران مکة به دلیل بازداشتن اهل ایمان از ورود به مسجدالحرام ، مستوجب عذاب ( کشته شدن ، اسیر گشتن و . . . ) بودند .

و ما لهم الا یعذبهم الله و هم یصدون عن المسجدالحرام

با توجه به آیه قبل که عذاب استیصال را برای مردم مکة با شرایط ذکر شده منتفی دانست، معلوم می شود مراد از عذاب در این آیه به دلیل وقوع آن در بین آیات نبرد، شکست کافران و کشته و اسیر شدن آنان است.

5 - سرپرستان مسجدالحرام در صورت بازداشتن اهل ایمان از ورود به آن ، گنهکارند و از حق ولایت و سرپرستی محروم خواهند شد .

یصدون . . . و ما كانوا أولیاءه إن أولیاءه إلا المتقون

8 - بازداشتن مؤمنان از ورود به مسجدالحرام ، حاکی از نداشتن تقواست .

يصدون عن المسجدالحرام . . . إن أولياؤه إلا المتقون

10 - اکثر کافران مکه ناآگاه به مستحق بودن عذاب الهی به سبب بازداشتن مؤمنان از مسجدالحرام

و ما لهم ألا يعذبهم الله و هم يصدون عن المسجدالحرام . . . و لكن أكثرهم لا يعلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - انفال - 8 - 35 - 4

4 - بازداشتن مؤمنان از مسجدالحرام و انجام کارهای بیهوده به عنوان نیایش و پرستش ، جلوه هایی از کفرپیشگی

و هم يصدون عن المسجدالحرام . . . إلا مكاء و تصديه ... بما كنتم تكفرون

از مصادیق مورد نظر برای «کنتم تکفرون» رفتارهای ناپسندی است که در این آیه و آیه قبل بیان شده است ؛ یعنی بازداری از مسجدالحرام و کف زدن و سوک کشیدن به عنوان عبادت و نیایش.

ص: 434

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 25 - 3،5

3 - ممانعت کفرپیشگان صدر اسلام از برگزار شدن مراسم عبادت خدا و زیارت مسجدالحرام توسط مسلمانان

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَيَصُدُّونَ عَن سَبِيلِ اللَّهِ وَالْمَسْجِدِ الْحَرَامِ

«صد» (مصدر «یصدون») به معنای منع و بازداشتن است. مفعول «یصدون» محذوف و به تقدیر «یصدون الذین آمنوا» می باشد.

5 - جلوگیری از ورود حاجیان به مسجدالحرام، نمونه آشکار بازداشتن مردم از راه خدا

و يَصُدُّونَ عَن سَبِيلِ اللَّهِ وَالْمَسْجِدِ الْحَرَامِ

مراد از «سبیل الله» - همان طور که گفته شد - عبادت و پرستش خدای یگانه است. بنابراین و با توجه به این که زیارت مسجدالحرام از سوی مؤمنان و انجام مراسم ویژه آن (طواف، سعی و...) از مصداق های عبادت خدا محسوب می شود، ذکر آن بعد از «سبیل الله»، می تواند بدان معنا باشد که جلوگیری از ورود زائران به مسجدالحرام، از مصادیق بارز ممانعت از راه خدا است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - فتح - 48 - 25 - 1

1- مذمت خداوند از کفر مشرکان، و جلوگیری آنان از ورود مؤمنان به مسجدالحرام و قربانی کردن

هم الذین کفروا و صدوکم عن المسجد الحرام و الهدی معکوفاً

#### 194- ممنوعیت حق کشی در مسجد الحرام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 25 - 12

12 - ممنوعیت هرگونه انحراف از حق و تجاوز به حقوق دیگران، در محیط مسجدالحرام

و من یرد فیه بالحد بظلم نذقه من عذاب الیم

«إلحاد» به معنای انحراف و کج روی است. از نکره آوردن «إلحاد» و «ظلم» استفاده می شود که مردم در مسجدالحرام و محدوده آن، باید در امنیت و آرامش مطلق باشند و در این راستا از کم ترین و کوچک ترین انحراف و تجاوز به حقوق آنان، چشم پوشی نخواهد شد.

#### 195- ممنوعیت ممانعت از مسجد الحرام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 25 - 6,9

6 - مسجدالحرام ، از آن عموم مردم خداپرست است و قشر خاصی حق محروم کردن مردم از زیارت آن را ندارد .

ص: 435

الذی جعلنه للناس

9- ساکنان مکه، حق ممانعت دیگران از زیارت مسجدالحرام را ندارند.

الذی جعلنه للناس سواء العکف فیه و الباد

### 196- ممنوعیت ورود مشرکان به مسجد الحرام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7- توبه - 9 - 28 - 19، 23، 4، 3

3- ممانعت از نزدیک شدن مشرکان به مسجدالحرام، بر اهل ایمان واجب است.

يأیها الذین ءامنوا إنما المشرکون نجس فلا یقربوا المسجدالحرام

4- اعلان ممنوعیت ورود مشرکان به مسجدالحرام در سال نهم هجرت

فلا یقربوا المسجدالحرام بعد عامهم هذا

آیات سوره براءت - بنابر گفته مفسران - در مراسم حج سال نهم هجرت بر مشرکان خوانده شد.

19- ممنوعیت مشرکان از نزدیک شدن به مسجدالحرام، حکمی است مبتنی بر علم و حکمت گسترده خدا.

يأیها الذین ءامنوا إنما المشرکون نجس فلا یقربوا المسجدالحرام .. إنَّ اللّٰهَ علیم

23- از رسول خدا (صلی الله علیه و آله) روایت شده است: « لا یدخل المسجدالحرام مشرک بعد عامی هذا أبداً إلا أهل العهد و خدمکم »

از این سال هیچ مشرکی نباید داخل مسجدالحرام شود، مگر کسانی که با مسلمانان عهد بسته اند یا خدمتکار شما مسلمانان هستند».

### 197- نماز در مسجد الحرام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11- حج - 22 - 26 - 15، 14

14- طواف، قیام، رکوع و سجود (نماز) از آداب زیارت مسجدالحرام

و طهر بیته للطائفین و القائمین و الرکع السجود

ظاهر این است که مراد از «القائمین و الركع السجود» نمازگزاران است؛ یعنی، «خانه مرا برای طواف کنندگان و نمازگزاران آماده کن».

15 - لزوم تقدیم طواف بر نماز در زیارت مسجدالحرام

للطائفین و القائمین و الركع السجود

ص: 436



## 198- ورود مسلمانان به مسجد الحرام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - فتح - 48 - 27 - 2,6

2- رؤیای پیامبر ، نمایانگر ورود مسلمانان به مسجدالحرام با امنیت و سر تراشیدن و کوتاه کردن مو

لقد صدق الله رسوله الرءيا بالحق لتدخلن المسجد الحرام إن شاء الله ءامنين محلّ

6- اعجاز قرآن ، در پیشگویی ورود حتمی مسلمانان به مسجدالحرام همراه با آرامش و امنیت

لتدخلن المسجدالحرام . . . ءامنين

با توجه به این که رؤیای پیامبر(صلی الله علیه و آله) و وعده خداوند، دو سال پس از حدیبیه به کامل ترین صورت تحقق یافت؛ مطلب بالا استفاده می شود.

## 199- ولایت بر مسجد الحرام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - انفال - 8 - 34 - 6

6 - ولایت و سرپرستی بر مسجدالحرام ، تنها شایسته تقوایبندگان است .

و ما كانوا أولياؤه إن أولياؤه إلا المتقون

## 200- ویژگیهای مسجد الحرام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 25 - 12,13

12 - ممنوعیت هرگونه انحراف از حق و تجاوز به حقوق دیگران ، در محیط مسجدالحرام

و من یرد فیه بالحد بظلم نذقه من عذاب الیم

«إلحاد» به معنای انحراف و کج روی است. از نکره آوردن «إلحاد» و «ظلم» استفاده می شود که مردم در مسجدالحرام و محدوده آن، باید در امنیت و آرامش مطلق باشند و در این راستا از کم ترین و کوچک ترین انحراف و تجاوز به حقوق آنان، چشم پوشی نخواهد شد.

13 - مکه ( مسجد الحرام و محدوده آن ) باید محیطی امن برای همگان باشد .

سواء العكف فيه و الباد

مسجد ضرار

ص: 437

## 201- {مسجد ضرار}

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 109 - 16

16 - از امام باقر (ع) روایت شده: « مسجد ضرار الذی اُسس علی شفا جرف هار ... » ;

مسجد ضرار، همان بنیانی است که بر لب پرتگاه سستی بنا شد ... ».

## 202- آثار مسجد ضرار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 110 - 4

4 - مسجد ضرار ، مایه شک و ناباوری منافقان بود .

و الذین اتخذوا مسجداً ضراراً .. لا یزال بنینهم الذی بنوا ریه فی قلوبهم

## 203- احکام مسجد ضرار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 108 - 4

4 - حضور و اقامه نماز در مسجدی که به انگیزه های باطل بنا شود ، ممنوع است .

مسجداً ضراراً .. لا تقم فیہ أبداً

## 204- انگیزه بنای مسجد ضرار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 107 - 6، 5، 2، 1

1 - اقدام منافقان به ساختن مسجدی برای هدف های زیانبار و کفرآمیز و تفرقه افکن میان مؤمنان

اتخذوا مسجداً ضراراً و کفراً و تفریقاً بین المؤمنین

2 - اقدام منافقان به ساختن پایگاهی تحت عنوان « مسجد » برای دشمنان دیرینه خدا و رسول خدا

و الذين اتخذوا مسجداً .. إرصاداً لمن حارب الله ورسوله

5 - كفر درونی منافقان انگیزه ساختن مسجد ضرار

مسجداً ضراراً و کفراً

«کفراً» می تواند به معنای ترویج کفر نباشد؛ بلکه به این معنا باشد که عمل منافقان و سازندگان مسجد ضرار، نشأت یافته از کفرشان بوده است.

ص: 438

6- ترویج کفر، تفرقه افکنی و تجمع بخشیدن به دشمنان خدا و رسول، مهمترین اهداف زیانبار منافقان از ساختن مسجد ضرار

مسجداً ضراراً و کفراً و تفریقاً بین المؤمنین و إرصاداً

قید «ضراراً» می تواند هدف کلی و عام منافقان و «کفراً و تفریقاً .. إرصاداً» بیانگر بارزترین نمودهای آن هدف کلی باشد.

### 205- بانیان مسجد ضرار در جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7- توبه - 9 - 109 - 15

15 - بناکنندگان مسجد ضرار، از ظالمان و سقوط کنندگان در آتش دوزخند .

و الذین اتخذوا مسجداً ضراراً .. فانهار به فی نار جهنم

### 206- حرمت بنای مسجد ضرار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7- توبه - 9 - 107 - 13

13 - ساختن مسجدی که موجب زیان مؤمنان و تفرقه در بین ایشان و ترویج افکار و اندیشه های ضد الهی شود، جایز نیست .

اتخذوا مسجداً ضراراً .. و تفریقاً بین المؤمنین

### 207- خدا و بانیان مسجد ضرار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7- توبه - 9 - 110 - 7

7 - برخورد شدید خداوند با بناکنندگان مسجد ضرار، متکی بر علم و حکمت او بود .

و الذین اتخذوا .. لا تقم فيه ... فانهار به فی نار جهنم ... و الله علیم حکیم

### 208- ظلم بانیان مسجد ضرار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7- توبه - 9 - 109 - 15

15 - بناکنندگان مسجد ضرار، از ظالمان و سقوط کنندگان در آتش دوزخند.

والذین اتخذوا مسجداً ضراراً .. فانهار به فی نار جهنم

ص: 439

## 209- محمد (صلی الله علیه و آله) و بانیان مسجد ضرار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 107 - 17

17 - وحی الهی ، کمک کننده پیامبر (صلی الله علیه و آله) در افشای چهره منافقانه و خیانت بار بانیان مسجد ضرار

و الذین اتخذوا مسجداً .. و الله یشهد إنهم لکذبون

## 210- ممنوعیت نماز در مسجد ضرار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 108 - 1,4

1 - پیامبر (صلی الله علیه و آله) مورد نهی مؤکد الهی از حضور یافتن و اقامه نماز در مسجد ضرار

لا تقم فیہ أبداً

4 - حضور و اقامه نماز در مسجدی که به انگیزه های باطل بنا شود ، ممنوع است .

مسجداً ضراراً .. لا تقم فیہ أبداً

## 211- منافقان و مسجد ضرار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 107 - 1,2,3,5,11,16

1 - اقدام منافقان به ساختن مسجدی برای هدف های زیانبار و کفرآمیز و تفرقه افکن میان مؤمنان

اتخذوا مسجداً ضراراً و کفراً و تفریقاً بین المؤمنین

2 - اقدام منافقان به ساختن پایگاهی تحت عنوان « مسجد » برای دشمنان دیرینه خدا و رسول خدا

و الذین اتخذوا مسجداً .. إرصاداً لمن حارب الله و رسوله

3 - به کارگیری خانه خدا علیه دین خدا ، توسط منافقان

و الذین اتخذوا مسجداً .. إرصاداً لمن حارب الله و رسوله

5 - کفر درونی منافقان انگیزه ساختن مسجد ضرار

مسجداً ضراراً و کفراً

«کفراً» می تواند به معنای ترویج کفر نباشد؛ بلکه به این معنا باشد که عمل منافقان و سازندگان مسجد ضرار، نشأت یافته از کفرشان بوده است.

11 - تمسک منافقان به سوگند دروغ برای اثبات حسن نیت خویش در ساختن مسجد (مسجد ضرار)

و لیحلفن إن أردنا إلا الحسنى

ص: 440



16 - گواهی خداوند بر دروغ‌گویی منافقان در داشتن حسن نیت در ساختن مسجد (مسجد ضرار)

والله يشهد انهم لکذبون

### 212- هدایت ناپذیری بانیان مسجد ضرار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 110 - 5

5 - منافقان بناکننده مسجد ضرار، مردمی هدایت ناپذیر بودند.

اتخذوا مسجداً ضراراً... لا يزال... ريبه في قلوبهم إلا أن تقطع قلوبهم

مسجد قبا

### 213- اهداف بنای مسجد قبا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 109 - 6

6 - بانیان مسجد قبا، دارای تقوای الهی و در پی جلب رضایت خدا بودند.

لمسجد أسس علی التقوی... أفمن أسس بنینه علی تقوی

مفسران برآنند که شأن نزول این بخش از آیات، مسجد قبا و مسجد ضرار است. بر این اساس می توان گفت که: ضمیر «بنیانه» به مسجد قبا (لمسجد أسس علی التقوی) باز می گردد و آیه شریفه، در مقام تمجید بانیان مسجد قبا و تقبیح بنیان گذاران مسجد ضرار است.

### 214- بانیان مسجد قبا و رضایت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 109 - 6

6 - بانیان مسجد قبا، دارای تقوای الهی و در پی جلب رضایت خدا بودند.

لمسجد أسس علی التقوی... أفمن أسس بنینه علی تقوی

مفسران برآنند که شأن نزول این بخش از آیات، مسجد قبا و مسجد ضرار است. بر این اساس می توان گفت که: ضمیر «بنیانه» به مسجد قبا (لمسجد أسس علی التقوی) باز می گردد و آیه شریفه، در مقام تمجید بانیان مسجد قبا و تقبیح بنیان گذاران مسجد ضرار است.



## 215- تقوا در بنای مسجد قبا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 108 - 10، 6

6 - مسجد قبا، بنیان نهاده شده بر اساس تقوا و مکانی شایسته برای عبادت

لمسجد أسس علی التقوی . . . أحق أن تقوم فيه

با توجه به شأن نزول و به قرینه مسجد ضرار، منظور از «المسجد أسس علی التقوی» مسجد قبا می باشد.

10 - مسجد قبا، مسجدی بنا شده بر اساس تقوا و مأوی جویندگان پاکی و طهارت

لمسجد أسس علی التقوی . . . فيه رجال يحبون أن يتطهروا

## 216- تقوای بانیان مسجد قبا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 109 - 6

6 - بانیان مسجد قبا، دارای تقوای الهی و در پی جلب رضایت خدا بودند .

لمسجد أسس علی التقوی . . . أفمن أسس بنینه علی تقوی

مفسران برآنند که شأن نزول این بخش از آیات، مسجد قبا و مسجد ضرار است. بر این اساس می توان گفت که: ضمیر «بنیانه» به مسجد قبا (لمسجد أسس علی التقوی) باز می گردد و آیه شریفه، در مقام تمجید بانیان مسجد قبا و تقبیح بنیان گذاران مسجد ضرار است.

## 217- فضایل بانیان مسجد قبا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 109 - 6

6 - بانیان مسجد قبا، دارای تقوای الهی و در پی جلب رضایت خدا بودند .

لمسجد أسس علی التقوی . . . أفمن أسس بنینه علی تقوی

مفسران برآنند که شأن نزول این بخش از آیات، مسجد قبا و مسجد ضرار است. بر این اساس می توان گفت که: ضمیر «بنیانه» به مسجد قبا (لمسجد أسس علی التقوی) باز می گردد و آیه شریفه، در مقام تمجید بانیان مسجد قبا و تقبیح بنیان گذاران مسجد ضرار است.

## 218- فضیلت عبادت در مسجد قبا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 442

6 - مسجد قبا، بنیان نهاده شده بر اساس تقوا و مکانی شایسته برای عبادت

لمسجد أسس على التقوى . . . أحق أن تقوم فيه

با توجه به شأن نزول و به قرینه مسجد ضرار، منظور از «المسجد أسس على التقوى» مسجد قبا می باشد.

### 219- فضیلت مسجد قبا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 108 - 10، 18، 19

10 - مسجد قبا، مسجدی بنا شده بر اساس تقوا و مأوای جویندگان پاکی و طهارت

لمسجد أسس على التقوى . . . فيه رجال يحبون أن يتطهروا

18 - « عن الحلبي عن أبي عبد الله (ع) قال : سألته عن المسجد الذي أسس على التقوى قال : مسجد قبا ;

حلبی گوید از امام صادق (ع) پرسیدم: مسجدی که بر اساس تقوا بنیان نهاده شده کدام است؟ فرمود: مسجد قبا».

19 - ابی بن کعب گوید : « سئلت النبی (صلی الله علیه و آله) عن المسجد الذى أسس على التقوى فقال : هو مسجدى هذا ;

از پیغمبر (صلی الله علیه و آله) پرسیدم: مسجدی که بر اساس تقوا بنیان نهاده شده کدام است؟ فرمود: آن همین مسجد من است».

مسجد کوفه

### 220- {مسجد کوفه}

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 38 - 17

17- « عن أبي عبد الله (ع) [ فى حديث ] : . . . فعمل نوح سفينة فى مسجد الكوفة بيده . . . ;

از امام صادق (ع) روایت شده است که [ضمن حدیثی] فرمود: .. نوح به دست خود در مسجد کوفه کشتی ساخت...».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 40 - 20

20- « عن أبي جعفر (ع) قال [ في وصف مسجد الكوفة ] : . . . و منه فار التَّنُور . . . » ;

از امام باقر(ع) روایت شده است که [در وصف مسجد کوفه] فرمود: . . . از مسجد کوفه تنور فوران کرد . . .».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 41 - 10

10- « عن أبي عبدالله (ع) قال : جاء رجل إلى أمير المؤمنين (ع) وهو في مسجد الكوفة فقال (ع) : . . . صلّ في هذا المسجد . . . منه

سارت سفینه نوح . . . » ;

ص: 443

از امام صادق(ع) روایت شده است که فرمود: امیرالمؤمنین(ع) در مسجد کوفه بود. مردی نزد وی آمد، آن حضرت فرمود: ... در این مسجد نماز بخوان... از همین مسجد کشتی نوح سیر خود را آغاز کرد...».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 50 - 12

12 - «عن أبي جعفر (ع) قال: قال أمير المؤمنين (ع) في قول الله عز وجل «وآديناها إلى ربوه ذات قرار و معین» قال الربوه الكوفه و القرار المسجد و المعین الفرات»؛

از امام باقر(ع) روایت شده است که امیرالمؤمنین(ع) درباره سخن خدای - عزوجل - «و آدیناهما إلی ربوه ذات قرار و معین» فرمود: مراد از «ربوه» کوفه و «قرار» مسجد [کوفه] و «معین» فرات است.».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - نوح - 71 - 28 - 18

18 - «عن أبي شعيب الخراساني قال: قلت لأبي الحسن الرضا (ع) . . . قال: إنَّ مسجد الكوفه بيت نوح . . . فيه دعوه نوح حيث قال: «رب اغفر لي و لوالدي و لمن دخل بيتي مؤمناً» قال: قلت: من عني بوالديه؟ قال: آدم و حوّا؛

ابوشعيب خراسانی از امام رضا(ع) روایت کرده . . . که فرمود: مسجد کوفه خانه نوح(ع) است . . . دعای نوح در آن جا این بوده است که گفت: «رب اغفر لی و لوالدی و لمن دخل بيتی مؤمناً». ابوشعيب گفت: به امام(ع) عرض کردم: نوح(ع) از والدینش چه کسی را قصد کرده؟ فرمود: آدم و حوّا را.».

مسجد الاقصی

## 221- ارزش مسجد الاقصی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 7 - 12

12- مسجد الاقصی دارای اهمیت و ارزشی بسیار در نزد مخالفان پیروزمند بنی اسرائیل

و لیدخلوا المسجد كما دخلوه أول مرّة

از اینکه جنگاوران در جنگ با بنی اسرائیل دو بار وارد مسجد الاقصی شدند، استفاده می شود که مسجد الاقصی برای آنان اهمیت فوق العاده ای داشته و بسیار ارزشمند بوده است.

## 222- اهمیت مسجدالاقصی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 1 - 11

11- زمین مسجدالحرام و مسجدالاقصی ، دارای اهمیت معنوی ویژه است .

ص: 444



أسرى بعبدہ لیلاً من المسجد الحرام إلى المسجد الأقصى

اینکه مبدأ و منتهای سیر پیامبر (صلی الله علیه و آله) دو مکان خاص عبادت (مسجد الحرام و مسجد الأقصى) قرار گرفت، حکایت از حقیقت فوق دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 7 - 12

12- مسجد الاقصی دارای اهمیت و ارزشی بسیار در نزد مخالفان پیروزمند بنی اسرائیل

و لیدخلوا المسجد كما دخلوه أول مره

از اینکه جنگاوران در جنگ با بنی اسرائیل دو بار وارد مسجد الاقصی شدند، استفاده می شود که مسجد الاقصی برای آنان اهمیت فوق العاده ای داشته و بسیار ارزشمند بوده است.

### 223- برکت مسجد الاقصی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 1 - 12

12- مسجد الاقصی در سرزمینی، سرشار از خیر و برکت واقع شده است.

إلى المسجد الأقصى الذى برکنا حوله

### 224- خویشاوندان مریم (س) کنار مسجد الاقصی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 16 - 4,5

4- خویشاوندان مریم، در غیر جهت شرقی مسجد الاقصی سکونت داشتند.

انتبذت من أهلها مكاناً شرقياً

5- مریم (س) در آستانه حامله شدن به عیسی (ع)، در نزدیکی مسجد الاقصی، بستگانی داشت که در میان آنان به سر می برد.

إذ انتبذت من أهلها مكاناً شرقياً

به قرینه «مکاناً قصبياً» در آیه بیست و دوم که ناظر به مکان دومی است که مریم (س) برگزید، مکان شرقی مسجد الاقصی به منطقه مسکونی

مردم نزدیک بوده است.

## 225- شرق مسجد الاقصی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 445

3- مریم از خانواده خویش کناره گیری کرد و در شرق مسجدالاقصی مستقر شد .

واذکر .. مریم إذ انتبذت من أهلها مکاناً شرقیاً

«انتبذ» از ریشه «نبد» و به معنای دوری جستن است. «مکاناً شرقیاً»؛ یعنی جایگاهی رو به شرق و چون حضرت مریم (س) وقف بر معبد (مسجدالاقصی) شده بود، مقصود مکانی در شرق مسجدالاقصی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1- حضرت مریم (س) در ناحیه شرقی مسجدالاقصی ، مکانی دور از انظار برای خود برگزید و خود را از مردم پنهان ساخت .

فَاتَّخَذتْ مِنْ دُونِهِمْ حِجَابًا

«حجاب» به معنای ساتر و چیزی است که حائل می شود. مراد از «اتَّخَذتْ... حِجَابًا» افکندن پرده و یا رفتن در مکانی است که دارای پوشش طبیعی، مانند دیوار یا کوه و مانند آن باشد.

### 226- فاتحان مسجدالاقصی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11- رهاسازی مجدد مسجدالاقصی از دست بنی اسرائیل به وسیله همان فاتحان نخست و با همان شیوه نخستین

و لیدخلوا المسجد کما دخلوه أول مره

13- دومین هجوم نیروهای فاتح مسجدالاقصی بر بنی اسرائیل فسادگر و سرکش ، هجومی توفنده و ویرانگر

و لیتبّروا ما علواً تتبیراً

«تتبیر» به معنای اهلاک است و آوردن مفعول مطلق (تتبیرا) - که برای تأکید است - إشعار به سختی هجوم دارد.

### 227- فتح مسجدالاقصی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10- فتح مسجد الاقصی ، توسط جنگاورانی نیرومند و رها شدن آن از دست بنی اسرائیل ، در پی فسادانگیزی مجدد آنان

و لیدخلوا المسجد كما دخلوه أول مرّة

نوع مفسّران برآنند که مقصود از «المسجد»، مسجد الاقصی است.

11- رهاسازی مجدد مسجد الاقصی از دست بنی اسرائیل به وسیله همان فاتحان نخست و با همان شیوه نخستین

و لیدخلوا المسجد كما دخلوه أول مرّة

ص: 446

## 228- مریم (س) کنار مسجد الاقصی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 16 - 5

5- مریم (س) در آستانه حامله شدن به عیسی (ع)، در نزدیکی مسجد الاقصی، بستگانی داشت که در میان آنان به سر می برد.

إذ انتبذت من أهلها مكاناً شرقياً

به قرینه «مکاناً قصبياً» در آیه بیست و دوم که ناظر به مکان دومی است که مریم (س) برگزید، مکان شرقی مسجد الاقصی به منطقه مسکونی مردم نزدیک بوده است.

## 229- ویژگیهای مسجد الاقصی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 1 - 12

12- مسجد الاقصی در سرزمینی، سرشار از خیر و برکت واقع شده است.

إلى المسجد الأقصى الذى برکنا حوله

مساجد

## 230- احترام مسجد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 40 - 17

17 - لزوم حفظ احترام صومعه ها، کلیسا ها، کنیسه ها و مساجد و جلوگیری از تخریب و انهدام آنها

و لولا دفع الله... لهدمت صومع و بیع و صلوت و مسجد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 114 - 6

6 - مساجد، از آن خدا و دارای قداست و احترامی خاص است.

انتساب مساجد به خدا، با اضافه کردن کلمه «مساجد» به «الله» برای رساندن شرافت و حرمت ویژه آنهاست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 447

15 - از میان رفتن حرمت و قداست مسجد، زمانی است که موجب زیان رسیدن به مؤمنان شود و پایگاهی علیه اسلام و وحدت مسلمین گردد.

و الذين اتخذوا مسجداً... تفریقاً بین المؤمنین و إرساداً لمن حارب الله ورسوله

### 231- محافظت از مساجد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 40 - 10

10 - حفاظت و پاسداری از معابد و مراکز دینی (صومعه ها، کلیساها، کنیسه ها و مساجد) فلسفه جهاد و دفاع

و لولا دفع الله... لهدمت صومع و بیع... و مسجد

«صوامع» جمع «صومعه» و «بیع» جمع «بیعه» و «صلوات» جمع «صلاه یا صَلَوَه» است. «صومعه» - مرداف «دیر» - جایی است که راهبان در آن به ریاضت می پردازند. «بیعه» به کلیسای نصارا گفته می شود. «صلاه یا صلوه» کنیسه یهودیان است؛ یعنی، اگر خدا برخی از مردم را به بعضی دیگر دفع نمی کرد، صومعه ها، کلیساها، کنیسه ها و مساجدی که در آن بسیار ذکر خدا می شود، تخریب می شدند.

ص: 448

### 1- آثار مسخ قلب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 111 - 6

6 - مسخ شدن قلب و ادراک کافران مایه ایمان نیاوردن ایشان، حتی با دیدن روشنترین معجزات است.

و نقلب أفئدتهم وأبصرهم . . . و لو أننا نزلنا ... ما كانوا ليؤمنوا

### 2- آثار مسخ کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - یس - 36 - 67 - 1

1 - توانایی خداوند بر مسخ کردن کافران، به گونه ای که آنان آن چنان زمین گیر شوند که از برخاستن از جای خود و حرکت به پیش و عقب ناتوان شوند .

و لو نشاء لمسخنهم علی مکانتهم فما استطعوا مضیاً و لایرجعون

### 3- استهزای مسخ شدگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مانده - 5 - 60 - 13

13 - گرفتاران به لعنت و غضب خدا، مسخ شدگان و طاغوت پرستان اهل کتاب خود سزاوار استهزا و نه مؤمنان به خدا و کتب آسمانی



الذین اتخذوا دینکم هزواً .. منهم القردة و الخنازیر و عبد الطغوت

#### 4- امکان مسخ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 65 - 9

9- امکان تبدیل شدن موجودی به موجودی دیگر در جهان طبیعت

فقلنا لهم کونوا قرده خسین

#### 5- جایگاه مسخ شدگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 60 - 16،17

16 - گرفتاران به لعنت الهی و غضب الهی ، مسخ شدگان و طاغوت پرستان ، دارای بدترین جایگاه و منزلت در پیشگاه خداوند

من لعنه الله ... و عبد الطغوت أولئك شر مکاناً و اضل عن سواء السبیل

با توجه به ارتباط این آیه با آیه قبل که روی سخن را با اهل کتاب قرار داده بود.

17 - بدترین جایگاه دوزخ از آن مسخ شدگان ، پرستندگان طاغوت ، گرفتاران به لعنت و غضب الهی است .

من لعنه الله و غضب علیه و جعل منهم .. أولئك شر مکاناً و اضل عن سواء السبیل

برخی از مفسران «مکاناً» را جایگاه دوزخی توصیف شدگان دانسته اند.

#### 6- گمراهی مسخ شدگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 60 - 18،19

18 - طاغوت پرستان ، مسخ شدگان و گرفتاران به لعنت و غضب الهی ، گمراهترین مردمان از راه راست

من لعنه الله ... و عبد الطغوت أولئك شر مکاناً و اضل عن سواء السبیل

19 - پیشینیان اهل کتاب - بر اثر گرفتاری به لعنت و غضب خدا و در آمدن به شکل میمون و خوک و پرستش طاغوت - ، دارای بدترین

جایگاه و منزلت در پیشگاه خداوند

من لعنه الله . . أولئك شر مكاناً و اضل عن سواء السبيل

ص: 450

## 7- مسخ اصحاب سبت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 65 - 3، 11

3 - خداوند ، اصحاب سبت ( تجاوزکاران یهود در روز شنبه ) را به بوزینه هایی مطرود تبدیل کرد .

فقلنا لهم كونوا قرده حسئين

«قِرْد» (مفرد قِرْدَة) به معنای میمون است. «خاسیء» به معنای مطرود و نیز به معنای حقیر و ذلیل می باشد و کلمه «خاسئین» خبر دوم برای «کونوا» است.

11 - «عبدالله بن الفضل الهاشمی قال قلت لابی عبدالله (ع) . . . «و لقد علمتم الذین اعتدوا منکم فی السبت فقلنا لهم کونوا قرده خاسئین» قال : أن أولئک مسخوا ثلاثة أيام ثم ماتوا و لم یناسلوا و ان القرده الیوم مثل أولئک . . . ;

عبدالله بن فضل هاشمی از امام صادق(ع) از سخن خداوند عز و جل که فرموده: «و لقد علمتم الذین اعتدوا منکم فی السبت فقلنا لهم کونوا قرده خاسئین» پرسید، امام فرمود آنان (یهود) به حالت مسخ سه روز باقی ماندند و سپس مردند و از آنان نسلی باقی نماند و میمونهای فعلی مثل همان میمونها هستند (مشابه آنها در شکلند ولی از نسل آنها نیستند) . . .».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 66 - 2

2 - مسخ شدن ، مجازات اصحاب سبت و دیگر امت های متخلف از احکام خدا

فجعلنها نکلا لما بین یدیها و ما خلفها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 47 - 19

19 - سرگذشت اصحاب سبت ( مسخ شدن به میمون ) عبرت و اندرزی برای کافران به قرآن از اهل کتاب

او نلعنهم کما لعنّا اصحاب السّبت

## 8- مسخ اهل ایله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9- « فجعلناها » - الضمير يعود الى الامه التي مسخت - وهم أهل إيله قريه على شاطئ البحر ، وهو المروى عن ابى جعفر (ع) . . .

;

از امام باقر(ع) روایت شده که: «خداوند اهل شهر ایله را - که در ساحل دریا قرار داشت - مسخ نمود . . .»

ص: 451

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 47 - 10، 14

10 - هشدار خداوند به اهل کتاب، در مورد مسخ انسانیت آنان در صورت ایمان نیاوردن به قرآن

امنوا... من قبل ان نطمس وجوهاً فنردّها علی ادبارها او نلعنهم

«طمس» به معنای نابود کردن اثر چیزی است، و «وجه» به معنای صورت می باشد. مراد از «وجه» نیز به دلیل برگشت ضمیر «هم» به آن، افراد انسان است؛ البته به لحاظ شخصیت انسانی آنان و نه به لحاظ جسم ایشان.

14 - مسخ چهره انسانی گروهی از اهل کتاب (سران و عالمان) در قیامت \*

من قبل ان نطمس وجوهاً فنردّها علی ادبارها

نکره بودن «وجه» حاکی از آن است که این عقوبت (مسخ چهره انسانی) برای تمامی مخاطبان نیست. لازم به ذکر است که برخی از مفسران تحقق این معنی را در قیامت می دانند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 60 - 6، 9، 13

6 - خداوند گروهی از اهل کتاب را به میمون و خوک مسخ کرد.

و جعل منهم القرده و الخنازیر

بسیاری از مفسران بر آنند که اصحاب سبت - یهودیانی که با حيله های شرعی قداست روز شنبه را شکستند - به میمون تبدیل شدند و آن گروه از مسیحیان که مائده نازل شده بر عیسی (ع) را منکر شدند به خوک مبدل گشتند.

9 - گرفتاری اهل کتاب به لعنت و غضب خداوند، پرستش طاغوت و مسخ شدنشان به میمون و خوک، سزای رفتارهای زشت آنان

هل انبئکم بشرّ من ذلك مثوبه عند الله من لعنه... و عبد الطغوت

کلمه «مثوبه» (سزا و جزا) می رساند که غضب و... به عنوان پیامدهای شومی است که اعمال ناروای اهل کتاب آنها را اقتضا می کرده است.

13 - گرفتاران به لعنت و غضب خدا، مسخ شدگان و طاغوت پرستان اهل کتاب خود سزاوار استهزا و نه مؤمنان به خدا و کتب آسمانی

الذين اتخذوا دينكم هزواً .. منهم القرده و الخنازير و عبد الطغوت

## 10- مسخ بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 65 - 10

10 - از امام سجاد (ع) روایت شده است : « . . . أما القرده فكانوا قوماً من بنی اسرائیل . . . اعتدوا فی السبت فصادوا الحیتان فمسخهم اللّهُ قرده . . . »

. . . اما بوزینه ها گروهی از بنی اسرائیل بودند ... که در روز شنبه از دستور الهی سرپیچی کرده به صید ماهی پرداختند و خداوند

ص: 452

آنان را به صورت بوزینه مسخ کرد».

## 11- مسخ به خوک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 60 - 6,9,19

6 - خداوند گروهی از اهل کتاب را به میمون و خوک مسخ کرد .

و جعل منهم القرده و الخنازیر

بسیاری از مفسران بر آنند که اصحاب سبت - یهودیانی که با حيله های شرعی قداست روز شنبه را شکستند - به میمون تبدیل شدند و آن گروه از مسیحیان که مائده نازل شده بر عیسی (ع) را منکر شدند به خوک مبدل گشتند.

9 - گرفتاری اهل کتاب به لعنت و غضب خداوند ، پرستش طاغوت و مسخ شدنشان به میمون و خوک ، سزای رفتار های زشت آنان

هل انبئکم بشرّ من ذلك مثوبه عند الله من لعنه .. و عبد الطغوت

کلمه «مثوبه» (سزا و جزا) می رساند که غضب و .. به عنوان پیامدهای شومی است که اعمال ناروای اهل کتاب آنها را اقتضا می کرده است.

19 - پیشینیان اهل کتاب - بر اثر گرفتاری به لعنت و غضب خدا و در آمدن به شکل میمون و خوک و پرستش طاغوت - ، دارای بدترین جایگاه و منزلت در پیشگاه خداوند

من لعنه الله .. أولئك شر مکاناً و اضل عن سواء السبيل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 78 - 15

15 - مسخ گروهی از بنی اسرائیل بصورت خوک ، در اثر لعن حضرت داود (ع) و بصورت میمون ، در اثر لعن حضرت عیسی (ع)

لعن الذین کفروا من بنی اسرائیل علی لسان داود و عیسی

از امام صادق (ع) درباره آیه فوق روایت شده: الخنازیر علی لسان داود (ع) و القرده علی لسان عیسی ابن مریم (ع).

## 12- مسخ به میمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 65 - 11، 10، 6، 3

3 - خداوند ، اصحاب سبت ( تجاوزکاران یهود در روز شنبه ) را به بوزینه هایی مطرود تبدیل کرد .

فقلنا لهم کونوا قرده خسین

«قرد» (مفرد قردۀ) به معنای میمون است. «خاسیء» به معنای مطرود و نیز به معنای حقیر و ذلیل می باشد و کلمه «خاسین»

ص: 453



خبر دوم برای «کونوا» است.

6 - بوزینه شدگان بنی اسرائیل از زمره خاسران و زیانکاران

لکنتم من الخسرین. و لقد علمتم الذین اعتدوا منکم فی السبت

آیه مورد بحث اشاره به نوع خسارت و زیانی دارد که در ذیل آیه قبل مطرح شد؛ یعنی، خسارتی که آدمی بر اثر گناه و تجاوز در خطر آن است، از قبیل خسارت اصحاب سبت می باشد.

10 - از امام سجاد (ع) روایت شده است: «... أما القرده فکانوا قوماً من بنی اسرائیل... اعتدوا فی السبت فصادوا الحیتان فمسخهم اللّهُ قرده...»

... اما بوزینه ها گروهی از بنی اسرائیل بودند... که در روز شنبه از دستور الهی سرپیچی کرده به صید ماهی پرداختند و خداوند آنان را به صورت بوزینه مسخ کرد».

11 - «عبدالله بن الفضل الهاشمی قال قلت لابی عبدالله (ع)... «و لقد علمتم الذین اعتدوا منکم فی السبت فقلنا لهم کونوا قرده خاسئین» قال: أن أولئک مسخوا ثلاثة أيام ثم ماتوا ولم یناسلوا و ان القرده الیوم مثل أولئک...»

عبدالله بن فضل هاشمی از امام صادق (ع) از سخن خداوند عز و جل که فرموده: «و لقد علمتم الذین اعتدوا منکم فی السبت فقلنا لهم کونوا قرده خاسئین» پرسید، امام فرمود آنان (یهود) به حالت مسخ سه روز باقی ماندند و سپس مردند و از آنان نسلی باقی نماند و میمونهای فعلی مثل همان میمونها هستند (مشابه آنها در شکلند ولی از نسل آنها نیستند)».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 47 - 19

19 - سرگذشت اصحاب سبت ( مسخ شدن به میمون ) عبرت و اندرزی برای کافران به قرآن از اهل کتاب

او نلعنهم کما لعنّا اصحاب السّبّت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 60 - 19، 6، 9

6 - خداوند گروهی از اهل کتاب را به میمون و خوک مسخ کرد.

و جعل منهم القرده و الخنازیر

بسیاری از مفسران بر آنند که اصحاب سبت - یهودیانی که با حيله های شرعی قداست روز شنبه را شکستند - به میمون تبدیل شدند و آن

گروه از مسیحیان که مائده نازل شده بر عیسی (ع) را منکر شدند به خوک مبدل گشتند.

9- گرفتاری اهل کتاب به لعنت و غضب خداوند ، پرستش طاغوت و مسخ شدنشان به میمون و خوک ، سزای رفتارهای زشت آنان

هل انبئکم بشر من ذلک مثوبه عند الله من لعنه . . . و عبد الطغوت

کلمه «مثوبه» (سزا و جزا) می رساند که غضب و . . . به عنوان پیامدهای شومی است که اعمال ناروای اهل کتاب آنها را اقتضا می کرده است.

19 - پیشینیان اهل کتاب - بر اثر گرفتاری به لعنت و غضب خدا و در آمدن به شکل میمون و خوک و پرستش طاغوت - ، دارای بدترین جایگاه و منزلت در پیشگاه خداوند

من لعنه الله . . . أولئك شر مكاناً و اضل عن سواء السبيل

ص: 454

15 - مسخ گروهی از بنی اسرائیل بصورت خوک ، در اثر لعن حضرت داود (ع) و بصورت میمون ، در اثر لعن حضرت عیسی (ع)

لعن الذین کفروا من بنی اسرائیل علی لسان داود و عیسی

از امام صادق(ع) درباره آیه فوق روایت شده: الخنازیر علی لسان داود(ع) و القرده علی لسان عیسی ابن مریم(ع).

---

کافی، ج 8، ص 200، ح 240؛ نورالثقلین، ج 1، ص 660، ح 311.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 166 - 1, 3, 7

1 - خداوند یهودیان ایله را به خاطر شکستن قانون روز شنبه با صید ماهی ، به بوزینگانی مطرود مبدل ساخت .

فلما عتوا عن ما نهوا عنه قلنا لهم کونوا قرده خستین

«عتوا» (مصدر عتوا)، به معنای عصیان و سرکشی است. مراد از «ما نهوا عنه» صید ماهی در روز شنبه است.

3 - خداوند یهودیان ایله را پس از عبرت نگرفتن از عذاب نازل شده بر آنان و اصرارشان بر صید ماهی ، به بوزینه تبدیل کرد .

و أخذنا الذین ظلموا بعذاب بئیس . . . فلما عتوا عن ما نهوا عنه

واق--ع شدن جمله «فلما عتوا» پس از «أخذنا الذین ظلموا . . .»، بیانگر این است که متجاوزان پس از مبتلا شدن به عذاب دنیوی

همچنان به صید ماهی در شنبه ادامه می دادند.

7 - مسخ یهودیان متمرّد آبادی ایله به بوزینگانی مطرود ، عذاب سخت الهی برای ایشان

قلنا لهم کونوا قرده خستین

برخی بر آنند که «قلنا لهم . . .» بیان همان «عذاب بئیس» است که در آیه قبل آمده است. گفتنی است بر این مبنا «الذین ظلموا» شامل

ترک کنندگان نهی از منکر نمی شود. زیرا آنان قانون حرمت صید را نشکستند و به بوزینه تبدیل نشدند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 110 - 1

1 - وارونه ساختن دل و دیده برخی مشرکان عنود سنت خداوندی است.

و نقلب أفئدتهم وأبصرهم كما لم يؤمنوا به أول مره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 110 - 1

ص: 455

## 14- مسخ در بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 78 - 15

15 - مسخ گروهی از بنی اسرائیل بصورت خوک، در اثر لعن حضرت داود (ع) و بصورت میمون، در اثر لعن حضرت عیسی (ع)

لعن الذین کفروا من بنی اسرائیل علی لسان داود و عیسی

از امام صادق(ع) درباره آیه فوق روایت شده: الخنازیر علی لسان داود(ع) و القرده علی لسان عیسی ابن مریم(ع).

---

کافی، ج 8، ص 200، ح 240؛ نورالثقلین، ج 1، ص 660، ح 311.

## 15- مسخ در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 47 - 14

14 - مسخ چهره انسانی گروهی از اهل کتاب (سران و عالمان) در قیامت \*

من قبل ان نطمس وجوهاً فنردّها علی ادبارها

نکره بودن «وجوه» حاکی از آن است که این عقوبت (مسخ چهره انسانی) برای تمامی مخاطبان نیست. لازم به ذکر است که برخی از مفسران تحقق این معنی را در قیامت می دانند.

## 16- مسخ شخصیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 47 - 12

12 - انحراف فکر و اندیشه و مسخ شخصیت، پیامد کفر به قرآن

امنوا... من قبل ان نطمس وجوهاً فنردّها علی ادبارها

«وجوه» به اعتبار اینکه مجمع تمامی حواس آدمی است، می تواند کنایه از درک و فهم باشد.

## 17- مسخ شدگان بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 65 - 6

6 - بوزینه شدگان بنی اسرائیل از زمره خاسران و زیانکاران

لکنتم من الخسرین. ولقد علمتم الذین اعتدوا منکم فی السبت

ص: 456

آیه مورد بحث اشاره به نوع خسارت و زیانی دارد که در ذیل آیه قبل مطرح شد؛ یعنی، خسارتی که آدمی بر اثر گناه و تجاوز در خطر آن است، از قبیل خسارت اصحاب سبت می باشد.

### 18- مسخ شدگان در جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 60 - 17

17 - بدترین جایگاه دوزخ از آن مسخ شدگان ، پرستندگان طاغوت ، گرفتاران به لعنت و غضب الهی است .

من لعنه الله و غضب علیه و جعل منهم .. أولئك شر مكاناً و اضل عن سواء السبيل

برخی از مفسران «مکاناً» را جایگاه دوزخی توصیف شدگان دانسته اند.

### 19- مسخ عصیانگران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 66 - 2

2 - مسخ شدن ، مجازات اصحاب سبت و دیگر امت های متخلف از احکام خدا

فجعلنها نکالا لما بین یدیهما و ما خلفها

### 20- مسخ قلب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 110 - 2

2 - قلب و ادراک انسان در نتیجه کفر و لجاجت مسخ می گردد.

لئن جاءتهم آیه .. لایؤمنون . و نقلب أفئدتهم و أبصرهم

«فؤاد» به معنی قلب است و وارونه ساختن معنی فیزیکی ندارد، بلکه منقلب شدن خصوصیات و واژگون شدن آن است. لذا می توان از آن

به مسخ تعبیر کرد.

### 21- مسخ قلب کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6- مسخ شدن قلب و ادراک کافران مایه ایمان نیاوردن ایشان، حتی با دیدن روشنترین معجزات است.

ص: 457



و نقلب أفئدتهم وأبصرهم . . . و لو أننا نزلنا ... ما كانوا ليؤمنوا

## 22- مسخ کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 47 - 21, 22

21 - مسخ کافران به قرآن و یا گرفتاری آنان به لعنت ، سنت الهی

من قبل ان نطمس وجوهاً . . . او نلعنهم ... و كان امر الله مفعولاً

22 - مسخ و یا لعنت کافران به قرآن از اهل کتاب ، امری حتمی و قضایی تخلف ناپذیر

یا ایها الذین اوتوا الکتب امنوا . . من قبل ان نطمس وجوهاً ... و كان امر الله م

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - یس - 36 - 67 - 2

2 - عذاب کافران با مسخ و زمین گیر شدن شان ، جزء مشیت و سنت خدا نیست .

و لو نشاء لمسخنهم علی مکانتهم فما استطعوا مضیاً و لایرجعون

## 23- مسخ یهود ایله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 166 - 1, 3, 7

1 - خداوند یهودیان ایله را به خاطر شکستن قانون روز شنبه با صید ماهی ، به بوزینگانی مطرود مبدل ساخت .

فلما عتوا عن ما نهوا عنه قلنا لهم کونوا قرده خسین

«عتوا» (مصدر عتوا)، به معنای عصیان و سرکشی است. مراد از «ما نهوا عنه» صید ماهی در روز شنبه است.

3 - خداوند یهودیان ایله را پس از عبرت نگرفتن از عذاب نازل شده بر آنان و اصرارشان بر صید ماهی ، به بوزینه تبدیل کرد .

و أخذنا الذین ظلموا بعذاب بئیس . . فلما عتوا عن ما نهوا عنه

واق--ع شدن جمله «فلما عتوا» پس از «أخذنا الذین ظلموا . . .»، بیانگر این است که متجاوزان پس از مبتلا شدن به عذاب دنیوی

همچنان به صید ماهی در شبه ادامه می دادند.

7- مسخ یهودیان متمرّد آبادی ایله به بوزینگانی مطرود ، عذاب سخت الهی برای ایشان

قلنا لهم کونوا قرده خسئین

برخی برآند که «قلنا لهم . . .» بیان همان «عذاب بئیس» است که در آیه قبل آمده است. گفتنی است بر این مبنا «الذین ظلموا» شامل ترک کنندگان نهی از منکر نمی شود. زیرا آنان قانون حرمت صید را نشکستند و به بوزینه تبدیل نشدند.

ص: 458

## 24- استهزای مسخ شدگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 60 - 13

13 - گرفتاران به لعنت و غضب خدا ، مسخ شدگان و طاغوت پرستان اهل کتاب خود سزاوار استهزا و نه مؤمنان به خدا و کتب آسمانی

الذین اتخذوا دینکم هزواً .. منهم القرده و الخنازیر و عبد الطغوت

## 25- جایگاه مسخ شدگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 60 - 16,17

16 - گرفتاران به لعنت الهی و غضب الهی ، مسخ شدگان و طاغوت پرستان ، دارای بدترین جایگاه و منزلت در پیشگاه خداوند

من لعنه الله .. و عبد الطغوت أولئك شر مكاناً و اضل عن سواء السبیل

با توجه به ارتباط این آیه با آیه قبل که روی سخن را با اهل کتاب قرار داده بود.

17 - بدترین جایگاه دوزخ از آن مسخ شدگان ، پرستندگان طاغوت ، گرفتاران به لعنت و غضب الهی است .

من لعنه الله و غضب علیه و جعل منهم .. أولئك شر مكاناً و اضل عن سواء السبیل

برخی از مفسران «مکاناً» را جایگاه دوزخی توصیف شدگان دانسته اند.

## 26- گمراهی مسخ شدگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 60 - 18,19

18 - طاغوت پرستان ، مسخ شدگان و گرفتاران به لعنت و غضب الهی ، گمراهترین مردمان از راه راست

من لعنه الله .. و عبد الطغوت أولئك شر مكاناً و اضل عن سواء السبیل

19 - پیشینیان اهل کتاب - بر اثر گرفتاری به لعنت و غضب خدا و در آمدن به شکل میمون و خوک و پرستش طاغوت - ، دارای بدترین

جایگاه و منزلت در پیشگاه خداوند

من لعنه الله . . أولئك شر مكاناً و اضل عن سواء السبيل

## **27- مسخ شدگان بنی اسرائیل**

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 459

6 - بوزینه شدگان بنی اسرائیل از زمره خاسران و زیانکاران

لکنتم من الخسرین. ولقد علمتم الذین اعتدوا منکم فی السبت

آیه مورد بحث اشاره به نوع خسارت و زیانی دارد که در ذیل آیه قبل مطرح شد؛ یعنی، خسارتی که آدمی بر اثر گناه و تجاوز در خطر آن است، از قبیل خسارت اصحاب سبت می باشد.

### 28- مسخ شدگان در جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 60 - 17

17 - بدترین جایگاه دوزخ از آن مسخ شدگان، پرستندگان طاغوت، گرفتاران به لعنت و غضب الهی است.

من لعنه الله و غضب علیه و جعل منهم .. أولئک شر مکاناً و اضل عن سواء السبیل

برخی از مفسران «مکاناً» را جایگاه دوزخی توصیف شدگان دانسته اند.

ص: 460

1- مسرفان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مانده - 5 - 32 - 25

25 - بسیاری از بنی اسرائیل ، علی رغم دعوت پیامبرانشان ، مردمی اسرافکار و قانونشکن بودند .

و لقد جاءتهم رسلنا بالبينت ثم ان كثيرا منهم بعد ذلك فى الارض لمسرفون

اسراف به معنای خروج از حد اعتدال است و کلمه «فی الارض» می رساند که منظور از اسراف، خروج از حد اعتدال در مسائل اجتماعی است که از آن به قانونشکنی تعبیر شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 81 - 4

4 - قوم لوط به دلیل ارتکاب لواط ، مردمی متجاوز و اسرافگر

بل أنتم قوم مسرفون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 12 - 15

15 - کسانی که در گرفتاری ها به یاد خدا بوده و در رفاه و آسایش از او غافل می شوند ، مردمی مسرف هستند .

و إذا مسّ الإنسان الضرّ دعانا .. فلما كشفنا عنه ضرّه ... لم يدعنا ... كذلك زین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 83 - 8

8 - فرعون مصر ، حاکمی از زمره مسرفان بود .

آته لمن المسرفین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 127 - 2

2- روی گردانان از آیات خداوند و رهنمود های او، مصداق کامل و بارز اسراف کاران اند.

و من أعرض عن ذکری . . . و کذلک نجزی من أسرف

چنانچه «کذلک نجزی. . .» عطف به آیه قبل و ادامه گفت وگویی خداوند با غافلان از یاد خدا باشد، «من أسرف» عنوان دیگری برای غافلان خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 9 - 8

8- دشمنان و مخالفان پیامبران، اسراف کارانند.

ثم صدقنهم الوعد . . . أهلکنا المسرفین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 11 - 5

5- ظلم، اسراف است و جوامع ستمگر، مصداق بارز مسرفان تاریخ اند.

و أهلکنا المسرفین . . . و کم قصمنا من قریه کانت ظالمه

خداوند در دو آیه قبل، دشمنان پیامبران را به مسرفان توصیف کرد (و أهلکنا المسرفین) و در این آیه بسیاری از اقوامی را که به خاطر دشمنی با دین الهی، نابود شده اند، به ظالمان توصیف فرمود. از ارتباط این دو آیه، می توان فهمید که ظالمان همان مسرفان اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - یس - 36 - 19 - 9

9- کفر و مخالفت با پیامبران، اسراف است و کافران مسرف اند.

أئن ذکرتم بل أئنتم قوم مسرفون

توصیف مردم بی ایمان و مخالف پیامبران الهی به اسرافگر، گویای حقیقت یاد شده است.

## 2- آثار توبه مسرفان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 82 - 4

4- رهبانیت گرایان و اسراف کنندگان، در صورت توبه، مشمول مغفرت الهی قرار خواهند بود.

كلوا... ولا تطغوا... وإني لغفار لمن تاب

ص: 462



### 3- اطاعت از مسرفان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 151 - 1

1 - اطاعت ثمودیان ، از اشراف و رؤسای اسراف گر و متجاوز خویش

و لاتطیعوا امر المسرفین

«اسراف» (مصدر «مسرفین») به معنای افراط کردن و از حد اعتدال خارج شدن است. بنابراین «مسرفین»؛ یعنی، افراط گران و متجاوزان.

### 4- افساد مسرفان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 152 - 1

1 - اسراف گران ، مایه فساد در زمین و فاقد کمترین اصلاح گری

المسرفین . الذین یفسدون فی الأرض و لایصلحون

### 5- بی لیاقتی مسرفان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 152 - 2

2 - اسراف گران و فسادانگیزان ، فاقد صلاحیت رهبری و فرماندهی

و لاتطیعوا امر المسرفین . الذین یفسدون فی الأرض

### 6- تداوم عذاب مسرفان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 127 - 7

7 - مسرفان و ترک کنندگان ایمان به آیات خداوند ، علاوه بر کیفر شدن در دنیا و کور بودن در روز قیامت ، آخرتی همراه با عذاب سخت تر و مداوم تر خواهند داشت .

«كذلك» می‌رساند که زندگی سخت در دنیا و کوری قیامت، علاوه بر غافلان، مسرفان بی‌ایمان را نیز تهدید می‌کند و جمله «لعذاب الآخرة..» حاکی از عذابی اضافه بر آن است که پس از پایان روز قیامت، آغاز شده و شدیدتر و طولانی‌تر از عذاب، دنیا و

قیامت خواهد بود.

## 7- حق ناپذیری مسرفان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 12 - 14

14 - مرفهان اسراف پیشه ، مردمانی خودپسند ، از خود راضی و حق ناپذیر

كذلك زين للمسرفين ما كانوا يعملون

## 8- دشمنی مسرفان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبياء - 21 - 9 - 5

5- اسراف کنندگان ، رو در روی پیامبران و در صف مخالفان و دشمنان آنان بودند .

فأنجينهم

## 9- زمینه پیدایش مسرفان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 151 - 4

4 - خطر پیدایش طبقه مسرف و متجاوز ، در شرایط رفاه و توانمندی اقتصادی جامعه و تسلیم شدن توده های ناآگاه در برابر آنان

في جنّات و عيون . و زروع و نخل ... و لاتطيعوا أمر المسرفين

از ارتباط عبارت «فی جنّات و عیون» با «و لاتطیعوا أمر المسرفین» می توان استفاده کرد که در محیط رفاه و ثروت، رهبران اسراف گر ظهور می کنند و توده های ناآگاه نیز به اطاعت از آنان، گردن می نهند.

## 10- سختی زندگی مسرفان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 127 - 1

1 - زندگانی سخت و تنگ در دنیا و کوری و گرفتاری مهربی خداوند شدن در قیامت، کیفر اسرافکاران است .

معیشه ضنگاً و نحشر یوم القیمه أعمی . . . و کذلک نجزی من أسرف

اسراف؛ یعنی، از حد اعتدال فراتر رفتن (مصباح). در این آیه، مراد از آن به قرینه «من اتبع هدای» تجاوز از رهنمودهای الهی

ص: 464

است. «ذلک» در «کذلک» اشاره به کیفرهایی است که در آیات پیشین برای اعراض کنندگان از یاد، خدا بیان شده است.

### 11- شرایط آمرزش مسرفان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 82 - 4

4- رهبانیت گرایان و اسراف کنندگان ، در صورت توبه ، مشمول مغفرت الهی قرار خواهند بود .

کلوا... ولا تطغوا... وائی لغفار لمن تاب

### 12- صفات مسرفان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 12 - 14

14 - مرفهان اسراف پیشه ، مردمانی خودپسند ، از خود راضی و حق ناپذیر

کذلک زین للمسرفین ما کانوا یعملون

### 13- عَجَب مسرفان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 12 - 14

14 - مرفهان اسراف پیشه ، مردمانی خودپسند ، از خود راضی و حق ناپذیر

کذلک زین للمسرفین ما کانوا یعملون

### 14- عذاب اخروی مسرفان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 127 - 7

7 - مسرفان و ترک کنندگان ایمان به آیات خداوند ، علاوه بر کیفر شدن در دنیا و کور بودن در روز قیامت ، آخرتی همراه با عذاب سخت تر و مداوم تر خواهند داشت .

«كذلك» می‌رساند که زندگی سخت در دنیا و کوری قیامت، علاوه بر غافلان، مسرفان بی‌ایمان را نیز تهدید می‌کند و جمله «لعذاب الآخرة..» حاکی از عذابی اضافه بر آن است که پس از پایان روز قیامت، آغاز شده و شدیدتر و طولانی‌تر از عذاب، دنیا و

قیامت خواهد بود.

## 15- کوری اخروی مسرفان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 127 - 1

1 - زندگانی سخت و تنگ در دنیا و کوری و گرفتار بی مهري خداوند شدن در قیامت ، کيفر اسرافکاران است .

معيشه ضنگا و نحشر يوم القيمة أعمى . . . و كذلك نجزي من أسرف

اسراف؛ یعنی، از حد اعتدال فراتر رفتن (مصباح). در این آیه، مراد از آن به قرینه «من اتبع هدای» تجاوز از رهنمودهای الهی است. «ذلک» در «کذلک» اشاره به کيفرهایی است که در آیات پیشین برای اعراض کنندگان از یاد، خدا بیان شده است.

## 16- کيفر مسرفان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 127 - 1،7

1 - زندگانی سخت و تنگ در دنیا و کوری و گرفتار بی مهري خداوند شدن در قیامت ، کيفر اسرافکاران است .

معيشه ضنگا و نحشر يوم القيمة أعمى . . . و كذلك نجزي من أسرف

اسراف؛ یعنی، از حد اعتدال فراتر رفتن (مصباح). در این آیه، مراد از آن به قرینه «من اتبع هدای» تجاوز از رهنمودهای الهی است. «ذلک» در «کذلک» اشاره به کيفرهایی است که در آیات پیشین برای اعراض کنندگان از یاد، خدا بیان شده است.

7 - مسرفان و ترک کنندگان ایمان به آیات خداوند ، علاوه بر کيفر شدن در دنیا و کور بودن در روز قیامت ، آخرتی همراه با عذاب سخت تر و مداوم تر خواهند داشت .

و لعذاب الأخره أشدّ و أبقي

«کذلک» می رساند که زندگی سخت در دنیا و کوری قیامت، علاوه بر غافلان، مسرفان بی ایمان را نیز تهدید می کند و جمله «لعذاب الأخره. . .» حاکی از عذابی اضافه بر آن است که پس از پایان روز قیامت، آغاز شده و شدیدتر و طولانی تر از عذاب، دنیا و قیامت خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - ذاریات - 51 - 34 - 2

2 - اسرافگران متجاوز از قانون الهی ، دارای مجازات هایی از پیش تعیین شده در نزد خداوند

حجاره من طین . مسومه عند ربك للمسرفين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - ذاریات - 51 - 35 - 3

ص: 466



3 - جدا شدن مؤمنان از صف مجرمان و مسرفان پیش از نزول عذاب ، نمودی از قانون مندی نظام کیفری حق

مسومه عند ربك .. فأخرجنا ... من المؤمنين

ممکن است «أخرجنا ..»، نمودی از «مسومه» و مصداقی برای آن باشد.

### 17- محرومیت اخروی مسرفان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 127 - 3

3 - اسراف کنندگان و روی گردانان از ایمان به آیات الهی ، از عنایت و توجه خداوند در قیامت محروم خواهند بود .

و كذلك اليوم تنسى . و كذلك نجزي من أسرف و لم يؤمن بآيت ربّه

### 18- محرومیت مسرفان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 141 - 16

16 - خداوند اسرافکاران را از محبت خویش محروم ساخته است.

إنه لايحب المسرفين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - اعراف - 7 - 31 - 7

7 - اسراف کنندگان از محبت خداوند محرومند.

إنه لايحب المسرفين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 28 - 23

23 - اسرافگران و دروغ گویان ، از هدایت الهی محروم اند .

إنّ الله لا يهدى من هو مسرف كذاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 5 - 10

10 - جوامع اسرافگر ، مستحق محرومیت از برکات و الطاف الهی

أن كنتم قومًا مسرفین

آیه شریفه، نشانگر آن است که مسرفان، استحقاق محرومیت از نزول وحی را دارند؛ ولی لطف بی کران الهی موجب شده است که

ص: 467

وحي ادامه يابد.

## 19- مسرفان در جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

16 - غافر - 40 - 43 - 6

6 - اسراف گران و افراط کنندگان در گناه و حق ستیزی ، اهل دوزخ اند .

وَأَنَّ الْمُسْرِفِينَ هُمْ أَصْحَابُ النَّارِ

«اسراف» به معنای افراط است و مقصود از «مصرفین» در آیه شریفه، کسانی اند که در گناه و حق ستیزی افراط می کنند.

## 20- ممانعت از اطاعت مسرفان

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

13 - شعراء - 26 - 151 - 2,3

2 - تلاش صالح (ع) برای بازداشتن قوم خویش از اطاعت اسراف گران و متجاوزان

و لا تطيعوا أمر المسرفين

3 - پیروی از متجاوزان و اسراف گران ، ناسازگار با تقوای الهی و خط پیامبران

فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا . و لا تطيعوا أمر المسرفين

## 21- هلاکت مسرفان

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

18 - ذاریات - 51 - 35 - 2

2 - ایمان ، مایه مصونیت انسان ، از عذاب هلاکت بار جامعه مجرم و اسراف گر

فَأَخْرَجْنَا مَنْ كَانَ فِيهَا مِنَ الْمُؤْمِنِينَ

ص: 468

### 1- آثار علاقه به مسکن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 24 - 1

1 - عواطف خویشاوندی (علاقه به پدر، فرزند، برادر، همسر و خویشاوندان) و امکانات مادی (مال، شغل و مسکن) زمینه های انحراف انسان و روی گردانی وی از فرمان خدا و رسول و رها کردن جهاد

قل إن كان ءاباؤکم . . . و أموال اقترفتموها ... أحب إليکم من اللّٰه ورسوله و جهاد

### 2- آزادی انتخاب مسکن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - عنکبوت - 29 - 56 - 8

8 - زمین، از آن خدا است و بندگان خدا، می توانند در هر نقطه مناسبی مسکن بگیرند .

إنّ أرضی وسعه فیّی-ی فاعبدون

### 3- اهمیت تأمین مسکن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 161 - 18

18 - تأمین محل سکونت و اسباب معیشت پیش از امر به نیایش و استغفار، روشی نیکو برای واداشتن مردم به خضوع و خشوع در برابر خداوند و طلب آمرزش از او

و إذ قيل لهم اسكنوا .. ادخلوا الباب سجداً نغفر لكم خطيئكم

بیان طبیعی داستان ورود بنی اسرائیل به بیت المقدس اقتضا می کرد که جمله «ادخلوا الباب سجداً» و جمله «قولوا حطه» پیش از جمله «اسکنوا ..» و «كلوا ...» آورده شود. زیرا اول باید تصرف شود و سپس سکونت انجام گیرد. این تقدیم و تأخیر می تواند اشاره به برداشت فوق داشته باشد.

#### 4- اهمیت تهیه مسکن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 87 - 7

7- تهیه مسکن برای مردم، از مسایل مورد توجه دین است.

أَنْ تَبُوءَ لِقَوْمِكَمَا بِمِصْرَ بِيوتاً وَ اجْعَلُوا بِيوتَكُمْ قِبَلَهُ

#### 5- اهمیت مسکن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 81 - 9

9- اهمیت مسکن، سایه، پناهگاه های کوهستانی و پوشش های مقاوم و متنوع در زندگی انسان

وَ اللّٰهُ جَعَلَ لَكُمْ مِنْ بِيوتِكُمْ سَكَنًا .. ظِللاً ... أَكْتَنَّا ... سَرِييلَ تَقِيكُمْ الْحَرَّ ...

#### 6- اهمیت مسکن مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 93 - 4

4- برخورداری مؤمنان از مسکن مناسب و کیفیت خوب زندگی، در دیدگاه ادیان الهی، امری پسندیده و نعمت خدادادی است.

وَ لَقَدْ بَوَّأْنَا بَنِي إِسْرَءِيْلَ مَبْوَأَ صَدَقٍ وَ رَزَقْنَهُمْ مِنَ الطَّيِّبِاتِ

#### 7- حق مسکن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 84 - 4

4- داشتن وطن و سرپناه از حقوق ملت ها و جوامع بشری است . \*

من دیرکم

ص: 470

قرآن با اضافه کردن کلمه «دیار» به «کم» و نسبت دادن خانه و وطن به انسانها (دیار کم = خانه های تان و وطن تان) این حقیقت را امضا و تثبیت می کند که: هر ملت و طایفه ای این حق را دارد که در سرزمینی سکنا گزیند و محلی را برای زندگی انتخاب کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - طلاق - 65 - 1 - 24

24 - « عن سعدبن أبي خَلف قال : سألت أبا الحسن موسى بن جعفر (ع) : . . . أليس الله عز وجل يقول : « لا تخرجوهن من بيوتهنّ و لا يخرجن » قال : فقال إنّما عني بذلك التي تطلق تطيقه بعد تطيقه فتلك التي لا تخرج و لا تخرج حتى تطلق الثالثة فإذا طلقت الثالثة فقد بانت منه و لانفقه ل ها ، و المرأة التي يطلقها الرجل تطيقه ثم يدعها حتى يخلوا أجلها فهذا أيضاً يقعد في منزل زوجها و لها النفقه و السكنى حتى تقضى عدتها ؛

سعدبن ابی خلف گوید: از امام کاظم (ع) پرسیدم.. [و] گفتم: آیا خداوند عزوجل فرموده: «لا تخرجوهنّ و لا یخرجن» حضرت فرمود: خداوند [در این دستور] زنی را قصد کرده که دو بار [به طلاق رجعی] طلاق داده می شود. این زن [نباید در زمان عدّه] از خانه خارج شود و نباید شوهر او را خارج کند تا این که طلاق سوم واقع شود. پس آن گاه که برای بار سوم، طلاق داده شد از شوهر جدا می شود و برای او نفقه نیست. و زنی که شوهر او یک بار طلاق داده و او را رها نموده تا این که عدّه اش تمام شود، او نیز در منزل شوهرش می نشیند [و نباید خارج شود] و حق نفقه و سکنی دارد تا عدّه اش تمام شود».

## 8- دین و مسکن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 87 - 7

7 - تهیه مسکن برای مردم ، از مسایل مورد توجه دین است .

أَنْ تَبَوَّءَ الْقَوْمَ كَمَا بِمِصْرَ بَيْوتاً وَ اجْعَلُوا بَيْوتَكُمْ قِبَلَهُ

## 9- سرزنش علاقه به مسکن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 24 - 3

3 - مذمت خدا از دل بستگی به خویشاوندان و به مال و منال و دلواپسی برای تجارت و مسکن در صورتی که مایه غفلت از خدا و رسول و جهاد در راه خدا شود .

قل إن كان آباؤكم . . . و أموال اقترفتموها و تجره تخشون كسادهها و مسكن ... أحب إلي





## 10- شرایط انتخاب مسکن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - عنكبوت - 29 - 56 - 5

5 - مؤمنان ، در انتخاب مسکن ، باید نقطه ای را انتخاب کنند که ارزش های دینی شان محفوظ باشد .

إِنَّ أَرْضِي وَسَعَةِ فَإِيّـى فاعبدون

## 11- علاقه به مسکن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 66 - 7

7 - وابستگی انسان به خویش ، شهر و دیار ( خانه و کاشانه ) مانعی جهت تسلیم در برابر خداوند

و یسلّموا تسلیمًا. ولو انا کتبنا ... ما فعلوه الاّ قلیل منهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 24 - 4

4 - روی گردانان از جهاد ، به خاطر علقه های عاطفی ( محبت پدر ، فرزند ، برادر ، همسر و خویشاوندان ) و دلبستگی مادی ( مال ، شغل و مسکن ) مورد تهدید خداوند

قل إن کان ءاباؤکم . . . و أموال اقترفتموها و ... أحب إلیکم ... و جهاد فی سبیلہ فتر

## 12- مسکن ابراهیم (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - عنكبوت - 29 - 31 - 6

6 - ابراهیم (ع) ، در زمان عذاب شدن قوم لوط ، در نزدیکی شهر آنان اقامت داشته است .

ولما جاءت رسلنا إبرهیم . . . إنا مهلكوا أهل هذه القرية

اسم اشاره «هذه» - که بر نزدیک بودن مشارالیه اش دلالت دارد - نکته بالا را می رساند.

### 13- مسکن اخروی مهاجران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 59 - 3

3 - مسکن و جایگاه دلپذیر ، از برجسته ترین مصداق های روزی نیکوی خدا به مؤمنان مهاجر در سرای آخرت

ص: 472

لیرزقنهم اللّٰه رزقاً حسناً . . . لیدخلنهم مدخلاً یرضونه

برداشت یاد شده، با توجه به این نکته است که جمله «لیدخلنهم» بدل اشتمال و به تعبیر دیگر از مصداق های رزق نیکو (لیرزقنهم اللّٰه رزقاً حسناً) می باشد.

#### 14- مسکن اصحاب ایکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - ق - 50 - 14 - 2

2- « أصحاب ایکه » ، ساکنان سرزمینی پردرخت و جنگلی \*

و أصحاب الأیکه

«ایکه» به معنای درختان انبوه و جنگل گونه است. احتمال دارد به اصحاب «ایکه»، از آن جهت این عنوان داده شده باشد که در محیطی این چنین زندگی می کرده اند.

#### 15- مسکن انسان ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 36 - 15

15 - زمین محل سکونت و قرارگاه موقت انسانها

و لکم فی الارض مستقرّ و متعّ إلى حین

«إلی حین» (تا هنگامی) علاوه بر تعلقش به «متاع»، به «مستقر» نیز متعلق هست.

#### 16- مسکن بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 93 - 3

3- وضعیت مسکن و معیشت بنی اسرائیل در دوران حکومت فرعون ، وضعیتی نابسامان و نامناسب بود .

و لقد بوأنا بنی اسرائیل مبعّاً صدق و رزقنهم من الطیب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - منزل گاه بنی اسرائیل - پس از عبور از دریا - فاقد امکانات تغذیه سالم و دارای مواد غذایی بد خوراک و مغایر با طبع انسان بود .

ص: 473

كلوا من طيبات ما رزقنكم ولا تطغوا فيه

### 17- مسكن حبيب نجار

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فیش

15 - يس - 36 - 20 - 4

4- حبيب نجار، بیرون از شهر و در حاشیه و کرانه آن می زیست .

و جاء من أقصا المدینه رجل

«أقصا المدینه» به معنای دورترین جای شهر است که مقصود از آن در آیه شریفه - به دلیل شواهد تاریخی و روایات مربوطه - حاشیه و کرانه شهر است.

### 18- مسکن خویشاوندان مریم(س)

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فیش

10 - مریم - 19 - 16 - 4,5

4- خویشاوندان مریم، در غیر جهت شرقی مسجد الاقصی سکونت داشتند .

انتبذت من أهلها مکاناً شرقیاً

5- مریم (س) در آستانه حامله شدن به عیسی (ع)، در نزدیکی مسجد الاقصی، بستگانی داشت که در میان آنان به سر می برد .

إذ انتبذت من أهلها مکاناً شرقیاً

به قرینه «مکاناً قصبیاً» در آیه بیست و دوم که ناظر به مکان دومی است که مریم(س) برگزید، مکان شرقی مسجد الاقصی به منطقه مسکونی مردم نزدیک بوده است.

### 19- مسکن در ادیان

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فیش

7 - یونس - 10 - 93 - 4

4- برخوردارى مؤمنان از مسکن مناسب و کیفیت خوب زندگی، در دیدگاه ادیان الهی، امری پسندیده و نعمت خدادادی است .

و لقد بؤنا بنی اسرائیل مبواً صدق و رزقنهم من الطیبیت



## 20- مسکن شیاطین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 36 - 9

9- زمین محل سکونت و قرارگاه شیاطین

اهبطوا... و لكم فی الأرض مستقر

برداشت فوق بر این مبناست که خطابها در جمله «اهبطوا» و... متوجه شیطان نیز باشد.

## 21- مسکن مرفهان اقوام پیشین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 13 - 7

7- رفاه زدگان جوامع ستمگر پیشین، ساختمانها و بناهای باشکوه و مجللی داشتند.

وارجعوا إلی ما أتفتم فیہ و مسکنکم

ذکر مساکن در میان سایر داراییها و اموال مترفان، گواه بر ویژگی آن در بین آنها و نیز دلیل دل بستگی ساکنان آن می باشد.

## 22- مسکن مریم (س)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 16 - 5

5- مریم (س) در آستانه حامله شدن به عیسی (ع)، در نزدیکی مسجدالاقصی، بستگانی داشت که در میان آنان به سر می برد.

إذ انتبذت من أهلها مکاناً شرقیاً

به قرینه «مکاناً قصبیاً» در آیه بیست و دوم که ناظر به مکان دومی است که مریم (س) برگزید، مکان شرقی مسجدالاقصی به منطقه مسکونی مردم نزدیک بوده است.

## 23- مسکن مطلقه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مردان ، حق ندارند زنان مطلقه خود را در ایام عدّه ، از خانه هایشان بیرون کنند .

لاتخرجوهنّ من بیوتهنّ

انتساب خانه ها به زنان (بیوتهنّ) گویای این نکته است که زنان مطلقه، باید در همان منازلی زندگی کنند که پیش از اقدام به

ص: 475



طلاق در آن جا بوده اند.

11 - محل سکونت زنان مطلقه در ایام عدّه، همان محل پیش از طلاق است و مردان حق ندارند آن را تغییر دهند.

لا تخرجوهنّ من بیوتهنّ

14 - ارتکاب عمل بسیار زشت و آشکار از سوی زنان مطلقه، موجب سلب حق مسکن آنان از عهده همسران است.

و لا یخرجنّ إلاّ أن یأتین بفحشه مبینه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - طلاق - 65 - 5 - 1

1 - احکام طلاق و عدّه زنان مطلقه و ادای حقوق آنان ( همچون مسکن، هزینه زندگی و برخورد شایسته ) فرمان های نازل شده از سوی خداوند

إذا طلقتم النساء فطلقوهنّ لعدّتهنّ .. ذلک أمر الله أنزله إلیکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - طلاق - 65 - 6 - 3، 2، 1

1 - مسکن زنان مطلقه در ایام عدّه، بر عهده همسرانشان است.

أسکنوهنّ

2 - مسکن زنان مطلقه، باید در بخشی از همان محل سکونت و منزل همسرانشان باشد؛ نه در منزل و محل دیگر.

أسکنوهنّ من حیث سکنتم

گفتنی است «من» در «من حیث سکنتم» برای تبعیض است؛ یعنی، در بخشی از منزل مسکونی خویش، همسران را اسکان دهید.

3 - مسکن زنان مطلقه از نظر کمیت و کیفیت، باید به مقدار دارایی و توانایی همسرانشان باشد؛ نه کمتر از آن.

أسکنوهنّ من حیث سکنتم من وجدکم

«وجد»، به معنای وسع و طاقت (توانایی) است.

17 - «عن ابی عبدالله (ع) قال: لا یضارّ الرجل امرأته إذا طلقها فیضیق علیها حتّی تنتقل قبل أن تنقضی عدّتها، فإنّ الله عزّوجلّ قد نهی

عن ذلک فقال : « و لاتنصاّروهنّ لتضییقوا علیهنّ » ;

از امام صادق(ع) روایت شده که فرمود: مرد نباید به همسر مطلقه خود ضرر برساند و او را [از نظر مسکن و نفقه] در مضیقه قرار دهد تا [مجبور شود] قبل از تمام شدن عدّه، از خانه شوهر به جای دیگر انتقال یابد؛ زیرا خداوند از این کار نهی کرده و فرموده است: و لاتنصاّروهنّ لتضییقوا علیهنّ».

#### 24- موسی(ع) و مسکن بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 87 - 2، 1

1 - خداوند ، از طریق وحی به موسی و هارون (ع) فرمان داد تا در شهر مصر ( مرکز حکومت فرعون ) به تهیه مسکن برای قوم

ص: 476

خود اقدام کنند .

و أوحينا إلی موسى و أخیه أن تبوءا لقومکما بمصر بیوتاً

برداشت فوق مبتنی بر این است که اولاً «مصر» به معنای شهر مصر باشد ; چنان که به همین معنا در مفردات و لسان تصریح شده است .  
ثانیاً: جار و مجرور (بمصر) متعلق به «تبوءاً» باشد نه حال برای «قومکما» .

2- موسی و هارون (ع) مأموریت یافتند تا برای آن دسته از بنی اسرائیل که ساکن شهر مصر بودند ، اقدام به تهیه مسکن نمایند .

و أوحينا إلی موسى و أخیه أن تبوءا لقومکما بمصر بیوتاً

برداشت فوق بر این اساس است که «بمصر» متعلق به عامل مقدر و حال یا صفت برای «قوم» باشد ; یعنی: تبوءاً لقومکما کائینین یا الکائینین بمصر .

## 25- نعمت مسکن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مانده - 5 - 20 - 15

15 - داشتن همسر ، خادم و مسکن ، از نعمت های خداوند بر بنی اسرائیل

و جعلکم ملوکاً

از رسوا خدا(صلی الله علیه و آله) در توضیح « جعلکم ملوکاً» در آیه فوق روایت شده: زوجه و مسکن و خادم. حدیث فوق در صدد بیان معنای تنزیلی برای «ملک» می باشد، چنانکه در عرف عامه نیز مرسوم است که می گویند هر کس همسر، خادم و مسکن داشته باشد، پادشاه است.

---

الدر المنثور، ج 3، ص 47، سطر 5.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 74 - 3

3- صالح (ع) از قوم خویش خواست تا نعمت خلافت و سکونت گزیدن در سرزمین حجر را نعمتی از جانب خدا بدانند و آن را همواره به خاطر داشته باشند .

و اذکروا إذ جعلکم خلفاء من بعد عاد و بوأکم فی الأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 93 - 4

4 - برخوردارى مؤمنان از مسکن مناسب و کیفیت خوب زندگى ، در دیدگاه ادیان الهى ، امرى پسندیده و نعمت خدادادى است .

و لقد بوأنا بنى إسرائيل مبعوثاً صدق ورزقنهم من الطيبات

ص: 477

## 26- نیاز به مسکن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 35 - 15

15 - مسکن ، همسر و خوراک از نیاز های ضروری انسان

اسکن أنت و زوجك الجنة و كلا منها

جریان آفرینش آدم(ع) و نکات ذکر شده پیرامون آن، ترسیمی کلی از چهره انسان و نیازها، روحیات، افکار و .. اوست نه مجرد داستانی از آدم(ع) و حوا؛ یعنی، اگر سخن از نیاز آدم(ع) و حوا به مسکن، همسر و خوراک به میان آمده بیانگر نیاز همه انسانها به این موارد می باشد و اگر سخن از تشریح و هدایت است، نشانگر نیاز همه انسانها به هدایت و تشریح خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 119 - 2

2 - آب و مسکن ، از جمله نیاز های اساسی انسان از آغاز خلقت

و إنك لاتظمؤا فيها و لاتضحى

## 27- ویژگیهای مسکن قوم ثمود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 149 - 2

2 - سکونت ثمودیان در منطقه ای کوهستانی و گرمسیر

و نخل طلعتها هضيم . و تتحتون من الجبال بيوتاً فرهين

وجود نخلستان در سرزمین ثمودیان، حاکی از گرمسیر بودن آن و تعبیر «و تتحتون من الجبال» بیانگر کوهستانی بودن آن است.

## 28- هارون(ع) و مسکن بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 87 - 2، 1

1 - خداوند ، از طریق وحی به موسی و هارون (ع) فرمان داد تا در شهر مصر (مرکز حکومت فرعون) به تهیه مسکن برای قوم خود اقدام

کنند .

و أوحينا إلی موسی و أخیه أن تبوءا لقومکما بمصر بیوتاً

برداشت فوق مبتنی بر این است که اولاً «مصر» به معنای شهر مصر باشد ; چنان که به همین معنا در مفردات و لسان تصریح شده است. ثانیاً: جار و مجرور (بمصر) متعلق به «تبوءاً» باشد نه حال برای «قومکما».

2- موسی و هارون (ع) مأموریت یافتند تا برای آن دسته از بنی اسرائیل که ساکن شهر مصر بودند ، اقدام به تهیه مسکن نمایند .

ص: 478

و أوحينا إلى موسى وأخيه أن تبوءا لقومكما بمصر بيوتاً

برداشت فوق بر این اساس است که «بمصر» متعلق به عامل مقدر و حال یا صفت برای «قوم» باشد؛ یعنی: تبوءاً لقومكما کائنین یا  
الکائنین بمصر.

ص: 479

1- احسان به مسکین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 36 - 8

8 - ضرورت احسان و نیکی به خویشاوندان ، یتیمان و درماندگان

و بالوالدین احساناً و بذی القربی و الیتامی و المساکین

2- درآمد مسکین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - کهف - 18 - 79 - 6

6- داشتن شغل و درآمد ، مانع صدق « مسکین » بر محرومان نیست .

و أمّا السفینه فکانت لمسکین

با وجود آن که صاحبان کشتی، دارای مالکیت و درآمد بوده اند، ولی کلمه «مسکین» بر آنان اطلاق شده است. بنابراین، در صدق عنوان مسکین، نداشتن هیچ نوع مالکیت و یا شغل و درآمد، دخیل نیست.

3- زن مسکین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 89 - 30

30 - لزوم رعایت تناسب کیفیت پوشاکی که در کفاره قسم داده می شود با فصل سال ( تابستان و زمستان ) و مرد یا زن بودن

ص: 480



فکفرته ... او کسوتهم

از امام باقر یا امام صادق علیهما السلام در توضیح آیه فوق روایت شده: ... و اما کسوتهم فان وافقت به التشاء فکسوته، و ان وافقت به الصیف فکسوته، لکل مسکین ازار و رداء و للمراه ما یواری ما یحرم منها ازار و خمار و درع ...

تفسیر عیاشی، ج 1، ص 337، ح 167؛ تفسیر برهان، ج 1، ص 496، ح 12.

#### 4- شغل مسکین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - کهف - 18 - 79 - 6

6- داشتن شغل و درآمد، مانع صدق «مسکین» بر محرومان نیست.

و أمّا السفینه فکانت لمسکین

با وجود آن که صاحبان کشتی، دارای مالکیت و درآمد بوده اند، ولی کلمه «مسکین» بر آنان اطلاق شده است. بنابراین، در صدق عنوان مسکین، نداشتن هیچ نوع مالکیت و یا شغل و درآمد، دخیل نیست.

#### 5- مراد از مسکین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - کهف - 18 - 79 - 6

6- داشتن شغل و درآمد، مانع صدق «مسکین» بر محرومان نیست.

و أمّا السفینه فکانت لمسکین

با وجود آن که صاحبان کشتی، دارای مالکیت و درآمد بوده اند، ولی کلمه «مسکین» بر آنان اطلاق شده است. بنابراین، در صدق عنوان مسکین، نداشتن هیچ نوع مالکیت و یا شغل و درآمد، دخیل نیست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - انسان - 76 - 8 - 9

9 - « عن النبي (صلى الله عليه وآله) في قول الله « مسكيناً » قال : فقيراً ، و « يتيماً » قال : لا- أب له ، و « أسيراً » قال : المملوك و المسجون ؛

از رسول خدا(صلى الله عليه وآله) درباره سخن خداوند «مسكيناً» روايت شده كه فرمود: [مراد] فقير و تهيدست است و درباره «يتيماً» فرمود: [مقصود] كسى است كه پدر ندارد و درباره «أسيراً» فرمود: مراد برده و زندانى است».

ص: 481

## 6- مرد مسکین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 89 - 30

30 - لزوم رعایت تناسب کیفیت پوشاکی که در کفاره قسم داده می شود با فصل سال ( تابستان و زمستان ) و مرد یا زن بودن فقیر

فکفرتہ .. او کسوتهم

از امام باقر یا امام صادق علیهما السلام در توضیح آیه فوق روایت شده: .. و اما کسوتهم فان وافقت به التشاء فکسوته، و ان وافقت به الصیف فکسوته، لکل مسکین ازار و رداء و للمراه ما یواری ما یحرم منها ازار و خمار و درع ....

---

تفسیر عیاشی، ج 1، ص 337، ح 167؛ تفسیر برهان، ج 1، ص 496، ح 12.

مسکنت

## 7- نشانه های مسکنت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - مدثر - 74 - 44 - 5

5 - گرسنگی و محرومیت از مواد غذایی لازم، از نشانه های مسکین بودن

و لم نک نطعم المسکین

ص: 482

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می دانند و کسانی که نمی دانند یکسانند؟

سوره زمر / 9

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک 129/34 - طبقه اول

وب سایت: [www.ghbook.ir](http://www.ghbook.ir)

ایمیل: [Info@ghbook.ir](mailto:Info@ghbook.ir)

تلفن دفتر مرکزی: 03134490125

دفتر تهران: 021 - 88318722

بازرگانی و فروش: 09132000109

امور کاربران: 09132000109



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

# گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی  
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

**[www.Ghaemiyeh.com](http://www.Ghaemiyeh.com)**

[www.Ghaemiyeh.net](http://www.Ghaemiyeh.net)

[www.Ghaemiyeh.org](http://www.Ghaemiyeh.org)

[www.Ghaemiyeh.ir](http://www.Ghaemiyeh.ir)

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

